



فصلنامه علمی

مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

- شماره: ۴۴ ● تابستان ۱۳۹۸ ● شاپا: ۲۲۴x - ۱۷۳۵
- صاحب امتیاز: وزارت ورزش و جوانان
- مدیر مسئول: محمدرضا فضلے
- سردبیر: سید نصراله سجادی
- مدیر داخلی و ویراستار: زهرا کمالیان
- صفحه آرا: جعفر خدادادی
- چاپ و صحافے: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی

مرکز مطالعات و پژوهش های راهبردی

- بزرگراه آفریقا، خیابان سایه، پلاک ۴، ساختمان شماره ۲ وزارت ورزش و جوانان
- تلفن: ۲۲۶۶۲۳۶۹، دورنگار: ۲۲۶۶۲۲۶۰
- رایانامه: strategic.studies@msy.gov.ir
- سامانه ارسال مقاله: <http://faslname.msy.gov.ir>
- اقتباس و درج مطالب با ذکر ماخذ آزاد است

فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان دارای اعتبار علمی - پژوهشی ۳/۱۸/۸۰۳۳ از ۱۳۹۳/۱/۲۵
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است و در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نمایه می شود.

هیئت تحریریه: (به ترتیب الفبا)

سید عبدالحمید احمدی

دانشیار تربیت بدنی (فیزیولوژی ورزشی) جهاد دانشگاهی

محمد جوادی پور

دانشیار برنامه ریزی درسی گروه روش‌ها و برنامه‌های آموزشی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

سید نصراله سجادی

استاد تربیت بدنی (مدیریت و برنامه ریزی) گروه مدیریت ورزشی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران

غلامرضا شعبانی بهار

استاد تربیت بدنی (مدیریت و برنامه ریزی) گروه مدیریت و برنامه ریزی در تربیت بدنی دانشکده تربیت بدنی و

علوم ورزشی دانشگاه علامه طباطبائی

رسول صادقی

دانشیار جامعه شناسی گروه جمعیت شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

فرزاد غفوری

دانشیار تربیت بدنی (مدیریت و برنامه ریزی) گروه مدیریت و برنامه ریزی در تربیت بدنی دانشکده تربیت بدنی و

علوم ورزشی دانشگاه علامه طباطبائی

کوروش فتحی واجارگاه

استاد برنامه ریزی درسی گروه آموزش عالی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی

رضا قراخانو

استاد تربیت بدنی (فیزیولوژی ورزشی) گروه تربیت بدنی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس

شهلا کاظمی پور

دانشیار جامعه شناسی گروه جمعیت شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

عباسعلی گائینی

استاد تربیت بدنی (فیزیولوژی ورزشی) گروه فیزیولوژی ورزشی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران

مشاوران علمی این شماره:

امیر حسین واعظی، حسن کلاشلو، سید محسن بنی جمالی، حمیدرضا نیکخواه، شهرام فرج زاده موالو، لطیف سعادت سیدبگلو، مهدی شکرانی، لقمان کشاورز، محمد رسول خدادادی، علی فهیمی نژاد، محمد هادی توکلی، اصغر محمدی فاتح، نصراله محمدی، رسول طریقی، حسن عبدی، کریم زهره وندیان، مهدی سلیمی، علی همتی عقیف، وحید ساعتچیان، مجید کیانی، کیوان شعبانی مقدم، بهنام نقی پور گیوی، شمس الدین رضایی، سیاوش خداپرست سرشکه، محمد علی نودهی، صمد گودرزی، حسین زارعیان، سجاد غلامی ترکسلویه، جعفر سطوتی، محمد مهدی شمسایی، مجید کاشانی، رسول صادقی، حسن قراباغی، ستار پروین، برزو مروت، علی عربی، فهیمه مومنی فر، صدیقه اسلامی، نازنین راسخ، شهلا کاظمی پور ثابت، سهیلا علیرضائزاد، طاهره جعفری، فهیمه نظری، فریده عقیلی و لیلا میرآقاسی.

اهداف فصلنامه:

۱. ارتقای دانش علمی و بررسی نقادانه سیاست‌ها و برنامه‌های موجود
۲. کمک به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در حوزه ورزش و جوانان
۳. بررسی مسائل و چالش‌های فراروی جوانان و ورزش کشور با ارائه راهکارهای نوین و مفید در این زمینه‌ها
۴. انعکاس جدیدترین یافته‌های جوان پژوهی و ورزشی در داخل و خارج کشور

شرایط چاپ مقالات:

۱. مقالات ارسالی نباید برای هیچ نشریه داخلی یا خارجی ارسال یا در آنها چاپ شده باشد.
۲. مقالات ارسالی، به هیچ وجه مسترد نخواهد شد و پس از طی مراحل ارزیابی و تأیید علمی داوران به چاپ خواهد رسید.
۳. فصلنامه در رد یا پذیرش مقالات و ویرایش مطالب و تغییر عناوین، آزاد است.
۴. مسئولیت مطالب، با نویسندگان است.

راهنمای تنظیم مقالات

فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

۱. مقاله‌های قابل پذیرش در فصلنامه عبارت اند از گزارش‌های علمی از مطالعات تحقیقی که شامل چکیده فارسی و انگلیسی، مقدمه، روش، یافته‌ها، بحث و تفسیر، نتیجه‌گیری و منابع باشند.
۲. حجم مقاله‌ها باید بین ۱۵ تا ۲۵ صفحه A4 (هر صفحه حدود ۴۰۰ واژه) و در فرمت word 2007 به پایین با فونت 14 Blotus تایپ شده باشد.
۳. ساختار مقاله‌ها باید شامل اجزای زیر باشد:
 - **صفحه عنوان:** ضروری است که عنوان کامل مقاله در کوتاه‌ترین و زیباترین شکل، نام کامل نویسندگان، بالاترین مدرک، مقطع و رشته تحصیلی، دانشگاه یا سازمان متبوع و رتبه علمی یا پست سازمانی هر یک از نویسندگان (به فارسی و انگلیسی)، نشانی پستی، تلفن ثابت، تلفن همراه، نامبر و نشانی الکترونیکی نویسنده مسئول درج شود.
 - **چکیده فارسی و انگلیسی:** لازم است که چکیده‌ای سازمان یافته حداکثر در ۲۵۰ واژه، به زبان فارسی و انگلیسی در بر گیرنده بخش‌های هدف، روش، یافته‌ها و نتیجه‌گیری به صورت فشرده و منعکس کننده اهم مطالب مقاله به همراه ۳ تا ۶ کلمه به عنوان واژگان کلیدی (به گونه‌ای که مقاله بر مبنای آن نمایه سازی شود) ارائه گردد.
 - **مقدمه:** شامل طرح مسئله، پیشینه تحقیق، خلاصه‌ای از تعاریف، اصول، تئوری‌ها، مجهولات بجا مانده از تحقیقات قبلی، چارچوب نظری، فرضیه‌ها یا پرسش‌ها، نتایج، بحث و منابع به صورت کامل ارائه گردد.
 - **روش:** شامل تبیین روش تحقیق، جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و ابزارهای پژوهش است.
 - **یافته‌ها:** یافته‌های حاصل از روش‌های آماری می‌تواند به صورت متن، جدول (شماره و عنوان در بالای آن) و نمودار (شماره و عنوان در زیر آن) ارائه شود- تعداد جدول‌ها و نمودارها نباید بیشتر از ۶ عدد باشد.
 - **بحث و نتیجه‌گیری:** ضمن مقایسه یافته‌های حاصل از این تحقیق با تحقیقات قبلی از منظر شباهت‌ها و تفاوت‌ها، به درستی یا نادرستی فرضیه‌ها و هدف تحقیق اشاره گردد.
 - **منابع:** تمامی مقاله‌ها باید دارای منابع مستند، صحیح و مرتبط باشند و از آنجا که بررسی صحت و سقم تمامی منابع برای اعضای هیئت تحریریه و داوران ممکن نیست، مسئولیت این امر بر عهده نویسنده مسئول می‌باشد. همچنین، لازم است که منابع مورد استفاده، جدید و از سال ۲۰۰۵ به بعد باشند.

۴. ارجاعات به منابع فارسی و انگلیسی باید به شیوه درون متنی (APA) در داخل پرانتز و به شیوه زیر باشد:
(نام خانوادگی مولف، سال انتشار منبع: شماره صفحه یا صفحات) - چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال، بیش از یک اثر منتشر شده باشد، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار از یکدیگر متمایز شوند.
۵. معادل غیر فارسی واژه‌های تخصصی، اسامی افراد یا مکان‌ها، کتبه نوشت‌ها و سر واژه‌ها، در پاورقی هر صفحه با شماره گذاری مستقل ذکر شود.
۶. هر گونه توضیح اضافی ضروری به ترتیب شماره، در پی نوشت انتهای مقاله، پیش از فهرست منابع بیاید.
۷. فهرست منابع (فارسی یا غیر فارسی) در انتهای مقاله به ترتیب الفبایی نام خانوادگی مولف به شکل زیر تنظیم شود:
- الف. کتاب:** نام خانوادگی مولف، نام (سال انتشار) **عنوان مقاله**. نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). محل انتشار: ناشر
- ب. مقاله:** نام خانوادگی مولف، نام (سال انتشار) «**عنوان مقاله**». نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). نام مجله. سال یا دوره، شماره.
- ج. مجموعه مقالات:** نام خانوادگی مولف، نام (سال انتشار) «**عنوان مقاله**». نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). در (in) نام و نام خانوادگی ویراستار مجموعه. عنوان مجموعه. محل انتشار: ناشر.
- د. رساله تحصیلی:** نام خانوادگی مولف، نام (سال تدوین) «**عنوان مقاله**». مقطع تحصیلی، دانشکده و دانشگاه محل تحصیل.
- ه. پایگاه اینترنتی:** نام خانوادگی مولف، نام (آخرین زمان به روز نمودن سایت) «**عنوان مقاله**». نشانی پایگاه اینترنتی (تاریخ مراجعه به پایگاه).

مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی

فهرست

راهبردها و پیامدهای توسعه ورزش حرفه‌ای ایران

علی رغبتی، فریده هادوی، نجف آقایی، علیرضا الهی ۹۱

شناسایی شرایط علی موثر بر توسعه قابلیت‌های مدیران نخبه در سازمان‌های ورزشی منتخب کشور (مطالعه‌ای بارویکرد گرانددنتوری)

فاطمه فاضلی دینان، علی محمد صفانیا، سید عماد حسینی ۲۷

ارتباط ابعاد بازاریابی کارآفرینانه با عملکرد باشگاه‌های ورزشی خصوصی شهر تهران

شهرام نظری، نرگس صولتی، احمد گرامی گنجه ۴۹

ارتباط بین کمال گرایی و خودتعیینی با راهبردهای مقابله‌ای دانشجویان تیم‌های ورزشی

مرتضی قالیباف طوسی نژاد، مونا رضایی، بهروز منتقمی ۷۱

طراحی مدل تأثیر کارکرد اجتماعی و روانشناختی رسانه‌های اجتماعی ورزشی بر دلبستگی هواداران تیم استقلال تهران

معصومه کلاته سیفری، محسن اسمعیلی، مسعود فریدونی ۸۵

ارزیابی موفقیت سامانه اطلاعات مدیریت وزارت ورزش و جوانان بر اساس مدل دلون و مک‌لین

مازیار حاتقی، سید مصطفی طیبی ثانی، علی فهیمی نژاد، باقر مرسل ۱۰۱

ارتباط بین سبک رهبری تحول‌گرا، خلاقیت و نوآوری سازمانی در ادارات تربیت بدنی آموزش و پرورش کشور

عین‌الله صادقی نیارکی، مهدی نادری نسب، رحیم رمضانی نژاد ۱۱۵

تأثیر هوش سازمانی بر بهره‌وری با میانجیگری فناوری اطلاعات در ادارات کل ورزش و جوانان

حسین آذرنیا، علی محمد صفانیا، عباس خدایاری ۱۲۹

مروری بر تأثیر سالمندی و تمرین بر عضلات اسکلتی

محمدرضا فضلی ۱۴۷

جوانان، خانواده و مدیریت ازدواج

سهیلا صادقی فسایی، سید محسن بنی‌جمالی ۱۶۷

بررسی جامعه‌شناختی انتقال فرهنگ دینی از طریق خانواده‌ها به جوانان در چهار دهه اخیر (مورد مطالعه: شهر تهران در سال ۱۳۹۷)

سهیلا مبارک، زهرا حضرتی صومعه، باقر ساروخانی ۱۹۳

تأثیر آموزش کیفی بر اشتغال و هویت فردی جوانان

پروین داداندیش، حمید رهنورد ۲۱۷

بررسی آرزوهای اجتماعی دانش‌آموزان دبیرستانی ۱۵ تا ۱۸ ساله در شهر یزد

علی روحانی، عباس عسکری ندوشن، سعید کشاورزی ۲۲۷

سنجش سلامت اجتماعی و برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز)

کریم رضادوست، علی حسین حسین‌زاده، ایوب رستمی ۲۵۷

پژوهش کیفی پیامدهای رابطه خارج از ازدواج دختران جوان با جنس مخالف

منصور فتحی، محمدتقی کرمی قهی، مرضیه پوراسمعیلی ۲۷۹



راهبردها و پیامدهای توسعه ورزش حرفه‌ای ایران

علی رغبتی^۱
فریده هادوی^۲
نجف آقایی^۳
علیرضا الهی^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۰/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۲۵

هدف اصلی این پژوهش، تعیین راهبردها و پیامدهای توسعه ورزش حرفه‌ای ایران بود. برای دستیابی به هدف بیان شده و با توجه به تخصصی بودن موضوع پژوهش، مطالعه کیفی با استفاده از انجام مصاحبه‌های عمیق با نخبگان این موضوع مورد استفاده قرار گرفت. انجام مصاحبه‌ها به صورت هدفمند و به شیوه گلوله برفی ادامه یافت و در نهایت ۱۸ نفر مورد مصاحبه قرار گرفتند. داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به روش داده بنیاد و از طریق سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های مربوط به راهبردها بیانگر ۹ حیطه اصلی بود؛ به طوری که پوشش دهنده چالش‌های درونی و بیرونی توسعه ورزش حرفه‌ای کشور باشند. این حیطه‌ها شامل موارد زیر می‌شود: مدیریتی، حقوقی-قانونی، منابع انسانی، سخت افزاری، تسهیلاتی، کارآفرینی، اقتصادی، ساختاری و فرهنگی- رسانه‌ای. همچنین، پیامدهای شناسایی شده حاصل از راهبردها شامل اشتغال‌زایی، توسعه اقتصادی، توسعه ملی، توسعه رفتاری و توسعه ساختاری می‌باشد که تا حدود زیادی منطبق بر راهبردها نیز بودند. بر اساس یافته‌های پژوهش، راهبردهای اجرایی ارائه شده می‌تواند کمک رسان مدیران ورزشی کشور در زمینه توسعه ورزش حرفه‌ای کشور باشد.

واژگان کلیدی: ورزش حرفه‌ای، راهبرد، توسعه و صنعت

۱. دانشجوی دکتری، مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
E-mail: Ali.reghbati@gmail.com

۲. دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۳. دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۴. دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

مقدمه

امروزه، تشکیلات ورزشی هر کشور باید منسجم و مشخص باشد و فعالیت‌ها و اهداف در حال اجرا و پیگیری، باید از استحکام و دلیل منطقی برخوردار باشند. در ساختار و سازمان برنامه‌های ورزش یک کشور، اهمیت فعالیت‌ها، اهداف، برنامه ریزی‌ها و تشکیلات باید واضح باشد. با توجه به موارد ذکر شده برای برنامه ریزی منظم و اصولی، در ورزش هر کشور باید به تمامی ابعاد ورزش توجه و بر آنها تمرکز شود. به دلیل نقش و اهمیت تربیت‌بدنی و ورزش در جوامع و تأثیر روزافزون آن در بهبود و ارتقای سطح سلامتی و نشاط عمومی و کسب موفقیت‌های بین‌المللی، جنبش‌ها، سازمان و نهادهای مختلفی به وجود آمده که موجب شکل‌گیری صنعت ورزش شده است. در این صنعت انواع سازمان‌های عمومی و خصوصی به فعالیت مشغول‌اند که برخی ماهیت ورزشی دارند و برخی دیگر بیرون از حوزه ورزش به آن وارد شده‌اند. از سویی دیگر، به دلیل جذابیت ورزش و همچنین مشکلات مالی بسیار زیاد از جمله محدودیت منابع مالی دولتی در ورزش، فرآیندی به وجود آمده است که ورزش با سایر حوزه‌ها برای کسب سود دوطرفه، رابطه برد-برد ایجاد کند که یکی از این حوزه‌ها اقتصاد می‌باشد؛ به‌طوری‌که ورزش و اقتصاد با یکدیگر در تعامل‌اند و دولت‌ها و شرکت‌های خصوصی با سرمایه‌گذاری در ورزش می‌توانند از منابع بسیار بهره‌مند شوند (احسانی، ۱۳۸۷). اهمیت «ورزش حرفه‌ای»^۱ تا حدی است که در برخی از تحقیقات ثابت شده است که موفقیت در ورزش حرفه‌ای در گرایش مردم به ورزش فراغت‌ی اثرات مستقیم دارد (موترو پاولوفسکی^۲، ۲۰۱۴).

ورزش حرفه‌ای، ورزشی است که توسط متولیان خصوصی خود یعنی باشگاه‌های ورزشی سیاست‌گذاری و اداره می‌شود. سازمان‌های ورزش حرفه‌ای، توسعه و ترویج رشته‌های ورزشی تیمی یا انفرادی و یا هر دو را می‌توانند همراه با اهداف حرفه‌ای خود به عهده گیرند. در ورزش‌های حرفه‌ای، ورزشکار در ازای شرکت در برنامه‌های تمرینی و انجام مسابقات ورزشی پول دریافت می‌کند که به عنوان هزینه‌های زندگی و دیگر موارد از آن استفاده می‌شود. وقتی از ورزش حرفه‌ای صحبت می‌شود، منظور فعالیت‌های ورزشی هستند که برای افراد درگیر در آن، حمایت مالی را به دنبال می‌آورد (قاسمی، ۱۳۹۲).

امروزه رشد فزاینده «مشارکت ورزشی»^۳ در شمار زیادی از کشورها و محبوبیت و شهرت ورزشکاران از مهمترین عوامل دگرگون شدن مفهوم «ورزش آماتوری»^۴ و تحول تدریجی آن به ورزش حرفه‌ای است. در ابتدا معمول نبود که ورزشکاران برای فعالیت‌های ورزشی خود پاداش مادی دریافت کنند. ورزش نوین، به عنوان حرفه‌ای کنار دیگر حرفه‌ها، گرایش فزاینده‌ای به سمت حرفه‌ای شدن نشان داد. عوامل چندی در پیدایش مسئله حرفه‌ای بودن و گسترش آن دخالت داشته است (قاسمی، ۱۳۸۹). در واقع، تمایل به رشد و توسعه در عرصه ورزش خواسته و ناخواسته همه ابعاد ورزش را به ورزش حرفه‌ای پیوند زده و ناچار می‌سازد سازوکارهای ایجاد و توسعه آن با توجه به قواعد و الزاماتی که دارد محقق شود. در حال حاضر ورزش و تفریحات سالم در کشورهای توسعه یافته به عنوان یک صنعت مهم و عامل اثرگذار در رشد اقتصاد ملی مورد توجه است و یکی از درآمدزاترین صنایع در قرن ۲۱ به شمار می‌رود. صنعت ورزش به سرعت

1. Professional Sport
2. Mutter and Pawlowski
3. Participation in sport
4. Amateur Sports

جهانی گشته، قلمرو آن همه جا را تسخیر کرده و در سراسر دنیا ریشه دوانیده است تا میلیاردها انسان از آن بهره مند شوند. بسیاری از محققان بیان کرده اند که اختصاص بخش زیادی از بودجه و امکانات به ورزش سطوح پایه برای تولید ورزشکاران نخبه را می توان به اثر حرکت از سطح پایین به بالا نامید. دولت هایی که منابع را به طور مستقیم به سطوح بالا و حرفه ای ورزش اختصاص می دهند، تاثیر از بالا به پایین مورد انتظار آنهاست. بر این اساس، عملکرد موفق قهرمانان ورزشی، مردم را به مشارکت در فعالیت های بدنی و افزایش مشارکت همگانی تشویق می کند. البته این ایده مورد سوال است و تحقیق و حمایت جدی از آن نشده است (احسانی، ۱۳۸۳). در سیاست از پایین - بالا، هدف اصلی جلب مشارکت همه مردم و محبوبیت ورزشی است، ولی در سیاست از بالا - پایین روی یک یا چند رشته ورزشی محبوب (به جای محبوبیت ورزش) برای موفقیت های بین المللی سرمایه گذاری های خاص می شود به این امید که مشارکت ورزشی مردم نیز بیشتر خواهد شد (ادی، ۱۹۹۳). در واقع ورزش حرفه ای، نوعی کسب و کار است و دارای ماهیتی خصوصی است. در سال های اخیر تحقیقات متفاوتی در این حوزه صورت پذیرفته است. از آن جمله می توان به مطالعات زهره وندیان و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «مدل شناسایی موانع و محدودیت هایی پیش روی قابلیت های بازاریابی باشگاه های فوتبال لیگ برتر» به این نتایج رسیدند که نتیجه گروهبندی کدها نشان دهنده ۲۵ مانع بازاریابی در سه سطح زمینه ای، ساختاری و رفتاری بود. در سطح زمینه ای، موانع محیطی خرد و کلان نظیر موانع فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، رسانه ها و دولت، در سطح ساختاری، موانع مربوط به امکانات فیزیکی و موانع سازمانی نظیر استادیوم و ساختار سازمانی، قوانین و مقررات سازمانی و در سطح رفتاری، موانع فردی و موانع مدیریتی نظیر فقدان برنامه ریزی، نبود تفکر راهبردی و کارکنان، مربیان و بازیکنان قرار دارند. عرب نرمی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «تحلیل وضعیت ورزش حرفه ای در تلویزیون ملی ایران» به این نتایج رسیدند که شرایط علی شامل اولویت داشتن برنامه های فراغتی و خبری، جذابیت مالی، فعالیت رسانه ای ناچیز در سایر رشته ها و سهولت جذب مخاطب است. برخی از شرایط مداخله گر و بستر ساز شامل نبود رقابت رسانه ای، تنوع بسیار زیاد رشته های ورزشی و تنوع سلیقه هستند. راهبردهای کنش - واکنش شامل کمبود تحلیل های علمی و سازنده، کاهش تمرکز بر ایجاد ذائقه و ترغیب به سایر رشته ها و عدم پوشش بر مبنای ظرفیت و امکانات موجود هستند که پیامدهایی از قبیل نخبه پروری، تضییع حقوق سایر رشته ها، تقویت انگیزه مالی به جای انگیزه بهداشتی و ایجاد علاقه به پیگیری حاشیه ها و اختلافات را به همراه دارند. نصیرزاده و رضایی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «تجزیه و تحلیل محیطی (SWOT) واکزاری باشگاه های فوتبال ایران به بخش خصوصی» به این نتایج رسیدند که یافته های حاصل از تحلیل مصاحبه ها منجر به ارائه قوت ها (۷ مورد)، ضعف ها (۱۵ مورد)، فرصت ها (۷ مورد)، تهدیدها (۱۵ مورد) و راهبردهای (۲۰ مورد) واکزاری باشگاه های فوتبال گردید. بررسی ها نشان دادند که واکزاری باشگاه های فوتبال به بخش خصوصی در شرایط موجود، تقریباً محکوم به شکست است. بنسپردی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «مدلسازی عوامل مؤثر بر گسترش برند باشگاه های حرفه ای فوتبال» به این نتیجه رسیدند که برازش مدل با داده ها مناسب است و ضریب تاثیر چهار عامل قوانین (۰/۵)، ارزش ویژه برند (۰/۳۷)، اقدام های بازاریابی (۰/۲۷) و هویت تیمی هواداران (۰/۱۷) بر گسترش برند باشگاه های حرفه ای فوتبال معنادار بود. پورکیانی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «تحلیل اثرگذاری ورزش حرفه ای و قهرمانی بر توسعه

ورزش» به این نتایج رسیدند که در ورزش حرفه‌ای، اولویت بیشتر از آن معیار داشتن اماکن و فضاهای کالبدی ورزشی دارای استانداردهای بین‌المللی بوده و در ورزش قهرمانی از آن توسعه نظام استعدادیابی و پرورش ورزشکاران مستعد در توسعه ورزش می‌باشد. براین اساس، لزوم توجه ویژه به نظام آموزشی کشور به منظور پرورش استعدادها و ورزشکاران در جهت ایجاد زیرساخت‌های ورزشی مناسب ضروری به نظر می‌رسد. در این تحقیق بیان گردید ورزش قهرمانی و حرفه‌ای یک نوع تجارت است که در آن بر جذب ورزشکاران بسیار ماهر تأکید می‌شود. بازاریابی ورزشی، تدارک تسهیلات و پاداش‌های مالی، پیروزی از امور حقوقی و قانونی، درآمدزایی و غیره از ویژگی‌های ورزش قهرمانی و حرفه‌ای است. حضور تماشاگر و هر نوع شرکت کننده غیرفعال در ورزش قهرمانی و حرفه‌ای، یک عامل بسیار مهم و تعیین کننده است. درآمد مالی بر زوال و استمرار تجارت ورزش اثر عمده ای دارد. در پژوهشی دیگر استورم و همکاران^۱ (۲۰۱۶) به دنبال این بودند که آیا سرمایه گذاری در ورزش حرفه‌ای توسط شهرداری‌ها می‌تواند توجیه اقتصادی داشته و در توسعه شهر تاثیرگذار باشد؟ بدین منظور آن‌ها سه رشته پرطرفدار در دانمارک را بررسی کردند (فوتبال، هندبال و هاکی) و نشان دادند که برخلاف یافته‌های تحقیقات قبلی، حمایت از تیم‌های حرفه‌ای نقشی در توسعه شهری ندارد. ماتر و پائولوسکی^۲ (۲۰۱۴) پژوهشی با عنوان «نقش مدل‌ها در ورزش‌ها؛ آیا موفقیت در ورزش‌های حرفه‌ای، می‌تواند افزایش تقاضا برای مشارکت ورزشی آماتور را داشته باشد؟» را انجام دادند. در این پژوهش، عوامل موثر بر تقاضا برای مشارکت ورزشی به طور گسترده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که موفقیت‌های گذشته در هردو گروه مرد و زن از تیم‌های ملی فوتبال آلمان، به میزان کمی باعث افزایش تقاضا برای فوتبال آماتور شده است. به هر حال، موفقیت کنونی تیم‌های ملی به طور قابل ملاحظه‌ای تقاضا برای فراوانی مشارکت ورزشی بازیکنان کنونی را افزایش می‌دهد. در دسترس بودن و ارتباط الگوهای نقشی همچنین همانندی به الگوهای نقشی، تعیین کننده اصلی اثر انگیزشی آنها هستند. هلموت دایتل^۳ و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «یک مدل رقابتی لیگ حرفه‌ای ورزشی با بازارهای دوطرفه» به این نتیجه رسیدند که در تیم‌های ورزشی حرفه‌ای، رقابت در باشگاه‌ها به عنوان یک پلتفرم بین حامیان و طرفداران است. در این فعل و انفعالات باشگاه، اثر مثبت شبکه از بازار طرفداران به بازار حامیان در حالی که اثرات مثبت و منفی از حامیان به بازار طرفداران می‌رسد. اندازه این اثرات شبکه همچنین سطح تعادل رقابتی در لیگ را تعیین می‌کند. همچنین رادالی^۴ و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «کارآفرینی و سرمایه انسانی در ورزش حرفه‌ای (مطالعه موردی لیگ فوتبال ایتالیا)» به این نتایج رسیدند که پژوهش‌های اینچنینی می‌تواند حلقه مفقوده کارآفرینی در ورزش را پیدا کند. همچنین در قسمت دیگری اشاره کردند که کارآفرینان مستعد ریسک بیشتری در ورزش انجام می‌دهند که باعث توسعه سرمایه انسانی می‌شود.

در ایران به علت فقدان این نوع ورزش چنین سازمانهایی وجود ندارند، توسعه ورزش حرفه‌ای در کشورمان نیازمند چشم اندازی بلند مدت است. برای ایجاد آنها نیاز به مقرراتی خاص و تغییر ساختار فعلی ورزش به منظور جذب بیشتر مشارکت بخش خصوصی و سازماندهی ورزش در این حوزه دارد. امروزه با حاکمیت

1. Storm et al
2. Mutter & Pawlowski
3. Helmut Dietl
4. Giovanni Radaelli

یافتن نگرش سیستمی و رویکرد راهبردی در تمامی عرصه‌های توسعه و مدیریت توسعه تمامی کشورها و سازمان‌ها برای دست یابی به توسعه معنی دار و پایدار به تدوین سندها و برنامه‌های راهبردی در قالب تدوین نظام جامع روی آورده اند. با توجه به تدوین و ضرورت تدوین جامع دیگر «سند راهبردی نظام جامع توسعه تربیت بدنی و ورزش کشور» اجزا و عناصر آن، تدوین نظام جامع ورزش حرفه‌ای کشور به عنوان یکی از چهار عرصه توسعه ورزش ضروری و اجتناب ناپذیر به نظر می‌رسد (احسانی و همکاران، ۱۳۸۷). امروزه، سازمان‌های ورزشی دولتی از لحاظ کارآیی عملیاتی و عملکرد مالی پایین تر از سطح مطلوب قرار دارند و چندان دلخواه عموم جامعه نیستند. از این رو، بسیاری از سازمان‌های ورزشی که کاملاً در مالکیت دولت قرار دارند و به شکل دولتی اداره می‌شوند، با کمبود بودجه مواجه می‌شوند. این وضعیت سبب حذف یا کاهش خدمات و رویدادهای ترتیب داده شده به وسیله این سازمان‌ها شده است. ورزش حرفه‌ای ضمن برآوردهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، خواهد توانست در امور اقتصادی هم بطور مستقیم و غیر مستقیم موثر واقع شود که در آن صورت ما می‌توانیم بگوییم ورزش حرفه‌ای یک صنعت است، ولی فعلاً ورزش حرفه‌ای را نمی‌توان صنعت محسوب کرد و به بازار اقتصادی محول نمود؛ چرا که فعلاً در کشورهای در حال توسعه بازار و فعالان اقتصادی، ورزش حرفه‌ای را صنعت نمی‌شناسند و با توجه به هزینه‌های گزاف غیر قابل قبول و غیرمنطقی که مزید بر علت شده و از نظر فرهنگی هم برای سرمایه‌گذاران جذابیت و مقبولیت آنچنانی ندارد، باید زمینه چینی و با برنامه ریزی‌های حامیانه در این خصوص سرمایه‌گذاری کرد. با توجه به اهمیت توسعه ی ورزش حرفه‌ای در سطح ملی اهمیت این ضرورت ایجاب نمود تا این بررسی، تلاش نماید تا یکی از نیازهای مهم در راستای توسعه ی ورزش حرفه‌ای کشور را برطرف نماید. از این رو، ارائه راهبردها و پیامدهای مناسب برای توسعه ورزش حرفه‌ای در کشور می‌تواند ضروری باشد.

۱۳

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش کیفی و از نوع نظریه زمینه‌ای^۱ یا مبنایی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل متخصصان و صاحب نظران آشنا با موضوع ورزش حرفه‌ای و مباحث مرتبط با آن و دست اندرکاران دخیل در ورزش می‌باشد. به دلیل دشواری تعیین و تعریف درست و همچنین شناسایی و برآورد آن به نهادهایی مثل «مسئولان حال و گذشته در ورزش حرفه‌ای»، «روسای فدراسیون‌ها»، «مدیران باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای» و «اعضای هیات علمی» برای شناسایی افراد دارای سابقه علمی و اجرایی و خصوصیات فوق مراجعه شد و فهرست مقدماتی و اولیه از افراد مورد نظر، تهیه گردید. در نهایت، با اینکه پس از انجام ۱۵ مصاحبه و مشخص شدن اینکه اطلاعات جدید همان تکرار اطلاعات قبلی است، به منظور افزایش تنوع و غلظت مفهومی بیشتر نظریه، تا ۱۸ مصاحبه انجام گرفت. برای محاسبه پایایی از روش بازآزمون کدگذاری استفاده شد. شاخص پیشنهادی زیر برای محاسبه پایایی بازآزمون بین کدگذاری‌های پژوهش گر در دو فاصله زمانی پیشنهاد شده است:

$$\text{تعداد توافقات} \times 2 = \frac{\text{درصد پایایی}}{\text{تعداد کل کدها}} \times 100$$

در جریان کدگذاری ۶ مصاحبه به طور نمونه در یک فاصله ۳۰ روزه کدگذاری مجدد شد و سپس با مراجعه به کدهای اولیه استخراج شده از آن مصاحبه‌ها و کدهای مجدد جدول زیر به دست آمد:

جدول ۱: پایایی بازآزمون کدگذاری

ردیف	عنوان مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	درصد پایایی بازآزمون
۱	P2	۶۵	۳۰	۹	٪۹۲
۲	P3	۵۴	۲۴	۸	٪۸۸
۳	P6	۸۴	۳۳	۱۱	٪۷۸
۴	P7	۳۹	۱۸	۴	٪۹۲
۵	P9	۶۸	۲۹	۱۰	٪۸۵
۶	P12	۷۱	۳۱	۸	٪۸۷
	کل	۳۸۱	۱۶۵	۵۰	٪۸۶

همان طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود تعداد کل کدها در فاصله زمانی ۳۰ روزه برابر ۳۸۱، تعداد کل توافقات بین کدها در این زمان برابر ۱۶۵ و تعداد کل عدم توافقات در این زمان برابر ۵۰ بود. پایایی بازآزمون مصاحبه‌های انجام گرفته در این پژوهش با استفاده از فرمول ذکر شده، برابر ۸۶ درصد است. با توجه به اینکه میزان پایایی بیشتر از ۶۰ درصد است (هومن، ۱۳۹۴)، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تایید است.

یافته‌های پژوهش

محقق با انجام مصاحبه‌هایی نیمه ساختار یافته، ضمن معرفی الگوی مورد نظر به انجام مصاحبه با گروه‌های نمونه می‌پردازد که در ادامه به کدگذاری و استخراج نتایج خواهد انجامید.

جدول ۲: توصیف ویژگی‌های جمعیتی شناختی مشارکت کنندگان

ردیف	کد مصاحبه شونده	جنسیت	سطح تحصیلات	حوزه فعالیت	رشته تحصیلی	سابقه پژوهش در ورزش حرفه‌ای	سابقه اجرایی در ورزش حرفه‌ای
۱	P1	مرد	کارشناسی ارشد	اجرایی	مهندسی عمران	-	*
۲	P2	مرد	دکتری	علمی	مدیریت ورزشی	*	-
۳	P3	مرد	دکتری	علمی / اجرایی	مدیریت ورزشی	*	*
۴	P4	مرد	دکتری	علمی / اجرایی	مدیریت ورزشی	*	*
۵	P5	مرد	دکتری	علمی / اجرایی	مدیریت ورزشی	*	*
۶	P6	مرد	دکتری	علمی / اجرایی	مدیریت ورزشی	*	-
۷	P7	مرد	دکتری	اجرایی	مدیریت	-	*
۸	P8	مرد	دکتری	اجرایی	پزشکی	-	*
۹	P9	مرد	کارشناسی	اجرایی	مدیریت بازرگانی	-	*
۱۰	P10	مرد	دانشجوی دکتری	اجرایی	جامعه شناسی ورزشی	-	*
۱۱	P11	مرد	کارشناسی ارشد	اجرایی	تربیت بدنی	-	*
۱۲	P12	مرد	دانشجوی دکتری	اجرایی	مدیریت رسانه	*	*
۱۳	P13	زن	دکتری	علمی / اجرایی	مدیریت ورزشی	*	-
۱۴	P14	مرد	دکتری	علمی	مدیریت ورزشی	*	-
۱۵	P15	مرد	دکتری	علمی / اجرایی	مدیریت ورزشی	*	*
۱۶	P16	مرد	دکتری	علمی	مدیریت ورزشی	*	-
۱۷	P17	مرد	دکتری	علمی	مدیریت ورزشی	*	-
۱۸	P18	مرد	دکتری	علمی	مدیریت ورزشی	*	-

جدول ۳: یافته‌های حاصل از کدگذاری گزینشی در مورد راهبردها

مؤلفه‌ها	مفاهیم
مدیریتی	۱. ساماندهی وضعیت ورزش حرفه‌ای با برنامه میان مدت ۲. هماهنگ کردن بخش باشگاه و مدارس توسط نظام ورزش کشور ۳. هدایت و مدیریت بخش خصوصی ۴. فعال کردن کمیته‌های بازاریابی در باشگاه‌ها ۵. نیاز به پژوهش‌های کاربردی و ارتباط تنگاتنگ با باشگاه‌های موفق در دنیا ۶. انجام مطالعات میدانی از باشگاه‌های مختلف و الگو برداری از آن‌ها ۷. برگزاری تورهای مختلف آموزشی برای مدیران باشگاه‌ها
حقوقی - قانونی	۱. پرکردن خلاء قانونی با ارائه یکی دوتا لایحه ۲. الزام در مقررات زدایی در ورزش حرفه‌ای ۳. نیاز به قانون حرفه‌ای شدن ۴. تطبیق باشگاه‌ها با استانداردها در صورت شکل گیری ۵. شکل گیری حکمیت ورزشی
منابع انسانی	۱. پرورش منابع انسانی خام مانند فارغ التحصیلان دانشگاهی ۲. آموزش دادن نیروی انسانی متخصص ۳. نیاز به متخصصان و مشاوران بیرونی ۴. کم شدن اتکا به مربیان خارجی ۵. حمایت از نیروهای حرفه‌ای در زمینه مسائل حقوق ورزشی
سخت افزاری	۱. فراهم کردن شرایطی برای واگذاری اماکن دولتی به بخش خصوصی و باشگاه‌ها ۲. نیاز مبرم به زیرساخت‌های مناسب برای حرفه‌ای شدن ۳. استاندارد سازی اماکن از نظر فنی و ایمنی
تسهیلاتی	۱. دادن تسهیلات از طریق نظام جامع باشگاهداری به سرمایه گذاران ۲. نیاز به دادن یارانه به فعالان در ورزش حرفه‌ای
کارآفرینی	۱. شناسایی تمام مشاغل موجود در ورزش حرفه‌ای ۲. ایجاد اتحادیه صنفی مشاغل ورزش حرفه‌ای
اقتصادی	۱. وارد کردن شرکت‌های هولدینگ به سرمایه‌گذاری در ورزش حرفه‌ای ۲. تجاری سازی باشگاه‌ها توسط دولت و در ادامه واگذاری آن‌ها ۳. پیگیر بودن افزایش ویژه برند توسط باشگاه‌ها ۴. ایجاد یک بازار عرضه و تقاضا مثل صنایع دیگر
ساختاری	۱. طراحی مکانیزم مناسب حرفه‌ای برای نقل و انتقال ورزشکار ۲. مستقل شدن ورزش برای اثرپذیری کم از صنایع دیگر و شرایط اقتصادی کشور ۳. اداره کردن ورزش حرفه‌ای توسط اتحادیه‌های واقعی ۴. تقویت حوزه هواداری و فعال کردن کمیته‌های هواداری باشگاه‌ها
فرهنگی - رسانه ای	۱. نیاز به آکادمی‌های پایه برای فرهنگ سازی حرفه‌ای گری ۲. الزام ایجاد فضای سالم تر در رسانه ۳. ترسیم یک نقشه فرهنگی برای ورزش حرفه‌ای

مرور و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده در قسمت راهبردها و با توجه به جدول بالا، ۶۸ نشان را متمایز ساخت که این نشان‌ها با توجه به نزدیکی موضوعی در ۳۵ مفهوم کلی قرار گرفتند. همچنین، ۹ مقوله نهایی موثر بر ورزش حرفه‌ای گزارش شد.

جدول ۴: یافته‌های حاصل از کدگذاری گزینشی در مورد پیامدها

مؤلفه‌ها	مفاهیم
اشتغال زایی	۱. ایجاد مشاغل پایدار با صرف هزینه‌های کمتر نسبت به مشاغل دیگر
توسعه اقتصادی	۱. درآمدزا شدن ورزش حرفه‌ای با افزایش تولید ناخالص ملی ۲. جریان بهتر صنعت ورزش با افزایش گردش مالی ۳. خروجی رونق اقتصادی از رونق باشگاه‌ها ۴. ارز آوری لژیونرها و افزایش توریسیم ورزشی
توسعه ملی	۱. افزایش نشاط اجتماعی با پوشش دادن اوقات فراغت جامعه ۲. افزایش همبستگی ملی و غرورآفرینی و افتخار آفرینی ملی و بین‌المللی ۳. ارتقای سطح سلامت جامعه
توسعه رفتاری	۱. اثرگذاری در الگوسازی رفتاری و اخلاقی در ورزش ۲. افزایش مسئولیت‌های اجتماعی ۳. افزایش بهره‌وری مدیریت مردمی ورزش
توسعه ساختاری	۱. انقلابی در قوانین و مقررات ۲. ورود رسانه‌های بیشتر به این حوزه ۳. کمک به ورزش همگانی و آموزشی ۴. توسعه همه‌جانبه ورزش

همچنین مرور و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده در قسمت پیامدها با توجه به جدول بالا، ۲۶ نشان را متمایز ساخت که این نشان‌ها با توجه به نزدیکی موضوعی در ۱۵ مفهوم کلی قرار گرفتند. همچنین ۵ مقوله نهایی موثر بر ورزش حرفه‌ای شامل اشتغال زایی، توسعه اقتصادی، توسعه ملی، توسعه رفتاری و توسعه ساختاری شناسایی شد.

بحث و نتیجه‌گیری

وضعیت ورزش حرفه‌ای در ایران مبهم است. باشگاه‌های دولتی در ایران چنان گسترده شده‌اند که هم اکنون خود به صورت یک چالش عمده در فرایند ورزش‌های حرفه‌ای و همچنین خصوصی سازی ورزش کشور درآمده‌اند. از طرف دیگر، برخلاف کشورهای توسعه یافته صنعتی که کارخانجات، شرکت‌ها و صاحبان صنایع و حرفه‌ها در امر ورزش حرفه‌ای به دلیل رقابت، تولید کلان، در اختیار داشتن بازار در سطح گسترده جهانی، دارا بودن وجوه صنعتی، بازرگانی، اقتصادی، سیاسی و...، مشارکت و همکاری داوطلبانه بسیار بالایی دارند، در کشورهای در حال توسعه همانند ایران بخش خصوصی و غیردولتی با موانع و مشکلات

متعددی رو به رو هستند و متأسفانه، صاحبان سرمایه و بخش غیردولتی و خصوصی علاقه چندانی نسبت به سرمایه‌گذاری و مشارکت در ورزش حرفه‌ای از خود نشان نمی‌دهند. لذا با توجه به اجرای مصوبه تبصره ذیل ماده ۱۳ قانون برنامه پنجم توسعه و تنفیذ آن در برنامه ششم توسعه مبنی بر اینکه پرداخت هرگونه وجهی از محل بودجه کل کشور به هر شکل به ورزش حرفه‌ای ممنوع است، در این صورت ورزش حرفه‌ای کشور در بحران شدیدی به سر خواهد برد که نتایج منفی متعدد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بخصوص ورزشی در سطوح درون مرزی، برون مرزی و بین‌المللی در پی خواهد داشت. در واقع، عدم حضور تیم‌های ورزشی در لیگ و جام‌های باشگاه‌های آسیا، جهان و میادین بین‌المللی ایرادی به اقتدار حکومتی و مطرح شدن ورزش حرفه‌ای ایران موجب پیدایش حس غرور ملی و ارتقای فرهنگی، سطح رفاه اجتماعی، پویایی اقتصاد ورزشی کشور و... خواهد شد.

فقدان عواملی چون برنامه ورزش حرفه‌ای پایدار در چارچوب برنامه‌های ملی کشور و همچنین عدم حمایت دولت از این برنامه‌ها، توسعه نیافتن باشگاه‌های حرفه‌ای و اماکن تخصصی ورزش و همچنین شکل نگرفتن انجمن‌های تخصصی و خصوصی مربوط به ورزش حرفه‌ای در کشور مواردی است که در داخل کشور مانع توسعه ورزش حرفه‌ای شده است.

بر اساس نتایج، راهبردهای شناسایی شده در ۹ حیطه ارائه شده‌اند؛ به طوری که پوشش دهنده چالش‌های درونی و بیرونی ورزش حرفه‌ای در ایران باشند. بر این اساس در مولفه مدیریتی، فعال کردن کمیته‌های بازاریابی در باشگاه‌ها را مشاهده کردیم. خیلی از باشگاه‌ها هنوز به صورت سنتی مدیریت می‌شوند و قسمت‌های تخصصی هم توسط خود مدیر باشگاه هدایت می‌گردند. حوزه‌های تخصصی مثل بازاریابی یکی از مهمترین بخش‌های هر باشگاهی است که در حوزه ورزش حرفه‌ای فعالیت می‌کند. تا زمانی که دغدغه این حوزه در باشگاه‌ها ایجاد نشود، حرکت مثبتی در این بخش انجام نخواهد شد. نقش بازاریابی در باشگاه‌های فوتبال در دنیا کاملاً واضح و روشن است و خیلی از موفقیت‌های اقتصادی باشگاه‌های معتبر در دنیا توسط این کمیته راهبری می‌شود. نائورایت و رامفورد (۲۰۱۰) در تحقیق خود به نتایج همسانی با تحقیق حاضر در زمینه جذب سرمایه‌گذاران خارجی و بین‌المللی اشاره کردند.

یکی دیگر از مولفه‌های مدیریتی، انجام مطالعات میدانی پیرامون باشگاه‌های موفق در دنیا بود. برای پی بردن به استانداردهای موجود در فضای ورزش حرفه‌ای در دنیا، به مطالعات میدانی درباره باشگاه موفق در دنیا نیاز است تا از تجربه باشگاه‌های موفق در رشته‌های مختلف بتوان بخوبی استفاده کرد. برگزاری تورهای مختلف آموزشی برای مدیران باشگاه‌ها، یکی دیگر از مقوله‌های موجود در مولفه مدیریتی می‌باشد. بی‌شک، حضور و مشاهده مدیران از باشگاه‌های معتبر در دنیا هم در تغییر دیدگاه آن‌ها نسبت به مدیریت خود مثرتر می‌تواند باشد. این اتفاق در رشته فوتبال در سال‌های اخیر به ندرت دیده شده است، ولی می‌توان این فعالیت را به عنوان یک راهبرد قرار داد که همه ساله و در رشته‌های مختلف انجام شود تا مدیران نسبت به حوزه کاری خود آشنایی بیشتری کسب کنند و بتوانند قدم‌های بهتری برای پیشبرد اهداف خود بردارند.

نیاز به قانون حرفه‌ای شدن، یکی از راهبردهای موثر در مولفه حقوقی - قانونی بود. با قانونی شدن ورزش حرفه‌ای همه ابعاد آن ساماندهی می‌شود و می‌توان برای حوزه‌های مختلف آن برنامه ریزی کرد. تطبیق باشگاه‌ها با استانداردها در صورت شکل‌گیری، دیگر مقوله در مولفه حقوقی - قانونی است که باید ابتدا

ساختار آن مشخص شود و در رشته‌های مختلف استانداردها شکل گیرد و پس از آن باشگاه‌ها با توجه به آن استانداردها تشکیل شوند تا این مشکلاتی که الان در بعضی رشته‌ها اتفاق می‌افتد رخ ندهد. مشکلاتی مثل نیمه تمام گذاشتن لیگ و انصراف از ادامه حضور در باقی مسابقات، مشکلات حقوقی و قراردادی با توجه به نداشتن تخصص و تجربه کافی و موارد بسیار زیادی که نیاز به استانداردهای مورد نیاز خود است. زهره وندیان و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود به نتایجی همسان با نتایج حاضر در زمینه قابلیت‌های بازاریابی باشگاه‌ها اشاره کردند.

آموزش دادن نیروی انسانی متخصص، یکی از مقوله‌های موثر در مولفه منابع انسانی در بخش راهبردها بود. جلالی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود به نتایج همسانی با نتایج حاضر در مورد نقش منابع انسانی در رشد اقتصادی صنعت ورزش اشاره کردند. همچنین، فراهم کردن شرایطی برای واگذاری اماکن دولتی به بخش خصوصی و باشگاه‌ها، یکی از مقوله‌های موجود در مولفه سخت افزاری بود. نصیرزاده و رضایی (۱۳۹۷) در پژوهش خود به نتایج همسانی با نتایج تحقیق حاضر در زمینه واگذاری باشگاه‌ها به بخش خصوصی اشاره کردند.

مهمترین تهدید برای واگذاری باشگاه‌های فوتبال ایران به بخش خصوصی، عدم برخورداری از مولفه‌های درآمدزایی می‌باشد. امروزه در بیشتر کشورهای دنیا واگذاری باشگاه‌های فوتبال به افراد و بخش خصوصی امری عادی و قانونی محسوب می‌شود، ولی این موضوع هنوز در کشور ما وجاهت قانونی و اجرایی نیافته است. بیشتر باشگاه‌های حرفه‌ای فوتبال ایران را می‌توان در سه گروه وابسته به صنایع دولتی، وابسته به نیروهای نظامی و انتظامی و وابسته به وزارت ورزش و جوانان تقسیم بندی کرد. بنابراین در کشور ما بیشتر باشگاه‌های فوتبال از مالکیت عمومی یا دولتی برخوردار هستند، این در حالی است که امروزه مقوله مالکیت دولتی باشگاه‌های حرفه‌ای فوتبال شدیداً غیر معقول و در بسیاری از موارد، از جمله در اروپا کاملاً غیر قانونی است. آنچه مسلم است، خصوصی سازی می‌تواند راه حلی برای خروج از این بحران باشد. بنابراین افزایش کارایی، کاهش دخالت دولت در تصمیم گیری‌های مدیریتی و اجرایی و در عوض تمرکز دولت بر مسائل و سیاست هایی که برای توسعه پایدار این صنعت ضروری اند، از مزیت‌های مهم خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال می‌باشد. از سویی دیگر، دولت می‌تواند با خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال، درآمدهای نقدی خود همچون درآمدهای جدید مالیاتی را افزایش و هزینه‌های باشگاهداری را کاهش دهد. هدف‌های غیرواقع بینانه، کوتاه مدت و غیرکلان باشگاه‌ها، مدیریت غیرتخصصی به همراه منابع ناکارآمد مالی، افزایش هزینه‌های باشگاه داری و جهش قیمتی بازیکنان، عدم شفافیت مالی، شرایط نامساعد نرم افزاری و سخت‌افزاری و تسهیلات محدود، بدهکاری شدید مالی و زیانده بودن باشگاه‌ها و عدم شفافیت در قیمت گذاری، از مهمترین نقاط ضعف جهت واگذاری باشگاه‌های فوتبال ایران می‌باشد. دادن تسهیلات از طریق نظام جامع باشگاهداری به سرمایه گذاران، یکی از مقوله‌های موجود در مولفه تسهیلاتی بود. ارائه تسهیلات بانکی به باشگاه داران، معافیت‌های مالیاتی و قراردادن درصدی از فضاها با مساعدت شهرداری‌ها به کسانی که می‌خواهند باشگاه ورزشی جدید راه اندازی کنند، از جمله مواردی است که می‌تواند در لایحه نظام باشگاهداری دیده شود تا به سرمایه گذاران انگیزه‌ای برای ورود به این فضا ایجاد کند. شناسایی تمام مشاغل موجود در ورزش حرفه‌ای، یکی از مقوله‌های مولفه اشتغال زایی بود. امروزه موضوع کارآفرینی و اشتغال

زایی یکی از مهمترین مشکلاتی به شمار می‌رود که بیشتر کشورهای جهان حتی کشورهای توسعه یافته از تبعات آن رنج می‌برند. در ورزش، مشاغل بسیاری وجود دارند که ساماندهی نشده‌اند و به عنوان شغل به آن نگاه نشده است. موسوی (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای نتایج همسان با نتایج پژوهش حاضر ارائه داد. محمدزاده و عزیزی (۱۳۹۴) نیز در پژوهشی، به نتایجی همسان با نتایج حاضر در زمینه اثر ورزشگاه‌ها و تیم‌های حرفه‌ای بر درآمد افراد در ایران اشاره کردند. برگزاری سمینارها و کارگاه‌هایی با مضمون ارتقای ارزش ویژه برند برای مدیران باشگاه‌های حرفه‌ای و روسای فدراسیون‌ها، یکی از مقوله‌های مولفه اقتصادی بوده است. بنسبردی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود نتایجی همسان با نتایج پژوهش حاضر در مورد گسترش برند باشگاه‌ها ارائه دادند. همچنین کشاورز و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش‌شان به نتایجی همسان با نتایج پژوهش حاضر در زمینه رفتار بخش خصوصی جهت سرمایه‌گذاری در ورزش حرفه‌ای دست یافتند. الزامی کردن تاسیس آکادمی‌های استعدادیابی و پرورش بازیکنان در باشگاه‌ها، یکی از مقوله‌های موجود در مولفه ساختاری بوده است. وقتی در ورزش ایران از تیم‌های پایه و آکادمی صحبت می‌شود، نخستین چیزی که به ذهن می‌رسد حرف‌های عمل نشده است. چند سال است که می‌گوییم ورزش از پایه ضعیف است، باید فکری به حال نسل‌های آینده بکنیم، باید برای آکادمیک کردن آن و تحویل استعدادهای جدید به تیم‌های ملی نوع نگاه را عوض کنیم و بیشتر از بزرگسالان در بخش پایه سرمایه‌گذاری کنیم، اما کیست که این واقعیت را قبول نداشته باشد که در چند سال اخیر کاری که نمودش در ورزش دیده شود در بخش پایه انجام نشده است. چون ورزشکار از سنین پایه با الفبای حرفه‌ای گری آشنا نمی‌شود، وقتی به رده‌های بالا و باشگاه‌های بزرگ می‌رسد با مشکلات فراوانی چه در بخش فنی و چه غیرفنی برخورد می‌کند.

وارد کردن شرکت‌های هولدینگ به سرمایه‌گذاری در ورزش حرفه‌ای، یکی از راهبردهای اساسی در مولفه ساختاری بود. با قدرت گرفتن شرکت‌های هولدینگ و فضاهای کاربردی که این شرکت‌ها دارند، یکی از مناسب‌ترین گزینه‌ها ورود و استفاده از این شرکت‌ها برای تقویت بخش ورزش حرفه‌ای در داخل کشور خواهند بود. شرکت‌هایی با سرمایه‌های مالی بسیار مناسب و قدرت اجرایی فراوان که می‌توانند باشگاه‌ها را تحت پوشش خود و در مسیر رشد قرار دهند و بعد از چندسال که به سوددهی کامل رسید، آنها را به بخش خصوصی واگذار کنند.

پیامدها

پیامدهای شناسایی شده حاصل از راهبردها شامل اشتغال‌زایی، توسعه اقتصادی، توسعه ملی، توسعه رفتاری و توسعه ساختاری می‌باشد که تا حدود زیادی منطبق بر راهبردها نیز هستند. در مولفه اشتغال‌زایی، ایجاد مشاغل پایدار یکی از مقوله‌های موثر بود. زمانی که مشاغل موجود در بخش ورزش حرفه‌ای ساماندهی و دارای شرح شغل و تسهیلات مرتبط با آن بشود، مشاغل پایدار شکل می‌گیرد و از شکل کاذبی که در حال حاضر دارد، خارج می‌شود. صرف هزینه‌های کمتر برای ایجاد شغل نسبت به مشاغل دیگر هم یکی دیگر از مقوله‌های مولفه اشتغال‌زایی است. همه ساله دولت با صرف هزینه‌های زیاد در پی ایجاد شغل است. هزینه‌ایجاد هر شغل پایدار در کشور به بیش از ۴۰۰ میلیون تومان رسیده، در حالی که قبلاً بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیون تومان سرمایه‌نیاز بود. زمینه‌ایجاد یک شغل در پایین‌ترین سطح ۷۰ میلیون تومان برآورد می‌شود که این

رقم در سطوح بالاتر متفاوت است؛ به نحوی که ایجاد شغل در مشاغل تخصصی نظیر پتروشیمی، ۲ تا ۳ میلیارد تومان هزینه در بردارد. جالب اینجاست که مشاغل موجود در این فضا نسبت به فضاهای دیگر هزینه کمتری لازم دارد و در بعضی از مشاغل فقط نیاز به ساماندهی مشهود است.

توسعه اقتصادی در بدنه ورزش به دلیل اثرات و پیامدهای بسیار مثبت آن در ایجاد تحولات از دیرباز مورد توجه مدیران و سیاستگذاران و برنامه ریزان قرار داشته و تلاش‌های فراوانی جهت ایجاد آن صورت گرفته است. درآمدزاشدن ورزش حرفه‌ای یکی از مقوله‌های این بخش است. یکی از بهترین و موثرترین پیامدهای موجود برای ورزش حرفه‌ای، درآمدزاشدن و خودکفا شدن این حوزه می‌تواند باشد. با شکل‌گیری شرایط حرفه‌ای در رشته‌های مختلفی که توانایی و پتانسیل موجود را دارند، باشگاه‌ها و رشته‌ها می‌توانند به خودکفایی برسند و هزینه‌های خود را از درآمدی که کسب می‌کنند، پرداخت کنند. پیتز و همکاران (۲۰۰۶) در پژوهش خود نتایجی همسان با نتایج تحقیق حاضر در رایج‌ترین روش‌های تأمین منابع مالی و کسب درآمد برای سازمان لیگ و باشگاه‌ها ارائه کردند. افزایش تولید ناخالص ملی یکی از پیامدهای توسعه اقتصادی است. رونق گرفتن شرایط حرفه‌ای و درآمدزاشدن باشگاه‌ها و رشته‌های مختلف ورزشی باعث تولید محصولات بیشتر، افزایش درآمد بازیکنان، مربیان و داوران، خروج بیشتر بازیکنان، بروز رونق اقتصادی بیشتر در صنعت ورزش و افزایش تولید ناخالص ملی خواهد شد. عسکریان (۱۳۸۳) در پژوهش خود به نتایج همسانی با نتایج پژوهش حاضر در مورد وضعیت اقتصادی صنعت ورزش ایران اشاره کرد. طبق آخرین آمار منتشر شده از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۷، سهم زیر بخش خدمات (تفریحی، هنری، فرهنگی و ورزشی) از تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه (به قیمت‌های جاری) طی سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ به ترتیب ۰/۳۹ و ۰/۴۴ درصد بوده است. همچنین برآوردهای انجام شده نشان می‌دهد که سهم فعالیت‌های ورزشی از تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه طی سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ به ترتیب ۰/۳۲ و ۰/۳۴ درصد می‌باشد. همان‌طور که در پژوهش عسکریان مشاهده می‌شود وضعیت تولید ناخالص ملی در سال‌های قبل شرایط مناسبی نداشته و امید است با رونق شرایط حرفه‌ای، این شرایط هم افزایش چشمگیری داشته باشد. کسب درآمد دولت از طریق مالیات‌ها یکی از پیامدهای توسعه اقتصادی می‌باشد. در صورتی که دولت از باشگاه‌ها و رشته‌های مختلفی که پتانسیل حرفه‌ای شدن را دارند حمایت کند و باشگاه‌ها را در مسیر اصلی حرفه‌ای قرار دهد، یک سرمایه‌گذاری بزرگ انجام داده است؛ به طوری که دولت در سال‌های بعد می‌تواند از همین باشگاه‌ها با دریافت مالیات کسب درآمد کند. نمونه‌ای از سرمایه‌گذاری دولت را در انگلستان می‌توان مشاهده کرد. منچستر بازی‌های کشورهای مشترک المنافع را قبلاً برگزار کرده بود و تجربه موفقی داشت. به دنبال این موفقیت، حکومت مرکزی انگلستان با تدارک یک منبع داخلی معتبر و تزریق صدها میلیون پوند سرمایه دولتی در منچستر یک استادیوم جدید به نام «ولدروم» ساخت. تمام این منابع به همراه سهام تأیید شده شرکت‌های ورزشی جدیدالتاسیس وارد بورس لندن شد. نتیجه کسب شده، بسیار خوب بود و مدت پیش‌بینی شده برای توسعه اقتصاد محلی بسیار کمتر از دو دهه به طول انجامید. خالدیان و همکارانش (۱۳۹۲) در پژوهش خود به نتایج همسان با نتایج پژوهش حاضر در زمینه نقش رسانه‌های جمعی در گسترش و توسعه ورزش دست یافتند. یکی از خروجی‌های مهم و اثرگذار توسعه ورزش به خصوص ورزش حرفه‌ای، افزایش نشاط اجتماعی می‌باشد. نمونه بارزی که امسال اتفاق افتاد، حضور باشگاه فوتبال پرسپولیس در مرحله نهایی

لیگ قهرمانان آسیا بود که نشاط بسیار زیادی را در جامعه ایجاد کرد و حتی با وجود باخت پرسپولیس در فینال، از این نشاط چیزی کم نشد. پوشش دادن اوقات فراغت جامعه هم یکی دیگر از پیامدهای توسعه ملی است. خوشبختانه با پررنگ شدن پخش زنده رقابت‌های رشته‌های مختلف ورزشی در چند سال اخیر، میزان تماشاگران هم افزایش پیدا کرده است. البته هدف فقط افزایش تماشاگران نیست، بلکه تماشای ورزش خود انگیزه حضور در میادین ورزشی را ترغیب خواهد کرد. ماهر مدنی مسعودی (۱۳۹۰) در رساله دکتری خود به نتایجی همسان با نتایج تحقیق حاضر در مورد حضور جامعه در ورزش اشاره کرد. نتایج همچنین نشان داد که فوتبال ورزش مورد علاقه این افراد بود. غرورآفرینی و افتخارآفرینی ملی و بین المللی ورزشکاران حرفه‌ای یکی دیگر از پیامدهای توسعه ملی است. طبق سخن ریاست محترم جمهور، «بازی‌ها و ورزش‌های قهرمانی و حرفه‌ای باعث خلق افتخارات ملی و تبلیغ و معرفی هویت و فرهنگ کشورمان به دنیا می‌شود؛ بخصوص ورزش‌هایی که با اخلاق توأم باشند، بزرگترین تبلیغ برای یک ملت محسوب می‌شود. ورزش قهرمانی و حرفه‌ای اگر توأم با اخلاق اسلامی و انسانی باشد می‌تواند همه تبلیغاتی را که در زمینه ایران‌هراسی در دنیا به راه انداخته‌اند، از بین ببرد و چهره واقعی ایران و ایرانی را به جهانیان معرفی کند. برخی کشورهایی که غرور و افتخار تاریخی ندارند، از طریق اسطوره‌سازی و بسیاری از مسایل دیگر که ممکن است با واقعیت انطباق نداشته باشند، به دنبال خلق قهرمانانی در عالم تخیل و خیال هستند و این در حالی است که سرتاسر تاریخ ملت ایران سرشار از غرور و افتخارات تاریخی است». افتخارآفرینی ورزشکاران کشورمان در میادین جهانی نه تنها باعث غرور و افتخار ملت ایران می‌شود، بلکه سایر ملت‌ها نیز به آن افتخار می‌کنند. همانطور که بیان شد، خوشبختانه غرورآفرینی ورزشکاران در میادین بین المللی همیشه مورد تقدیر مقامات ارشد کشور قرار گرفته که این نشان از اهمیت این شاخص دارد. ارتقای سطح سلامت جامعه هم یکی دیگر از پیامدهای توسعه ملی است. محیط‌های ورزشی یکی از بهترین اماکنی است که افراد می‌توانند در آن به سالم سازی جسم و روح خود بپردازند و متناسب با توانایی خود به انجام حرکات ورزشی در رشته‌های مختلف مشغول شوند. بی شک، زمانی که ورزش حرفه‌ای توسعه پیدا کند، شمار افراد درگیر در آن نیز افزایش پیدا می‌کند و جوانان بیشتری به ورزش می‌پردازند که همه اینها باعث می‌شود جامعه سالم تر داشته باشیم.

اثرگذاری در الگوسازی رفتاری و اخلاقی در ورزش یکی از پیامدهای توسعه رفتاری بوده است. ورزشکاران ما همواره پاسدار اخلاق و مرام پهلوانی بوده‌اند و در میادین بزرگ المپیک، جهانی و آسیایی به خوبی چهره یک ورزشکار مسلمان، ارزشی و اخلاقی را به نمایش گذاشته‌اند، اما با وجود این موارد حائز اهمیتی وجود دارد که توجه به آنها باید در اولویت برنامه‌ها و سرفلوچه امور جامعه ورزش قرار گیرد. ابتدا اینکه خود مدیران ورزشی باید مروج اخلاق باشند و بعد از دیگران انتظار رعایت و توجه به اصول و ارزش‌ها را داشته باشند. با توجه به اینکه در کشوری اسلامی و با فرهنگی غنی زندگی می‌کنیم، اندک بی‌اخلاقی از سوی برخی ورزشکاران نیز شایسته ورزش ایران نیست و باید با تدابیری که صورت می‌گیرد، این مسائل هم کاهش پیدا کند و ورزش به سمت حمایت از ورزشکاران ارزشی حرکت نماید. باید همانند فرمایشات مقام عظمای ولایت، کارهای ارزشی این قهرمانان در رویدادهای بین‌المللی برجسته شود و به عنوان الگوهایی که قشر جوان امروز ما بشدت به آنها نیاز دارند، معرفی شوند. علاوه بر مطبوعات و صداوسیما، مدیران مختلف چه در سطوح عالی ورزش و چه باشگاه‌ها هم در حمایت از ورزشکاران ارزشی نقش مهم و برجسته‌ای دارند

و برای آنها باید یک ورزشکار با اخلاق جایگاه ویژه‌ای داشته باشد و مورد تشویق و حمایت قرار بگیرد. بها دادن از سوی متولیان و به حاشیه راندن بی‌اخلاقی‌ها، به ترویج ارزش‌ها کمک می‌کند و می‌تواند به خواسته مقام عظمای ولایت درباره ضرورت حمایت از ورزشکاران ارزشی جامه عمل بپوشاند.

انقلاب در قوانین و مقررات یکی از پیامدهای توسعه ساختاری بوده است. خروجی توسعه ورزش حرفه‌ای شکل‌گیری قوانین و مقررات در بخش‌های مختلفی مثل حق پخش، قانون کپی رایت، قوانین نقل و انتقال بازیکن، نظام باشگاه داری و موارد اینچنینی است. هر کدام از این موارد پروژه بزرگی است که می‌تواند راه گشای بسیاری از مسائل بزرگ ورزش حرفه‌ای در داخل کشور باشد.

ورود رسانه‌های بیشتر به این حوزه یکی دیگر از پیامدهای توسعه ساختاری است. زمانی که لیگ‌ها فعال باشند و بازی‌ها جذاب باشد، تماشاگران بیشتری جذب می‌شود و این تماشاگران اخبار و حواشی آن رشته را پیگیری خواهند کرد که این باعث ورود رسانه‌های بیشتر خواهد شد. خوشبختانه در یکی دو سال اخیر رسانه‌های زیادی به ورزش حرفه‌ای به خصوص فوتبال ورود کرده اند، ولی در رشته‌های دیگر ورزش این اتفاق به ندرت افتاده است. با فراگیر شدن رسانه‌های اجتماعی انتظار می‌رود که این رسانه‌ها برای جذب هواداران خود فعالیت بیشتری را انجام دهند که این اتفاق در چند وقت گذشته افتاده است و سریعاً در حال افزایش هستند. کویسک^۱ (۲۰۱۱) در پژوهش خود به نتایجی همسان با نتایج تحقیق حاضر در مورد سرمایه گذاری در ورزش و حضور حامیان در شرایط پوشش رسانه‌ای اشاره کرده است. همچنین عرب نرملی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش شان به نتایجی همسان با نتایج تحقیق حاضر در زمینه وضعیت ورزش حرفه‌ای در تلویزیون ملی ایران دست یافتند.

توسعه همه جانبه ورزش یکی از پیامدهای توسعه ساختاری بود. پورکیانی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود نتایج همسانی با نتایج پژوهش حاضر ارائه کردند. آنها در تحقیق خود با عنوان «تحلیل اثرگذاری ورزش حرفه‌ای و قهرمانی بر توسعه ورزش» به این نتایج رسیدند که در ورزش حرفه‌ای، اولویت بیشتر از آن معیار داشتن اماکن و فضاهای کالبدی ورزشی دارای استانداردهای بین‌المللی بوده و در ورزش قهرمانی از آن توسعه نظام استعدادیابی و پرورش ورزشکاران مستعد در توسعه ورزش می‌باشد. براین اساس، لزوم توجه ویژه به نظام آموزشی کشور به منظور پرورش استعدادها و ورزشکاران در جهت ایجاد زیرساخت‌های ورزشی مناسب ضروری به نظر می‌رسد. بی تردید زمانی که ورزش حرفه‌ای توسعه یابد، قسمت‌های دیگر ورزش اعم از ورزش همگانی، تربیتی و قهرمانی نیز توسعه پیدا می‌کند و ارتباط مستقیمی بین قسمت‌های مختلف ورزش با هم وجود دارد.

با توجه به اینکه وضعیت ورزش حرفه‌ای در ایران مبهم است، باشگاه‌های دولتی ایران چنان گسترده شده اند که هم اکنون خود به صورت یک چالش عمده در فرآیند ورزش‌های حرفه‌ای و همچنین خصوصی سازی ورزش کشور درآمده اند. امید است با عملیاتی کردن راهبردها در این پژوهش، بتوان از ظرفیت‌ها و زیرساخت‌های مادی و معنوی کشور به گونه مطلوب تری در توسعه ورزش حرفه‌ای کشور استفاده کرد.

منابع

- احسانی، محمد؛ ابودردا، زینب و اقبالی، مسعود. (۱۳۸۷). «بررسی علل عدم حمایت اسپانسرها از ورزش حرفه‌ای بانوان شهر اصفهان». نشریه علوم حرکتی و ورزش. سال ششم. جلد دوم، شماره ۱۲، صص ۱۱۱-۱۲۰.
- ادیب حاج باقری، محسن. (۱۳۸۵). گراندد تئوری: راه و روش نظریه‌پردازی در علوم انسانی و بهداشتی. تهران: نشر و تبلیغ بشری و تحفه
- بازرگان، عباس. (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری. تهران: انتشارات دیدار
- بنسپردی، علی؛ خبیری، محمد؛ جلالی فراهانی، مجید و گودرزی، محمود. (۱۳۹۶). «مدلسازی عوامل مؤثر بر گسترش برند باشگاه‌های حرفه‌ای فوتبال». نشریه مدیریت ورزشی. ۹(۳)، ۴۱۱-۴۲۸. doi: 10.22059/jsm.2017.64713
- پورکیانی، محمد؛ حمیدی، مهرزاد؛ گودرزی، محمود و خبیری، محمد. (۱۳۹۶). «تحلیل اثرگذاری ورزش حرفه‌ای و قهرمانی بر توسعه ورزش». مطالعات مدیریت ورزشی. ۹(۴۲)، ۵۵-۷۲. doi: 10.22089/smrj.2017.454.1143
- جلالی، سید عبدالمجید؛ بخشنده، حسین؛ اسمعیلی، محسن و رسولی، مهدی. (۱۳۹۷). «نقش منابع انسانی در رشد اقتصادی صنعت ورزش ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. ۱۰(۴۸)، ۶۷-۸۸. doi: 10.22089/smrj.2017.3624.1730
- دانایی فرد، حسن و مظفری، زینب. (۱۳۸۷). «ارتقای روایی و پایایی در پژوهش‌های کیفی مدیریتی: تاملی بر استراتژی‌های ممیزی پژوهشی». پژوهش‌های مدیریت. سال اول، شماره اول، صص ۱۶۲-۱۳۱.
- رستم زاده، پ؛ صادقی، ح؛ عصاری، ع. و یآوری، ک. (۲۰۱۵). «اثر سرمایه گذاری دولت در بخش ورزش بر رشد اقتصادی در ایران». فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار). ۱۴(۴)، ۱۷۷-۲۱۰.
- زهره‌وندیان، کریم؛ کوزه چیان، هاشم؛ احسانی، محمد و امیری، مجتبی. (۱۳۹۷). «مدل شناسایی محدودیت‌ها و موانع پیش روی قابلیت‌های بازاریابی باشگاه‌های فوتبال لیگ برتر». مطالعات مدیریت ورزشی. ۱۰(۴۸)، ۱۳۱-۱۵۲. doi: 10.22089/smrj.2018.1347
- شعبانی، عباس؛ رضایی صوفی، مرتضی و فراهانی، ابوالفضل. (۱۳۹۲). «مطالعه مدل ساختار ورزش ایران». نشریه رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی. دوره ۱، شماره ۳، صص ۲۱-۳۱.
- عرب نرمی، بیتا؛ گودرزی، محمود؛ سجادی، سید نصرالله و خبیری، محمد. (۱۳۹۷). «تحلیل وضعیت ورزش حرفه‌ای در تلویزیون ملی ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. ۱۰(۴۷)، ۱۷-۳۸. doi: 10.22089/smrj.2018.1248.1297
- قاسمی، حمید و همکاران. (۱۳۸۷). فعالیت‌های رسانه‌ای در ورزش. تهران: انتشارات بامداد کتاب
- کشاورز، لقمان؛ فراهانی، ابوالفضل؛ موسوی جهرمی، یگانه و فرازانی، فاتح. (۱۳۹۴). «عوامل تاثیر گذار بر رفتار بخش خصوصی جهت سرمایه گذاری در ورزش حرفه‌ای و ارائه الگو». مطالعات مدیریت رفتار

- سازمانی در ورزش. دوره دوم، شماره ۸، صص ۵۶-۴۵.
- محمدزاده، پرویز و عزیزی، فرهاد. (۱۳۹۴). «اثر ورزشگاه‌ها و تیم‌های حرفه‌ای بر درآمد افراد در ایران». فصلنامه مدل سازی اقتصادی. سال نهم، شماره ۴. ص ۸۷-۱۰۲.
 - نصیرزاده، عبدالمهدی و رضایی، شمس الدین. (۱۳۹۷). «ضرورت تجزیه و تحلیل محیطی (SWOT) واگذاری باشگاه‌های فوتبال ایران (مطالعه موردی: باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس)». فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی. ۷(۲۵)، ۱۰۵-۱۱۵.
 - هومن، حیدرعلی (۱۳۹۴). راهنمای پژوهش کیفی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها

- Kosík, M. (2011). "Marketing strategy in connection with sport". Innovative Marketing, 7(2), 92-98.
- Madani Masoudi, M. (2011). "FACTORS INFLUENCING MUSLIM AMERICANS TO ATTEND PROFESSIONAL TEAM SPORT EVENTS". (Doctoral dissertation). TEXAS WOMAN'S UNIVERSITY
- Mutter, F. Pawlowski, T. (2014). "Role models in sports – Can success in professional sports increase the demand for amateur sport participation?". Sport Management Review, Volume 17, Issue 3, August 2014, Pages 324–336.
- Pitts, B. G., & Stotlar, D. K. (2007). **Fundamentals of sport marketing: Fitness information technology.**
- Radaelli, G., Dell'Era, C., Frattini, F., & Messeni Petruzzelli, A. (2018). "Entrepreneurship and human capital in professional sport: A longitudinal analysis of the Italian soccer league". Entrepreneurship Theory and Practice, 42(1), 70-93.

شناسایی شرایط علی موثر بر توسعه قابلیت‌های مدیران نخبه در سازمان‌های ورزشی منتخب کشور (مطالعه‌ای با رویکرد گراند تئوری)

فاطمه فاضلی دینان^۱

علی محمد صفانیا^۲

سید عماد حسینی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۵/۲۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۵/۳۰

هدف از پژوهش حاضر، شناسایی شرایط علی اثرگذار بر توسعه قابلیت‌های مدیران نخبه در سازمان‌های ورزشی منتخب کشور بود. روش شناسی در این پژوهش از نوع کیفی (به روش گراند تئوری) بوده و گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه و بررسی پیشینه‌های تحقیق صورت گرفته است. جامعه آماری تحقیق شامل نخبگان علمی و نخبگان ورزشی در حوزه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، فعال در سازمان‌های ورزشی منتخب کشور بوده که نمونه تحقیق به صورت نظری تعیین و پس از انجام ۱۷ مصاحبه، چارچوب نظریه شکل گرفت. تحلیل داده‌ها با استفاده از سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی و با به کارگیری نسخه ۵/۲ نرم افزار اطلس تی آی انجام گردید. بر اساس نتایج حاصل از پژوهش، شرایط علی تأثیرگذار بر استقرار مفهوم توسعه قابلیت‌های مدیران نخبه در سازمان‌های ورزشی منتخب کشور در هفت شاخص با عناوینی همچون: شناسایی عوامل سازمانی، مدیریت منابع، مدیریت عملکرد و ارتباطات درون و بیرون سازمانی، سیستم نظارتی،

۱. دکترای مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه غیر دولتی شمال، مازندران، ایران (نویسنده مسئول)
E-mail: Fatimadinan66@yahoo.com

۲. استاد، مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳. استادیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و مدیریت ورزشی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

توجه به مسائل انگیزشی و نگاه متفاوت به استراتژی‌های تبیین شده در سازمان، شناسایی و استخراج گردید. نتایج نشان داد که به‌منظور ارتقای سازمان‌های ورزشی و پیشبرد اهداف به وسیله نیروی انسانی، شناسایی برخی شرایط علی جهت توسعه قابلیت‌های مدیران، نیاز می‌باشد. این شرایط می‌تواند به وسیله شناسایی و بررسی دقیق عوامل مربوط به سازمان و مجموعه‌های وابسته به آن در جامعه، بر روی بافت سازمان اثر بگذارد و منجر به توسعه قابلیت‌های مدیران و سایر پیشرفت‌های وابسته به آن گردد.

واژگان کلیدی: شرایط علی، توسعه قابلیت، مدیران نخبه و گراند تئوری

مقدمه

در دهه‌های اخیر، گام‌های بلندی برای هماهنگ‌سازی و ایجاد انسجام در زیرسیستم‌های منابع انسانی برداشته شده است. یکی از این اقدامات، حرکت به سمت طراحی و تدوین الگوهای قابلیت به عنوان مبنای توسعه کارکنان و مبنای هماهنگی میان واحدهای آموزش، برنامه ریزی نیروی انسانی، تامین و سایر بخش‌ها و زیرسیستم‌های مدیریت منابع انسانی است (انصاری رنانی و تونکه نژاد، ۱۳۸۸). امروزه بسیاری از سازمان‌ها متوجه شده‌اند که کلید پیروزی در رقابت، توانایی نیروی کار آنهاست (استوارت^۱، ۲۰۱۳). با وجود این، ممکن است یک سازمان دریابد که تعیین توانایی‌های حیاتی کارکنان برای حصول به موفقیت دشوار است. رفتارهای ضروری برای عملکرد مؤثر از یک سازمان به سازمان دیگر و از نقشی به نقش دیگر بسیار متفاوت است (دوناته^۲، ۲۰۱۶). بنابراین، بسیاری از شرکت‌ها از مدل‌های قابلیت به منظور شناسایی مهارت‌ها، دانش، ویژگی‌های فردی اساسی مورد نیاز برای عملکرد موفقیت آمیز در شغل و اطمینان از تمرکز نظام‌های منابع انسانی بر توسعه نیروی انسانی استفاده نموده‌اند (سبک رو، ۱۳۹۳).

اندیشمندان مختلف این حوزه، مدل‌های متفاوتی را به عنوان قابلیت‌های اساسی شغل معرفی کرده‌اند که شامل جهت‌دهی (سینوت و پاتاکی^۳، ۲۰۰۲)، ارتباطات (تامپسون و هارسون^۴، ۲۰۰۰)، رهبری (ریچارد^۵ و همکاران، ۲۰۰۶)، انگیزش دیگران (راش^۶ و همکاران، ۲۰۰۶) و قابلیت‌های متعدد دیگر می‌شود.

نتایج بسیاری از پژوهش‌ها درباره نقش و اهمیت نیروی انسانی در رشد و توسعه سازمان‌ها و بعضاً در رشد جوامع بشری، بر این نکته تاکید دارند که هیچ جامعه‌ای توسعه نیافته است مگر آنکه به توسعه منابع انسانی خود پرداخته باشد (احمدی، ۱۳۹۱). تلاش‌های بسیاری در این زمینه صورت گرفته است که از نهضت روابط انسانی آغاز شده و تا امروز ادامه دارد که بعضی از آنها منجر به ایجاد روش‌ها، رویه‌ها، استانداردها و الگوهایی در جهت بهبود و توسعه منابع انسانی شده است (جهانیان، ۱۳۸۷).

از سال ۱۹۷۰ میلادی که توسعه صنعتی با توسعه فناوری در کشورهای در حال توسعه تلفیق شد، این کشورها به صادرکننده‌ها و بهره‌گیرنده‌های اصلی سود توسعه فن‌آوری و مرکز اختراعات و ابداعات تبدیل شدند. آنها با ثبت حقوق مالکیت فکری و متعاقب آن ابزارهای مبتنی بر قوانین بین‌المللی، حق انحصاری خود در این حوزه‌ها را حفظ نمودند. این روند در کنار حفظ نخبگان جهان سومی به منظور تعلق حق مالکیت به کشورهای خود، منجر به تهی شدن جهان سوم از پیشرفت علم شد. در دنیای امروز توسعه بر بنیاد دانش، شکل می‌گیرد و بدیهی است که کشورهای دارای علم و بنیان علمی مستحکم، از بیشترین توسعه برخوردارند (ضیایی و همکاران، ۱۳۹۱).

آسان شدن توسعه کسب و کارهای دانش‌بنیان و فناوری محور، یکی از راهبردهای مهم توسعه پایدار محسوب می‌شود. در ایران نیز طی سال‌های اخیر به راه اندازی این گونه بنگاه‌ها توجه شده و تسهیلاتی برای حمایت از آنها فراهم شده است (احمدی، ۱۳۹۱). توسعه کمی و کیفی مراکز رشد و پارک‌های علم

1. Stewart
2. Donate
3. Sinnott & Pataki
4. Thompson & Harrison
5. Richard
6. Rausch

و فناوری، نامگذاری سال ۱۳۸۷ به عنوان «سال نوآوری و شکوفایی»، تلاش برای تدوین نقشه جامع علمی کشور، ایجاد صندوق نوآوری و شکوفایی و تأسیس صندوق‌های پژوهش و فناوری و قانون حمایت از شرکت‌های دانش بنیان را می‌توان با تلاش و تمایل سیاست‌گذاران برای انسجام بخشی به فرایند تولید علم و فناوری و ایجاد روحیه نوآورانه در سطح ملی مرتبط دانست (شفیعی، ۱۳۹۲).

ایران در راستای دانش بنیان کردن علم‌ها، قوانینی را وضع نمود که نمونه آن در قانون برنامه پنجم توسعه کشور، آمده است. لزوم توجه به مقوله پیشرفت دانش بنیان کشور به ویژه در رشته‌های علوم انسانی و اقدام برای برنامه ریزی‌های لازم در این مقوله اشاره شده است (قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۹: ماده ۱۵). ورزش نیز مانند دیگر عرصه‌های اجتماعی برای ماندگاری باید همواره در رشد و توسعه خویش بکوشد و ابعاد و زوایای خویش را بسط و گسترش داده، تثبیت و تقویت کند (احسانی و همکاران، ۱۳۹۲). وجود ساختار سازمانی مناسب، روش‌های اجرایی کارآمد، تجهیزات و ابزار کار سالم، فضای کار متعادل و از همه مهم تر نیروی انسانی واجد صلاحیت و شایسته از ضروریاتی می‌باشند که برای نیل به اهداف ورزش حرفه‌ای باید مورد توجه مدیران قرار گیرد (استادزاده، ۱۳۸۹). هر چه از سطح ورزش پرورشی به سمت ورزش حرفه‌ای پیش می‌رویم، سازماندهی آن از پیچیدگی‌های بیشتری برخوردار می‌گردد و نقش علم و تجربیات جهانی در این زمینه و مهم تر از همه برنامه و تفکر برنامه‌ای بیشتر اهمیت می‌یابد (سند تفصیلی نظام جامع توسعه تربیت بدنی و ورزش کشور، ۱۳۸۳).

انجمن علمی تربیت بدنی و علوم ورزشی ایران به عنوان مرجع علمی این رشته در کشور، با روی کار آمدن دولت یازدهم، بیانیه‌ای را با عنوان «انتظارات جامعه علمی ورزش کشور از دولت یازدهم» صادر کرد. این بیانیه با عنایت به اهمیت و جایگاه تربیت بدنی و ورزش در جامعه و ضرورت توجه مسئولان و مدیران عالی رتبه کشور به ورزش، بر اتخاذ رویکردی علمی با هدف توسعه متوازن و پایدار ورزش کشور تاکید داشته و شایسته سالاری و نگاه برنامه‌ای و تخصص گرایی را اساس پیشرفت ورزش کشور دانسته است و نکات زیر را اعلام می‌دارد:

۱. انتظار از دولت یازدهم آن است که ورزش را بر اساس برنامه مدون و اعلام شده اداره کند. همچنین توقع متخصصان ورزش آن است که سند راهبردی توسعه ورزش کشور (طرح جامع ورزش) را روز آمد و اجرا و در حین اجرا اصلاحات لازم را معمول نماید.

۲. با توجه به اهمیت علم و تخصص در دنیای کنونی، از دولت آینده انتظار می‌رود که در گزینش مدیران عالی ورزش کشور و سطوح مختلف مدیریت‌های ورزشی از متخصصان و دانش آموختگان اصلح ورزش استفاده نماید تا بیش از این شاهد اتلاف سرمایه‌های مادی و معنوی و فرصت‌های ملی نباشیم.

۳. از دولت آینده انتظار می‌رود به منظور انسجام و هویت بخشی به جامعه علمی و تخصصی ورزش کشور، ایجاد فرصت‌های شغلی و خدمت رسانی بهینه متخصصان ورزشی و ارتقای کار آیی و اثر بخشی آنان، از ایجاد سازمان نظام ورزش کشور به طور موثر و جدی حمایت کند (انجمن علمی تربیت بدنی و علوم ورزشی ایران، ۱۳۹۲).

همان طور که اشاره شد، سازمان‌ها جهت اطمینان از تحقق نتایج عملکرد مطلوب، به دنبال جذب، توسعه و حفظ کارکنان دانشی و نخبه هستند (هاوور^۱، ۲۰۰۲) و البته تنها زمانی می‌توانند از قابلیت‌های نهفته کارکنان

خود بهره گیرند که سیستم‌ها و فرآیندهای ضروری برای رشد و بهره‌مندی از آنها را در اختیار داشته باشند (سیروتا و ملترز، ۲۰۰۶).

بنابراین باید در جهت استفاده از قابلیت‌های نخبگان در سازمان‌های ورزشی منتخب کشور، در حوزه علوم ورزشی، برنامه ریزی مناسب صورت پذیرد تا بدین وسیله اهداف عالی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران نیز محقق گردد. از این رو، نظر به تاکید مقام معظم رهبری در استفاده صحیح از ظرفیت‌های علمی نخبگان در راستای توسعه کشور و لزوم حرکت انقلابی در مسیر رفع موانع و مشکلات تولید دانش و جنبش نرم افزاری، در جلسه دیدار برخی از نخبگان علمی کشور با ایشان در مهر ماه ۸۳، بنیاد ملی نخبگان کشور در جلسه مورخ ۱۳۸۴/۰۳/۱۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی تاسیس گردید (دفتر ریاست بنیاد ملی نخبگان، ۱۳۹۲). ماده ۲ اساسنامه بنیاد ملی نخبگان ورزشی در راستای ارتقای تولید علم، فناوری و توسعه علمی و متوازن کشور و احراز جایگاه برتر علمی و فناوری و اقتصادی در منطقه بر اساس سند چشم‌انداز توسعه کشور در افق ۱۴۰۴ جهت تحقق اهداف خود به موارد زیر اشاره کرده است:

- برنامه ریزی و سیاست‌گذاری برای شناسایی و هدایت نخبگان؛
- حمایت مادی و معنوی از نخبگان؛
- جذب، حفظ، به کارگیری و پشتیبانی از نخبگان.

آئین نامه‌ها و مصوبات مختلف بنیاد ملی نخبگان در راستای استفاده صحیح و مناسب از آن‌ها، تنها منجر به جذب افراد نخبه به سازمان شده است، اما سازمان‌ها، سازوکار رشد قابلیت‌های افراد نخبه را در اختیار ندارند. (اساسنامه بنیاد ملی نخبگان ورزشی، ۱۳۸۶)

به عبارتی، برخی مدیران به این نکته اشاره دارند که مصوبات موجود تنها رویه‌ای را مد نظر قرار داده اند که در نهایت منجر به ماندگاری افراد در سازمان می‌گردد و به نظر می‌رسد تنها از این جنبه به موضوع نگریسته شده که ما باید از خروج نخبگان خود از کشور جلوگیری کنیم، ولی نگاه کاربردی به چگونگی بهره‌گیری از این افراد لحاظ نشده است (سبک رو، ۱۳۹۴).

بعلاوه، در راستای اجرای منویات مقام معظم رهبری مبنی بر استفاده حداکثری از نبوغ و توان فنی و ورزشی کشور و همچنین در راستای تحقق سند چشم‌انداز بیست ساله نظام، «مجمع ملی نخبگان ورزش کشور» در اسفند ماه سال ۱۳۸۶ شکل گرفت. هدف از تأسیس مجمع براساس سند چشم‌انداز کشور در افق ۱۴۰۴، عبارت بود از: برنامه‌ریزی و شناسایی، هدایت و حمایت مادی و معنوی نخبگان ورزش، جذب، حفظ و بکارگیری و پشتیبانی از آنان در راستای کسب مقام و منزلت قهرمانی و پهلوانی که موجب سرعت بخشیدن به رشد و توسعه علمی ورزش کشور و احراز جایگاه برتر علمی و ورزشی در منطقه و جهان گردد (اساسنامه بنیاد ملی نخبگان ورزشی، ۱۳۸۶). لذا بهره‌مندی از توانایی‌های بالقوه نخبگان در راستای استراتژی‌ها و نیازمندی‌های سازمان، مسئله‌ای است که باید مورد مطالعات و بررسی دقیق قرار بگیرد (آراسته و محمودی راد، ۱۳۸۳).

عدم توجه به اقتضائات سازمانی در مصوبات و آئین نامه‌های موجود بنیاد ملی نخبگان از موارد مهم دیگری است که در این تحقیق مد نظر قرار گرفت. به عبارت دیگر، سازمان‌های ورزشی در کشور ایران با فرهنگ‌ها

و ساختارهای مختلفی در حال فعالیت است که جهت رشد و توسعه نخبگان سازمانی آنها باید از ساختارها و روش‌های متناسب با فرهنگ و زبان بوروکرات‌های دولتی در این سازمان‌ها استفاده نمود. بر این اساس انتخاب و عنوان نخبه نیز باید با توجه به شرایط محیط و نیازهای سازمانی مد نظر قرار گیرد (سبک رو، ۱۳۹۴).

البته عناصر و رویکردهای مختلفی بنیاد ملی نخبگان که در مصوبات آن منعکس شده اند تا حد زیادی در تلاش هستند تا شرایط مساعدی را برای رشد قابلیت‌های افراد نخبه در سازمان‌های مختلف فراهم آورند؛ اما در این میان، فقدان مدل جامعی که توسعه قابلیت‌های مدیران نخبه را در سازمان‌های ورزشی مد نظر قرار دهد، احساس می‌شود. بنابراین خلاء مدلی که با در نظر گرفتن عناصر مختلف، ارتباط آنها با یکدیگر و تعیین جایگاه هر یک از آنها به توسعه قابلیت‌های مدیران نخبه علوم ورزشی در سازمان‌های مربوطه بپردازد، محقق را بر آن داشت تا به بررسی این موضوع بپردازد. بنابراین تحقیق حاضر در پی پاسخ به این سوال اساسی است که چه شرایط زمینه‌ای برای ایجاد توسعه قابلیت‌های مدیران نخبه در سازمان‌های ورزشی منتخب کشور ایران، نیاز است؟

در بسیاری از مطالعات، اهمیت توجه به توسعه قابلیت‌های نخبگان مورد اشاره قرار گرفته است. به عنوان مثال، کانکه^۱ بیان می‌دارد که سازمان‌ها عمدتاً دارای نخبگان و افراد ماهری هستند که به علل مختلفی از جمله عدم شناسایی آنها توسط سازمان و فراهم نشدن فضای شکوفایی استعدادهای آنها، عملاً در ارتقای عملکرد سازمانی خود، تاثیر چندانی ندارند؛ حال آنکه تحول سازمانی در گرو رشد سرمایه‌های انسانی آن است و نخبگان سازمانی باید با توجه به روند تحول سازمان، توسعه یابند (استوارت^۲، ۲۰۱۳). مدیریت منابع انسانی به معنای درک اهمیت منابع انسانی یک سازمان است که به برتری سازمان، توجه به مشتری، کارآفرینی، کیفیت و نظائر آن شکل و معنا می‌بخشد (جهانیان، ۱۳۸۷). مدل قابلیت، ترکیب خاص دانش، مهارت‌ها و ویژگی‌های مورد نیاز برای ایفای مؤثر یک نقش در سازمان را توصیف می‌کند و به عنوان ابزار منابع انسانی برای گزینش، آموزش و توسعه، ارزیابی، برنامه ریزی و جانشینی استفاده می‌شود (راث^۳، ۲۰۰۶). در حقیقت رشد و پرورش و افزایش سطح توانایی‌ها و سازماندهی نیروی انسانی یک سازمان جهت رسیدن به اهداف سازمان، در دیدگاه و سطح فکری مدیریت منابع انسانی خلاصه شده است و این سطح مدیریتی در شکست و پیروزی سازمان سهم بسزائی دارد. کارشناسان یکی از عمده ترین عوامل غلبه بر شکست و رکود سازمانی را بهره مندی کامل از توانایی‌های نخبگان سازمانی معرفی می‌نمایند. بنابراین با توجه به نیاز مبرم سازمان‌ها برای ارتقای سطح کیفی و کمی برنامه‌های خود، بسیار ضروری است که در این زمینه، مطالعات و بررسی‌های لازم صورت پذیرد تا سازمان‌ها بر اساس آن بتوانند:

۱. قابلیت‌ها و پتانسیل‌های کارکنان خود را شناسایی و در جهت استراتژی سازمانی خود از آنها استفاده نمایند.
۲. با توسعه قابلیت کارکنان خود عملکرد فردی کارکنان را ارتقا دهند و در نهایت به عملکرد سازمانی برتر دست یابند.
۳. نیازهای شغلی خود را شناسایی نمایند و در گزینش و جذب کارکنان از آن بهره گیرند.

۴. با توسعه فعالیت‌های کارکنان خود زمینه رشد و گسترش ارائه خدمات خود را فراهم آورند (لی، ۲۰۰۱). کشورهای فنی که در حال رشد بوده و به دنبال تبدیل شدن به کشوری صنعتی و پیشرفته هستند، به کارکنان فنی و متخصص جهت خلق و گسترش سازمان‌هایی با عملکرد برتر وابسته‌اند. با توجه به اینکه در اختیار داشتن کارکنان فنی و متخصص و ماهر نیازمند آموزش پیشرفته است، بنابراین نیاز است که دانشگاه‌ها و کالج‌ها در ارائه خدمات در این زمینه فعالیت دوجندانی را بر عهده گیرند. البته با توجه به تغییرات سریع در دنیای امروز، هر کشوری به چنین پرسنلی به جهت انطباق با نوآوری‌های فنی، نیاز مبرم دارد (فرخ پور، ۱۳۸۸). از این رو شناسایی، پرورش، توسعه و تکثیر افراد نخبه که توانایی بعهده گرفتن مسئولیت‌های سازمانی مختلف را داشته باشند، از جمله مهمترین وظایفی است که دولت‌ها جهت بقای خود، الزاما به آن نیاز دارند و به نظر می‌رسد که برنامه ریزی استراتژیک جهت پوشش اهداف خود، بشدت به توسعه و توجه به این عامل محتاج است (سبک رو، ۱۳۹۳).

در محیط رقابتی که امروزه به وجود آمده، جذب و نگهداری استعدادها بسیار مشکل شده و امروزه تاکید سازمان‌ها بر جذب افراد مناسب برای مشاغل مناسب و در زمان مناسب می‌باشد که دلیل آن انتقال از عصر صنعتی به عصر سرمایه فکری و هوش می‌باشد (فیلیپ و روبر، ۲۰۰۹). از مهم ترین فرایندها در مدیریت منابع انسانی، جذب افراد با استعداد است و همواره یکی از معضلات در سیستم‌های سازمانی، انتخاب و جذب افراد مطلوب بر مبنای شاخص‌های مناسب است. معرفی قابلیت‌های پیشرفت درون سازمان به افراد با استعداد و نشان دادن این مطلب به کارکنان جدید که مدیران سازمان بر مبنای شایستگی و رتبه درون پست‌ها قرار گرفته‌اند نیز می‌تواند از مهم ترین عوامل جذب استعدادها به شمار رود (طهماسبی و همکاران، ۱۳۹۱). رقابت و کمبود دسترسی به افراد نخبه و ماهر باعث شده است که توسعه کارکنان نخبه موجود در سازمان به اولویت‌های عمده سازمانی تبدیل شود. صرف جذب افراد نخبه در سازمان و عدم ارتقای سطح کیفی فعالیت‌های آنها و همچنین عدم بهره‌مندی از توانایی‌های بالقوه آنها منجر به ایجاد نوعی عدم رضایت در آنها شده و رفته رفته به کاهش سطح بهره‌وری آنها منجر خواهد شد (دارلینگ، ۲۰۱۰). بنابراین شناسای و بهره‌مندی از افراد نخبه نه تنها منجر به ارتقای جایگاه و عملکرد سازمانی می‌گردد، بلکه در راستای ارضای نیازهای درونی افراد نخبه نیز گام اساسی به شمار می‌آید.

امروزه سازمان‌ها در وضعیتی قرار دارند که آینده آنها به منابع انسانی وابسته است، رقابت برای جذب نخبگان افزایش یافته و نیاز به کارکنان متخصص در پست‌های حساس بیشتر شده است. مدیریت نخبگان جنبه‌های مختلفی از قبیل استخدام، انتخاب، بکارگیری، مدیریت عملکرد، توسعه مسیر شغلی، توسعه شایستگی‌های رهبری، برنامه ریزی جایگزینی، شناخت و پاداش را در بر می‌گیرد.

بیشترین ترک خدمت افراد مستعد از سازمان‌ها، به دلیل عدم توجه مدیران به آنان است. نتایج یک مطالعه صورت گرفته نشان می‌دهد که عامل فرصت‌های یادگیری و رشد در سازمان توسط پاسخ دهندگان مهمتر و بالاتر از عوامل دیگر بوده است (دیچوال، ۲۰۰۶). عدم توجه به مقوله توسعه قابلیت‌های نخبگان

1. Lee
2. Phillips and Roper
3. Dorling
4. Dychtwald

پیامدهای متعددی را در پی دارد که نشانگر ضرورت توجه به این مسئله است. خروج و یا فرار نخبگان از سازمان و یا کشور، نارضایتی کارکنان نخبه، کاهش عملکرد سازمانی و عدم دستیابی به پتانسیل‌های سازمانی و کاهش احساس تعلق و تعهد سازمانی نخبگان (سبک رو، ۱۳۹۴)، تنها بخشی از مواردی است که ضرورت پژوهش حاضر را تبیین می‌نماید.

مروری بر شرایط مدیریتی ورزش کشور، نشان از موقعیت اضطراری و تأمل‌برانگیز دارد. در المپیک ۲۰۱۶ ریو تعدادی از هموطنان مان زیر پرچم کشورهای دیگر ظاهر شدند؛ موضوعی که در تیم‌های دیگر هم وجود داشت و حساسیتی را برنیانگیخت؛ اما در ایران برخی به انتقاد از آن پرداختند. مربی و ورزشکار ایرانی در رشته تکواندو برای کشور دیگری دست به مبارزه زدند و تیم مورد نظر با مربیگری این شخص توانست سه مدال ارزشمند برای کشورش بدست آورد. این مربی در کارنامه ورزشی خود، ایران را در سال ۲۰۰۹ برای اولین بار قهرمان جهان کرد، این در حالی است که در سال ۲۰۱۲ به دلیل برخی اختلافات، از سمت مربیگری تیم ملی ایران برکنار شد و با گریزی بر اوضاع نامساعد مالی و مشکلات زندگی شخصی و همچنین کم توجهی مدیران ورزشی، مجبور به مهاجرت و ارائه دانش فنی در کشوری دیگر شد و از طرف مدیران فعلی «مزدور» خطاب شد.

کاروان کشورمان که متشکل از ۶۳ ورزشکار بود، در پایان بازی‌های المپیک ریو با کسب ۸ مدال مختلف جایگاه ۲۵ را در بین کشورهای شرکت کننده در این مسابقات به خود اختصاص داد؛ این درحالی است که ورزشکاران کشورمان در بازی‌های المپیک ۲۰۱۲ لندن با کسب ۱۲ مدال در جایگاه ۱۷ جدول توزیع مدال قرار گرفته بودند. آیا نمی‌توان این امر را ناشی از عدم توسعه قابلیت‌های مدیران ورزش که بنا به بخشی از تعریف عملیاتی در این پژوهش، جزو نخبگان ورزشی هستند، دانست؟ این امور و همچنین نیازمندی به یک مدل جامع برای تحقق اهداف آرمانی ورزشی نیز یکی دیگر از مواردی است که ضرورت تحقیق حاضر را بیش از پیش تبیین می‌نماید.

علاوه بر این، عدم توجه به توسعه قابلیت‌های نخبگان علمی و عملی حوزه تربیت بدنی و علوم ورزشی در سازمان‌های ورزشی منتخب کشور، دستیابی به جایگاه شایسته این علوم در جامعه را در شرایط مبهم قرار داده و نمی‌توان به صورت مناسبی از ظرفیت‌های بالقوه در این علوم به جهت رشد و توسعه کشور در ابعاد کلان بهره برد. ضرورت توجه به سازمان‌های ورزشی در این تحقیق به سبب ماهیت تاثیرگذار آنها در آینده ورزش کشور است که می‌تواند مبنا و اساس مناسبی برای فعالیت‌های تحقیقات در عرصه جامعه ورزشی باشد.

روش شناسی پژوهش

رویکرد کلی پژوهش حاضر از نوع کیفی می‌باشد که با استفاده از یکی از راهبردهای آن (روش گراند تئوری) انجام شده و در آن سعی گردیده است تا شرایط علی موثر بر شناخت و توسعه قابلیت‌های مدیران نخبه در سازمان‌های ورزشی منتخب کشور شناسایی گردد. منظور از شرایط علی، حوادث، وقایع و اتفاقی‌هایی است که به وقوع یا گسترش پدیده‌ای می‌انجامد. در انجام تحلیل گراند تئوری، شرایط علی به عنوان عوامل اثرگذار بر پدیده مرکزی معرفی می‌شوند (فاضلی دینان، ۱۳۹۶).

جهت اجرای روش گراند تئوری از مصاحبه نیمه ساختار یافته به منظور گردآوری داده‌ها استفاده شد.

روند کار به گونه‌ای بود که بعد از مطالعه و بررسی‌های فراوان و بهره‌مندی از نظر مشاوران، سوال‌های مصاحبه نهایی و مصاحبه‌ها آغاز گردید و تا حد اشباع داده‌ها ادامه یافت. به مصاحبه‌شوندگان اجازه داده می‌شد تا درباره جزئیات مربوط به موضوع اصلی (شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهکارها و پیامدهای حاصل از توسعه قابلیت‌های مدیران نخبه)، به اندازه شناخت و تجربه‌های خود نظر دهند. لازم به ذکر است که مدت هر مصاحبه با توجه به میزان تمایل پاسخ‌دهی شرکت‌کنندگان بین ۳۰ تا ۹۰ دقیقه متغیر بود.

در این پژوهش، جامعه آماری شامل ۱۷ نفر از مدیران نخبه علمی و ورزشی در حوزه تربیت بدنی و علوم ورزشی فعال در سازمان‌های ورزشی منتخب کشور بودند. برای انتخاب نمونه پژوهش از روش نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده گردید. حجم نمونه در حین فرایند تحقیق مشخص گردید، زیرا در پژوهش‌های کیفی اشباع شدن اطلاعات مهم‌تر از تعداد افراد مورد مطالعه می‌باشد؛ بدین معنی که محقق جمع‌آوری اطلاعات را باید تا زمانی ادامه دهد که اطلاعاتی که از شرکت‌کنندگان جمع‌آوری می‌کند، تکراری شده و اطلاعات جدیدی به اطلاعات گردآوری شده قبلی اضافه نشود- به عبارت دیگر، داده‌های گردآوری شده به اشباع نظری برسند. (عظیمی و همکاران، ۱۳۹۶) با در نظر گرفتن نکات فوق در مجموع در این مطالعه ۱۷ مصاحبه انجام و ضبط گردید.

به منظور تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده و با هدف افزایش دقت و درستی تجزیه و تحلیل‌ها، تمامی مصاحبه‌ها ضبط و سپس هر مصاحبه به طور جداگانه، واژه به واژه تایپ شد. پژوهشگر هر مصاحبه ضبط شده و یادداشت‌های مرتبط با آن را بلافاصله در ۲۴ ساعت اول با دقت و سطر به سطر مطالعه کرد و مفاهیمی که به ذهن می‌رسید را یادداشت نمود. این مرحله از نخستین مراحل تجزیه و تحلیل داده‌ها در گراند تئوری است که در اصطلاح به آن «کدگذاری» می‌گویند و سپس با استفاده از روش تحلیل داده‌ها که در گراند تئوری تجویز شده است، اطلاعات گردآوری شده مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. روش تحلیل داده‌ها که در گراند تئوری تجویز شده است، شامل سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی می‌باشد. در کدگذاری باز متن مصاحبه بارها و بارها، سطر به سطر خوانده و برای بخش‌های مهم، هر مفهومی که به ذهن می‌رسد در نظر گرفته می‌شود. سپس بخش‌های مرتبط علامت‌گذاری می‌گردد و به آن‌ها کد و یادداشت تحلیلی، اختصاص می‌یابد. به گفته صاحب‌نظران در کدگذاری باز، پژوهشگر آزادانه و با توجه به دانش ضمنی در زمینه موجود به نام گذاری مفاهیم (یا همان کدها) می‌پردازد و محدودیتی برای کدها در نظر نمی‌گیرد. به همین دلیل در پژوهش حاضر و در مرحله کدگذاری باز تعداد ۹۰ کد استخراج گردید، اما به علت تشابه معنایی و تکراری بودن اطلاعات، این کدها در یکدیگر ادغام و جمع‌شد و در نهایت به ۷۱ کد کاهش پیدا نمود.

در مرحله بعد که کدگذاری محوری نامیده می‌شود، فرایند اختصاص کد به مفاهیم موجود در داده از حالت کاملاً باز خارج می‌شود و شکل‌گزیده به خود می‌گیرد. به بیان دیگر، کدگذاری باز به بروز محورهای مشترکی در مجموعه داده گردآوری شده منجر می‌شود که این محورها به مرحله بعدی کدگذاری جهت‌گیری‌های تازه‌ای می‌بخشد. در کدگذاری محوری، گام‌های مربوط در سطح مفهومی (کار با مفاهیم) مورد توجه قرار می‌گیرند. در این مرحله به جفت کردن کدها و یادداشت‌های تحلیلی و هم‌خانواده کردن آن‌ها پرداخته شد و

مفاهیم کدهایی که از نظر مفهومی شبیه یکدیگر بودند، در یک طبقه جای گرفتند- در این تحقیق هفت مقوله از این مرحله استخراج شد.

در آخرین مرحله کدگذاری به دلیل اینکه جزء اصلی تئوری به تدریج خود را نشان می‌دهد، پژوهشگر بر اساس این اجزای نوظهور در کار کدگذاری گزیده تر عمل می‌کند. از این رو آخرین فصل کدگذاری را «انتخابی» می‌نامند.

در این پژوهش، با ارائه بازخورد به مصاحبه شونده‌گان و قرار دادن آن‌ها در مسیر پژوهش به طوری که بر نحوه پاسخگویی آن‌ها تاثیر نگذارد، به منظور افزایش روایی درونی اقدام شد. در ضمن پس از انجام هر مصاحبه، اطلاعات به دست آمده تا آن مرحله ارائه گردید و در صورتی که مصاحبه شونده نکاتی را نسبت به آن‌ها مدنظر داشت، مورد بحث قرار می‌داد. این کار پس از انجام مصاحبه صورت می‌گرفت تا مصاحبه خالی از هر گونه پیش فرض و جهت گیری انجام شود. علاوه بر این، چهار فعالیت دیگر نیز به منظور افزایش روایی درونی یافته‌ها انجام شد که عبارت بودند از:

۱) استفاده از منابع مختلف برای جمع آوری داده‌ها؛

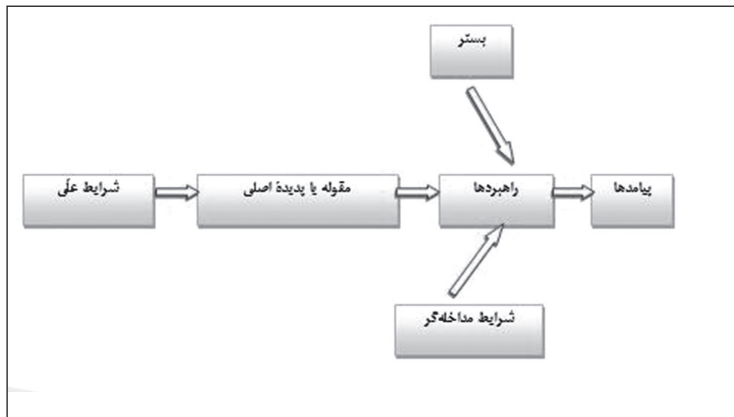
۲) بررسی داده‌ها توسط یک دستیار؛

۳) مشارکت یک متخصص آشنا به روش پژوهش داده بنیاد؛

۴) شناسایی جهت گیری‌ها از طریق پرسش سوال‌های مکرر در حین تحلیل داده‌ها.

همچنین از آنجا که مولفه پایایی به گستره تکرار پذیری یافته‌های پژوهش اشاره دارد و در انجام مطالعات کیفی پژوهشگر به تفسیر موضوع مورد مطالعه می‌پردازد، نیازی به ایجاد و ارائه مفهوم سنتی پایایی نیست. بنابراین در بحث پایایی پژوهش، باید نشان داد که چگونه داده‌ها گردآوری شده و کدگذاری، استخراج مفاهیم و انتخاب طبقات به چه نحوی صورت گرفته است- این توضیحات پیش از این به تفصیل بیان شده‌اند. علاوه بر این، یکی دیگر از راهکارهای تعیین پایایی در پژوهش‌های کیفی، انجام کدگذاری مستقل نتایج مصاحبه‌های مشارکت کنندگان به صورت تصادفی توسط فردی است که سابقه ذهنی در مورد موضوع ندارد. در همین راستا و به منظور سنجش کیفیت کدگذاری انجام شده، در این پژوهش از روش توافق بین دو کدگذار بر اساس ضریب کاپای کوهن^۱ استفاده گردید و نتایج (ضریب کاپا ۰/۷۴۲) حاکی از رد فرض استقلال کدهای استخراج شده و تایید وابستگی آن‌ها با یکدیگر است. از این رو، می‌توان ادعا کرد که فرایند کدگذاری از پایایی کافی برخوردار بوده است.

لازم به ذکر است که مدل مورد استفاده در این پژوهش مدل استخراج شده از نظریه اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) است (شکل ۱) که در آن شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله گر، راهکارها و پیامدها، با توجه به مقوله اصلی یا پدیده محوری که همان توسعه قابلیت‌های مدیران نخبه است، شکل می‌گیرد.



شکل ۱: مدل استراوس و کوربین

این پژوهش تنها به معرفی شرایط علی که به عنوان یکی از عوامل اثرگذار بر پدیده مرکزی تاثیر خواهد گذاشت، می‌پردازد.

یافته‌های پژوهش

شرح و بسط شرایط علی در پژوهش حاضر، بر مبنای داده‌های مصاحبه‌ها و حاصل تجزیه و تحلیل ۱۷ مصاحبه نیمه ساختار یافته بود که ابتدا استخراج مفاهیم انجام شد. هرچقدر که یک عامل زمینه ای (طبقه به دست آمده) کدهای بیشتری داشته، به همان اندازه سایر جنبه‌های فرعی آن نیز با وضوح بیشتری شناسایی و مشخص شده است. طبقات کلی و اندیشه مرکزی ساخته شده در این پژوهش در جدول ۲ قابل مشاهده می‌باشد. همچنین در جدول ۱، توزیع افراد در گروه‌های مشارکت‌کننده در مصاحبه و کدهای مورد استفاده آنان به تفکیک قابل رویت می‌باشد.

جدول ۱: توزیع افراد در گروه‌های مشارکت‌کننده در مصاحبه و کدهای مورد استفاده

ردیف	کد مورد استفاده	تخصص	نسبت
۱	P1	معاون دفتر توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای وزارت ورزش و جوانان	مرد
۲	P2	معاون فرهنگی، آموزشی و پژوهشی وزارت ورزش و جوانان	مرد
۳	P3	مدیر کل دفتر توسعه ورزش همگانی وزارت ورزش و جوانان	مرد
۴	P4	مدیر کل دفتر استعدادیابی و توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای وزارت ورزش و جوانان	مرد
۵	P5	دبیر شورای راهبردی وزارت ورزش و جوانان	مرد

۶	P6	سرپرست مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی وزارت ورزش و جوانان	مرد
۷	P7	معاون پژوهشی مرکز مطالعات راهبردی وزارت ورزش و جوانان	مرد
۸	P8	مشاور دفتر هماهنگی امور معاونان وزارت ورزش و جوانان	مرد
۹	P9	مشاور وزیر (مشاور امور هماهنگی بانوان) وزارت ورزش و جوانان	زن
۱۰	P10	مشاور وزیر - دبیر ستاد اجرایی ماده ۸۸ وزارت ورزش و جوانان	مرد
۱۱	P11	مدیر کل برنامه ریزی منابع انسانی وزارت ورزش و جوانان	مرد
۱۲	P12	معاونت دفتر مشترک امور فدراسیون‌ها	مرد
۱۳	P13	رئیس فدراسین شنا جمهوری اسلامی ایران	مرد
۱۴	P14	رئیس فدراسیون کشتی جمهوری اسلامی ایران	مرد
۱۵	P15	معاون حقوقی و پارلمانی وزارت ورزش و جوانان در مجلس شورای اسلامی	مرد
۱۶	P16	مدیر کل طرح‌های ملی وزارت ورزش و جوانان	مرد
۱۷	P17	رئیس آکادمی ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران	مرد

جدول ۲: شرایط علی تاثیرگذار بر استقرار مفهوم توسعه قابلیت‌های مدیران نخبه

سازه اصلی	سازه‌های فرعی (مقولات)	مفاهیم
سازه اصلی	سازه‌های فرعی	شناسایی توانمندی و مهارت‌های مدیر
		شناسایی مهارت‌های فنی
		شناسایی دانش بنیادی مدیران
		شناسایی شرایط محیطی سازمان
		شناسایی عوامل بیرونی و خارجی سازمان
		اولویت بندی مسائل انگیزشی
		شناسایی بحران‌ها
		شناسایی زمینه‌های رشدی مدیران
		شناسایی مدیران با قابلیت بالا
		بررسی وضع موجود
		شناسایی موانع موجود
		شناخت دقیق نیروی انسانی قبل از جذب و بکارگیری در سازمان
		شناسایی فاکتورهای قابلیت

سازه اصلی	سازه های فرعی (مقولات)	مفاهیم
شناخت نیروی انسانی در سازمان	شناخت نیروی انسانی در سازمان	شناسایی توانمندی و مهارت های مدیر
		شناسایی مهارت های فنی
		شناسایی دانش بنیادی مدیران
		شناسایی شرایط محیطی سازمان
		شناسایی عوامل بیرونی و خارجی سازمان
		اولویت بندی مسائل انگیزشی
		شناسایی بحران ها
		شناسایی زمینه های رشدی مدیران
		شناسایی مدیران با قابلیت بالا
		بررسی وضع موجود
		شناسایی موانع موجود
		شناخت دقیق نیروی انسانی قبل از جذب و بکارگیری در سازمان
		شناسایی فاکتورهای قابلیت
		شناسایی سرمایه فرهنگی سازمان
		شناسایی ساختار سازمان
		شناسایی مسیرهای توسعه قابلیت افراد
		شناخت محدودیت های عملیاتی مدیران
		شناسایی نیروهای متخصص فعال در سازمان
		شناسایی شرایط محیطی سازمان
		شناسایی عوامل بیرونی و خارجی سازمان
		شناسایی موانع توسعه قابلیت
شناخت نیروی انسانی در سازمان	شناخت نیروی انسانی در سازمان	بررسی میزان منابع مالی در اختیار
		نیازسنجی کل سیستم
		توجه به محدودیت های عملیاتی مدیران
		بررسی و شناخت زیرساخت های عملیاتی موجود
		بررسی تیم های عملیاتی
		بودجه بندی سازمان
		بررسی امکانات و تجهیزات
		به روز رسانی کلیه امکانات
		به روز رسانی امکانات
		به روز رسانی امکانات

مفاهیم	سازه‌های فرعی (مقولات)	سازه اصلی
بررسی حوزه فعالیت اجرایی مدیران	عملکرد	
بررسی زمینه فعالیت مدیران تخصصی		
بررسی فضای عملکردی مدیران		
ضعف عملکرد سازمان در شناخت قابلیت افراد		
بررسی توانمندی ذاتی مدیران		
بررسی توانمندی اکتسابی مدیران		
در اولویت بودن توسعه قابلیت		
بررسی نتایج عملکرد مدیران		
بررسی علل شکست مدیران قبلی		
ضعف کار تیمی		
تقویت بخش رفتاری و عملکردی		
بررسی یافته‌های علمی بومی و ملی ورزشی		
بررسی شرایط فعلی و مقایسه آن با سازمان‌های بین‌المللی		
بررسی میزان توسعه قابلیت‌های فردی مدیران قبلی		
مطالعات تطبیقی		
ضعف عملکرد سازمان در شناخت قابلیت افراد		
در اولویت بودن توسعه قابلیت‌ها		
اعتقاد مدیر عالی سازمان به توسعه قابلیت فردی و گروهی در سازمان		
اجرایی نشدن برنامه‌ها		
بررسی و به روز رسانی امکانات نرم افزاری		
بررسی قوانین و مقررات موجود	سیستم نظارتی	
عملکرد سیستم نظارتی		
ارتباطات درون سازمانی		
عملکرد سیستم نظارتی		
پذیرش توسعه به عنوان فرایند بلند مدت		
بررسی اندازه توزیع قدرت درون سازمان		
قابلیت به عنوان بخش قابل مشاهده سازمان		
تجزیه تحلیل روند توسعه در سازمان		
بررسی سیستم نظارتی و ارزیابی		
روند فرهنگی سازمان		

مفاهیم	سازه های فرعی (مقولات)	سازه اصلی
بررسی ارتباط رسانه و سازمان	ارتباطات درون سازمانی	
مطالعه مدل های تطبیقی در کشورهای خارجی		
ارتباطات درون سازمانی		
بررسی ارتباطات درون سازمانی		
ضعف کار تیمی		
بررسی ارتباطات بین المللی		
همگانی بودن رشته های پایه در کنار قهرمانی بودن بیش از سایر رشته ها		
یادگیری سازمانی		
اولویت بندی مسائل انگیزشی	انگیزشی	
ایجاد تفکرات راهبردی	استراتژی های برورد	
برنامه راهبردی برای توسعه مدیران		
بررسی روند استراتژیک سازمان		

بحث و نتیجه گیری

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل مصاحبه ها در زمینه شناسایی شرایط علی تاثیرگذار بر استقرار مفهوم توسعه قابلیت های مدیران نخبه در سازمان های ورزشی نشان داد که هفت مقوله مهم شامل شناسایی عوامل سازمانی، مدیریت منابع، مدیریت عملکرد و ارتباطات درون و بیرون سازمانی، سیستم جامع نظارتی، توجه به مسائل انگیزشی و نگاه متفاوت به استراتژی های تبیین شده در سازمان- با ۷۱ زیر مولفه- در این امر موثرند. سال هاست که سازمان ها وقت و هزینه های هنگفتی را صرف بهبود قابلیت های مدیران فعلی و تربیت رهبران جدید می کنند. در ایالات متحده هزینه برنامه های توسعه رهبری سازمان ها بالغ بر ۱۴ میلیارد دلار است (احمدی، ۱۳۹۱). تعداد تحقیقاتی که در زمینه توسعه قابلیت های مدیران نخبه در سازمان های ورزشی انجام شده، محدود و انگشت شمار است، ولی در زیر به تحقیقاتی اشاره شده است که علاوه بر همسو بودن و مطابقت با یافته های تحقیق، دارای نتایج یکسانی در متغیرهای مورد نظر بوده است. آراسته و محمودی (۱۳۸۳) در بررسی مسائل فرار نخبگان، اشاره نمودند که برای بهره مندی از نخبگان نباید با برقراری قوانین و مقررات دست و پاگیر، جلوی پیشرفت نخبگان را گرفت و آن ها را مجبور به مهاجرت نمود. سبک رو (۱۳۹۳) در مطالعه خود در این زمینه، به صورت وسیعی به مواردی اشاره نموده است که در تئوری پیشنهادی تحقیق حاضر به آن اشاره شده است: سیستم اداری حاکم بر مراکز پژوهشی کشور، از ویژگی های یک نظام پویا برخوردار نیست. تصویب و اجرای آئین نامه ها و مقررات انعطاف پذیر، تغییر مکرر مدیران، نظارت و هدایت مراکز پژوهشی از سوی وزارتخانه ها و سازمان های ذی ربط و ضعف در تصویب قوانین و مقررات

ازجمله عوامل مؤثر عدم جذابیت کار در سازمان‌ها هستند. حذف بوروکراسی پیچیده کنونی، رفع مشکلات معیشتی محققان، امکان ارائه تحقیقات برتر در خارج از کشور، فراهم ساختن امکان انتشار کار تحقیقاتی، ایجاد روش‌های ساده‌تر برای تصویب طرح‌ها و فراهم کردن امکان ادامه تحصیل در مقاطع عالی، ازجمله اقداماتی اساسی است که می‌تواند ضمن جذاب‌تر کردن محیط به ماندگاری نخبگان نیز بینجامد.

زاهدی و شیخ (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «الگوی قابلیت‌های راهبردی مدیران میانی دولتی»، ارزش‌های مدیران دولتی را به عنوان یکی از ابعاد مهم قابلیت‌ها از طرف دولت برشمردند. همچنین به شاخص‌هایی نظیر آگاهی از حکمرانی در سطح ملی، آگاهی‌های سازمانی، تفکر استراتژیک، توسعه روابط، مدیریت افراد، مدیریت منابع، ارتباطات سیاسی و ارزش‌های فرهنگی جامعه شناختی، اشاره کردند (زاهدی و شیخ، ۱۳۸۹). استوارت^۱ (۲۰۱۳) در مقاله‌ای به بررسی توانمندی و توسعه منابع انسانی پرداخت. یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که توانایی مدیران، رابطه مثبت و معناداری با عملکرد شرکت‌ها دارد. کورتیس^۲ و همکاران (۲۰۰۳) در پژوهشی با عنوان «مدل بهبود توانمندی نیروی کار از طریق بلوغ توانایی افراد» مدلی ارائه دادند که دارای شاخص‌هایی همچون بهینه کردن، قابلیت پیش‌بینی، شاخص تعریف‌شده (فرهنگ مشارکتی، توسعه گروه‌های کاری، فرآیندهای صلاحیت محور، توسعه کار حرفه‌ای، توسعه شایستگی)، شاخص مدیریت‌شده (تمرین و توسعه همبستگی، مدیریت اجرایی، ارتباطات و هماهنگی در محیط کار) و شاخص مقدماتی (کارمند گرفتن) بود. دونات^۳ و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «اقدامات مدیریت منابع انسانی برای توسعه سرمایه انسانی و اجتماعی» دریافتند که سازمان‌ها به‌وسیله توسعه شایستگی‌های مدیران به پیامدهای قابل قبولی در زمینه بهره‌وری و ارتباطات و بهبود فرایندها خواهند رسید. ضیایی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیق خود با عنوان «تبیین مدل توسعه قابلیت‌های فردی سرمایه انسانی باهدف چابک سازی بنگاه‌های کوچک و متوسط» دریافتند که توسعه قابلیت‌های فردی سرمایه انسانی منجر به چابک سازی سرمایه انسانی و سپس چابک سازی بنگاه‌های کوچک و متوسط خواهد شد. همچنین مشخص گردید که کارآفرینی، دانش، انگیزش و مهارت به ترتیب اهمیت مهم‌ترین عوامل تبیین‌کننده توسعه قابلیت‌های فردی سرمایه انسانی هستند. انصاری رنانی و تونکه نژاد (۱۳۸۸) نیز در طراحی مدل قابلیت کارکنان با استفاده از تئوری زمینه‌یابی، بهبود فرایندها را به‌عنوان مهمترین اصل در توسعه کارکنان بیان کردند که دارای شاخص‌های مدیریت تغییر، دانش کار، حل مسائل و خلاقیت بود. جهانیان (۱۳۸۷) در بررسی خود با عنوان «رویکردها، ابعاد و چارچوب توانمندسازی مدیران آموزشی» نشان داد که توانمندسازی منابع انسانی در سه رویکرد ارتباطی، انگیزشی و شناختی قابل بررسی است.

دراین پژوهش، بررسی شرایط علی موجود که به توسعه قابلیت‌های مدیران نخبه کمک می‌کند، مورد توجه قرار گرفت؛ شرایطی که می‌تواند در اثر اجرای فرایندها، اقدامات و راهبردهای لازم در راستای توسعه قابلیت‌های مدیران نخبه در سازمان‌های ورزشی منتخب کشور، اتفاق بیفتد. هر کدام از شاخص‌های استخراج شده دارای اثر گذار به شرح زیر است:

۱. مهمترین مواردی که در طبقه «شناسایی عوامل سازمانی» می‌توان به آن اشاره کرد، به قرار زیر است:

1. Stewart
2. Curtis
3. Donate

شناسایی و بررسی وضع موجود مواردی مانند توانمندی و مهارت‌های مدیر اعم از فنی و بنیادی، شرایط محیطی سازمان، عوامل بیرونی و خارجی سازمان، بحران‌ها، زمینه‌های رشدی مدیران، مدیران با قابلیت بالا، سرمایه فرهنگی سازمان، فاکتورهای قابلیت، موانع توسعه قابلیت، محدودیت‌های عملیاتی مدیران، مسیرهای توسعه قابلیت افراد، عوامل بیرونی و خارجی سازمان، شناسایی دقیق نیروی انسانی قبل از جذب و بکارگیری در سازمان و اولویت بندی مسائل انگیزشی. مشخص شدن این زیر شاخه‌ها بدین معناست که سازمان و متعلقات مربوط به آن به عنوان یک نهاد اثر گزار، تاثیر مهمی در ایجاد زمینه برای توسعه قابلیت‌های مدیران نخبه دارد.

۲. در طبقه «مدیریت منابع» به تاثیر مطلوب این بخش بر روی سازمان ورزشی از طریق نیازسنجی کل سیستم، بررسی میزان منابع مالی در اختیار، بررسی و شناخت زیرساخت‌های عملیاتی موجود، بررسی تیم‌های عملیاتی، بودجه بندی سازمان، بررسی امکانات و تجهیزات و بروز رسانی کلیه امکانات اشاره گردید.
 ۳. در طبقه «مدیریت عملکرد» به محتوای عملکردی مدیران سازمان از قبیل بررسی زمینه فعالیت مدیران تخصصی، بررسی فضای عملکردی مدیران، بررسی نتایج عملکرد مدیران، تقویت بخش رفتاری و عملکردی، بررسی شرایط فعلی و مقایسه آن با سازمان‌های بین المللی، بررسی علل شکست مدیران قبلی و اجرایی نشدن برنامه‌ها اشاره شد. این امر نشان از نقش تعیین کننده امور عملیاتی بر رسالت‌های سازمان ورزشی دارد و می‌تواند عاملی برای توسعه قابلیت‌های مدیران در زمینه تصمیم گیری‌های اثر گزار باشد.
 ۴. در «سیستم جامع نظارتی» به مسئله مهم بررسی قوانین و مقررات موجود، بررسی عملکرد سیستم نظارتی و ارزیابی، پذیرش توسعه به عنوان فرایند بلند مدت، بررسی اندازه توزیع قدرت درون سازمان و تجزیه تحلیل روند توسعه در سازمان اشاره شد که یکی از مهمترین شرایط علی برای توسعه قابلیت‌های مدیران می‌باشد.
 ۵. در بخش «ارتباطات درون و بیرون سازمانی» به بررسی ارتباط رسانه و سازمان، مطالعه مدل‌های تطبیقی در کشورهای خارجی، ارتباطات درون سازمانی، ضعف کار تیمی، بررسی ارتباطات بین المللی و یادگیری سازمانی اشاره گردید و نقش بسیار مهم روابط سالم را در سازمان‌های ورزشی به جهت توسعه قابلیت‌های مدیران نشان داد.
 ۶. در طبقه «مسائل انگیزشی» به اولویت بندی مسائل انگیزشی و بررسی مسائل وابسته به آن پرداخته شد.
 ۷. در «بررسی استراتژی‌های موجود» نیز به بررسی روند استراتژیک سازمان، ایجاد تفکرات راهبردی و همچنین برنامه راهبردی برای توسعه مدیران اشاره گردید.
- نتایج نشان می‌دهد که سازمان‌ها به‌منظور توسعه همه‌جانبه قابلیت‌های مدیران خود، نیازمند مهیا کردن برخی شرایط علی می‌باشند که باید تمامی تلاش خود را در اجرای زمینه‌های یادشده به کار گیرند. با توجه به یافته‌های به‌دست آمده در این تحقیق، می‌توان به‌ایجاد شرایط زیر برای تسهیل دستیابی به توسعه قابلیت‌های مدیران سازمان‌های ورزشی اشاره نمود:
- سیستم اداری حاکم بر سازمان‌های ورزشی کشور، باید از ویژگی‌های یک نظام پویا برخوردار باشد؛
 - آئین‌نامه‌ها و مقررات انعطاف‌پذیر باید تصویب و اجرا شود؛
 - ناسازگاری فرهنگی بین عناصر مختلف اجرایی در مراکز عملیاتی باید رفع گردد؛

● شناسایی شرایط علی موثر بر توسعه قابلیت‌های مدیران نخبه در سازمان‌های ورزشی منتخب کشور (مطالعه‌ای با رویکرد گراند تئوری)

- تغییر مکرر مدیران تخصصی که موجب حاکمیت سلیقه‌های متعدد می‌شود باید حذف گردد؛
- بوروکراسی پیچیده کنونی باید حذف شود؛
- مشکلات معیشتی مدیران باید رفع گردد؛
- امکان ارائه تحقیقات برتر در خارج از کشور فراهم شود؛
- سیستم نظارتی و ارزیابی برای همه سطوح کارکنان در سازمان ایجاد گردد؛
- روش‌های ساده تری برای تصویب طرح‌ها در پیش گرفته شود.

منابع

- احسانی، محمد؛ امیری، مجتبی و قره خانی، حسن. (۱۳۹۲). «طراحی و تدوین نظام جامع ورزش حرفه‌ای کشور». مطالعات مدیریت ورزشی. شماره ۱۷، صص ۱۲۵-۱۳۶.
- احمدی، عبدالله؛ امین شایان جهرمی، شاپور و زارعی، صدیقه. (۱۳۹۱). «رابطه مدیریت کیفیت فراگیر با توانمندسازی و ارزیابی عملکرد کارکنان». فصلنامه علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی. سال سوم، شماره ۲، صص ۳۵-۵۴.
- آراسته، حمیدرضا و محمودی راد، مریم. (۱۳۸۳). «شناسایی، ویژگی‌ها و رشد نخبگان». فصلنامه رهیافت. شماره ۳۴، صص: ۵-۱۲.
- اساسنامه بنیاد ملی نخبگان ورزش. (۱۳۸۶).
- استادزاده، مریم. (۱۳۸۹). «بررسی عوامل موثر در افزایش یا کاهش بهره‌وری منابع انسانی». سومین کنفرانس بهبود و تحول اداری، تهران.
- انجمن علمی تربیت بدنی و علوم ورزشی ایران. (۱۳۹۲). «انتظارات جامعه علمی ورزش کشور از دولت یازدهم».
- انصاری رنانی، قاسم و تونکه نژاد، ماندنی. (۱۳۸۸). «طراحی مدل قابلیت‌های کارکنان با استفاده از تئوری زمینه‌یابی». فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات مدیریت صنعتی. سال ششم، شماره ۱۵، صص ۲۵-۵۰.
- جهانیان، رمضان. (۱۳۸۷). «رویکردها، ابعاد و چارچوب توانمندسازی مدیران آموزشی». پیام مدیریت. شماره ۲۷، صص ۱۳۱-۱۵۴.
- دفتر ریاست بنیاد ملی نخبگان. (۱۳۹۲). آشنایی با ضوابط و آیین نامه‌های بنیاد ملی نخبگان. چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی
- زاهدی، شمس السادات؛ روشندل اربطانی، طاهر و حسن پور، اکبر. (۱۳۸۹). «عوامل سازمانی مؤثر بر قابلیت استخدام کارکنان در سازمان‌های دولتی». نشریه مدیریت دولتی. دوره ۲، شماره ۴، صص ۷۳-۸۸.
- سبک رو، مهدی. (۱۳۹۳). «طراحی مدل توسعه قابلیت‌های افراد نخبه در سازمان‌های پژوهشی علوم انسانی کشور ایران». رساله دکتری، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران.
- سند تفضیلی نظام جامع توسعه تربیت بدنی و ورزش کشور. (۱۳۸۳). بخش ورزش حرفه‌ای سازمان تربیت بدنی، تهران: انتشارات سیب سبز
- شفیعی، مهرداد. (۱۳۹۲). «تهدید سازمانی در شرکت‌های نوپای دانش بنیان؛ عامل انسجام تیم و بقای کسب و کار در محیط رقابتی». فصلنامه تخصصی پارک‌ها و مراکز رشد. سال نهم، شماره ۳۴، صص ۴۴-۵۲.
- ضیایی، محمدصادق؛ حسینی پور، طهمورث؛ عباس‌پور، عباس و یاراحمدزهی، حسین. (۱۳۹۱). «تبیین مدل توسعه قابلیت‌های فردی سرمایه انسانی با هدف چابک سازی بنگاه‌های کوچک و متوسط». پژوهش‌های مدیریت عمومی. سال پنجم، شماره پانزدهم. صص ۲۴-۲۷.
- طهماسبی، رضا؛ قلی پور، آری و جواهری زاده، ابراهیم. (۱۳۹۲). «مدیریت استعدادها: شناسایی و رتبه

- بندی عوامل موثر بر جذب و نگهداشت استعدادهای علمی». پژوهش‌های مدیریت عمومی. سال پنجم، شماره هفدهم، صص ۲۶-۵.
- عظیمی دلارستانی، عادلہ، رضوی، سیدمحمدحسین. برومند، محمدرضا. «شناسایی عوامل زمینه‌ای تاثیرگذار بر استقرار کارآفرینی استراتژیک در کسب و کارهای ورزشی». فصلنامه مدیریت و توسعه ورزش. سال هفتم، شماره چهارم، پیاپی ۱۶. صص ۸۷-۶۹.
 - فاضلی دینان، فاطمه. (۱۳۹۶). «طراحی مدل توسعه قابلیت‌های مدیران نخبه در سازمان‌های ورزشی منتخب کشور (مطالعه‌ای با رویکرد گراند تئوری)». رساله دکتری. دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه شمال آمل. شهریور ۱۳۹۶.
 - فرخ پور، مهدی. (۱۳۸۸). «بررسی تاثیر نقش و جایگاه آموزش بر توانمندسازی کارکنان». قابل دسترسی در وب سایت آفتاب.
 - قانون برنامه پنج ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران. مصوب ۱۳۸۹، ماده ۱۵.
 - Curtis, B., Hefley, W. E. & Miller S.A. (2003). "Experiences applying the people capability maturity model Cross talk". The Journal of Defense Software Engineering, 16(4).
 - Dorling, D. (2010). "The return to elitism in education". Soundings. Volume (44): 35-46.
 - Donate MJ, Peña I, Sanchez de Pablo J. D. (2016). "HRM practices for human and social capital development: effects on innovation capabilities". The International Journal of Human Resource Management. 27(9):928-53.
 - Dychtwald, K., Erickson, T.J., and Morison, R. (2006). **Workforce Crisis: How to Beat the Coming Shortage of Skills and Talent**. Harvard Business School Publishing, Boston, MA.
 - Richard Montier, David Alai, and Kramer, Diana. (2006). "Competency Models Develop Top Performance". MEASURING AND EVALUATING, TD July, 47-50.
 - Hoover, W. (2002). "The Future of Human Resources: Technology Assists in Streamlining Your Hr Department". Colorado Biz, 29, 4.27.
 - Lee, J. A. (2001). **The empowerment approach to social work practice: Building the beloved community (2ended)**. New York: Columbia University press
 - Phillips, Deborah R. and Kathy Roper, O. (2009). "A framework for talent management in real estate". Journal of Corporate Real Estate, Vol. 11 Iss: 1, pp.7 – 16.
 - Ruth, D. (). "Frameworks of managerial competence: limits, problems and suggestions". Journal of European Industrial Training, 30(3):206-26.
 - Sinnott, G., Madison, G., Pataki, G. (2002). "Competencies: Report of the competencies workgroup". workforce and succession planning work groups. New York State Governor's Office of Employee Relations and the Department of Civil Service.
 - Sirota, D. & Irwin Meltzer, M. (2006). "Stop De motivating Your Employees". Harvard

management update.

- Stewart, F. (2013). **“Capabilities and Human Development: Beyond the Individual;The Critical Role of Social Institutions and Social Competencies”**. Browser Download Paper.
- Thompson, J. E. & Harrison, J. (2000). **“Competent managers the development and validation of a model using the Mel standards”**. The Journal of Management Development, 19,9/10; 836 -852.

ارتباط ابعاد بازاریابی کارآفرینانه با عملکرد باشگاه‌های ورزشی خصوصی شهر تهران

شهرام نظری^۱
نرگس صولتی^۲
احمد گرامی گنجه^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۱/۶

هدف از تحقیق حاضر، تعیین ارتباط بین ابعاد بازاریابی کارآفرینانه و عملکرد باشگاه‌های ورزشی خصوصی تهران بود. این پژوهش به لحاظ گردآوری داده‌ها، از نوع توصیفی همبستگی می‌باشد و جامعه پژوهش را تمامی باشگاه‌های ورزشی خصوصی شهر تهران (۴۵۹ باشگاه) تشکیل می‌داد که بر اساس جدول مورگان، ۲۱۷ باشگاه به عنوان نمونه انتخاب شدند. تعداد ۲۵۰ پرسشنامه در بین مدیران باشگاه‌ها توزیع و در نهایت ۲۰۳ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به منظور جمع‌آوری داده‌ها و اندازه‌گیری متغیرهای مدل از «پرسشنامه بازاریابی کارآفرینانه فیوری و همکاران» (۲۰۱۳) و «پرسشنامه عملکرد بازاریابی حسینی» (۱۳۹۰) استفاده شد. پایداری آن بر اساس میزان آلفای کرونباخ که بیشتر از ۰/۷ بود و روایی آن نیز با استفاده از روایی همگرا مورد تأیید قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی (جداول و نمودارهای توزیع فراوانی) و آمار استنباطی (همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی چندگانه) و تکنیک مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج یافته‌های تحقیق نشان داد بین بازاریابی کارآفرینانه و ابعاد آن (فرصت‌های نوآوری، ایجاد ارزش و مدیریت ریسک) با عملکرد بازاریابی باشگاه‌های خصوصی ورزشی شهر تهران

۱. استادیار، گروه تربیت بدنی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه غیردولتی غیرانتفاعی ایوانکی، سمنان، ایران (نویسنده مسئول)
E-mail: shahram.nazari@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد، تربیت بدنی، گروه تربیت بدنی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه غیردولتی غیرانتفاعی ایوانکی، سمنان، ایران
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، مدیریت بازاریابی ورزشی، گروه تربیت بدنی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه غیردولتی غیرانتفاعی ایوانکی، سمنان، ایران

ارتباط مثبت معناداری وجود دارد و بر اساس نتایج مدل تحقیق مشاهده شد که بازاریابی کارآفرینانه اثر مثبت معناداری بر عملکرد بازاریابی باشگاه‌های ورزشی خصوصی شهر تهران دارد. با توجه به نتایج تحقیق می‌توان گفت بازاریابی کارآفرینانه با توجه به مشخصه‌های منحصر بفرد آن به خوبی می‌تواند در کسب و کارهای کوچک و متوسط همانند باشگاه‌های ورزشی به کار گرفته شده و منجر به افزایش سودآوری و در نهایت بهبود عملکرد باشگاه‌ها شود.

واژگان کلیدی: ایجاد ارزش، بازاریابی کارآفرینانه، باشگاه‌های ورزشی و عملکرد بازاریابی

مقدمه

هر سازمانی، کوچک یا بزرگ، انتفاعی یا غیرانتفاعی، خانگی یا جهانی بدون داشتن سیستم بازاریابی سالم، هیچ موقعیتی را نخواهد داشت. هم سازمان‌های انتفاعی و هم سازمان‌های غیرانتفاعی از بازاریابی در امور خود استفاده می‌کنند (کاتلر و آرمسترانگ^۱، ۱۹۹۸). بازاریابی عبارت است از: فرایند تمرکز منابع سازمانی بر فرصت‌های محیطی که در سطح جهان می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. نقش بازاریابی (شناسایی نیازها و خواسته‌های مردم و تمرکز فعالیت‌های سازمانی و فردی برای پاسخگویی به این نیازها و خواسته‌ها) در کشورهای ثروتمند و فقیر یکسان است (کیگان و اسچلمیلچ^۲، ۲۰۰۱). همانند صنایع و کسب‌وکارهای مختلف، بازاریابی در ورزش بر اساس ویژگی‌های ورزش تعاریف خاص خود را دارد. اسمیت^۳ (۲۰۱۲) در مورد بازاریابی ورزشی^۴ اظهار می‌دارد که بازاریابی ورزشی بر تأمین نیازهای مصرف‌کنندگان و مشتریان ورزشی توجه دارد.

در زمینه بازاریابی، امروزه ارائه بهترین عملکرد^۵ در زمینه بازاریابی به اساسی‌ترین دغدغه مدیران سازمان‌ها و شرکت‌های تولیدی و خدماتی مبدل شده است و می‌کوشند تا با بهره‌گیری از تکنیک‌های مختلف، به عملکرد برتر دست یابند. به‌زعم کوپر و همکاران^۶ (۱۹۹۷) عملکرد برتر به توانایی یک سازمان در ادغام همه‌جانبه با شرکای خود در طول زنجیره تأمین وابسته می‌باشد. عملکرد بازاریابی^۷ به توانایی سازمان برای افزایش فروش، ارتقای موقعیت رقابتی شرکت، توسعه محصول یا خدمت جدید، بهبود کیفیت محصول یا خدمت، کاهش زمان تحویل کالا یا خدمات به مشتریان، گسترش سهم بازار و غیره در مقایسه با دیگر رقبا در یک صنعت خاص اشاره دارد (لباف و عسکرزاد نوری، ۱۳۹۱).

در این میان، آنچه که باید بدان اشاره کرد این است که با توجه به افزایش جمعیت و در نتیجه تقاضای آن‌ها و تغییرات سریع در جهان امروزی، بسیاری از محققان دریافته‌اند که در شرایط کنونی شیوه‌های بازاریابی سنتی برای سازمان‌ها دیگر از اثربخشی و کارایی لازم برخوردار نیستند (بچرر و همکاران^۸، ۲۰۱۲). از سوی دیگر، سازمان‌های و شرکت‌های کوچک و متوسط به دلیل محدودیت‌های منابع مالی و انسانی که دارند، از شیوه‌های بازاریابی متفاوت از شیوه‌های بازاریابی مرسوم استفاده می‌کنند. درواقع شیوه‌ای از بازاریابی که در عین خلاقانه بودن هزینه‌های زیادی برای آن‌ها نداشته باشد (مارتین^۹، ۲۰۰۹). نتایج مطالعات اخیر نیز نشان می‌دهد که شرکت‌ها به هنگام برخورد با ابهام و عدم اطمینان در تصمیم‌گیری در بازار باید کارآفرینانه‌تر رفتار نمایند (کیلنتگ و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۰).

1. Kotler & Armstrong
2. Keegan & Schlegelmilch
3. Smith
4. Sport Marketing
5. Performance
6. Cooper
7. Marketing Performance
8. Becherer et al
9. Martin
10. Kilenthong et al

بر اساس مطالب اشاره شده می‌توان بیان داشت که توجه به کارآفرینی^۱ در بازاریابی و تلفیق آن در شیوه‌های بازاریابی به‌منزله یک رویکرد جدید در ایجاد مزیت نسبی^۲ پایدار محسوب می‌شود که به شرکت اجازه می‌دهد که به شناسایی مشتریان جدید و تقاضا و نیازهای متنوع و در حال تغییر آن‌ها بپردازد. با در نظر گرفتن مشخصه‌ها و اهمیت تعامل بین کارآفرینی و بازاریابی، طی سال‌های اخیر مفهومی به نام بازاریابی کارآفرینانه^۳ ایجاد شد (جونز و راولی، ۲۰۱۱). بازاریابی کارآفرینانه با هدف استفاده از فرصت‌های فعال از طریق دیدگاه‌های نوآورانه در سازمان می‌تواند جایگزین مناسبی برای شکوفایی فعالیت‌های مرسوم بازاریابی باشد. بازاریابی کارآفرینانه یک فرایند بسیار پیچیده است، سازمان‌هایی که گرایش به بازاریابی کارآفرینانه دارند، توانایی پاسخگویی آن‌ها به محیط در حال تغییر، ایجاد رقابت با رقبای، کنترل منابع و فرصت‌طلبی آن‌ها متفاوت از سازمان‌هایی که فاقد بازاریابی کارآفرینانه هستند، می‌باشد (رضوانی و خزایی، ۲۰۱۳).

یک مزیت عمده بازاریابی کارآفرینانه برای سازمان‌ها این است که سازمان‌ها از طریق آن می‌توانند به نیازهای پنهان و تقاضای آینده مشتریان پاسخ دهند و برای تحویل ارزش به آن‌ها به‌طور فعالانه نوآوری را به کار ببرند (شیر خدایی و همکاران، ۱۳۹۱). در واقع، بازاریابی کارآفرینانه مفهومی است که به دنبال توصیف فرایندهای بازاریابی و شناسایی فرصت‌ها در محیط در حال نوسان برای شرکت‌های کوچک و متوسط که منابع محدودی در اختیار دارند، می‌باشد (الماناسرا و همکاران، ۲۰۱۳). بررسی در مورد بازاریابی کارآفرینانه، نشان داد که بازاریابی کارآفرینانه در اکثر تحقیقات دارای چهار بُعد فرصت‌هشیاری، نوآوری، مدیریت ریسک و ایجاد ارزش می‌باشد. ابعاد مدیریت ریسک، فرصت‌هشیاری و نوآوری مشتق شده از مطالعه بر روی گرایش کارآفرینی است و بُعد ایجاد ارزش با گرایش به بازار شرکت یا همان بازاریابی سازگار است (زهر و گارویس، ۲۰۰۰).

در حوزه بازاریابی کارآفرینانه و ارتباط آن با جوانب متفاوت سازمانی از جمله عملکرد، عملکرد بازاریابی، نوآوری و ... در صنایع مختلف تحقیقات چندی انجام شده است. در این زمینه صفری و قره باشلویی (۱۳۹۳) در تحقیقی دریافته‌اند که بازاریابی کارآفرینانه در نوآوری و نوآوری بر عملکرد بازاریابی در سه صنعت اتوماسیون صنعتی، مخابرات و ارتباطات، رایانه و تجهیزات دیجیتال تأثیر دارد. ملانیا (۱۳۹۵) دریافت که بین پیشگامی، خلق ارزش، مشتری‌مداری و نوآوری گرایشی به عنوان ابعاد بازاریابی کارآفرینانه با عملکرد نوآورانه شرکت‌های فعال در شهرک صنعتی بابل رابطه مثبت معناداری وجود دارد، ولی بین ابعاد فرصت‌محوری، ریسک‌پذیری و اهرم کردن منابع با عملکرد نوآورانه ارتباط معناداری مشاهده نشد.

در بین صنایع مختلف امروزه صنعت ورزش به‌عنوان یک بخش بزرگ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تعامل پویا و سازنده‌ای با کارآفرینی دارد (مندعلیزاده و هنری، ۱۳۸۹). ورزش با داشتن بهره‌وری بر رونق اقتصادی کشور تأثیر مثبت بر جای می‌گذارد. سرمایه‌گذاری در تولید محصولات و خدمات ورزشی، از یک‌سو اشتغال

1. Entrepreneurship
2. Comparative advantage
3. Entrepreneurial marketing
4. Jones & Rowley
5. Al-Manasra et al
6. Zahra & Garvis

ایجاد می‌کند و از سوی دیگر، بر تولید ناخالص ملی می‌افزاید (کیرنی و همکاران^۱، ۲۰۰۸). به عنوان مثال، ورزش با ایجاد اماکن و تسهیلات، تبلیغات و پوشش رسانه‌ای موجب اشتغال می‌شود و با جذب گردشگر و حامیان مالی، تولید ناخالص ملی را رشد می‌دهد (کلاشی و همکاران، ۱۳۹۵). بهره‌گیری از فرصت‌های اقتصادی، ایجاد شغل‌های جدید، نوآوری در محصولات و خدمات ورزشی، تبدیل کمبودها به فرصت‌هایی برای اشتغال یا ایجاد بازار کار جدید و غیره، همه از مسائل مهم در حوزه کارآفرینی در ورزش هستند که دستیابی به آن‌ها نیازمند آموزش و تربیت مدیران و کارشناسان ورزشی کارآفرین موفق و متخصص دانشگاهی و به‌کارگیری آن‌ها در سطوح مختلف سازمان‌های ورزشی است (مینگازی و پاسارو^۲، ۲۰۰۱). ورزش در ایران در حال توسعه است و همین تحرک می‌تواند زمینه‌های مناسبی جهت فعالیت‌های کارآفرینانه در کنار ورزش را میسر سازد. لذا تربیت بدنی و ورزش به‌عنوان یک بازار رقابتی بزرگ در جوامع امروزی می‌تواند فرصت‌های شغلی زیاد و تخصص‌های گوناگونی را در زمینه‌های متفاوت با توجه به نیازهای فزاینده نهادهای ورزشی به وجود آورد و در جهت درآمدزایی کلان، رشد و توسعه اقتصادی خانواده‌ها و سازمان‌های ورزشی گامی اساسی بردارد (کلانی و همکاران ۱۳۹۵).

در تحقیق محمدکاظمی و همکاران (۱۳۹۵) باشگاه‌های ورزشی^۳ به عنوان یکی از سازمان‌ها در بخش ورزش معرفی شده است که هم در بخش اقتصادی و هم در بخش اجتماعی و فرهنگی، نقش مهمی در عرصه ورزش کشور دارند. باشگاه ورزشی، مؤسسه‌ای است که با هدف تعلیم و تقویت قوای جسمانی و روحانی افراد و سالم‌سازی جامعه و تعمیم یک یا چند رشته ورزشی، مطابق ضوابط فنی و اصول و مقرراتی که سازمان تربیت بدنی تعیین کرده است، اداره می‌شود. باشگاه‌های ورزشی در جهان سهم زیادی در جذب جوانان به ورزش قهرمانی و کشف استعدادها و تربیت و هدایت آن‌ها به رشته‌های مختلف ورزشی دارند و تأمین‌کننده ورزشکاران نخبه و عامل رسیدن به افتخارات ملی و بین‌المللی هستند که نتایج آن تأثیرات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی فراوانی دارد. این باشگاه‌ها را بخش‌های خصوصی، دولتی و عمومی ایجاد و اداره می‌کنند و بدنه و پایه اصلی ورزش قهرمانی و حرفه‌ای را تشکیل می‌دهند (محمدکاظمی و همکاران، ۱۳۹۵). هاردی^۴ (۱۹۹۶) نشان می‌دهد از طریق ورزش، ایده‌های جدید می‌توانند رشد کنند و مبنای کارآفرینی را فراهم نمایند. وی همچنین بیان می‌کند کارآفرینی ورزشی پویا است و تعدادی از زمینه‌های مدیریتی مانند استراتژی کسب و کار، مدیریت بحران، توسعه ورزش جدید، مدیریت عملکرد، نوآوری محصول، راهبردهای تبلیغاتی، مسائل اجتماعی، نگرانی‌های پایداری و پیشرفت‌های تکنولوژیکی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (هاردی، ۱۹۹۶). رضایی و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد که گرایش کارآفرینانه اثر مثبت معناداری بر بازاریابی کارآفرینانه دارد و بازاریابی کارآفرینانه نیز اثر مثبت معناداری بر عملکرد کسب‌وکارها بر جای می‌گذارد. ریزوندی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی دریافتند که بین گرایش به بازار، ماهیت باشگاه‌های ورزشی و بازاریابی کارآفرینانه با عملکرد سازمان ارتباط مثبت معناداری وجود دارد. بین بازاریابی کارآفرینانه با گرایش به کارآفرینی و ماهیت باشگاه نیز ارتباط مثبت معناداری مشاهده شد. هاسیقلو^۵ و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود تأثیر بازاریابی کارآفرینانه را بر

1. Kearney et al
2. Minguzzi & Passaro
3. Health Clubs
4. Hardy
5. Hacıoglu

روی عملکرد نوآورانه شرکت کوچک و متوسط ترکیه‌ای را از نظر ۵۶۰ نفر از مدیران بررسی کردند. پیشران بودن، نوآوری، مشتری‌گرایی و اهرم کردن منابع بر روی عملکرد نوآورانه شرکت‌ها اثر مثبت معناداری داشتند و اثر تمرکز بر فرصت‌ها، ریسک‌پذیری و ارزش‌آفرینی بر عملکرد نوآورانه شرکت‌ها معنادار نبود. نتایج هامالی^۱ و همکاران (۲۰۱۶) نشان داد که بازاریابی کارآفرینانه بر روی نوآوری، عملکرد بازاریابی و عملکرد مالی شرکت‌های اندونزیایی تأثیر مثبت معناداری داشته است. اولانیان و همکاران^۲ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «اثر بازاریابی کارآفرینانه بر روی توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط در نیجریه» دریافت که بازاریابی کارآفرینانه اثر مثبت معناداری بر روی توسعه شرکت‌ها دارد. رضایی و اورت^۳ (۲۰۱۸) در تحقیقی دریافتند که نوآوری بر عملکرد تحقیق و توسعه، فرصت‌طلبی بر عملکرد بازاریابی تأثیر مثبت معنادار و ریسک‌پذیری بر عملکرد محصول اثر منفی معناداری داشت. نتایج تحقیق راتن^۴ (۲۰۱۸) نشان می‌دهد انواع مختلفی از کارآفرینی وجود دارد که بخشی از آن در ورزش رخ می‌دهد، شامل کارآفرینی مبتنی بر جامعه، کارآفرینی سازمانی، کارآفرینی قومی، کارآفرینی مهاجر، کارآفرینی نهادی، کارآفرینی بین‌المللی، کارآفرینی اجتماعی، کارآفرینی فناوری و کارآفرینی زنان. نتایج تحقیق ومر و همکاران^۵ (۲۰۱۶) نشان می‌دهد استفاده از دانش بیرونی برای باشگاه‌های ورزشی تأثیر مثبت دارد و این به نوبه خود باعث پیاده‌سازی کارآفرینی و نوآوری‌ها در باشگاه می‌شود و از این رو عملکرد سازمانی و دیدگاه اعضای هیئت مدیره را بهبود می‌بخشد. یافته‌های تحقیق مارکتینگ و کریک^۶ (۲۰۱۶) نشان می‌دهد در کمک به رابط بازاریابی ورزشی و کارآفرینی، ابتدا می‌توان نتیجه گرفت که ماهیت هم‌رقابتی^۷ به معنی همکاری هم‌زمان و رقابت بین شرکت‌هاست (مارکتینگ و کریک، ۲۰۱۶).

باشگاه‌های ورزشی، نقشی مهم در گسترش میل به ورزش و جذب هر چه بیشتر افراد جامعه به سبک زندگی فعال دارند. این موضوع در شهری همانند تهران با توجه به وسعت و جمعیت ساکن تهران می‌تواند بیشتر مورد توجه قرار گیرد. در تهران باشگاه‌های خصوصی و دولتی و وابسته به ارگان‌های همانند شهرداری متعددی مشغول به کار هستند. این باشگاه‌ها تفاوت‌هایی در زمینه‌های مختلف همانند اهداف، میزان درآمد و ... با یکدیگر دارند. در باشگاه‌های خصوصی، یکی از اهداف اصلی کسب درآمد بیشتر بر اساس جذب افراد بیشتر و نرخ بازگشت سرمایه بالاتر است. در صحنه رقابت بین این دو بخش (باشگاه‌های خصوصی و دولتی) به دلایل مختلفی به نظر می‌رسد که برتری با باشگاه‌های دولتی و وابسته به سازمان هاست. با توجه به آنچه در مورد موانع موجود در کسب‌وکارهای کوچک که بیشتر به کمبود منابع چه مالی و چه انسانی است گفته شد و این مسئله در باشگاه‌های ورزشی خصوصی به‌عنوان یک کسب‌وکار کوچک در حوزه صنعت ورزش نیز صادق خواهد بود. بنابراین بر اساس تعاریف مربوط به بازاریابی کارآفرینانه به نظر می‌رسد که این مفهوم می‌تواند نقش مؤثری در ایجاد مزیت رقابتی^۸ برای باشگاه‌ها و همچنین کاهش هزینه‌ها و درآمد بیشتر و در نهایت بهبود عملکرد بازاریابی آن‌ها داشته باشد. بنابراین با توجه به آنچه در مورد آن بحث شد، مسئله

1. Hamali
2. Olaniyan et al
3. Rezaei & Ortt
4. Ratten
5. Wemmer
6. Marketing & Crick
7. Coopetition
8. Competitive advantage

اصلی پژوهش حاضر این است که وضعیت بازاریابی کارآفرینانه در باشگاه‌های ورزشی خصوصی شهر تهران چگونه است و همچنین آیا بین ابعاد بازاریابی کارآفرینانه و عملکرد بازاریابی در باشگاه‌های خصوصی شهر تهران ارتباطی وجود دارد؟

روش شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها، از نوع تحقیقات همبستگی می‌باشد. تحقیق حاضر از نظر زمانی مقطعی می‌باشد. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش شامل تمامی باشگاه‌های ورزشی خصوصی شهر تهران بوده که بر اساس آمار و اطلاعات به‌دست آمده تعداد آن‌ها ۴۵۹ باشگاه تعیین شد. بر اساس جدول مورگان تعداد ۲۱۷ باشگاه به روش نمونه‌گیری تصادفی به‌عنوان نمونه انتخاب و پرسشنامه‌های تحقیق در بین مدیران باشگاه‌ها توزیع شد. با آگاهی از این موضوع که احتمالاً تعدادی از پرسشنامه‌ها ناقص خواهد بود، تعداد ۲۵۰ پرسشنامه تکثیر و توزیع شد که در نهایت ۲۰۳ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات موردنظر و سنجش متغیرهای تحقیق، از پرسشنامه استفاده شده است. پرسشنامه شامل ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه‌های پژوهش و بازاریابی کارآفرینانه فیوری^۱ و همکاران (۲۰۱۳) شامل ۱۶ گویه و ۴ بُعد (فرصت هوشیاری (۶ گویه)، نوآوری معطوف به مصرف کننده (۴ گویه)، ایجاد ارزش (۳ گویه)، مدیریت ریسک (۳ گویه) با مقیاس ۵ ارزشی لیکرت (بسیار کم=۱ تا بسیار زیاد=۵) بود. در نهایت پرسشنامه عملکرد بازاریابی حسینی (۱۳۹۰) شامل ۱۵ گویه و سه بُعد کارایی (۱۰ گویه)، اثربخشی (۲ گویه) و انطباق پذیری (۳ گویه) با مقیاس ۵ ارزشی لیکرت از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم بود. روایی محتوایی ابزار تحقیق بر اساس نظرات اساتید (۱۱ نفر) و روایی سازه پرسشنامه‌های پژوهش با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی مورد تأیید قرار گرفت. در این پژوهش به‌منظور محاسبه پایایی درونی سؤالات پرسشنامه‌ها، از روش آلفای کرونباخ استفاده و ضریب پایایی درونی برای پرسشنامه بازاریابی کارآفرینانه $(\alpha=0/778)$ و عملکرد بازاریابی $(\alpha=0/863)$ به دست آمد که نشان از پایایی قابل قبول ابزار تحقیق دارد.

به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی استفاده گردید. برای سازمان دادن خلاصه کردن، طبقه‌بندی نمرات خام و توصیف اندازه‌های نمونه از آمار توصیفی همانند تنظیم جدول توزیع فراوانی، درصدها، محاسبه شاخص‌های پراکندگی نظیر میانگین، انحراف معیار استفاده شد. به‌منظور برآورد پارامترها و پیش‌بینی آن از آمار استنباطی استفاده می‌شود. در بخش آمار استنباطی از آزمون‌های همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه به روش همزمان در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ و مدل معادلات ساختاری در نرم‌افزار AMOS نسخه ۲۳ استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه پژوهش و بررسی نوع توزیع داده‌ها (نرمال و غیرنرمال بودن داده‌ها)

متغیر		عوامل جمعیت شناختی		فراوانی		درصد فراوانی	
جنسیت	مرد	۱۱۳		۵۵/۷			
	زن	۹۰		۴۴/۳			
سن	۲۰ تا ۳۰ سال	۵۰		۲۴/۶			
	۳۱ تا ۴۰ سال	۱۱۷		۵۷/۶			
	۴۱ تا ۵۰ سال	۳۶		۱۷/۷			
سابقه مدیریت ورزشی	کمتر از ۵ سال	۶۷		۳۳/۰			
	۵ تا ۱۰ سال	۹۵		۴۶/۸			
	۱۱ تا ۱۵ سال	۳۳		۱۶/۳			
	۱۶ تا ۲۰ سال	۶		۳/۰			
	بیشتر از ۲۰ سال	۲		۱/۰			
رشته تحصیلی	تربیت بدنی	۱۷۱		۸۴/۲			
	غیرتربیتی بدنی	۳۲		۱۵/۸			
میزان تحصیلات	کارشناسی	۹۶		۴۷/۳			
	کارشناسی ارشد	۱۰۷		۵۷/۲			
		میانگین	میان	انحراف استاندارد	چولگی	خطای استاندارد چولگی	خطای استاندارد کشیدگی
فرصت هشیاری		۳/۵۴۶	۳/۶۶۷	۰/۶۴۱	-۰/۳۵۶	۰/۱۷۱	-۰/۲۹۹
نوآوری		۳/۳۲۲	۳/۵۰۰	۰/۶۷۴	-۰/۶۴۴	۰/۱۷۱	۰/۵۱۳
ایجاد ارزش		۳/۴۲۴	۳/۳۳۳	۰/۷۵۱	-۰/۰۹۸	۰/۱۷۱	-۰/۵۱۲
مدیریت ریسک		۳/۳۴۸	۳/۳۳۳	۰/۷۶۹	-۰/۲۰۹	۰/۱۷۱	۰/۰۲۸
بازاریابی کارآفرینانه		۳/۴۳۰	۳/۴۳۸	۰/۵۶۶	-۰/۲۵۵	۰/۱۷۱	۰/۱۶۹
کارایی		۳/۷۱۱	۳/۷۰۰	۰/۴۶۴	-۰/۲۵۲	۰/۱۷۱	۰/۱۲۶
اثر بخشی		۳/۷۹۸	۴/۰۰۰	۰/۶۴۲	-۰/۳۰۱	۰/۱۷۱	-۰/۲۳۴
انطباق پذیری		۳/۳۰۲	۳/۳۳۳	۰/۶۸۶	-۰/۲۱۴	۰/۱۷۱	-۰/۰۷۸
عملکرد بازاریابی		۳/۶۴۱	۳/۶۶۷	۰/۴۲۸	-۰/۲۴۲	۰/۱۷۱	۰/۵۲۵

با توجه به اطلاعات به دست آمده (جدول ۱) مشاهده می شود از بین ۲۰۳ نفر نمونه تحقیق که بیشتر بین ۳۱ تا ۴۰ سال سن داشتند (۵۷/۶ درصد، ۱۱۷ نفر)، ۵۵/۷ درصد مدیران باشگاه ها مرد و ۴۴/۳ درصد آنان زن بودند. یافته ها نشان داد ۴۶/۸ درصد (۹۵ نفر) از نمونه ها دارای سابقه مدیریت ورزشی ۵ تا ۱۰ سال بودند. همچنین یافته ها حاکی از این بود که ۸۴/۲ درصد (۱۷۱ نفر) در رشته تربیت بدنی تحصیل کرده اند و ۱۰۷ نفر (۵۷/۲ درصد) دارای مدرک کارشناسی ارشد هستند.

اهداف تحقیق با استفاده از آزمون های رگرسیونی خطی چندگانه به روش همزمان و مدل معادلات ساختاری بررسی شدند. به منظور بررسی نوع توزیع داده ها پیش از انجام آزمون ها از ضرایب چولگی و کشیدگی استفاده شد. بر این اساس باید در جدول کجی و کشیدگی قدر مطلق هیچ مقدار کشیدگی بیشتر از ۳ نباشد و مقدار کجی نیز باید بین ۱- و ۱ باشد که نشان دهنده نرمالیت داده ها است. در ادامه آمار توصیفی به بررسی شاخص هایی همچون میانگین، انحراف معیار، میانه، چولگی و کشیدگی پرداخته شد و همان طور که گفته شد نوع توزیع داده ها (نرمال و غیرنرمال بودن) مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

همچنین در جدول ۱ شاخص های توصیفی کجی و کشیدگی، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای تحقیق گزارش شده است. همان طور که گفته شد، از مقادیر کجی و کشیدگی می توان به منظور بررسی نوع توزیع داده ها (نرمال بودن یا غیرنرمال بودن داده ها) استفاده کرد. بنابراین با توجه به مقادیر کجی (بین ۱ و ۱-) و مقادیر کشیدگی (بین ۳ و ۳-) در متغیرهای تحقیق می توان گفت که توزیع داده های به صورت نرمال است. به منظور بررسی اهداف تحقیق از آزمون رگرسیون چندگانه به روش همزمان استفاده شد. قبل از اجرای آزمون نیاز است که پیش فرض های این آزمون ها بررسی شوند.

۱- رابطه خطی بین متغیرهای مستقل و وابسته: به منظور بررسی رابطه بین بازاریابی کارآفرینانه و ابعاد آن (فرصت هشیاری، نوآوری، ایجاد ارزش و مدیریت ریسک) به عنوان متغیرهای مستقل با عملکرد بازاریابی (متغیر وابسته) از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد.

جدول ۲: ماتریس همبستگی پیرسون (ارتباط بازاریابی کارآفرینانه و عملکرد بازاریابی) و شاخص های هم خطی چندگانه بین متغیرهای پیش بین (ابعاد بازاریابی کارآفرینانه)

متغیرها	عملکرد بازاریابی			آماره های هم خطی	
	تعداد	همبستگی پیرسون	سطح معناداری	متغیرهای وارد شده در مدل (متغیرهای مستقل)	پارامتر تحمل واریانس
فرصت هشیاری	۲۰۳	۰/۴۵۳**	۰/۰۰۱	فرصت هشیاری	۰/۵۳۵
نوآوری	۲۰۳	۰/۳۸۰**	۰/۰۰۱	نوآوری	۰/۵۰۴
ایجاد ارزش	۲۰۳	۰/۳۵۱**	۰/۰۰۱	ایجاد ارزش	۰/۶۵۲
مدیریت ریسک	۲۰۳	۰/۴۷۱**	۰/۰۰۱	مدیریت ریسک	۰/۵۳۳
بازاریابی کارآفرینانه	۲۰۳	۰/۴۹۹**	۰/۰۰۱		

=معناداری در سطح $P \leq 0/05$; *=معناداری در سطح $P \leq 0/005$

با توجه به نتایج آزمون همبستگی پیرسون در جدول ۲ مشاهده می شود که بین بازاریابی کارآفرینانه و

عملکرد بازاریابی باشگاه‌های ورزشی شهر تهران رابطه مثبت معناداری وجود دارد ($r=0/499$, $Sig=0/001$). همچنین بر اساس نتایج بین فرصت هشیاری ($r=0/453$, $Sig=0/001$)، نوآوری ($r=0/380$, $Sig=0/001$)، ایجاد ارزش ($r=0/351$, $Sig=0/001$) و مدیریت ریسک ($r=0/471$, $Sig=0/001$) به عنوان ابعاد بازاریابی کارآفرینانه با عملکرد بازاریابی باشگاه‌های ورزشی رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

۲- نبود همخطی چندگانه: همخطی چندگانه زمانی اتفاق می‌افتد که دو یا چند متغیر مستقل وجود داشته باشند که به میزان زیادی همبستگی دارند. روند تشخیص همخطی دارای دو مرحله است:

الف) بررسی ضرایب همبستگی؛ ب) مقایسه قابل پذیرش / VIF

چنان که شاخص‌های جدول ۲ نشان می‌دهد، با توجه به بالا بودن مقادیر اغماض^۱ (چون بالاتر از ۰/۱ بوده و به ۱ نزدیک است) و پایین بودن مقادیر عامل تورم واریانس^۲ VIF چون از ۱۰ کوچکتر هستند احتمال وجود هم خطی چندگانه بین ابعاد بازاریابی کارآفرینانه (فرصت هشیاری، نوآوری، ایجاد ارزش و مدیریت ریسک) به عنوان متغیرهای مستقل کم است. بنابراین با توجه به رعایت مفروضه‌های فوق، اجرای آزمون رگرسیون چندگانه خطی امکانپذیر می‌باشد.

جدول ۳: خلاصه مدل رگرسیون (ابعاد بازاریابی کارآفرینانه و عملکرد بازاریابی) و تحلیل آزمون ANOVA (مدل رگرسیون ابعاد بازاریابی کارآفرینانه و عملکرد بازاریابی)

مدل رگرسیون	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	سطح معناداری	دورین واتسون
خطی چندگانه	۰/۵۰۵	۰/۲۵۵	۰/۲۴۰	۰/۰۰۱	۱/۶۸۲
	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معناداری
رگرسیون	۹/۴۳۲	۴	۲/۳۵۸	۱۶/۹۴۰	۰/۰۰۱
باقیمانده	۲۷/۵۶۳	۱۹۸	۰/۱۳۹		
مجموع	۳۶/۹۹۶	۲۰۲			

یکی از مفروضاتی که در رگرسیون مدنظر قرار می‌گیرد، استقلال خطاها (تفاوت بین مقادیر واقعی و مقادیر پیش‌بینی شده توسط معادله رگرسیون) از یکدیگر است. در صورتی که فرضیه استقلال خطاها رد شود و خطاها با یکدیگر همبستگی داشته باشند، امکان استفاده از رگرسیون وجود ندارد. به‌منظور بررسی استقلال مشاهدات (استقلال مقادیر باقی‌مانده یا خطاها) از یکدیگر از آزمون دورین - واتسون استفاده می‌شود. آماره دورین واتسون بین صفر تا ۴ می‌باشد. اگر بین باقیمانده‌ها همبستگی متوالی وجود نداشته باشد، مقدار این آماره باید به ۲ نزدیک باشد. اگر به صفر نزدیک باشد نشان‌دهنده همبستگی مثبت و اگر به ۴ نزدیک باشد نشان‌دهنده

1. tolerance

2. Variance Inflation Factor

همبستگی منفی می‌باشد. در مجموع اگر این آماره بین ۱/۵ تا ۲/۵ باشد، جای نگرانی نیست و بین باقیمانده خطاها استقلال وجود دارد. بنابراین با توجه به آماره دوربین- واتسون (جدول ۵) که به مقدار ۱/۶۸۲ است، بین باقیمانده (خطاها) استقلال وجود دارد.

نتایج ضریب همبستگی نشان می‌دهد که در حالت کلی بین ابعاد بازاریابی کارآفرینانه و عملکرد بازاریابی ارتباط معناداری وجود دارد ($R=0/505$, $Sig=0/001$). همچنین ضریب تعیین تعدیل شده ($Adjusted R^2$) نشان می‌دهد که ۲۴ درصد از واریانس کل تغییرات میزان عملکرد بازاریابی باشگاه‌ها به ابعاد بازاریابی کارآفرینانه و ۷۶ درصد به عوامل خارج از مدل مذکور مربوط می‌شود (جدول ۳).

با توجه به معناداری مقدار F ($F=16/940$, $Sig=0/001$) به دست آمده از نتایج آزمون تحلیل ANOVA (جدول ۳) می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مرکب از متغیرهای مستقل (فرصت هشیاری، نوآوری، ایجاد ارزش، مدیریت ریسک) و متغیر وابسته عملکرد بازاریابی مدل خوبی بوده و این متغیرها قادرند تغییرات عملکرد باشگاه‌ها را تبیین کند.

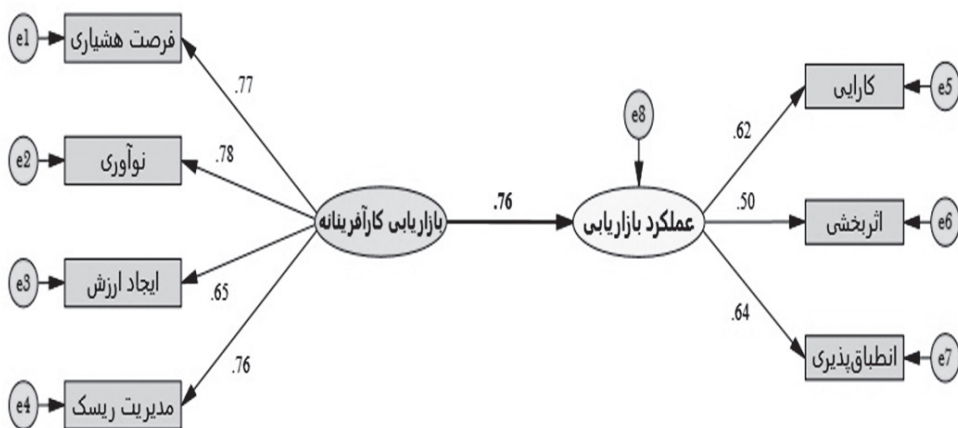
جدول ۴: نتایج تحلیل رگرسیون (ابعاد بازاریابی کارآفرینانه و عملکرد بازاریابی) و ضرایب رگرسیونی استاندارد شده و مقادیر t مدل ارتباطی تحقیق

رگرسیون خطی چندگانه	B	Std. Error	ضرایب تأثیر استاندارد نشده	ضرایب تأثیر استاندارد شده	مقدار T	سطح معناداری
عرض از مبدأ	۲/۳۵۰	۰/۱۶۳			۱۴/۴۳۶	۰/۰۰۱
فرصت هشیاری	۰/۱۸۳	۰/۰۵۶		۰/۲۷۴	۳/۲۶۴	۰/۰۰۱
نوآوری	۰/۰۳۴	۰/۰۵۵		۰/۰۵۳	۰/۶۱۱	۰/۵۴۲
ایجاد ارزش	۰/۰۵۶	۰/۰۴۳		۰/۰۹۸	۱/۲۹۶	۰/۱۹۷
مدیریت ریسک	۰/۱۰۲	۰/۰۴۷		۰/۱۸۳	۲/۱۷۷	۰/۰۳۱
	مسیر	کجی	کشیدگی	بار عاملی	مقدار T	سطح معناداری
بازاریابی کارآفرینانه	<---	فرصت هشیاری	-۰/۳۵۳	-۰/۳۲۱	۰/۷۶۸	-
	<---	نوآوری	-۰/۶۳۹	۰/۴۷۱	۰/۷۷۶	۱۰/۳۹۷
	<---	ایجاد ارزش	-۰/۰۹۷	-۰/۵۲۸	۰/۶۴۵	۸/۶۷۵
	<---	مدیریت ریسک	-۰/۲۰۷	۰/۰۰۲	۰/۷۵۹	۱۰/۱۹۷
عملکرد بازاریابی	<---	کارایی	-۰/۲۵۰	۰/۰۹۴	۰/۶۱۷	-
	<---	اثربخشی	-۰/۲۹۸	-۰/۲۵۷	۰/۴۹۷	۵/۲۰۷
	<---	انطباق‌پذیری	-۰/۲۱۲	-۰/۱۰۶	۰/۶۴۴	۶/۰۸۱

نتایج جدول ۴ تحلیل رگرسیون (ضرایب رگرسیون استاندارد نشده، سطح معناداری، مقدار t) نشان می‌دهد که ابعاد فرصت‌های هشیاری ($B=0/183$, $Sig=0/001$, $t=3/264$) و مدیریت ریسک ($B=0/102$, $Sig=0/031$, $t=2/177$) تأثیر معنادار مثبتی بر عملکرد بازاریابی باشگاه‌های ورزشی شهر تهران دارند. بر اساس نتایج تأثیر ابعاد نوآوری ($B=0/542$, $Sig=0/611$, $t=1/296$) و ایجاد ارزش ($B=0/197$, $Sig=0/197$, $t=1/296$) بر عملکرد بازاریابی معنادار نبود. ضرایب تأثیر استاندارد شده ($\beta=Beta$) کمک می‌کنند تا سهم نسبی متغیر مستقل یا متغیرهای مستقل (ابعاد بازاریابی کارآفرینانه) در تبیین تغییرات متغیر وابسته (عملکرد بازاریابی) را مشخص کرد؛ هر چه مقدار ضریب بتای یک متغیر بیشتر باشد، نقش آن در پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته بیشتر خواهد بود. به همین جهت پیشنهاد شده در تفسیر نتایج، تأثیر رگرسیونی از ضرایب استاندارد شده استفاده شود. بر اساس ضرایب به‌دست‌آمده با توجه مقادیر ضرایب بتا ($Beta$) می‌توان گفت میزان تأثیر بُعد فرصت‌های هشیاری ($\beta=0/274$) از میزان تأثیر بُعد مدیریت ریسک ($\beta=0/183$) بر عملکرد بازاریابی بیشتر است. با توجه به مقدار بتای به‌دست‌آمده می‌توان گفت که تغییر یک واحد انحراف استاندارد در ابعاد فرصت‌های هشیاری و مدیریت ریسک به ترتیب باعث افزایش $0/274$ و $0/183$ انحراف استاندارد در عملکرد بازاریابی می‌شود. با توجه به نتایج جدول ۴ معادله رگرسیونی به‌این صورت خواهد بود:

$$0/350 + 2/350(\text{مدیریت ریسک}) + 0/102(\text{فرصت هشیاری}) = \text{عملکرد بازاریابی}$$

در ادامه به منظور بررسی تأثیر بازاریابی کارآفرینانه بر عملکرد بازاریابی باشگاه‌های ورزشی شهر تهران از مدل معادلات ساختاری استفاده شد.



شکل ۱: مدل ارتباطی تحقیق بر اساس ضرایب رگرسیونی استاندارد شده (بارعاملی)

بر مبنای یافته‌های حاصل از مدل معادلات ساختاری در جدول ۴ مشاهده می‌شود که با توجه به مقادیر کجی بین ۱ و ۱- و کشیدگی بین ۳ و ۳- توزیع داده‌ها مربوط به متغیرهای مشاهده شده به‌صورت نرمال می‌باشند. همچنین بر اساس یافته‌های حاصل از اجرای مدل مشاهده می‌شود کلیه بارهای عاملی (ضرایب

رگرسیون استاندارد شده) و آماره t از مقادیر قابل قبولی در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ برخوردار هستند. این شاخص‌ها نشان می‌دهند که متغیرهای مشاهده‌ای اندازه‌گیری شده به خوبی انعکاسی از متغیرهای پنهان (بازاریابی کارآفرینانه و عملکرد بازاریابی) بودند. در ادامه با توجه به نتایج مدل تحقیق، نتایج مربوط به تأثیر بازاریابی کارآفرینانه بر عملکرد بازاریابی بررسی می‌شود.

جدول ۵: تأثیر بازاریابی کارآفرینانه بر عملکرد بازاریابی باشگاه‌های ورزشی و شاخص‌های برازش مدل ارتباطی تحقیق

مسیر	عملکرد بازاریابی	بارعاملی	مقدار t	سطح معناداری
--->	عملکرد بازاریابی	۰/۷۵۹	۶/۴۱۲	۰/۰۰۱

۶۱

شاخص‌های برازش	مقدار مطلوب	مقادیر شاخص‌ها	تفسیر
کای اسکوار (کای دو)	-	۵۴/۷۰۹	-
درجه آزادی	-	۱۳	-
نسبت کای اسکوار به درجه آزادی (χ^2/df)	کمتر از ۵	۴/۲۰۸	مطلوب
شاخص نیکویی برازش (GFI)	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۳۱	نامطلوب
شاخص نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI)	بیشتر از ۰/۸	۰/۸۵۲	نامطلوب
ریشه دوم میانگین خطای برآورد (RMSEA)	کمتر از ۰/۱	۰/۰۹۱	مطلوب
ریشه دوم میانگین مجزورات باقیمانده (RMR)	کمتر از ۰/۰۵	۰/۰۲۵	نامطلوب
شاخص برازش تطبیقی (CFI)	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۱۹	نامطلوب
شاخص برازش هنجار شده (NFI)	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۰۸	نامطلوب
شاخص برازش افزایشی (IFI)	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۲۱	نامطلوب

بر اساس یافته‌های تحقیق (جدول ۵) مشاهده می‌شود که بازاریابی کارآفرینانه اثر مثبت معناداری بر عملکرد بازاریابی باشگاه‌های ورزشی خصوصی شهر تهران دارد ($t=۶/۴۱۲$, $Sig=۰/۰۰۱$, $\beta=۰/۷۵۹$). با توجه به جدول ۵ و بخش شاخص‌های برازش مدل مشاهده می‌شود شاخص نیکویی برازش (GFI) و شاخص برازش تطبیقی (CFI) به عنوان شاخص‌های اصلی برازش مدل بیشتر از ۰/۹ بوده که نشان از تأیید مدل تحقیق دارد. نسبت کای اسکوار به درجه آزادی (۴/۲۰۸) کمتر از ۵ بوده که به منظور تأیید مدل تحقیق از مقدار قابل قبولی برخوردار است. همچنین مقدار RMSEA برابر با ۰/۰۹۱ می‌باشد و با توجه به اینکه کمتر از ۰/۱ است نشان می‌دهد که مدل قابل قبول می‌باشد. در نهایت مشاهده می‌شود که دیگر شاخص‌های برازش (CFI، NFI، IFI) همگی در سطح خوب و بالا ۰/۹ قرار دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

تیم‌های ورزشی اغلب استراتژی‌های جدیدی را برای افزایش عملکرد خود و ایجاد مزیت رقابتی خلق می‌کنند (راتن، ۲۰۱۸). طی سال‌های اخیر در ادبیات مدیریت ورزشی، به کارآفرینی و نوآوری در باشگاه‌های ورزشی توجه بیشتری شده است (ویناند و همکاران، ۲۰۱۳). کارآفرینی و نوآوری را می‌توان به عنوان یک ابزار استراتژیک برای پاسخ به روند و تغییرات در نحوه ارائه خدمات و مصرف خدمات ورزشی باشگاه‌ها مورد استفاده قرار داد. به عنوان مثال می‌توانند به باشگاه‌های ورزشی کمک کنند تا با ارائه خدمات جدید پیروی از یک شیوه زندگی سالم برای جامعه ارائه دهند (نووی و همکاران، ۲۰۱۵). عملکرد سازمانی باشگاه‌های ورزشی از طریق استفاده از دانش نه تنها موجب نوآوری و کارآفرینی می‌شود، بلکه به بهبود عملکرد سازمانی هم کمک می‌کند (وهر، ۲۰۱۵).

در این تحقیق، ارتباط ابعاد بازاریابی کارآفرینانه با عملکرد باشگاه‌های ورزشی خصوصی شهر تهران بررسی شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد بین بُعد نوآوری با عملکرد بازاریابی باشگاه‌های ورزشی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. یافته تحقیق با نتایج تحقیقات صفری و قره باشلویی (۱۳۹۳)، ملانیا (۱۳۹۵)، منگلی و همکاران (۱۳۹۶)، هاسیقلو و همکاران (۲۰۱۵)، اولانیان، اوگبانو و اودوگاوا (۲۰۱۷) و رضایی و اورت (۲۰۱۸) همسو بود. نوآوری به تمایل یک شرکت یا سازمان در پذیرش ایده‌های جدید اشاره دارد (باکر و سینکولا، ۲۰۰۹). در سازمان‌های با رویکرد کارآفرینانه، از نوآوری به منظور مشاهده فرصت‌ها و بهره‌گیری از آن‌ها استفاده می‌کنند. این شرکت‌ها فرصت‌هایی را که نوآورانه هستند شناسایی، ارزیابی و سپس استفاده می‌کنند و یک ارزش جدیدی را برای مشتریان ایجاد می‌کنند (میلز و داروچ، ۲۰۰۶). پژوهش‌های مختلف نشان دادند سازمان‌ها می‌توانند در دنیای در حال تغییر امروزی به کار خود ادامه دهند و شکست نخورند و خلاق و نوآوری باشند. نوآوری به معنای ترک روش‌های قدیمی است و مهم‌ترین قابلیت برای رشد و گسترش یک کسب‌وکار به شمار می‌رود. نوآوری در واقع یکی از عوامل اصلی حفظ مزیت رقابتی و موفقیت بلندمدت در بازارهای رقابتی می‌باشد. در واقع کسب‌وکارهایی که ظرفیت ایجاد نوآوری دارند، سریع‌تر و بهتر از رقبای خود قادر خواهند بود به چالش‌های محیطی پاسخ دهند که این خود عملکرد آن‌ها را افزایش می‌دهد. بر اساس مطالب گفته شد بازاریابی با رویکرد نوآوری به باشگاه‌ها این امکان را می‌دهد تا بر ایده‌هایی که به بازارها یا فرایندهایی جدید منتهی می‌شود، تمرکز کنند و با اجرای ایده‌های جدید به سودآوری بیشتری دست یابند و از آن به عنوان یک مزیت رقابتی در باشگاه خود استفاده کنند.

در آزمون همبستگی پیرسون، بین بُعد ایجاد ارزش و عملکرد بازاریابی باشگاه‌های خصوصی شهر تهران رابطه مثبت معناداری وجود داشت. نتیجه به دست آمده با نتایج تحقیقات صفری و قره باشلویی (۱۳۹۳)، ملانیا (۱۳۹۵)، منگلی و همکاران (۱۳۹۶) و اولانیان، اوگبانو و اودوگاوا (۲۰۱۷) همسو بود. ارزش آفرینی و ایجاد ارزش نقطه مهم و کانونی در بازاریابی کارآفرینانه به طور نوآورانه است (هامالی، ۲۰۱۵). بر اساس تعاریف، ارزش آفرینی و ایجاد ارزش جزء اصلی از گرایش به بازاریابی در کسب‌وکارهای مختلف است. کسب‌وکارهای کوچک و متوسط موفق بر فعالیت‌های ارزش آفرینی تأکید می‌کنند که به بهترین حالت بتوانند با نیت استراتژیکشان در بازار رقابتی همخوانی داشته باشد. بر اساس مطالب گفته شده، بازاریابی سنتی بیشتر بر مبادله با مشتریان متمرکز است، ولی بازاریابی کارآفرینانه بر مواردی همچون نوآوری و ارزش آفرینی تأکید

دارد. کارآفرینان زمانی به نتایج بهتر دست می‌یابند که راه‌های جدیدی برای کشف و ایجاد ارزش پیدا کنند (بچر و همکاران، ۲۰۱۲). بنابراین می‌توان گفت در یک باشگاه ورزشی تلاش در راستای ارتباط با مشتریان و شناسایی نیازهای آنان و یافتن راهکارهایی به منظور تأمین و رفع نیازها و خواسته‌های آنان در ایجاد ارزش برای باشگاه و در نهایت بهبود عملکرد باشگاه نقش مؤثری می‌تواند داشته باشد.

در بخش دیگری از نتایج آزمون پیرسون، بین فرصت‌های هیئتی و عملکرد بازاریابی باشگاه‌ها رابطه مثبتی مشاهده شد و نتایج رگرسیون نشان داد که فرصت‌های هیئتی اثر مثبتی بر عملکرد بازاریابی باشگاه‌های ورزشی دارد. همچنین بر اساس مقادیر، فرصت‌های هیئتی بیشترین تأثیر را بر عملکرد بازاریابی داشت. یافته تحقیق با نتایج تحقیقات صفری و قره‌باشلویی (۱۳۹۳)، ملانیا (۱۳۹۵)، منگلی و همکاران (۱۳۹۶)، هایسقلو و همکاران (۲۰۱۵)، اولانیان و همکاران (۲۰۱۷) و رضایت و اورت (۲۰۱۸) همسو بود. در تبیین یافته‌های تحقیق می‌توان گفت که تشخیص و پیگیری فرصت برای موقعیت کسب‌وکارهای کوچک و متوسط امری حیاتی و ضروری به نظر می‌رسد. برای شناسایی فرصت‌ها که تعیین‌کننده موفقیت شرکت است، باید به ارزیابی تناسب بین پتانسیل بازار با قابلیت‌ها و منابع شرکت پرداخته شود. اگرچه فرصت‌ها به صورت تصادفی به وجود می‌آیند، اما بازاریابان کارآفرین به عنوان فعالان جستجوی فرصت‌های جدید شناخته می‌شوند (رضایی و همکاران، ۱۳۹۴). در واقع این بدان معناست که شناسایی فرصت به عنوان یک دیدگاه، یکی از موارد فرایند خلاقیت به شمار می‌رود (هلز و هالتمن، ۲۰۱۱). بنابراین می‌توان گفت در رویکرد کارآفرینانه به بازاریابی در باشگاه‌های ورزشی، مدیران باشگاه‌ها صرف نظر از منابعی که در اختیار دارند باید فرصت‌ها را دنبال کنند و این بُعد از رفتارهای اصلی کارآفرینانه است. فرصت‌های هیئتی به باشگاه‌ها را قادر می‌سازد که از منابع خود به درستی و در راستای بهبود عملکرد خود استفاده کنند.

نتایج همچنین حاکی از این بود که بین مدیریت ریسک و عملکرد بازاریابی رابطه مثبت معناداری وجود داشته و این بُعد بر اساس نتایج آزمون رگرسیون اثر مثبتی بر عملکرد بازاریابی باشگاه‌های ورزشی شهر تهران داشت. یافته تحقیق با یافته‌های تحقیقات صفری و قره‌باشلویی (۱۳۹۳)، منگلی و همکاران (۱۳۹۶)، اولانیان و همکاران (۲۰۱۷) و رضایی و اورت (۲۰۱۸) همسو بود. در چارچوب یک کارآفرینی، ریسک‌پذیری یا مدیریت ریسک نه تنها تمایل به شانس در یک فرصت است، بلکه توانایی شرکت به استفاده از اقدامات پیش‌بینی شده برای خطر ذاتی در پیگیری فرصت است (بچر و همکاران، ۲۰۱۲). در چارچوب بازاریابی کارآفرینانه مدیریت ریسک و ریسک‌پذیری نه تنها یک تمایل، بلکه یک توانایی نیز هست که سازمان باید بتواند اقدامات حساب‌شده‌ای را انجام دهد تا خطراتی را که در پیگیری آن فرصت‌ها هستند، کاهش دهد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۴). اقدام به انجام کارهای دشوار و تصمیم‌گیری‌های توأم با ریسک و ایجاد نگرش مثبت نسبت به ریسک‌پذیری و مدیریت ریسک از جمله اقداماتی است که در سازمان جهت افزایش عملکرد سازمان‌ها از جمله باشگاه‌های ورزشی کمک خواهد کرد. بنابراین در باشگاه‌های ورزشی در هنگام استفاده از روش‌های بازاریابی به دلیل محدودیت منابع مالی و انسانی، تلاش در جهت کاهش ریسک موجود و استفاده از راهکارهای خلاقانه با هزینه کمتر برای کاهش ریسک ناشی از فعالیت‌های بازاریابی جدید می‌تواند بر روی عملکرد باشگاه‌های از جنبه‌های مالی و غیرمالی تأثیرگذار باشد.

در بخش پایانی بر اساس نتایج مدل معادلات ساختاری مشاهده شد که به طور کلی بازاریابی کارآفرینانه

اثر مثبت و معناداری به صورت مستقیم بر عملکرد بازاریابی باشگاه‌های ورزشی خصوصی شهر تهران دارد. یافته تحقیق با نتایج تحقیقات صفری و قره باشلویی (۱۳۹۳)، ملازیا (۱۳۹۵)، رضایی و همکاران (۱۳۹۶)، هامالی و همکاران (۲۰۱۶) و اولانیان و همکاران (۲۰۱۷) همسو بود. همچنین نتایج تحقیق هامالی و همکاران (۲۰۱۶) نشان داد بازاریابی کارآفرینانه اثر مثبت معناداری بر روی نوآوری، عملکرد بازاریابی و عملکرد مالی شرکت‌های اندونزیایی دارد. رحمانی و رضایی (۱۳۹۴) نیز دریافتند که گرایش به کارآفرینی بر عملکرد کسب‌وکار یک شرکت اثر مثبت معناداری دارد. نتایج تحقیق ریزوندی و همکاران (۱۳۹۶) نیز نشان داد که بازاریابی کارآفرینی با عملکرد سازمانی باشگاه‌های ورزشی شهر تهران ارتباط مثبت معناداری دارد. جهت تبیین این یافته، تحقیق موریس و همکاران (۲۰۰۲) نشان می‌دهد که بازاریابی کارآفرینانه از طریق ایجاد و ارائه مستمر ارزش ویژه به مشتریان، کشف فرصت‌ها و منابع جدید، برقراری ارتباط متقابل با مشتریان و پاسخگویی مناسب به خواسته‌های آنان، اطمینان از انطباق محصولات و خدمات با نیازها و انتظارات مشتریان، کمک به شرکت در شناخت و سرمایه‌گذاری بر روی مشتریان سودآور و در نهایت حفظ و جذب مشتریان جدید منجر به ارتقا سطح عملکرد شرکت می‌شود. یک باشگاه با رویکرد کارآفرینانه به بازاریابی به طور فعال نوآوری را به کار خواهد برد و ریسک را در طول فرایندهای بازاریابی برای ایجاد و برقراری ارتباط و تحویل ارزش به مشتریان به طریقی که به نفع باشگاه باشد، مدیریت خواهد کرد. بازاریابی کارآفرینانه اغلب در ارتباط با کسب‌وکارهای کوچک و متوسط است. بنابراین یک باشگاه که فرایند بازاریابی کارآفرینانه را به کار می‌برد، نه تنها روابط خود را با مشتریان موجود تقویت می‌کند، بلکه مشتری گراست. همچنین به طور مداوم به دنبال راه‌هایی برای شناسایی و بهره‌برداری از فرصت‌های جدید است تا تقاضاهای پنهان و آینده را پاسخ دهد.

مرور ادبیات نظری و تجربی مرتبط و نتیجه‌این پژوهش در باشگاه‌های ورزشی حاکی از آن است که بازاریابی کارآفرینانه با توجه به مشخصه‌های منحصر بفرد آن به خوبی می‌تواند در کسب‌وکارهای کوچک و متوسط همانند باشگاه‌های ورزشی به کار گرفته و منجر به افزایش سودآوری و در نهایت بهبود عملکرد باشگاه‌ها شود. با توجه نتایج تحقیق و مبانی نظری موجود می‌توان استدلال کرد که فعالیت‌های بازاریابی کارآفرینانه به طور عمومی از طریق توسعه خدمات جدید، کاهش هزینه‌های بازاریابی، بهبود سطح رضایت مشتریان و ارائه ارزش ویژه به مشتریان می‌تواند سبب افزایش و رشد عملکرد باشگاه‌ها در جنبه‌های مختلف شود. بنابراین بازاریابی کارآفرینانه به شکل قابل توجهی می‌تواند توان رقابتی باشگاه‌ها را افزایش دهد و منبعی ارزشمند برای بهبود مزیت رقابتی آن به شمار آید که این موضوع به نوبه خود در افزایش سطح عملکرد باشگاه‌ها تأثیرگذار است. باشگاه‌ها به واسطه شناسایی فرصت‌ها در ارائه خدمات جدید به مشتریان و پذیرفتن ریسک ناشی از پیگیری یک فرصت جدید در بازار و تشخیص و بهره‌برداری به موقع از این فرصت‌ها برای جذب مشتریان بیشتر و افزایش سود و استفاده از شیوه‌های و راه‌حل‌های خلاقانه و نوآورانه برای بهبود شیوه‌های بازاریابی می‌توانند میزان رشد و سودآوری خود را افزایش دهند. در واقع بازاریابی کارآفرینانه یک راهبرد اساسی برای کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در پاسخ به محیط‌های همیشه در حال تغییر است که بر شناسایی فرصت‌ها، ریسک‌پذیری یا مدیریت ریسک، نوآوری و ایجاد ارزش متکی می‌باشد. به این ترتیب به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که بازاریابی کارآفرینانه، جزء جدایی‌ناپذیر موفقیت در انواع کسب‌وکارها از جمله باشگاه‌های ورزشی به عنوان یک کسب‌وکار کوچک در صنعت ورزش است و باشگاه‌ها در این بازار

پر سود امروزی ناگزیر به استفاده از شیوه‌های بازاریابی کارآفرینانه می‌باشند. این تحقیق به توسعه ادبیات بازاریابی کارآفرینانه کمک می‌کند که به عنوان رابط بین دو رشته کارآفرینی و بازاریابی شناخته می‌شود. به نظر می‌رسد مطالعات محدودی در ادبیات مربوط به همکاری در زمینه بازاریابی و کارآفرینی ورزشی وجود دارد. به همین دلیل وجود تحقیقات بیشتر در این حوزه از ورزش لازم و ضروری می‌باشد.

بر مبنای نتایج به دست آمده از تحقیق، به مدیران باشگاه‌های ورزشی پیشنهاد می‌شود از سازوکارهایی همچون استفاده از دانش و فناوری به‌روز در نحوه ارائه خدمات متمایز به مشتریان، بهبود کیفیت خدمات نسبت به رقبا و ایجاد تصویر متمایز از خدمات و سرعت در معرفی این خدمات به بازار، تشخیص فرصت‌های جدید در بازار و ریسک ورود به بازارهای جدید و اصلاح مستمر شیوه‌های بازاریابی به منظور بهبود عملکرد خود استفاده کنند. امروزه باشگاه‌های بزرگ جهان با شرکت‌های حاضر در صنعت ارتباط دارند و از آن‌ها برای همکاری دعوت می‌کنند تا بتوانند از فرصت‌های موجود کارآفرینی و نوآوری بهتر استفاده کنند. در جهت افزایش نوآوری در باشگاه، به بررسی موانع نوآوری در باشگاه پرداخته و گرایش بیشتری به مشتریان خود داشته و به شناخت دیدگاه‌ها و انتظارات مشتریان، تدوین راهکارهای لازم در روابط با مشتریان، توسعه روابط با مشتریان، منطبق شدن با نیاز مشتریان و سرمایه‌گذاری‌های لازم برای ارضای خواسته‌های مشتریان توجه کنند.

همچنین مدیران در تصمیم‌گیری‌های مخاطره‌آمیز، کارکنان خود را مورد حمایت قرار دهند و برنامه‌ها و استراتژی‌های خود را در اختیار کارکنان قرار دهند تا دیدی کلی از اهداف داشته باشند. نیز به منظور دستیابی به عملکرد برتر در زمینه‌های مالی و غیرمالی به مدیران پیشنهاد می‌شود که از طریق تأکید بر مشتری‌مداری و برقراری ارتباط نزدیک با آن‌ها، استفاده از ایده‌های جدید برای کسب مزیت رقابتی و پیشگامی در به‌کارگیری راهبردها و شیوه‌های نوآورانه برای بازاریابی، در راستای تقویت بازاریابی کارآفرینانه در باشگاه خود حرکت نمایند.

منابع

- رحمانی، زین‌العابدین و رضایی، ملیحه. (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر گرایش به کارآفرینی بر عملکرد کسب و کار با نقش میانجی ظرفیت نوآوری (مطالعه موردی: شرکت سایپا استان مازندران)». فصلنامه تحقیقات بازاریابی نوین. دوره ۵، شماره ۱، صص ۱۳۳-۱۴۶.
- رضایی، روح‌اله؛ منگلی، نسرین و صفا، لیلا. (۱۳۹۶). «اثر میانجی بازاریابی کارآفرینانه در رابطه بین گرایش کارآفرینانه و عملکرد کسب و کارهای گلخانه‌ای در شهرستان جیرفت». علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران. دوره ۱۳، شماره ۱، صص ۱۹۵-۲۱۰.
- رضایی، روح‌اله؛ منگلی، نسرین و صفا، لیلا. (۱۳۹۴). «بررسی مفهوم و ابعاد بازاریابی کارآفرینانه و تاثیر آن در کسب و کارهای کوچک و متوسط». نشریه کارآفرینی در کشاورزی. دوره ۲، شماره ۲، صص ۱-۱۶.
- ریزوندی، آیه؛ تجاری، فرشاد و اسماعیلی، محمدرضا. (۱۳۹۶). «آزمون مدل ساختاری عملکرد مدیران باشگاه‌های ورزشی بر مبنای بازاریابی کارآفرینانه». فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی. دوره ۶، شماره ۲۳، صص ۶۳-۷۴.
- شیرخدایی، میثم؛ رضوانی، مهران و خزایی پور، مرتضی. (۱۳۹۱). «بازاریابی کارآفرینانه: ماهیت و معنی». کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان. بابلسر: شرکت پژوهشی طرود شمال.
- صفری، علی و قره باشلونی، راضیه. (۱۳۹۳). «بررسی رابطه بازاریابی کارآفرینانه و عملکرد بازاریابی از طریق نوآوری (مطالعه موردی: شرکت‌های فعال در سه صنعت اتوماسیون صنعتی، مخابرات و ارتباطات، رایانه و تجهیزات دیجیتال)». فصلنامه علمی- پژوهشی مدیریت بازرگانی. دوره ششم، شماره ۴، صص ۸۰۹ تا ۸۲۶.
- کلاشی، مازیار؛ حسینی، عماد و رجایی، محمدهادی. (۱۳۹۵). «اثر مخارج ورزشی دولت و خانوار بر تولید ناخالص داخلی در ایران». نشریه مطالعات مدیریت ورزشی. دوره ۴، شماره ۱۵، صص ۱۴۳-۱۵۶.
- کلانی، امین؛ اسکندری، عیسی و محمدی شمس‌آبادی، امیرمسعود. (۱۳۹۵). «نقش ابعاد کارآفرینی بر عملکرد مدیران ادارات ورزش و جوانان». مطالعات مدیریت ورزشی. دوره ۸، شماره ۳۶، صص ۲۰۹-۲۲۶.
- لباف، حسن و عسگرنژاد نوری، باقر. (۱۳۹۱). «پارادایم‌های اندازه‌گیری فعالیت‌های بازاریابی سازمان ها». مجله علمی ترویجی تدبیر. جلد ۲۳، شماره ۲۴۱، صص ۴۵-۳۲. (علمی ترویجی داخلی).
- محمدکاظمی، رضا؛ قربانی، محمدحسین و رجبی‌کیا، مجتبی. (۱۳۹۵). «تأثیر مهارت‌های ارتباطی کارآفرینانه مدیران کسب و کارهای ورزشی بر افزایش رضایت مشتریان دانشجوی». پژوهش در ورزش تربیتی. دوره ۴، شماره ۱۰، صص ۱۱۵-۱۳۲.
- ملانیا جلودار، پویا. (۱۳۹۵). «بررسی تاثیر بازاریابی کارآفرینانه بر عملکرد نوآورانه شرکت‌های فعال در شهرک صنعتی بابل». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق. صص ۷۳-۷۶.
- مندعلی‌زاده، زینب و هنری، حبیب. (۱۳۸۹). «بررسی عوامل اثرگذار بر کارآفرینی در ورزش به عنوان

- حوزه‌ای میان‌رشته‌ای». مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی. دوره ۲، شماره ۲، صص ۱۱۳-۱۳۶.
- منگلی، نسرین؛ رضایی، روح‌اله و صفا، لیلا. (۱۳۹۶). «تاثیر عملکرد مشتری بر رابطه بین عملکرد مالی و بازاریابی کارآفرینانه». نشریه کاوش‌های مدیریت بازرگانی. دوره ۹، شماره ۱۷، صص ۹۹-۱۲۳.
 - Al-Manasra, E., Al-Zyadat, M. A., Al-Awamreh, M. A., & Alnsour, M. S. (2013). **“Linking entrepreneurial marketing and performance indicators in Jordanian hotel industry”**. Journal of Management Research, 5(3), 86.
 - Baker, W. E., & Sinkula, J. M. (2009). **“The complementary effects of market orientation and entrepreneurial orientation on profitability in small businesses”**. Journal of small business management, 47(4), 443-464.
 - Becherer, R. C., Helms, M. M., & McDonald, J. P. (2012). **“The effect of entrepreneurial marketing on outcome goals in SMEs”**. New England Journal of Entrepreneurship, 15(1/2), 7.
 - Cooper, M. C., Lambert, D. M., & Pagh, J. D. (1997). **“Supply chain management: more than a new name for logistics”**. The international journal of logistics management, 8(1), 1-14.
 - Fiore, A. M., Niehm, L. S., Hurst, J. L., Son, J., & Sadachar, A. (2013). **“Entrepreneurial marketing: Scale validation with small, independently- owned businesses”**. Journal of Marketing Development and Competitiveness, 7(4), 63-86.
 - Hacioglu, G., Eren, S. S., Eren, M. S., & Celikkan, H. (2015). **“The effect of entrepreneurial marketing on firms’ innovative performance in Turkish SMEs”**. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 58, 871-878.
 - Hamali, S. (2015). **“The Effect of Entrepreneurial Marketing on Business Performance: Small Garment Industry in Bandung City, Indonesia”**. Developing Country Studies, 5(1), 24- 30.
 - Hamali, S., Suryana, Y., Effendi, N., & Azis, Y. (2016). **“Influence of entrepreneurial marketing toward innovation and its impact on business performance”**. International Journal of Economics, Commerce and Management, 4(8), 101-114.
 - Hardy, S. (1996). **“Entrepreneurs, organizations, and the sport marketplace”**. In S. Pope (Ed.), The New American sport history (pp. 341-365). IL: University of Illinois Press.
 - Hills, G. E., & Hultman, C. M. (2011). **“Academic roots: The past and present of entrepreneurial marketing”**. Journal of Small Business & Entrepreneurship, 24(1), 1-10.
 - Jones, R., & Rowley, J. (2011). **“Entrepreneurial marketing in small businesses: A conceptual exploration”**. International Small Business Journal, 29(1), 25-36.
 - Kearney, C., Hisrich, R., & Roche, F. (2008). **“A conceptual model of public sector corporate**

- entrepreneurship**". International Entrepreneurship and Management Journal, 4(3), 295-313.
- Keegan, W. J., & Schlegelmilch, B. B. (2001). **Global marketing management: A European perspective**. Pearson education.
 - Kilenthong, P., Hills, G. E., Hultman, C., & Sclove, S. L. (2010). **"Entrepreneurial marketing practice: Systematic relationships with firm age, firm size and operator's status. Strategic entrepreneurship: the promise for future entrepreneurship, family business and SME research"**. Rencontres de St-Gall 2010, 1-15.
 - Kotler, P., & Armstrong, G. (2010). **Principles of marketing**. Pearson education.
 - Marketing, D. C., & Crick, J. M. (2016). **"Coopetition at the sports marketing/ entrepreneurship interface"**. Marketing Intelligence & Planning, 34(2), 169-187.
 - Martin, D. M. (2009). **"The entrepreneurial marketing mix"**. Qualitative Market Research: An International Journal, 12(4), 391-403.
 - Miles, M. P., & Darroch, J. (2006). **"Large firms, entrepreneurial marketing processes, and the cycle of competitive advantage"**. European journal of marketing, 40(5/6), 485-501.
 - Minguzzi, A., & Passaro, R. (2001). **"The network of relationships between the economic environment and the entrepreneurial culture in small firms"**. Journal of Business Venturing, 16(2), 181-207.
 - Morris, M. H., Schindehutte, M., & LaForge, R. W. (2002). **"Entrepreneurial marketing: a construct for integrating emerging entrepreneurship and marketing perspectives"**. Journal of marketing theory and practice, 10(4), 1-19.
 - Nowy, T., Wicker, P., Feiler, S., & Breuer, C. (2015). **"Organizational performance of nonprofit and for-profit sport organizations"**. European Sport Management Quarterly, 15(2), 155-175.
 - Olaniyan, T., Ogbuanu, B., & Oduguwa, A., (2017). **"Effect of Entrepreneurial Marketing on SMEs Development in Nigeria"**. International Journal of Advanced Studies in Business Strategies and Management, 5(2), 48-60.
 - Ratten, V. (2018). **"An Introduction to Sports Entrepreneurship"**. In Sport Entrepreneurship (pp. 1-17). Springer, Cham.
 - Rezaei, J., & Ortt, R. (2018). **"Entrepreneurial orientation and firm performance: the mediating role of functional performances"**. Management Research Review, 41 (7), 878-900.
 - Rezvani, M., & Khazaei, M. (2013). **"Prioritization of entrepreneurial marketing dimensions a case of in higher education institutions by using entropy"**. International

Journal of Information, Business and Management, 5(3), 30.

- Smith, A. (2012). **Introduction to sport marketing**. Publisher's Note: Transferred to Taylor & Francis.
- Wemmer, F., Emrich, E., & Koenigstorfer, J. (2016). **"The impact of coopetition-based open innovation on performance in nonprofit sports clubs"**. European sport management quarterly, 16(3), 341-363.
- Winand, M., Vos, S., Zintz, T., & Scheerder, J. (2013). **"Determinants of service innovation: A typology of sports federations"**. International Journal of Sport Management and Marketing, 13(1), 55-73.
- Zahra, S. A., & Garvis, D. M. (2000). **"International corporate entrepreneurship and firm performance: The moderating effect of international environmental hostility"**. Journal of business venturing, 15(5-6), 469-492.

ارتباط بین کمال گرایی و خودتعیینی با راهبردهای مقابله‌ای دانشجویان تیم‌های ورزشی

مرتضی قالیباف طوسی نژاد^۱

مونا رضایی^۲

بهروز منتقمی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۶/۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۶/۱۳

هدف پژوهش حاضر، تعیین ارتباط بین کمال گرایی و خودتعیینی با راهبردهای مقابله‌ای دانشجویان تیم‌های ورزشی بود. جامعه آماری پژوهش شامل دانشجویان ورزشکار عضو تیم‌های ورزشی دانشگاه علم و صنعت (۲۳۲ نفر) بود که نمونه آماری نیز کل شمار در نظر گرفته شد. ابزار پژوهش، «پرسشنامه کمال گرایی چند بُعدی» (فراست و همکاران، ۱۹۹۰) با ضریب پایایی ۰/۸۷، «پرسشنامه تنظیم رفتاری ورزش» (لانسديل و همکاران، ۲۰۰۸) با ضریب پایایی ۰/۸ و «مهارت‌های مقابله‌ای ورزشی» (اسمیت و همکاران، ۱۹۹۵) با ضریب پایایی ۰/۸۹۶ بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها توسط میانگین، انحراف استاندارد، کلموگروف اسمیرنوف، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون هم زمان به کمک نرم افزار اس پی اس اس نسخه ۲۰ انجام شد. طبق یافته‌ها، بین کمال گرایی ($P = ۰/۰۰۰$, $r = ۰/۳۸$) و ابعاد آن: نگرانی درباره اشتباهات ($P = ۰/۰۰۰$, $r = ۰/۲۶$)، شک درباره اعمال ($P = ۰/۰۰۰$, $r = ۰/۱۷$)، انتظارات والدینی ($P = ۰/۰۰۰$, $r = ۰/۳۵$)، انتقادگری والدینی ($P = ۰/۰۰۰$, $r = ۰/۲۰$)، استانداردهای شخصی ($P = ۰/۰۰۰$, $r = ۰/۱۷$) و سازماندهی ($P = ۰/۰۰۰$, $r = ۰/۰۶$) با راهبرد مقابله‌ای ارتباط مثبت معنی داری دارد. همچنین، انتظارات والدینی ($\beta = ۰/۲۶$) و انتقادگری والدینی

۱. دانشجوی دکترای مدیریت راهبردی سازمان‌ها و رویدادهای ورزشی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Email: Morteza.toosi@gmail.com

۲. استادیار، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران
۳. دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی سازمان‌ها و رویدادهای ورزشی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

($\beta=0/15$) پیش‌بینی‌کننده‌های معنادار راهبردهای مقابله‌ای بودند. بین خودتعیینی ($r=0/27$, $P=0/000$) و ابعاد آن، دلایل درونی ($r=0/15$, $P=0/000$)، دلایل هماهنگ‌سازی ($r=0/17$, $P=0/000$)، دلایل هویت‌پذیری ($r=0/13$, $P=0/04$)، دلایل تنظیم‌اجتنابی ($r=0/21$, $P=0/000$) و دلایل بیرونی‌اجتنابی ($r=0/24$, $P=0/000$) رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد. از بین ابعاد خودتعیینی، تنها بعد دلایل بیرونی‌اجتنابی ($\beta=0/20$) پیش‌بینی‌کننده معنادار راهبردهای مقابله‌ای بود. با توجه به ارتباط موجود بین متغیرها، کمال‌گرایی و خودتعیینی از راهبردهای مقابله‌ای میان ورزشکاران به شمار می‌آید.

واژگان کلیدی: کمال‌گرایی، خودتعیینی، راهبردهای مقابله‌ای و دانشجویان

مقدمه

همراه با افزایش توجه به ورزش قهرمانی، علوم ورزشی نیز به کمک ورزشکاران آمده است تا راه‌های بهبود عملکرد و ربودن گوی سبقت از دیگران را برای آن‌ها هموار کند (عبدلی، ۱۳۸۴: ۹۰).

یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار در عملکرد ورزشکاران، کمال گرایی است که به منزله مجموعه‌ای از معیارهای بسیار بالا برای عملکرد بوده و با ارزشیابی انتقادی افراطی همراه است (فراست و همکاران، ۱۹۹۱: ۳۳۰). کمال گرایی به عنوان ویژگی شخصیتی جاه طلبانه مفهوم سازی شده است که از ویژگی بارز آن تعیین استانداردهای بالا توسط فرد برای عملکردش و همچنین وجود دیدگاه و ارزیابی انتقادی فرد نسبت به خودش است (کارو و همکاران^۱، ۲۰۱۱: ۴۴۲). مفهوم کمال گرایی به عنوان عاملی مهم و بنیادی در آسیب شناسی روانی شناخته شده است. کمال گرایی افرادی که علائم اختلال اضطراب، اختلالات تغذیه و افسردگی را دارند، در مقایسه با افراد سالم بالاتر است (وود^۲ و همکاران، ۲۰۰۷: ۸۴۵). کمال گرایی همیشه با آسیب شناسی روانی همراه نیست، بلکه ممکن است با نتایج مثبتی نیز همراه باشد (تریشور^۳، ۲۰۱۲: ۷۷)؛ بدین معنی که کمال گرایی ممکن است اثرات دوگانه به همراه داشته باشد. البته، پژوهشگران وجود برخی ویژگی های فردی نظیر خودپذیری (هیل و همکاران^۴، ۲۰۰۸: ۶۴۱) و ادراک از پیشرفت (آپلتون و همکاران^۵، ۲۰۰۹: ۴۶۲) را در ارتباط بین کمال گرایی دخیل می دانند. شرکت افراد مختلف در فعالیت های جسمانی و ورزشی به عنوان یک رفتار ورزشی، همواره مورد توجه متخصصان علوم ورزشی بوده است (ویلسون و همکاران^۶، ۲۰۰۷: ۱۱۰).

بررسی کمال گرایی در حوزه ورزش بر نقش ناسازگار این متغیر تاکید دارد. برای مثال، کمال گرایی می تواند پیش بینی کننده معنادار وابستگی به ورزش و سایر اشکال رفتارهای افراطی ورزشی باشد (ادموند^۷ و همکاران، ۲۰۰۶: ۲۲۶۱؛ هال و همکاران^۸، ۲۰۰۷: ۳۱۴؛ برلین^۹ و همکاران، ۲۰۰۶: ۲۲۸). از سوی دیگر، برخی تحقیقات نشان داده اند که کمال گرایی می تواند ابعاد ناسازگار و سازگار داشته باشد (بورگان^{۱۰}، ۲۰۱۰: ۱۲۰؛ کارو و همکاران، ۲۰۱۱: ۴۴۵). با وجود این که بیشتر تحقیقات ابعاد دوگانه کمال گرایی را بررسی کرده اند، تحقیقات اندکی به بررسی ابعاد دوگانه کمال گرایی در ورزش اختصاص یافته است. (ویلیامز^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۳: ۲۱۰)

تئوری خودتعیینی، یکی از تئوری های مرتبط با انگیزش انسان است که توجهات زیادی را در حوزه کمال گرایی مرتبط به ورزش به خود معطوف ساخته است (بارتولومو^{۱۲} و همکاران، ۲۰۱۱: ۱۴۷۰). خودتعیینی نسبتاً بالا منجر به نتایج ورزشی و فردی بهتری می شود (پلتیر و همکاران^{۱۳}، ۲۰۱۳: ۳۳۹). راهبردهای مقابله ای

1. Caro
2. Wood
3. Treasure
4. Hill et al
5. Appelton
6. Wilson
7. Edmond
8. Hall
9. Berlin
10. Burgan
11. Williams
12. Bartholomew
13. Pelletier

در ورزشکاران شامل راهبردهای متمرکز بر عمل و راهبردهای متمرکز بر هیجان است. طبق نتایج تحقیق بشارت (۱۳۸۲) از میان راهبردهای مقابله‌ای، بهترین متغیرهای پیش بین برای عملکرد ورزشی در ورزشکاران انفرادی، به ترتیب راهبردهای مقابله‌ای جستجوی حمایت اجتماعی و کناره‌گیری/ تسلیم و در ورزشکاران تیمی به ترتیب راهبرد مقابله‌ای تجزیه و تحلیل منطقی و راهبرد مقابله‌ای جستجوی حمایت اجتماعی بوده‌اند (بشارت، ۱۳۸۲: ۱۸). تحقیق گوادریو و آنتل^۱ (۲۰۰۸: ۳۷۹) نشان داد انگیزش خودتعیینی در ورزش، رابطه بین کمال‌گرایی و راهبردهای مقابله‌ای را تعدیل می‌سازد.

لانگ‌باتم و همکاران^۲ (۲۰۱۲: ۲۳۳) با تحقیق بر روی ۲۵۴ دانشجو نتیجه گرفتند که رابطه بین کمال‌گرایی با رفتارهای ورزشی توسط فرایند خودنمایی و استقلال‌طلبی تعدیل می‌شود. همچنین، کمال‌گرایی ناسازگار تأثیر منفی بر استقلال‌طلبی و تأثیر مثبت بر خودنمایی دارد. برعکس، کمال‌گرایی سازگار تأثیر مثبت بر استقلال‌طلبی و تأثیر منفی بر خودنمایی دارد. کراچیون و همکاران^۳ (۲۰۱۴: ۵۱۰) به رابطه مثبت معناداری بین کمال‌گرایی با اجتناب از حمایت اجتماعی دست یافتند. از سوی دیگر، با توجه به این که کمال‌گرایی و راهبردهای مقابله‌ای از متغیرهای مهمی هستند که می‌توانند در میزان مشارکت ورزشکاران در تمرینات و نیز بهبود عملکردشان نقش مهمی را ایفا کنند و وجود این متغیرها در گروه انگیزش خودتعیینی افراد است، ورزش دانشگاهی از حوزه‌هایی است که می‌تواند در معرفی ورزشکاران به ورزش قهرمانی نقش مهمی داشته باشد. بنابراین لزوم انجام تحقیقی که بتواند میزان کمال‌گرایی و عوامل انگیزشی دانشجویان ورزشکار را بررسی کند، احساس شد.

تحقیق حاضر می‌تواند از طریق بررسی ارتباط بین کمال‌گرایی و خودتعیینی با راهبردهای مقابله‌ای، از یک سو جنبه‌های سازگار و ناسازگار کمال‌گرایی را در ارتباط با راهبردهای مقابله‌ای را بررسی کند تا مسئولان تیم‌های ورزشی دانشگاهی را با استفاده از یافته‌های این پژوهش ورزشکاران خود را جهت حضور در مسابقات از لحاظ روانی آماده سازند و از سوی دیگر، یافته‌های این پژوهش می‌تواند رفتارهای ورزشی دانشجویان ورزشکار را از طریق شناسایی نوع ویژگی‌های کمال‌گرایی آن‌ها و نیز نوع راهبردهای مقابله‌ای دانشجویان ورزشکار را بر اساس تئوری خودتعیینی مشخص و به مربیان کمک کند تا رفتارهای ورزشی دانشجویان ورزشکار را در تمرینات و مسابقات ورزشی کنترل کنند. با توجه به کمبود پژوهش‌های انجام گرفته در داخل کشور، تحقیق حاضر در پی این است که آیا بین کمال‌گرایی و خودتعیینی با راهبردهای مقابله‌ای دانشجویان تیم‌های ورزشی رابطه‌ای وجود دارد؟

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع همبستگی و از نظر هدف در زمره پژوهش‌های توسعه‌ای است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان ورزشکار عضو تیم‌های ورزشی (۲۳۲ نفر) بود و روش نمونه‌گیری به صورت کل شمار در نظر گرفته شد. ۶۴ نفر از آزمودنی‌ها زن و ۱۶۸ نفر مرد بوده‌اند. بیشترین تعداد آزمودنی‌ها در گروه سنی ۲۳ تا ۲۷ سال (۵۲ درصد) و کمترین تعداد بین ۳۸ تا ۴۲ سال (۲ درصد) بودند. ۷۶ درصد از افراد (بیشترین)

1. Gaudreau & Antl
2. Longbotom
3. Craciun

۱ تا ۱۰ سال و ۲ درصد (کمترین) بیش از ۳۰ سال سابقه فعالیت ورزشی داشتند. ابزارهای اندازه گیری پژوهش شامل سه پرسشنامه بود: «پرسشنامه کمال گرایی چند بعدی فراست»^۱ و همکاران» (۱۹۹۰) شامل شش مولفه نگرانی درباره اشتباه ها، شک درباره اعمال، انتظارات والدینی، انتقادگری والدینی، استانداردهای شخصی و سازماندهی و ۳۵ سوال است. ضریب همسانی درونی پرسشنامه (۰/۸۶) برای زیرمقیاس های نگرانی درباره اشتباه ها، شک درباره اعمال، انتظارهای والدینی، انتقادگرایی والدینی، معیارهای شخصی و سازماندهی به ترتیب برابر با ۰/۸۵، ۰/۷۲، ۰/۷۸، ۰/۴۷، ۰/۵۷، و ۰/۸۳ به دست آمد. ضریب بازآزمایی با فاصله یک هفته نیز برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۹۰ و درمورد زیرمقیاس ها برای نگرانی درباره اشتباه ها ۰/۸۴؛ شک درباره اعمال ۰/۸۱؛ انتظارهای والدینی ۰/۷۹؛ انتقادگری والدینی ۰/۵۳؛ معیارهای شخصی ۰/۸۵ و سازماندهی ۰/۸۳ بود. ضریب آلفای کرونباخ برای نگرانی درباره اشتباهات ۰/۷۸، شک درباره اعمال ۰/۷۲، انتظارات والدینی ۰/۸۱، انتقادگری والدینی ۰/۷۵، استانداردهای شخصی ۰/۷۷ و سازماندهی ۰/۸۳ به دست آمد. پرسشنامه تنظیم رفتار در ورزش (لانسدیل^۲ و همکاران، ۲۰۰۸) شامل ۲۷ سوال و خرده مقیاس های دلایل درونی (۳ آیتم)، دلایل هماهنگ سازی (۴ آیتم)، دلایل هویت پذیری (۴ آیتم) و برای خرده مقیاس انگیزش کنترل شده، دلایل تنظیم اجتنابی (۸ آیتم) و دلایل بیرونی اجتنابی (۸ آیتم) می باشد. ضریب آلفای کرونباخ خرده مقیاس ها به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۷۴، ۰/۷۵، ۰/۸۲ و نیز طبق نتایج، تحلیل عاملی تاییدی این پرسشنامه از روایی مطلوبی و مورد قبولی برخوردار است. ضریب آلفای کرونباخ دلایل درونی ۰/۸۰، دلایل هماهنگ سازی ۰/۷۶، دلایل هویت پذیری ۰/۸۲، دلایل تنظیم اجتنابی ۰/۸۵، دلایل بیرونی اجتنابی ۰/۷۹ و تنظیم رفتار در ورزش ۰/۸۳ به دست آمد. «پرسشنامه مهارت های مقابله ای ورزشی لانگوتوم و همکاران» (۲۰۱۰) شامل ۲۸ آیتم و ۷ خرده مقیاس مقابله با ناملایمات، تاکتیک پذیری، تمرکز، اعتماد به نفس و انگیزه، هدف گذاری و آمادگی روانی، عملکرد خوب تحت فشار و رهایی از نگرانی است. روایی این پرسشنامه ۰/۷۸ گزارش شد و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۲ به دست آمد. پاسخ دهندگان پاسخ های خود را بر روی یک طیف ۵ گزینه ای لیکرت از کاملاً موافقم (۵) تا کاملاً مخالفم (۱) درجه بندی می کنند. محقق برای جمع آوری اطلاعات به محل تمرین تیم های ورزشی دانشگاه های تهران مراجعه و سپس هدف پژوهش را برای سرپرست و مربیان تیم ها توضیح و از ورزشکاران خواسته شد که پرسشنامه های پژوهش را با دقت تکمیل نمایند که با توجه به تاکید محقق و مربیان تیم های ورزشی تمام آزمودنی ها پرسشنامه ها را تکمیل کردند. روش آماری مورد استفاده در دو سطح توصیفی (میانگین، فراوانی و انحراف استاندارد) و استنباطی (آزمون کلموگروف اسمیرنوف، ضریب همبستگی، رگرسیون و آزمون تی) با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ انجام گرفت.

یافته های پژوهش

وضعیت متغیرهای تحقیق میانگین، انحراف معیار، کمترین و بیشترین مقدار هر متغیر و مولفه های مربوط به آن متغیر در جدول ۱ ارائه شده است.

1. Frost

2. Lansedil

جدول ۱: بررسی وضعیت متغیرهای پرسشنامه‌های کمال گرایی، راهبرد مقابله‌ای و خود تعینی

متغیرهای تحقیق	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
کمال گرایی	نگرانی درباره اشتباهات	۲۷/۴۶	۵/۱۴	۴۲/۰۰
	شک درباره اعمال	۱۱/۸۱	۲/۵۷	۱۹/۰۰
	انتظارات والدینی	۱۶/۲۰	۳/۳۵	۲۴/۰۰
	انتقادگری والدینی	۱۰/۱۵	۲/۷۵	۱۷/۰۰
	استانداردهای شخصی	۲۵/۷۷	۳/۶۴	۳۵/۰۰
	سازماندهی	۲۴/۲۰	۳/۴۲	۳۰/۰۰
	کمال گرایی کلی	۹۱/۴۱	۱۰/۸۹	۱۲۴/۰۰
راهبرد مقابله‌ای	راهبرد مقابله‌ای	۴۲/۷۳	۸/۳۵	۷۰/۰۰
خود تعینی	دلایل درونی	۹/۵۸	۱/۸۶	۱۵/۰۰
	دلایل هماهنگ سازی	۱۲/۷۳	۲/۴۷	۱۹/۰۰
	دلایل هویت پذیری	۱۵/۷۰	۲/۴۶	۲۰/۰۰
	دلایل تنظیم اجتنابی	۳۰/۹۰	۳/۴۷	۳۹/۰۰
	دلایل بیرونی اجتنابی	۳۱/۶۰	۵/۰۶	۴۰/۰۰
	خود تعینی کلی	۱۰۰/۵۳	۱۱/۱۳	۱۲۹/۰۰

نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنوف نشان داد که توزیع داده‌های کمال گرایی ($Z=۰/۶۰$, $P=۰/۸۵$)، خود تعینی ($Z=۰/۶۷$, $P=۰/۷۴$) و راهبرد مقابله‌ای ($Z=۰/۸۷$, $P=۰/۴۳$) نرمال است. جهت بررسی فرضیات تحقیق از آزمون همبستگی پیرسون برای معناداری روابط بین متغیرها استفاده شد. طبق نتایج، میان راهبرد مقابله‌ای با کمال گرایی ($P=۰/۰۰$, $r=۰/۳۸$) رابطه معنی‌داری وجود دارد. راهبرد مقابله‌ای از میان ابعاد کمال گرایی نگرانی درباره اشتباهات ($P=۰/۰۰$, $r=۰/۲۶$)، شک درباره اعمال ($P=۰/۰۰$, $r=۰/۱۷$)، انتظارات والدینی ($P=۰/۰۰$, $r=۰/۳۵$)، انتقادگری والدینی ($P=۰/۰۰$, $r=۰/۲۰$)، استانداردهای شخصی ($P=۰/۰۰$, $r=۰/۱۷$) و سازماندهی ($P=۰/۰۰$, $r=۰/۰۶$) ارتباط مثبت معنی‌داری دارد. گرچه روابط در حد ضعیف برآورد شده است، اما باید متذکر شد به ترتیب میزان کمال گرایی، انتظارات والدینی، نگرانی درباره اشتباهات، انتقادگری والدینی، استانداردهای شخصی، شک درباره اعمال و سازماندهی با راهبرد مقابله‌ای کاهش یافته است. برای تعیین این که آیا ابعاد کمال گرایی پیش بین راهبرد مقابله‌ای در دانشجویان ورزشکار است، از رگرسیون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ خلاصه شده است.

جدول ۲: آمار خلاصه مدل رگرسیون

مدل	R	R ²	تعدیل R ²	انحراف معیار برآورد
هم زمان	۰/۴۱	۰/۱۷	۰/۱۵	۷/۶۸

با توجه به مقدار ضریب همبستگی چندگانه (۰/۴۱) و ضریب تعیین به دست آمده ($R^2 = 0/17$) مدل مورد نظر قابلیت تبیین ۱۷ درصد تغییرات راهبرد مقابله‌ای را بر اساس ابعاد کمال گرایی داراست. همچنین با توجه به مقدار آماره F تحلیل واریانس (۷/۹۰) و درجه آزادی (۲۲۳ و ۶) با سطح معنی داری ۰/۰۰، مدل رگرسیون هم زمان آزمون مناسبی جهت تشخیص تأثیر ابعاد کمال گرایی بر تغییرات راهبرد مقابله‌ای است.

بر اساس ضرایب استاندارد شده رگرسیونی (ضرایب تحلیل مسیر) و سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ مشاهده می‌شود از میان ابعاد کمال گرایی، انتظارات والدینی ($\beta = 0/26$)، انتقادگری والدینی ($\beta = 0/15$) معنی دار است و به ازای افزایش یک واحد انتظارات والدینی، راهبرد مقابله‌ای و به ازای افزایش یک واحد انتقادگری والدینی، ۰/۱۵ راهبرد مقابله‌ای افزایش می‌یابد. معادله خط رگرسیون حاصل به صورت زیر است:

$$\text{راهبرد مقابله‌ای} = (11/72) - (0/65 \times \text{انتظارات والدینی}) + (0/45 \times \text{انتقادگری والدینی})$$

طبق نتایج آزمون پیرسون، میان راهبرد مقابله‌ای با خود تعیینی ($P = 0/00$, $r = 0/27$) رابطه مثبت معنی داری وجود دارد. راهبرد مقابله‌ای با ابعاد خود تعیینی دلایل درونی ($P = 0/00$, $r = 0/15$)، دلایل هماهنگ سازی ($P = 0/00$, $r = 0/17$)، دلایل هویت پذیری ($P = 0/04$, $r = 0/13$)، دلایل تنظیم اجتنابی ($P = 0/00$, $r = 0/21$) و دلایل بیرونی اجتنابی ($P = 0/00$, $r = 0/24$) رابطه مثبت معنی داری دارد. گرچه روابط در حد ضعیف برآورد شده است، اما باید متذکر شد به ترتیب میزان ارتباط خود تعیینی، دلایل بیرونی اجتنابی، دلایل تنظیم اجتنابی، دلایل هماهنگ سازی، دلایل درونی و دلایل هویت پذیری با راهبرد مقابله‌ای کاهش یافته است.

جدول ۳: گزارش آمار خلاصه مدل رگرسیون ابعاد خود تعیینی جهت پیش بینی راهبرد مقابله‌ای در دانشجویان ورزشکار

مدل	R	R ²	تعدیل R ²	انحراف معیار برآورد
هم زمان	۰/۲۹	۰/۰۸	۰/۰۶	۸/۰۷

با توجه به مقدار ضریب همبستگی چندگانه (۰/۲۹) و ضریب تعیین به دست آمده ($R^2 = 0/08$) مدل مورد نظر قابلیت تبیین ۸ درصد تغییرات راهبرد مقابله‌ای را بر اساس ابعاد خود تعیینی داراست. همچنین با توجه به مقدار آماره F تحلیل واریانس (۴/۱۷) با درجه آزادی (۲۲۴ و ۵) و سطح معنی داری ۰/۰۰۱، مدل رگرسیون هم زمان آزمون مناسبی جهت تشخیص تأثیر ابعاد خود تعیینی بر تغییرات راهبرد مقابله‌ای است.

بر اساس ضرایب استاندارد شده رگرسیونی (ضرایب تحلیل مسیر) و سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵، از میان

ابعاد خود تعینی، تنها بعد دلایل بیرونی اجتنابی ($\beta=0/20$) معنی دار است و به ازای افزایش یک واحد دلایل بیرونی اجتنابی، $0/20$ راهبرد مقابله‌ای افزایش می‌یابد. معادله خط رگرسیون حاصل به صورت زیر است:

$$\text{راهبرد مقابله‌ای} = 22/94 + (0/34 \times \text{دلایل بیرونی اجتنابی})$$

بحث و نتیجه گیری

هدف کلی پژوهش حاضر، تعیین ارتباط بین کمال گرایی و خودتعیینی با راهبردهای مقابله‌ای دانشجویان تیم‌های ورزشی بود.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که بین کمال گرایی با راهبرد مقابله‌ای ارتباط مثبت معنی‌داری وجود دارد. به عبارتی با افزایش سطح کمال گرایی مثبت (استانداردهای شخصی و سازماندهی) و کمال گرایی منفی (نگرانی درباره اشتباهات، شک درباره اعمال، انتظارات والدینی، انتقادگری والدینی) میزان استفاده از راهبردهای مقابله‌ای افزایش می‌یابد. در تفسیر این یافته می‌توان اذعان داشت که کمال گرایی از طریق تعیین مجموعه‌ای از معیارهای بسیار بالا برای عملکرد و با ارزشیابی انتقادی افراطی (فراسر و همکاران، ۱۹۹۱: ۳۳۰) مشخص می‌شود و احتمالاً وقتی ورزشکاران معیارهای فراتر از عملکردشان را تعیین کنند، میزان تلاش‌هایی که برای کنترل و اداره کردن موقعیت‌های خطرناک و استرس‌زا انجام می‌دهند، بیشتر می‌شود. از سوی دیگر، وقتی رفتارها در جهت پیشرفت به سوی اهداف سطح بالا و دستیابی به پیامدهای مثبت هدایت شوند و با تقویت مثبت و میل به پیشرفت تحریک شوند (اسی^۱ و همکاران، ۲۰۱۵: ۲۸) در واقع ورزشکار در رفتارهایش از استانداردهای شخصی و سازماندهی برخوردار بوده است و احتمالاً این استانداردهای شخصی و سازماندهی باعث می‌شود که ورزشکار بتواند موقعیت‌های استرس‌زا را به خوبی شناسایی و برای کنترل آن بیشتر تلاش کند. همچنین، وقتی فرد بخواهد رفتارهایی از خود نشان دهد که برای اجتناب یا رهایی از پیامدهای منفی باشد و با تقویت منفی و ترس از شکست این رفتارها تحریک شوند (اسی و همکاران، ۲۰۱۵: ۲۴)، احتمالاً این تلاش برای کنترل استرس بیشتر می‌شود. از سوی دیگر، کمال گرایی سازگار در عین حال که فرد را به وضع معیارهای دقیق برای عملکرد و تلاش‌های کمال‌گرایانه وادار می‌سازد (تریشور، ۲۰۱۲: ۸۶)، به دلیل ویژگی‌های بهنجار و سازش یافته‌اش، دغدغه‌ها و نگرانی‌های عدم تحقیق معیارهای بالا را کاهش می‌دهد.

کمال گرایی مثبت که شامل استانداردهای شخصی و سازماندهی است، از یک سو نیروهای انگیزشی لازم برای مواجهه و مقابله موفق به صورت تلاش مستقیم برای حل مسئله و تلاش غیر مستقیم به منظور تغییر معنا و ارزش مسئله را تأمین می‌کند و از سوی دیگر، در تعامل سازش یافته و انطباقی با واقعیت‌ها، به تنظیم فاصله آرمان با واقعیت می‌پردازد (برلین و همکاران، ۲۰۰۶: ۲۲۶). براساس این مکانیزم‌ها، کمال گرایی مثبت هم به فعال‌سازی و پویایی فرد در مقابله کمک می‌کند و هم به سازش یافتگی راهبردهای مقابله‌ای به کار بسته شده. از طرف دیگر، کمال گرایی منفی (نگرانی درباره اشتباهات، شک درباره اعمال، انتظارات والدینی، انتقادگری والدینی) بر خلاف کمال گرایی مثبت و به رغم تلاش‌های جدی و طاقت فرسا، به دلیل ویژگی‌های نابهنجار و سازش نیافته‌اش، نگرانی‌های فرد از عدم تحقق معیارهای کمال‌گرایانه را پیوسته افزایش می‌دهد. اما بر

خلاف انتظار در پژوهش حاضر این ارتباط مثبت بوده است، بدان مفهوم که هر چه این تلاش‌ها جدی‌تر باشد و نگرانی‌های فرد از تحقق معیارهای کمال‌گرایانه را پیوسته افزایش یابد، راهبردهای مقابله‌ای نیز افزایش می‌یابد. بنابراین، یافته‌های این بخش باید با احتیاط تعمیم داده شود و مستلزم تحقیقات بیشتر است. بشارت و همکاران (۱۳۸۷: ۱۴) در پژوهشی کمال‌گرایی و سبک‌های مقابله با تنیدگی را مورد بررسی قرار دادند. جامعه آماری پژوهش حاضر را ۳۷۸ نفر از دانشجویان تشکیل دادند. در این پژوهش از پرسشنامه‌های مقیاس کمال‌گرایی مثبت و منفی (تریشور، ۲۰۱۲: ۷۷) و مقیاس سبک‌های مقابله‌ای (بشارت، ۱۳۸۷: ۱۶) استفاده شد. نتایج نشان داد که کمال‌گرایی مثبت با سبک‌های مقابله‌ای مسئله‌مدار ارتباط مثبت معنادار دارد، در حالی که با سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار رابطه منفی معنادار داشت. با توجه به نتایج می‌توان به مسئولان تیم‌های ورزشی پیشنهاد کرد از طریق تعیین استانداردهای عملکردی مطلوب و منطقی میزان استرس ورزشکاران را کنترل کنند. فرمان‌بر و همکاران (۱۳۹۰: ۵۴) در تحقیقی با عنوان «رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با ابعاد کمال‌گرایی و شیوه‌های مقابله با استرس در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد مرودشت» که بر روی نمونه آماری ۳۷۰ نفری انجام دادند به این نتیجه دست یافتند که بین کمال‌گرایی مثبت و شیوه‌های مقابله‌ای مسئله‌مدار و بین کمال‌گرایی منفی و شیوه‌های مقابله‌ای هیجان‌مدار، رابطه مثبت معنادار وجود دارد. یافته‌های این بخش از پژوهش با نتایج تحقیق فرمان‌بر و همکاران (۱۳۹۰: ۵۴) همخوان می‌باشد، ولی با یافته‌های تحقیق بشارت و همکاران (۱۳۸۷: ۱۹) ناهمخوان است. از دلایل این ناهمخوانی می‌توان به تفاوت ابزارهای استفاده در پژوهش حاضر با تحقیق بشارت و همکاران (۱۳۸۷: ۱۹) اشاره کرد، چرا که در پژوهش حاضر از پرسشنامه کمال‌گرایی چند بُعدی (فراس‌ت و همکاران، ۱۹۹۱: ۳۳۰) و پرسشنامه مهارت‌های مقابله‌ای ورزشی (لانگ‌بوتوم و همکاران، ۲۰۱۰) استفاده شده است در حالی که بشارت و همکاران (۱۳۸۷: ۱۹) از پرسشنامه‌های مقیاس کمال‌گرایی مثبت و منفی (تریشور، ۲۰۱۲: ۸۶) و مقیاس سبک‌های مقابله‌ای (بشارت، ۱۳۸۷: ۱۹) استفاده کرده‌اند.

از بین ابعاد کمال‌گرایی، انتظارات والدینی ($\beta = 0/26$)، انتقادگری والدینی ($\beta = 0/15$) پیش‌بینی‌کننده‌های معنادار راهبردهای مقابله‌ای بودند و با افزایش یک واحد انتظارات والدینی و انتقادگری والدینی به ترتیب ۰/۲۶ و ۰/۱۵ راهبرد مقابله‌ای افزایش یافت. این بدان مفهوم است که هر چه کمال‌گرایی منفی افزایش یابد، میزان استفاده از راهبردهای مقابله‌ای نیز افزایش می‌یابد. بنابراین می‌توان به مربیان و اولیای دانشجویان ورزشکار پیشنهاد کرد از طریق حمایت از ورزشکاران میزان استرس آنها را کاهش دهند. در تفسیر این یافته می‌توان اذعان داشت که هر چه دانشجویان ورزشکار رفتارهایی را بروز دهند که برای اجتناب یا رهایی از پیامدهای منفی باشد و با تقویت منفی و ترس از شکست تحریک شوند (اسی و همکاران، ۲۰۱۵)، از راهبردهای مقابله‌ای بیشتری استفاده می‌کنند. بشارت و همکاران (۱۳۸۷: ۱۴) در پژوهشی کمال‌گرایی و سبک‌های مقابله با تنیدگی را مورد بررسی قرار دادند و نشان دادند که کمال‌گرایی مثبت و منفی پیش‌بین معنادار راهبردهای مقابله‌ای بودند. این بخش از پژوهش با نتایج تحقیق بشارت و همکاران (۱۳۸۷: ۱۸) ناهم‌خوان است، زیرا در پژوهش حاضر فقط کمال‌گرایی منفی پیش‌بین معنادار بوده است در حالی که در تحقیق بشارت و همکاران (۱۳۸۷: ۱۸) کمال‌گرایی مثبت و منفی پیش‌بین معنادار راهبردهای مقابله‌ای بودند. بین خودتعیینی با راهبرد مقابله‌ای رابطه مثبت معنی‌داری وجود داشت. همچنین، راهبرد مقابله‌ای با ابعاد

خود تعینی که عبارت اند از دلایل درونی، دلایل هماهنگ سازی، دلایل هویت پذیری، دلایل تنظیم اجتنابی و دلایل بیرونی اجتنابی رابطه مثبت معنی داری داشت. با توجه به این یافته می توان به مربیان تیم‌های ورزشی پیشنهاد کرد دانشجویان ورزشکار را از لحاظ درونی و بیرونی برای شرکت در ورزش آماده سازند تا برای ارضای نیازهای درونی و بیرونی از راهبردهای مقابله‌ای اثربخش تری جهت تغییر موقعیت و رفتار دیگران استفاده کنند. در تفسیر این یافته می توان اذعان داشت که دلایل درونی، به درگیر شدن کامل در یک فعالیت برای لذت و رضایتی است که از انجام آن فعالیت ناشی می شود (مکینون^۱ و همکاران، ۲۰۱۲: ۲۶). وقتی که فردی به شکل درونی برانگیخته می شود، در نبود پاداش یا محدودیت‌های بیرونی نیز آن رفتار (ورزشی) را انجام می دهد (مکینون و همکاران، ۲۰۱۲: ۲۷). افراد به این دلیل ورزش می کنند که ورزش را جالب و ارضا کننده می بینند یا از تلاش برای پیشرفت لذت می برند و انگیزه درونی قابل توجهی نسبت به ورزش شان دارند. مکینون و همکاران اذعان می دارند نیتومانی^۲ (۲۰۱۲: ۱۲۶) که انگیزش درونی از نیازهای روان‌شناختی درونی مانند شایستگی و خود مختاری نشأت می گیرد. بنابراین، انگیزش درونی یا همان دلایل درونی باعث می شوند که افراد احساس شایستگی و تعینی نسبت به شرکت در ورزش و رفتارهای ورزشی داشته باشند. از طرف دیگر، فرد در دلایل هماهنگ سازی، رفتار را به دلیل اینکه کاملاً با احساس خودش همخوانی دارد، انجام می دهد. هماهنگ سازی مشابه تنظیم درونی است؛ یعنی این که رفتار بدون احساس اجبار (هم درونی و هم بیرونی) انجام می شود و بنابراین کاملاً خودتعیین است. این گونه نظم‌جویی با نظم‌جویی درونی فرق دارد؛ یعنی این که رفتار هنوز به منظور دستیابی به نتایج تفکیک پذیر انجام می شود تا این که فقط برای رضایت درونی از انجام فعالیت باشد (اینگلدو، ۲۰۰۴: ۵۷۵). دلایل هویت پذیری زمانی رخ می دهد که افراد به یک رفتاری ارزش دهند یا آن را مهم تلقی و به طور ناخودآگاه اجرا کنند. هرچند که هویت پذیری به طور درونی تنظیم می شود، اما فعالیت همچنان به دلایل بیرونی (مانند دستیابی به اهداف شخصی) اجرا می گردد. ورزشکارانی که به دلیل این که احساس می کنند که انجام رفتارها موجب رشد و پیشرفت آن‌ها می شود، در ورزش شرکت می کنند (اینگلدو، ۲۰۰۴: ۵۷۹) دلایل تنظیم و دلایل بیرونی اجتنابی آن‌ها نیز به این دلیل رخ می دهد که وقتی از لحاظ بیرونی برانگیخته می شوند، رفتارهایی را به منظور کسب نتایج تفکیک پذیر یا پاداش‌های بیرونی انجام می دهند. ورزشکارانی که به منظور دریافت جایزه از مربیان شان یا به دلیل تاکید والدین شان در ورزش شرکت می کنند به وسیله دلایل بیرونی برانگیخته می شوند. در این مورد، ورزش برای لذت بردن انجام نمی شود، بلکه برای دریافت پاداش (مانند جایزه) یا اجتناب از پیامدهای منفی (مانند انتقاد والدین) است (مکینون و همکاران، ۲۰۱۲: ۲۶). بنابراین، با در نظر گرفتن تمامی این تفسیرها می توان اذعان داشت که ورزشکاران احتمالاً برای برآوردن این نیازهای درونی و بیرونی تلاش‌هایی برای کنترل و اداره کردن موقعیت‌های استرس زا از جمله تغییر موقعیت یا رفتار دیگران (مانند، والدین) و تلاش‌هایی برای بررسی مجدد نگرش‌ها و نیازهای خود انجام می دهند. نیتومانی (۲۰۱۲: ۹۲) در تحقیقی با عنوان «کمال گرایی، انگیزش خودتعیینی و راهبردهای مقابله‌ای در بین ورزشکاران بزرگسال» که بر روی ۳۳۳ ورزشکاران یونانی انجام دادند به این نتیجه دست یافتند که بین استانداردهای شخصی از خرده مقیاس کمال گرایی و خودپیروی و انگیزش کنترل شده رابطه مثبت معناداری وجود دارد. همچنین، انگیزش کنترل شده با راهبرد مقابله‌ای ارتباط مثبت معنادار داشت.

1. Mackinnon

2. Nitoumani

یافته‌های این بخش از پژوهش با نتایج تحقیق نیتومانی (۲۰۱۲: ۱۲۶) هم‌خوان است. از دلایل این هم‌خوانی می‌توان به تشابه ابزارهای استفاده شده در پژوهش‌ها اشاره کرد.

طبق نتایج از بین ابعاد خود تعیینی، تنها بُعد دلایل بیرونی اجتنابی ($\beta=0/20$) پیش بینی کننده معنی دار بود و به ازای افزایش یک واحد دلایل بیرونی اجتنابی، ۰/۲۰ راهبرد مقابله‌ای افزایش یافت. دلایل بیرونی اجتنابی به منظور کسب نتایج تفکیک‌پذیر یا پاداش‌های بیرونی رخ می‌دهد. در این مورد، ورزش برای لذت بردن انجام نمی‌شود، بلکه برای دریافت پاداش (مانند جایزه) یا برای اجتناب از پیامدهای منفی (مانند انتقاد والدین) است (مکینون و همکاران، ۲۰۱۲: ۲۶)، بنابراین احتمالاً به دلیل تلاش ورزشکاران برای اجتناب از پیامدهای منفی میزان راهبردهای مقابله‌ای یعنی تلاش آن‌ها برای تغییر موقعیت یا رفتار دیگران افزایش می‌یابد. یافته‌های این بخش از پژوهش، تحقیقات هم‌خوان و ناهم‌خوان نداشت. با توجه به یافته پژوهش حاضر مبنی بر قابلیت دلایل بیرونی در پیش بینی راهبردهای مقابله‌ای، به مربیان و اولیای دانشجویان ورزشکار پیشنهاد می‌شود که از طریق تشویق و اجتناب از پیامدهای منفی (مانند انتقاد والدین) میزان بکارگیری از راهبرد مقابله‌ای اثربخش را در دانشجویان افزایش دهند و استرس آن‌ها را کنترل نمایند.

منابع

- بشارت، محمد علی. (۱۳۸۷). «قابلیت اعتماد و درستی مقیاس کمال گرایی مثبت و منفی». علوم روانشناختی. شماره ۸، ص: ۱۲-۲۱.
- عبدلی، بهروز؛ رمضان‌زاده، حسام و عابدان‌زاده، رسول. (۱۳۹۲). «ارتباط بین نیمرخ‌های انگیزشی و مراحل تغییر رفتار تمرینی در دانشجویان». مطالعات روانشناسی ورزشی. شماره ۵، ص: ۸۵-۱۰۰.
- فرمان‌بر، ربیع‌اله؛ نیکنامی، شمس‌الدین؛ حیدرینیا، علیرضا و حاجی‌زاده، ابراهیم. (۱۳۹۰). «تاثیر تلفیق الگوی مرحله‌های تغییر و تئوری خودتعیین‌کنندگی در ارتقا و تداوم رفتارهای ورزشی». مجله دانشگاه علوم پزشکی گیلان. دوره بیست و یکم شماره ۸۲، صفحات: ۴۶-۵۶.
- نیک‌بخش، رضا؛ میرزایی، عادل و جهان‌سا، نسرین. (۱۳۹۳). «رابطه شخصیت و رفتارهای تمرینی ورزش؛ نظریه خودتعیین‌کنندگی». فصلنامه روان‌شناسی تحولی روان‌شناسان ایرانی. شماره ۲۹، ص: ۲۷۵-۲۸۴.
- Appleton, P. R., Hall, H. K., & Hill, A. P. (2009). "Relations between multi dimensional perfectionism and burnout in junior-elite male athletes". *Psychology of Sport and Exercise*, 10: 457-465.
- Asci, F., Lindwall, M., Altıntas, A., Gürsel, N. (2015). "Gender differences in the relation of personality traits and self-presentation with physical activity". *Science & Sports*, 30:23-30.
- Bartholomew, K. J., Ntoumanis, N., Ryan, R. M., Bosch, J. A., & Thogersen Ntoumani, C. (2011). "Self-determination theory and diminished functioning: the role of interpersonal control and psychological need thwarting". *Personality and Social Psychology Bulletin*, 37:1459-1473.
- Berlin, A. A., Kop, W. J., & Deuster, P. A. (2006). "Depressive mood symptoms and fatigue after exercise withdrawal: The potential role of decreased fitness". *Psychosomatic Medicine*, 68(2): 224-230.
- Burgan, D. (2010). "Perfectionism and Self-Reported Health-Related Behaviors". Ball State University. PP: 98-123.
- Caro, J. A., & Worthman, C. M. (2011). "Changing family routines at kindergarten entry predict biomarkers of parental stress". *International Journal of Behavioral Development*, 35(5): 441-448.
- Craciun, B., Dudau, D. (2014). "The relation between perfectionism, perfectionistic self-presentation and coping strategies in medical employees". *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 127: 509 – 513.
- Edmund, J., Ntoumanis, N., & Duda, J. L. (2006a). "A test of self-determination theory in the exercise domain". *Journal of Applied Social Psychology*, 36: 2240-2265.

- Frost, R.O., & Henderson, J. (1991). **"Perfectionism and reactions to athletic competition"**. Journal of Sport and Exercise Psychology, 13:323-335.
- Gaudreau, P., & Antil, S. (2008). **"Athletes' broad dimensions of dispositional perfectionism: examining changes in life satisfaction and the mediating role of sport-related motivation and coping"**. Journal of Sport & Exercise Psychology, 30: 356-382.
- Hall, H. K., Kerr, A. W., Kozub, S. A., & Finnie, S. B. (2007). **"Motivational antecedents of obligatory exercise: the influence of achievement goals and multidimensional perfectionism"**. Psychology of Sport and Exercise, 8: 297-316.
- Hill, A. P., Hall, H. K., Appleton, P. R., & Kozub, S. A. (2008). **"Perfectionism and burnout in junior elite soccer players: The mediating influence of unconditional self-acceptance"**. Psychology of Sport and Exercise, 9:630-644.
- Ingledew, D. K., Markland, D., & Sheppard, K. E. (2004). **"Personality and self-determination of exercise behavior"**. Personality and Individual Differences, 36:1921-1932.
- Longbottom, J.-L., Grove, J. R., & Dimmock, J. A. (2010). **"An examination of perfectionism traits and physical activity motivation"**. Psychology of Sport and Exercise, 11: 574-581.
- Longbottom, J. L., Grove, J. R., Dimmock, J. A. (2012). **"Trait perfectionism, self-determination, and self-presentation processes in relation to exercise behavior"**. Psychology of Sport and Exercise, 13: 224-235.
- Mackinnon, S., Sherry, S. (2012). **"Perfectionistic self-presentation mediates the relationship between perfectionistic concerns and subjective well-being: A three-wave longitudinal study"**. Personality and Individual Differences 53: 22-28.
- Miquelon, P., Vallarand, R. J., Grouzet, F. M. E., & Cardinal, G. (2005). **"Perfectionnismes, academic motivation, and psychological ajustement: an intégrative model"**. Personality and Social Psychology Bulletin, 31: 913-924.
- Nitoumani, C. (2007). **"A Self-determination Theory Approach to the Study of Body Image Concerns, Self-presentation and Self-perceptions in a Sample of Aerobics Instructors"**. Journal of Health Psychology, 12(2):301-315.
- Nitoumanis, N. (2012). **"A self-determination theory perspective on motivation in sport and physical education: current trends and possible future research directions"**. In G. Roberts, & D. Treasure (Eds.), Advances in motivation in sport and exercise. PP: 91-128.
- Pelletier, L.G., Vallerand, R. J., Sarrazin, P. (2007). **"The revised six factor Sport Motivation Scale"**. Psychology of Sport and Exercise, 8: 621-615.
- Pelletier, L.G., Rocchi, M.A., Vallerand, R. J., Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2013). **"Validation**

- of the revised sport motivation scale (SMS-II) ”.** *Psychology of Sport and Exercise* 14: 329-341.
- Treasure, D. (2012). **Advances in Motivation in Sport and Exercise.** 3rd Edition. HUMAN KINETICS
 - Williams, CH., Cropley, M. (2013). **“The Relationship between Perfectionism and Preventive Health Behaviours: The Mediating Role of Self-Concealment”.** *Personality and Social Psychology Bulletin*, 46: 203-214.
 - Wilson, P. M., & Rodgers, W. M. (2007). **“Self-determination theory, exercise and well-being”.** In M. S. Hagger, & N. L. D. Chatzisarantis (Eds.) *Intrinsic motivation and self-determination in exercise and sport*, PP: 101-112.
 - Wood, W., & Neal, D. T. (2007). **“A new look at habits and the habit-goal interface”.** *Psychological Review*, 114(4):843–863.



طراحی مدل تأثیر کارکرد اجتماعی و روانشناختی رسانه‌های اجتماعی ورزشی بر دلبستگی هواداران تیم استقلال تهران

معصومه کلاته سیفری^۱

محسن اسمعیلی^۲

مسعود فریدونی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۶/۱۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۸/۲۶

هدف از انجام این پژوهش، بررسی تأثیر کارکرد اجتماعی و روانشناختی رسانه‌های اجتماعی ورزشی بر دلبستگی هواداران تیم استقلال تهران بود. روش پژوهش همبستگی بود که به صورت میدانی به اجرا درآمد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه هواداران تیم استقلال تهران بود که حداقل در صفحه رسمی باشگاه در اینستاگرام یا کانال رسمی باشگاه استقلال تهران در تلگرام عضو بودند. ۳۸۹ پرسشنامه قابل استفاده از هواداران باشگاه استقلال که در بازی شهرآورد تهران در استادیوم آزادی حضور داشتند، به عنوان نمونه گردآوری شد. با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و تحقیقات اخیر در حوزه رسانه‌های اجتماعی در ورزش، ابزار تحقیق طراحی گردید که روایی صوری و محتوایی آن توسط هفت نفر از اساتید مدیریت و رسانه ورزشی تأیید شد. پایایی ابزار تحقیق نیز در مطالعه راهنما ($\alpha = 0/76$) به دست آمد. نتیجه آزمون آلفای کرونباخ برای پرسشنامه کارکردهای اجتماعی و روانشناختی ($\alpha = 0/86$) و برای دلبستگی هواداران ($\alpha = 0/88$) نشان از پایایی مطلوب ابزار تحقیق داشت. نتایج حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی نیز ابزار تحقیق را تأیید نمود. نتایج حاصل از مدلسازی معادلات ساختاری که به کمک نرم افزار آموس انجام شد، نشان داد که کارکردهای اجتماعی و روانشناختی رسانه‌های اجتماعی ورزشی بر دلبستگی هواداران تأثیر مستقیم و مثبتی داشته است ($P < 0/05$).

E-mail: Mkalateh@umz.ac.ir

۱. دانشیار، مدیریت ورزشی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران (نویسنده مسئول)

۲. استادیار، ژوئیه‌گاه تربیت بدنی و علوم ورزشی، تهران، ایران

۳. دکترای مدیریت بازاریابی و رسانه‌های ورزشی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران

● طراحی مدل تأثیر کارکرد اجتماعی و روانشناختی رسانه‌های اجتماعی ورزشی بر دلبستگی هواداران تیم استقلال تهران

براساس نتایج تحقیق، به مدیران بازاریابی باشگاه‌های ورزشی پیشنهاد می‌شود که با توجه به کارکردهای اجتماعی و روانشناختی رسانه‌های اجتماعی، هواداران جدید را جذب نمایند و وفاداری هواداران فعلی را افزایش دهند تا باشگاه و هواداران از مزایای حمایت‌های یکدیگر بهره‌مند شوند.

واژگان کلیدی: رسانه‌های اجتماعی، کارکردهای اجتماعی و روانشناختی، باشگاه استقلال و دلبستگی هواداران

مقدمه

امروزه رسانه‌های اجتماعی، گونه‌ای از رسانه هستند که بعد از رسانه‌های جمعی ظهور یافته و امکان تعامل میان تولیدکننده پیام و دریافت کننده آن را فراهم می‌آورند؛ بدین معنا که در این رسانه‌ها مخاطب و یا گیرنده پیام، منفعل نیستند و به تعامل پویا و فعالانه با پیام، فرستنده، فرآیند ارسال و دریافت و بستر ارائه پیام می‌پردازند و امکان ایجاد تغییرات در پیام ارسالی و بازنشر آن را دارند؛ به طوری که می‌توانند به افراد دیگر پیامی ترکیب شده با اندیشه‌ها و آموزه‌های فکری خود بازنشر دهند. از آمار و ارقامی که هر روزه ارائه می‌گردد چنین برمی‌آید که رسانه‌های اجتماعی رشد و گسترش روزافزون و پرسرعتی داشته‌اند (ادروول و همکاران^۱، ۲۰۱۷)، اما وجه مشترک گونه‌های متعدد رسانه‌های اجتماعی، مخاطب محور بودن آنها و تولید محتوا توسط افراد استفاده کننده است. در واقع، شبکه‌های اجتماعی به مجموعه‌ای از افراد گفته می‌شود که به صورت گروهی با یکدیگر ارتباط دارند و مواردی مانند اطلاعات، نیازمندی‌ها، فعالیت‌ها و افکار خود را به اشتراک می‌گذارند (محکم کار و حلاج، ۱۳۹۳). بنابر آمارهای رسمی منتشر شده، فیس بوک و یوتیوب که گونه‌هایی از رسانه‌های اجتماعی هستند به همراه موتور جستجوی گوگل پربازدیدترین سایت‌های جهان بوده‌اند. همچنین شبکه‌های اجتماعی مجازی، نوعی از رسانه‌های اجتماعی است که شباهت فراوانی به جوامع انسانی دارد و برای افراد این امکان را فراهم می‌کند که با سایر افراد جامعه، بدور از هرگونه محدودیت زمانی، مکانی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ارتباط داشته باشند. همچنین نتایج تحقیقات نشان داده است که مردم با حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی مزایایی از قبیل حمایت از جانب سایر افراد، دریافت اطلاعات به روز و عواطف و احساسات برخوردار می‌شوند که در واقع نیازی به حضور فیزیکی آنان در جامعه نیست (اکبری تبار و اسکندری پور، ۱۳۹۲). اما در مورد دلایل و انگیزه‌های استفاده از فضای مجازی زمینه‌های اصلی هستند که در رویکرد استفاده و خشنودی به آنها توجه می‌شود. در این راستا، بلامر و کاتز^۲ دو پژوهشگر سوئدی در سال ۱۹۶۸ نوعی مدل استفاده و خشنودی را پیشنهاد کرده‌اند. بر اساس این رویکرد، مخاطبی فعال محسوب می‌گردد که بخش مهمی از استفاده از رسانه‌ها معطوف به هدفش باشد. در فرایند ارتباط جمعی، مخاطب در امر ارضای نیاز و انتخاب رسانه‌ای، ابتکار عمل زیادی دارد. زمینه‌های اجتماعی و روان شناختی باعث ایجاد نیازهایی می‌شود که نتیجه آن‌ها انتظارات و توقعات از رسانه‌های جمعی است که موجب تنوع و گوناگونی الگوهای عرضه رسانه می‌شود و به برآورده شدن نیازها می‌انجامد. مجموع نیازها و انگیزه‌های مخاطب در استفاده از رسانه‌ها را می‌توان در چهار مقوله اصلی جای داد:

مقوله اول، آگاهی و نظارت: بیان می‌دارد که مردم به منظور کسب اخبار و اطلاعات از دنیای پیرامون و نظارت بر محیط اجتماعی خویش، از رسانه‌ها استفاده می‌کنند.

مقوله دوم، روابط شخصی: بیان می‌کند که مردم در فرآیند ارتباط، رسانه‌ها را همراه و همنشین خود تلقی می‌کنند و از محتوای رسانه‌ای برای ارتباط و گفتگو با دیگران استفاده می‌نمایند.

مقوله سوم، هویت شخصی: اشاره دارد که مردم از رسانه‌ها برای کسب خودآگاهی، یافتن الگوهای رفتاری

1. Ardèvol et al
2. Katz & Blumer

و تقویت ارزش‌های شخصی استفاده می‌کنند.

مقوله چهارم، سرگرمی و گریز از واقعیت: بیان می‌کند که مردم از رسانه‌ها برای سرگرم شدن و گریز از مشکلات زندگی روزمره و تخلیه عاطفی استفاده می‌کنند (مهدی زاده، ۱۳۸۹).

به طور کلی و با توجه به تحقیقات فوق، پژوهشگران رسانه‌های جمعی را ابزاری می‌دانند که چهار نوع کارکرد اجتماعی و روانشناختی دارند: نیازهای شناختی (کسب اطلاعات، آگاهی و شناخت)، نیازهای عاطفی (تجارب عاطفی، لذت‌بخش یا زیبایی‌شناسانه)، نیازهای انسجام‌بخش شخصی (تقویت اعتبار، اعتماد، ثبات) و نیازهای گریز از تنش (فراغت و آسایش). حال در عصر ورزش و در زمینه هواداران ورزش‌های مختلف و کاربران شبکه‌های اجتماعی، این کارکردها خود را به خوبی نشان می‌دهند. هواداران یک رشته ورزشی یا یک تیم ورزشی به جهت تأمین نیاز به اطلاعات، رسانه‌های اجتماعی مربوط به علاقه‌مندی خود را پیگیری می‌نمایند و به جهت تأمین تجارب عاطفی، احساس لذت بخش بودن با سایر افرادی که حداقل از یک جهت با آنان وجه مشترک دارند، در شبکه‌های اجتماعی مورد نظر خود فعال می‌شوند. به جهت کسب ثبات و تقویت اعتبار پیرامون مسائل مختلف تیم همچون بازیکنان، مربی، روز مسابقه و... اظهار نظر می‌کنند و به جهت داشتن وجه تفریح و لذت بخش بودن با دیگر هواداران در شبکه‌های اجتماعی مربوط به تیم مورد علاقه حضور می‌یابند. اما حضور کاربران رسانه‌های اجتماعی چه ارتباطی می‌تواند با دلبستگی آنان به تیم مورد علاقه هواداران داشته باشد؟ بهتر است در ابتدا به این سوال پاسخ داده شود که منظور از دلبستگی به تیم ورزشی چیست؟

دلبستگی امتیازی را توصیف می‌کند که در آن فرد ارتباط روان‌شناختی معناداری تشکیل داده است که از طریق خصوصیات نگرشی متفاوت حمایت می‌شود (ساتو^۱ و همکاران، ۲۰۱۶ و فانک و جیمز^۲، ۲۰۰۶). مرحله دلبستگی، ایجادکننده معنی حضور در جمع و گروه ورزشی با هدف و تجربه ورزش است. دلبستگی هنگامی اتفاق می‌افتد که مزایای مسیر ورزشی و هدف آن بر پایه عوامل نمادین، عملیاتی، هیجانی و عاطفی ایجاد شود (فانک، ۲۰۰۸). دلبستگی به درجه‌ای از ویژگی‌های روانشناختی و جسمی (به طور مثال همراه شدن با یک تیم، بازیکنان مطرح، تیم یک شهر یا تیم یک کشور یا همراهی با یک رشته ورزشی است) اشاره می‌کند که البته خود نیز به مفهوم روان‌شناختی درونی نزدیک است (پاپ و همکاران^۳، ۲۰۱۶).

حال به مرور برخی از تحقیقات اخیر در زمینه رسانه‌های اجتماعی و تأثیرات آن‌ها بر باشگاه‌ها و هواداران پرداخته می‌شود. ابراهیمی (۲۰۱۵) در تحقیق خود به این نتیجه دست یافت که اعتماد تیمی و وابستگی تیمی بر وفاداری به تیم فوتبال در لیگ آزادگان ایران تأثیر دارد. همچنین نتایج نشان داد که ارتباط معناداری بین وابستگی به تیم ورزشی و وفاداری تیمی در لیگ آزادگان وجود دارد. وید و کنت^۴ (۲۰۱۵) نیز دریافتند افراد به هشت دلیل استرس مفید، عزت نفس، فرار از مشکلات، سرگرمی، زیبایی، منافع اقتصادی، وابستگی به گروه و خانواده انگیزه دارند که هوادار رویدادهای ورزشی شوند و طرفداران زن کمتر از طرفداران مرد به مسابقات فوتبال به چشم سرگرمی نگاه می‌کنند. اویزی^۵ (۲۰۱۲) با مطالعه هواداران فوتبال ترکیه دریافت که طرفداران

1. Sato
2. Funk & James
3. Popp et al
4. Wiid and Cant
5. Ozey

تیم‌ها بیشتر به سایت رسمی تیم‌های مورد علاقه خود در فیسبوک مراجعه می‌کنند تا اطلاعات دست اول را کسب کنند. همچنین نشان داد که طرفداران مرد نسبت به طرفداران زن بیشتر به دلایل ورزشی شبکه‌های اجتماعی ورزشی را دنبال می‌کنند. در زمینه مطالعه هواداران باشگاهی، دیور، لی کروم و گرین هالگ (۲۰۱۶) در تحقیق خود به ساخت و توسعه ابزاری جهت سنجش میزان هواداری باشگاه‌ها پرداختند. آنان چهار بعد تحریک، شایعات، تعاملات متعهدانه و تاثیر نیابتی هواداران را شناسایی نمودند.

در پژوهش‌های داخلی، کشوری و عبداللهی (۱۳۹۲) بیان کردند که جهت تقویت وفاداری مشتریان باید از ابزارهای رایگان و در دسترس همچون رسانه‌های اجتماعی استفاده شود. رسانه‌های اجتماعی می‌توانند با افزایش تعاملات مستقیم و دوفره، شخصی سازی و سفارشی سازی خدمات و استفاده از فنون بازاریابی چهره به چهره وفاداری مشتریان را افزایش دهند. ساعت چیان، علیزاده و الهی (۱۳۹۲) در تحقیق خود بدین نتیجه رسیدند که علل پیروزی نیابتی و تعلق به باشگاه برای تمامی هواداران تیم‌ها مهم ترین انگیزه و در مقابل گریز و اجتماعی شدن کمترین اهمیت را دارد. همچنین در میزان اهمیت انگیزه‌های حس تعلق به باشگاه، اجتماعی شدن، گریز از واقعیات و روال عادی زندگی، هیجان بازی، پیروزی نیابتی، مدیریت باشگاه، تاثیر دیگران، علاقه به غیر (بازیکن، رنگ، نام و نشان) بر وفاداری هواداران تفاوت معنی داری دارد. بهنام، خبیری، حلییان، احمدی و یخشنده (۱۳۹۳) در تحقیق خود بدین نتیجه رسیدند که در تیم‌های منتخب لیگ برتر فوتبال، سطوح مشارکت هواداران بیشتر در سطح دلبستگی و کمترین سطوح مشارکت مربوط به سطح وفاداری است. حسینی و کلاته سیف‌ری (۱۳۹۵) در تحقیق خود دریافتند که جوامع برندی و اعتماد به برند با شبکه‌های اجتماعی، تعامل اجتماعی، مدیریت ادراک و کاربرد برند ارتباط مثبت و معناداری دارند. همچنین جوامع برندی به طور مستقیم بر شیوه‌های ارزش آفرینی تاثیر دارند. خیری و پویان (۱۳۹۵) اذعان نمودند که رشد و محبوبیت رسانه‌های اجتماعی در میان افراد سبب ایجاد رویکردهای جدید ارتباطی شده است. از سوی دیگر، ادغام مفاهیم بازاریابی رسانه‌های اجتماعی با مفاهیم بازاریابی پست مدرن سبب ایجاد فصل مشترکی بین این دو مفهوم شده است تا آنجا که قبیله‌های مجازی، پیامدهای پست مدرن رفتار مصرف‌کننده همچون وفاداری، کثرت گرایی در رسانه‌های اجتماعی و ... را پیش بینی می‌کنند. قهرمان، کیماسی و حیدری (۱۳۹۶) در تحقیق خود دریافتند که دو گروه فعالان و مبلغان بسیار تحت تاثیر تبلیغات در شبکه‌های اجتماعی قرار می‌گیرند و مهم ترین محرک آن‌ها، درگیری به برند، تمایل به خرید و تبلیغات دهان به دهان است. همچنین حجم شایان توجهی از جامعه به بازاریابی در شبکه‌های اجتماعی واکنش مثبت نشان داده‌اند.

به طور کلی، طرفداران مشتاق به تماشای بازی‌ها به صورت جمعی هستند و تماشای جمعی مسابقات، دلبستگی آنان را به تیم مورد علاقه شان بیشتر می‌کند و موجب می‌شود که هواداران احساس تعلق خاطر به تیم محبوب خود داشته باشند و حس رفاقت میان آن‌ها افزون شود. اما در واقع سوال اصلی آن است که کارکرد اجتماعی و روانشناختی استفاده از شبکه‌های اجتماعی چه نقشی بر میزان دلبستگی هواداران تیم مورد علاقه هواداران آن تیم دارد؟ به عبارتی دیگر، فعالیت رسانه‌های اجتماعی یک تیم چه نقشی بر دلبستگی هواداران تیم دارد؟ این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که همواره بسیاری از مدیران باشگاه‌های ورزشی، آرزوی داشتن هواداران وفادار را دارند. این مهم است که بدون توجه به عوامل موثر بر دلبستگی هواداران، مدیران تیم‌ها نمی‌توانند هواداران وفاداری داشته باشند و از حمایت‌های مادی و معنوی حاصل از حضور

هواداران برخوردار شوند و از اولین اقدامات بازاریابی به جهت جذب هواداران یک رشته ورزشی یا یک تیم ورزشی، توجه به عوامل موثر بر دلبستگی آنان است. انجام این تحقیق، به دلیل سوابق اندک پژوهشی در این زمینه ضرورت داشت و باشگاه استقلال یکی از باشگاه‌های معروف لیگ برتر بود که هواداران بسیاری دارد. با توجه به آنکه امروزه باشگاه‌های مطرح دنیا، از طریق شبکه‌های اجتماعی پاسخگوی نیازهای هواداران خود از سایر نقاط جهان هستند، در حالی که این مهم در بخش باشگاه‌های داخلی نادیده انگاشته می‌شود و به نوعی پتانسیل هواداری باشگاه‌های کشور به سمت حمایت و طرفداری از باشگاه‌های نامور دنیا جهت می‌گیرد، اثرات مثبتی که حمایت و طرفداری هواداران می‌تواند بر رشد و ارتقای فوتبال کشور بگذارد، به سمت باشگاه‌ها و پتانسیل‌های برون مرزی سوق می‌یابد. تردیدی وجود ندارد که حمایت هواداران و حضور پرشور آنان در جامعه برندی باشگاه می‌تواند زمینه‌های حرفه‌ای‌گری و ارتقا را تقویت نماید، حال آنکه مدیران با نادیده گرفتن این پتانسیل شبکه‌های اجتماعی جهت جلب مخاطبان جدید و حفظ مخاطبان فعلی، وقت و انرژی بیشتری مصرف می‌نمایند. مخاطبان با دنبال نمودن صفحات اجتماعی وابسته به باشگاه و عضویت در آن‌ها به دنبال ارضای نیاز به تعلق خاطر به یک اجتماع، هیجان و گریز از مشکلات شخصی و تجربیات عاطفی هستند که با نادیده گرفتن نیاز مخاطبان از سوی مدیران شبکه‌های اجتماعی باشگاه، ممکن است زمینه طرد یا جابجایی هواداران به باشگاه دیگری فراهم آید. از این رو، از حیث حمایت هواداران از باشگاه و برند آن خدشه‌ای وارد شود. با توجه به مطالب فوق، گروه تحقیق بر آن شد که این موضوع را در جامعه هواداران باشگاه استقلال تهران بررسی نمایند. یافته‌های حاصل از این تحقیق می‌تواند به مدیران در جهت جلب نظر هواداران و تقویت حمایت آنان از برند باشگاهی مثمرتر باشد.

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع، این تحقیق از نوع توصیفی-همبستگی و به لحاظ هدف کاربردی است. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه هواداران تیم استقلال تهران بود که حداقل در صفحه رسمی باشگاه در اینستاگرام یا کانال رسمی باشگاه استقلال تهران در تلگرام عضو بودند (تعداد ۴۸ هزار نفر در کانال تلگرام و بیش از ۲۱ هزار نفر پیرو صفحه اینستاگرام باشگاه استقلال بودند که از این تعداد، افرادی در هر دو شبکه اجتماعی رسمی باشگاه عضویت داشتند- لازم به ذکر است که این آمار مربوط به زمان انجام این پژوهش است). طبق جدول کوکران و با در نظر گرفتن ۴۸ هزار نفر به عنوان جامعه هواداران باشگاه استقلال، حجم نمونه آماری ۳۸۱ نفر کفایت می‌نمود که محققان توانستند ۳۸۹ پرسشنامه قابل استفاده از هواداران باشگاه استقلال که در بازی شهرآورد تهران در استادیوم آزادی حضور داشتند به عنوان نمونه گردآوری نمایند. از آنجایی که پرسشنامه استاندارد در این زمینه یافت نشد، با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و تحقیقات اخیر در حوزه رسانه‌های اجتماعی در ورزش، ابزار تحقیق طراحی گردید که روایی صوری و محتوایی آن توسط هفت نفر از اساتید مدیریت رسانه‌های ورزشی تأیید شد. به منظور تعیین پایایی اولیه، در مطالعه راهنما، ابزار تحقیق میان ۶۲ نفر از هواداران در تمرین استقلال توزیع گردید و ضریب آلفای کرونباخ آن نیز ۰/۷۶ به دست آمد. پس از جمع‌آوری اطلاعات از نمونه آماری، به منظور تعیین روایی سازه، از آزمون تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. تمام بارهای عاملی بیشتر از ۰/۳ بود. از این رو، هیچ عاملی حذف نشد. به جهت تأیید کفایت نمونه، از

آزمون KMO و برای بیان همبستگی بین متغیرها از آزمون کرویت بار تلت استفاده شد که نتایج آن در جدول ۱ آورده شده است.

پرسشنامه شامل سوالات کارکرد اجتماعی و روانشناختی رسانه‌های اجتماعی ورزشی و دلبستگی هواداران شامل ۱۷ گویه بود که کارکردها به ترتیب نیازهای شناختی (۳ سوال)، نیازهای عاطفی (۲ سوال)، نیازهای انسجام بخشش شخصی (۳ سوال) و نیازهای گریز از تنش (۲ سوال) بودند و دلبستگی هواداران را نیز (۷ سوال) شامل می‌شد. برای سنجش گویه‌ها از مقیاس پنج ارزشی لیکرت (از خیلی مخالفم تا خیلی موافقم) استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها و ترسیم مدل به ترتیب با استفاده از نرم افزار آماری spss و Amos صورت گرفت.

یافته‌های پژوهش

سن (متغیر جمعیت شناختی) شرکت کنندگان در تحقیق در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱: فراوانی توصیفی متغیر سن

سن	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
کمتر از ۳۰ سال	۱۵۸	٪۴۱	٪۴۱
۳۱ تا ۴۰ سال	۱۲۰	٪۳۱	٪۷۲
۴۱ تا ۵۰ سال	۸۱	٪۲۰	٪۹۲
بیشتر از ۵۰ سال	۳۰	٪۸	٪۱۰۰
جمع کل	۳۸۹	٪۱۰۰	

یافته‌های جمعیت شناختی تحقیق نشان داد که بیشترین فراوانی نمونه آماری به حضور هواداران کمتر از ۳۰ سال در بازی شهرآورد است که در شبکه‌های اجتماعی همچون اینستاگرام و تلگرام، اخبار و حواشی تیم استقلال را دنبال می‌کنند. البته به جهت عدم حضور بانوان در استادیوم، دسترسی به هوادارانی که در شبکه‌های اجتماعی رسمی تیم استقلال عضو هستند، در این تحقیق به مردان محدود شد.

یکی از پیش فرض‌های استفاده از روش‌های آماری چندمتغیره، نرمال بودن چندمتغیره^۱ است. بنابراین در این تحقیق برای آزمون نرمال بودن داده‌ها، چولگی^۲ و کشیدگی بررسی شد (کمتر از قدر مطلق ۲/۵۸) (۳ و ۱۱) که فرض عدم طبیعی بودن توزیع چندمتغیره داده‌ها رد گردید.

1. Multivariate normality
2. Skewness

جدول ۲: نتایج آزمون تحلیل عاملی اکتشافی پرسش نامه

ردیف	متغیر	آزمون KMO	سطح معناداری آزمون بارتلت
۱	نیازهای شناختی	۰/۷	۰/۰۰۱
۲	نیازهای عاطفی	۰/۵	۰/۰۰۱
۳	نیازهای انسجام بخش شخصی	۰/۷۰۹	۰/۰۰۱
۴	نیازهای گریز از تنش	۰/۵	۰/۰۰۱
۵	دلبستگی هواداران	۰/۸۷۵	۰/۰۰۱

نتایج مربوط به تحلیل عاملی اکتشافی در جدول ۲ آورده شده است. جدول ۲، نشان داد حجم نمونه‌ها جهت تحلیل متناسب و آزمون کرویت بارتلت به لحاظ آماری معنی دار ($p \leq ۰/۰۵$) و نشان دهنده همبستگی میان متغیرها است. نتیجه آزمون آلفای کرونباخ برای پرسش‌نامه کارکردهای اجتماعی و روانشناختی ($\alpha = ۰/۸۶$) و برای دلبستگی هواداران ($\alpha = ۰/۸۸$) نشان از پایایی مطلوب ابزار تحقیق داشت.

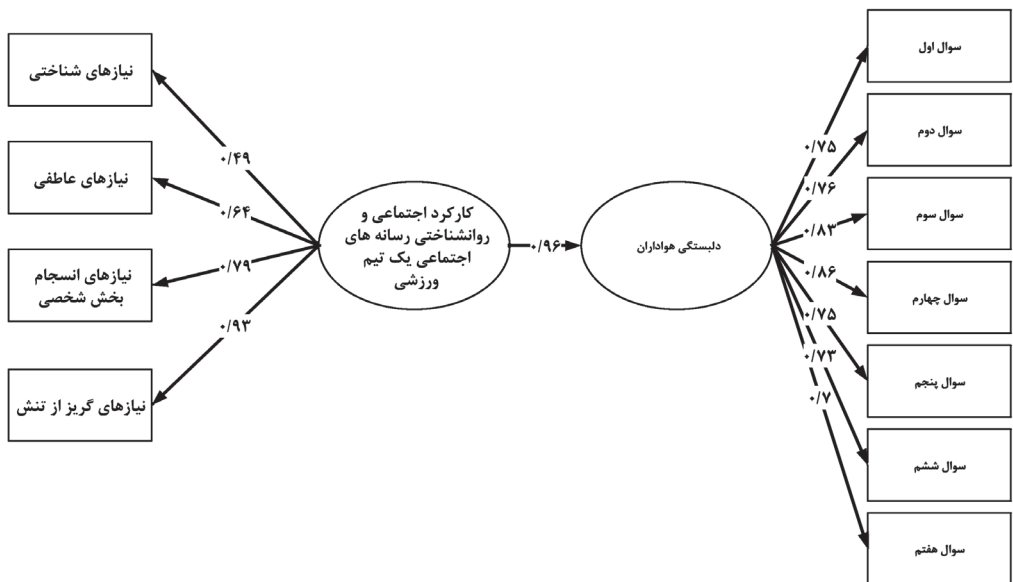
جدول ۳: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	M	SD	نیازهای شناختی	نیازهای عاطفی	نیازهای انسجام بخش شخصی	نیازهای گریز از تنش	دلبستگی هواداران
نیازهای شناختی	۲/۶۴	۰/۸۵	۱	۰/۶۲۷	۰/۳۹	۰/۴۶	۰/۴۶
نیازهای عاطفی	۳/۰۲	۰/۷۱	۰/۶۲۷	۱	۰/۶۳۴	۰/۶	۰/۵۹۱
نیازهای انسجام بخش شخصی	۳/۰۷	۱/۰۵	۰/۳۹	۰/۶۳۴	۱	۰/۷۲۶	۰/۸۵۵
نیازهای گریز از تنش	۳/۱۸	۱/۰۵	۰/۴۶	۰/۶	۰/۷۲۶	۱	۰/۸۵۵
دلبستگی هواداران	۳/۰۳	۱/۰۰	۰/۴۶	۰/۵۹	۰/۷۵	۰/۸۵	۱

* $p < 0/05$

از آنجا که زیربنای اصلی مدل‌های معادلات ساختاری ماتریس همبستگی است، در جدول ۳، میانگین، انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی بین متغیرهای تحقیق ارائه شده است. همان طور که مشاهده می‌شود نیازهای گریز از تنش ($3/1 \pm 18/05$) میانگین بالاتری نسبت به دیگر نیازهای هواداران دارد. پس از آن، نیازهای انسجام بخش شخصی و نیازهای عاطفی و نیازهای شناختی به ترتیب در اولویت قرار دارند.

در ادامه به منظور بررسی اثر مستقیم کارکردهای اجتماعی و روانشناختی رسانه‌های اجتماعی تیم ورزشی بر دلبستگی هواداران از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. در این مدل، کارکرد اجتماعی و روانشناختی رسانه‌های اجتماعی ورزشی چهار متغیر برونزا و دلبستگی هواداران متغیر درونزا می‌باشد.



$P < 0/001$

شکل ۱: مدل سازی معادلات ساختاری

همان طور که در شکل ۱ ملاحظه می‌شود، کارکردهای اجتماعی و روانشناختی رسانه‌های اجتماعی ورزشی تیم استقلال بر دلبستگی هواداران تیم تأثیر مستقیم و مثبتی داشته است؛ یعنی به ازای افزایش در کارکردهای مذکور، دلبستگی هواداران بیشتر می‌شود.

جدول ۴: ضرایب مسیر در مدل

متغیرها	تأثیر مستقیم	سطح معناداری
کارکردهای اجتماعی و روانشناختی رسانه‌های اجتماعی ورزشی	۰/۹۶	۰/۰۰۱
نیازهای شناختی	۰/۴۹	۰/۰۰۱
نیازهای عاطفی	۰/۶۴	۰/۰۰۱
نیازهای انسجام بخش شخصی	۰/۷۹	۰/۰۰۱
نیازهای گریز از تنش	۰/۹۳	۰/۰۰۱

۹۴

در جدول ۴، ضرایب مسیر مدل برازش یافته به همراه سطح معناداری آورده شده است. در بین خرده مقیاس‌های کارکردهای اجتماعی و روانشناختی رسانه‌های اجتماعی، نیازهای گریز از تنش، بیشترین میزان واریانس کارکردها را تبیین می‌نماید. پس از آن، نیازهای انسجام بخش شخصی و سپس نیازهای عاطفی و در آخر نیازهای شناختی واریانس کارکردهای اجتماعی و روانشناختی رسانه‌های اجتماعی تیم استقلال را تبیین می‌کند.

با توجه به عدم توافق عمومی و کلی در بین متخصصان مدل یابی معادلات ساختاری بر روی بهترین شاخص‌های برازندگی برآورد، شاخص‌های برازش χ^2 (که در نرم افزار آموس با پرچسب CMIN نمایش داده می‌شود)، NFI، CFI، RMSEA را برای گزارش پیشنهاد کرده‌اند. در نتیجه در تحقیق حاضر از بین شاخص‌های برازندگی مطلق، شاخص خی دو نسبی (DF/CMIN) و شاخص ریشه میانگین مجذور برآورد تقریب (RMSEA) و از بین شاخص‌های برازندگی تطبیقی، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) و شاخص برازش هنجار شده (NFI) مورد استفاده قرار گرفت.

جدول ۵: نتایج شاخص‌های برازش مدل

P value	RMSEA	DF/ CMIN	NFI	CFI
۰/۰۰۱	۰/۰۷۱	۲/۹۲	۰/۹۷	۰/۹۸

همان‌طور که در قسمت شاخص‌های آماری جدول ۵ مشاهده می‌شود، شاخص‌های CFI و NFI بزرگتر از ۰/۹۰، RMSEA کوچکتر از ۰/۱ و خی دو نسبی (DF/X^2) کوچکتر از ۳ بود. در نتیجه مدل دارای برازش و تناسب بالایی می‌باشد و نشان دهنده آن است که روابط تنظیم شده متغیرها براساس چارچوب نظری پژوهش منطقی بوده است.

بحث و نتیجه گیری

در عرصه ورزش، هواداران فوتبال از متعصب ترین مخاطبان شبکه های اجتماعی هستند و در این تحقیق نیز مشخص شد که درصد بالایی از هواداران باشگاه استقلال تهران، جوانان جامعه هستند. تیم های باشگاهی همواره جدیدترین اخبار و عکس ها از رویدادهای مختلف باشگاه را در صفحات اجتماعی با هواداران باشگاه به اشتراک می گذارند و هواداران نیز به جد، اخبار و حواشی باشگاه و تیم های مختلف را پیگیری می نمایند، اما پیگیری صفحات اجتماعی از سوی هواداران باید به نیازهای آنان پاسخ دهد. پاسخگویی به نیازهای هواداران در رسانه های اجتماعی که امروز بسیار هم فراگیر شده است، اثرات مثبت مهمی را برای باشگاه به ارمغان خواهد آورد. از این رو، پژوهش حاضر در پی ارائه مدلی از تأثیر کارکرد اجتماعی و روانشناختی رسانه های اجتماعی ورزشی بر دلبستگی هواداران تیم استقلال تهران بود.

از مجموعه نیازهایی که رسانه های اجتماعی ورزشی پاسخ می دهند می توان به نیازهای شناختی، عاطفی، انسجام بخش شخصی و گریز از تنش اشاره نمود. یافته های این تحقیق نشان داد که کارکردهای اجتماعی و روانشناختی رسانه های ورزشی بر دلبستگی هواداران باشگاه استقلال نقش مستقیم و مثبت دارد. به عبارت دیگر، هواداران باشگاه استقلال به هنگام استفاده از صفحات اجتماعی رسمی باشگاه از قبیل تلگرام و اینستاگرام، با تأمین نیازهای اختصاصی فضای مجازی، احساس دلبستگی بیشتری با تیم محبوب خود دارند. این یافته با نتایج پژوهش وید و کنت، اویزی^۱ (۲۰۱۲) و کشوری و عبدالحی (۱۳۹۲) همخوانی دارد. وید و کنت (۲۰۱۵) در تحقیق خود بدین نتیجه رسیدند که هواداران ورزشی به دلیل کارکردهای روانشناختی از ورزش در صفحات اجتماعی حمایت می کنند. محققان محتوایی، صفحات فیس بوک پنج باشگاه در سوپر لیگ ترکیه را در ابعاد کلی و فعالیت های بازاریابی آنالیز نمودند و دریافتند که اطلاعات پروفایل فیسبوک، برنامه های کاربردی تبلیغاتی، برنامه های فروش محصولات دارای مجوز و اخبار (در مورد بلیط بازی ها، حوادث و حواشی و باشگاه های ورزشی) است. همچنین برخی از باشگاه های مطرح دنیا، برنامه های ترویجی خود شامل کمپین ها، جوایز و تخفیف های خود را قرار می دادند. در قسمت فروش، محصولات با نشان انحصاری و اطلاعات مرتبط همچون فروشگاه ها، قیمت محصولات و فروشگاه های آنلاین و محصولات دارای تخفیف ارائه می شود. در قسمت اخبار صفحات اجتماعی نیز باشگاه ها اخبار مربوط به رویدادهای بازی و باشگاه های ورزشی را به سرعت و آسانی می توانند اعلام نمایند. از طریق صفحات اجتماعی می توانند اخبار قبل بازی، حین بازی و بعد از بازی را در زمان واقعی ارائه دهند. کاربران صفحات اجتماعی می توانند اخبار و کامنت هایشان را در همان زمان دنبال کنند. این صفحات به طور موثر مورد استفاده قرار می گیرند و به طور مرتب به روز می شوند. اطلاعات راجع به انتقال بازیکن ها، مصاحبه با مدیران، مربیان یا بازیکنان نیز در صفحات اجتماعی گنجانده می شوند.

به طور کلی، با استفاده از صفحات اجتماعی در استراتژی های بازاریابی، باشگاه های ورزشی توانایی ترویج رویدادها و محصولات با آرم انحصاری را به صورت مستقیم به هوادارانشان دارند. همچنین صفحات اجتماعی این امکان را برای هر کدام از هواداران ایجاد می نماید تا با هزاران هوادار دیگر در مورد تیم مورد علاقه شان صحبت نمایند. بنابراین مدیران بازاریابی باشگاه های مجبور هستند فرایند چگونه ارتباط با

هواداران خود را در قالب اهداف و مأموریت خود جای دهند. این امکان به طور موثر با استفاده از شبکه‌های اجتماعی میسر است. تحقیقی با این عنوان به طور مشخص در سطح تحقیقات داخلی و بین‌المللی ورزشی یافت نشد، اما تحقیقاتی با موضوعاتی مشابه مورد بررسی و مقایسه قرار گرفت.

همچنین یافته‌های حاصل از این تحقیق نشان داد که تأمین نیازهای اجتماعی و روانشناختی هواداران از طریق رسانه‌های اجتماعی وابسته به تیم استقلال توانسته است نقش مهم و مثبتی بر دلبستگی هواداران به باشگاه استقلال داشته باشد. آنان نیز به صورت مستقیم و غیر مستقیم، افزایش وفاداری هواداران را از طریق تأمین نیازهای روانشناختی و اجتماعی تأیید نمودند. حسینی و کلاته سیفری (۱۳۹۵) و خیری و پویان (۱۳۹۵) و قهرمان، کیماسی و حیدری (۱۳۹۶) نیز به نقش شبکه‌های اجتماعی در تشکیل و تقویت جوامع برندی و افزایش دلبستگی و وفاداری هواداران برند پرداختند. در ادامه، ارائه این توضیح لازم است که رسانه‌های اجتماعی پوشش دهنده اطلاعات مورد نیاز هواداران تیم استقلال بوده اند و آنان را از وضعیت جدول مسابقات تیم، کیفیت برگزاری مسابقات، شهر و مکان و زمان برگزاری مسابقات، اردوها و اعزام‌ها، وضعیت آمادگی بازیکنان و آخرین تصمیمات سرمربی، هیئت رئیسه، جزئیات مربوط به قراردادهای نقل و انتقالات آگاه می‌سازد. از این رو، رسانه‌های اجتماعی با به روز بودن و ارائه اطلاعات ارزشمند مورد نیاز هواداران، کشش روانی، وابستگی و دلبستگی هواداران به تیم را افزایش می‌دهند.

از سویی دیگر، یافته‌های تحقیق نشان داد که کارکردهای عاطفی شبکه‌های اجتماعی وابسته به تیم استقلال و پاسخگویی به نیاز هواداران باشگاه استقلال، هواداران را به تعقیب تیم استقلال در فضای مجازی و اعلام وفاداری به تیم خود ترغیب می‌نماید. از این رو، استفاده از کانال‌های مجازی، تجربه لذت بخشی برای هواداران تیم خواهد بود. همچنین این یافته با یافته دیور و همکاران (۲۰۱۶)، وید و کنت (۲۰۱۵) و ساتو و همکاران (۲۰۱۶) همخوانی دارد. آنان نیز در تحقیق خود به کارکردهای مثبت تبادلات هیجانی و عاطفی رسانه‌های اجتماعی اشاره و ادعان نمودند که تبادلات عاطفی میان هوادار و باشگاه و میان هواداران یک باشگاه با یکدیگر، میزان کشش روانی و علاقه‌مندی هواداران به نام و برند یک باشگاه را افزایش می‌دهد. از این رو می‌توان گفت هواداران با ارضای نیازهای عاطفی خود در شبکه‌های اجتماعی باشگاه، دلبستگی و تعلق خاطر بیشتری به باشگاه خواهند داشت و بر میزان حمایت خود از آینده باشگاه خواهند افزود.

یکی دیگر از یافته‌های تحقیق، نقش مثبت و موثر تأمین نیازهای انسجام بخش شخصی هواداران تیم استقلال بر میزان دلبستگی هواداران است. هواداران تیم استقلال با حضور در شبکه‌های اجتماعی وابسته به تیم و اظهار نظر پیرامون مسائل تیم، اعتبار خود را نزد هواداران تقویت می‌نمایند، در جمع هواداران قرار می‌گیرند و با جلب اعتماد دیگر هواداران، محبوبیت خود را در فضای مجازی باشگاه افزایش می‌دهند و از این رو دلبستگی آنان به تیم محبوب‌شان افزایش خواهد یافت. این یافته نیز با یافته وید و کنت (۲۰۱۵)، حسینی و کلاته سیفری (۱۳۹۵)، خیری و پویان (۱۳۹۵) و قهرمان، کیماسی و حیدری (۱۳۹۶) همخوانی دارد. آنان نیز در تحقیقی دریافتند که با هواداری فوتبال جذب گروه‌های دوستان می‌شوند و در خانواده جایگاه مناسبی به دست می‌آورند و در واقع به تکامل هویت افراد نزد دیگران کمک می‌کند.

آخرین یافته این تحقیق نشان داد که حضور در جمع هواداران در فضای مجازی، فراغت هواداران را پر می‌کند و از این رو آرامش خوبی را تجربه می‌کند و در سایه فضای مجازی می‌تواند به راحتی از تنش‌ها

فرار کنند و با سایر هواداران بر سر علائق مشترک باشگاه ورزشی بحث و تبادل نظر نمایند و به دور از تنش و مسائل حاشیه‌ای نیازهای اجتماعی و تعلق خاطر خود را تأمین کنند. از این رو به تیم خود دل بسته می‌شوند و به پیگیری اخبار تیم در صفحات اجتماعی علاقه‌مندان می‌دهند. افزایش میزان دل بستگی هواداران تیم استقلال، هواداران این تیم را تشویق می‌نماید تا علائق شخصی را کنار بگذارند تا هر چه بیشتر با تیم ورزشی خود در ارتباط باشند، اخبار تیم استقلال آنان را به وجد می‌آورد و هیجان جالب توجهی را به آنان می‌دهد. اخبار و حواشی بازیکنان و سرمربی را به جد و مشتاقانه پیگیری می‌کنند و نتایج تیم برایشان بسیار مهم است. این یافته با یافته‌های وید (۲۰۱۵)، دیور و همکاران (۲۰۱۶)، ابراهیمی و همکاران (۲۰۱۵)، سی‌هی (۲۰۱۷) و ساتو (۲۰۱۶) همخوانی دارد. رسانه‌های اجتماعی، فراغت هواداران را به خوبی پر می‌کنند و هواداران را به پیگیری اخبار و حواشی ترغیب و دل بسته می‌نمایند. احترام به هواداران، تأمین نیازهای هواداران و ترغیب آنان به حضور در تمام میادین و جشن‌های تیم، جدای از منافع مالی و مالی، منافع معنوی خاصی همچون حمایت را برای تیم به ارمغان می‌آورد.

با توجه به یافته‌های این تحقیق، مدیران می‌توانند با مهیا کردن شرایطی مهیج در فضای مجازی از قبیل آلبوم‌های عکس با بازیکنان، اتاق عکس با جام‌ها و افتخارات تیمی، پرسش و پاسخ‌های آنلاین سرمربی با هواداران، فستیوال‌های مجازی به مناسبت‌های مختلف و تورهای مجازی در باشگاه، برای ارتقای هواداران به سطح وفاداری و حفظ آن‌ها در این سطح اقدام کنند. از سوی دیگر، یافته‌های سایر محققان نشان می‌دهد که نیازها و رفتار مخاطبان شبکه‌های اجتماعی پیوسته در حال تغییر است. از این رو، کارکردهای اجتماعی و روانشناختی مثبت شبکه‌های اجتماعی باشگاه‌ها، زمانی مثمرتر خواهند بود که با توجه به این تغییرات، رویکرد جدید و مقتضی را به کار گیرند (منگولد و فولد، ۲۰۰۹ و سی‌هی، ۲۰۱۷).

مدیران می‌توانند با تشویق هواداران در فضای مجازی، شاهد حضور پر شور آنان در استادیوم‌های ورزشی و مسابقات ملی و بین‌المللی باشند. حضور و استقبال گرم هواداران، همواره تأثیر مثبت و شگرفی بر روحیه تیم خودی می‌گذارد و موجب تنش و ناآرامی در تیم‌های حریف می‌شود. جدای از بحث حمایت‌های معنوی، از لحاظ مادی نیز حضور هواداران موجب تقویت بنیه مالی تیم‌های ورزشی خواهد شد. پشتوانه مالی می‌تواند زمینه ساز اتفاق‌های مثبت در نقل و انتقالات و تقویت تجهیزات و امکانات باشد. مدیران بازاریابی تیم‌ها باید همواره درصدد بهبود ارتباط هواداران با تیم باشند. از این رو بهتر است که رویدادهای سالیانه‌ای را برای ارتباطات حضوری و مستقیم مسئولان تیم با هواداران برگزار نمایند تا هم برای هواداران احترام و منزلت قائل شوند و هم هواداران را به حمایت‌های همه جانبه از تیم ترغیب نمایند.

منابع

- اکبری تبار، علی اکبر و اسکندری پور، ابراهیم. (۱۳۹۲). «رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی مجازی». مرکز مطالعات و برنامه ریزی، گروه مطالعات راهبردی.
- بهنام، محسن؛ خبیری، محمد؛ حلبیان، سیمین؛ احمدی، حمیدرضا و بخشنده، حسین. (۱۳۹۳). «بررسی سطوح مشارکت هواداران در تیم‌های منتخب لیگ برتر فوتبال ایران بر اساس مدل پیوستار روانشناختی». مدیریت ورزشی. دوره ۶، شماره ۱، صص ۱۳۵-۱۵۵.
- حسینی، الهه و کلاته سیف‌ری، معصومه. (۱۳۹۵). «طراحی مدل تأثیر جوامع برندی مبتنی بر رسانه‌های اجتماعی بر شیوه‌های ارزش آفرینی، اعتماد و وفاداری به برند». مدیریت ورزشی. شماره ۶، صص ۹۰۷-۹۲۱.
- خیری، بهرام و پویان، محمد مهدی. (۱۳۹۵). «بررسی تأثیر قبیله‌های مجازی بر پیامدهای پست مدرن رفتار مصرف کننده در رسانه‌های اجتماعی». شماره ۳۲ و ۳۳، صص ۷۱ تا ۸۵.
- رسول زاده اقدم، صمد؛ عدلی پور، صمد؛ میر محمد تبار، سید احمد و افشار، سیمین. (۱۳۹۴). «تحلیل نقش رسانه‌های اجتماعی در گرایش به سبک زندگی نوین».
- کشوری، مریم و عبدالحی، محمد صادق. (۱۳۹۲). «تقویت وفاداری مشتریان کتابخانه‌ها با استفاده از رسانه‌های اجتماعی». فصلنامه مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات. ۹۳ (۲۴). صص: ۷۷-۹۳.
- گنجی، احمد. (۱۳۸۵). «بررسی الگوی کاربران اینترنت و عوامل اجتماعی موثر بر آن: نوجوانان و جوانان شهر تهران». پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته پژوهش علوم اجتماعی.
- قهرمان، راشین؛ کیماسی، مسعود و حیدری، علی. (۱۳۹۶). «بخش‌بندی مشتریان بر اساس واکنش آن‌ها به بازاریابی شبکه‌های اجتماعی (مطالعه موردی: اینستاگرام)». مدیریت فناوری اطلاعات. دوره ۹، شماره ۳، صص ۵۷۱-۵۸۶.
- محکم کار، ایمان و حلاج، محمد مهدی. (۱۳۹۳). «شبکه‌های اجتماعی به دنبال چه هستند؟». فصلنامه دانش انتظامی خراسان شمالی. سال اول، شماره دوم. صص: ۸۷-۱۰۸.
- مهدیزاده، سیدمهدی. (۱۳۹۳). نظری‌های رسانه: اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی. تهران: همشهری.
- مینایی، اصغر. (۱۳۸۵). «مطالعه ساختار عاملی فرم گزارش معلم آخنباخ با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی». پژوهش در حیطه کودکان استثنائی. سال ششم، تهران، ش ۳، صص ۷۸۶-۷۶۹.
- هاشمی، شهناز؛ دیندار فرکوش، فیروز و احمدی، مرویلی. (۱۳۹۰). «مدل مفهومی استفاده از فضای اینترنت توسط مخاطبان». سال ششم، شماره سیزدهم، صص: ۱۹۳-۲۲۶.
- Ardèvol-Abreu, A., Hooker, C. M., Gil de Zúñiga. H. (2017). **Online news creation, trust in the media, and political participation: Direct and moderating effects over time**. First published date: March-24-2017.
- Dwyer1, B. LeCrom1, C. Greenhalgh, G. P. (2016). "Exploring and Measuring Spectator Sport Fanaticism". Communication & Sport. 1-28.
- Ebrahimi, P. Karimbakhsh, S. Ebrahimi, K. (2015). "Investigation of the impact of team

trust and team attachment on team loyalty of football teams in Iran azadegan league”.

Indian Journal of Fundamental and Applied Life Sciences, ISSN: 2231– 6345 (Online).

- Funk, D. C. (2008). **Consumer behavior in sport and Events: Marketing action.** (1 ed.): Elsevier (oxford).
- Funk, D. C. James, J. D. (2006). **“Consumers’ loyalty: the meaning of attachment in the development of sport team allegiance”.** Journal of sport management, 20(2). 189-217.
- Mangold, W.G. Faulds, D. (2009). **“Social media: The new hybrid element of the promotion mix”.** Business Horizons, 52(4), 357-365.
- Ozsoy, s. (2011). **“Use of new media by Turkish fans π sport communication: Facebook and twitter”.** Ovidius University Annals, Series Physical Education and Sport / science, movement and health. Vol. xi, issue 2 Supplement, 2011, Romania.
- Parganas, P. Anagnostopoulos, C. (2015). **“Social media strategy in professional football: the Case of Liverpool Fc”.** Sport management international journal. 11(2).501-514.
- Popp, B. Germelmann, C. Jung, B. (2016). **“We love to hate them! Social media based anti-brand communities in professional football”.** International Journal of Sports Marketing and Sponsorship, 17(4).349-367.
- Sato, M. A, Jeremy S.J., Funk, D. C. (2016). **“A distance-running event and life satisfaction: The mediating roles of involvement”.** Sport Management Review. 19(5).536-549.
- Sihi, D. (2017). **“The Influence of Leadership and Strategic Emphasis on Social Media Use of Regional Nonprofit Organizations”.** International Journal of Public Administration in the Digital Age. 4(1). 1-18.
- Wiid, J. A. & Cant, M, C. (2015). **“Sport Fan Motivation: Are You Going To The Game?”.** International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences. 5(1).



ارزیابی موفقیت سامانه اطلاعات مدیریت وزارت ورزش و جوانان بر اساس مدل دلون و مک‌لین

مازیار حاتمی^۱
سید مصطفی طیبی ثانی^۲
علی فهیمی نژاد^۳
باقر مرسل^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۷/۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۰/۲۲

هدف پژوهش حاضر، ارزیابی میزان موفقیت سامانه وزارت ورزش و جوانان بر اساس مدل دلون و مک‌لین بود. این تحقیق از نوع توصیفی - پیمایشی و از نظر هدف، کاربردی بوده و به صورت میدانی و پرسشنامه‌ای انجام گرفته است. با استفاده از قانون سرانگشتی جهت تحلیل معادلات ساختاری حداقل حجم نمونه ۳۲۰ نفر بود. لذا ۳۵۰ پرسشنامه در میان کارمندان و مدیران توزیع و در نهایت ۳۲۹ پرسشنامه عودت داده شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه دلون و مک‌لین (۲۰۰۳) استفاده شد. برای سنجش پایایی از ضریب همبستگی آزمون- پس آزمون و ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که به ترتیب ۰/۸۲ و ۰/۹۰ به دست آمد. برای سنجش روایی پرسشنامه نیز از روش صوری و محتوای استفاده گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل عاملی تأییدی جهت ارائه و تأیید مدل در محیط نرم‌افزار SPSS و Amos 20 استفاده شد. نتایج همبستگی نشان داد که در سطح معناداری ۰/۹۹ درصد، میان متغیرهای اصلی همبستگی

۱. دانشجوی دکترای مدیریت ورزشی، دانشکده علوم انسانی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران

۲. استادیار، دانشکده علوم انسانی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران (نویسنده مسئول)

Email: Tayebi.sani@gmail.com

۳. استادیار، دانشکده علوم انسانی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران

۴. استادیار، دانشکده علوم انسانی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شاهرود، شاهرود، ایران

وجود دارد که این امر امکان تحلیل‌های بیشتر را فراهم می‌کند. نتایج نشان داد که کیفیت سامانه اطلاعات، کیفیت اطلاعات و کیفیت خدمات وزارت ورزش با استفاده کاربر از سیستم و رضایت کاربر مرتبط است. همچنین کیفیت سامانه با مزایای خالص ارتباط دارد و کیفیت اطلاعات و کیفیت خدمات بر مزایای خالص از طریق استفاده کاربر و رضایت کاربر از سامانه تأثیر گذارند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که موفقیت سامانه اطلاعات مدیریت بر اساس مدل دلون و مک‌لین می‌تواند بر تسریع در امور و بالا بردن راندمان مؤثر باشد.

واژگان کلیدی: سامانه اطلاعات مدیریت، وزارت ورزش و جوانان و مدل دلون و مک‌لین

مقدمه

جهان معاصر با سرعتی شگفت‌انگیز در حال تحول است. اگر چه این تحول در تمام دوران وجود داشته است، ولی امروزه این تحول چه به لحاظ محتوا و چه به لحاظ سرعت بی سابقه است. سازمان‌ها به عنوان یکی از بارزترین مشخصه‌های جوامع امروزی نیز به سرعت در حال تغییر و تحول هستند و نقش سیستم‌های اطلاعات مدیریت در این تحولات غیر قابل انکار است. نقش سیستم‌های اطلاعات مدیریت فراتر از نقش سایر اجزای متشکله سازمان است، چرا که بدون سیستم‌های اطلاعات، مدیریت سازمان در انجام وظیفه خود دچار سختی و فشار می‌شود؛ به طوری که در محیط متحول، پویا و رقابتی کسب و کار کنونی سازمان‌ها، توسعه و استقرار سامانه‌های اطلاعاتی مدرن و پیشرفته به صورت بسیار گسترده مورد توجه مدیران قرار گرفته و کاربرد این سامانه‌ها تأثیرات شگرفی را در تسهیل فرآیند مدیریت بر جای گذاشته است. به بیان دیگر، ارائه ابزارهای تولید، پردازش و توزیع اطلاعات به مدیران سطوح مختلف، این امکان را برای آنها فراهم نموده است که با اتکا به دانش بیشتری بتوانند بر جریان حرکت اطلاعات در سازمان خود، نظارت و کنترل بیشتر داشته باشند، مدیریت سنجیده و فنی‌تری بر آن اعمال نمایند و تصمیمات درستی اتخاذ کنند (رئوف و همکاران، ۱۳۹۱). سامانه‌های اطلاعات نیاز همیشه سازمان‌های در حال رشد و پویا می‌باشد. بیش از هشتاد درصد کار روزانه مدیران صرف دریافت اطلاعات، برقراری ارتباط و استفاده از اطلاعات در طیف وسیعی از امور مختلف می‌شود. از آنجا که اطلاعات مبنای تمام فعالیت‌های سازمان است، سامانه‌هایی باید وجود داشته باشند که اطلاعات را تولید و مدیریت کنند. هدف چنین سامانه‌هایی، ایجاد تضمین در ارائه اطلاعات صحیح و قابل اطمینان در مواقع مورد نیاز و در شکل قابل استفاده است. چنین سامانه‌هایی، سامانه‌های اطلاعات نامگذاری شده‌اند (ریاحی و همکاران، ۱۳۸۵). یکی از عمومی‌ترین سامانه‌های اطلاعاتی که در سازمان‌ها مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند، سامانه اطلاعات مدیریت است. سامانه اطلاعات مدیریت مفهومی است که تنها یک یا دو دهه از عمر آن می‌گذرد و به روش‌های گوناگون آن را توصیف کرده‌اند. عموماً آن را به نام «سامانه‌های اطلاعاتی»، «سامانه‌های اطلاعات و تصمیم‌گیری» و «سامانه اطلاعات کامپیوتری» می‌شناسند (ثاقب تهرانی، ۱۳۸۰). با توجه به ویژگی خطیر سامانه‌های اطلاعات مدیریت، مدیران این سامانه‌ها از ارزش بسیار زیادی برخوردارند. دامنه حقوق پرداختی به این افراد در آمریکا سالیانه ۱۰۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰۰ دلار است (مومنی، ۲۰۱۵). النکیت و همکاران^۱ (۲۰۱۵) مقاله‌ای با عنوان «استفاده از سامانه‌های اطلاعاتی برای بالا بردن بهره‌وری شرکت‌ها» را ارائه دادند که در این پژوهش بر اهمیت سامانه‌های اطلاعاتی که موجب بهره‌وری در شرکت‌هاست، تأکید شده است. مطالعات گذشته فقط تئوری‌هایی را در این زمینه (بهره‌وری) مطرح کرده بودند. سامانه‌های اطلاعات مدیریت، رویدادهای احتمالی آینده، اثربخشی و نرخ خروجی را ثابت می‌کند. علاوه بر این، قابلیت‌های سامانه‌های اطلاعات مدیریتی بزرگ‌تر ما را به درجه‌ای بالاتر از استراتژی‌های بهره‌وری هدایت می‌نمایند. این ظرفیت‌ها و بسیاری از عوامل پیشنهاد شده، از اجزای حیاتی مدیریت سیستم‌های اطلاعاتی است که تأثیر مستقیم بر موارد مالی و استراتژی‌های بهره‌وری شرکت‌ها دارند. ویبون و همکاران^۲ (۲۰۱۵)، پژوهشی را با عنوان «توسعه مدل سیستم‌های اطلاعاتی برای توسعه

1. Al-Nakib Noofal Ahmed Mohsen Mohammed

2. Sounthorn wiboon

ورزش‌نخبگان در بین مقامات تایلند» انجام دادند. این مقاله به توسعه تحلیلی مدل در سیستم‌های مدیریت اطلاعاتی در ورزش سازمان‌ها کمک کرد. نتایج نشان داد که توسعه سیستم‌های اطلاعات مدیریتی با استفاده از نرم‌افزارها، از تصمیم‌گیری در تمام سطوح مدیریتی پشتیبانی می‌کند. موفقیت نهایی و حتی بقای سازمان‌ها به توانایی سازمان در جذب و بکارگیری اطلاعات و دانش و فناوری‌های جدید بستگی دارد تا بتواند نوعی مزیت در سازمان ایجاد کند. لذا سازمان‌ها به دنبال ایجاد مدیریت مناسب با سامانه‌های اطلاعات مدیریتی هستند (رمضانیان و همکاران، ۱۳۹۰).

بنابراین، ارزیابی موفقیت سامانه‌های اطلاعاتی مدیریتی، یکی از مهم‌ترین و ارزشمندترین موضوع‌ها در سامانه اطلاعات مدیریتی است که باید در کلیه سازمان‌ها اعم از بخش عمومی و خصوصی مد نظر قرار گیرد. در این میان، برخی پروژها با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر موفقیت سامانه‌های اطلاعاتی انجام شده است و برخی نیز به ارزیابی میزان موفقیت سامانه‌های اطلاعاتی پرداخته‌اند. به طور کلی، مطالعات انجام شده به ابعاد گوناگونی از موفقیت سامانه‌های اطلاعاتی اشاره دارند (انکس و همکاران^۱، ۲۰۰۱). از جمله مهم‌ترین مدل‌های مفهومی که در زمینه ارزیابی موفقیت سیستم‌های اطلاعات مدیریتی توسط محققان مختلف ارائه گردیده، می‌توان به مدل موفقیت زمود^۲ (۱۹۷۹)، مدل موفقیت ایو و السون^۳ (۱۹۸۴)، مدل موفقیت اولیه دلون و مک‌لین^۴ (۱۹۹۲)، مدل موفق سدرن (۱۹۹۷) و مدل موفقیت بروز شده دلون و مک‌لین (۲۰۰۳) اشاره کرد. در بین مدل‌های مطرح شده، مدل بروز شده دلون و مک‌لین از پایایی و اعتباری بیشتری برخوردار است. در این مدل متغیرهای کیفیت اطلاعات، کیفیت سامانه، کیفیت خدمات، استفاده کاربر از سامانه، رضایت کاربر از سامانه و مزایای خالص از جمله متغیرهای مهم و تأثیر گذار در ارزیابی سامانه‌های اطلاعات مدیریتی هستند. دلون و مک‌لین با استفاده از پژوهش‌های قبلی و تمایل به ارائه بینش عمیق‌تر در هر یک از ابعاد مدل خود توصیف مفصل‌تری از هر یک از ابعاد و زیر و بم‌های موفقیت سیستم‌های اطلاعات موجود در مدل ارائه کردند. به عقیده مؤلفان، کیفیت سیستم به ویژگی‌های مورد نیاز یک سیستم اطلاعاتی اشاره می‌کند. برخی از نمونه‌های اندازه‌گیری که مؤلفان ارائه کردند عبارت‌اند از: سهولت استفاده، انعطاف‌پذیری سیستم، قابلیت اعتماد سیستم و سهولت یادگیری. بعد بعدی، کیفیت اطلاعات است. کیفیت اطلاعات نشان دهنده خروجی سیستم بر حسب چگونگی ارتباط، قابلیت فهم، صحت، کامل بودن، به موقع بودن و قابل استفاده بودن خروجی تولید شده است. استفاده کاربر، استفاده دریافت‌کننده اطلاعات در خروجی سیستم اطلاعاتی می‌باشد و رضایت کاربر، پاسخ دریافت‌کننده به استفاده از خروجی یک سیستم اطلاعاتی معرفی شده است (لی و یو^۵، ۲۰۱۲). بعد جدید اضافه شده به سیستم، کیفیت خدمات است که در چهارچوب کلی سیستم‌های اطلاعات، به پشتیبانی کاربران سیستم از پرسنل حوزه فناوری اطلاعات خود اشاره دارد. همچنین وضوح بیشتر بعد «استفاده» است؛ به طوری که نویسندگان این بعد را به صورت زیر شرح می‌دهند. استفاده در معنای فرایندی باید مقدم بر «رضایت استفاده‌کننده» باشد. ولی تجربه مثبت از استفاده، منجر به رضایت بیشتر استفاده‌کننده خواهد شد. از این رو، آن‌ها بیان می‌کنند که رضایت بیشتر استفاده‌کننده، قصد و نیت به استفاده

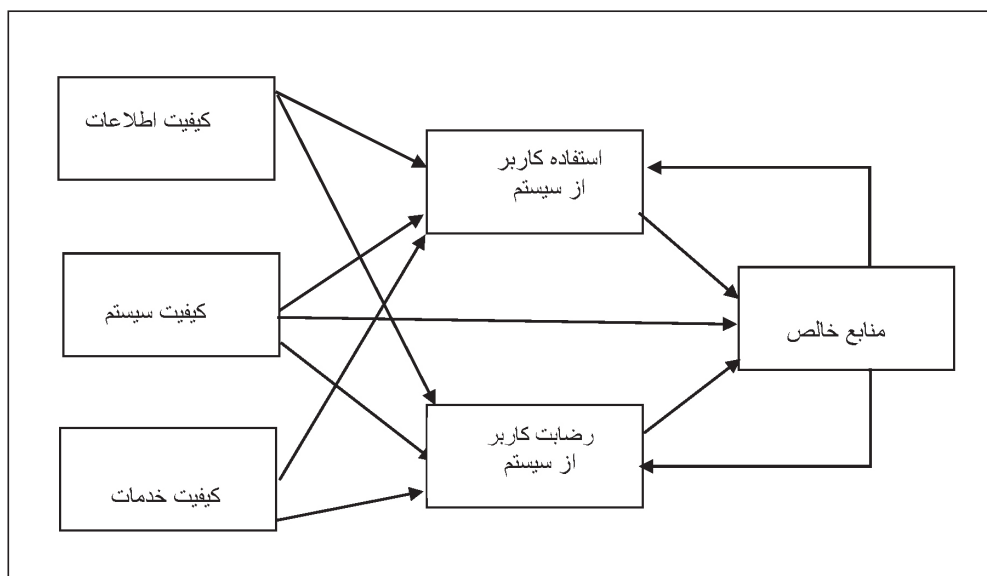
1. Anx & et al
2. zemud
3. Ayo & allsun
4. Delone & Mclean
5. Seul K.L Le and lung-Ho Yu

را افزایش می‌دهد و این امر به نوبه خود منجر به استفاده بیشتر خواهد شد (گورلا و همکاران^۱، ۲۰۱۰). در نهایت بعد مزایای خالص که توسط سدون (۱۹۹۷) مطرح شد، دو مقیاس تاثیر (تاثیر فردی و تاثیر سازمانی) را برای توسعه اثر سیستم‌های اطلاعاتی بر اساس موقعیت در گروه‌ها، صنایع و جوامع به یک مقیاس واحد به نام مزایای خالص نامگذاری کردند. از پژوهش‌هایی که از مدل دلون و مک‌لین استفاده کرده‌اند می‌توانیم به پژوهش‌های زاید (۲۰۱۲) که در تحقیقات خود ابعاد سیستم اطلاعاتی را با مدل قابل قبول سیستم و مدل دلون و مک‌لین همراه با دو بعد اضافی دیگر شامل پشتیبانی مدیریتی و آموزش مورد بررسی قرار و نشان می‌دهد که کیفیت اطلاعات تاثیر معنادار بالایی بر موفقیت سیستم‌های اطلاعاتی دارد و توسط مفاهیم رفتاری و مشاهده دنبال می‌شود. همچنین نتایج کلی نشان داد که مدل پیشنهادی جهت تصمیم‌گیری در سازمان همراه با ارزیابی پیاده سازی سیستم اطلاعات نیز مفید است. فلوروپلوس و همکارانش^۲ (۲۰۱۰) در پژوهشی جهت اندازه‌گیری پروژه دولت الکترونیکی مربوط به سیستم‌های اطلاعاتی مالی و خدمات امور مالی، مالیات یونان از منظر کارکنان متخصص که در سازمان مالیات‌های عمومی کار می‌کردند، نشان دادند که کیفیت خدمات، کیفیت اطلاعات و کیفیت سیستم به طور قابل توجهی از سودمندی درک شده مشتق شده‌اند. زمانی که سیستم اطلاعات مالیاتی استفاده می‌شد، کیفیت خدمات تاثیر قوی‌تری از دو عامل دیگر کیفیت ارائه می‌دهد تا آنجا که به طور کلی به رضایت کاربر مربوط می‌شود. کیفیت خدمات و کیفیت اطلاعات از عوامل قابل توجه رضایت کاربر در زمان استفاده از سیستم اطلاعات مالیاتی می‌باشند. سودمندی درک شده شاخصی قویتر از رضایت کاربر است. تاثیر کیفیت سیستم روی سودمندی درک شده بسیار پایین بود، ولی در رضایت کاربر تاثیر نداشت و کیفیت سیستم فاکتوری بسیار مهم در تعیین احساس سودمندی و رضایت می‌باشد.

با توجه به مطالب ذکر شده و پیشینه موضوع و تحقیق‌های انجام گرفته آنچه بر می‌آید این است که در زمینه سازمان‌های ورزشی پژوهش‌های اندکی به بررسی متغیرهای فوق پرداخته‌اند. همچنین در مورد ارزیابی سامانه‌های اطلاعات مدیریت در وزارتخانه ورزش و جوانان تا به امروز تحقیقی جامع یافت نشده است. بر همین اساس هدف اصلی در این پژوهش، ارزیابی میزان موفقیت سامانه‌های اطلاعات مدیریت وزارت ورزش و جوانان است که بر اساس مدل تعدیل شده دلون و مک‌لین ارائه شده است. لذا محقق درصدد ارزیابی میزان موفقیت سامانه‌های اطلاعات مدیریت وزارت ورزش و جوانان براساس مدل دلون مک‌لین است که مدل پژوهش و روابط بین متغیرهای آن در شکل ۱ آورده شده است. پس این مقاله می‌تواند گام‌های مؤثری در جهت بهبود سامانه‌های اطلاعات مدیریت در وزارتخانه ورزش و جوانان بردارد، و به تبع آن کارایی و راندمان سازمان را بالا ببرد و سرعت انجام کارها را تسریع بخشد.

1. Gorla & et al

2. Jordan Floropoulos et al.



شکل ۱: چارچوب نظری پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از نوع توصیفی-پیمایشی و از نظر هدف، کاربردی است و به صورت میدانی و پرسشنامه‌ای با استفاده از نظرات مدیران و کامندان وزارت ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته است. محقق در این پژوهش سعی نموده است وضعیت موجود را بدون هیچ گونه دخالت یا استنتاج ذهنی خود، به طور دقیق و کامل توصیف نماید. جامعه آماری این پژوهش را کلیه مدیران و کامندان وزارت ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌دادند. برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شد. از آنجا که ما در تحلیل‌های خود مجبور به استفاده از تحلیل معادلات ساختاری بودیم، با استفاده از قانون سرانگشتی جهت تحلیل معادلات ساختاری حجم نمونه بین ۵ تا ۲۰ برابر تعداد متغیرهای مشاهده‌پذیر (که شامل سوالات پرسشنامه می‌شود) انتخاب گردید (پهلوان شریف و همکاران، ۱۳۹۴). لذا ما عدد حجم را ۱۰ در نظر گرفتیم که با توجه به تعداد متغیرهای مشاهده‌پذیر که عدد ۳۲ می‌باشد، حداقل حجم نمونه ۳۲۰ تعیین گردید. لذا ۳۵۰ عدد پرسشنامه در میان کارمندان و مدیران توزیع و تعداد ۳۲۹ پرسشنامه برگشت گردید. با توجه به این اینکه پژوهش حاضر، یک پژوهش میدانی و کاربردی است، برای جمع‌آوری اطلاعات از دو روش بررسی اسناد و مدارک و روش میدانی استفاده شد. در روش میدانی برای جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه‌ها، ابتدا با مدیریت وزارت ورزش و جوانان هماهنگی‌های لازم برای دریافت مجوز جهت حضور در وزارتخانه انجام شد. بعد از دریافت مجوز، پرسشنامه‌ها در بین مدیران و کامندان وزارت ورزش و جوانان پخش گردید. بعد از پخش پرسشنامه‌ها در بین آن‌ها، توضیحات لازم در مورد نحوه پر کردن پرسشنامه‌ها به آن‌ها داده و سپس پرسشنامه‌های پر شده جمع‌آوری شد. پرسشنامه مورد استفاده، «پرسشنامه بومی سازی شده استاندارد دلون و مک‌لین» (۲۰۰۳) از نوع مقیاس پنج رتبه‌ای طیف لیکرت بود که پایایی آن در پژوهش رئوف و همکاران

(۱۳۹۱) برابر ۰/۸۹ گزارش شده است. همچنین کل سوالات پرسشنامه ۳۲ عدد بود که سوالات ۹-۱ متغیر کیفیت اطلاعات، سوالات ۱۰-۱۶ متغیر کیفیت سیستم، سوالات ۱۷-۲۱ کیفیت خدمات، سوالات ۲۲-۲۷ متغیر منافع خالص، سوالات ۲۸-۳۰ متغیر استفاده و سوالات ۳۱-۳۲ متغیر رضایت کاربر را می‌سنجیدند. برای ارزیابی روایی پرسشنامه نیز از روایی صوری و محتوای استفاده شد؛ بدین صورت که پرسشنامه همراه با اهداف پژوهش در بین متخصصان پخش و نظرات آن‌ها بر روی پرسشنامه اعمال گردید. همچنین قابل ذکر است برای ارزیابی پایایی پرسشنامه از دور روش آزمون-پس آزمون و ضریب آلفا کرونباخ استفاده شد. در روش آزمون-پس آزمون پرسشنامه در یک مطالعه آزمایشی پرسشنامه توسط ۲۰ نفر از جامعه آماری در دو مرحله با فاصله زمانی ۷ روز تکمیل و سپس ضریب همبستگی متغیرها در بین دو مرحله محاسبه گردید (جدول ۱). در گام بعدی نیز ضریب آلفای کرونباخ سوالات پرسشنامه محاسبه گردید (جدول ۲).

جدول ۱: ضریب همبستگی آزمون - پس آزمون پرسشنامه

خرده مقیاس‌ها	ضریب همبستگی
کیفیت اطلاعات	۰/۸۱
کیفیت سیستم	۰/۸۴
کیفیت خدمات	۰/۸۲
استفاده کاربر	۰/۸۲
رضایت کاربر	۰/۸۳
مزایای خالص	۰/۸۴
مجموع	۸۲/۶۶

اعداد به دست آمده در جدول ۱، نشان دهنده این است که بین خرده‌های مقیاس‌های پرسشنامه، در دو مرحله آزمون-پس آزمون همبستگی معناداری وجود دارد؛ یعنی پرسشنامه از قابلیت اعتماد و به عبارت دیگری از پایایی لازم برخوردار است.

جدول ۲: ضریب آلفا کرونباخ پرسشنامه

خرده مقیاس‌ها	ضریب آلفا کرونباخ
کیفیت اطلاعات	۰/۸۹
کیفیت سیستم	۰/۸۸
کیفیت خدمات	۰/۹۴
استفاده کاربر	۰/۸۷
رضایت کاربر	۰/۹۱
مزایای خالص	۰/۹۱
مجموع	۰/۹۰

نتایج به دست آمده از جدول ۲، نشان می‌دهد ضرایب آلفای کرونباخ بزرگتر از مقدار استاندارد ۰/۷ است. پس نتیجه می‌گیریم پرسشنامه‌ها از پایایی درونی مناسبی برخوردار هستند. این مقدار نشان دهنده آن است که پرسشنامه مورد استفاده از قابلیت اعتماد و یا به عبارت دیگر از پایایی خیلی خوبی برخوردار می‌باشد. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده، علاوه بر آمار توصیفی از روش آمار استنباطی استفاده شد. برای ارزیابی ارتباط بین فاکتورهای تعیین‌کننده ارزیابی از ضریب همبستگی پیرسون و از تحلیل عاملی تأییدی جهت ارائه و تأیید مدل استفاده شده است. در نهایت با استفاده از تحلیل مسیر آثار مستقیم و غیر مستقیم متغیرها مورد سنجش قرار گرفت. علاوه بر این، اثر کلی نیز محاسبه خواهد شد که حاصل جمع دو اثر مستقیم و غیر مستقیم است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های در این پژوهش، از دو نرم‌افزار Amos نسخه ۲۰ و SPSS استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

در بخش نتایج و یافته‌های تحقیق ابتدا ویژگی‌های جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان در پژوهش ارائه و در ادامه تجزیه و تحلیل استنباطی پژوهش انجام می‌شود.

نتایج به دست آمده برای متغیر سن حاکی از آن است که از میان پاسخ دهندگان به پرسشنامه از لحاظ سن ۱۴/۱ درصد کمتر از ۲۴، ۵۷/۸ درصد بین ۲۴ تا ۳۵ سال و ۲۸/۱ درصد بالای ۳۰ سال می‌باشند. نتایج به دست آمده برای متغیر جنسیت حاکی از آن است که ۹۷ نفر معادل ۳۰/۶ درصد از کل نفرات شرکت کننده در پژوهش مرد و ۲۲ نفر معادل ۶۹/۴ درصد از کل نفرات شرکت کننده در پژوهش زن بوده است. نتایج به دست آمده برای متغیر میزان تحصیلات حاکی از آن است که از میان پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه از لحاظ سطح تحصیلات، ۷۲/۵ درصد در مقطع لیسانس و پایین، ۲۲/۸ درصد در مقطع فوق لیسانس و ۴/۷ درصد در مقطع دکتری می‌باشند. همچنین نتایج به دست آمده برای متغیر مدت تکرار استفاده از سیستم حاکی از آن است که ۱۰/۶۴ درصد هیچ بار در ماه، ۲۸/۴ درصد ۱ بار در ماه، ۳۶/۳ درصد ۴ بار در ماه، ۱۳/۴ درصد ۳۰ بار در ماه و ۱۱/۳ درصد بیش از ۱ بار در ماه استفاده می‌کرده‌اند. برای بررسی توزیع داده‌ها نیز از آزمون کمولموگروف - اسمیرنوف استفاده شد که نتایج به دست آمده حاکی از آن است مقادیر سطح معنی دار برای کلیه متغیرهای مستقل و وابسته بزرگتر از سطح آزمون یعنی $\alpha = 0/05$ می‌باشد؛ بنابراین همه متغیرها دارای توزیع نرمال می‌باشند.

جدول ۳: میانگین و انحراف معیار متغیرهای مدل

متغیر	میانگین	انحراف معیار
کیفیت اطلاعات	۲۹/۸	۷/۴
کیفیت سیستم	۲۰/۹	۴/۷
کیفیت خدمات	۱۵/۹	۴/۱
مزایای خالص	۲۰/۳	۶/۷
استفاده از سیستم	۹/۷	۲/۲
رضایت کاربر	۶/۴	۲/۱

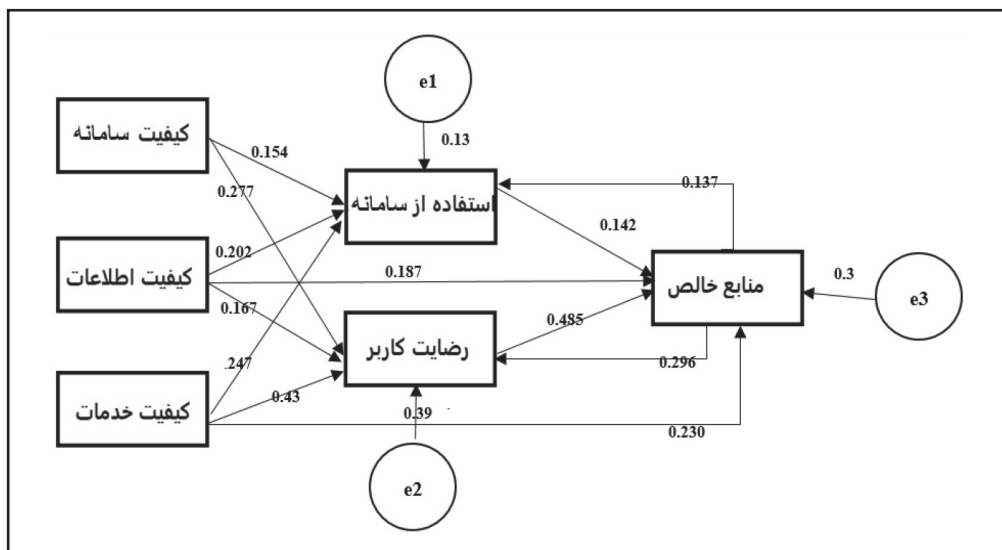
با توجه به جدول ۳، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که متغیر کیفیت اطلاعات دارای میانگین ۲۹/۸، متغیر کیفیت سامانه دارای میانگین ۲۰/۹، متغیر کیفیت خدمات دارای میانگین ۱۵/۹، متغیر مزایای خالص دارای میانگین ۲۰/۳، متغیر استفاده از سامانه دارای میانگین ۹/۷ و متغیر رضایت کاربر دارای میانگین ۶/۴ می‌باشد. همچنین در بخش آمار استنباطی از ضریب همبستگی پیرسون برای تعیین میزان تغییرپذیری متغیر وابسته و از مدل برازش شده برای تأیید مدل در تحلیل عاملی استفاده شده است.

جدول ۴: نتایج آزمون ضریب همبستگی

سامانه اطلاعات	کیفیت اطلاعات	کیفیت سیستم	استفاده کاربر	رضایت کاربر	کیفیت خدمات	مزایای خالص
کیفیت اطلاعات						
کیفیت سیستم	$P=0/001$ $R=0/53$					
استفاده کاربر	$P=0/001$ $R=0/45$	$P=0/001$ $R=0/32$				
رضایت کاربر	$P=0/001$ $R=0/67$	$P=0/001$ $R=0/55$	$P=0/001$ $R=0/41$			
کیفیت خدمات	$P=0/001$ $R=0/50$	$P=0/001$ $R=0/48$	$P=0/001$ $R=0/55$	$P=0/001$ $R=0/68$		
مزایای خالص	$P=0/001$ $R=0/61$	$P=0/001$ $R=0/46$	$P=0/001$ $R=0/40$	$P=0/001$ $R=0/41$	$P=0/001$ $R=0/56$	

همان گونه که اطلاعات حاصل از جدول ۴ نشان می‌دهد، نتایج همبستگی به گونه‌ای است که می‌توان بیان کرد که در سطح معناداری ۰/۹۹ درصد میان متغیرهای اصلی موجود همبستگی وجود دارد که نشان از سطح مناسبی است که این امر امکان تحلیل‌های بیشتر را فراهم می‌کند.

به منظور تحلیل ساختار درونی پرسشنامه و کشف عوامل تشکیل دهنده هر سازه یا متغیر مکنون، از ابزار تحلیل عاملی تاییدی استفاده می‌شود. همچنین در این بخش یا استفاده از تحلیل عاملی تاییدی، معادلات اندازه‌گیری شده مربوط به هر سازه (متغیر مکنون)، استخراج و تفسیر می‌شوند.



شکل ۲: تحلیل عاملی تاییدی مدل سامانه مدیریت اطلاعات وزارت ورزش و جوانان

همان گونه که اطلاعات حاصل از شکل ۲ نشان می‌دهد، کیفیت سامانه وزارت ورزش و جوانان به طور مثبت بر استفاده از سامانه تأثیر می‌گذارد؛ کیفیت سامانه اطلاعات مدیریت وزارت ورزش و جوانان بر استفاده کاربر از سامانه اطلاعات مدیریت اثر دارد؛ کیفیت خدمات وزارت ورزش و جوانان به طور مثبت بر رضایت کاربر تأثیر می‌گذارد؛ استفاده کاربر از سامانه اطلاعات مدیریت بر مزایای خالص اثر دارد؛ کیفیت اطلاعات وزارت ورزش و جوانان به طور مثبت بر رضایت کاربر تأثیر می‌گذارد؛ کیفیت خدمات وزارت ورزش و جوانان به طور مثبت بر مزایای خالص تأثیر می‌گذارد؛ رضایت کاربر وزارت ورزش و جوانان به طور مثبت بر مزایای خالص تأثیر می‌گذارد؛ استفاده کاربر از سامانه اطلاعات مدیریت بر مزایای خالص تأثیر می‌گذارد؛ کیفیت اطلاعات مدیریت وزارت ورزش و جوانان به طور مثبت بر مزایای خالص تأثیر می‌گذارد؛ کیفیت خدمات وزارت ورزش و جوانان به طور مثبت بر مزایای خالص تأثیر می‌گذارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، ارزیابی موفقیت سامانه اطلاعات مدیریت وزارت ورزش و جوانان بر اساس مدل دلون و مک‌لین بود که نتایج ارزیابی عوامل موجود در مدل بر حسب میانگین امتیاز داده شده نشان می‌دهد که عامل کیفیت سیستم توسط افراد متوسط، کیفیت خدمات، رضایت کاربر، استفاده از سیستم و مزایای شبکه در سطح بالاتر از متوسط ارزیابی شده است. در نتیجه میزان موفقیت سیستم وزارت

ورزش و جوانان بالاتر از حد متوسط می‌باشد. شش متغیر کیفیت اطلاعات، کیفیت سیستم، کیفیت خدمات، استفاده کاربر از سیستم، رضایت کاربر از سیستم و مزایای خالص از جمله متغیرهای مهم و تأثیر گذار در ارزیابی سامانه‌های اطلاعات مدیریت هستند و در مدل تأیید شده با استفاده از مدل برازش نکویی نحوه ارتباط متغیرها در شکل نمایان شده است که نتایج نشان می‌دهد رضایت تأثیر مستقیم و قوی تری بر منابع خالص نشان می‌دهد و بیانگر اهمیت رضایت کارمندان در افزایش منابع خالص از دیدگاه آن‌هاست؛ بدین معنا که برای افزایش موفقیت سیستم وزارت ورزش و جوانان، مدیران باید رضایت کارمندان از این سیستم را با بهبود سه‌گانه کیفیت (سیستم، اطلاعات و خدمات) افزایش دهند. همچنین کیفیت خدمات و نیز کیفیت اطلاعات دارای همبستگی و تأثیر بیشتری بر رضایت کاربر، استفاده از سیستم و مزایای خالص دارند. تأثیر کیفیت خدمات و کیفیت اطلاعات بر رضایت کاربر و استفاده از سیستم اساساً بیشتر از کیفیت سیستم به دست آمده است. بنابراین، مدیران باید توجه بیشتری بر بهبود و ارتقای شاخص‌های کیفیت خدمات و کیفیت اطلاعات نمایند. کشته‌گر و همکاران (۱۳۹۲) نیز با به کارگیری مدل اصلاح شده دلون و مک‌لین نشان دادند که کیفیت اطلاعات، کیفیت سیستم و کیفیت خدمات بر استفاده و رضایت کاربر از سیستم اطلاعاتی تأثیر مثبت دارد و در نهایت این که استفاده از سیستم اطلاعاتی و رضایت کاربر از سیستم اطلاعاتی با مزایای خالص درک شده رابطه مثبتی دارند و این نتایج با موارد به دست آمده در این تحقیق مطابقت دارد. همچنین وفا و احمدی (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان «سنجش اثربخشی سیستم اطلاعات مدیریت مجتمع فولاد مبارکه بر اساس مدل موفقیت دلون و مک‌لین» نشان دادند که سیستم اطلاعات مدیریت مجتمع فولاد کاملاً موفق و اثربخش است و تمامی ابعاد مدل به جز کیفیت سیستم را بالاتر از میانگین ارزیابی کرده است که باز هم نشان‌دهنده ارزیابی موفق همسو با نتایج تحقیق می‌باشد.

نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که برای افزایش منابع خالص، مدیران وزارتخانه باید این سیستم‌ها را با کیفیت اطلاعات، کیفیت خدمات و کیفیت سیستم خوب که به نوبه خود بر استفاده و رضایت کارمندان از سیستم تأثیر می‌گذارند، توسعه دهند. بنابراین با در نظر گرفتن این مدل و بکارگیری آن در سازمان‌ها امید است که راندمان و بازدهی افزایش یابد و مدیران تصمیمات بهینه‌ای را در زمانی کوتاه بگیرند.

منابع

- پهلوان شریف، سعید و مهدویان، وحید. (۱۳۹۰). مدل سازی معادلات ساختاری با آموس. انتشارات بیشه
- ثاقب تهرانی، مهدی و تدین، شبنم. (۱۳۸۰). مدیریت فناوری اطلاعات. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی
- رمضانیان، محمدرحیم و باقرزاده، نرجس. (۱۳۹۰). «تاثیر توانایی جذب و فرهنگ سازمانی بر موفقیت اجرای IS در شرکت‌های تولیدی قطعات خودروی استان گیلان». مدیریت فناوری اطلاعات. ۳(۹): ۶۸-۴۱.
- ریاحی، محمد اسماعیل؛ وردی نیا، علی اکبر و پورحسین، زینب. (۱۳۸۵). «بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی و سلامت روان».
- رئوف، سیده فاطمه؛ یعقوبی، طاهره و کریم زادگان مقدم، داود. (۱۳۹۱). «ارزیابی میزان موفقیت سیستم اطلاعات مدیریت آموزشی گلستان با استفاده از مدل موفقیت سیستم‌های اطلاعاتی دلون و مک‌لین». دانشگاه پیام نور، دانشکده فنی مهندسی، گروه مهندسی کامپیوتر و فن آوری اطلاعات، ۱-۱۶۱.
- کشته گر، عبدالعلی؛ جعفری، حمیدرضا و کرمی مهر، محمد باقر. (۱۳۹۲). «ارزیابی موفقیت سیستم‌های اطلاعاتی سازمان آموزش و پرورش استان فارس با بکارگیری مدل اصلاح شده دلون و مک‌لین». شیراز: کنفرانس بین المللی حسابداری و مدیریت.
- وفا، مریم و احمدی، ذبیح الله. (۱۳۹۲). «سنجش اثربخشی سیستم اطلاعات مدیریت مجتمع فولاد مبارکه بر اساس مدل موفقیت دلون و مک‌لین». دهمین کنفرانس بین المللی مهندسی صنایع، تهران، انجمن مهندسی صنایع ایران، دانشگاه صنعتی امیر کبیر.
- Al-Nakib Noofal Ahmed Mohsen Mohammed, Wang Hu. (2015). **Using Management Information Systems (MIS) to Boost Corporate Performanc**, School of Management. Wuhan University of Technology, Wuhan, China.
- Ang C.L., Davies M.A., Finlay P.N. (2001). “An empirical model of IT usage in the Malaysian public sector”. Journal of Strategic Information Systems, 10 (2): 159-174.
- Delone, W.H, and Mclean, .E.R. (2003). “The Delone and Mclean Model of Infformation System Success: A Ten-Year Update”. Information & Management Spring, Vol 19, No. 4, pp.
- Delone. W. H. & Melean. E. R (1992). “Information systems success. The quest for the dependence variable”. Information Systems Research, 3(1),60-95.
- Flneopoalas Jordan, Spathis. Charalambos, Halvatzis. Dimitrios, Tspouridou, Maria. (2010). “Measuring the success of the Greek Taxation Information System”. Information & Management. 47-56.
- Gorle. Narasimhaiah, Somers. Toni M., Wong. Betty (2010). “Orgnaiztional impact of system quality, information quality. and service quality”. Journal of Strategic Information Systems 19, 207-228.

- Ives, B., and Olson, M. (1984). **“User Involvement and Mis Success: A Review of Reserch”**. Management Science (30:5), pp 586-603.
- Lee. Seul-ki, Yu. Jung-Ho, (2012). **“Success model of project management information system in construction”**. Automation in Construction, 25, 82-93.
- Momeni, N., Rabbat M.G. (2015). **“Measuring the Generalized Friendship Paradox in Networks with Quality-Dependent Connectivity”**. In: *Complex Networks VI. Springer*. p. 45–55
- Zmud, R., and Cox, J. (1979). **“The Implementation Process: A Change Approach”**. MIS Quarterly (3:2), pp 35-43.



ارتباط بین سبک رهبری تحول گرا، خلاقیت و نوآوری سازمانی در ادارات تربیت بدنی آموزش و پرورش کشور

عین الله صادقی نیارکی^۱

مهدی نادری نسب^۲

رحیم رمضانی نژاد^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱/۲۴

امروزه سبک رهبری یک واژه کلیدی برای تطبیق موفق سازمان‌ها با نوآوری و خلاقیت می‌باشد و سبک رهبری تحول گرا به دلیل ویژگی‌های برجسته می‌تواند به خوبی این نقش را ایفا کند. لذا این مطالعه ارتباط بین سبک رهبری تحول گرا، خلاقیت و نوآوری سازمانی در ادارات تربیت بدنی آموزش و پرورش کشور را بررسی می‌کند. پژوهش حاضر از نوع توصیفی-پیمایشی است که به توصیف، همبستگی، تحلیل روابط و مقایسه بین متغیرهای تحت بررسی در دو گروه مدیران و معاونان (گروه اول) و همچنین کارکنان و کارشناسان مسئول تربیت بدنی (گروه دوم) ادارات آموزش و پرورش کشور در سال ۱۳۹۷ پرداخته است. نمونه مورد مطالعه در این تحقیق برابر جامعه آماری و به صورت کل شمار می‌باشد. متغیرهای این پژوهش، سبک رهبری تحول گرا مرتبط با مدیران و معاونان و خلاقیت و نوآوری سازمانی مرتبط با کارکنان و کارشناسان مسئول بود. در این تحقیق از «پرسشنامه‌های رهبری چندعاملی» (MLQ-5x) باس و آوولیو (۲۰۰۰) و «نوآوری سازمانی و خلاقیت» لاله گومشلوگلو و آروزسو (۲۰۰۹) پس از تعیین اعتبار و ثبات و پایایی استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که بین رهبری تحول گرا با خلاقیت و همچنین نوآوری کارکنان و کارمندان ارتباط معنی داری وجود دارد و توانمندی و انگیزه‌های کارکنان متاثر از سبک رهبری تحول گراست.

واژگان کلیدی: سبک رهبری تحول گرا، خلاقیت و نوآوری

۱. دانشجوی دکتری، مدیریت ورزشی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران
۲. استادیار، مدیریت ورزشی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)
۳. استاد، مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران

مقدمه

سازمان موفق، ویژگی مهمی دارد که آن را از سازمان ناموفق متمایز می‌کند و آن رهبری پویا و مؤثر است. رهبری در هر سازمان، تابعی از اجرای نقش‌ها و سبک‌های گوناگون است تا بدین طریق با نفوذ بر زیردستان آن‌ها را به سوی تحقق هدف‌های تیمی سوق دهد (مارتنز، ۲۰۰۷ و کاکيوگلو، ۲۰۰۳). رهبری اغلب به ماهیت نفوذ و نقش افراد به عنوان رهبران تعریف می‌شود. محققان، رهبری را از لحاظ فرآیندهای گروهی، صفات و رفتارها را به عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف تعیین کرده‌اند. در محیط کار امروزی بر انطباق سازمان‌ها با تغییرات محیطی تأکید می‌شود و رهبران باید چگونگی این انطباق را درک نمایند و پیروان را به فکر و عمل خلاقانه در توسعه محصولات و خدمات جدید و طراحی فرایندهای کاری جدید و حل مسئله، تشویق و هدایت کنند. (هنریکه کارپورو و تیاگو اولیویرا^۱، ۲۰۱۹)

سبکی که مدیران در رهبری به نمایش می‌گذارند، مطابق با بیشتر پژوهش‌های انجام شده روی موفقیت یا عدم موفقیت مدیران تأثیر می‌گذارد. برنز (۱۹۷۸) معتقد است تمام مدیران را بر حسب سبک رهبری می‌توان به دو دسته عمل‌گرا و تحول‌گرا تقسیم کرد. رهبران تحول‌گرا ضمن تعامل با پیروان خود به جستجوی راه‌های نو در حل مشکلات می‌پردازند؛ به‌طوری که در مقایسه با شرایط عادی، هم خود و هم پیروانشان به سطح بالاتری از موفقیت می‌رسند (یوکی^۲، ۱۹۹۴). رهبران عمل‌گرا در تعامل با پیروان خود رابطه قراردادی یا دادوستدی دارند؛ به‌طوری که زیردستان برای عملکرد عالی‌تر و بهبود در انجام وظایف، پاداشی ملموس دریافت می‌کنند و کنترل می‌شوند و در صورت رعایت نکردن ضوابط و مقررات یا نرسیدن به اهداف مطابق با استانداردها تنبیه می‌شوند (ایپینمورتی^۳، ۲۰۰۵ و آوولیو^۴، ۱۹۹۹). مدیر باید به تقویت ویژگی‌های هر دو سبک رهبری عمل‌گرا و تحول‌گرا در خود بپردازد و از آن‌ها در شرایط مختلف و به نسبت‌های مختلف در شرایط یکسان بهره گیرد، اما شواهد تحقیقاتی حاکی از آن است که رهبران تحول‌گرا از رهبران عمل‌گرا موفق‌ترند (باس و آوولیو، ۱۹۹۰؛ مالدون^۵، ۲۰۰۳). از دیدگاه باس (۱۹۹۰) رهبر تحول‌گرا در تلاش برای گسترده کردن دامنه‌ی علایق زیردستانش و برانگیختن آن‌ها به سوی پذیرش مأموریت تیم، گروه یا سازمان است و برای شناخت افرادی که با او کار می‌کنند، وقت صرف می‌کند (آوولیو، ۱۹۹۹). باس (۱۹۹۸) اشاره می‌کند که رهبران تحول‌گرا تلاش می‌کنند تا فرد از نیازهای اولیه (فیزیولوژیک و امنیت) پا را فراتر بگذارد و به سوی نیازهای مهم‌تر (موفقیت و خودشکوفایی) گام بردارد. رهبری تحول‌گرا دارای مؤلفه‌های نفوذ کمال‌گرایانه^۶، رفتار کمال‌گرایانه^۷، روحیه‌ی ایجاد انگیزش^۸، ترغیب به تلاش فکری^۹ و توجه به تفاوت‌های فردی^{۱۰} است (باس، ۲۰۰۶). سبک رهبری، یک واژه کلیدی برای تطبیق موفق سازمان‌ها با نوآوری و خلاقیت می‌باشد. نوآوری، فرایند دریافت فکر خلاق و تبدیل آن به محصول،

1. Henrique Carreiro, Tiago Oliveira

2. Yuki

3. Ipinmaoroti

4. Avolio

5. Muldoon

6. Idealized Influence (II)

7. Idealized Behavior (IB)

8. Inspirational Motivation (IM)

9. Intellectual Stimulation (IS)

10. Individual Consideration (IC)

خدمات و یا شیوه‌های نو برای انجام دادن کارهاست. نوآوری ناشی از خلاقیت است و به عمل آوردن فکر بدیع را نوآوری گویند (هنریکه کاریورو و تیاگواولیورا، ۲۰۱۹). آنچه باید مورد توجه قرار گیرد تمایز بین نوآوری و استفاده از نوآوری است. اگر محتوای دانش مورد نیاز برای تحقق یک نوآوری مدنظر قرار گیرد، در دستیابی به این دانش دو حالت ممکن است اتفاق بیفتد: نخست خلق دانش جدید است، یعنی دانش مورد نیاز برای این نوآوری توسط خود سازمان که نوآوری را انجام می‌دهد، خلق شود و دیگری جذب دانش از خارج است که می‌تواند توسط مدیریت اتفاق بیفتد (لاله گومشلوگلو و آروزسو، ۲۰۰۹).

مرتضی پایمرد و همکاران در سال ۱۳۹۶ در تحقیقی با عنوان «بررسی ارتباط سبک رهبری تحول‌گرا با هوش عاطفی، عملکرد و بهره‌وری سازمان‌های ورزشی» به این نتیجه رسیدند که سبک رهبری تحول‌گرا بر عملکرد و توانمندی کارکنان اثر گذار است.

نورشاهی و یمینی دوزی در سال ۱۳۹۴ در تحقیق خود بیان کردند که سبک‌های رهبری تحول‌گرا بر ابعاد نفوذ آرمانی در کارکنان و انگیزش الهام بخش اثر گذار است و میزان موفقیت سازمان‌ها را افزایش می‌دهد. محمدرضا چالشتی و مهرزاد حمیدی در سال ۱۳۸۹ در تحقیقی با عنوان «رابطه سبک‌های تحول‌گرا با تبدیلی و عدالت سازمانی و ارائه مدل در سازمان‌های ورزشی» به این نتیجه رسیدند که رهبری تحول‌گرا پیش‌بینی‌کننده قوی تری برای عدالت سازمانی و نوآوری کارکنان می‌باشد.

محمد حسین انصاری و همکاران در سال ۱۳۸۹ در اداره کل تربیت بدنی استان تهران تحقیقی را انجام دادند که نتایج این تحقیق نشان داد که ارتباط مثبت و معناداری بین سبک مدیریت، انگیزه‌های درونی و خلاقیت کارکنان وجود دارد.

یافته‌های تحقیق حمیدرضا قزل‌سفلو و محمد کشتی‌دار در سال ۱۳۸۹ با عنوان «تاثیر سبک‌های نوین مدیریتی بر میزان خلاقیت - اثربخشی و جابه‌جایی منابع انسانی در سازمان‌های ورزشی» بیانگر آن بود که میزان بروز ایده‌ها و اندیشه‌های نو همراه با خلاقیت در هیأت‌های ورزشی که از سبک مدیریت تحول‌گرا بهره‌می‌بردند بیشتر از هیأت‌هایی بود که از سبک‌های مدیریتی متفاوت تر استفاده کرده بودند.

فرزاد غفوری و همکاران در سال ۱۳۸۸ در پژوهشی با عنوان «ارتباط بین سبک رهبری مدیران با خلاقیت معلمان تربیت بدنی» به این نتیجه رسیدند که بین رهبری تحول‌گرا با خلاقیت رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. همچنین، مقدار حجم واریانس حاکی از آن بود که میزان خلاقیت، ۰/۴۱ به عامل رهبری تحول‌گرا مربوط می‌شود و همچنین ضریب معیاری بتا در مورد متغیر رهبری تحول‌گرا، این متغیر را به عنوان عامل پیش‌بینی‌کننده خلاقیت معرفی می‌کند.

تحقیقی توسط قهرمان تبریزی در سال ۱۳۸۴ انجام شد که نتایج حاصله نشان داد رهبری تحول‌گرا با خلاقیت، عملکرد مناسب، احساس مفید بودن کارمندان و توانمندی روانی آنان ارتباط معنی‌داری دارد. هنریکه کاریورو و تیاگواولیورا (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان «تاثیر رهبری تحول‌گرا در انتشار نوآوری در شرکت‌ها» به این نتیجه رسیدند که سبک رهبری، یک عامل کلیدی برای سازمان‌هاست تا بتوانند طرح‌های نوآورانه را با موفقیت انجام دهند.

اجزای برنامه جامع نظیر چشم‌انداز، تحریک فکری، حمایت رهبری و شخصی و به رسمیت شناختن گروه

برای تصمیم گیری مهم است، ولی رهبری تحول گرا جهت دهنده اصلی همه این ابعاد است. مطالعه حاضر نشان می دهد که درک تأثیر مولفه های سبک رهبری در توسعه و انتشار نوآوری تأثیر معنی داری دارد. ژانا کامرهوف، اولیور لاستین و آسترید شوتز^۱ (۲۰۱۸) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که سبک رهبری تحول گرا با رضایت شغلی و عملکرد مرتبط است و همچنین بین خلاقیت و نوآوری سازمانی ارتباط معنی داری وجود دارد. بعلاوه، سبک رهبری تحول گرا بر عملکرد کارکنان، ارتباطات سازمانی و رضایت شغلی تأثیر معنی داری دارد.

نیکولاس باستاردوز و رابرت باکلوند^۲ (۲۰۱۷) در تحقیقی با عنوان «رهبری تحول گرا در ورزش: وضعیت فعلی و آینده رهبران ورزشی» بیان کردند که با توجه به حجم وسیع دانش موجود در روانشناسی سازمانی، نظریه رهبری تحول گرا، چارچوب مناسبی برای مدیریت ارائه می دهد. با این حال، مطالعات نشان می دهد که یافته های تجربی تنها می تواند راهنمایی های محدودی را ارائه دهد. باید به این نکته توجه کرد که به جای تکرار اشتباهات، وقت آن است که محققان با نگاه کاربردی پژوهش های مستمری را در عمل و سیاست گذاری های حرفه ای و شغلی مرتبط با سبک رهبری تحول گرا انجام دهند.

آناتا راج و همکاران^۳ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «رهبری تحول گرایی مدرسان مدرسه و سلامت سازمانی معلمان ابتدایی در مالزی» به این نتیجه رسیدند که رهبری تحول گرا بیشتر بر تغییر تمرکز می کند و معلمان و مدرسان را به «پیروی از دیدگاه و اهداف مشترک یک سازمان، خلاقیت، حل مسائل نوآورانه و ایجاد ظرفیت پیروی از رهبری» سوق می دهد.

یافته های پژوهش مریم خوش لحن و فرزاد ستاری^۴ (۲۰۱۶) با عنوان «رهبری در پیش بینی بازیابی خدمات» نشان می دهد که (۱) رهبری تحول گرا و (۲) چابکی سازمانی در بازیابی خدمات تأثیر معنی دار و مثبتی دارند. علاوه بر این، یافته ها نشان داد که استفاده مناسب از چابکی سازمانی و تحول سازمانی می تواند سازمان را به بهبود خدمات بهتر و مناسب تر هدایت کند. نقش متقابل این دو عامل می تواند مدیران سازمان های دولتی را برای توجه بیشتر به سبک های رهبری اعمال شده در این سازمان ها یاری رساند.

یافته های فاروک ایسکانا، گوکنور اسنارب و آتان ناکتیوب^۵ (۲۰۱۴) در تحقیقی با عنوان «تأثیر سبک رهبری تحول گرا بر عملکرد سازمانی و نوآوری» نشان داد که رهبری تحول گرا با عملکرد سازمانی و نوآوری رابطه مثبت و معنی داری دارد.

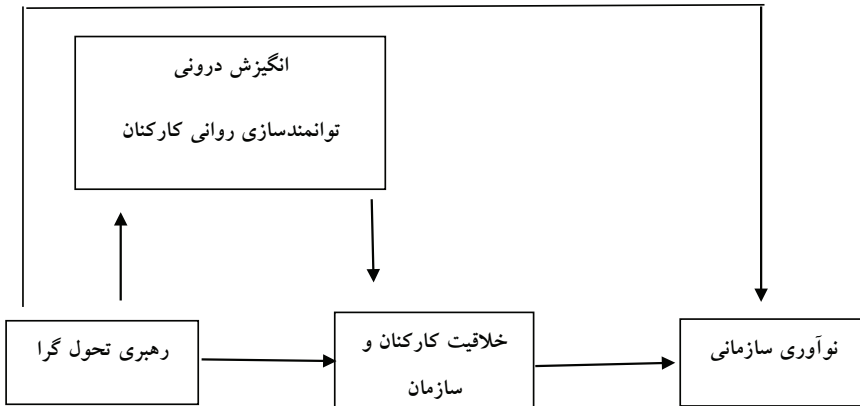
یافته های تحقیق سارمینا سمد^۶ (۲۰۱۲) با عنوان «تأثیر نوآوری و رهبری تحول گرا بر عملکرد سازمانی» نشان داد که رهبری تحول گرا و نوآوری با عملکرد سازمانی ارتباط معنی داری دارد. نتایج نشان می دهد که رهبری تحول گرا و نوآوری به طور قابل توجهی عملکرد سازمانی را در سازمان ها افزایش داده است. همچنین این مطالعه نشان می دهد که جنبه کاریزماتیک سبک رهبری تحول گرا به عنوان مهمترین عامل تأثیرگذار بر نوآوری و عملکرد سازمان به حساب می آید.

لاله گومشلوگلو و آروزو^۷ (۲۰۰۹) در تحقیق خود در سازمان های دولتی کشور ترکیه به این نتیجه رسید

1. Jana Kammerhoff, Oliver Lauenstein, Astrid Schütz
2. Nicolas Bastardo and Robert Eklund
3. Anantha Raj and etal
4. Faruk İçcana , Göknu Ersarb , Athan Naktiyok
5. Sarminah Samad

که بین رهبری تحول گرا و خلاقیت سازمانی و همچنین نوآوری ارتباط معنی داری وجود دارد و رهبری تحول گرا تأثیر معنی داری بر افزایش توانمندی کارکنان و ایجاد انگیزه در آنان دارد.

بسیاری از تحقیقات بیان می کنند که رهبری تحول گرا دارای اهمیت زیادی است، در حالی که برخی دیگر از تردید در کاربرد آن سخن می گویند (دوهرتی و دانیل چاک^۱، ۱۹۹۶؛ چلادوری^۲، ۲۰۰۱). بنابراین تحقیق در خصوص ضرورت توجه به این سبک رهبری در ورزش، چه برای حال و چه برای آینده حائز اهمیت زیادی است (گومز^۳، ۲۰۰۶). از آنجا که یافتن سبک رهبری ای برای مدیران که بتواند موجبات رشد سازمان را فراهم سازد از مسائل پیش روی سرپرستان و مدیران سازمان های ورزشی است، می توان گفت که مسئله پیش روی این تحقیق، نبود آگاهی از ارتباط و بعضاً تأثیر سبک رهبری تحول گرای مدیران بر برخی از ویژگی های سازمانی است. بنابراین در این پژوهش محقق بر اساس مدل زیر که برگرفته از مدل لاله گومشلوگلو و آروزسو می باشد، به دنبال پاسخ به این سوال است که چه ارتباطی بین سبک رهبری تحول گرا و خلاقیت و نوآوری سازمانی در مدیران تربیت بدنی آموزش و پرورش کشور وجود دارد؟



مدل پژوهش بر اساس الگوی لاله گومشلوگلو و آروزسو (۲۰۰۹)

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی-پیمایشی است. در این پژوهش به توصیف، همبستگی، تحلیل روابط و مقایسه بین متغیرهای تحت بررسی پرداخته شده است. جامعه آماری این تحقیق شامل دو گروه مدیران و معاونان و همچنین کارکنان و کارشناسان مسئول تربیت بدنی ادارات آموزش و پرورش کشور در سال ۱۳۹۷ بودند. نمونه مورد مطالعه در این تحقیق برابر جامعه آماری و به صورت کل شمار می باشد. از تعداد ۳۴۱ پرسشنامه توزیع شده، ۳۲۱ پرسشنامه به طور کامل تکمیل و دریافت شد که ۶۴ پرسشنامه مرتبط با گروه مدیران و ۲۷۵ پرسشنامه مرتبط با کارشناسان مسئول و کارکنان بود. متغیرهای این پژوهش سبک رهبری تحول گرا مرتبط با مدیران و معاونان و خلاقیت و نوآوری سازمانی مرتبط با کارکنان و کارشناسان مسئول بودند که هر دو کمی

1. Doherty and Danylchuk
2. Kent & Chelladurai

و پیوسته بوده و در مقیاس فاصله‌ای اندازه‌گیری شده اند.

در این تحقیق از دو پرسشنامه استفاده شده است: پرسشنامه^۱ اول مرتبط با مدیران و معاونان ادارات کل تربیت بدنی آموزش و پرورش کشور با عنوان «رهبری چندعاملی»^۱ (MLQ-5x) باس و آولیو^۲ (۲۰۰۰) که به منظور توسعه دامنه گسترده‌ای از رفتارهای رهبری، چندین جنبه از رهبری تحول گرا را در قالب ابزاری استاندارد و بدون محدودیت کاربرد در جوامع مختلف برای اندازه‌گیری سبک رهبری گرد هم آورده است (لیندن^۳ ۲۰۰۸). پرسشنامه دوم که شامل دویخش نوآوری سازمانی و خلاقیت کارکنان و کارشناسان مسئول ادارات کل تربیت بدنی آموزش و پرورش کشور بر گرفته از تحقیق لاله گومشلوگلو (۲۰۰۹) بود که پس از تعیین روایی و اعتبار پرسشنامه‌ها و همچنین ثبات و پایایی آنها، مورد استفاده قرار گرفت. ثبات و پایایی این پرسشنامه‌ها با توجه به آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۲ و ۰/۸۴ به دست آمد- هر چند که مطابق با نظر مایک لیندن (۲۰۰۸) پرسشنامه رهبری چندعاملی قابل کاربرد در فرهنگ‌های متفاوت است.

در این پژوهش از شاخص‌های آمار توصیفی (میانگین، درصد، فراوانی و انحراف معیار) استفاده شد. همچنین از رگرسیون تک متغیره و چندمتغیره (چندگانه) برای بررسی ارتباط بین متغیرها و فراتر از آن، پیش‌بینی متغیر ملاک (متغیر وابسته) از روی متغیر پیش‌بین (متغیر مستقل) استفاده گردید.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

نتایج و یافته‌های توصیفی در جدول ۱ بیان شده است که بیشترین انحراف معیار به مقدار ۰/۷۵ مربوط به درک و حمایت از نوآوری و کمترین انحراف معیار به مقدار ۰/۳۹ مربوط به توانمندسازی روانی بود. همچنین یافته‌ها نشان داد که بالاترین میانگین به مقدار ۴/۵۱ مربوط به انگیزش درونی کارکنان و کمترین میانگین به مقدار ۳/۳۴ مربوط به توانمندسازی روانی می‌باشد.

جدول ۱: نتایج آمار توصیفی

ردیف	متغیر	انحراف استاندارد	میانگین
۱	انگیزش درونی	۰/۶۵	۴/۵۱
۲	توانمندسازی روانی	۰/۳۹	۳/۳۴
۳	درک حمایت از نوآوری	۰/۷۵	۳/۷۳
۴	رهبری تحول گرا	۰/۶۴	۳/۹۵
۵	خلاقیت کارشناسان	۰/۷۱	۳/۷۵
۶	نوآوری سازمانی	۰/۵۳	۳/۷۱

1. Multifactor Leadership Questionnaire

2. Avolio

3. linden

یافته‌های استنباطی

فرضیه اول: سبک رهبری تحول‌گرا بر انگیزش درونی تاثیر معنی داری دارد. مطابق با جدول ۲، فرضیه اول تحقیق مبنی بر وجود توان پیش‌بینی انگیزش درونی از طریق سبک رهبری تحول‌گرا در سطح $\alpha = 0/001$ به میزان $\beta = 0/46$ ، تأیید می‌شود.

فرضیه دوم: سبک رهبری تحول‌گرا بر توانمندسازی روانشناختی تاثیر معنی داری دارد. مطابق با جدول ۲، فرضیه دوم تحقیق مبنی بر وجود توان پیش‌بینی توانمندسازی روانشناختی از طریق سبک رهبری تحول‌گرا در سطح $\alpha = 0/001$ به میزان $\beta = 0/38$ ، تأیید می‌شود.

فرضیه سوم: سبک رهبری تحول‌گرا بر درک حمایت از نوآوری تاثیر معنی داری دارد. مطابق با جدول ۲، فرضیه سوم تحقیق مبنی بر وجود توان پیش‌بینی درک حمایت از نوآوری از طریق سبک رهبری تحول‌گرا در سطح $\alpha = 0/001$ به میزان $\beta = 0/36$ ، تأیید می‌شود.

جدول ۲: ضرایب رگرسیون سبک رهبری تحول‌گرا با ابعاد سه گانه

متغیر	متغیر	ضریب B	میزان R	D	میزان t	سطح معنی داری
سبک رهبری تحول‌گرا	انگیزش درونی	۰/۴۶	۰/۶۷	۰/۴۴	۷/۵۱	۰/۰۰۱
	توانمندسازی روانی	۰/۳۸	۰/۵۳	۰/۲۸	۶/۱۵	۰/۰۰۱
	درک حمایت از نوآوری	۰/۳۶	۰/۵۱	۰/۲۶	۶/۰۲	۰/۰۰۱

فرضیه چهارم: سبک رهبری تحول‌گرا بر خلاقیت کارشناسان تاثیر معنی داری دارد. مطابق با جدول ۳، فرضیه چهارم تحقیق مبنی بر وجود توان پیش‌بینی خلاقیت از طریق سبک رهبری تحول‌گرا در سطح $\alpha = 0/001$ به میزان $\beta = 0/41$ ، تأیید می‌شود.

فرضیه پنجم: سبک رهبری تحول‌گرا بر نوآوری سازمانی تاثیر معنی داری دارد. مطابق با جدول ۳، فرضیه پنجم تحقیق مبنی بر وجود توان پیش‌بینی نوآوری سازمانی از طریق سبک رهبری تحول‌گرا در سطح $\alpha = 0/001$ به میزان $\beta = 0/39$ ، تأیید می‌شود.

جدول ۳: ضرایب رگرسیون سبک رهبری تحول‌گرا با نوآوری و خلاقیت

متغیر	متغیر	ضریب B	میزان R	D	میزان t	سطح معنی داری
سبک رهبری تحول‌گرا	نوآوری	۰/۴۱	۰/۵۸	۰/۳۳	۶/۵۸	۰/۰۰۱
	خلاقیت	۰/۳۹	۰/۴۶	۰/۲۱	۶/۲۵	۰/۰۰۱

فرضیه ششم: خلاقیت بر نوآوری سازمانی تاثیر معنی داری دارد.
مطابق با جدول ۴، فرضیه ششم تحقیق مبنی بر وجود توان پیش‌بینی نوآوری سازمانی از طریق خلاقیت در سطح $\alpha = 0/01$ به میزان $\beta = 0/59$ تأیید می‌شود.

جدول ۴: ضرایب رگرسیون خلاقیت با نوآوری

متغیر	متغیر	ضریب B	میزان R	D	میزان t	سطح معنی‌داری
خلاقیت	نوآوری	۰/۵۹	۰/۵۵	۰/۳۰	۶/۳۴	۰/۰۰۱

بحث و نتیجه‌گیری

مطابق با یافته‌های این تحقیق، توان پیش‌بینی «انگیزش درونی کارکنان» از طریق «سبک رهبری تحول‌گرا» با ضریب استاندارد رگرسیون ($\beta = 0/46$) وجود دارد. این نتیجه‌گویای آن است که بین «سبک رهبری تحول‌گرا» با «انگیزش درونی کارکنان» ارتباط مثبت و معنی‌داری مشاهده می‌شود. همان‌گونه که گفته شد، تحقیقات زیادی به اهمیت سبک رهبری تحول‌گرا در دستیابی به اهداف و موفقیت اشاره داشته‌اند. بنابراین نمره سبک رهبری تحول‌گرا موجب افزایش انگیزش درونی کارکنان می‌شوند. نتایج تحقیق حاضر با تحقیقات هنریکه کاریورو (۲۰۱۹)، تیاگو اولیویرا (۲۰۱۹)، گومشلوگلو و آروزسو (۲۰۰۹)، آوولیو (۱۹۹۹)، باس (۱۹۹۸)، نورشاهی و یمنی دوزی (۱۳۹۴) و محمد حسین انصاری و همکاران (۱۳۸۹) همخوان می‌باشد.

مطابق با یافته‌های این تحقیق، توان پیش‌بینی «توانمندسازی روانشناختی» از طریق «سبک رهبری تحول‌گرا» با ضریب استاندارد رگرسیون ($\beta = 0/38$) وجود دارد. این نتیجه‌گویای آن است که ارتباط مثبت و معنی‌داری بین «سبک رهبری تحول‌گرا» با «توانمندسازی روانشناختی» مشاهده می‌شود. نتایج تحقیق حاضر با تحقیقات ژانا کامرهوف (۲۰۱۸)، اولیور لاستین (۲۰۱۸)، آسترید شوتز (۲۰۱۸)، نیکولاس باستاردوز و رابرت باکلوند (۲۰۱۷)، آنا راج و همکاران (۲۰۱۶)، مریم خوشحال و فرزاد ستاری (۲۰۱۶)، گومشلوگلو و آروزسو (۲۰۰۹)، ایپینمورتی (۲۰۰۵)، آوولیو (۱۹۹۹)، مرتضی پایمرد و همکاران (۱۳۹۶) حمیدرضا قزلسفلو و محمد کشتی‌دار (۱۳۸۹) و قهرمان تبریزی در سال (۱۳۸۴) همخوان می‌باشد.

مطابق با یافته‌های این تحقیق، توان پیش‌بینی «درک حمایت از نوآوری» از طریق «سبک رهبری تحول‌گرا» با ضریب استاندارد رگرسیون ($\beta = 0/36$) وجود دارد. این نتیجه‌گویای آن است که ارتباط مثبت و معنی‌داری بین «سبک رهبری تحول‌گرا» با «درک حمایت از نوآوری» مشاهده می‌شود. نتایج تحقیق حاضر با تحقیقات هنریکه کاریورو و تیاگو اولیویرا (۲۰۱۹)، آنا راج و همکاران (۲۰۱۶)، فاروک ایسکانا (۲۰۱۴)، گوکنور اسنارب (۲۰۱۴)، آتان ناکتیوب (۲۰۱۴)، سارمینا سماد (۲۰۱۲)، لاله گومشلوگلو (۲۰۰۹)، نورشاهی و یمنی دوزی (۱۳۹۴) و حمیدرضا قزلسفلو و محمد کشتی (۱۳۸۹) همخوان می‌باشد.

مطابق با یافته‌های این تحقیق، توان پیش‌بینی «خلاقیت کارشناسان» از طریق «سبک رهبری تحول‌گرا» با ضریب استاندارد رگرسیون ($\beta = 0/41$) وجود دارد. این نتیجه‌گویای آن است که ارتباط مثبت و معنی‌داری

بین «سبک رهبری تحول‌گرا» با «خلاقیت کارشناسان» مشاهده می‌شود. نتایج تحقیق حاضر با تحقیقات هنریکه کاریورو و تیاگواولیویرا (۲۰۱۹)، آنا راج و همکاران (۲۰۱۶)، گومشلوگلو و آروزسو (۲۰۰۹)، محمد حسین انصاری و همکاران (۱۳۸۹)، حمیدرضا قزلسفلو و محمد کشتی‌دار (۱۳۸۹)، فرزاد غفوری و همکاران (۱۳۸۸) و قهرمان تبریزی (۱۳۸۴) همخوان می‌باشد.

مطابق با یافته‌های این تحقیق توان پیش‌بینی «نوآوری سازمانی» از طریق «سبک رهبری تحول‌گرا» با ضریب استاندارد رگرسیون ($B = ۰/۳۹$) وجود دارد. این نتیجه‌گویای آن است که ارتباط مثبت و معنی‌داری بین «سبک رهبری تحول‌گرا» با «نوآوری سازمانی» مشاهده می‌شود. نتایج تحقیق حاضر با تحقیقات هنریکه کاریورو و تیاگواولیویرا (۲۰۱۹)، آنا راج و همکاران (۲۰۱۶)، فاروک ایسکانا (۲۰۱۴)، گوکنور اسنارب (۲۰۱۴)، آنان ناکتیوب (۲۰۱۴)، سارمینا سمد (۲۰۱۲)، گومشلوگلو و آروزسو (۲۰۰۹)، حمیدرضا قزلسفلو و محمد کشتی‌دار در سال (۱۳۸۹) و محمدرضا چالشتری و مهرزاد حمیدی (۱۳۸۹) همخوان می‌باشد.

طبق یافته‌های این تحقیق توان پیش‌بینی «نوآوری سازمانی» از طریق «خلاقیت» با ضریب استاندارد رگرسیون ($B = ۰/۵۹$) وجود دارد. این نتیجه‌گویای آن است که ارتباط مثبت و معنی‌داری بین «نوآوری سازمانی» با «خلاقیت» مشاهده می‌شود. نتایج تحقیق حاضر با تحقیقات هنریکه کاریورو و تیاگواولیویرا (۲۰۱۹)، ژانا کامرهوف (۲۰۱۸)، اولیور لاستین (۲۰۱۸)، آسترید شوتز (۲۰۱۸)، آنا راج و همکاران (۲۰۱۶)، گومشلوگلو و آروزسو (۲۰۰۹)، حمیدرضا قزلسفلو و محمد کشتی‌دار (۱۳۸۹) و فرزاد غفوری و همکاران (۱۳۸۸) همخوان می‌باشد.

نتایج تحقیق حاضر و دیگر یافته‌های پژوهشی بیان شده در ادبیات این تحقیق نشان داد که بین سبک رهبری تحول‌گرا با انگیزش درونی، توانمندسازی کارکنان و درک حمایت از نوآوری و همچنین بین سبک رهبری تحول‌گرا با خلاقیت و نوآوری در سازمان‌های ورزشی ارتباط معنی‌دار و مثبتی وجود دارد. عموم محققان معتقدند که نوآوری و خلاقیت به عنوان نیاز عالی‌ه بشری در تمام زندگی او مطرح بوده و عبارت است از تحولات دامنه‌دار و جهشی در فکر و اندیشه انسان؛ به طوری که حائز یک توانایی در ترکیب عوامل قبلی در طرح جدید می‌شود. به هر حال نتایج تحقیق حاضر و موارد همخوان در این پژوهش بر این موضوع تاکید داشتند که کارکنان هر شغل و حرفه‌ای می‌توانند خلاق باشند. بنابراین برای بهره‌گیری سازمان‌ها از خلاقیت و نوآوری سازمانی و همچنین توانمندسازی بیشتر در سازمان، انگیزش و ارتقای عملکرد نیروهای انسانی، به کارگیری سبک رهبری تحول‌گرا بسیار کاربردی و مفید می‌باشد. محققان اظهار داشتند که مدیران سازمانی باید متغیرهای سازمانی را که موجب تشویق و ترغیب خلاقیت و نوآوری می‌شوند شناسایی کنند و بدانند که چگونه می‌توان خلاقیت را حمایت کرد و نوآوری را در سازمان توسعه داد. در اکثر سازمان‌ها، سبک‌های رهبری تحول‌گرا با ایجاد انگیزش، ارضای نیازهای سطوح بالاتر از جمله نیاز به خودشکوفایی و رسیدن به کمال با توجه به نظریه سلسله مراتب نیازهای مازلو زمینه‌ایجا خلاقیت و نوآوری را فراهم می‌آورند. شالی و گیلسون^۱ بیان می‌کنند: در حال حاضر هر چند ما چیزهایی در مورد عوامل موثر بر وقوع رفتارهای خلاق را می‌دانیم، اما هنوز چیزهای زیادی در این زمینه وجود دارد که ما نمی‌دانیم (شالی و گیلسون، ۲۰۱۷). مدیران سازمان‌ها باید با استفاده از سبک‌های رهبری مناسب از جمله سبک رهبری تحول‌گرا، یادگیری، وفاداری

و اعتماد، خلاقیت و استقلال کارکنان را افزایش دهند و همچنین برای بهبود نوآوری در سازمان‌ها، سازمان باید خلاق باشد و مدیران راهی برای ایجاد دانش مرتبط با توسعه خلاقیت و نوآوری از طریق مهارت‌های مدیریتی بیابند. امروزه شرکت‌های چند ملیتی خلاق و نوآور در سطح جهان از روش‌های ارتباطی، تقویت انگیزه‌های درونی، ارضای نیازهای خودیابی کارکنان و روش‌های مدیریتی نوین از جمله رهبری تحول‌گرا به منظور توسعه محصولات و خدمات نوآورانه استفاده می‌کنند. در بسیاری از کشورها از جمله کره جنوبی، به کارگیری سبک رهبری مناسب و ایجاد انگیزه در کارکنان منجر به افزایش نوآوری در بخش‌های دولتی و خصوصی شده است (کریسکولو^۱، ۲۰۱۰). نتیجه‌ای که در صورت نیاز سازمان به خلاقیت بیشتر کارکنان و به منظور بروز ایده‌ها و اندیشه‌های نو (خلاقیت) بهتر است از سبک مدیریت تحول‌گرا استفاده شود (قرلسفلو و همکاران، ۱۳۸۹). همچنین باید این نکته را خاطر نشان ساخت که موضوع خلاقیت و نوآوری در تمامی سازمان‌ها مسئله بسیار مهمی تلقی می‌شود و با توجه به نیاز سازمان‌های ورزشی کشور ما به این مقوله، لزوم استفاده از سبک‌ها و مهارت‌های مدیریتی نوین برای دستیابی به خلاقیت، ایده‌های نو، طرح‌های جدید و ارتقای همه جانبه ورزش کشور بسیار ضروری است و عدم توجه به آن به معنی از دست دادن سرمایه‌ها و منابع ملی است.

منابع

- انصاری، محمد حسین. (۱۳۹۰). «مدیریت دانش و خلاقیت در اداره کل تربیت بدنی استان تهران». نشریه مدیریت ورزشی حرکت دانشگاه تهران. شماره ۹، صص ۸۵ - ۶۷.
- پایمرد، مرتضی و سید عامری، میرحسین. (۱۳۹۶). «رابطه سبک‌های رهبری تحول‌آفرین با هوش عاطفی و عملکرد سازمانی». نشریه مدیریت ورزشی حرکت دانشگاه تهران. دوره نهم، شماره ۲، صص ۴۱ - ۲۴.
- جاودانی، محمد. (۱۳۸۱). «بررسی رابطه رهبری تحول‌آفرین با تعهد سازمانی معلمان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- جکسون، راجر. (۱۳۸۰). راهنمای مدیریت ورزشی. محمد خبیری و همکاران. تهران: کمیته ملی المپیک
- ریموند، توماس. (۱۳۸۰). روانشناسی ورزش. محمدحسین سروری. تهران: یگانه
- زردشتیان، شیرین. (۱۳۸۷). «ارتباط بین سبک‌های رهبری تحول‌گرا و عمل‌گرای مربیان با انگیزش رقابت بازیکنان لیگ برتر بسکتبال ایران». رساله دکتری، دانشگاه تربیت معلم.
- غفوری، فرزاد و اشرف گنجوی، فریده. (۱۳۸۸). «ارتباط بین سبک رهبری مدیران با خلاقیت معلمان تربیت بدنی». نشریه مدیریت ورزشی حرکت دانشگاه تهران. شماره ۲، صص ۲۳۴ - ۲۱۵.
- قزلسفلو، حمیدرضا و کشتی‌دار، محمد. (۱۳۸۹). «تاثیر سبک‌های نوین مدیریتی بر میزان خلاقیت، اثربخشی و جابه‌جایی منابع انسانی در سازمان‌های ورزشی کارا». نشریه مدیریت ورزشی حرکت دانشگاه تهران. شماره ۷، صص ۳۸۵ - ۴۰۱.
- کامکاری، کامبیز؛ کیومرثی، فیروز و شکرزاده، شهره. (۱۳۸۷). روش پژوهش کاربردی. اسلام‌شهر: دانشگاه آزاد اسلامی
- کونتز، هارولد، اورائل، سیریل و هایین، یهریخ. (۱۳۸۱). اصول مدیریت. محمدعلی طوسی و همکاران. تهران: انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی
- گلشنی، جلال. (۱۳۸۰). «بررسی رابطه بین سبک‌های رهبری تحولی، تبدیلی و تکلیف‌گرایی مدیران با تعهد کارکنان اداره تربیت بدنی استان آذربایجان غربی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- مارتنز، رینر. (۱۳۸۵). روان‌شناسی ورزش: راهنمای مربیان. محمد خبیری. تهران: بامداد کتاب
- مرادی چالستری، محمدرضا و حمیدی، مهرزاد. (۱۳۸۸). «رابطه سبک‌های رهبری تحول‌آفرین - تبدیلی سازمانی با عدالت سازمانی و ارائه مدل در سازمان تربیت بدنی». نشریه مدیریت ورزشی حرکت دانشگاه تهران. شماره ۲، صص ۹۶ - ۷۳.
- نیکوفر، مرتضی. (۱۳۸۵). «ارتباط بین مدیریت تبدیلی و تبدیلی مدیران با تعهد سازمانی کارکنان تربیت بدنی استان سیستان و بلوچستان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- Anantha Raj, A. Arokiasamy, Abdul Ghani Kanesan, Abdullahb. (2016). "Transformational Leadership of School Principals and Organizational Health of Primary School Teachers in Malaysia". 5th International Conference on Leadership, Technology, Innovation and Business Management.
- Andrew, P.S. (2004). "The effect soft congruence of leadership behaviors on motivation

- commitment, and satisfaction of college tennis players**". [Doctoral dissertation]. Florida state university.
- Avolio, B.J., et al. (2004). **"Transformational leadership and organizational commitment"**. Journal of organizational behavior, 25: 951–968.
 - Avolio, B.J. (1999). **Full leadership development: Building the ritual forces in organizations**. Thousand Oaks, CA: Sage
 - Bass, B.M., Riggio, R. E. (2006). **Transformational leadership**. Mahwah, New Jersey: Lawrence Erlbaum Association, Inc.
 - Bass, B.M., Avolio, B. J.) 2002 (. **Multifactor leadership questionnaire: Feedback Report Melbourne**. Australia: MLQ Pty. Ltd.
 - Bass, B.M., Avolio, B. J. (2000). **Multifactor Leadership Questionnaire**. 2nd ed. Redwood City, CA: Mind Garden.
 - Bass, B.M., Steidlmeier, P. (1999). **"Ethics, character, and authentic transformational leadership"**. The Leadership Quarterly, 10: 181-217.
 - Brian A.T., Simon M.P. (2007). **"Multidimensional commitment of intercollegiate Student-Athletes: Its Effects on Intention to Leave and Satisfaction"**. Journal for the Study of Sports and Athletes in Education, 1: 141-156
 - Calum A. Arthur, Nicolas Bastardoz, Robert Eklund. (2017). **"Transformational leadership in sport: current status and future Directions"**. Current Opinion in Psychology journal, 16: p-p 78–83
 - Chelladurai, P. (2001). **"Perceived transformational leadership, organizational commitment, and citizenship behavior: A case study in intercollegiate athletics"**. Journal of Sport Management, 15: 135-159.
 - Crisculo, D. (2010). **Leadership in organizations**. (5th ed.) Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall
 - Doherty. A.Y., Danylchuk. K.E. (1996). **"Transformational and transactional leadership and impact of inter university athletic administrators"**. Journal of sport management, 11: 275-285.
 - Faruk İçsana, Göknur Ersarıb, Atılhan Naktiyokc. (2014). **"Effect of Leadership Style on Perceived Organizational Performance and Innovation: The Role of Transformational Leadership beyond the Impact of Transactional Leadership -An Application among Turkish SME'sÖmer"**. 10th International Strategic Management Conference, Social and Behavioral Sciences: 150, p-p 881 – 889

- Gillberston, D.W. (2017). **“Transformational leadership in Australasian sport organizations”**. New Zealand Innovation and Competitiveness Project, Victoria University of Wellington.
- Glisson, C., Durick, M. (1988). **“Predictor of job satisfaction and organizational commitment in human service organization”**. Administrative Quarterly, 33: 61-8.
- Gomes, A.R., Sousa, S.A., Cruz, J.F. (2006). **“Charismatic, transformational and visionary dimensions in sport leadership: Toward news paths for the study of each- athlete’s relationships”**. In: N. S. Haber & M. Hervey (Eds), leadership at the crossroads (pp.84-94). University of Maryland: The James Macgregor Burns Academy of leadership.
- Goodwin, V.L., Wofford, J.C., Whittington, J.L. (2001). **“Theoretical and empirical extensions to the transformational leadership construct”**. Journal of organizational behavior, 22: 759-779.
- Gumusluoglu Lale, Arzu Ilsev. (2009). **“Transformational leadership, creativity and organizational innovation”**. Journal of Business Research, 62: 461–473
- Henrique Carreiro, Tiago Oliveira. (2019). **“Impact of transformational leadership on the diffusion of innovation in firms: Application to mobile cloud computing”**. Computers in Industry journal, pp 104–113
- Howell, J. M., Avolio, B. J. (1993). **“Transformational leadership, transactional Leadership, Locus of Control, and support for innovation: Key predictors of consolidated business-unit performance”**. Journal of Applied Psychology, 78: 891- 902.
- Jana Kammerhoff, Oliver Lauenstein, Astrid Schütz. (2018). **“The Influence of Innovation and Transformational Leadership on Organizational Performance”**. Social and Behavioral Sciences journal, vol 57, p-p 486 – 493
- Keegan, A.E., Den Hartog, D. H. (2004). **“Transformational leadership in a project-based environment: a comparative study of the leadership styles of project managers and line managers”**. International Journal of Project
- Koh, W.L., Steers, R.M., Terborg, J. R. (1995). **“The effects of transformational leadership on teacher attitudes and student performance in Singapore”**. Journal of Organizational Behavior, 16: 319-333.
- Kolaric, B. (2018). **“Leading toward harmony: a different types of conflict mediate how followers’ perceptions of transformational leadership are related to job satisfaction and performance”**. European Management Journal Management 22, 609–617.
- Linden, M. (2008). **Science and facts MLQ and transformational leadership**. WWW. Mlq.

- Maryam Khoshlahn, Farzad Sattari Ardabil, B. (2016). **“The Role of Organizational Agility and Transformational Leadership in Service Recovery Prediction”**. 3rd International Conference on New Challenges in Management and Business: Organization and Leadership, 2 May 2016, Dubai, UAE - Social and Behavioral Sciences journal p - p 142 – 149
- Meyer, J.P., Allen, N.J. (1991). **“A three-component conceptualization of organizational commitment”**. Human Resource Management Review, 1: 61-89
- Muldoon, D. S. (2003). **“Excellent manager: Exploring the acquisition, measurement, and impact of leader skills in an Australian business context”**. (PP.36-43). Victoria, U.S.A: Faculty of Business and Low, Victoria University of Technology.
- Nicolas, Bastardo and Robert, Eklund. (2017). **“Transformational leadership in sport organization”**. Journal of Sport Management, 76: 19-28
- Sarminah, Samad. (2012). **“Effect of transformational leadership and innovation on performance”**. Journal of Business Research 67: 1622–1629
- Scanlan, T.K., Carpenter P.J., Schmidt, G.W., Simons, J.P., Keeler, B. (1993). **“An introduction to the Sport Commitment Model”**. Journal of Sport and Exercise Psychology, 15: 1-15.
- Shally and Gilson, J. (2017). **“Transformational and transactional leadership in Martial Art”**. Journal of Applied Sport Psychology, 18: 312- 325.
- Tomas, G., Hult, M., Ferrel, O. C., Hurley, R.F, Giunipero, L. C. (2000). **“Leadership and relationship commitment”**. Journal of industrial marketing management, 29: 111-119.
- Waldman, D. A., Ramirez, G. G., House, R. J., & Puraman, P. (2018). **“Does leadership matter? CEO leader attributes and profitability under conditions of perceived environmental uncertainty”**. Academy of Management Journal, 44, 134–143.
- Weese, W.J. (1995). **“Leadership and organizational culture: An investigation of Big Ten and Mid – American conference campus recreation administrations”**. Journal of Sport Management, 9: 119-134
- Yean, J.S. (2001). **“Transformational leadership, organizational culture and organizational effectiveness in sport organizations”**. Sport Journal, 4: 20-31.



تأثیر هوش سازمانی بر بهره‌وری با میانجیگری فناوری

اطلاعات در ادارات کل ورزش و جوانان

حسین آذرنیا^۱
علی محمد صفانیا^۲
عباس خدایاری^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۹/۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۱۳

هدف اصلی تحقیق حاضر، بررسی تأثیر هوش سازمانی بر بهره‌وری با میانجی‌گری فناوری اطلاعات در ادارات کل ورزش و جوانان ایران است. این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و به لحاظ استراتژی تحقیق، پیمایشی می‌باشد که برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه‌های هوش سازمانی آلبرخت، فناوری اطلاعات حنفی زاده و بهره‌وری (مدل اچ‌یو) استفاده شد. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه کارکنان ادارات ورزش و جوانان کشور (۱۳۰۰ نفر) در سال ۱۳۹۷ بود که از این تعداد، با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، تعداد ۲۸۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. به منظور بررسی و تجزیه و تحلیل داده‌ها، از مدل معادلات ساختاری با استفاده از مدل یابی علی در نرم افزار amos، در سطح معنی داری ۹۹ درصد استفاده شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که هوش سازمانی و فناوری اطلاعات به ترتیب با ضرایب استاندارد شده ۰/۲۷ و ۰/۸۳ بر بهره‌وری سازمان تأثیر معناداری دارند. همچنین طبق نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها، ضریب تأثیر متغیر هوش سازمانی بر متغیر میانجی برابر با ۰/۶۶، تأثیر متغیر میانجی بر بهره‌وری برابر با ۰/۸۳ و تأثیر غیر مستقیم متغیر هوش سازمانی بر بهره‌وری سازمان برابر با ۰/۵۴۷ به دست آمد که معنادار بود. لذا می‌توان نتیجه گرفت که هوش سازمانی با میانجیگری فناوری اطلاعات بر بهره‌وری ادارات کل ورزش و جوانان تأثیر دارد.

واژگان کلیدی: هوش سازمانی، فناوری اطلاعات، بهره‌وری و ادارات کل ورزش و جوانان

۱. دانشجوی دکتری، مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استاد، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: A.m.safania@gmail.com

۳. دانشیار، مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

مقدمه

سازمان‌ها مجموعه‌ای از عوامل انسانی، تکنولوژیکی، فنی، ساختاری، فرهنگی و دیگر عناصر محیطی هستند که در راستای تحقق مجموعه‌ای از هدف‌های از پیش تعیین شده و مشترک در تعامل اند (رابینز^۱، ۱۹۹۹). امروزه در قرن بیست و یکم عوامل مختلفی در موفقیت سازمان‌ها ایفای نقش می‌کنند که هوشمند بودن یکی از مهمترین آنهاست (مالون^۲، ۲۰۱۵). بر این اساس، در آینده جوامعی انتظار توسعه و پیشرفت خواهند داشت که سهم بیشتری از دانش و هوش را به خود اختصاص دهند (بدری آذرین و همکاران، ۱۳۹۳). توجه به این مهم، هوش را تبدیل به پیشوند بسیاری از مفاهیم مدیریتی نموده و نگاه سازمان‌ها و متفکران سازمانی، بر رویکردهای نوینی از هوش متمرکز گردیده است. این تمرکز، نوع جدیدی از هوش به نام «هوش سازمانی»^۳ را رقم زده است (یوگور^۴، ۲۰۱۳).

هوش سازمانی از جمله مهمترین مفاهیم مدیریتی است که بسیاری از پارادایم‌های دیگر نظیر یادگیری سازمانی و مدیریت دانش را در بر می‌گیرد (یولز^۵، ۲۰۰۵). در نظر برخی از پژوهشگران، سازمان هوشمند، قدرت تصمیم‌گیری صحیح است. برای برخی دیگر آن سازمانی است که می‌تواند یاد بگیرد چگونه خود را با محیط انطباق دهد (آرقت^۶، ۲۰۱۳). شارمن، منابع هوشی یک سازمان را شامل در دسترس بودن اطلاعات، میزان ارتباط سازمان با محیط‌های داخلی و خارجی، درجه عقلانیت محیطی سازمان و میزان پیچیدگی ساختار سازمانی می‌داند (شارمن^۸، ۲۰۱۵). آلبرخت، معتقد است فقدان هوش سازمانی در یک سازمان می‌تواند سازمان را با الگوهای ناپایدار مدیریتی و یا الگوهای سنتی موجود همراه سازد (آلبرخت، ۲۰۰۳). نکته مهم آنکه برای تشکیل یک سازمان هوشمند تنها استخدام افراد باهوش، ایجاد یک دفتر کار زیبا و تهیه بهترین و هوشمندترین ابزار و شبکه‌های کامپیوتری کافی نیست، بلکه هر سازمانی به ترکیبی از افراد با سطوح هوشی مختلف نیاز دارد، زیرا هریک از این افراد ارزش خاص خود را دارند. سازمانی که فقط از افراد باهوش استفاده می‌کند نمی‌تواند اهداف ارتباطی و تشریک مساعی خود را به نحو احسن انجام دهد (وریارد^۹، ۲۰۱۳).

هوش سازمانی به سازمان‌ها کمک می‌کند تا به نقاط ضعف خود پی ببرند و نقاط قوت خود را تقویت کنند (غلامی و همکاران، ۱۳۹۰). پیچیدگی عوامل بقا در سازمان‌ها و سرعت تغییرات این عوامل و نیز غیرقابل پیش‌بینی بودن آنها سبب گردیده تا بسیاری از سازمان‌ها به مطالعه در این زمینه بپردازند (پورکیانی و همکاران، ۲۰۱۳).

ادارات کل ورزش و جوانان نیز به عنوان یکی از نهادهای مهم و تاثیرگذار در جامعه، در جهت تحقق آرمان‌های خود به منظور تربیت نسل بالنده باید بطور مستمر قابلیت‌های ذهنی خود را بهبود ببخشند و با

1. Rabinz
2. Malone
3. Organizational Intelligence
4. uygur
5. Paradigm
6. Yolles
7. Argote
8. Sharman
9. Veryard

سازو کارهای مناسب و متناسب با نیازهای افراد و جامعه، امکان تحقق هدف‌ها را فراهم سازند. هوش سازمانی به سازمان‌های ورزشی کمک می‌کند تا توانایی‌های ذهنی و فکری خود را به عنوان یک سازمان هوشمند ارتقا دهند و مأموریت‌های خود را هوشمندانه به سرانجام برسانند (خدادادی و همکاران، ۱۳۸۹).

در سازمان‌های امروزی علاوه بر منبع عظیم و هوشمند انسانی، بکارگیری منابع دیگری همچون فناوری‌های اطلاعاتی اجتناب ناپذیر است. در دو دهه اخیر، رشد روز افزون این فناوری به گونه‌ای غیر قابل انکار بر زندگی جوامع مختلف تاثیر گذاشته است. با ورود رایانه به عرصه فناوری، زندگی انسان دگرگون و اطلاعات به عنوان یک عامل استراتژیک مطرح شده است (خالق خواه و همکاران، ۱۳۹۵) تا جایی که امروزه به عنوان یک ابزار رقابتی قدرتمند در مواجهه با مشکلات محیطی و چالش‌ها و نیز استفاده مناسب از فرصت‌ها محسوب می‌شود. در این راستا برقرای یک سیستم اطلاعاتی مناسب با بهره‌گیری از فناوری‌های اطلاعاتی^۱ در جهت جمع‌آوری، پردازش و نگهداری اطلاعات امری ضروری است (کاووسی، ۱۳۹۰).

بسیاری از سازمان‌ها به اهمیت فناوری‌های اطلاعاتی و تاثیر آن بر سرعت و دقت جریان امور، رضایت مشتریان، سیستم‌های پشتیبانی، تصمیم‌گیری مدیران و به ویژه کارایی سازمان پی برده‌اند که آگاهی از این گونه تاثیرات باعث گردیده بیشتر سازمان‌ها به سرعت به سمت استفاده از این فناوری گرایش پیدا کنند (کاووسی، ۱۳۹۰). اما در این میان برخی از سازمان‌ها همسو با نیاز جامعه در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات رشد نکرده و انتظارات پیرامون خود را برآورده نساخته‌اند. بی‌شک بکارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در انتقال دانش و اطلاعات و همچنین تحقق اهداف سازمانی نقش بسزایی ایفا می‌کند (عارفی، ۱۳۸۴).

با مطرح شدن نظریه موج سوم توسط تافلر^۲ با عنوان «انقلاب فناوری» و آشکار شدن فرایند توسعه چند بعدی با تکیه بر اطلاعات و ارتباطات در عصر جدید، سازمان‌ها با دسته‌بندی، تعریف و تبیین مولفه‌ها، اقدام به باز تعریف ارتباطات خود نموده‌اند تا از این طریق بتوانند در فرایند جهانی شدن تحولات را به نفع خود رقم بزنند (جین^۳، ۲۰۱۴). حتی برنامه ریزی‌های راهبردی فناوری اطلاعات و ارتباطات برای پیوند و همراهی مولفه‌های توسعه‌پذیری در عصر ارتباطات مطرح شده است (اخوان، ۱۳۹۰).

با توسعه روز افزون فناوری‌های اطلاعاتی و به دنبال آن بوجود آمدن تغییرات گسترده در سازمان‌ها، اغلب بهره‌وری نیروی کار افزایش می‌یابد. این زیرساخت که عموماً به صورت بهره‌برداری جمعی از دستگاه‌های الکترونیکی، ارتباط از راه دور، نرم افزار و رسانه‌های یکپارچه تعریف می‌شود، بر سازمان دهی فاصله‌های مکانی و به طبع آن بر دیگر سیستم‌ها تاثیر عمیقی گذاشته است (موسوی، ۱۳۸۶).

در سال‌های اخیر موج فزاینده بهره‌گیری از فناوری اطلاعات با هدف افزایش بهره‌وری کشور ما را نیز فراگرفته و بسیاری از سازمان‌ها برای استفاده از مزایای این فناوری سرمایه‌گذاری‌های زیادی انجام داده‌اند (سلطانی و بهالدینی، ۱۳۹۱) که این موضوع در ادارات کل ورزش و جوانان ایران نیز تا حدودی مشاهده می‌شود، اما به نظر می‌رسد هنوز از ظرفیت کامل این فناوری در پیشبرد امور استفاده نشده است. بویژه کارکنان ادارات کل ورزش و جوانان کشور آشنایی کاملی با مزایای استفاده از این فناوری از جمله دسترسی آسان به

1. Information Technology

2. Toffler

3. Jain

منابع اطلاعاتی، بروز نمودن سیستم اطلاعاتی، ایجاد انگیزه و تلاش، نوآوری در برنامه ریزها، سرعت بخشی به تصمیم گیری ها، امکان انجام امور از راه دور، استفاده از تجارب بین المللی و ... را نداشته (خیرگو، زارع، ۱۳۹۴) و در بکارگیری فناوری اطلاعات از ظرفیت هوش سازمانی یعنی «پردازش اطلاعات به دست آمده از محیط خارج یا منابع خارجی به منظور افزایش توانایی پیش بینی آینده و سازگاری با تغییرات محیطی» (کرون کویت^۱، ۲۰۰۶) استفاده مفیدی نکرده اند.

سازمان‌های موفق، تدابیر خاصی را برای استفاده از کلیه ظرفیت‌های فکری و عملی کارکنان خود اتخاذ می‌کنند. در جهان امروز توجه به نیروی انسانی به عنوان محور تحول و عنصر اساسی هر سازمان که متاثر از اطلاعات و ارتباطات عمل می‌کند، بیش از پیش محسوس است و اندیشه توانمند ساختن، بر انگیزختن و خلاق کردن نیروی انسانی یکی از برنامه‌های راهبردی و حیاتی مدیریت هر مجموعه تلقی می‌گردد- همچنان که پیتر دراکر^۲، بهره‌وری کارکنان فرهیخته را مهم‌ترین چالش مدیریتی در قرن بیست و یکم می‌داند (دراکر، ۱۹۸۵). نخستین بار لغت «بهره‌وری» توسط فردی به نام «کوئینس»^۳ در سال ۱۷۶۶ میلادی بکار برده شد. بعد از بیش از یک قرن در سال ۱۸۸۳، فردی به اسم «لیتر»^۴ بهره‌وری را بدین گونه تعریف کرد: «قدرت و توانایی تولید کردن» که در اینجا به واقع بهره‌وری اشتیاق به تولید را بیان می‌کند.

نتایج بسیاری از تحقیقات بر این نکته تمرکز دارد که هیچ جامعه‌ای توسعه نیافته است مگر آنکه به توسعه منابع انسانی خود پرداخته باشد. امروزه محققان پی برده‌اند که منابع انسانی واجد شرایط و ماهر عامل با ارزش و سرمایه‌ای بی پایان در جهت رشد و توسعه سازمان‌ها و کشورها هستند. در نیم قرن گذشته بخش قابل توجهی از پیشرفت کشورهای توسعه یافته مرهون تحول در کارآمدی منابع انسانی آنها بوده است. اگر در گذشته کار، سرمایه و زمین عوامل اصلی تولید به حساب می‌آمدند، امروزه تغییرات فناوری، منابع انسانی و افزایش بهره‌وری^۵ به عنوان عوامل رشد و توسعه تلقی می‌شوند. تجارب ارزانده سازمان‌های موفق و پیشرو درباره ارزش منابع انسانی بیانگر اهمیت سرمایه انسانی شاغل در آنهاست. آنها عظمت و بزرگی سازمان خود را به اندازه کسانی می‌دانند که برایشان کار می‌کنند و محور اصلی رشد کسب و کار خود را بر مبنای کارکنان خود بنا نهاده‌اند، زیرا اگر کارکنان جامعه‌ای از بهره‌وری بالایی برخوردار باشند تاثیرات مثبت اقتصادی آن به سازمان و افراد جامعه برمی‌گردد (سیادت و همکاران، ۱۳۸۶).

بشر برای افزایش بهره‌وری از تمام توان خود استفاده کرده است؛ به طوری که جمیع اختراعات و ابداعات بشری از ابتدایی‌ترین ابزار کار در اعصار گذشته گرفته تا پیچیده‌ترین تجهیزات مکانیکی و الکترونیکی در زمان حاضر، متأثر از همین تمایل و اشتیاق به بهره‌وری افزون تر بوده و خواهد بود. می‌توان گفت یکی از مهمترین دستاوردهای انسان امروز، دستیابی به تکنولوژی الکترونیک و به دنبال آن دستیابی به ابزارهای محاسباتی قوی مانند کامپیوتر و وسائل ارتباطی می‌باشد که این امر در سایه استفاده صحیح و منطقی از منابع و امکانات موجود، علیرغم وجود محدودیت‌ها تحقق یافته است (طاهری، ۱۳۸۵).

امروزه بهره‌وری، ارزشمندترین جایگاه را در نزد مدیران دارد و همه در جستجوی کارایی بیشتر و

1. Cronquist
2. Peter Dracker
3. Qesnay
4. litter
5. Productivity

اثربخشی افزون ترند و تلاش های آن ها در همین راستا شکل می گیرد تا ثبات را در دنیای رقابت امروز تضمین کند (الوانی، ۱۳۷۹). حاکم شدن فرهنگ بهره وری موجب استفاده بهینه از کلیه امکانات مادی و معنوی سازمان ها می شود و دائما توان، استعداد و امکانات بالقوه سازمان را شکوفا می سازد (هنری، ۱۳۹۳).

بهره وری را اغلب نسبت ستاده به داده معرفی می کنند (رضائیان، ۱۳۹۰)، اما به طور کلی بهره وری ترکیبی از کارایی و اثربخشی است، زیرا اثربخشی با عملکرد مرتبط است و کارایی با استفاده مفید از منابع. (عابدین، ۱۳۸۷). هرسی و گلداسمیت^۱، مدل اچیو^۲ را برای سنجش عملکرد ارائه داده اند که بر اساس آن عملکرد تابعی از عوامل توان، تمایل، درک نقش، پشتیبانی سازمان، بازخورد، اعتبار و محیط می باشد (هرسی، ۱۹۹۶) - سنجش این متغیرها در سازمان های ورزشی بخصوص ادارات کل ورزش و جوانان برای اطلاع از میزان بهره وری و درصد تحقق اهداف، ضروری می باشد.

پیشینه موضوعی هوش سازمانی به دهه ۱۹۹۰ بر می گردد و ریشه آن را باید در نظریات مدیریت دانش و یادگیری سازمانی جست و جو کرد. هوش سازمانی را در سال ۱۹۹۲ برای نخستین بار ماتسودای^۳ ژاپنی در کنفرانس بین المللی اقتصاد در توکیو مطرح کرده است. تحقیقات متعددی در زمینه هوش سازمانی در داخل و خارج کشور صورت گرفته که به برخی از تحقیقات مرتبط با دو متغیر دیگر این تحقیق می پردازیم.

محمد علی نیا و مریم حافظیان (۱۳۹۶) در بررسی نقش میانجی هوش سازمانی در رابطه بین کیفیت فن آوری اطلاعات و عملکرد شغلی کارکنان، به این نتیجه رسیدند که بین کیفیت فن آوری اطلاعات و عملکرد شغلی کارکنان با نقش میانجی فن آوری اطلاعات رابطه معنادار وجود دارد. همچنین بین کیفیت فن آوری اطلاعات و عملکرد شغلی کارکنان رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. رضا یار ویسی و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان «شناسایی عوامل موثر بر هوش سازمانی با استفاده از نظریه بنیانی» به این نتیجه رسیدند که عواملی همچون مدیریت، پردازش و تسهیم اطلاعات، توجه به ارتباطات سازمانی، تبدیل سازمان به سازمان یادگیرنده و بکارگیری سیستم های موفق تشویق و تنبیه از عوامل موثر بر هوش سازمانی می باشند. فتاح ناظم و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیق شان با عنوان «پیش بینی بهره وری کارکنان بز اساس هوش سازمانی» به این نتیجه رسیدند که از بین ابعاد هوش سازمانی، متغیرهای بینش راهبردی، سرنوشت مشترک، روحیه، کاربرد دانش و فشار عملکرد با بهره وری رابطه معنادار دارند. یوسفی سعید آباد و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه بین هوش سازمانی و بهره وری کارکنان اداره ورزش و جوانان استان مازندران» به مطالعه رابطه هوش سازمانی و بهره وری پرداختند. برای این منظور هوش سازمانی در هفت بعد چشم انداز استراتژیک، سرنوشت مشترک، میل به تغییر، اتحاد و توافق، کاربرد دانش و اتحاد و توافق تعریف گردید. براساس نتایج به دست آمده، به کارگیری و تجدیدنظر سالانه مدیران در برنامه های استراتژی، بهبود بالندگی سازمانی کارکنان، نشان دادن علاقه مدیران به دانش کارکنان و اقدام سریع در حل مشکلات کارکنان در افزایش بهره وری کارکنان موثر می باشد. سلاجقه و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه هوش سازمانی و میزان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات» به این نتیجه رسیدند که تمایل زیاد به تغییر، اتحاد و توافق بالای کارکنان باعث افزایش میزان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در سازمان شده و از اجزای اصلی استفاده از فناوری

1. Hersey, p ; Blanchard , k.H.

2. Achieve

3. Matsuda

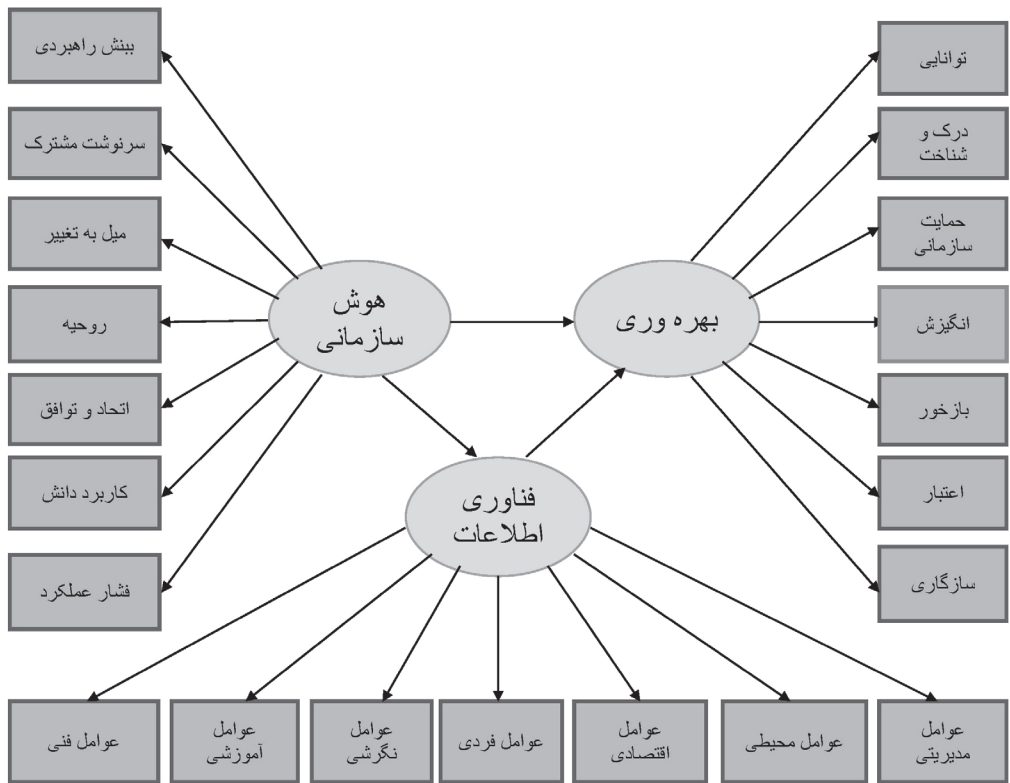
اطلاعات محسوب می‌شوند. شهرام غلامی و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «رابطه هوش سازمانی و عملکرد مدیران» دریافتند که بین هوش سازمانی و عملکرد مدیران ارتباط معناداری وجود ندارد، اما نتایج رگرسیون گام به گام نشان داد که مولفه کاربرد دانش سهم معناداری در عملکرد مدیران در بخش منابع انسانی دارد. آزما^۱ و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «کاربرد فناوری اطلاعات و رابطه آن با هوش سازمانی» به این نتیجه رسیدند که رابطه مهم و معناداری بین کاربرد فناوری اطلاعات و مولفه‌های تمایل به تغییر، کاربرد دانش و چشم انداز مشترک وجود دارد. آدامز^۲ (۲۰۱۱) طی تحقیقی به این نتیجه رسید که هوش سازمانی به عنوان عامل پیش بینی کننده عملکرد سازمانی محسوب می‌شود.

در مورد فناوری اطلاعات مبانی نظری و پیشینه تحقیقات نشان می‌دهد که روند تکاملی فناوری اطلاعات ریشه در تکامل ابزارهای ارتباطی و سیستم‌های جمع آوری، ذخیره سازی، پردازش و انتقال اطلاعات دارد. بنابراین با توجه به روند تکاملی هر کدام از آنها، فناوری اطلاعات نیز تکامل یافته است.

نتایج تحقیقات ساهره عفرای و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد که بین بکارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات و عملکرد انطباقی کارکنان رابطه مثبت معناداری وجود دارد. حق شناس و کاشانی در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که بین بکارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات با مولفه‌های توانمند سازی کارکنان شامل بهبود عملکرد، استقلال و آزادی کاری، احساس مسئولیت تصمیم گیری و خودکنترلی کارکنان رابطه معناداری وجود دارد. تقی پور، محمد و دیگران (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان «نقش فناوری اطلاعات در ارتقای بهره وری سازمان ها» به این نتیجه دست یافتند که فناوری اطلاعات یکی از متغیرها و یا عوامل سازمانی مؤثر بر بهره وری روش انجام کار است. مقیمی، سید محمد و حسین زاده، ماشاء اله (۱۳۹۳) با ارائه مدلی برای بررسی تاثیر فناوری اطلاعات بر بهره وری سازمان، به این نتیجه رسیدند که فناوری اطلاعات از طریق رهگیری، ارتباط، بهبود پذیری، خودکارسازی، انعطاف پذیری، تحلیل پذیری، هماهنگ سازی و پایش پذیری فرایندها می‌تواند بر بهره وری تاثیر بگذارد. فاریابی و تجویدی (۱۳۸۹) با بررسی اثر سرمایه گذاری در فناوری اطلاعات بر بهره وری سازمان به این نتیجه رسیدند که فناوری اطلاعات به عنوان یک متغیر تاثیر گذار بوسیله تمرکززدایی از فرایند تصمیم گیری و بهبود فرایندهای کسب و کار می‌تواند منجر به افزایش بهره وری در سازمان شود. نادریان (۱۳۸۶) در بررسی عوامل مؤثر بر افزایش بهره وری سازمان‌های ورزشی نشان داد که عوامل درون سازمانی بیشتر از عوامل برون سازمانی در افزایش سطح بهره وری سازمان‌های ورزشی نقش دارند. لی هوانگ^۳ (۲۰۱۰) مدلی را ارائه کرد که در آن فناوری اطلاعات با تاثیر بر فرایندها، سبب افزایش تمرکززدایی و هماهنگی و در نهایت بهبود عملکرد سازمان می‌شود. بنیتز^۴ (۲۰۱۰) دریافت که فناوری اطلاعات باعث توسعه فرهنگ کارافرینی می‌شود و فرهنگ کارافرینی به بهبود عملکرد سازمانی می‌انجامد.

در نهایت با توجه به پیشینه پژوهشی و مواردی که در مورد نقش هریک از متغیرها و در هم تنیدگی این مقوله‌ها در زمینه مباحث سازمانی ذکر گردید و با توجه به علاقه شخصی، محقق درصدد برآمد تا با ارائه مدل مفهومی (شکل ۱)، تاثیر هوش سازمانی بر بهره وری را با میانجیگری فناوری اطلاعات در ادارات کل ورزش و جوانان ایران بررسی نماید و خروجی تحقیق را بدون پیش داوری در اختیار جامعه هدف قرار دهد.

1. Azma
2. Adams
3. Lee Huang
4. Benitez Amado



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق

روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر به لحاظ هدف کاربردی، از نظر روابط بین متغیرها، همبستگی و به لحاظ استراتژی از نوع تحقیقات پیمایشی می‌باشد که با استفاده از پرسش‌نامه‌های مربوط به سنجش متغیرها و جمع‌آوری داده‌های پژوهش می‌پردازد. جامعه آماری شامل کلیه کارکنان ادارات ورزش و جوانان کشور در سال ۱۳۹۷ می‌باشد که بنا به اعلام اخذ شده از وزارت ورزش و جوانان ۱۳۰۰ نفر بودند. در این تحقیق از بین ۱۳۰۰ نفر با توجه به فعالیت‌های اداری آنها در سال ۱۳۹۷ و با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، ۲۹۶ نفر (بر اساس فرمول کوکران) به عنوان نمونه اولیه انتخاب شدند و به دلیل اینکه احتمال می‌رفت بعضی از کارکنان مایل به همکاری نباشند و یا برخی از پرسش‌نامه‌ها کامل پر نشده و یا مخدوش باشند، پرسش‌نامه در اختیار ۳۱۵ نفر قرار گرفت که ۲۸۰ پرسش‌نامه بدون خدشه و قابل تجزیه و تحلیل بودند که به عنوان نمونه آماری این تحقیق مورد بررسی قرار گرفتند. پرسش‌نامه‌هایی که برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شدند، عبارت بودند از: «پرسش‌نامه هوش سازمانی» آلبرخت (۲۰۰۳)، «پرسش‌نامه شاخص‌های فناوری اطلاعات» پیام حنفی زاده و دیگران (۱۳۸۶) و «پرسشنامه بهره‌وری (مدل اچیو)» هرسی و بلانچارد و گلداسمیت (۱۹۸۰). با توجه به ماهیت و روش تحقیق، داده‌های استخراج شده از پرسشنامه مورد بازبینی و کنترل قرار گرفتند.

سوالات پرسشنامه نیز بر اساس طیف لیکرت، دارای پنج جواب بودند و برای هر جواب یک کد در نظر گرفته شد که با دسته بندی سوالات امتیازات آنها محاسبه گردید. سپس داده‌ها وارد کامپیوتر شد و با استفاده از نرم افزار spss و با کمک مجموعه‌ای از آماره‌های توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. همچنین به منظور بررسی و تجزیه و تحلیل همزمان متغیرهای تحقیق و روابط بین آنها، از تکنیک sem یا مدل‌یابی معادلات ساختاری^۱ با استفاده از مدل‌یابی علی در نرم افزار آموس^۲ با $\alpha=0/05$ و سطح معنی داری ۹۵ درصد استفاده شد. برای برازش مدل‌های اندازه‌گیری و ساختاری از تحلیل عاملی تأییدی و مدل سازی معادلات ساختاری بهره گرفته شد. برای محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ابتدا واریانس نمره‌های هر زیرمجموعه، سؤال‌های پرسشنامه یا زیر آزمون و واریانس کل محاسبه و سپس با استفاده از رابطه زیر مقدار ضریب آلفای کرونباخ به دست آمد:

(α = ضریب پایایی کل آزمون)

$$\alpha = \frac{j}{j-1} \left(1 - \frac{\sum \delta_j^2}{\delta^2} \right)$$

رابطه (۱)

۱۳۶

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش با استفاده از نرم افزار SPSS و پس از جمع‌آوری نمونه مقدماتی (۳۰ پرسشنامه)، پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه و ابعاد آن محاسبه گردید که نتایج حاصل در جدول زیر آورده شده است:

جدول ۱: آلفای کرونباخ پرسشنامه (α = ضریب پایایی کل آزمون)

ابعاد پرسشنامه	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
هوش سازمانی	۴۷	۰/۹۴۷
فناوری اطلاعات	۶۷	۰/۹۴۴
بهره‌وری	۳۱	۰/۸۳۳
کل پرسشنامه	۱۹۵	۰/۹۶۸

با توجه به جدول ۱، مقدار آلفای کرونباخ کل پرسشنامه برابر با ۰/۹۶۸ است که نشان می‌دهد پرسشنامه از پایایی بالایی برخوردار است. سایر ابعاد پرسشنامه نیز از پایایی مناسبی برخوردار هستند. **آزمون نرمال بودن چند متغیره (ضریب مردیا)**
نرمال بودن چند متغیره، شرط لازم برای برآورد پارامترها در معادلات ساختاری می‌باشد.

جدول ۲: بررسی نرمال بودن چند متغیره

نتیجه	Z آماره	ضریب مردیا (نرمال بودن چند متغیره)
نرمال بودن چند متغیره برقرار است	۵۵۶/۱	۴/۸۰۳

جهت بررسی مفروضه نرمال بودن چند متغیره به عنوان یکی از مفروضه‌های تحلیل مسیر، ضریب مردیا مورد استفاده قرار گرفت. همان گونه که جدول ۲ نشان می‌دهد مقدار آمار، کوچک‌تر از ۲/۵۷ می‌باشد که نرمال بودن چند متغیره در سطح اطمینان ۹۵ درصد را تأیید می‌کند؛ یعنی با ۹۵ درصد اطمینان نتیجه گرفته می‌شود که بین فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت معنی داری وجود ندارد. لذا می‌توان از آزمون‌های پارامتریک برای بررسی و تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده کرد.

روش مدل معادلات ساختاری

مدل معادله ساختاری، ترکیبی از مدل‌های مسیر (روابط ساختاری) و مدل‌های عاملی تأییدی (روابط اندازه‌گیری) است. در مرحله اول به این پرسش پاسخ می‌دهیم که آیا هر یک از مدل‌های اندازه‌گیری تدوین شده برای سازه‌ها حائز حداقل معیارهای علمی تعریف شده هستند یا خیر و لازم است تا هر یک از مدل‌های اندازه‌گیری را جداگانه مورد تحلیل قرار دهیم. در پژوهش حاضر نیز از رویکرد دو مرحله‌ای در مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است.

شاخص‌های برازش مدل

جدول ۳: شاخص‌های برازش مدل‌های اندازه‌گیری

شاخص	حد مطلوب	هوش سازمانی	فناوری اطلاعات	بهره وری سازمان
X2/df	۳ و کمتر	۲/۳۴	۲/۲۳	۲/۰۵۴
RMR	نزدیک به صفر	۰/۰۴۶	۰/۰۳۹	۰/۰۲۶
GFI	۰/۹ و بالاتر	۰/۹۸۱	۰/۸۹۱	۰/۹۸۹
AGFI	۰/۹ و بالاتر	۰/۹۵۵	۰/۸۶۵	۰/۹۶۲
NFI	۰/۹ و بالاتر	۰/۹۶۱	۰/۸۸۳	۰/۹۸۹
RFI	۰/۹ و بالاتر	۰/۹۳۲	۰/۸۶۵	۰/۹۷۱
IFI	۰/۹ و بالاتر	۰/۹۷۷	۰/۹۳۲	۰/۹۹۴
TLI	۰/۹ و بالاتر	۰/۹۶۰	۰/۹۲۰	۰/۹۸۵
CFI	۰/۹ و بالاتر	۰/۹۷۷	۰/۹۳۱	۰/۹۹۴
PRATIO	۰/۵ و بالاتر	۰/۵۷۱	۰/۸۶۳	۰/۵
RMSEA	کمتر از ۰/۰۸	۰/۰۵۸	۰/۰۵۵	۰/۰۵۳

برای بررسی مناسب بودن مدل‌های تأییدی و معادلات ساختاری شاخص‌های مختلفی انتخاب گردیده است. نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد مقادیر محاسبه شده برای تمامی شاخص‌ها، در دامنه پذیرش قرار گرفته‌اند؛ یعنی شاخص‌های برازش همه مدل‌های اندازه‌گیری در حد مطلوب هستند.

بررسی معناداری مدل‌های اندازه‌گیری

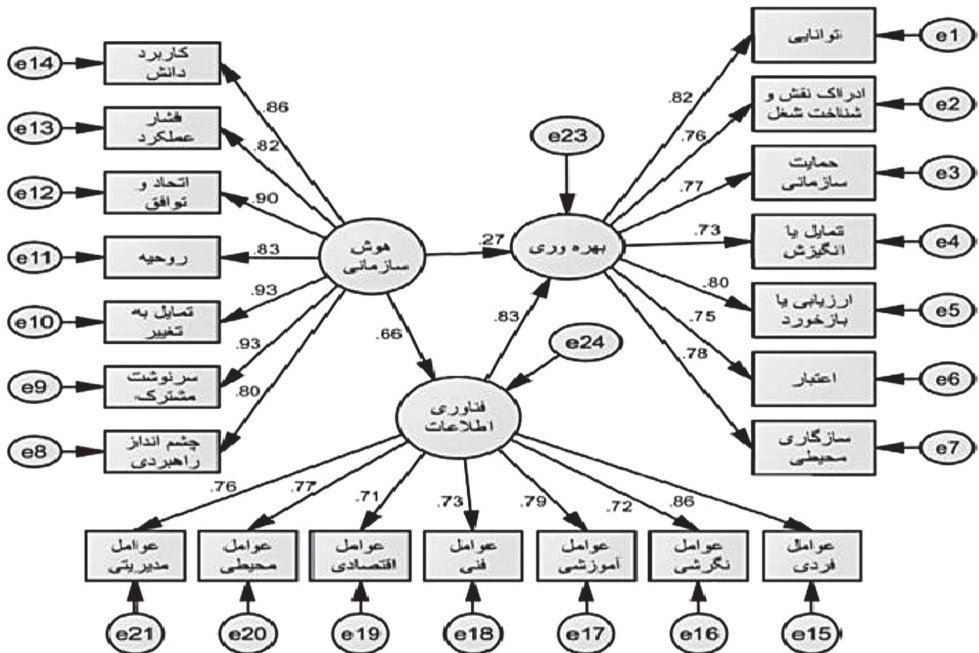
جدول ۴: بررسی معناداری مدل‌های اندازه‌گیری (***) بار عاملی در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است)

مقیاس اصلی	گویه‌ها	*** بار عاملی	(CR) نسبت بحرانی	(p-value) معناداری
سازمانی	چشم انداز راهبردی	۰/۸۰	۹/۲۹	۰/۰۰۱
	سرنوشت مشترک	۰/۹۳	۱۰/۵۷	۰/۰۰۱
	تمایل به تغییر	۰/۸۳	۹/۵۱	۰/۰۰۱
	روحیه	۰/۸۳	۹/۵۶	۰/۰۰۱
	اتحاد و توافق	۰/۹۰	۱۰/۲۷	۰/۰۰۱
	فشار عملکرد	۰/۸۲	۹/۴۸	۰/۰۰۱
	کاربرد دانش	۰/۸۶	۹/۴۸	۰/۰۰۱
فناوری اطلاعات	عوامل فردی	۰/۸۶	۹/۸۵	۰/۰۰۱
	عوامل نگرشی	۰/۷۲	۸/۴۲	۰/۰۰۱
	عوامل آموزشی	۰/۷۹	۹/۱۵	۰/۰۰۱
	عوامل فنی	۰/۷۳	۸/۵۶	۰/۰۰۱
	عوامل اقتصادی	۰/۷۱	۸/۳۱	۰/۰۰۱
	عوامل محیطی	۰/۷۷	۸/۹۵	۰/۰۰۱
	عوامل مدیریتی	۰/۷۶	۸/۸۹	۰/۰۰۱
نظری	توانایی	۰/۸۲	۹/۴۲	۰/۰۰۱
	ادراک نقش و شناخت شغل	۰/۷۶	۸/۸۷	۰/۰۰۱
	حمایت سازمانی	۰/۷۷	۸/۹۶	۰/۰۰۱
	تمایل یا انگیزش	۰/۷۳	۸/۵۳	۰/۰۰۱
	ارزیابی یا بازخورد	۰/۸۰	۹/۲۹	۰/۰۰۱
	اعتبار	۰/۷۵	۸/۷۲	۰/۰۰۱
	سازگاری محیطی	۰/۷۸	۹/۰۴	۰/۰۰۱

یافته هادر جدول ۴ نشان می دهد در هر گویه مربوط به تمامی مقیاس ها بارهای عاملی بیشتر از ۰/۷ و نسبت بحرانی بیشتر از ۲/۵۶ است. همچنین، سطح معناداری در تمامی گویه ها کمتر از ۰/۰۱ بوده است. بنابراین در سطح اطمینان ۹۹ درصد معناداری بارهای عاملی مورد تأیید قرار می گیرد؛ یعنی می توان ادعا کرد که مدل های اندازه گیری به طور قابل ملاحظه ای معنادار هستند.

بررسی روایی و پایایی سازه ها

در پژوهش حاضر برای بررسی و ارزیابی مدل های اندازه گیری از تحلیل عاملی تأییدی (CFA) بهره گرفته شد. برای این منظور بار عاملی هر نشانگر (گویه) بر روی هر سازه برآورد گردید و با استفاده از سطح معنی داری آن مورد تحلیل قرار گرفت. بدین ترتیب در صورتی که سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ باشد، بارهای عاملی در سطح ۵ درصد معنی دار می باشد و فرض صفر مبنی بر معنی دار نبودن نقش نشانگر در تشکیل سازه مورد بررسی رد و معنی داری روابط در قالب تحلیل عاملی تأییدی مورد پذیرش قرار می گیرد.



شکل ۲: مدل ساختاری (تخمین استاندارد)

در شکل ۲، به دلیل اینکه بارهای عاملی در مدل اندازه گیری بیشتر از ۰/۵ باشد، می توان نتیجه گرفت که گویه ها به خوبی مدل مفهومی را تبیین می کنند. لذا مدل قابل استناد می باشد.

جدول ۵: نتایج پژوهش

رابطه	ضریب استاندارد	نسبت بحرانی	سطح معناداری	نتیجه (تأثیر گذاری در سطح ۹۹ درصد)
هوش سازمانی ← بهره‌وری سازمان	۰/۲۷	۳/۹۷	۰/۰۰۱	تأثیر گذاری معنادار است
فناوری اطلاعات ← بهره‌وری سازمان	۰/۸۳	۹/۵۴	۰/۰۰۱	تأثیر گذاری معنادار است
هوش سازمانی ← فناوری اطلاعات	۰/۶۳	۷/۸۲	۰/۰۰۱	تأثیر گذاری معنادار است
هوش سازمانی ← فن آوری اطلاعات ← بهره‌وری	$۰/۸۳ \times ۰/۶۶ = ۰/۵۴۷$	۶/۷۴	۰/۰۰۱	تأثیر گذاری معنادار است

یافته‌های جدول ۵ نشان می‌دهد:

- (۱) متغیر هوش سازمانی بر بهره‌وری سازمان در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأثیر معناداری دارد (نسبت بحرانی برابر با ۳/۹۷ که بیشتر از ۲/۵۶ است).
- (۲) متغیر فناوری اطلاعات بر بهره‌وری سازمان در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأثیر معناداری دارد (نسبت بحرانی برابر با ۹/۵۴ که بیشتر از ۲/۵۶ است).
- (۳) متغیر هوش سازمانی بر فناوری اطلاعات در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأثیر معناداری دارد (نسبت بحرانی برابر با ۷/۸۲ که بیشتر از ۲/۵۶ است).
- (۴) ضریب تأثیر متغیر هوش سازمانی بر متغیر میانجی (فن آوری اطلاعات) برابر با ۰/۶۶ و تأثیر متغیر میانجی بر بهره‌وری برابر با ۰/۸۳ و هر دو تأثیر گذاری در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. تأثیر غیر مستقیم متغیر هوش سازمانی بر بهره‌وری سازمان از حاصل ضرب ۰/۶۶ در ۰/۸۳ به دست می‌آید که حاصل برابر با ۰/۵۴۷ می‌شود. از آنجا که نسبت بحرانی تأثیر غیر مستقیم بیشتر از ۲/۵۷ است و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ است، می‌توان نتیجه گرفت که متغیر هوش سازمانی بر بهره‌وری سازمان از طریق متغیر میانجی فناوری اطلاعات تأثیر دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از تحقیق حاضر، بررسی تأثیر هوش سازمانی بر بهره‌وری با میانجی‌گری فناوری اطلاعات در ادارات کل ورزش و جوانان بود. این تحقیق با استفاده از پرسش‌نامه‌های مربوط به سه متغیر پژوهش بر روی ۲۸۰ نفر از کارکنان ادارات کل که به عنوان نمونه از جامعه ۱۳۰۰ نفری انتخاب شده بودند، انجام گرفت. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد که متغیر هوش سازمانی از طریق متغیر میانجی فناوری اطلاعات بر بهره‌وری تأثیر غیر مستقیم و معناداری دارد. یافته‌های فوق با نتایج تحقیقات میکینوف و پریموس (۲۰۱۶)، شرر (۲۰۰۹)، ولف (۲۰۰۸)، روزمورنو و گارسیامورالس (۲۰۰۵)، تقی‌پور و همکاران (۱۳۹۴)، محمدی و

همکاران (۱۳۹۳)، یوسفی سعیدآبادی و همکاران (۱۳۹۳)، باقری هشی (۱۳۹۳) و بخشیان و همکاران (۱۳۹۲) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته، می‌توان گفت که هوش سازمانی یکی از عوامل درون سازمانی است که با تمرکز و تجمع قدرت فکری نیروی انسانی و حرکت دادن این قدرت در راستای اهداف سازمان می‌تواند موجب افزایش بهره‌وری در سازمان شود.

آلبرخت معتقد است که صرفاً استخدام افراد باهوش و با توان مغزی خیلی بالا در سازمان نمی‌تواند موفقیت و پیشرفت را نسبت به رقبا تضمین نماید، زیرا هر یک از افراد سازمان به صورت انفرادی عمل می‌نمایند و در ساختن مفهومی برای رسیدن به واقعیت و تعالی سازمان کوتاهی می‌کنند. در نتیجه باعث کاهش عملکرد سازمانی می‌شوند. آلبرخت، راه حل کاهش میزان بهره‌وری و عملکرد سازمانی را پرورش و بکارگیری هوش سازمانی می‌داند. اگر همه کارکنان بدانند که ایده‌ها و تجارب و پیشنهادهايشان شنیده می‌شود، تمایل به تبادل و انتقال دانش در آنها ظهور می‌کند، این افراد نسبت به سازمان خود احساس تعلق و تعهد می‌نمایند و در جهت تعالی و افزایش بهره‌وری سازمانی تلاش می‌کنند. از طرفی بکارگیری فناوری اطلاعات باعث تغییر و بهبود در مهارت‌های کاری افراد می‌شود و در پی افزایش مهارت‌های کاری کارکنان، احساس خودکارامدی، استقلال، اعتماد و معناداری در آنها توسعه می‌یابد. اگر توانمند سازی به معنای فراهم آوردن آزادی و تسهیم اطلاعات برای افراد تعریف شود تا آنان آنچه را که خود می‌خواهند انجام دهند، به جای اینکه وادار شوند تا آنچه را که دیگران می‌خواهند انجام دهند، به مهمترین محرک‌های محیطی که سازمان‌ها را به توانمند سازی کارکنان ترغیب می‌نمایند، یعنی به اثرات فناوری بر محیط کاری پی برده می‌شود (عفراوی، ۱۳۹۶) در نتیجه مدیران و کارکنان ادارات کل ورزش و جوانان می‌توانند با آگاهی از تأثیرات مهم کاربردی فناوری اطلاعات و با تجمع توانایی‌های فکری‌شان در جهت حل مشکلات سازمان قدم بردارند و به بهره‌وری مطلوب دست یابند.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد متغیر فناوری اطلاعات بر بهره‌وری سازمان در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأثیر معناداری دارد. یافته‌های فوق با نتایج تحقیقات میکینوف و پریموس (۲۰۱۶)، شرر (۲۰۰۹)، ولف (۲۰۰۸)، هاگر و موسینک (۲۰۰۷)، روزمورنو و گارسیامورالس (۲۰۰۵)، تقی پور و همکاران (۱۳۹۴)، محمدی و همکاران (۱۳۹۳) و مقیمی و حسین زاده (۱۳۹۳) همسو می‌باشد. برخورداری از فناوری اطلاعات و تکنولوژی‌های نوین در عصر حاضر که عصر ارتباطات و اطلاعات و انفجار تکنولوژی می‌باشد، از مهمترین موارد مورد نیاز برای ادارات کل ورزش و جوانان می‌باشد که میزان بالای برخورداری از این امکانات و فناوری اطلاعات و بکارگیری آن توسط کارکنان و افزایش زیرساخت‌ها و امکانات فناوری اطلاعات باعث سرعت افزایش انجام کارها، بالا رفتن دقت، بهبود تصمیم‌گیری و بالا رفتن سطح اطمینان در فرایند انجام وظایف می‌شود. افزایش این مولفه‌ها به کارمندان کمک می‌کند تا بر احساس ناتوانی یا درماندگی خود چیره گردند و در مقابله با موقعیت‌های اضطراری هوشمندانه عمل نمایند، مشکلات کاری را به صورت خلاصانه حل نمایند و استرس محیط کاری را با اتکا به توان مهارتی خود کاهش دهند- همه این موارد در نهایت موجب افزایش بهره‌وری نیروی انسانی ادارات ورزش و جوانان خواهد شد. البته باید توجه داشت که کمبود دانش مدیران و منابع انسانی، عدم تمایل به استفاده، عدم درک سهولت ادراکی و سودمندی ادراکی در زمینه فناوری اطلاعات مانع پذیرش این فناوری در سازمان هاست که برخی از محققان از جمله برینزولفسون (۱۹۹۶) و ددریک (۲۰۰۳) به این نتیجه دست یافته‌اند که برای رفع این مشکل، کارکنان باید به نحو موثری آموزش داده

شوند. به بیان دیگر، آموزش منابع انسانی در ادارات کل ورزش و جوانان می‌تواند به تعامل پذیری، امنیت و انعطاف پذیری آنها و درک درست شان از تاثیر این فناوری بر جریان امور و افزایش بهره‌وری کمک کند. همچنین نتایج تحقیق نشان داد که متغیر هوش سازمانی بر فناوری اطلاعات در سطح اطمینان ۹۹ درصد تاثیر معناداری دارد. یافته‌های فوق با نتایج تحقیقات آزما (۲۰۱۲)، هیسانگ (۲۰۱۱)، فقیهی (۱۳۸۸) و بیگلری (۱۳۸۸) که ارتباط معناداری بین هوش سازمانی و بکارگیری فناوری اطلاعات مشاهده کردند، همسو می‌باشد. در تبیین این یافته هم می‌توان گفت که هوش سازمانی از الزامات غیر قابل انکار برای اغلب سازمان‌هاست تا بتوانند از طریق کسب و تجزیه و تحلیل اطلاعات و همینطور افزایش دانش بر قابلیت‌های خود بیفزایند. سازمان‌ها برای بقا و برخوردار بودن از مزیت رقابتی ناچار به کسب و تجزیه و تحلیل اطلاعات می‌باشند که امروزه، این امور بدون استفاده از فناوری اطلاعاتی تقریباً غیر ممکن است و برای استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی سازمان باید کارکنانی داشته باشد که از آگاهی ذهنی و هوشیاری بالایی برخوردار باشند و بتوانند از این فناوری به نحو احسن استفاده کنند. لذا مدیران ادارات کل ورزش و جوانان باید به مولفه‌های تاثیر گذار هوش سازمانی بر استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی اهمیت دهند.

پیشنهادهای

با توجه به نتایج حاصل از این تحقیق پیشنهاد می‌شود:

- بررسی دوره‌ای و ارزیابی مجدد تک تک مولفه‌های هوش سازمانی در سازمان از سوی مدیران ادارات کل ورزش و جوانان که ارتقای هوش سازمانی و در نتیجه ارتقای بهره‌وری را به دنبال خواهد داشت.
- فرهنگ سازی بیشتر در بین کارکنان بویژه در مورد مولفه اتحاد و توافق.
- آموزش لازم قبل از پیاده سازی هرگونه سیستم‌های اطلاعاتی برای جلوگیری از مقاومت کارکنان.
- شناسایی وضعیت موجود نظام فناوری اطلاعات سازمان برای سرمایه گذاری مناسب و بهینه در جهت افزایش بهره‌وری.
- آموزش مستمر کارکنان ادارات به منظور افزایش مهارت در بکارگیری نظام‌های موجود.
- حمایت از سرمایه گذاری‌های لازم مالی در زمینه فناوری اطلاعات و فراهم کردن زیر ساخت‌های لازم.

منابع

- اخوان، حمید. (۱۳۹۰). «فناوری ارتباطات، اطلاعات و سیاست». فصلنامه پژوهش فرهنگی. شماره ۱۴، ص ۱۰۷-۶۵
- الوانی، سید مهدی. (۱۳۷۹). مدیریت عمومی. چاپ اول، تهران: نشر نی
- اورعی، کاظم. (۱۳۷۸). تحلیل و محاسبه بهره وری. تهران: نشر علوم دانشگاهی
- آقایی فیشانی، تیمور. (۱۳۷۷). خلاقیت و نوآوری در انسان ها و سازمان ها. چاپ اول، انتشارات ترمه
- بانشی، مهدی. (۱۳۸۷). «بررسی رابطه مدیریت مشارکتی با خلاقیت دبیران مدارس متوسطه منطقه بیضاء سال تحصیلی ۸۶-۸۵». پایان نامه کارشناسی ارشد، مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت.
- بدری آذرین، یعقوب؛ خدادادی، محمد رسول و اعلمی کشکی، معصومه. (۱۳۹۳). «تبیین مولفه های هوش سازمانی در ادارات ورزش و جوانان شمال غرب ایران». مجله علوم کاربردی ورزش و تندرستی، شماره ۱، ۳۳-۳۹.
- پیری، زکيه. (۱۳۸۵). «مدلی برای هوش سازمانی». چهاردهمین همایش سالیانه دانشجویان مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی سراسر کشور، تهران.
- تقی پور، محمد؛ شمایی، نادر و یزدانی، پویان. (۱۳۹۴). «نقش فناوری اطلاعات در ارتقای بهره وری سازمان ها». اولین همایش ملی پژوهش های مهندسی صنایع، همدان.
- تولایی، روح الله. (۱۳۸۷). «راهکارهای تقویت نوآوری و شکوفایی در سازمان». فصلنامه منابع انسانی در صنعت نفت. سال دوم، شماره ۳.
- جمشیدی، فرخ. (۱۳۹۱). «بررسی میزان به کارگیری فناوری اطلاعات در کتابخانه های شهرکرد». پایان نامه کارشناسی ارشد، واحد شهرکرد.
- حنفی زاده، پیام و خدابخشی. (۱۳۸۶). «استخراج شاخص های اصلی اندازه گیری فناوری اطلاعات و ارتباطات». فصلنامه علوم مدیریت ایران.
- خاکی، غلامرضا. (۱۳۸۴). مدیریت بهره وری، تجزیه و تحلیل آن در سازمان. مرکز انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- خالق خواه، ا. و بابایی، م. (۱۳۹۵). «ارتباط بین هویت و هیجان بکارگیری رایانه با کارامدی دانش آموزان دبیرستانی». مجله روانشناسی تربیتی. شماره ۳۹، ص ۱۷۳-۱۵۷.
- خدادادی، محمد رسول؛ کاشف، میر محمد؛ صالح زاده، کریم؛ شیرمحمدزاده، محسن و خوشنویس، فرهاد. (۱۳۸۹). «رابطه بین هوش سازمانی با بهره وری مدیران ادارات تربیت بدنی استان آذربایجان شرقی». مجله مدیریت ورزشی، شماره ۴، ص ۱۶۸-۱۵۵.
- خراسانی، اباصلت و عبدالملکی، جمال. (۱۳۸۹). «بررسی رابطه کیفیت زندگی کاری و هوش هیجانی با بهره وری مطالعه موردی کارکنان دانشگاه تهران». هشتمین کنفرانس بین المللی مدیریت، تهران.
- رابینز، استیفن. (۱۹۹۹). «مبانی رفتار سازمانی». (ترجمه قاسم کبیری). تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی چاپ اول.

- رضاییان، علی. (۱۳۷۲). مدیریت رفتار سازمانی. دانشگاه تهران: انتشارات دانشکده مدیریت
- سلاجقه، مژده؛ خادمی کیا، گلاره و زلف‌العلی، فرزانه. (۱۳۹۱). «بررسی رابطه هوش سازمانی و میزان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در کتابخانه‌های دانشگاه‌های دولتی شهر کرمان». فصلنامه دانش‌شناسی علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی و فناوری اطلاعات. شماره ششم، ص ۴۶-۳۵.
- سیادت، سید علی؛ یار محمدزاده، پیمان و پرتوی، محمد. (۱۳۸۶). «بررسی رابطه بین ماهیت شغل و میزان خلاقیت کارکنان از نظر سرپرستان در کارخانه ذوب آهن اصفهان». مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، سال نهم، شماره ۲، ص ۶۸-۵۳.
- شهرآرای، مهرناز و مدنی‌پور، رضا. (۱۳۷۵). «سازمان خلاق و نوآور». مجله دانش مدیریت. شماره ۳۳.
- صمدآقایی، جلیل. (۱۳۸۰). «کارآفرینی ضد اشتغال موتور توسعه اقتصادی». ماهنامه تدبیر. شماره ۱۵۲.
- طاهری، شهنام. (۱۳۸۵). بهره‌وری و تجزیه و تحلیل آن در سازمان‌ها. چاپ یازدهم، تهران: نشر هستان
- عابدین، پویا. (۱۳۸۷). «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با میزان بهره‌وری در شبکه بانکی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سنندج.
- عارفی، م. (۱۳۸۴). برنامه ریزی درسی راهبردی در آموزش عالی. تهران: مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی
- علی‌نیا، محمد و حافظیان، مریم. (۱۳۹۶). «بررسی نقش میانجی هوش سازمانی در رابطه بین کیفیت فن‌آوری اطلاعات و عملکرد شغلی کارکنان». فصلنامه فناوری اطلاعات ارتباطات در علوم تربیتی. سال هشتم، شماره ۱، ص ۱۳۹-۱۱۹.
- عفرآوی، ساهره؛ قشقایی زاده، نصرالله و حسین‌پور، محمد. (۱۳۹۶). «رابطه بین کاربست فن‌آوری اطلاعات و عملکرد انطباقی با نقش میانجی‌گری توانمندسازی روانشناختی». فصلنامه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی. سال ۷، ش ۳، صص ۸۲-۶۳.
- غلامی، شهرام؛ غفوریان، هما و معنوی‌پور، داود. (۱۳۹۰). «رابطه هوش سازمانی و عملکرد مدیران». فصلنامه تازه‌های صنعتی/سازمانی. شماره ۶، ۹۹-۸۹.
- فاریابی، محمد و تجویدی، مینا. (۱۳۸۹). «بررسی اثر سرمایه‌گذاری در فناوری اطلاعات بر بهره‌وری سازمان». فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات. ص ۳۹-۲۷.
- کاووسی، اسماعیل و هاشمی، محمود. (۱۳۹۰). «رابطه فناوری‌های نوین اطلاعاتی و توسعه مدیریت منابع انسانی». نشریه مطالعات رسانه‌ای، دوره ۶، شماره ۱۵، صص ۱۴۰-۱۲۵.
- محمدی، کاهو. (۱۳۸۵). «سنجش آمادگی سازمان برای مدیریت دانش از طریق طراحی یک مدل مفهومی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران.
- مقیمی، محمد و حسین‌زاده، ماشاءالله. (۱۳۹۳). «ارائه مدلی برای بررسی تأثیر فناوری اطلاعات بر بهره‌وری سازمانی با رویکرد فرایندگرا (مطالعه در صنایع استان فارس)». فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت فناوری اطلاعات. دوره ۵، شماره ۹۳، صفحه ۲۴۵-۲۶۶.
- موسوی، رضا. (۱۳۸۶). «نقش فناوری اطلاعات در بهره‌وری». اولین همایش سراسری مدیریت، باشگاه پژوهشگران جوان. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فیروزکوه.

- مهدوی، محمدنقی. (۱۳۸۹). **تکنولوژی اطلاعات و فناوری اطلاعات**. چاپ اول، تهران: نشر چاپار
- نادریان، م.؛ امیرحسینی، ی. و سلطان حسینی، م. (۱۳۸۶). «عوامل موثر بر بهره وری سازمان‌های ورزشی در اصفهان». نشریه حرکت. شماره ۳۴، صص ۶۸-۵۹.
- ناظم، فتاح؛ گرکانی، صابر و ناظم، امیر حسین. (۱۳۹۳). «پیش بینی بهره وری کارکنان بر اساس هوش سازمانی در دانشگاه آزاد اسلامی». نشریه نوآوری‌های مدیریت آموزشی. سال نهم، شماره ۳، صص ۱۸-۷.
- هنری، حبیب. (۱۳۹۳). «طراحی مدل معادلات ساختاری سرمایه اجتماعی و مدیریت تنش در سازمان‌های ورزشی». پژوهش‌های مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی.
- یار ویسی، رضا؛ فتاح، ناظم و ابوالمعالی الحسینی، خدیجه. (۱۳۹۴). «شناسایی عوامل موثر بر هوش سازمانی با استفاده از نظریه بنیانی». پایان نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن.
- یوسفی سعیدآبادی، رضا؛ رضوی، سید حمیدرضا و مفیدیان، روجا. (۱۳۹۳). «بررسی رابطه بین هوش سازمانی و بهره وری کارکنان اداره ورزش و جوانان استان مازندران». سومین همایش ملی سالیانه علوم مدیریت نوین. گرگان، انجمن علمی و حرفه‌ای مدیران و حسابداران گلستان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علی آباد کتول.

- Albrecht, K. (2003). **“Organizational Intelligence & Knowledge Management: Thinking Outside the Silos the Executive Perspective”**.
- Argote, L. (2013). **Organizational Learning: Creating, Retaining and Transferring Knowledge**. Springer Science + Business Media, New York.
- Azma, F ; Mostafapour, M; Rezaie, H. (2012). **“The application of information technology and its relationship with organizational intelligence”**. Procedia technology, 1 ,94-97
- Benitez- Amado, J. (2010). **“Information Technology – enabled intra preneurship culture and firm performance”**. Industrial management & Data system, 110 (4) :550-566.
- Cronquist, B. A. (2006). **“Dynamic knowledge creating activity embedded in organizational routines”**. CD-ROM / Online proceeding of the European and Mediterranean Conference on Information
- Consuelo, L. waight. (2005). **“Exploring connection Between Human Resource Development and creativity”**. Advances in Developing Human Resources. 151-159.
- Damijan, joze ; P, Kostevc, Crt ; Rojec, Matija. (2008). **“Innovation and Firms’ Productivity Growth in Slovenia: Sensitivity of Results to Sectoral Heterogeneity and to Estimation Method”**. University of jubljana, Slovenia, Department of International Econommics,E24, F14,F21.
- De Dedrick,J. ; Gurbaxani, v. ; kraemer, k. (2003). **“Information technology and economic critical review of the empirical evidence”**. ACM Computing Surveys 35 (1): 1-28.
- Druker , P. (1985). **“The Discipline of Innovation”**. Harvard business review.

- Franken Robert , E. (2008). **“What is creativity?”**. from Human Motivation journal, 3rd ed.
- Hersey, p; Blanchard, K. H. ; Johnson, D. (1996). **“Management of Organizational Behavior utilizing Human Resources”**. Prentice- Hall International journal of technology management, 5(6)
- Jain, P. (2014). **“Indigenous knowledge management in Botswana using ICT applications”**. Concepts and Advances in Information Knowledge Management. Vol. 1 . PP. 167-191.
- Lee, Huang. (2010). **“Business performance and customer relationship management; the effect of IT”**. Total quality Management & Business Excellence, 21 (1):43-65
- Malone, T. (2015). **“Intelligent Organizations”**. Collaboration
- Michinov, Nicolas ; Corine , Primoas. (2016). **“Improving productivity and creativity in online groups through social comparison process”**. New evidence for asynchronous electronic brainstorming; Elsevier - Science Direct Journal: Computers in Human Behavior, Volume 21, Issue 1, 2016, Pages 11–28.
- Pour Kiani, M. ; PourjafarJozam, M. ; PourjafarJozam, M. (2013). **“Organizational Intelligence, survival factor of today’s organizations”**. International Journal of Advanced Studies in Humanities and Social Science, 1(5), 469-484. [In Persian].
- simic, I. (2005). **“Organizational learning as a component of organizational intelligence, information and marketing aspects of the economically”**. university of national and world Economy, sofia, Bulgaria
- Sharman, M. (2015). **Organizational intelligence**. New Orleans, Published by Quid Pro Books.
- Sumanth, David. (1994). **“Productivity Engineering and Management”**. McGraw-Hill, New York, 1994, Chapter 8. 3.
- Uygur, A. ; Ulusoy, G. (2013). **“Manager and Employee Perceptions on Organizational Intelligence» Effects on Performance in Enterprises. An Application”**. International Journal of Humanities and Social Science, 3(2), 108-124.
- Veryard, R. (2013). **Building organizational intelligence**.
- Wolf, Susanna. (2001). **“Developments and Imapct of ICT use for African SMEs”**. Implications for rural South Africa, Paper prepared for TIPS Forum.
- Yolles, M. (2005). **“Organizational intelligence”**. The Journal of Workplace Learning, Vol. 17 No. 1/2, pp. 99-114.

مروری بر تاثیر سالمندی و تمرین بر عضلات اسکلتی

محمد رضا فضلی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۲/۱۱

در دهه های اخیر با رواج زندگی ماشینی، ارتقای سطح بهداشت و در پی آن بالا رفتن سن امید به زندگی، جمعیت سالمند رو به افزایش نهاده است.

سالمندی، از دوره های حساس زندگی انسان است که همراه با این رویداد، روند تدریجی تخریب و ضعف اعضای بدن تسریع و به دنبال آن عملکرد جسمانی فرد با افتی شدید رو به رو می شود. از مهمترین تغییراتی که متناسب با افزایش سن و پیری در بدن انسان به وقوع می پیوندد، تحلیل و تخریب توده عضلانی و کاهش چشم گیر حجم و اندازه عضله اسکلتی است که به بیماری «سارکوپنیا» معروف است. این بیماری باعث ناتوانی در انجام وظایف روزانه، کاهش کیفیت زندگی افراد سالمند و کاهش امید به زندگی در آنها می شود.

در این مقاله ضمن مرور تغییرات مهمی که متناسب با سالمندی در انواع تارهای عضلانی بدن روی می دهد، تاثیر تمرینات قدرتی، استقامتی و ترکیبی بر انواع تارهای عضلانی سالمندان مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: سالمندی، عضلات اسکلتی، تمرینات قدرتی، تمرینات استقامتی و تمرینات ترکیبی

۱. رئیس مرکز مطالعات و پژوهش های راهبردی، وزارت ورزش و جوانان، تهران، ایران

مقدمه

انسان برای تعامل با محیط، تکلیف و زندگی و فعالیت های روزانه از عضله اسکلتی استفاده می کند. چالش های جسمانی، بلند شدن از صندلی، بالا رفتن از پله، راه رفتن، گذاشتن غذا در دهان و مدیریت بهداشت شخصی، عملکردهای ساده ای هستند که انسان قادر به انجام آنهاست، اما زمانی که این عملکردها به علت ضعف به خطر بیفتند، ضرورت مراقبت های ویژه برای بخش قابل توجهی از جمعیت آشکار می شود.

(Mitchell and et al, 2012: 1-18. Ojanen and et al, 2007: 22-216)

این در حالی است که علت این ضعف ممکن است یک اختلال یا ضعف مانند اختلالات عصبی - عضلانی مرتبط با سن باشد. این اختلال مرتبط با سن ممکن است در نهایت نیروی عضلانی و در حالت وخیم تر استقلال و تحرک فرد را از او بگیرد و هزینه های گزافی را به جامعه تحمیل کند (Narici, Maffulli, 2010:59-139). در طی چند دهه اخیر با رواج زندگی ماشینی، ارتقای سطح بهداشت و در پی آن بالا رفتن سن امید به زندگی، جمعیت سالمند رو به افزایش نهاده است (Darbani and et al, 2015: 40-52. Hekmatpou, 2012: 33- 42). در جهان تا سال ۲۰۰۰ حدود ۱۳ درصد جمعیت جهان را سالمندان تشکیل می دادند که پیش بینی می شود تا سال ۲۰۴۰ به ۲۰ درصد افزایش یابد (Kun, 2001: 67-155).

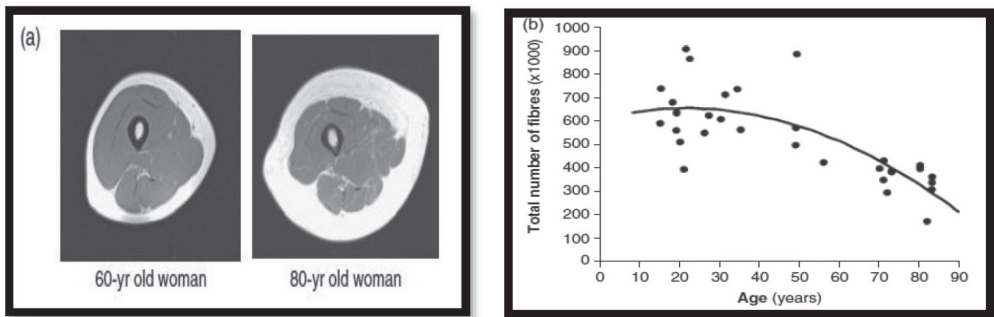
سالمندی، از دوره های حساس زندگی انسان است که همراه با این رویداد، روند تدریجی تخریب و تضعیف اعضای مختلف بدن تسریع و به دنبال آن عملکرد جسمانی فرد با افت شدیدی رو به رو می شود. از مهمترین تغییراتی که متناسب با افزایش سن و پیری در بدن انسان به وجود می آید، تحلیل و تخریب توده عضلانی و کاهش چشم گیر حجم و اندازه عضله اسکلتی است که به بیماری «سارکوپنیا» معروف است (Greenlund and Nair, 2003: 99-287. Lang, 2010: 59-543). این بیماری باعث ناتوانی در انجام وظایف روزانه، کاهش کیفیت زندگی افراد سالمند و کاهش امید به زندگی در این افراد می شود.

(Meng and Yu, 2010: 26-1509)

علت کاهش توده و حجم عضلانی در این افراد، کاهش سطح مقطع و تعداد تارهای عضلانی و همچنین کاهش واحدهای حرکتی می باشد که در نهایت منجر به آتروفی عضلانی می شود؛ این آتروفی در برخی عضلات در اوایل سالمندی و در برخی دیگر در اوایل دهه ۶۰ زندگی اتفاق می افتد (شکل ۱ الف و ب و شکل ۲). مطالعات اولیه نشان می دهند که کاهش مشاهده شده در واحدهای حرکتی از سن ۶۰ تا ۷۰ سالگی رخ می دهد.

(Brown, Strong and Snow, 1988:423-432. Doherty, Stashuk and Brown, 1993:1326- 1331. Campbell, McComas and Petito, 1973:174-182).

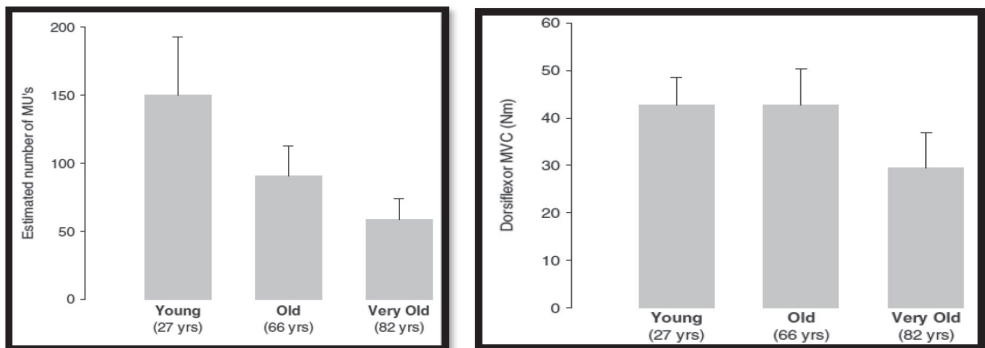
به عنوان مثال، در افراد ۶۰ تا ۹۶ ساله، تعداد تخمینی واحدهای حرکتی در عضلات اندام تحتانی منتخب، حدود ۳۰ درصد تعداد واحدهای حرکتی مشاهده شده در افراد جوان (۳ تا ۶۰ سال) است (Campbell, McComas and Petito, 1973: 174-182).



شکل ۱: اثر پیری بر اندازه عضلات آناتومیک و تعداد تار عضله

۱۴۹

پیری با کاهش در سطح مقطع آناتومیک عضلانی (CSA) و نفوذ بافت غیر انقباضی مانند کلاژن و چربی (a) مشخص می‌شود (Caserotti, Aagaard and Puggaard, 2008a: 151–161). علاوه بر این، تعداد تارهای عضلانی با پیری کاهش می‌یابد که در مطالعات کالبد شکافی نشان داده شده است. (b) (Lexell, Taylor and Sjostrom, 1988: 275–294).



شکل ۲: تخمین تعداد واحدهای حرکتی عملکردی در عضله تیبیا قدامی (MUs) و قدرت ایزومتریک بیشینه عضله تیبیا قدامی (MVC) به دست آمده در آزمودنی‌های جوان (۲۷ سال و بین ۲۳–۳۲ سال)، پیر (۶۰ سال و بین ۶۱–۶۹ سال) و خیلی پیر (۸۲ سال و بین ۸۰–۸۹ سال) (McNeil, Doherty, Stashuk and Rice, 2005: 461–467)

علت کاهش در قدرت در سنین پیری را غیر از تغییر شیوه زندگی می‌توان به کاهش در حجم عضلانی و هماهنگی عصبی-عضلانی نسبت داد. با افزایش سن بر اثر عصب‌گیری متقاطع و نکروز برخی نرون‌های حرکتی، فنوتیپ تارهای عضلانی به سمت کند انقباض گرایش پیدا می‌کند (Macintosh, Gardiner and McComas, 2006). از طرفی با افزایش پروتئولیز عضلانی و جذب کمتر اسیدهای آمینه شرایط برای آتروفی عضلانی افزایش می‌یابد. این تغییرات در نهایت منجر به سارکوپنیا خواهد شد. (Macintosh, Gardiner and McComas, 2006. Farrell, Joyner and Cayozzo, 2012)

در مطالعه مروری که توسط برانر و همکاران (۲۰۰۷) انجام شده است، تمرکز بر روی تغییرات ساختاری تارهای عضلانی نوع II بوده است. مهم است که توجه داشته باشیم که عضلات افراد مسن نه تنها به صورت کمی، بلکه به شکل کیفی نیز تاثیر می پذیرند (Brunner, Schmid, Sheikhzadeh, Nordin, Yoon and Frankel, 2007:48-336). تعدادی از مطالعات نشان داد که یک تار از همان نوع، تنش و سرعت انقباض پایتتری در افراد مسن دارد (Larsson, Li and Frontera, 1997: 49-638. D'Antona, Pellegrino, Adami, Rossi, Carlizzi, Canepari, Saltin and Bottinelli, 2003:499-511).

بنابراین، کاهش وابسته به سن در تار نوع II، دارای یک کاربرد مهم و بالینی است، زیرا توان عضلانی بیشتر از قدرت نسبت به پیری تاثیر می پذیرد (Macaluso and De Vito, 2004:72-450). کاهش قدرت و سرعت انقباض با افزایش سن نشان دهنده تغییرات کیفی است. از آنجا که روند پیری شامل پدیده های پیچیده ای مانند بیان نوع تار می باشد، اما به نظر می رسد که تغییرات کیفی و همچنین کمی تنها به نوع تار خاص اختصاص یابد. (Brunner, Schmid, Sheikhzadeh, Nordin, Yoon and Frankel, 2007:48-336).

۱۵۰

سالمندی و انواع تارها

همان گونه که گفته شد پیری با از دست دادن پیشرونده ای از توده و قدرت عضلانی اسکلتی - که به عنوان سارکوپنیا شناخته می شود- همراه است که منجر به کاهش توانایی عملکرد و افزایش خطر پیشرفت ابتلا به بیماری متابولیکی مزمن می شود. این کاهش در اندام های پایین تر برجسته است (Johnston, De Lisio and Parise 2007:9-191). در سطح بافت عضله، عضله پیر با کاهش تار عضلانی، آتروفی تار عضلانی و گروه بندی انواع تار مشخص شده است .

(Koopman, 2011:13-104. Lexell, Taylor and Sjostrom, 1988: 275-294)

پژوهش های قبلی کاهش ۲۵-۴۰ درصدی در سطح مقطع عرضی عضلات ران را در طول زندگی گزارش کرده اند. چندین مکانیزم مطرح شده اند تا نقش خود را در علت از دست دادن عضلات، در ارتباط به سن نشان دهند. با این وجود هنوز مشخص نشده است که این مکانیسم ها منجر به از دست رفتن تار عضلانی می شود یا آتروفی .

(Buford, Anton, Judge, Marzetti, Wohlgemuth, Carter, Leeuwenburgh, Pahor and Manini, 2010: 83-369. Degens and Alway, 2006:9-94. Marzetti, Calvani, Bernabei and Leeuwenburgh, 2012:99-106).

اگر چه یک فرآیند اساسی بنیادی هنوز مشخص نشده است، اما بسیاری از مطالعات در مقایسه با کنترل های جوان، کاهش قابل توجهی در اندازه تار عضلانی در افراد مسن را گزارش کرده اند. این مکانیزم ها شامل افزایش سطوح آپوپتوزیس هسته ای و استرس اکسیداتیو، انهدام تار عضلانی و کاهش مقدار سلول های ماهواره ای و یا پتانسیل بازسازی است.

(Dreyer HC, Blanco CE, Sattler FR, Schroeder ET, Wiswell RA. 2006:242; Kirkendall DT, Garrett WE. 1998:598-602)

در بحث پاتولوژی سارکوپنیا عوامل متعددی را می توان دخیل دانست. به نظر می رسد

با افزایش سن، سرعت ساخت پروتئین‌های انقباضی عضلات، بازسازی پروتئین‌های کل بدن، سنتز زنجیره سنگین میوزین و نیز سنتز پروتئین‌های میتوکندریایی کاهش می‌یابد (Verdijk LB, Koopman R, Schaart G, Meijer K, Savelberg HH, van Loon LJ. 2007: 7-151)

اگر چه مشخصه اصلی سارکوپنیا، کاهش در توده عضلانی و قدرت می‌باشد، اما به دنبال آن کاهش در کیفیت عملکرد سیستم‌های بدن از جمله اختلالات تعادل، کاهش توان هوازی و در نتیجه کاهش در کیفیت زندگی رخ می‌دهد.

(Kalyani RR, Tra Y, Yeh HC, Egan JM, Ferrucci L, Brancati FL. 2013: 75-769)

مطالعات زیادی به دنبال تخمین میزان کاهش در حجم و جرم عضلانی مرتبط با سن بودند. این مطالعات متنوع، کاهش در حجم عضلانی از سن ۱۸ تا ۸۰ سالگی را بین ۸ تا ۴۹ درصد تخمین زده‌اند.

(Mitchell and et al, 2012: 1-18. Ojanen and et al, 2007: 22-216)

تحقیقات نشان داده‌اند که در سارکوپنیا، اندازه و تعداد هر دو نوع تار عضلانی تند انقباض و کند انقباض کاهش می‌یابند، اما کاهش تعداد و اندازه تارهای تند انقباض در مقایسه با تارهای کند انقباض در اثر افزایش سن شدیدتر است؛ به این صورت که کاهش تارهای نوع دو در بافت عضلانی جمع‌آوری شده از سالمندان در مقایسه با کنترل‌های جوان ۴۰-۱۰ درصد می‌باشند. در مقابل، به نظر می‌رسد اندازه تار عضله نوع I در طول فرآیند پیری تا حد زیادی تحت تاثیر قرار نگرفته باشد.

(Kirkendall DT, Garrett WE. 1998:598-602; Kaya RD, Nakazawa M, Hoffman RL, Clark BC. 2013:5-920)

به نظر می‌رسد که تارهای نوع II نقش مهمی در روند پیری عضلات اسکلتی انسان ایفا می‌کنند. بر اساس بررسی ادبیات مطالعه مروری انجام شده توسط برانسر و همکاران (۲۰۰۷)، از بین رفتن تار، کاهش اندازه و گروه بندی تار، تغییرات جزئی کمی را نشان می‌دهد. از ویژگی‌های تارهای نوع دو می‌توان به کوتاه شدن زمان انقباض و توانایی تولید تنش بالا اشاره کرد. بنابراین، با پیری، عضلات در اثر آتروفی ترجیحی این تارها، توانایی خود را برای نیروی انفجاری از دست می‌دهند.

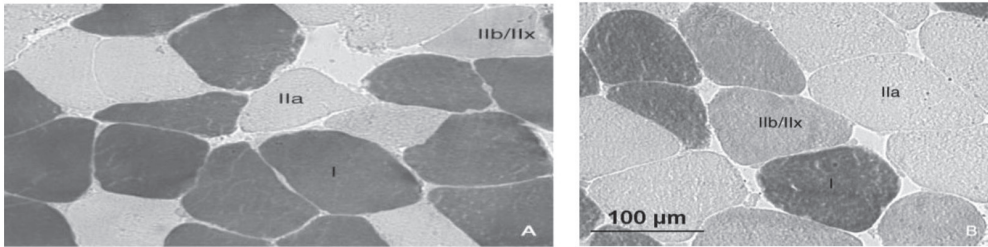
(Brunner, Schmid, Sheikhzadeh, Nordin, Yoon and Frankel, 2007:48-336)

همچنین مطالعات نشان می‌دهند که در سارکوپنیا، انحطاط نورون حرکتی و به دنبال آن قطع عصب حرکتی یکی از علل عمده از دست دادن توده عضلانی است که تارهای عضلانی چرخه‌ای از قطع عصب و عصب‌گیری مجدد را متحمل می‌شوند. در طی این چرخه، برخی از میوفیبریل‌ها به ویژه تارهای نوع تند انقباض از بین می‌روند و تارهای که توسط نورون‌های حرکتی سریع (نوع تار II) عصب‌دهی می‌شدند توسط نورون‌های حرکتی آهسته (نوع تار I) مجدداً عصب‌دهی می‌شوند. این اتفاق منجر به افزایش تارهای کند انقباض و در کل آتروفی عضلانی می‌شود که این تغییرات در تارها از مشخصه‌های مهم سارکوپنیا می‌باشند.

(Snijders T, Verdijk LB, van Loon LJ. 2009: 38-328; Deschenes MR. 2004: 24-809; Kung TA, Cederna PS, van der Meulen JH, Urbanek MG, Kuzon Jr WM, Faulkner J.A. 2013:65-657)

وردیچک و همکاران (۲۰۰۶) در مطالعه خود بیان کردند نسبت و سطح مقطع تارهای عضله اسکلتی نوع دو به طور قابل توجهی در بافت عضلانی اسکلتی در سالمندان کاهش می‌یابند. این کاهش نشان می‌دهد

آتروفی تار عضلانی نوع دو در افراد مسن با کاهش خاصی در تعداد سلول‌های ماهواره‌ای در این تارها همراه است. این کاهش ویژه در نوع تار عضلانی در محتوای سلول‌های ماهواره‌ای ممکن است عامل مهمی در علت سارکوپنی باشد (Kirkendall DT, Garrett WE. 1998:598-602) (شکل ۳).



شکل ۳: آنالیز تار عضلانی انجام شده بر بافت جمع‌آوری شده از مردان پیر (A) و جوان (B) با رنگ‌آمیزی ATPase از برش عرضی عضله؛ تار نوع یک سیاه و تار نوع دو سفید می‌باشند. تارهای نوع دو در افراد مسن نسبت به افراد جوان کوچک تر می‌باشند.

در پژوهشی گزارش شده است که در بافت عضلانی اسکلتی، سلول‌های ماهواره ای برای ترمیم، نگهداری و رشد میوفیبر ضروری هستند. به همین ترتیب، کاهش وابسته به سن در تعداد سلول‌های ماهواره‌ای و یا عملکرد می تواند نقش مهمی را در علت سارکوپنی داشته باشد. مطالعات قبلی محتوای مشابه یا پایینی در سلول‌های ماهواره‌ای در بزرگسالان سالمند در مقایسه با بزرگسالان جوان نشان داده‌اند. اخیراً گزارش شده است که آتروفی تار عضلانی نوع دو در افراد مسن با کاهش خاصی در تارهای نوع دو عضله ارتباط دارد.

(Kirkendall DT, Garrett WE. 1998:598-602)

در مورد هایپرتروفی سالمندی، مطالعات الکتروفورز نشان داده است که سن سالمندی نیز با تغییر بیان ایزوفرم‌های زنجیره سنگین میوزین (MHC) به نفع ایزوفرم‌های زنجیره سنگین نوع یک عمل می‌کند که احتمالاً بازتاب آتروفی انتخابی تارهای نوع دو می‌باشد.

(Dirks AJ, Leeuwenburgh C. 2005: 83-473)

محتوای ایزوفرم‌های میوزین عامل تعیین کننده اصلی خواص انقباضی تار است و تغییرات مربوط به پیری در محتوای MHC عضله نقش مهمی در کاهش قدرت سریع نیروی عضلات پایین تنه بازی می‌کند.

(Short KR, Vittone JL, Bigelow ML, Proctor DN, Coenen-Schimke JM, Rys P, Nair KS. 2005:95-102)

از سوی دیگر مطالعات تک تار، شواهدی از کاهش مرتبط با پیری را در سرعت کوتاه شدن و تنش خاصی از تار که بیانگر انواع ایزوفرم‌های زنجیره سنگین میوزین نوع یک و دو هستند را فراهم می‌کند که می‌تواند تا حدی اختلال عملکرد انقباض عضلانی را با پیری توضیح دهند.

(Korhonen MT, Cristea A, Alén M, Häkkinen K, Sipilä S, Mero A, Viitasalo JT, Larsson L,

Suominen H. 2006:17-906; Frontera WR, Suh D, Krivickas LS, Hughes VA, Goldstein R, Roubenoff R. 2000: 8-611)

پیرامون کاهش پیش بینی شده در تعداد تار عضله مرتبط با پیری اطلاعات کمی موجود است. گزارش های قبلی یافته های متناقضی را از مطالعات انسانی یا حیوانی نشان می دهند. بنابراین، هنوز مشخص نیست که آیا کاهش قابل توجهی از توده عضلانی اسکلتی مرتبط با پیری، به طور عمده به دلیل از دست دادن تار عضلانی است یا به آتروفی تار عضلانی (نوع دو) اختصاص دارد.

(Dirks AJ, Leeuwenburgh C. 2005: 83-473)

تاثیر تمرینات قدرتی بر نوع تارهای عضلانی در سالمندان

یکی از سازگاری های مهم فیزیولوژیک در پی فعالیت بدنی، سازگاری عصبی-عضلانی است. تمرین و فعالیت بدنی به شیوه های مختلف، تنش های ویژه ای را بر عضله اعمال می کند که با توجه به ماهیت فشار، عضلات ممکن است سازگاری های متفاوتی پیدا کنند. مربیان و ورزشکاران با توجه به گوناگونی روش های تمرینی به بیش از یک سیستم تمرینی اتکا دارند.

(Krivickas LS, Suh D, Wilkins J, Hughes VA, Roubenoff R, and Frontera WR. 2001: 447-455)

قدرت عضلانی یکی از اصلی ترین اجزای آمادگی جسمانی و مهمترین پیش بینی کننده بازگشت توانایی پس از یک دوره بی تحرکی یا بیماری برای بازگشت به زندگی فعال روزانه می باشد (۴۰). از طرفی می توان از قدرت عضلانی به عنوان پیشگو کننده سارکوپنیا در سالمندان نام برد.

(Herridge MS, Cheung AM, Tansey CM, Matte-Martyn A, Diaz-Granados N, Al-Saidi F, et al. 2003: 93-683)

همان طور که بیان شد در اثر بروز سارکوپنیا برخی از میوفیبریل ها به ویژه تارهای نوع FT از بین می روند و تارهایی که توسط نورون های حرکتی سریع (تارهای نوع II) عصب دهی می شدند توسط نرون های حرکتی آهسته (تارهای نوع I) مجددا عصب دهی می گردند. این اتفاق منجر به افزایش تارهای نوع کند انقباض و در کل آتروفی عضلانی می شود که این تغییر در تارها از مشخصه های سارکوپنیا است.

(Snijders T, Verdijk LB, van Loon LJ. 2009: 38-328; Deschenes MR. 2004: 24-809)

از طرفی، تمرین قدرتی، منجر به افزایش تولید نیرو، هیپرتروفی عضلانی به ویژه در تارهای تند انقباض و فراخوانی تعداد زیاد واحد حرکتی و تکانش های عصبی می شود.

(Strasser EM, Draskovits T, Prashchak M, Quittan M, Graf A. 2013: 77-88)

مطالعات گویای آن است که تمرینات ورزشی مقاومتی نشان دهنده یک استراتژی مداخله ای موثر برای افزایش توده عضلانی، قدرت و عملکرد در افراد مسن است.

(Kirkendall DT, Garrett WE. 1998:598-602)

این تمرینات به عنوان یک استراتژی درمانی مؤثر برای ایجاد هیپرتروفی عضلانی در افراد مسن ایجاد شده و با هیپرتروفی واضح تری از تارهای عضلانی نوع II همراه است.

(Kraemer WJ, Ratamess NA. 2004:88-674)

اسپانگنبورگ و باث هم در این مورد اعلام کردند که تمرینات مقاومتی باعث افزایش تارهای نوع IIa در

انسان و افزایش تارهای نوع IIx در موش ها می شود که این تغییرات ناشی از تمرینات مقاومتی در تارها در جهت معکوس با سارکوپنیاست.

(Kosek DJ, Kim JS, Petrella JK, Cross JM, Bamman MM. 2006: 101)

همچنین چندین مطالعه در افراد مسن نشان داده اند که پاسخ سازگاری عضلانی به تمرین مقاومتی با هیپرتروفی تار عضله نوع II مشخص می شود. برای هیپرتروفی تار عضلانی که فراتر از یک آستانه اتفاق می افتد، افزودن هسته های جدید ضروری است. سپس با تکثیر سلول های ماهواره ای و تمایز آنها به هسته های جدیدی که با تارهای عضلانی موجود ترکیب می شوند تسهیل می یابند.

(Kirkendall DT, Garrett WE. 1998:598-602)

اگرچه مسیرهای دقیقی سیگنالینگ که منجر به هیپرتروفی عضلانی پس از تمرینات مقاومتی می شود هنوز مشخص نشده است، اما به نظر می رسد که افزایش تعداد سلول های ماهواره ای برای پاسخ به سازگاری عضلانی ضروری باشد.

(Spangenburg EE, Booth FW. Molecular regulation of individual skeletal muscle fibre types. 2003:24-413)

وردیچک و همکاران (۲۰۰۹) در مطالعه خود نشان دادند که ۳ ماه تمرینات مقاومتی منجر به افزایش توده عضلانی، کاهش توده چربی و افزایش قدرت عضلانی در مردان سالمند شده است. هیپرتروفی عضلانی اسکلتی مشاهده شده در این مطالعه در تار عضله نوع II (جدول ۱) و همراه با افزایش خاصی در محتوای سلول های ماهواره ای در تارهای نوع II می باشد. همچنین در این تحقیق افزایش ۲۸ درصدی در سطح مقطع تارهای عضلانی نوع II گزارش شده است. نتایج حاصل از مطالعات نشان می دهد که انجام تمرینات مقاومتی بصورت طولانی مدت منجر به افزایش توده و قدرت عضلانی در افراد سالمند می شود (شکل ۴).

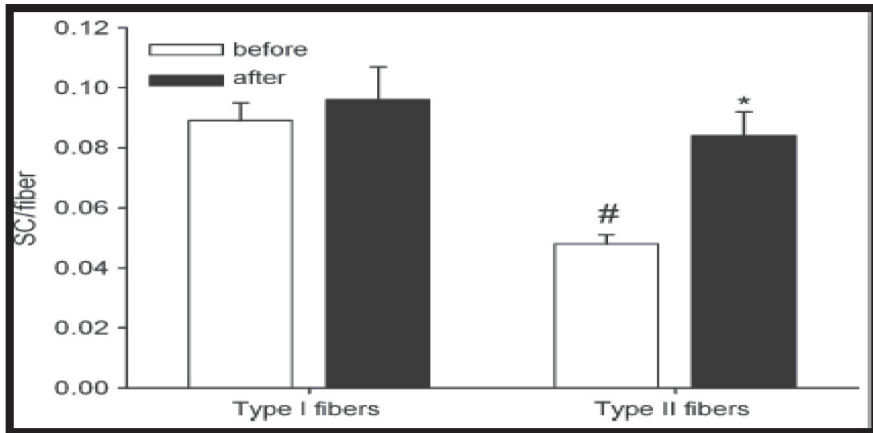
(Roth SM , Martel GF , Ivey FM , et al . 2000: 351 – 358)

	Before Intervention			After Intervention		
	Fiber%	CSA (μm^2)	CSA%	Fiber%	CSA (μm^2)	CSA%
Type I	47 ± 4	6,635 ± 354	52 ± 4	47 ± 3	6,881 ± 493	46 ± 3
Type II	53 ± 4	5,438 ± 319*	48 ± 4	53 ± 3	6,982 ± 503 [†]	54 ± 3

جدول ۱: ترکیب نوع تارهای عضلانی. CSA: سطح مقطع تار

* تفاوت معنی دار در مقایسه با تار نوع یک عضله

† تفاوت معنی دار در مقایسه با قبل تمرین



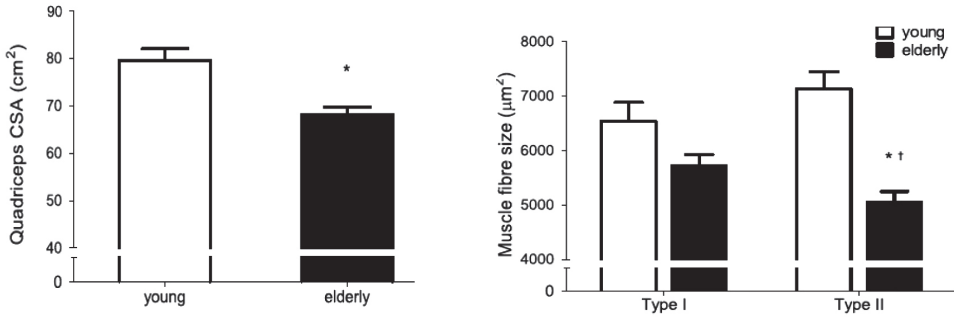
شکل ۴: میانگین تعداد سلول‌های ماهواره‌ای (SC) در تارهای نوع ۱ و نوع ۲ تارهای عضلانی قبل و بعد از مداخله تمرینی

تفاوت معنی‌دار در مقایسه با تارهای عضلانی نوع یک ($P < 0.01$)

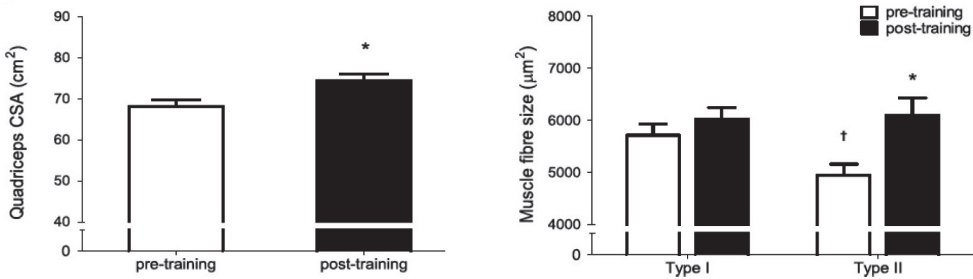
* تفاوت معنی‌دار در مقایسه با قبل تمرین ($P < 0.01$)

نیلویک و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی که در همین زمینه انجام دادند ۱۴ درصد کاهش سطح مقطع عضلانی در عضله چهارسر رانی را در مردان سالمند نسبت به آزمودنی‌های جوان گزارش نمودند. در این مطالعه بیان شده است همان‌طور که تعداد تارهای محاسبه شده در عضله چهارسر رانی بین مردان جوان و سالمندان تفاوتی نداشت، این نتایج نشان می‌دهد که تفاوت‌های ویژه تار نوع II در اندازه تار باعث تفاوت در توده عضلانی بین گروه‌های سنی می‌شود. علاوه بر این، تمرینات طولانی مدت مقاومتی در مردان مسن باعث افزایش ۹ درصدی در سطح مقطع عضله چهارسر رانی شد؛ تغییری که کاملاً توسط هیپرتروفی تار عضلانی نوع II توضیح داده شد. در این تحقیق، در مقادیر پایه، قدرت عضلات پا با اندازه تار نوع یک و دو عضله ارتباط داشت. با این حال هیچ تفاوتی بین تغییرات ناشی از تمرین در اندازه تار عضلانی و قدرت عضله مشاهده نشد. این نتیجه در راستای مطالعات قبلی است و احتمالاً ناشی از تفاوت‌های درون فردی در پاسخ به تمرینات مقاومتی طولانی مدت می‌باشد (پیترسون و همکاران ۲۰۱۰، وردیجک و همکاران ۲۰۱۰) (۴۸) (شکل ۵ و ۶).

(Mackey AL , Esmarck B , Kadi F , et al . 2007: 34 – 42)



شکل ۵: A سطح مقطع عضله چهارسر ران (CSA) و B اندازه تار نوع یک و دو عضله
* تفاوت معنی دار نسبت به مردان جوان ($P < 0.05$)
† تفاوت معنی دار نسبت به اندازه تار نوع یک عضله ($P < 0.05$)



شکل ۶: سطح مقطع عضله چهارسر ران A (CSA)؛ اندازه تار نوع یک و دو عضله (B) در سطح پایه و بعد از ۶ ماه تمرینات مقاومتی در مردان سالمند
* تفاوت معنی دار از سطح پایه ($P < 0.05$)
† تفاوت معنی دار از اندازه تار نوع یک ($P < 0.05$)

تاثیر تمرینات استقامتی بر انواع تارهای عضلانی در افراد سالمند

از دست دادن توده عضلانی اسکلتی به علت پیری معمولاً با کاهش قدرت عضلانی و کاهش توان عملکردی همراه است. از دست دادن توده عضلانی اسکلتی ناشی از پیری، معمولاً با کاهش قدرت عضلانی و کاهش توانایی عملکردی که در اواسط سنین شروع می شود و پس از آن به تدریج شتاب می گیرد، همراه است. (Snijders T, Verdijk LB, van Loon LJ. 2009: 38-328)

تمرینات مقاومتی، قدرت و توان عضلانی را از طریق چندین مکانیزم مختلف بهبود می بخشد؛ به عنوان مثال، افزایش فعال داوطلبانه عضلات تمرین کرده و ایجاد تغییرات در سطح مقطع عضلانی (CSA) و انواع تارهای عضلانی حتی زمانی که تمرینات مقاومتی در سنین بالا شروع می شود (۴۹).

(Verdijk LB, Gleeson BG, Jonkers RA, Meijer K, Savelberg HH, Dendale P, van Loon LJ. 2009: 9-332)

بنابراین، با تمرینات مقاومتی ممکن است که از دست دادن توده عضلانی اسکلتی و کاهش قدرت و

توان عضلانی ناشی از سالمندی در افراد میانسال و سالمند جلوگیری شود و یا آن را به تاخیر اندازد (۵۰). تأثیر تمرینات طولانی مدت بر تغییرات مرتبط با پیری در ساختار و عملکرد عضلات اسکلتی در افراد تمرین کرده استقامتی مورد بررسی قرار گرفته است. این مطالعه به طور کلی نشان داده است که تمرینات استقامتی طولانی مدت، توانایی هوازی را در عضلات حفظ می کند، اما از دست دادن عضلانی ناشی از پیری، آتروفی تار نوع II یا کاهش کل نیروی تولیدی عضلانی را کاهش نمی دهد.

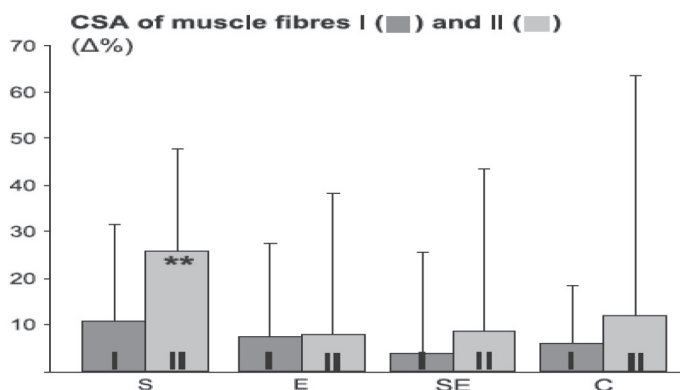
(Karavirta, Häkkinen, Sillanpää, García López, Kauhanen, Haapasaari, Alen, Pakarinen, Kraemer, Izquierdo and Gorostiaga. 2011:11-402).

در مقایسه با تمرینات مقاومتی، یک برنامه تمرینی استقامتی، ظرفیت هوازی را بهبود می بخشد و دارای چندین اثر است (Cornelissen, Arnout, Holvoet and Fagard, 2009:598)

۱۵۷

به عنوان مثال، بر عوامل خطر بیماری قلبی عروقی در جمعیت پیر به ویژه هنگامی که شدت تمرین کافی است، تأثیر مثبت دارد. تمرین استقامتی معمولاً منجر به افزایش محتوای میتوکندری، تراکم مویرگی و فعالیت آنزیم هوازی می شود. بنابراین نشان داده شده است که اثرات فیزیولوژیکی تمرین استقامتی بر عضلات اسکلتی با افزایش قدرت و سطح مقطع عضلانی به ویژه در تارهای عضلانی که برای انجام هر دو نوع فعالیت ورزشی استخدام می شوند، مخالف می باشند. قبلاً در افراد جوان نشان داده شده است که تمرینات استقامتی با شدت بالا حتی ممکن است باعث کاهش سطح تارهای عضله نوع I و نوع II شود. با این حال، اثرات تمرین استقامتی بر عضله اسکلتی به شدت وابسته به شدت، حجم و نحوه تمرین است. (شکل ۷).

(Karavirta, Häkkinen, Sillanpää, García López, Kauhanen, Haapasaari, Alen, Pakarinen, Kraemer, Izquierdo and Gorostiaga, 2011:402-11)



شکل ۷: تغییرات در میانگین سطح مقطع تارهای نوع یک و دو عضله در عضله واستوس خلفی قبل و بعد از ۲۱ هفته

تمرین مقاومتی (S)، استقامتی (E) و ترکیبی از تمرینات مقاومتی - استقامتی یا دوره کنترل (C)

** تفاوت معنی دار از اندازه گیری های پایه

کرکنندال و همکاران در مورد سازگاری های تارهای عضلانی به تمرینات استقامتی بیان کردند سازگاری

سیستمیک ایجاد شده، منعکس کننده بهبود ظرفیت تنفسی میتوکندری سلول های عضلانی، افزایش تراکم مویرگی در عضله فعال و تغییر در مشخصات متابولیک تار نوع IIB نسبت به تار نوع IIA می باشد. در این برنامه تمرینی، افزایش نسبت مویرگی به تار عضلانی، فاصله انتشار اکسیژن را کاهش می دهد و ممکن است یکی از مهم ترین سازگاری های فعالیت جسمانی باشد. با تمرینات استقامتی، تارهای نوع II بیشتر هوازی شده بودند. بنابراین، افزایش تار نوع IIA با کاهش مشابه در تار نوع IIB می تواند رخ دهد (جدول ۲).

(Kirkendall and Garrett, 1998:598-602)

Variable	Aging	Training
Muscle mass	Increase	Increase or no change
Type I%	Increase	No change
Type II%	Decrease	No change
Type I area	No change	Increase
Type II area	Decrease	Increase
Oxidative capacity	Decrease	Increase
Glycolytic capacity	No change	No change
Capillary density	Decrease	Increase
Contraction time	Increase	Decrease or no change
Relaxation time	Increase	Decrease or no change
Shortening velocity	No change	Increase

جدول ۲: خلاصه ای از سازگاری های عضلانی به سالمندی و تمرینات ورزشی در افراد پیر

تاثیر تمرینات ترکیبی بر انواع تارها در سالمندان

ترکیب همزمان تمرین استقامتی و مقاومتی در برنامه های تمرینی منظم، تمرین ترکیبی (موازی) نامیده می شود. مطالعه تأثیر ترکیب تمرین قدرتی و استقامتی بر توان هوازی و استقامت کوتاه مدت از سال ۱۹۸۰ شروع شد. (Hickson, 1980: 63-255)

به علت اختصاصی بودن آثار تمرین، ترکیب هر دو تمرین استقامتی و مقاومتی برای عملکرد بدنی مطلوب و سلامتی در افراد سالمند توصیه شده است (Coffey and Hawley, 2007: 63-737) به علت تأثیرات ویژه تمرین مقاومتی و استقامتی، ترکیب خوبی از این دو روش تمرینی می تواند به طور بالقوه تأثیرات منفی پیری را به طور گسترده تر از هر دو به تنهایی به حداقل برساند.

(Karavirta, Häkkinen, Sillanpää, García López, Kauhanen, Haapasaari, Alen, Pakarinen, Kraemer, Izquierdo and Gorostiaga, 2011:402-11).

هنگامی که حجم، تواتر و مدت زمان تمرین ترکیبی متوسط باشد، به نظر نمی رسد که عملکرد مقاومتی یا استقامتی با تمرین همزمان مقاومتی و استقامت در بزرگسالان جوان در معرض خطر قرار گیرند (Izquierdo, 2005: 70-75). با این حال، نشان داده شده است تمرینات ترکیبی با حجم بالا و طولانی مدت، با افزایش قدرت هیپرتروفی عضله و گاهی اوقات ظرفیت هوازی در مقایسه با حجم و نوع مشابه تمرین مقاومتی و استقامتی به تنهایی مداخله می کند. تمرین استقامتی همزمان ممکن است رشد عضله را حداقل در تارهای نوع I غنی از میتوکندری مهار کند. در بزرگسالان سالمند،

مطالعات قبلی نشان داده‌اند که تمرین ترکیبی با تواتر پایین (دو بار در هفته) و تمرینات کوتاه مدت (۱۲ هفته ای) با افزایش قدرت مواجه نمی‌شوند.

(Karavirta, Häkkinen, Sillanpää, García López, Kauhanen, Haapasaari, Alen, Pakarinen, Kraemer, Izquierdo and Gorostiaga, 2011:402-11).

به نظر می‌رسد مکانیسم‌های سازگاری مولکولی و ژنتیکی القا شده توسط تمرین مقاومتی و استقامتی متفاوت هستند، و با هر نوع از فعالیت ورزشی، مجموعه‌ای از مسیرهای سیگنالینگ سلولی و ژن‌های ویژه‌ای فعال می‌شوند. (Hickson, 1980: 63-255)

ترکیب تمرین قدرتی و استقامتی در افراد سالمند برای بهبود آمادگی جسمانی، ترکیب بدن و وضعیت متابولیکی موثرتر از هر کدام از روش‌های تمرینی به تنهایی است (Sillanpää, Häkkinen, Laaksonen, Karavirta, Kraemer and Häkkinen, 2010: 7-110). برعکس، تعدادی از مطالعات، هنگامی که تمرین استقامتی را به تمرین قدرتی در یک برنامه تمرین ترکیبی اضافه کردند، اختلال در بهبود عوامل آمادگی جسمانی را مشاهده نمودند (Kirkendall, Garrett, 1998:598-602).

تمرین مقاومتی شدید به بیورژن میتوکندریایی منجر نمی‌شود و سطح مقطع بزرگتر تارها مسافت انتشار اکسیژن و سوبستراها را افزایش می‌دهد. بنابراین، با توجه به تغییر در محیط عضله، این سازگاری، مطلوب ظرفیت استقامتی نیست. (Yan, Okutsu, Akhtar and Lira, 2011: 74-264)

نتایج حاصل از مطالعه کاراویرتا و همکاران (۲۰۱۱) نشان می‌دهد که تمرینات ترکیبی که ۴ جلسه تمرینی در هفته انجام می‌شود منجر به افزایش قابل توجهی در قدرت بیشینه می‌شود که به تنهایی به اندازه تمرینات مقاومتی نمی‌باشد. با این حال، سطح مقطع تارهای نوع II عضلانی تنها با تمرینات مقاومتی افزایش می‌یابد - اما نه با تمرینات ترکیبی. ناسازگاری تمرینات استقامتی و مقاومتی در تارهای نوع II مشاهده شده در این مطالعه، در بزرگسالان سالمند بسیار مهم است، زیرا تارهای نوع II پتانسیل بیشتری برای رشد عضلات و نیروی بالاتر در هر واحد از سطح نسبت تار نوع I دارند.

(Karavirta, Häkkinen, Sillanpää, García López, Kauhanen, Haapasaari, Alen, Pakarinen, Kraemer, Izquierdo and Gorostiaga, 2011:402-11).

چندین مکانیسم ممکن برای دخالت هیپرتروفی عضلانی با ترکیب تمرینات استقامتی و مقاومتی پیشنهاد شده است که با مسیرهای مختلف سیگنالینگ این دو روش تمرینی مرتبط می‌باشند. عامل احتمالی که منجر به تداخل می‌شود می‌تواند پتانسیل بالاتر ورزش هوازی در مقایسه با تمرینات شدید برای ایجاد استرس اکسیداتیو به علت ماهیت وابسته به مدت تولید رادیکال آزاد باشد (Baar, 2006: 1939-1944). در این صورت بسیاری از مواد بیولوژیکی مهم درگیر در هیپرتروفی عضلانی مانند اسید نوکلئیک و پروتئین در معرض خطر تئوری آسیب سلولی قرار دارند. (Fisher-Wellman and Bloomer, 2009: 1). همچنین توصیه شده است که تمرین‌های ترکیبی منجر به ایجاد وضعیت کاتابولیک می‌شود که نشان دهنده افزایش سطح کورتیزول در مردان جوان است. با این حال، داده‌های حاصل از مطالعه کاراویرتا و همکاران (۲۰۱۱) در افراد مسن تغییرات قابل توجهی در غلظت هورمون پایه کورتیزول در طی دوره تمرینی ۲۱ هفته‌ای نشان ندادند. ارتباط مثبت معناداری بین غلظت تستوسترون و تغییرات سطح مقطع عضلانی تار نوع II، تنها در گروه

تمرینی مقاومتی مشاهده شد. این مشاهدات نشان می دهد که با وجود پیشرفت های مشابه قدرت در گروه های تمرینی مقاومتی و ترکیبی، هیپرتروفی عضلانی می تواند در هنگام ترکیب دو نوع برنامه مختلف تمرینی به خطر بیفتد (جدول ۴). در این مطالعه گزارش شده است تمرینات مقاومتی به تنهایی سطح مقطع تارهای نوع یک را افزایش داده، تمرینات استقامتی سطح مقطع تار عضلانی را کاهش داده و تمرینات ترکیبی هیچ تاثیری بر این متغیر نداشته است.

(Karavirta, Häkkinen, Sillanpää, García López, Kauhanen, Haapasaari, Alen, Pakarinen, Kraemer, Izquierdo and Gorostiaga. 2011:11-402)

جدول ۳: میانگین توزیع انواع تارهای عضله قبل و بعد از ۲۱ هفته تمرینات مقاومتی (S)، استقامتی (E)، ترکیبی (SE) و گروه

کنترل (C)

* تفاوت معنی دار از سطوح پایه ($P < 0.05$)

** $P < 0.01$

۱۶۰

	S (n=11)		E (n=7)		SE (n=12)		C (n=3)	
	Pre	Post	Pre	Post	Pre	Post	Pre	Post
Type I (%)	40 (18)	45 (13)	44 (15)	48 (17)	45 (6)	42 (14)	46 (10)	55 (6)
Type IIA (%)	36 (20)	50 (12)*	35 (13)	41 (14)	41 (8)	49 (14)	23 (3)	22 (7)
Type IIX (%)	18 (12)	5 (6)**	14 (4)	9 (7)	13 (8)	6 (10)	31 (7)	20 (7)
Type IIX (%)	6 (9)	0.2 (0.4)	7 (5)	2 (4)	1 (1)	3 (7)	0.5 (0.5)	3 (4)

جدول ۴: میانگین غلظت های پایه هورمون برای گروه تمرینی استقامتی (E)، مقاومتی (S)، ترکیبی (SE) و کنترل (C)

	- 2	0	10	21
Testosterone (nmol/L)				
S (n=11)	14.3 (2.5)	14.7 (3.7)	16.4 (5.4)	16.4 (4.3)
E (n=6)	19.9 (6.0)	17.8 (4.4)	18.4 (5.4)	19.3 (3.6)
SE (n=12)	16.3 (4.5)	19.1 (7.4)	19.8 (6.7)	19.9 (6.5)
C (n=3)	20.9 (2.5)	18.5 (6.0)		18.1 (10.6)
Cortisol (μmol/L)				
S (n=11)	0.39 (0.06)	0.43 (0.12)	0.44 (0.11)	0.42 (0.08)
E (n=6)	0.49 (0.14)	0.46 (0.05)	0.51 (0.10)	0.51 (0.14)
SE (n=12)	0.49 (0.10)	0.49 (0.12)	0.47 (0.11)	0.47 (0.10)
C (n=3)	0.36 (0.09)	0.46 (0.10)		0.39 (0.06)

در پژوهشی دیگر، مردان پور و همکاران (۱۳۹۴) بیان کردند انجام تمرین همزمان قدرتی و استقامتی در طول هشت هفته، اختلالی در کسب قدرت در تمامی گروه های سالمند ایجاد نمی کند. مکانیزم افزایش قدرت ناشی از تمرین قدرتی به واسطه افزایش در تعدادی از ایмпالس های عصبی واحدهای حرکتی، افزایش در اندازه تار عضلانی نوع یک و دو و افزایش در هورمون های آنابولیکی می باشد و مکانیزم های احتمالی افزایش قدرت

ناشی از تمرین استقامتی می تواند با سازگاری های عصبی عضلانی و بهبود در توزیع جریان خون عضلانی مرتبط باشد که در نتیجه انجام تمرین استقامتی اتفاق می افتد.

(Mardanpour-Shahrekordi, Banitalebi, Faramarzi, Bagheri and Mardanpour- Shahrekordi 2015:1-12)

نتیجه گیری

انجام تمرین هم زمان با حجم تمرینی برابر با گروه های قدرتی و استقامتی و تغییر در توالی تمرین نه تنها باعث سرکوب سازگاری عصبی- عضلانی در افزایش قدرت نمی شود، بلکه احتمالاً می تواند موجب بهبود سازگاری عصبی- عضلانی در افزایش قدرت شود که این افزایش نسبت به گروه استقامتی بیشتر و قدرتی کمتر می باشد.

بدین ترتیب، می توان افراد را در انتخاب طرح تمرینی مناسب و کسب نتایج بهتر در زمان کوتاه تر کمک کرد.

- Baar, K. (2006). **“Training for endurance and strength: lessons from cell signaling”**. Med Sci Sports Exerc, 38: 1939–1944.
- Brown, W.F., Strong, M.J., Snow, R. (1988). **“Methods for estimating numbers of motor units in biceps-brachialis muscles and losses of motor units with aging”**. Muscle Nerve, 11: 423–432.
- Brunner, F., Schmid, A., Sheikhzadeh, A., Nordin, M., Yoon, J., Frankel, V. (2007). **“Effects of aging on Type II muscle fibers: a systematic review of the literature”**. Journal of aging and physical activity, 15(3):336-48.
- Buford, T.W., Anton, S.D., Judge, A.R., Marzetti, E., Wohlgemuth, S.E., Carter, C.S., Leeuwenburgh, C., Pahor, M., Manini, T.M. (2010). **“Models of accelerated sarcopenia: critical pieces for solving the puzzle of age-related muscle atrophy”**. Ageing research reviews, 9(4):369-83.
- Coffey, V.G., Hawley, J.A. (2007). **“The molecular bases of training adaptation”**. Sports Med, 37(9): 63-737.
- Campbell, M.J., McComas, A.J., Petito, F. (1973). **“Physiological changes in ageing muscles”**. Neurol Neurosurg Psychiatry, 36: 174–182.
- Caserotti, P., Aagaard, P., Puggaard, L. (2008). **“Changes in power and force generation during coupled eccentric concentric versus concentric muscle contraction with training and aging”**. Eur J Appl Physiol, 103: 151–161.
- Cornelissen, V.A., Arnout, J., Holvoet, P., Fagard, R.H. (2009). **“Influence of exercise at lower and higher intensity on blood pressure and cardiovascular risk factors at older age”**. J Hypertens, 27: 7.
- D’Antona, G., Pellegrino, M.A., Adami, R., Rossi, R., Carlizzi, C.N., Canepari, M., Saltin, B., Bottinelli, R. (2003). **“The effect of ageing and immobilization on structure and function of human skeletal muscle fibres”**. The Journal of physiology, 552(2):499-511.
- Darbani, M., Torkaman, G., Movasseh, S., Bayat, N. (2015). **“Comparison of the hip, ankle and back extensor muscle strength and its correlation with functional balance in healthy and osteoporotic postmenopausal women”**. Journal of Modern Rehabilitation, 9(1): 40-52.
- Degens, H., Alway, S.E. (2006). **“Control of muscle size during disuse, disease, and aging”**. International journal of sports medicine, 27(02):94-9.
- Deschenes, M.R. (2004). **“Effects of aging on muscle fibre type and size”**. Sports Medicine, 34(12):809-24.

- Dirks, A.J., Leeuwenburgh, C. (2005). **“The role of apoptosis in age-related skeletal muscle atrophy”**. Sports Medicine, 35(6):473-83.
- Doherty, T.J., Stashuk, D.W., Brown, W.F. (1993). **“Determinants of mean motor unit size: impact on estimates of motor unit number”**. Muscle Nerve, 16: 1326– 1331.
- Dreyer, H.C., Blanco, C.E., Sattler, F.R., Schroeder, E.T., Wiswell, R.A. (2006). **“Satellite cell numbers in young and older men 24 hours after eccentric exercise”**. Muscle & nerve, 33(2):242-
- Farrell, A.P., Joyner, M.J., Cayozzo, V.J. (2012). **“Advanced Exercise Physiology”**. 2 ed. Philadelphia, American College of Sports Medicine.
- Fisher-Wellman, K., Bloomer, R. (2009). **“Acute exercise and oxidative stress: a 30 year history”**. Dyn Med, 8: 1.
- Frontera, W.R., Suh, D., Krivickas, L.S., Hughes, V.A., Goldstein, R., Roubenoff, R. (2000). **“Skeletal muscle fiber quality in older men and women”**. American Journal of Physiology-Cell Physiology, 279(3):C611-8.
- Greenlund, L.J., Nair, K.S. **“Sarcopenia—consequences, mechanisms, and potential therapies”**. (2003). Mechanisms of ageing and development, 31; 124(3):287-99.
- Hekmatpou, D., Shamsi, M., Zamani, M. (2012). **“The effect of healthy lifestyle education programs on promotion of physical activity in elderly of Arak”**. Daneshvar Medicine, 19(98): 33- 42.
- Herridge, M.S., Cheung, A.M., Tansey, C.M., Matte-Martyn, A., Diaz-Granados, N., Al-Saidi, F., et al. (2003). **“One-year outcomes in survivors of the acute respiratory distress syndrome”**. The New England Journal of Medicine, 348(8): 683-93.
- Hickson, R.C. (1980). **“Interference of strength development by simultaneously training for strength and endurance”**. Eur J Appl Physiol, 45(2-3): 63-255.
- Izquierdo, M., Häkkinen, K., Ibanez, J., Kraemer, W.J., Gorostiaga, E.M. (2005). **“Effects of combined resistance and cardiovascular training on strength, power, muscle cross-sectional area, and endurance markers in middle-aged men”**. Eur J Appl Physiol, 94: 70–75.
- Johnston, A.P., De Lisio, M., Parise, G. (2007). **“Resistance training, sarcopenia, and the mitochondrial theory of aging”**. Applied physiology, nutrition, and metabolism, 33(1):9-191.
- Kalyani, R.R., Tra, Y., Yeh, H.C., Egan, J.M., Ferrucci, L., Brancati, F.L. (2013). **“Quadriceps strength, quadriceps power, and gait speed in older U.S. adults with diabetes mellitus: results from the National Health and Nutrition Examination Survey, 1999-2002”**. Journal of American Geriatric Society, 61(5): 769-75.

- Karavirta, L., Häkkinen, A., Sillanpää, E., García, López D., Kauhanen, A., Haapasaari, A., Alen, M., Pakarinen, A., Kraemer, W.J., Izquierdo, M., Gorostiaga, E. (2011). **“Effects of combined endurance and strength training on muscle strength, power and hypertrophy in 40–67yearold men”**. Scandinavian journal of medicine & science in sports, 21(3):402-11.
- Kaya, R.D., Nakazawa, M., Hoffman, R.L., Clark, B.C. (2013). **“Interrelationship between muscle strength, motor units, and aging”**. Experimental Gerontology, 48(9): 920-5.
- Kirkendall, D.T., Garrett, W.E. (1998). **“The effects of aging and training on skeletal muscle”**. The American journal of sports medicine, 26(4):598-602.
- Koopman, R. (2011). **“Dietary protein and exercise training in ageing”**. Proceedings of the Nutrition Society, 70 (1):13-104.
- Korhonen, M.T., Cristea, A., Alén, M., Häkkinen, K., Sipilä, S., Mero, A., Viitasalo, J.T., Larsson, L., Suominen, H. (2006). **“Aging, muscle fiber type, and contractile function in sprint-trained athletes”**. Journal of Applied Physiology, 101(3):906-17.
- Kosek, D.J., Kim, J.S., Petrella, J.K., Cross, J.M., Bamman, M.M. (2006). **“Efficacy of 3 days/wk resistance training on myofiber hypertrophy and myogenic mechanisms in young vs. older adults”**. J Appl Physiol, 101.
- Kraemer, W.J., Spiering, B.A. (2006). **“Skeletal muscle physiology: plasticity and responses to exercise”**. Hormone Research in Paediatrics, 66(Suppl. 1):2-16.
- Kraemer, W.J., Ratamess, N.A. (2004). **“Fundamentals of resistance training: progression and exercise prescription”**. Medicine and science in sports and exercise, 36(4):674-88.
- Krivickas, L.S., Suh, D., Wilkins, J., Hughes, V.A., Roubenoff, R., and Frontera, W.R. (2001). **“Age- and gender-related differences in maximum shortening velocity of skeletal muscle fibers”**. Am J Phys Med Rehabil 80, 447–455.
- Kryger, A.I., Andersen, J.L. (2007). **“Resistance training in the oldest old: consequences for muscle strength, fiber types, fiber size, and MHC isoforms”**. Scand J Med Sci Sports, 17: 422–430.
- Kun, L.G. (2001). **“Telehealth and the global health network in the 21st century. From homecare to public health informatics”**. Computer Methods and Programs in Biomedicine, 64(3): 155-67.
- Kung, T.A., Cederna, P.S., van der Meulen, J.H., Urbanek, M.G., Kuzon, Jr. W.M., Faulkner, J.A. (2013). **“Motor unit changes seen with skeletal muscle sarcopenia in oldest old rats”**. Journals of Gerontology Series A: Biomedical Sciences and Medical Sciences, 69(6):657-65.
- Lang, T., Strepper, T., Cawthon, P., Baldwin, K., Taaffe, D.R., Harris, T.B. (2010). **“Sarcopenia:**

etiology, clinical consequences, intervention, and assessment". Osteoporosis international, 21(4): 59-543.

- Larsson, L.A., L.i., X.I., Frontera, W.R. (1997). **"Effects of aging on shortening velocity and myosin isoform composition in single human skeletal muscle cells"**. American Journal of Physiology-Cell Physiology, 272(2):C49-638.
- Lexell, J., Taylor, T., Sjostrom, M. (1988). **"What is the cause of the ageing atrophy? Total number, size, and proportion of different fibre types studied in whole vastus lateralis muscle from 15- to 83- year-old men"**. J Neurol Sci, 84: 275-294.
- Meng, S.J., Yu., L.J. (2010). **"Oxidative stress, molecular inflammation and sarcopenia"**. International journal of molecular sciences, 11(4):26-1509.
- Macintosh, B.R., Gardiner, P.F., McComas, A.J. (2006). **"Skeletal Muscle Form and Function"**. 2 ed. Champaign: Human Kinetics.
- Macaluso, A., De Vito, G. (2004). **"Muscle strength, power and adaptations to resistance training in older people"**. European journal of applied physiology, 91(4):72-450.
- Mackey, A.L., Esmarck, B., Kadi, F., et al. (2007). **"Enhanced satellite cell proliferation with resistance training in elderly men and women"**. Scand J Med Sci Sports, 17: 34 – 42.
- Mardanpour-Shahrekordi, Z., Banitalebi, E., Faramarzi, M., Bagheri, L., Mardanpour-Shahrekordi, E. (2015). **"The Effect of Combined Training (Strength and Endurance) on Muscle Strength, Aerobic Power and Physical Fitness in Elderly Women: A Randomized Clinical Trial"**. J Shahrekord Univ Med Sci, 17(3):1-12.
- Martel, G.F., Roth, S.M., Ivey, F.M., Lemmer, J.T., Tracy, B.L., Hurlbut, D.E., Metter, E.J., Hurley, B.F., Rogers, M.A. (2006). **"Age and sex affect human muscle fibre adaptations to heavy-resistance strength training"**. Exp Physiol, 91: 457-464.
- Marzetti, E., Calvani, R., Bernabei, R., Leeuwenburgh, C. (2012). **"Apoptosis in skeletal myocytes: a potential target for interventions against sarcopenia and physical frailty—a mini-review"**. Gerontology, 58(2):99-106.
- McNeil, C.J., Doherty, T.J., Stashuk, D.W., Rice, C.L. (2005). **"Motor unit number estimates in the tibialis anterior muscle of young, old, and very old men"**. Muscle Nerve, 31: 461-467.
- Mitchell, W.K., Williams, J., Atherton, P., Larvin, M., Lund, J., Narici, M. (2012). **"Sarcopenia, dynapenia, and the impact of advancing age on human skeletal muscle size and strength; a quantitative review"**. Front Physiology, 3(26): 1 18.
- Narici, M.V., Maffulli, N. (2010). **"Sarcopenia: characteristics, mechanisms and functional significance"**. British Medical Bulletin, 95(1): 139-59.

- Nilwik R., Snijders, T., Leenders, M., Groen, B.B., van Kranenburg, J., Verdij, k., L.B., van Loon, L.J. (2013). **“The decline in skeletal muscle mass with aging is mainly attributed to a reduction in type II muscle fiber size”**. Experimental gerontology, 48(5):492-8.
- Ojanen, T., Rauhala, T., Hakkinen, K. (2007). **“Strength and power profiles of the lower and upper extremities in master throwers at different ages”**. Journal of Strength & Condition Research, 21(1): 216-22.
- Roth, S.M., Martel, G.F., Ivey, F.M., et al. (2000). **“Skeletal muscle satellite cell populations in healthy young and older men and women”**. Anat Rec, 260: 351 – 358.
- Short, K.R., Vittone, J.L., Bigelow, M.L., Proctor, D.N., Coenen-Schimke, J.M., Rys, P., Nair, K.S. (2005). **“Changes in myosin heavy chain mRNA and protein expression in human skeletal muscle with age and endurance exercise training”**. Journal of applied physiology, 99(1):95-102.
- Sillanpaa, E., Hakkinen, A., Laaksonen, D., Karavirta, L., Kraemer, W., Hakkinen, K. (2010). **“Serum basal hormone concentrations, nutrition and physical fitness during strength and/or endurance training in 39–64-year-old women”**. Int J Sports Med, 31(02): 7-110.
- Snijders, T., Verdijk, L.B., van, Loon L.J. (2009). **“The impact of sarcopenia and exercise training on skeletal muscle satellite cells”**. Ageing research reviews, 8(4):328-38.
- Spangenburg, E.E., Booth, F.W. (2003). **“Molecular regulation of individual skeletal muscle fibre types”**. Acta Physiologica, 178(4):413-24.
- Strasser, E.M., Draskovits, T., Praschak, M., Quittan, M., Graf, A. (2013). **“Association between ultrasound measurements of muscle thickness, pennation angle, echogenicity and skeletal muscle strength in the elderly”**. Age journal, 35(6): 2377-88.
- Verdijk, L.B., Koopman, R., Schaart, G., Meijer, K., Savelberg, H.H., van Loon, L.J. (2007). **“Satellite cell content is specifically reduced in type II skeletal muscle fibers in the elderly”**. American Journal of Physiology-Endocrinology and Metabolism, 292(1):E151-7.
- Verdijk, L.B., Gleeson, B.G., Jonkers, R.A., Meijer, K., Savelberg, H.H., Dendale, P., van Loon, L.J. (2009). **“Skeletal muscle hypertrophy following resistance training is accompanied by a fiber type-specific increase in satellite cell content in elderly men”**. Journals of Gerontology Series A: Biomedical Sciences and Medical Sciences, 64(3):332-9.
- Yan, Z., Okutsu, M., Akhtar, Y.N., Lira, V.A. (2011). **“Regulation of exercise-induced fiber type transformation, mitochondrial biogenesis, and angiogenesis in skeletal muscle”**. J Appl Physiol, 110(1): 74-264.



جوانان، خانواده و مدیریت ازدواج^۱

سهیلا صادقی فسایی^۲
سید محسن بنی جمالی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱/۱۱

مطالعه حاضر با روش کیفی و به وسیله مصاحبه نیمه ساختاریافته و با هدف واریسی نقش خانواده در چگونگی مدیریت ازدواج از منظر جوانان انجام شده است. نمونه‌ها که تعداد آنها ۲۵ تن است، بر اساس رویه‌های انتخاب مبتنی بر بیشترین اطلاعات و حداکثر تغییرات انتخاب شده و در آن صفات جنسیت، وضع تأهل، سن، طبقه و دسترسی مورد ملاحظه قرار گرفته است. تحقیق نشان داد که بار اصلی در ازدواج و گذار به بزرگسالی جوانان بر عهده خانواده است که خود منابع لازم را برای مدیریت چنین امری، در اختیار ندارد. این قضیه به دلیل نقش سنتی خانواده در ازدواج جوانان تقویت می‌شود، ضمن آنکه به علت نوع رژیم رفاهی در ایران روز به روز مسئولیت‌های بیشتری در مدیریت زندگی جوانان بر عهده خانواده قرار می‌گیرد. از این لحاظ می‌توان گفت خانواده‌ها در عرصه گذار به بزرگسالی و ازدواج جوانان درگیر فشار احتمالی مضاعف و تشدید نابرابری فزاینده خواهند بود که در نهایت فرسودگی ایشان را در آن حوزه سبب خواهد شد. فرسودگی خانواده در نتیجه برعهده داشتن مسئولیت‌های متنوع گذار به بزرگسالی جوانان یکی از مهمترین مفاهیم پیشنهادی این مقاله است.

همین حال مطالعه نشان داد که روابط جوانان و خانواده در فرآیند مدیریت ازدواج بر پایه تعامل و به گونه‌ای منعطف و بازاندیشانه تنظیم می‌شود. در این مورد جوانان ضمن آنکه بر حق انتخاب خود و همزمان بهره‌بردن

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری تخصصی سید محسن بنی جمالی با عنوان «ازدواج و گذار به بزرگسالی در شرایط نامتعین؛ مدیریت و راهبری ازدواج توسط جوانان؛ مورد مطالعه شهر تهران» در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است.

۲. دانشیار، جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. رئیس گروه مطالعات مدیریت، مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی، وزارت ورزش و جوانان، تهران، ایران (دکترای تخصصی، جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه از دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران) (نویسنده مسئول)
E-mail: Banijamali@ut.ac.ir

از امکانات خانواده تأکید می‌کنند، نقش خانواده در نظارت بر آشنایی و سازمان دادن به جریان ازدواج را نیز می‌پذیرند. مطابق با چنین تحولاتی روابط جدیدی در مدیریت گذار به بزرگسالی بین فرزندان و خانواده‌ها شکل یافته است که بر اساس آن خانواده‌ها با خواسته‌های جوانان کنار می‌آیند و استقلال و فردگرایی آنها را در آشنایی و انتخاب می‌پذیرند، اما حمایت خود را نیز از آنها همچنان حفظ می‌کنند.

واژگان کلیدی: جوانان، خانواده، ازدواج، گذار به بزرگسالی و مدیریت ازدواج

مقدمه

یکی از مهمترین مناقشه‌ها در عرصه مطالعات خانواده، بحث چگونگی اثر شرایط مدرن بر ازدواج بوده است. البته از آنجا که اثرات مدرنیته بر ازدواج بیش از هر چیز انعکاس خود را در بازتعریف نقش خانواده در ازدواج می‌یافته است، مطالعات مربوط به «نقش خانواده در ازدواج» و «چگونگی تعامل خانواده و جوانان در مدیریت ازدواج ایشان» نیز عملاً حول محور مطالعات خانواده و ازدواج انجام شده است. در مطالعات مختلف در شرح و تفسیر تحولات مربوط به نقش خانواده در ازدواج، از فردی شدن ازدواج (بنی جمالی، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱)، فردگرایی (مهدوی و مشیدی، ۱۳۸۹) و خود پیرو شدن جوانان در ازدواج (دلخمش، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۸)، عقلانی شدن انتخاب در ازدواج (کاظمی پور، ۱۳۸۸)، و گرایش به عشق ناب (جلایی پور و گرامیان، ۱۳۹۰) که به معنای غلبه فردگرایی و کم شدن نقش خانواده در ازدواج است، یاد شده است. در مقابل این نگاه، در مطالعات بسیاری نیز در برابر «رخت بر بستن» خانواده از حوزه ازدواج جوانان بر «بازتعریف» نقش خانواده در ازدواج جوانان تأکید شده است؛ از جمله در تفسیر چگونگی تعامل خانواده و جوانان از پیگیری علائق در عین حفظ سنت‌ها (جلایی پور و گرامیان، ۱۳۹۰)، تجددگرایی سنت‌مآبانه (ساروخانی و مقربیان، ۱۳۹۰)، گرایش همزمان به سنتی و مدرن (هاشمی و همکاران، ۱۳۸۹)، تغییر و تداوم همزمان (ذکایی، ۱۳۸۸)، رفتار منعطف در تعامل جوانان و خانواده (آزاد و ملکی، ۱۳۸۶)، عمل گزینشی (جمشیدی‌ها و صادقی فسایی و لولآور، ۱۳۹۲) و نظم جدید (صادقی فسایی و عرفان‌منش، ۱۳۹۲) یاد شده است.

مطابق با مطالعات فوق، آشکارا خانواده محور مهم مباحث مربوط به جوانان و نیز تحولات حاصل از مدرنیته در این حوزه شده است؛ حتی در بعضی موارد چگونگی وضعیت مدرن یا اندازه تغییر در مدرنیته بر اساس نسبت فاصله فرد با خانواده سنجیده و تعریف شده است. در این مورد به عنوان مثال، نظریات جدیدتر که به وجود شرایط «پسامدرن»^۱ و یا حتی «مدرن متأخر»^۲ در جامعه متأخرتر غربی معتقدند، بر بازتعریف نقش خانواده در زندگی فردی جوانان تأکید می‌کنند و اینکه خانواده در شرایط جدید کارگزار و عامل ایجاد موقعیتی برای جوانان خود شده است که مطابق آن ایشان بهره بهتری از فردگرایی خود ببرند و همین طور تجربیات آزاد و متفاوتی بیافرینند (ن.ک. به لکاردی و روسپینی^۳، ۲۰۰۶). با این تعابیر اکنون تحولات مهم در خود مدرنیته همه چیز را تحت تأثیر قرار داده و آنچه را که در مورد نقش خانواده در ازدواج تصور می‌شده به کنار نهاده است. به بیان دیگر، از آنجا که مدرنیته خود تغییر یافته و ویژگی‌های متفاوت یافته، نسبت رابطه خانواده با جوانان در پیگیری وقایع گذار نیز تغییر کرده است و مطابق آن دیگر فاصله بین فرد و خانواده در مدیریت گذار، چگونگی و وضعیت مدرنیته را تعیین نمی‌کند. در این مورد به عنوان مثال، شرح داده می‌شود که خانواده در پاسخ به شرایط نامتعیّن در زندگی جوانان و نیز فقدان نهادهای رفاهی و در نبود مسئولیت‌هایی که قبلاً برعهده دولت بوده، اکنون رابطه بازتعریف شده‌ای با جوانان در امر ازدواج یافته است.

در شرایط جدید، خانواده از جنبه دیگری نیز در مرکز توجه مطالعات جوانان و گذار به بزرگسالی قرار گرفته است. در شرایط پیش‌بینی‌ناپذیر و در فقدان نهادهایی که مسئولیت امور زندگی جوانان را برعهده گیرد و در غلبه و تفوق سیاست‌های نولیبرال که باعث شده دولت از زیر بار مسئولیت امور جوانان شانه خالی کند،

1. postmodern

2. Late modern

3. Leccardi and Ruspini

خانواده به تنها نهادی تبدیل شده که همچنان مسئولیت‌های گذار به بزرگسالی جوانان از جمله تحصیل و ازدواج و حتی گاه مسکن و کار را همچنان حفظ کرده است. این امر نقش خانواده را در گذار به بزرگسالی جوانان برجسته ساخته است و آنها را پس از یک دوره طولانی «در حاشیه بودن» بار دیگر به متن زندگی جوانان بازگردانده است. بدین شکل خانواده اکنون مرکز تحولات زندگی جوانان شده است. با ملاحظه آنچه گفته شد و با توجه به وضعیت جدیدی که در روابط بین جوانان و خانواده پیش آمده است و در جستجوی فهم نقش خانواده در ازدواج جوانان - به عنوان مهمترین وجه گذار به بزرگسالی - مقاله حاضر به دنبال آن است تا دریابد که از منظر جوانان:

۱. نقش خانواده در حمایت مادی و غیر مادی از ازدواج جوانان چیست؟
۲. خانواده و جوانان در مدیریت مباحث مربوط به آشنایی، شناخت و انتخاب در ازدواج چگونه تعامل می‌کنند؟

شایان ذکر است که مطالعه حاضر موضوع را از منظر جوانان می‌بیند و به طرف والدین کاری ندارد، زیرا آن را شایسته مطالعه مستقل دیگری می‌داند.

شرایط و زمینه‌های گذار به بزرگسالی و ازدواج

گذار جوانان به بزرگسالی بیش از هر چیز تحت تأثیر شرایط نامتعین است. شرایط نامطمئن و مخاطره‌آمیز، ویژگی عمومی زندگی جوانان است که وجود آن در بسیاری از مطالعات گذار به بزرگسالی تأیید می‌شود. در این باره بلاسفلد و میلز^۱ (۲۰۱۰: ۳۸) مطرح می‌کنند که جهانی شدن، بازارها را پویاتر و البته پیش‌بینی‌ناپذیرتر ساخته و از آن طریق عدم قطعیت را جزئی از زندگی روزمره کرده است. آنها نتیجه می‌گیرند که عدم قطعیت (ناشی از جهانی شدن) امنیت اقتصادی را کاهش داده و اشتغال را نامطمئن و منعطف ساخته است. مطابق با چنین شرایطی، تصویر عمومی گذار جوانان به بزرگسالی در جهان جدید گذاری نامتعین، نامتعادل، شلوغ، پیش‌بینی‌ناپذیر و پیچیده شده است؛ امری که بطور طبیعی باید از سوی رژیم رفاهی مهار و تعدیل شود. در این باره هاینتز^۲ (۲۰۰۹) معتقد است که اثر مخاطره (به عنوان مثال در ازدواج) به وسیله رژیم رفاهی، امکانات آموزشی، شرایط اشتغال و البته ساختارهای خانوادگی تصفیه می‌شود. جونز^۳ (۲۰۰۹) تأکید می‌کند که گذار به بزرگسالی کماکان تحت تأثیر سیاست‌های دولت، نهادها و الگوهای رفاه است. شوول^۴ (۲۰۱۰)، و بلاسفلد و میلز نیز در بررسی چگونگی گذار جوانان به بزرگسالی (از تحصیل به کار) رژیم‌های رفاهی را به عنوان متغیر اصلی در نظر می‌گیرند و به مقایسه نتایج سیاست‌های رفاه در راهبردهای جوانان در گذار به بزرگسالی می‌پردازند. بلاسفلد و میلز (۲۰۱۰) بیان می‌کنند که عدم قطعیت ناشی از نیروهای جهانی شدن به شکل نهادی و مطابق با ساختارهای رفاهی فیلتر می‌شود و به سوی گروه‌های اجتماعی خاص جهت می‌یابد. به همین دلیل سازمان‌های نهادی و ساختارهای اجتماعی که به طور تاریخی رشد یافته‌اند - مثل خانواده - اثر نیروهای دخیل در عدم قطعیت را کاهش یا افزایش می‌دهند. آنها نتیجه می‌گیرند که اثرات عدم

1. Blossfeld and Mills

2. Heinz

3. Jones

4. Chauvel

قطعیّت در رژیم های رفاهی مختلف، متفاوت است (همان: ۳۸) مثلاً در بعضی کشورها، به علت نوع رژیم رفاهی، جوانان بسیار بیشتر از ناملایمات ناشی از شرایط عدم قطعیت تأثیر می پذیرند. از سوی دیگر، در درون هر کشور عدم قطعیت به گونه نابرابری توزیع می شود و آنها که در طبقات پایین قاعده هرم اجتماعی قرار دارند، با مشکلات عدم قطعیت هم بیشتر روبرو می شوند (ترمل^۱، ۲۰۱۰: XVII). به علاوه، آنها تأکید دارند که راهبردهای جوانان در برخورد با شرایط نامتعین تابعی از آن رژیم رفاهی است که در آن زندگی می کنند (بلاسفلد و میلز، ۲۰۱۰). به طور مشخص شوول (۲۰۱۰) به مقایسه نوع رژیم رفاهی و چگونگی پاسخ به شرایط سخت و نامطمئن می پردازد و نشان می دهد که چگونه جوانان در رژیم های رفاهی مختلف راهبردهای متفاوتی را در مدیریت گذار خود از جمله تدارک مسکن و گذار به خانوار مستقل، ازدواج و فرزندآوری برمی گزینند.

در نقطه مقابل تأکید بر اثر رژیم رفاهی در گذار به بزرگسالی، مطالعات دیگری است که نشان می دهد انواع رژیم های رفاهی^۲ در تعدیل شرایط نامطمئن زندگی جوانان چندان توفیقی نداشته اند. از نگاه ایشان اثرات مخاطره آنچنان عمیق بوده است که رژیم های رفاهی عملاً ناتوان از تغییر در آن بوده اند. در این باره کرتسوس^۳ (۲۰۱۰: ۳) هر چند اثر رژیم های رفاهی را تکذیب نمی کند، اما معتقد است رژیم های رفاهی باعث تفاوتی در شرایط جدید نشده است. وی تصریح می کند که در شرایط جدید، عناصر مخاطره آمیز در تمام زمان ها و مکان های زندگی توزیع می شود و بنابراین موقعیت زیست شده ای را شکل می دهد که گسترشی فراتر از مرزهای فقط کار و اشتغال دارد. مطابق بحث وی، انواع رژیم های رفاهی نیز نتوانسته اند در وضعیت جوانان در چنین محیطی تفاوت ایجاد کنند. از این منظر، شرایط نامتعین بر تمامی فضای زندگی سیطره یافته و در حوزه هایی مثل ازدواج نیز وارد شده است. در مطالعات دیگری نشان داده شده که گذار به بزرگسالی هیئتی فردی، زندگی نامه ای و موقعیتی یافته است (ن. ک. به لکاردی، ۲۰۰۶). مطابق با چنین تعبیری در انواع رژیم های رفاهی نوعی همشکلی در گذار ایجاد شده که مطابق آن جوانان خود سرنوشت خود را تعیین می کنند. در این شرایط فرقی نمی کند که جوانان در چه رژیم رفاهی زندگی می کنند، بلکه به هر حال آنها با شرایط نامطمئن، مخاطره آمیز و پیش بینی ناپذیر روبرو هستند. بر اساس چنین دریافتی، آنچه بین جوانان تفاوت ایجاد می کند چگونگی مدیریت خود ایشان است و گر نه بالاخره همه جوانان با چنین شرایطی روبرو هستند. در واقع از همین جاست که خانواده اهمیت ویژه ای می یابد. هم شوول (۲۰۱۰) و هم بلاسفلد و میلز (۲۰۱۰) ضمن بررسی اثر سیاست ها و نهادهای برآمده از رژیم رفاهی تعامل آن سیاست ها و نهادها را با خانواده و چگونگی مدیریت گذار مورد توجه قرار داده اند. هایتز (۲۰۰۹) تأکید دارد که اثر مخاطره (مثلاً در ازدواج) علاوه بر رژیم رفاهی، به وسیله ساختارهای خانوادگی تصفیه می شود. لکاردی و روسپینی (۲۰۰۶) نشان می دهند که جوانان برای ساختن دوباره نظم و رودرویی با شرایط نامتعین به خانواده متکی هستند و فعلاً نه با آن تعامل می کنند. در همین جهت، سوارتز و ابراین^۴ (۲۰۰۹) از روابط جدید فرزندان و خانواده ها در مدیریت گذار می گویند. جونز (۲۰۰۹) نیز شرح می دهد که خانواده ها در طبقه متوسط از جوانان و بخصوص مردان

1. Tremmel

۲. هر چند بنا به تعاریف مختلف، انواع متفاوتی از رژیم رفاهی را می توان فهرست کرد، اما در اینجا منظور رژیم رفاهی لیبرال، محافظه کار، خانواده گرا و سوسیال دمکرات است.

3. Kretsos

4. Swartz and O'Brien

جوان در جهت طولانی‌تر کردن تحصیل و دستیابی به مدارج بالاتر تحصیل و در نهایت گذار کندتر حمایت می‌کنند. به همین دلیل است که وین و وودمن^۱ (۲۰۰۶) بر ضرورت برگرداندن خانواده به کانون مطالعات جوانان تأکید می‌کنند. حتی در امر ازدواج نیز جونز، اُسولیان و رُز^۲ (۲۰۰۶) نشان می‌دهند که خانواده و والدین فعالانه در تشکیل زوجیت فرزندان دخالت دارند. به همین ترتیب، هیث^۳ (۲۰۰۲) نیز نشان می‌دهد که والدین در شکل دادن به محتوای ازدواج و ایجاد تغییر در آن مطابق علائق جوانان با توجه به شرایط زندگی جدید فعالانه درگیرند. به طور مشخص لکاردی^۴ (۲۰۰۶) از آن بحث می‌کند که خانواده در تقابل با عدم قطعیت و مخاطراتی که در زندگی جوانان و در گذار به بزرگسالی آنها وجود دارد، میدان‌دار است. به عبارت دیگر، این خانواده است که به کنترل شرایط پرمخاطره در زندگی جوانان می‌پردازد و هزینه‌های تحصیل، کارآموزی، اشتغال، اوقات فراغت، استقلال یافتن، تهیه مسکن و ازدواج آنها را متقبل می‌شود. بسیاری از این‌ها پیش از این در حیطه وظایف دولت رفاهی بود، اما اکنون با نولیبرال شدن دولت‌ها آنها از زیر بار این وظایف شانه خالی کرده‌اند و خانواده‌ها به اجبار بر آنها گردن نهاده‌اند. به همین دلیل است که گفته می‌شود خانواده در فضای بی‌ارجاع حاصل از تغییرات توسعه‌ای و جهانی شدن، مرجع جوانان شده است. از این منظر خانواده در جهان مخاطره‌آمیز گذار به بزرگسالی جوانان تنها نقطه ارجاع و لنگری مطمئن است که مخاطره‌آمیز نمی‌نماید؛ یعنی حمایت‌های آن از فرد دستخوش تغییر نمی‌شود و همیشه وجود دارد. او شرح می‌دهد که به همین دلیل خانواده اشکالی از استمرار زمانی می‌آفریند که می‌تواند عدم استمراری را که مشخصه ساخته‌های زندگی نام‌های جوانان است برهم‌زده و از سر راه بردارد^۴. از نظر لکاردی این «خانواده جدید» که گذار طولانی جوانان را به بزرگسالی پایدار می‌سازد، بطور بسیار دقیقی پروفایل نهادهای مدرنیته دوم را بازخوانی می‌کند؛ نهادهایی که فرآیندهای فردی شدن را نه از خلال قواعد تنظیم‌کننده بلکه از خلال قواعدی امکان‌پذیر می‌سازد که اجازه بازی آزاد انتخاب‌های فردی را می‌دهد (همان: ۳۳ و ۳۴). از دید او اگر طفره رفتن از مسئولیت یک روی سکه است، روی دیگر آن منظر آزمایشی و یا زندگی‌نامه‌ای است (همان: ۳۵). از این منظر خانواده و حضور بلامنازع آن در زندگی جوانان خود نشانه‌ای آشکار از ظهور مدرنیته دوم است که ساختن زندگی‌نامه و ساختن خود مهمترین وجه آن است. (همان).

تاریخچه موضوع

در بحث نقش خانواده در ازدواج جوانان، جنبه‌های بسیار گوناگونی مطرح است. از یک سو، بسیاری از مطالعات نشان می‌دهد که عاملیت جوانان در ازدواج به شکل قابل توجهی افزایش یافته است. از جمله بنی‌جمالی^۵ (۱۳۸۲) در مطالعه‌ای با عنوان «جوانان و ازدواج؛ آرمان‌ها، واقعیت‌ها و امیدها» مطرح می‌کند که ازدواج در حال فردی شدن است. مطابق با یافته‌های وی، جوانان اعم از دختر و پسر نسبت به گذشته مسئولیت‌های بیشتری را در فرآیند به اجرا درآوردن ازدواج می‌پذیرند و بنابراین روز به روز عاملیت بیشتری را در آن عرصه در رقابت با خانواده به نمایش می‌گذارند. دلخمش (۱۳۸۸ و ۱۳۹۲) نیز در مطالعه خود

1. Wyn and Woodman
2. Jones, O'Sullivan and Rouse
3. Heath
4. counterbalancing

نشان می‌دهد که ارزش‌های ازدواج در حال تغییر و مدرن‌شدن است. مطابق کار وی، جوانان در مقیاس سلسله‌مراتبی ارزش‌های ازدواج ابعاد «خودپروی» و «برابرنگری» را - که نشانه فردگرایی و برعهده گرفتن مسئولیت‌های بیشتر در ازدواج است - در مرتبه‌های بالاتر و ابعاد «محاط‌شدگی» و «سلسله‌مراتبی» را - که نشانه خانواده‌گرایی و سپردن مسئولیت ازدواج به خانواده است - در جایگاه پایین‌تری قرار می‌دهند. کاظمی‌پور (۱۳۸۸) نیز بر غلبه عقلانیت در انتخاب یا به تعبیر دیگر فردی‌شدن انتخاب در ازدواج تأکید می‌کند. به همین ترتیب مهدوی و مشیدی (۱۳۸۹) نیز جهت حرکت در شیوه همسرگزینی را به سوی انتخاب فردی و عشق تشخیص می‌دهند.

علیرغم دریافت‌هایی که حاکی از مدرن‌شدن و فردی‌شدن ازدواج است، مرور مطالعات آشکار می‌سازد که همچنان خانواده و سنت‌ها نیز در این عرصه تعیین‌کننده باقی مانده‌اند. هاشمی و همکاران (۱۳۸۹) بیان می‌کنند که اکثریت قاطع جوانان معتقد به شیوه بینابین سنتی و مدرن در انتخاب و ازدواج هستند. به همین ترتیب ساروخانی و مقربیان (۱۳۹۰) در تحلیل تحولات ازدواج زنان بیان می‌دارند که نوعی تجددگرایی سنت‌مآبانه در انتخاب همسر شکل گرفته است. آنها این امر را به شکل‌گیری نوعی مدرنیته بومی یا ایرانی تعبیر می‌کنند که در آن زنان با حفظ سنت‌ها متجددانه به پیگیری علائق خود توجه یافته‌اند. در همین زمینه جلالی‌پور و گرامیان (۱۳۹۰) نیز با ملاحظه مفهوم رابطه ناب‌گیدنز مطرح می‌کنند که علیرغم اهمیت دوست داشتن و رضایت عاطفی در ازدواج، جوانان به عوامل بیرونی (از جمله خانواده) نیز توجه بسیار دارند.

مطالعات بسیاری این سرگشتگی آشکار در ازدواج را به نوعی انعطاف دوگانه از سوی جوانان و خانواده تعبیر می‌کنند. ذکایی (۱۳۸۸) در تحلیل گذار جوانان به بزرگسالی علیرغم آنکه میل به استقلال و دموکراتیزه‌شدن را در مناسبات خانوادگی و اجتماعی شدن جوانان تشخیص می‌دهد، اما نتیجه می‌گیرد که تجربه جوانان در گذار به بزرگسالی فرآیندی از تغییر و تداوم همزمان است. مطابق با نگاه وی علیرغم اختلاف نظری که نسل‌ها در ارزش‌ها و سلیقه‌های خود ابراز می‌دارند، روندی از همگرایی و تفاهم متقابل را نیز در تعاملات رفتاری خود به نمایش می‌گذارند. به عبارت دیگر، علیرغم فردگرایی، جوانان همچنان وابستگی خود را به خانواده‌های خویش حفظ می‌کنند. آزاد و ملکی (۱۳۸۶) این مسئله را به انعطاف خانواده متناسب می‌کنند و اینکه در چالش بین سنت و مدرنیته در ایران ماندگاری عناصر سنتی در عرصه خانواده، به نسبت سایر عرصه‌ها مثل دین، بسیار کمتر است. در این معنا خانواده‌ها بیشتر از سایر نهادهای اجتماعی نسبت به شرایط بیرونی منعطف و آماده تغییر هستند. در همین زمینه جمشیدی‌ها، صادقی فسایی و لولآور (۱۳۹۲) روندی را مطرح می‌کنند که در جهت بازتعریف ویژگی‌های زندگی مدرن در خانواده در حال تکوین است. از منظر ایشان این بازتعریف در جهت کاهش آسیب‌های مدرنیته و افزایش میزان بهره‌مندی از مزایای آن است. براساس مطالعه ایشان افراد در مواجهه با مظاهر زندگی مدرن گزینشی عمل می‌کنند و شرایط را در جهت انطباق و بهره‌مندی بیشتر باز تعریف می‌کنند. به همین ترتیب صادقی فسایی و عرفان‌منش (۱۳۹۲) نشان می‌دهند که چگونه خانواده فعالانه با تغییرات ناشی از جریان مدرن‌شدن برخورد می‌کند و نظم جدیدی را شکل می‌دهد. در این باره مطالعات مختلف اثر منحصر به فرد خانواده در مدیریت جریان ازدواج جوانان را به اثبات می‌رساند؛ به عنوان مثال، میرباقری و ابراهیمی (۱۳۹۲) نشان می‌دهند که خانواده همچنان بیشترین تأثیر را بر رفتارهای جوانان در مسائل مربوط به ازدواج دارد و یا حقیقی‌زاده، کرمی و سلطانی (۱۳۸۹) نقش خانواده را در انتخاب و ازدواج جدی و

تعیین کننده تشخیص می دهند. مطابق با یافته‌های آنها جوانان ترجیح می دهند جهت انتخاب همسر با والدین مشورت کنند، اما خودشان تصمیم بگیرند.

برخورد فعالانه و معطف خانواده در مدیریت ازدواج جوانان تا بدان حد است که علیرغم سیاست‌گذاری و دخالت دولت و نهادهای عمومی در امور خانواده و ازدواج - که حتی به تضعیف نهاد خانواده انجامیده است (قانع‌راد و عزلتی‌مقدم، ۱۳۸۹) - عملاً خانواده‌ها پیام‌های دریافت شده از سوی نهادهای سیاست‌گذار و مداخله‌گر را پالایش می‌کنند. بنی‌جمالی (۱۳۸۲ ب) نشان می‌دهد که خانواده و جوانان پیام‌های بیرونی برآمده از سیاست‌های رسمی خانواده و ازدواج را که از سوی دولت و سایر نهادهای مداخله‌گر اعلام و اعمال می‌شود، ردّ یا تصحیح می‌کنند و فقط آنهایی را که می‌پذیرند دنبال می‌کنند. به همین دلیل مطرح می‌شود که در بعضی از عرصه‌ها بخصوص در عرصه مدیریت زندگی جوانان، خانواده و دولت مسیرهای متفاوت و حتی گاه متعارضی را طی می‌کنند.

جمع‌بندی مطالعات نشان می‌دهد که جوانان و خانواده‌ها در مدیریت ازدواج رفتار بازاندیشانه‌ای را به نمایش می‌گذارند. در این باره می‌توان از نوعی تجددگرایی سنت مآبانه سخن گفت که براساس آن رفتارهای مدرن از طریق ساختارها و روابط سنتی و مشخصاً از طریق خانواده مهار می‌شود. نیز مطرح می‌شود که جوانان و خانواده‌های ایشان به نحوی با هم کنار آمده‌اند. از این منظر خانواده‌ها جنبه‌های مدرن را پذیرفته‌اند و جوانان نیز مدیریت و نظارت خانواده‌ها را در این عرصه قبول کرده‌اند؛ به عنوان مثال، مدیریت انتخاب بر عهده خود فرد و مدیریت فرآیند ازدواج بر عهده خانواده قرار گرفته است. به همین ترتیب مطالعات نشان داده است که فرد و خانواده برای مدیریت ازدواج و ساختن آن با هم هماهنگ می‌شوند. نیز مطرح است که خانواده برای مدیریت مسئله ازدواج و جنبه‌های مدرن به رفتاری گزینشی رو آورده است. بر این مبنا، خانواده برای مدیریت امر ازدواج بعضی از جنبه‌های مدرن را می‌پذیرد و بعضی دیگر را رد می‌کند. مطابق با چنین منطقی خانواده در برخورد با تغییرات ناشی از مدرن شدن و در مدیریت آن نظم جدیدی را در روابط با جوانان ایجاد کرده است. در این باره نشان داده شده است که مثلاً جوانان در انتخاب همسر با خانواده مشورت می‌کنند، اما خود انتخاب می‌نمایند.

روش‌شناسی پژوهش

از آنجا که این مطالعه به دنبال فهم و نیز ایجاد توصیفاتی پُرمایه^۱ از تعاملات جوانان و خانواده در ساختن و مدیریت ازدواج است و نیز به علت آنکه در جستجوی درک و تفسیر جوانان از نقش خانواده در ازدواج ایشان است، از روش کیفی بهره می‌برد. نیز بدان دلیل که روش کیفی دیدی پذیرا نسبت به جهان تجربه دارد (ن.ک. به فلیک، کاردورف و اشتاینکه^۲، ۲۰۰۴: ۵) و نیز امکان ویژه‌ای را برای دریافت‌های نظری مبتنی بر تجربه‌های روزمره فراهم می‌آورد به طور خاص در این مطالعه مورد توجه است. مطالعه از انواع روش‌های تحلیل کیفی به ویژه روش تحلیل کیفی تماتیک^۳ استفاده می‌کند، زیرا فضای کار بیشتری برای محقق در نظر می‌گیرد و دست او را برای ساختن مقولات مختلف و ترکیب آنها بازتر می‌گذارد. ضمن آنکه علاوه بر تجربی

1. thick descriptions

2. Flick, U., Kardorff E. V. and Steinke

3. thematic

بودن، امکان استفاده از دستاوردهای تحقیقاتی پیشین و نیز تفسیرهای نظری مختلف را در موضوع مورد بررسی فراهم می‌آورد.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق مصاحبه است، زیرا آن گونه که رولستون مطرح می‌کند با ابزار مصاحبه می‌توان به داده‌های قابل اعتماد (ن.ک. به برینکمان^۱، ۲۰۱۳: ۱۲) و گزارش‌های واقعی^۲ از تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان دست یافت (ن.ک. به رولستن^۳، ۲۰۱۴: ۲۹۸). به علاوه، مصاحبه در فرآیند تعامل چهره به چهره لایه‌های عمیق‌تری از تجربه‌های روزمره را منتقل می‌کند و بنابراین بازنمایی کاملی از زندگی روزمره فراهم می‌آورد (ن.ک. به راپلی^۴، ۲۰۰۷: ۱۶).

در شکل مصاحبه نیز مطالعه متکی بر مصاحبه نیمه‌ساختاریافته^۵ است، زیرا مصاحبه نیمه‌ساختاریافته ضمن آنکه متمرکز بر سؤالات و محورهای از پیش تعیین شده برای گفتگو است، به اندازه کافی نیز منعطف می‌باشد و آزادی عمل مناسبی را برای دنبال کردن آن جنبه‌هایی که مهم تشخیص داده می‌شود، ایجاد می‌کند.

در مشخص کردن نمونه‌ها نیز دو موضوع رویه‌های انتخاب^۶ و چگونگی انتخاب نمونه‌ها^۷ مورد توجه بود (ن.ک. به راپلی، ۲۰۱۴: ۵۷ و مرکنز^۸، ۲۰۰۷). بر اساس این دو رویه، متغیرهای سن، جنس، وضع تأهل و طبقه مورد توجه قرار گرفت.

اجرای مصاحبه‌ها در مکان‌های عمومی از جمله پارک‌ها صورت پذیرفت. افرادی که ضوابط رویه‌های انتخاب را تأمین می‌کردند، به مصاحبه دعوت می‌شدند. در صورتی که دعوت به مصاحبه را می‌پذیرفتند، مصاحبه‌ها در فضای پارک یا در دفتر کار انجام می‌شد. نمونه‌گیری و مصاحبه تا جایی که احساس می‌شد اطلاعات جدیدی تولید می‌شود، ادامه یافت. بر این اساس تعداد نمونه‌ای که مورد پرسش قرار گرفت، ۲۵ نفر بود که در تحلیل نهایی تنها ۲۱ نفر برای تجزیه و تحلیل در نظر گرفته شد که شامل ۱۰ مرد و ۱۱ زن است. در تحلیل نیز مطالعه حاضر از شیوه «کدگذاری برآمده از داده‌ها» سود برد که در آن داده‌ها بدون کدهای پیشینی و صرفاً با توجه به خود داده‌ها کدگذاری می‌شوند. در این وضعیت هم کدها و هم مقوله‌ها از خود داده‌ها برمی‌آیند و به گونه‌ای تجربی ایجاد می‌شوند. داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به دقت و اجنویسی^۹ و سپس کدگذاری شد. در حین کدگذاری یادداشت‌های تحلیلی نیز بر داده‌ها اضافه شد تا بعداً برای تحلیل بخشی از متن به کار آید. سرانجام داده‌ها بر اساس سه مرحله زیر تجزیه و تحلیل شد:

۱. تقلیل داده‌ها از طریق ایجاد کدها (ن.ک. به رولستن ۲۰۱۴: ۳۰۴)؛

۲. سازماندهی مجدد داده‌ها از طریق ایجاد مقوله‌ها یا ساختن منظومه معانی (ن.ک. به همان)؛

۳. بازنمایی و تفسیر داده‌ها که مبتنی بر تحلیل تمی است. هدف تحلیل تمی، بیرون آوردن تعدادی از تم‌ها و نیز توسعه یک «تم جامع» از داده‌ها یا یک «تم فراگیر» است که تم‌های مختلف را در یک روایت منسجم به

1. Brinkmann

2. factual

3. Roulston

4. Rapley

5. semi-structured

6. selection procedures

7. sampling

8. Merrens

9. transcribing

ساده بگیریم چه جوری بگم شاید کسی باشد کمک کنه یه مقدار مثلاً آبرومندانه تر اینجوری مثلاً کسی باشه که هومون و داشته باشه شاید تو خانواده (۳-۱۲۹)»

نقش خانواده در تأمین مقدمات ازدواج گاه آنچنان مورد تأکید است که ناتوانی ایشان در تأمین هزینه‌های ازدواج به عنوان بازدارنده مهم ازدواج جوانان تلقی می‌شود. در مواردی تأکید می‌شود که ترس جوان‌ها از ازدواج به دلیل آن است که اگر خانواده به آنها کمک نکند نمی‌توانند از پس مشکلات زندگی و ازدواج برآیند.

۲. حمایت معنوی خانواده از جوانان در ازدواج

همراه با تأکید بر حمایت مادی خانواده از ازدواج جوانان، در موارد بسیاری بر جنبه‌های غیرمادی و حمایت‌های معنوی خانواده‌ها نیز تأکید می‌شود. پسر بیست و هشت ساله مجردی که دانشجوی سینما و در حال تحصیل است در اهمیت حمایت معنوی خانواده از ازدواج احتمالی وی اظهار می‌دارد:

«... مطمئناً خانواده اگه مالی‌ام من کمک نخوام حداقل فکری باید کمک کنن، چون خودشون کوهی از تجربه‌ان مثلاً دو تا پسر ... زن دادن، عروس گرفتن. به هر حال خیلی کمکم می‌تونن بکنن. حالا شاید مالی‌ام کمک نکردن، ولی حداقل می‌گم فکری خیلی می‌تونن دخیل باشنند. (۲-۱۶۳)»

مرد متأهل ۲۷ ساله که دارای لیسانس و کارمند قراردادی در بخش دولتی است در این باره می‌گوید:

«... حمایت هم خوب حالا به طرق مختلفی هم مالی‌اش هستش هم بالاخره تصمیم‌گیری هستش هم کمک پدر و مادر هستش. یه موقع می‌بینی یه فرزند شاید وقت ازدواجش خودش نمی‌دونه داره یه راهی رو اشتباه می‌ره با ازدواج درست می‌شه و اینو پدر و مادر کما اینکه به سختی هم می‌افتن یه کاری می‌کنن که حتی اون بچه ازدواج کنه. کمکش کنن. (۷-۲۸۰)»

۳. مسئولیت بیش از اندازه خانواده در مدیریت گذار به بزرگسالی و ازدواج

خانواده در حالی از جریان ازدواج جوانان حمایت می‌کند که مسئولیت گذار کندروی ایشان را نیز برعهده دارد. این امر باعث شده است که خانواده در ارتباط با سرنوشت فرزندان درگیر مسئولیت دوگانه‌ای شود. از یک سو، از گذار کندروی فرزندان حمایت کند و هزینه‌های تحصیلی آنها را بپردازد و از سوی دیگر، ازدواج ایشان را مدیریت کند و فرآیند آن را تسهیل نماید (ن.ک. به بنی‌جمالی: ۱۳۹۶). این امر تحمیل بار بیش از اندازه به خانواده را سبب شده است، زیرا خانواده از یک طرف باید وظیفه تازه بر دوش نهاده شده گذار کندروی جوانان را مدیریت کند و از طرف دیگر، بار ازدواج جوانان را حمل نماید. این همه در شرایطی است که هسته‌ای شدن خانواده (که لوازم خاص خود را نیاز دارد) مسئولیت‌های متوجه خانواده را در ازدواج اساساً با شکل سنتی آن غیرقابل مقایسه ساخته است. نتیجه، برعهده گرفتن مسئولیت‌های ناتوان‌کننده و در نهایت فرسودگی خانواده است.

مطابق با شرایط فوق در بسیاری موارد، خانواده درخواست‌ها برای حمایت را تصفیه می‌کند. به عنوان مثال، بر اساس یافته‌های مطالعه، حمایت کامل از ازدواج جوانان تنها در مورد دختران-به‌خصوص در طبقه متوسط- صورت واقع می‌یابد. زن سی ساله متأهل و دانشجوی دکترا که دارای کار تمام وقت است، اشاره دارد که مقدمات ازدواج وی مثل جهیزیه و مثل آن عموماً توسط خانواده فراهم گشته و خود وی در آن نقشی نداشته است (۱۳-۲۵۸).

همین تجربه از سوی زن ۲۷ ساله متأهل با مدرک فوق‌لیسانس که کار حق‌التدریسی دارد نیز گزارش

می‌شود:

«... ساپورت‌شون خیلی مهمه؛ یعنی ساپورت چه خانواده پسر چه خانواده دختر اگه نباشه واقعاً ازدواج هیچوقت نمی‌تونه ازدواج موفق باشه. نقش‌شون هم خیلی پررنگ بود دیگه سر همین ساپورت‌هاشون خیلی پررنگ بود... اینکه مثلاً حالا پدر و مادر خودم جهیزیه بهم دادن جهیزیه کامل از اونور پدر مادرش هزینۀ ازدواج رو دادن، خونه به ما دادن. اینا خیلی مهم بود. اگه همه اینا رو می‌خواستیم خودمون بدست بیاریم، خوب خیلی بد می‌شد دیگه (۲۰-۳۱۳)»

به همین ترتیب مردانی که ازدواج کرده‌اند، تجربه حمایت کامل از سوی خانواده را در امر ازدواج گزارش نمی‌کنند. مقایسه تفاوت دیدگاه جوانان در این موضوع نشان می‌دهد که جنسیت و طبقه، دو عامل تعیین‌کننده در به فعل درآوردن حمایت خانواده از ازدواج جوانان است. زنان بیشتر بر اهمیت خانواده در ایجاد زمینه‌ها و لوازم ازدواج تأکید می‌کنند، در حالی که در مورد مردان تنها اظهار به ضرورت «کمک» خانواده در مدیریت ازدواج مطرح می‌شود. حتی گاه نسبت به اینکه خانواده توانایی حمایت از ازدواج فرزندان را داشته باشد، تردیدهای بسیاری ابراز می‌دارند. به علاوه مردان در بیشتر موارد بر ضرورت رسیدن به استقلال در تسهیل ازدواج تأکید می‌کنند.

۴. ناتوانی خانواده در پیش بردن ازدواج

مطابق با چنین شرایطی علیرغم تأکید بسیاری که نسبت به نقش خانواده در ازدواج فرزندان و بر عهده گرفتن مسئولیت‌های آن وجود دارد، تردیدهای بسیاری نیز نسبت به توانایی خانواده در به سرانجام رساندن ازدواج مطرح می‌شود. پسر مجرد ۲۲ ساله کارگر که در تهران به همراه برادر خود زندگی می‌کند توانایی خانواده خود را در حمایت از ازدواج وی رد می‌کند (۳-۱۰۸) یا مرد متأهل ۲۷ ساله که دارای لیسانس و کارمند قراردادی در بخش دولتی است در آنچه که برای خود وی در این باره اتفاق افتاده است می‌گوید:

«تا حدودی خانواده هم کمک کردند بله، اما خوب خیلی مبلغش کم بود. (۷-۱۵۲)»

این مسئله حتی در باره دخترها هم که تأمین هزینه ازدواج ایشان برای خانواده امری مفروض است، وجود دارد. دختر ۲۴ ساله دانشجوی فوق‌لیسانس و نیز کارمند شرکت حسابرسی که همزمان به کار تدریس نیز می‌پردازد، به ناتوانی خانواده در حمایت از ایشان در مسئله ازدواج اشاره می‌کند:

«حمایت خانواده‌هامون رو نداریم. خانواده‌هامون در شرایطی نیستن که اصلاً بتونن واسه ما عروسی بگیرن

... (۲۱-۱۵۱)»

در همین موضوع دختر سی ساله دارای لیسانس و کارمند در یک شرکت خصوصی می‌گوید:

«... خب برای ازدواج حالا اگه بخوام به فکر تهیه جهیزیه باشم باید روی پول خودم حساب کنم، چون روی

کمک خانواده نمی‌تونم حساب کنم... چون به اون صورت پس‌اندازی ندارند (۱-۸۰ تا ۸۲)»

بررسی برآورد جوانان از قابلیت خانواده در برعهده گرفتن مسئولیت‌های ازدواج، آشکار می‌سازد که حمایت خانواده‌ها در ازدواج، علیرغم پذیرش اصل آن، کمتر صورت واقع می‌یابد. اعتقاد به ناتوانی خانواده هر چند در بین مردان شایع‌تر می‌نماید، اما در بین زنان نیز مشاهده می‌شود. نکته آنکه جوانان در درک مشکلاتی که خانواده‌ها در حمایت از ازدواج دارند به فهم همدلانه‌ای با ایشان رسیده‌اند. آنها ضمن آنکه خانواده را در تأمین هزینه‌های ازدواج همراهی می‌کنند، وقوف خود به مشکلات خانواده را نیز آشکار می‌سازند.

زن ۲۷ ساله متأهل با مدرک فوق لیسانس که کار حق التدریسی دارد همراهی و همدلی جوانان و خانواده را این گونه توصیف می کند:

«... اگه پسر باشه می ترسه به پدر و مادرش فشار بیاد که حالا می خوان خونه بگیرن برام، می خوان هزینه ازدواج رو بدن. اگرم دختر باشه نگران جهیزیه است، نگران ساپورت های مالی یه یا اینکه خجالت می کشه دیگه مثلاً می گه من که خواستگار ندارم چرا باید مطرح کنم اینکه می خوام ازدواج کنم (۲۰-۳۹۹)»

نیز دختر سی ساله مجرد و دارای لیسانس ارتباطات که دارای کار است و با والدین خود زندگی می کند در شرح مشکلات خانواده در مدیریت موضوع می گوید:

«... پدر و مادرا خودشون کاراشون را کردند. بندگان خدا دیگه چقدر زیر بار قرض و قسط و هزینه های عجیب غریب برنند. به نظرم اصلاً منطقی نیست. (۱۰-۱۶۸)»

به همین ترتیب زن ۳۰ ساله کارآفرین که دارای تحصیلات فوق لیسانس مدیریت صنعتی است در باره ناتوانی خانواده ها در حمایت از فرزندان شان می گوید:

«خانواده ها خودشون هزینه دارن. بعضی اوقات نمی تونن بچه هاشون رو ساپورت کنن (۱۸-۳۰۷)»

۵. کم شدن نقش خانواده

ناتوانی خانواده در اداره تحصیل و ازدواج جوانان باعث بر عهده گرفتن نقش بیشتر جوانان در امر ازدواج و آن نیز به نوبه خود سبب تفوق نوعی فردگرایی در مدیریت گذار به بزرگسالی شده است. پسر مجرد کارگر ۲۲ ساله که در تهران به همراه برادر خود زندگی می کند در میزان دخالت خانواده در ازدواج خود می گوید:

«... خانواده ام زیاد کار ندارند مثلاً اینجوری نیستند که (.) الان من داداش از خودم بزرگتر دارم مثلاً سه چهار تا دارم سن شون ام بالای ۱۱ ازدواج نکردن. خانواده کاری باهاشون نداره می گن می خوام ازدواج کنی می خوام ازدواج نکن. ما دخالت نمی کنیم؛ یعنی نظر اونا زیاد مهم نیست. (۳-۱۰۷)»

زن ۲۷ ساله متأهل با مدرک فوق لیسانس که کار حق التدریسی دارد در شرح نقش خانواده در تصمیم گیری ازدواج خود اظهار می دارد:

«... فکر می کنم خیلی نمی تونستن نقش شون توی تصمیم گیری مهم باشه، چون به جورایی ما تصمیم مون رو گرفته بودیم و بخاطرش هم خیلی تلاش کردیم (۲۰-۳۱۷)»

۶. غالب شدن مسئولیت فرد در مدیریت ازدواج

مطابق با چنین شرایطی و به علت آنکه از سوی جوانان احساس می شود خانواده علیرغم تلاش هایش، ناتوان از مدیریت موضوع است، اعتقاد به نقش خود فرد امری مفروض در راهبری ازدواج شده است. در این مورد، گرایش قابل توجهی در جوانان نسبت به برعهده گرفتن تمام یا حداقل بخشی از مسئولیت های ازدواج به وجود آمده است. مرد چهل ساله مجردی که کارمند در بخش دولتی و دانشجوی دوره فوق لیسانس است در این باره می گوید:

«... از خانواده قاعداً کمکی نخواهم گرفت؛ یعنی خرجی یه هزینه ای که خودم باید انجام بدم ... (۴-۱۷۲) ... پدرم از نظر مالی اینجوری هست که بتونه کمکی بکنه مشکل نداره، ولی من همچین توقعی نداشتم. خودم سعی کردم که خودم کارام و انجام بدم مستقل باشم ... (۴-۲۲۴)»

پسر جوان مجرد بیست و هفت ساله ای که دارای مدرک لیسانس در مدیریت پروژه است و با والدین خود

در تهران زندگی می‌کند و حتی از نظر طبقاتی در سطح بالایی است تأکید می‌کند: «به کمک خانواده اصلاً فکر نمی‌کنم ... کاملاً مستقل ... نمی‌شه صددرصد اینجوری بود، ولی تلاشم و می‌کنم. (۱۴-۱۵۵)»

چنین تمایلی به استقلال حتی در بین دختران نیز مشاهده می‌شود. دختر مجرد ۲۰ ساله دانشجوی رشته داروسازی که در خوابگاه زندگی می‌کند در این باره می‌گوید:

«... خیلی دوست دارم خودم مستقل باشم ... حالا با این شرایط که برام فراهم هست ولی خیلی دوست ندارم از خانواده یا جامعه کمک بگیرم. (۱۶-۲۰۸) ... خانواده‌ها بیشتر همون درگیر رسم و رسوماتی هستن که حالا جهیزیه را به طور کامل دختر باید فراهم کنه خانواده ... پسر حالا خونه و چیزهای دیگه، ولی من خودم دوست دارم که دختر و پسر خودشون اگه انقدر همدیگه رو دوست دارن از صفر شروع کنن یعنی همه چیز بتونه مشترک باشه با همکاری بدست بیاد. (۱۶-۲۱۴)»

در همین موضوع دختر سی ساله دارای لیسانس و کارمند در یک شرکت خصوصی می‌گوید: «... دوست دارم به تمکن مالی داشته باشم هم بحث جهیزیه است همین که از نظر کاری به یه سطحی برسم به یه حدنصابی برسم که بتونم به شغل دائم برای خودم داشته باشم (۱-۸۰ تا ۸۲)»

نکته بسیار مهم آن که جوانان ضمن اینکه اذعان می‌دارند بدون کمک خانواده (یا حتی نهادهایی که در این امر مداخله می‌کنند) نخواهند توانست از پس مقدمات ازدواج برآیند، اما در انتساب مسئولیت مقدمات ازدواج و تصمیم‌گیری به خود نیز تردید نمی‌کنند- ضمن اینکه تشکیک‌های محکمی نیز در توانایی اقدام به چنین امری در ذهن دارند. آنها در حالی مسئولیت مسئله را به گردن می‌گیرند که توانایی تسلط بر موقعیت را نیز ندارند (ن.ک. به بنی‌جمالی: ۱۳۹۶).

۷. ازدواج و مسئله مسئولیت دولت

علیرغم نقشی که جوانان برای خانواده و فرد در شکل دادن به ازدواج قائل اند، مطالعه آشکار می‌سازد آنها بخش مهمی از مسئولیت ازدواج را نیز به دولت منتسب می‌کنند. در نگاه بسیاری از ایشان مسئولیت ازدواج اساساً بر عهده دولت است. دختر ۲۴ ساله مجرد که دانشجوی فوق‌لیسانس و نیز کارمند شرکت حسابرسی است و همزمان به کار تدریس می‌پردازد در این باره می‌گوید:

«... به نظر من کسی که مسئولیت این قضیه را به عهده داره دولته، چون حمایت خاصی- الان ده میلیون مثلاً حمایت اوج حمایتیه اصلاً به نظر من خیلی حمایت سطحی‌یه. اول دولته بعد خانواده و خود فرد در درجه دوم (۲۱-۲۹۳)»

مرد متأهل ۲۷ ساله که دارای لیسانس و کارمند قراردادی در بخش دولتی است اظهار می‌دارد: «... دولت هم باید کمک کنه واقعاً از لحاظ مالی بتونه کمک کنه ولی به شرایطی ایجاد کنه که برای افرادی که فقیرتراند حالا از نظر مالی وضعیت مناسب‌تری ندارن برا اون افراد یه جایگاهی باشه که بتونه اونهارم راحت‌تر مراسماتشون را انجام بدن. (۷-۲۸۷)»

به همین ترتیب زن سی ساله متأهل و دانشجوی دکترا که دارای کار تمام وقت است در این باره می‌گوید: «... دولت به هر حال شرایط مناسب جامعه را باید فراهم کنه مثلاً اشتغال رو به هر حال شرایط اقتصادی رو جوری فراهم کنه که جوون بتونه کار بکنه درآمد داشته باشه و راحت‌تر باشه براش گذران زندگی و حالا

در کنار به نفر دیگه ... (۱۳-۲۷۵)»

نیز در اهمیت نقش دولت در سامان دادن به ازدواج و زندگی جوانان زن ۲۷ ساله متأهل با مدرک فوق لیسانس که کار حق التدریسی دارد می گوید:

«... احساس می کنم در مرحله اول کشوری به که توش زندگی می کنه اینکه چقدر شرایط راحتی یو برای به جوون بوجود آورده که بتونه با فکر راحت تن به ازدواج بده چون ازدواج واقعا مسئولیت شدیدی داره با خودش ... وقتی کشور محیط آرومی داشته باشه وقتی از نظر تحصیلات من آینده مطمئنی داشته باشم خوب قطعاً ... ازدواج می کنم ولی اگر همه اینها نباشه نه مثلاً خانواده به نفر چکار از دستشون برمی آد اونا هم تو همین جامعه رشد کردن (۲۰-۳۷۹ تا ۳۸۳)»

آشنایی و انتخاب: خانواده در مرکز مناقشه ازدواج سنتی و مدرن

خانواده در مرکز مناقشه ازدواج سنتی و مدرن است. به بیان دیگر، ازدواج سنتی و مدرن دو سر طیفی است که هر یک از آنها براساس اندازه نقش خانواده در ازدواج تعیین می شود. مرد در شرف ازدواج ۲۸ ساله کارمند شرکت بیمه که دارای مدرک لیسانس است تفاوت ازدواج سنتی و مدرن را اینگونه شرح می دهد:

«... از نظر ... من ... یعنی ... حالا این کیس رو خودش انتخاب کنه و از فیلترهای خودش رد بشه یا اینکه نه خانواده انتخاب کنه و از فیلترهای خانواده رد بشه. (۱۱-۱۴۰)»

تأکید بسیار بر انتخاب در ازدواج از سوی جوانان گواه آن است که مهمترین جنبه ازدواج از نگاه ایشان انتخاب است. ضمن اینکه تحقیق آشکار می سازد که رویه های مختلف رویکرد جوانان به موضوع انتخاب نیز بسیار متنوع است. موارد مختلف مصاحبه ها آشکار می سازد که گستره انتخاب همسر از سوی جوانان تحت تأثیر مسئله سنتی و مدرن بین دو قطب «نقش همه جانبه فرد» و «نقش همه جانبه خانواده» متغیر است. این مسئله در مورد جنبه های مختلف ازدواج چون معرفی، انتخاب، آشنایی و شناخت وجود دارد. در هر یک از وجوه فوق، نقش خانواده سبب تمایز یافتن نوع برخورد فرد با مسئله ازدواج می شود. بدین ترتیب چگونگی تعامل جوانان با خانواده انواع رویه های ایشان را در مواجهه با مسئله ازدواج می آفریند. اهم رویه های فوق در پی می آید.

۱. خانواده به عنوان تعیین کننده ازدواج همراه با تأکید بر نقش خود در انتخاب

در مواردی موضوع انتخاب همسر کاملاً به خانواده سپرده می شود. مرد سی و شش ساله مجرد و دارای تحصیلات فوق دیپلم اولویت دادن به انتخاب خانواده را این گونه شرح می دهد و مشروعیت می بخشد:

«خانواده ... انتخاب بکنه. بالاخره اونا چیزهایی رو می بینند که من نمی بینم. صددرصد اونا می بان به دختری پیدا می کنن که فردا زندگی بکنه ... بالاخره خانواده بهتر می تونه کیس مناسب تری پیدا کنه تا خود من ... آره خانواده بهتره خانواده بهتره. (۱۵-۱۹۶)»

در این مورد و موارد مشابه علیرغم آنکه تکیه اصلی فرد بر دخالت خانواده در ازدواج است، اما آشکارا در نهایت این نگاه وجود دارد که خود وی انتخاب می کند و نقش خانواده محدود به معرفی و تسهیل فرآیند ازدواج است. این بدان معناست که تنها فرآیند انتخاب است (معرفی، خواستگاری، مراسم) که سنتی باقی مانده و گرنه محتوای انتخاب تغییر یافته و در آن به طور آشکاری خود فرد در مقام تصمیم گیرنده ظاهر شده

است. در این مورد به عنوان مثال حتی فرد متأهل که زوج مناسب وی را خانواده معرفی کرده و معرفی فوق به ازدواج نیز انجامیده است تأکید دارد که خود انتخاب کرده است:

«همسر من انتخاب اصلاً خانواده بود در مرحله اول خانواده انتخاب کردند بعد به من پیشنهاد دادند بله بنده هم <حالا بعد از اینکه یه مدتی گذشت و شناخت و حالا یه کم شناخت اولیه بوجود آمد حالا راضی بودم از انتخابم> (۷-۱۲۶)»

می‌توان چنین تأکیدی را بر انتخاب، حتی در موقعیت ازدواج سنتی، به اهمیت عاملیت در مدیریت ازدواج و در تعامل بین خانواده و فرد منتسب کرد (همان). نیز می‌توان گفت پاسخگویان علیرغم اشارات متفاوتی که به رویه‌های سنتی و مدرن دارند معتقدند انتخاب زوج از سوی فرد در هر دو شیوه سنتی و مدرن امر مفروض ازدواج است. مطابق با چنین نگاهی، آنها خود را به طور مشخص در مقوله سنتی یا مدرن جای نمی‌دهند، بلکه در این باره بیشتر به ترکیبی از سنتی بودن و یا مدرن بودن می‌اندیشند. در عین حال علیرغم آنکه عاملیت افراد به عنوان مهمترین جنبه انتخاب مدرن مورد تأکید قرار می‌گیرد، اما ایشان عاملیت خویش را به رضایت خانواده‌ها پیوند می‌زنند و این بیانگر آن است که هنوز نقش خانواده در امر ازدواج تعیین‌کننده است.

۲. تعلیق بین دو شیوه مدرن و سنتی

در مواردی جوانان در موضوع انتخاب همسر و اندازه نقش خانواده در آن با نوعی تعلیق در تصمیم‌گیری در بین دو شیوه سنتی و مدرن روبرو هستند. در چنین تعلیقی اگرچه فرد بر حق انتخاب خود تأکید می‌کند، اما نه تنها نقش خانواده را رد نمی‌کند که حتی گاه در انتخاب آخر نظر خانواده را معیار می‌گیرد و بنابراین با خانواده همراهی می‌کند. دختر سی ساله دارای لیسانس و کارمند در یک شرکت خصوصی ابتدا بر شیوه سنتی ازدواج تأکید می‌کند و در این باره می‌گوید:

«... من به عنوان کسی که تجربه‌داره تو این مسائل ... سیستم جامعه ما هنوز به اون صورتی هست که آدم‌ها معرفی کنند مورد ازدواج رو خیلی بهتره یا فامیل یا دوستان یا همکارا چون اینجوری حالا به خاطر اینکه به مقدار هم آدمای جامعه ما به همدیگه بی اعتمادن ... اگر کسی معرفی کنه این وسط واسطه بشه اون اعتماد اولیه شکل می‌گیره یعنی با آرامش بیشتری آدمها تن به آشنایی می‌دن ... (۱-۱۱۸)»

این در حالی است که وی بعداً در جریان مصاحبه بر ترجیح ازدواج مدرن تأکید می‌کند:

«خب من اگر سنم پایین‌تر بود مطمئناً به روش سنتی ازدواج می‌کردم، ولی چون الان دیگه بالاخره خودم از نظر مالی مستقل هستم خودم دارم بار زندگی‌ام رو به دوش می‌کشم. حالا ممکنه که همچنان در کنار خانواده‌ام باشم ولی هم از نظر فکری هم از نظر مالی به استقلال رسیدم خانواده‌ام انتخاب و به عهده خودم گذاشتند یعنی این دیگه دخالت نمی‌کنند ضمن اینکه خب تو سن بالا هم کلاً نه میشه کسی را زور کرد نه می‌شه چیزی را به کسی القا کرد فکری را. (۱-۱۳۰ تا ۱۳۴)»

وی علیرغم آنکه می‌خواهد انتخاب خودش را داشته باشد، اما از طرف دیگر نمی‌خواهد خلاف نظر خانواده رفتار کند و بنابراین در انتخاب آخر مرددانه با خانواده همراهی می‌کند:

«... نظر خانواده خودم خیلی برام مهمتره بعد خب من یک عمره که دارم با خانواده‌ام زندگی می‌کنم برام مهمه که اونا چه نظری داشته باشند از این به بعد هم می‌خواهم داشته باشم یعنی ترجیح میدم که نظر اونا ملاک هست واسه من (۱-۱۷۴)»

پسر جوان بیست و پنج ساله مجرد که دارای مدرک لیسانس برق و در حال خدمت سربازی است علیرغم اینکه بر شیوه سنتی انتخاب صحنه می‌گذارد، اما شیوه مدرن انتخاب را نیز نه تنها رد نمی‌کند که حتی آن را تأیید می‌کند:

«... باز به نظر من (۵) خانواده به قول معروف معرفی کنه بهتره نسبت به کسی که بخواد تو خیابون کسی رو پیدا کنه ... به نظر من (۲) دختر خوب حالا حتماً می‌گم تو خانواده‌ها نیست که مثلاً این جور این خانواده بیاد برای اون تهیه کنه. دختر خوب هم تو فضای مجازی هست هم تو خیابون هست هم به قول معروف هم تو صف نونوایی هست هم این ور هست ولی همون شناخت اولیه‌ای که به قول معروف تو خانواده‌ها تو شش ماه یکسال اولیه‌ای که با همدیگه دارن این خودش می‌تونه همه چیز و به قول معروف نشون بده ... (۸-۱۳۲ تا ۱۳۴)»

۱۸۳

و یا دختر مجرد ۲۰ ساله دانشجوی دکتری در رشته داروسازی در این باره شرح می‌دهد:

«... نمی‌دونم شاید حالا ازدواج سنتی هم بتونه خوب باشه، ولی من خیلی برام مهمه که اول شناخت پیدا کنم بعدش وارد یه تعهد بشم ولی حالا اینکه بخوام مثلاً یه مدت هم دوست بشم باز این رو هم می‌ترسم یه ذره. (۱۶-۱۲۶)»

۳. ترکیب شیوه‌های سنتی و مدرن در امر انتخاب

رویه دیگر رودرویی جوانان در مدیریت انتخاب و حل تعارض بین خود و خانواده تأکید بر حق انتخاب خود و همزمان بهره‌بردن از امکانات خانواده و لاجرم پذیرش مدیریت آنها بر بخشی از فرآیند ازدواج است. دختر ۲۶ ساله مجرد و دانشجوی فوق‌لیسانس با کار تمام وقت در شرح تسلط مسئله انتخاب در شرایط ازدواج سنتی و مدرن اظهار می‌دارد:

«... با سنتی موافق نیستم بخاطر اینکه من توی جامعه سنتی کاملاً سنتی بزرگ نشدم ... حداقل می‌تونم معیارهامو خودم تعریف کنم و براساس اونا پیام مثلاً یه نفر و انتخاب کنم که بتونم به زندگی نیمه‌سنتی داشته باشم و به خاطر همین من زندگی مدرن رو ترجیح نمی‌دم بخاطر همون قضیه جامعه سنتی یه که نمی‌تونم چشم‌پوشی‌اش بکنم که توی یه جامعه سنتی بزرگ شدم ... تأیید نهایی رو اونا (خانواده) باید بدن ... خوب تا تأیید نکنن به نظرم ازدواج خوبی نمی‌تونه باشه. (۱۹-۱۸۸)»

در ترکیب بین سنتی و مدرن، جوانان علیرغم در اختیار گرفتن تمام حق انتخاب در ازدواج، در اندازه حقی که به خانواده می‌دهند دیدگاه‌های مختلفی را ابراز می‌دارند. این دیدگاه‌ها می‌تواند شامل نقشی حاشیه‌ای در انتخاب، نقشی نظارتی در کنش ازدواج و نیز نقشی حمایتی در ازدواج باشد.

موارد متنوع تأکید بر نقش خود فرد در انتخاب و همزمان تأکید بر نقش خانواده در نظارت بر آشنایی، سازمان دادن به جریان ازدواج و حمایت مادی و معنوی از آن آشکارا مؤید باقی ماندن خانواده در فرآیند ازدواج است. این امر را می‌توان نشانه باقی ماندن سنت در متن زندگی مدرن دانست که در آن خانواده مجبور است علیرغم مشکلات به تدبیر امور ازدواج جوانان خود بپردازد. راهبرد جوانان در این رویه، بهره‌برداری از امکانات فضای سنتی و مدرن با هم است. از طرفی خود انتخاب می‌کنند و از طرفی مسئولیت اجرا و تأمین مالی ازدواج و حتی تا حدودی مسئولیت تأیید ازدواج را متوجه خانواده می‌سازند. دختر مجرد ۲۰ ساله دانشجوی دکتری در این باره شرح می‌دهد:

«... فکر می‌کنم این چیز میانه باشد بهتره؛ یعنی خیلی مدرن حالا اینجور هم نه که چند سال با هم آشنا بشن یا نه نمی‌دونم فکر می‌کنم با حضور خانواده باشد اینجور فکر می‌کنم بهتر باشه.. (۱۶-۱۲۲)».

۴. مدیریت مسئله انتخاب معطوف به موقعیت

نگاه بازاندیشانه‌تر در مدیریت جریان انتخاب مربوط به رویه‌ای است که در آن علیرغم داشتن نگاه مدرن و تأکیدی که بر نقش فرد می‌شود، مسئله ازدواج به زمان خود و به آنچه که پیش خواهد آمد احاله می‌شود و اینکه در آن زمان با بررسی موقعیت به تناسب وضعیت عمل خواهد شد. راهبرد عمل به تناسب موقعیت، وجهی کاملاً فعال و بازاندیشانه دارد و بسیار متفاوت از واگذاری امور به تقدیر (هر چه پیش آید) است. در این حالت نقش خانواده به تناسب موقعیت متفاوت، ولی به هر حال در جایی که لازم است فعالانه خواهد بود. دختر مجرد ۲۰ ساله دانشجوی دکتری در رشته داروسازی در این باره می‌گوید:

«چیزی که خودم دوست دارم یعنی به جوری پیش‌بینی می‌کنم و دوست دارم اینه که خوب در اطراف خودم باشه خودمون بیشتر آشنا بشیم نه اینکه حالا کسی واسطه بشه مثلاً مثل ازدواج‌های سنتی باشه خیلی ولی خوب اونها هم نمی‌دونم حالا بستگی داره آدم موقعیت‌اش پیش می‌آد بررسی می‌کنه ببینه شایدم اونطوری بشه. (۱۶-۱۱۴)»

مدیریت آشنایی و شناخت

براساس مصاحبه‌ها می‌توان نقش خانواده در مدیریت آشنایی و شناخت در ازدواج را با دو رویه مهم مرتبط ساخت که البته تا حدودی متناظر با رویکردهای ازدواج سنتی و مدرن است. این دو رویه شامل رویه‌های خواستگاری و دوستی است. در خواستگاری آشنایی، شناخت و تصمیم‌گیری برای ازدواج متکی به رویه‌ای سنتی با محوریت خانواده است، در حالی که در رویه دیگر شناخت و تصمیم‌گیری برای ازدواج وابسته به رویه‌های فردی و روابط دوستانه‌ای است که قبل از ازدواج پیش آمده است. جوانان در این زمینه تمایل دارند تا از ظرفیت‌های خواستگاری و دوستی به صورت همزمان بهره بگیرند.

ترکیب بهره‌برداری از امکان آشنایی در فضاهای مدرن و ظرفیت‌های خواستگاری

تقریباً تمامی افراد در برابر دو رویه خواستگاری و دوستی به ترکیب موقعیت‌ها روی می‌آورند و ضمن پذیرش آشنایی مدرن، ادامه آشنایی را با اطلاع خانواده پی می‌گیرند. به همین دلیل پس از آشنایی مدرن و رسیدن به تصمیم به ازدواج در جهت برخورداری از حمایت‌های خانواده بر خواستگاری و فرآیند سنتی تأکید می‌کنند. براساس چنین راهبردی حتی اگر آشنایی در محیط مدرن صورت پذیرد، ادامه آشنایی و شناخت متقابل با اطلاع والدین و یا حتی تحت نظارت آنها ادامه خواهد یافت. از این جهت وابستگی به خانواده موجب می‌شود تا رضایت خانواده به یک امر محوری تبدیل شود. به بیان دیگر، از آنجا که عدم رضایت خانواده ممکن است در آینده برای جوانان خساراتی به بار آورد، آنها به عنوان کنشگران عقلانی توأمان هم بر عاملیت فردی و هم بر جنبه‌های سنتی تأکید می‌کنند. در چنین شرایطی عنصر مورد نظر پاسخگویان از ازدواج مدرن عمدتاً توجه به عاملیت آنها در موضوع انتخاب است. آنها می‌خواهند انتخاب مطابق میل آنها باشد، اما در عین حال ازدواج مطابق رویه‌ها و آیین‌های سنتی صورت پذیرد تا کماکان از حمایت خانواده برخوردار بمانند. زن ۲۴ ساله در حال تحصیل در مقطع فوق‌لیسانس که به صورت تمام وقت نیز کار می‌کند در طرح

ترکیب بین ظرفیت‌های مدرن و سنتی می‌گوید:

«اینکه کسی بهم معرفی کنه رو که اصلاً دوست ندارم، چون فکر می‌کنم کسی که معرفی می‌کنه خیلی چیزها را از من نمی‌دونه ... فکر می‌کنم که قطعاً خود یه فرد باید به این نتیجه برسه که اون مثلاً اون آقا یا خانم مناسب منه ... ازدواج سنتی رو قبول دارم‌ها، ولی می‌گم اون باید اون حس مشترکه در دو نفر ایجاد بشه اولین اقدامشون یه اقدام سنتی باشه به اسم خواستگاری ولی اون حس نمی‌دونم اون دیدنه باید بین خود اون دو نفر صورت بگیره چون جامعه ما دیگه جامعه‌ای نیست که مثلاً مادره بشینه واسه پسره انتخاب کنه یا مادره واسه دختره انتخاب کنه. (۲۱-۱۶۱)»

وی در این باره شرح می‌دهد:

«... من همینجور که توضیح دادم حد وسطاش رو قبول دارم؛ یعنی با یه اتفاق مدرن شروع بشه و با یه اتفاق سنتی کنترل بشه. اِ تلقی‌ام از مدرن اتفاقی‌یه که داریم می‌بینیم خیلی راحت خیلی بچه‌گانه فکر می‌کنن که هم رو دوست دارن خیلی طولش می‌دن. ده پونزده سال من دیدم مثلاً با هم هستن می‌گن خانواده‌هامونم در جریان‌اند اما هیچ اتفاقی نمی‌افته خانواده‌ها اصلاً حمایت نمی‌کنند که آقا این دو نفر همو دوست دارند. بعد از تکراری شدن و عادی شدن مثل همدیگه به این نتیجه می‌رسن خوب اصلاً به درد هم نمی‌خورند یعنی کاملاً بدون کنترل اینکه مدرن‌اش می‌شه، سنتی صرف‌اش این می‌شه که مادر من بیاد بگه یه آقایی هست خیلی خوبه شما با این ازدواج کن که اونم انتخاب مادر پدرت می‌شه. به نظر من تعدیل‌اش باید بکنن؛ یعنی با یه اتفاق مدرن شروع بشه و با دید خانواده‌ها کنترل بشه تلفیق این دو تا (۵) بعد ... اگر قرار به انتخاب بین مدرن و سنتی باشه قطعاً سنتی رو انتخاب می‌کنم. (۲۱-۱۷۵)»

در این روایت، فرآیند جریان یافتن ازدواج هم شامل «خواستگاری-آشنایی تحت نظارت خانواده-تصمیم به ازدواج» و هم دربرگیرنده «آشنایی-اطلاع به خانواده-شناخت تحت نظارت خانواده-تصمیم به ازدواج-خواستگاری» خواهد بود. نکته آنکه در هر دو رویه حضور خانواده پرقدرد است. دختر مجرد ۲۰ ساله دانشجوی دکتری در رشته داروسازی در شرح این موضوع می‌گوید:

«ترجیح می‌دم آره اونجوری بهتر باشه؛ یعنی حالا از هر طریق باشه دوست دارم به شناخت همدیگه برسن دو نفر ... یه مدت زیادی حالا شاید اسمش نامزدی باشه که ... یه مدت حالا آشنا بشن بعدش به خانواده‌ها اطلاع بدن باز هم آشنا بشن و بعد چون نمی‌تونم اصلاً مثل خیلی‌ها یه تعهدی اول داشته باشن بعدش همدیگه رو بشناسن فکر می‌کنم اونجوری سخت باشه. .. مثلاً فرض کنید یه مدت مثلاً یک نفر مثلاً یه خانمی با یه آقایی آشنا بشن بعدش حالا اگه فکر کردن که حالا ممکنه به درد هم بخورن بعداً به خانواده‌ها اطلاع بدن باز هم آشنایی بیشتر بشه و اگر با حضور خانواده یعنی خانواده‌ها با هم خوب بودن اُکی بودن و خودشون هم حس کردن که می‌تونن ادامه بدن با هم اون موقع می‌تونن به ازدواج فکر کنن. .. (۱۶-۱۱۶ تا ۱۲۶)»

بدین ترتیب مطابق با چنین رویه‌ای، بدون دادن تعهدی به طرف مقابل از حیث ختم شدن مسئله به ازدواج، شناخت از طریق روابط کنترل شده زیر نظر خانواده صورت می‌پذیرد و بنابراین جریان ازدواج به اراده خود و زیر نظر خانواده پیش می‌رود. بکارگیری چنین رویه‌ای البته همیشه همشکل نیست، بلکه متناسب با دریافت‌هایی که هر فرد از موقعیت خود دارد، اشکال متفاوت می‌یابد؛ مثلاً در موقعیت‌هایی فرآیند شناخت و آشنایی بسیار طولانی و گاهی نیز کوتاه می‌شود. زن ۲۴ ساله در حال تحصیل در مقطع فوق‌لیسانس که به صورت

تمام وقت نیز کار می‌کند اگرچه معتقد به انتخاب فرد تحت نظارت خانواده است، اما مدیریت جریان آشنایی و شناخت را موکول به دوره‌ای بسیار کوتاه می‌گرداند؛ زیرا معتقد است طولانی شدن این دوره باعث وابسته شدن ایشان و بنابراین مخدوش شدن جریان ازدواج می‌شود. شرح ایشان در این باره اینگونه است:

«اون شناخت اولیه فکر می‌کنم مثلاً تو حالا محیط کار فکر می‌کنم اولاً که یه کم شرایطها رو می‌شه همینجور به ظاهر سنجید یعنی از لحاظ ظاهری می‌شه یه کم شرایطها را سنجید که این خانم یا این آقا اصلاً به من می‌آد یا نه. همون طرز صحبت کردن طرز برخوردشون با ارباب رجوع از این لحاظها یه کم می‌شه متوجه شد. بعد اگر قراره خواستگاری صورت بگیره و مثلاً یه آقا می‌آد به یه خانم می‌گه که من از شما خوشم آمده. اشکال نداره به نظر من خوبه مثلاً حتی دو سه تا برخورد برن بیرون، ولی بیشتر از این نشه ... که به سرعت وابسته می‌شن و این اتفاق بدی‌یه ... خیلی اتفاق بدی‌یه ضربه بزرگیه که شما با کسی آشنا شی و به‌اش وابسته‌شی که قرار نیست که اصلاً ازدواجی صورت بگیره؛ یعنی به نظرم کافیه دو سه تا برخورد یا حتی چهار پنج تا، دیگه بیشتر از این طولش ندن و وارد یه خواستگاری سنتی بشن که خانواده‌ها در جریان باشن و می‌گم که این تفهیم بشه که قرار نیست صددرصد جواب مثبت گرفته شه. شناخته صورت بگیره بعد وارد مرحله عقد بشن. (۲۱-۱۷۳)»

مواردی نیز وجود دارد که نقش خانواده در شیوه انتخاب محدودتر تعریف و تنها به پس از خواستگاری منحصر می‌شود. در این صورت پس از طی فرآیند شناخت - که البته زیر نظر خانواده‌ها خواهد بود - زمانی که فرد از حیث اینکه انتخاب درستی داشته است، به قطعیت می‌رسد و وارد فرآیند خواستگاری می‌شود. دختر بیست و دو ساله مجرد و دانشجوی روانشناسی در این باره اظهار می‌دارد:

«من یه سری ملاک‌ها دارم دیگه زمانی هم که قبل از آشنایی یعنی خواستگاری مسلماً من باهاش آشنا شدم تا حدود زیادی دیگه اون موقع فکر نکنم تو جلسه خواستگاری شاید مادرها پدرها باید آشنا شن با همدیگه ... (۹-۹۶)»

بحث و نتیجه‌گیری

خانواده، مهمترین پایه حمایت از جوانان در تحصیل و ازدواج است؛ ضمن آنکه در مقابله با عدم قطعیت موجود در زندگی ایشان نیز یگانه میدان‌دار و مهمترین نقطه ارجاع است. در همین حال نبود سیاست رفاهی روشن از سوی دولت در حمایت از جوانان و نیز شانه خالی کردن آن از مسئولیت‌هایی مثل آموزش و آموزش عالی باعث شده است تا خانواده مسئولیت‌هایی بیش از حد توان در مدیریت گذار به بزرگسالی بر عهده گیرد. این در حالی است که خانواده منابع لازم برای حمایت جوانان را در اختیار ندارد و بنابراین توانایی آن را نمی‌یابد تا به شکل مناسبی به مدیریت وقایع خاص در زندگی ایشان مثل ازدواج بپردازد. مطابق با چنین شرایطی، محتمل است خانواده با برعهده داشتن مسئولیت بیش از اندازه در گذار به بزرگسالی جوانان در معرض فرسودگی آشکار قرار گیرد. نتیجه آن، بروز نوعی ابهام در نقش خانواده در گذار به بزرگسالی جوانان و نیز نوعی عدم قطعیت در ازدواج ایشان است.

در شرایط فرسودگی خانواده، بخصوص در طبقات پایین، جوانان به اجبار خود را درگیر راهبری همزمان تحصیل، اشتغال، استقلال و ازدواج می‌یابند. این وضعیت ضمن آنکه آنها را مجبور می‌سازد وظایفی بیش از

حد توان خود برعهده گیرند، این احساس را نیز در ایشان به وجود می‌آورد که خود دارند سرنوشت خویش را می‌سازند. محتمل است با این شرایط جوانان شکست در برنامه‌های گذار را به ناتوانی خود تعبیر کنند و از این بابت دچار نوعی فردگرایی آمیخته با احساس ناتوانی در مدیریت زندگی شوند. این امر واقعیتی است که مورد اشاره جامعه‌شناسان مختلف از جمله فرلانگ و کارتمل (۲۰۰۷) و فرلانگ (۲۰۰۹) در مفهوم خطای شناختی مدرنیته متأخر است.

اما در فرآیند ازدواج، جوانان در رودررویی با مشکلات با ترکیب حق انتخاب خود و همزمان سود بردن از حمایت خانواده، رفتاری عملگرایانه و منعطف از مدیریت ازدواج را به نمایش می‌گذارند. در این باره آنها علیرغم رویه‌های متفاوتی که در تعامل با خانواده در موضوع انتخاب، آشنایی و شناخت پیش می‌گیرند، عموماً به ترکیب رویه‌های خواستگاری و دوستی قبل از ازدواج روی می‌آورند و ضمن تصریح نقش خود در انتخاب، بر نقش خانواده در نظارت بر آشنایی و البته سازمان دادن به جریان ازدواج و حمایت مادی و معنوی از آن نیز تأکید می‌کنند. به همین دلیل است که پس از آشنایی مدرن و تصمیم به ازدواج در جهت برخورداری از حمایت‌های خانواده بر خواستگاری و فرآیند سنتی تأکید می‌کنند. بدین ترتیب، در مدیریت گذار جوانان روابط جدیدی بین فرزندان و خانواده‌ها شکل می‌گیرد که مطابق آن خانواده‌ها با خواسته‌های جوانان کنار می‌آیند و استقلال و فردگرایی آنها را در آشنایی و انتخاب می‌پذیرند، اما حمایت خود را نیز از آنها همچنان حفظ می‌کنند. این به معنای به رسمیت شناختن فردگرایی جوانان همراه با ادامه حمایت از آنها و یا «فضای جدید همراه با ادامه وظایف قدیم» در عرصه ازدواج است. سوی دیگر این امر، باقی ماندن خانواده در فرآیند ازدواج مدرن و همین طور باقی ماندن سنت در متن زندگی مدرن و یا مدیریت سنتی امر مدرن است.

گرفتن موضعی بازاندیشانه در مدیریت ازدواج از سوی خانواده‌ها و جوانان، روی دیگر مدیریت فرآیند ازدواج جوانان است. هم خانواده‌ها و هم جوانان در مدیریت ازدواج بسته به موقعیت، رویه‌های منعطف و متفاوتی از مدیریت موضوع را می‌آفرینند. رفتار بازاندیشانه، نشانه شرایط جدیدی است که در آن جریانی دائمی از درهم‌ریختن و شکل‌یافتن مجدد به وجود می‌آید. با تعمیق چنین تحولاتی، رفتار خانواده‌ها و جوانان در تعامل با یکدیگر منعطف، بازاندیشانه و عملگرایانه می‌شود و عمدتاً با جهت‌گیری پیگیری منافع جوانان دنبال می‌گردد. این بدان معناست که معمولاً خانواده‌ها به نفع جوانان در پیگیری گذار از خواست‌های خود درمی‌گذرند و برای حمایت از جوانان تمام منابع خود را به کار می‌گیرند. به همین دلیل است که خانواده، مهمترین نقطه اتکای جوانان در جهان جدید می‌شود. شایان ذکر است این امر در مورد طبقات پایین که منابع کمتری برای حمایت دارند مصداق کمتری می‌یابد. نتیجه آنکه در مدیریت گذار و ازدواج روابط خانواده با جوانان منعطف گشته و بر پایه تعامل تنظیم می‌شود. آنها با خواسته‌های جوانان کنار می‌آیند و استقلال و فردگرایی ایشان را می‌پذیرند و همچنان از آنها حمایت می‌کنند، اما چگونگی ازدواج آنها را نیز تعیین می‌کنند. بر این اساس شاید بتوان گفت نوعی فردگرایی ساختاریافته و یا فردگرایی مهارشده در زندگی جوانان در حال توسعه یافتن است که مطابق آن، علیرغم آنکه زندگی جوانان همچنان تحت تأثیر عوامل ساختاری مثل خانواده، طبقه و جنسیت باقی می‌ماند، اما فردگرایی بازاندیشانه نیز وجه مهم گذار به بزرگسالی می‌شود.

مجموعه آنچه مطرح شد مطالعه حاضر را بدان دریافت می‌رساند که خانواده و جوانان در مدیریت ازدواج نه تنها در مقابل هم قرار نمی‌گیرند، بلکه حتی به نحوی با هم کنار می‌آیند. در این باره هر چند به نظر می‌رسد

که خانواده‌ها معمولاً منعطف ظاهر می‌شوند، اما شرایط سخت برای جوانان و فقدان ساختارهای حمایت‌کننده و چارچوب محافظه‌کار نظام رفاهی نیز باعث می‌شود تا آنها مجبور به کنار آمدن با خانواده گردند. با توجه به تحولات فوق می‌توان از پدید آمدن نوعی مدرنیتهٔ بازاندیشانه- که البته بسیار متفاوت از مدرنیتهٔ دوم یا مدرنیتهٔ متأخر مورد نظر بک است- نیز سخن گفت که در آن وضعیت مدرن با شرایط بومی ترکیب می‌شود.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی و ظهیری‌نیا، مصطفی. (۱۳۸۹). «بررسی سنخ‌های ارزشی و تغییرات فرهنگی در خانواده». فصلنامه خانواده‌پژوهی. ۶(۲۳).
- آزاد ارمکی، تقی و ملکی، امیر. (۱۳۸۶). «تحلیل ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان». مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی سابق). دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. ۳۰.
- بنی‌جمالی، سید محسن. (۱۳۸۰). جوانان و ازدواج، آرمان‌ها، امیدها و واقعیت‌ها. اداره کل مطالعات راهبردی، سازمان ملی جوانان.
- بنی‌جمالی، سید محسن. (۱۳۸۱). جوانان و موانع ازدواج. اداره کل مطالعات راهبردی. سازمان ملی جوانان.
- بنی‌جمالی، سید محسن؛ صادقی‌فسایی، سهیلا؛ آزاد ارمکی، تقی و حسینی، سید حسن. (۱۳۹۶). «ازدواج و گذار به بزرگسالی در شرایط نامتعین: مدیریت و راهبری ازدواج توسط جوانان: مورد مطالعه شهر تهران». رساله دکتری تخصصی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- جلایی‌پور، حمیدرضا و گرامیان‌نیک، محمد. (۱۳۹۰). «نگاهی به مدرنیته در ایران از دریچه روابط شخصی، ارزیابی مفهوم رابطه ناب‌گیدنز». دو فصلنامه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی. ۱۹-۵۲. (۱)۸.
- جمشیدی‌ها، غلامرضا؛ صادقی‌فسایی، سهیلا و لول‌آور، منصوره. (۱۳۹۲). «نگرش جامعه‌شناختی بر تاثیر فرهنگ مدرن از منظر جنسیتی بر تحولات خانواده در تهران». زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان). ۵(۲)، ۱۸۳-۱۹۸.
- حسینی، حسن و عزیزی، مینا. (۱۳۹۵). «بررسی قوانین و سیاست‌های حمایت از خانواده در دوران پس از انقلاب اسلامی ایران». مطالعات زن و خانواده. ۴(۱)، ۳۴-۷.
- حقیقی‌زاده، محمدحسین؛ کرمی، خدابخش و سلطانی، تینوش. (۱۳۸۹). «معیارهای گزینش همسر از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اهواز». فصلنامه علمی-پژوهشی علوم بهداشتی. ۲(۲).
- دلخمش، محمدتقی. (۱۳۸۵). ارزش‌های ازدواج در جوانان ایرانی. سازمان ملی جوانان. معاونت مطالعات و برنامه‌ریزی.
- دلخمش، محمدتقی. (۱۳۸۸). «سلسله مراتب ارزش‌های ازدواج در جوانان ایرانی». فصلنامه خانواده‌پژوهی. ۵(۱۸)، ۲۳۰-۲۰۷.
- دلخمش، محمدتقی. (۱۳۹۲). «بازخورد جوانان ایرانی به ازدواج: یافته‌های یک پیمایش ملی». روانشناسی تحولی (روانشناسان ایرانی). ۹(۳۶)، ۳۳۱-۳۵۰.
- ذکایی، محمد سعید. (۱۳۸۸). «فرهنگ گذار و الزامات آن برای روابط بین‌نسلی». پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه (جوان و مناسبات نسلی). شماره ۲.
- ساروخانی، باقر و مقربیان، مریم. (۱۳۹۰). «تجددگرایی و همسرگزینی: تحقیقی مقایسه‌ای در بین زنان مناطق ۱ و ۱۱ شهر تهران». مطالعات فرهنگ، ارتباطات. ۱۲(۱۵)، ۴۳-۷۶.
- صادقی‌فسایی، سهیلا و شریفی‌ساعی، محمدحسین. (۱۳۹۳). «تقابل سنت و مدرنیته؛ کشمکش گفتمانی

- در الگوهای بازنمایی تحلیلی بر شیوه‌های بازنمایی روابط دختر و پسر در سریال‌های ایرانی». زن در فرهنگ و هنر. ۱۶(۱)، ۹۵-۱۱۸.
- صادقی فسایی، سهیلا و عرفان‌منش، ایمان. (۱۳۹۲). «تحلیل جامعه‌شناختی تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی و ضرورت تدوین الگوی ایرانی اسلامی». زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان). ۱۵(۱)، ۸۲-۶۱.
 - قانع‌راد، محمد امین و عزلتی مقدم، فاطمه. (۱۳۸۹). «بررسی انتقادی تشخیص‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در مسائل خانواده و ازدواج». مسائل اجتماعی ایران. ۱۱(۱).
 - کاظمی‌پور، شهلا. (۱۳۸۸). «سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن با تأکید با ازدواج‌های دانشجویی». فرهنگ در دانشگاه اسلامی. ۱۳(۲).
 - مهدوی، محمد صادق و مشیدی، شهرزاد. (۱۳۸۹). «تحول معیارهای همسرگزینی جوانان نسبت به والدینشان به تفکیک خاستگاه طبقاتی». مطالعات توسعه اجتماعی ایران (جامعه‌شناسی معاصر سابق). ۲(۴).
 - میرباقری، زهرا و ابراهیمی، مرضیه. (۱۳۹۲). «بررسی میزان هنجارشکنی ازدواج و علل مؤثر بر آن». فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی. ۳(۷)، ۳۳۹-۳۵۸.
 - هاشمی و همکاران. (۱۳۸۹). «ملاک‌های همسرگزینی در جامعه معاصر ایران و بررسی تحولات آینده و پیامدهای آن. سازمان ملی جوانان
 - هاشمی، سید ضیاء؛ فولادیان، مجید و فاطمی امین، زینب. (۱۳۹۳). «بررسی تجربی دو نظریه رقیب همسرگزینی در ایران». فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران. ۱۵۷، ۴-۱۸۷.
 - Blossfeld, H. & Hofmeister, H. (2005). **Globalife: Life Courses in the Globalization Process**. Final Report 1 September 1999-28 February 2005. Bamberg Germany: Otto Friedrich University of Bamberg
 - Blossfeld, H., and Mills, M. (2010). "How Does Globalization Affect the Life Courses of Young Men and Women in Modern Societies?". In J. C. Tremmel, *A Young Generation Under Pressure? The Financial Situation and the "Rush Hour" of the Cohorts 1970-1985 in a Generational Comparison* (pp. 37-56). Springer Verlag Berlin Heidelberg.
 - Brinkmann, S. (2013). **Qualitative interviewing**. Oxford University Press.
 - Chauvel, L. (2010). "Comparing Welfare Regime Changes: Living Standards and the Unequal Life Chances of Different Birth Cohorts". In J. C. Tremmel, *A Young Generation Under Pressure? The Financial Situation and the "Rush Hour" of the Cohorts 1970-1985 in a Generational Comparison* (pp. 23-36). Springer Verlag Berlin Heidelberg
 - Flick, U. (2007). **Designing Qualitative Research**. SAGE Publications Ltd.
 - Flick, U. (Ed.). (2014). **The SAGE Handbook of Qualitative Data Analysis**. SAGE Publications Ltd

- Flick, U., Kardorff E. V. and Steinke I. (2004). **“What is Qualitative Research? An Introduction to the Field”**. In U. Flick, *A Companion to Qualitative Research*. (B. Jenner, Trans., pp. 3-11). SAGE Publications Ltd
- Furlong, A. (2009). **Handbook of youth and young adulthood: new perspectives and agendas**. Routledge
- Furlong, A. and Cartmel, F. (2007). **Young People and Social Change: Individualization and Risk in Late Modernity**. Open University Press
- Heath, S. (2002). **“Domestic and Housing Transitions and the Negotiations of Intimacy”**. In G. P. Mark Cieslik, *Young People in Risk Society: The Restructuring of Youth Identities and Transitions in Late Modernity*. (pp. 137-158). Ashgate
- Heinz, W. R. (2009). **“Youth transitions in an age of uncertainty”**. In A. Furlong, *Handbook of youth and young adulthood: new perspectives and agendas*. (pp. 3-13). Routledge
- Hillmert, S. (2010). **“Traditional Inequalities and New Insecurities: Long-Term Trends in the Transition to the Labor Market in Germany”**. In J. C. Tremmel, *A Young Generation Under Pressure? The Financial Situation and the “Rush Hour” of the Cohorts 1970-1985 in a Generational Comparison*. (pp. 57-76). Springer Verlag Berlin Heidelberg
- Jones, G. (2009). **Youth**. Polity Press
- Jones, G., O’Sullivan, A., and Rouse, J. (2006). **“Young Adults, Partners and Parents: Individual Agency and the Problems of Support”**. *Journal of Youth Studies*, 9(4), 375-392. doi:10.1080/13676260600914374
- Kretsos, L. (2010). **“The Persistent Pandemic of Precariousness: Young People at Work”**. In J. C. Tremmel, *A Young Generation Under Pressure? The Financial Situation and the “Rush Hour” of the Cohorts 1970-1985 in a Generational Comparison*. (pp. 3-22). Springer Verlag Berlin Heidelberg.
- Leavy, P. (Ed.). (2014). **The Oxford Handbook of Qualitative Research**. Oxford University Press
- Leccardi, C. (2006). **“Facing Uncertainty. Temporality and Biographies in the New Century”**. In C. Leccardi and L. Ruspini, *A new youth?: young people, generations and family life*. (pp. 15-40). Ashgate
- Leccardi, C., and Ruspini, E. (2006). **A New Youth?: Young People, Generations and Family Life**. Ashgate Publishing Limited
- Merken, H. (2004). **“Selection Procedures, Sampling, Case Construction”**. In U. Flick, *A Companion to Qualitative Research*. (pp. 165-171). Sage Publications Ltd

- Morch, S., and Andersen, H. (2006). **“Individualization and the Changing Youth Life”**. In C. Leccardi and L. Ruspini, *A new youth?: young people, generations and family life*. (pp. 63-84). Ashgate.
- Rapley, T. (2007). **“Interviews”**. In C. Seale, *Qualitative Research Practice*. (pp. 15-33). Sage Publications
- Rapley, T. (2014). **“Sampling Strategies in Qualitative Research”**. In U. Flick, *The SAGE Handbook of Qualitative Data Analysis*. (pp. 49-63). SAGE Publications Ltd
- Roulston, K. (2014). **“Analysing Interviews”**. In U. Flick, *The SAGE Handbook of Qualitative Data Analysis*. (pp. 297-312). SAGE Publications Ltd
- Saldaña, J. (2009). **The Coding Manual for Qualitative Researchers**. SAGE Publications Ltd
- Swartz, T.T., and O’Brien, K. B. (2009). **“Intergenerational support during the transition to adulthood”**. In A. Furlong, *Handbook of youth and young adulthood: new perspectives and agendas*. (pp. 217-225). Routledge
- Tremmel, J. C. (2010). **“A Young Generation Under Pressure?”**. In *The Financial Situation and the “Rush Hour” of the Cohorts 1970-1985 in a Generational Comparison*. Springer Verlag Berlin Heidelberg
- Wyn Johanna, Dan Woodman. (2006). **“Youth and social change in Australia”**. Journal of Youth Studies 9(5). 495–514.



بررسی جامعه شناختی انتقال فرهنگ دینی از طریق خانواده‌ها به جوانان در چهار دهه اخیر (مورد مطالعه: شهر تهران در سال ۱۳۹۷)

سهیلا مبارک^۱
زهرآ حضرتی صومعه^۲
باقر ساروخانی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۷/۱۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۲۳

پژوهش حاضر با هدف بررسی جامعه شناختی انتقال فرهنگ دینی از طریق خانواده‌ها به جوانان در چهار دهه اخیر انجام پذیرفت. در تدوین چارچوب نظری پژوهش حاضر از نظریات برگر و لاکمن، اینگلهارت، گیدنز، گلاک و استارک سود جسته شده است. روش پژوهش، پیمایشی و از نوع توصیفی-تبیینی است. جامعه آماری شامل جوانان چهار دهه اخیر در شهر تهران بود و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۹۰ نفر به دست آمد که نمونه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی انتخاب شدند. جهت گردآوری داده‌ها از تکنیک «پرسش‌نامه توأم با مصاحبه و مشاهده» استفاده شد که با اعتبار محتوایی صوری و پایایی از طریق تکنیک آلفای کرونباخ ۰/۸۳ انجام یافت. یافته‌ها بیانگر آن است که فرهنگ دینی به طور معناداری با نهادینه شدن دین در خانواده رابطه مستقیم و معنی‌داری دارد. در بین گروه‌های سنی مورد مطالعه، تفاوت منفی و معناداری در فرهنگ دینی چهار دهه اخیر دیده شد. همچنین یافته‌های مستخرج از مدل رگرسیون چندگانه نشان داد که متغیرهای آموزش‌های دینی، اعتقادات و باورها، تربیت، التزام و تعهد خانواده نسبت به دین از جمله عوامل تاثیرگذار و معنادار در انتقال فرهنگ دینی در چهار دهه اخیر به شمار می‌آیند.

واژگان کلیدی: فرهنگ دینی، جوانان، خانواده، دینداری و نسل

۱. دانشجوی دکتری، جامعه‌شناسی فرهنگی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استادیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Hazrati14@yahoo.com

۳. استاد، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

فرهنگ در زندگی بشر همواره امری جاری است. افزون بر این، فرهنگ بالنده برای تکامل باید توانایی تبادل با سایر فرهنگ‌ها و جذب ویژگی‌های مثبت آنها را داشته باشد. بنابراین تمام فرهنگ‌ها با یکدیگر در تعامل اند تا بتوانند بشر را به پیشرفت مطلوب برسانند. تازگی آموزه‌ها و زندگی فرهنگی بشر، ضرورتاً ایجاب می‌نماید که جامعه انسانی در پیشبرد ارزش‌ها و پیمودن مسیر پر پیچ و خم دنیای نوین تلاش مضاعفی از سوی تمامی نهادها بخصوص خانواده‌ها به عنوان طلایه داران جامعه در پیش گیرد. خانواده، موثرترین عامل انتقال فرهنگ و رکن بنیادی جامعه است که پیوسته در حال تاثیر پذیری و تاثیر گذاری دو سویه با فرهنگ و عوامل اجتماعی می‌باشد. انسان‌ها در خانواده به هویت و شخصیت دست می‌یابند و به تکامل معنوی و اخلاقی می‌رسند. از این رو، خانواده نه تنها عامل کمال بخشی و آرامش و بالندگی اعضای خویش است، بلکه در دگرگونی‌های اساسی جوامع، نقش مهمی ایفا می‌کند. با وجود آنکه فرهنگ به کلیه آموخته‌های بشری که شامل الگوهای ذهنی، عملی و معانی مشترک میان افراد یک گروه، طبقه یا جامعه که به زندگی و شیوه‌های آن شکل داده و در طول زمان در حال ساخته شدن و پرورش یافتن است، اطلاق می‌گردد، جوهره اصلی فرهنگ شامل ارزش‌ها و هنجارهایی است که از نسلی به نسل دیگر منتقل و باعث تداوم و قوام جامعه می‌گردد. یکی از اصلی‌ترین عناصر فرهنگ که به جامعه پذیری و شکل‌گیری باورها و اعتقادات کمک می‌نماید در قالب فرهنگ دینی مطرح است. فرهنگ دینی، بخش انسان ساخته ساخت دینی زندگی بشر است.

دین، فرهنگ و خانواده، تبادلات و تعاملات زیادی با یکدیگر دارند و در فرآیند کنش و واکنش با یکدیگر شکل می‌گیرند و حیات جامعه را تأمین می‌کنند. این امر به ویژه در جامعه اسلامی که دین نقش مهمی در ارکان مختلف جامعه دارد، حائز اهمیت است. در حقیقت در جامعه اسلامی دین به شکل یکی از نظام‌های اثربخش و قدرتمند فرهنگ جلوه می‌کند. در خانواده‌های ایرانی نیز دین همواره یکی از عناصر اصلی و سازنده فرهنگ و یکی از عوامل مهم در شکل دهی به تغییرات و دگرگونی‌های جامعه ایران بوده است (معیدفر، ۱۳۷۹: ۶۶).

دین در چارچوب درون‌گرایانه خود کارکرد یگانه ساز^۱ میان معنی و معنویت فراهم و به درونی شدن فرهنگ کمک می‌نماید. جایگاه فهم و دریافت معانی، ذهن افراد است. حیات درونی افراد در عین حال که خاستگاه معانی است، حامل معانی نیز می‌باشد- فرهنگ در همین حوزه رشد و نما پیدا می‌کند و تغییر می‌یابد (مطهرنیا، ۱۳۸۸). ذهن افراد، محصول فرهنگی است که آموخته می‌شود و بعد از دوره اکتساب، حامل فرهنگ و در فرآیند تعامل اجتماعی گاه، مولد آن می‌شود. این وجه فرهنگ، فرهنگ درونی شده است. امری چون اعتقادات، ارزش‌ها و گرایش‌ها که به عنوان فرهنگ یا بخشی از آن یاد شده است، حوزه‌ای از فرهنگ است که جایگاه اصلی اش، درون یا ذهنیت افراد است. به این حوزه که طی فرآیند تربیت در قالب نمادها، از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود، انتقال فرهنگی^۲ می‌گویند. دین در چارچوب این معنا به دلیل پذیرش قلبی، سویه‌گیری ارزشی اعتقادی فرهنگ را تعمیق و فرهنگ دینی، پذیرش آئین،

1. Integration
2. Cultural Transmission

ارزش‌ها و اعتقادات را آسان می‌سازد. دین مانند هر پدیده اجتماعی متأثر از مسائل اجتماعی و در جریان فرایند تولید و بازتولید می‌باشد. فرهنگ دینی بخصوص در ایران که گذشته تاریخی طولانی داشته و با ادیان زرتشت و اسلام درآمیخته، پرورده شده و طی نسل‌های متمادی به نسل حاضر رسیده است. فرآیند شکل‌گیری فرهنگ دینی در طی چهل سال اخیر که مد نظر بوده با تغییرات به نسبت قابل توجه‌ای رو به رو گشته است. در طول سال‌های اولیه انقلاب اسلامی، دین در فضای فکری و عملی جان گرفت تا با بازگشت به اصول اولیه دین چرخشی در منش و روش‌های دینی افراد به وجود آورد. این تغییرات اجتماعی عمده وارد زندگی روزمره افراد گشت و حتی کوچکترین موارد همچون نوع پوشش افراد، گفتار، رفتار و ... را تحت تأثیر قرار داد. این فرهنگ نمادی شده که از طریق آموزش‌های رسمی، و سایل ارتباط جمعی، آثار هنری، کتب و نوشته‌ها در گستره وسیع فرهنگی پذیرفته شد و در فرآیندی فرهنگ‌پذیری دینی را تسهیل نمود. نسل‌های اول انقلاب توجه فراوانی به اصول و مبانی دینی و اسلامی داشتند و شیوه تفکر، منش و زندگی فردی و اجتماعی مردمان دهه اول پس از انقلاب تحت تأثیر ارزش‌ها و اصول دینی قرار گرفت؛ به طوری که پای بندی به اصول و موازین اسلامی حتی در جزئی‌ترین موارد زندگی شان مثل ایثار و از خودگذشتگی، نامگذاری کودکان متولد شده دهه‌های ۵۰-۶۰، توجه به اصول و فروع دین، شرکت فعال در مساجد و نمازهای جماعت، پوشش ظاهری و حجاب و... در وجه ظاهری و پایبندی به موازین اعتقادی و مناسکی فراوان به چشم می‌خورد. این امر به انسجام دینی و اجتماعی و به تعبیر کارکردی دارای بار مثبت و عملکرد بود و جامعه را در حالت ثبات لازم قرار می‌داد، اما چون فرهنگ تغییر بطنی و کندی را دارد و با تغییرات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی توأمان در ارتباط تنگاتنگی می‌باشد، پس از دهه ۷۰ به این سو که جامعه با تحرک و خیز اقتصادی، علمی و فناوری‌های روز همراه شد، تغییرات کمی و کیفی در نحوه دینداری نسل‌های بعدی مشاهده می‌شود. در جامعه ایرانی از دیرباز، مسئله توجه به دین و آموزش ارزش‌ها، هنجارهای دینی و اعتقادی و آداب و رسوم و مناسک دینی از نسلی به نسل دیگر بسیار اهمیت داشته است. با عنایت به جوان بودن نسبی جامعه ما و سیر توجه بیشتر در جهان به مسائل مذهبی، توجه به این مقوله بیشتر احساس می‌گردد. اما مسئله و مشکلی که جامعه معاصر ایران با آن مواجه شده این است که در میان نسل جدید بخصوص نوجوانان و جوانان، مسئله توجه به ارزش‌ها و هنجارهای دینی و فراگیری و التزام به آنها کم رنگ شده است و به نظر می‌رسد این نسل، درگیری کمتری با موضوع دین دارد و التزام و تعهدات نسل‌های پیشین را نسبت به موضوع دین ندارد؛ به طوری که بعد از گذشت چهار دهه از عمر انقلاب، اختلافاتی در زمینه نگرش‌ها، اعتقادات و مناسک دینی به وجود آمد و موجب برخی قضاوت‌ها و گفتمان‌ها در عرصه و ابعاد دینداری شدند تا جایی که عده‌ای از افراد و مسئولان، وضعیت دینداری جوانان نسل جدید را ضعیف و بحرانی تلقی می‌نمایند. با توجه به اینکه درصد زیادی از جمعیت کشور را جوانان تشکیل می‌دهند، دغدغه و نگرانی تضعیف ارزش‌ها و هنجارهای دینی در میان این نسل، مسئله‌ای قابل بررسی و تحقیق است تا دریابیم که چهار نسل بعد از انقلاب اسلامی جامعه معاصر ایران تا چه اندازه اهتمام، التزام و تعهد به فرهنگ دینی دارند. این مسئله در کلان شهری مانند تهران با جمعیت ناهمگون و قومیت‌های مختلف با فرهنگ‌ها و اعتقادات گوناگون، جنبه‌های پیچیده و حادث‌تری به خود می‌گیرد و هر یک از عوامل اجتماعی شدن در این شهرها در انجام وظایف خود دچار تغییراتی می‌شوند.

اهداف پژوهش

هدف کلی

بررسی جامعه شناختی انتقال فرهنگ دینی از طریق خانواده در چهار دهه اخیر (بررسی موردی: شهر تهران)

اهداف جزئی

- بررسی نوع آموزش‌های ارائه شده در خانواده و انتقال فرهنگ دینی
- بررسی رابطه بین اعتقادات و باورهای افراد و انتقال فرهنگ دینی
- بررسی رابطه بین پابندی والتزام خانواده و انتقال فرهنگ دینی
- شناخت نهادی شدن اخلاق دینی در خانواده و انتقال فرهنگ دینی
- بررسی رابطه بین سبک تربیتی خانواده و انتقال فرهنگ دینی
- بررسی رابطه بین متغیر زمینه‌ای (سن، تحصیلات، پایگاه اجتماعی و منزلت و وضعیت اقتصادی) با انتقال فرهنگ دینی

۱۹۶

پیشینه پژوهش

در زمینه این موضوع، چه در داخل و چه در خارج از کشور مطالعاتی وجود دارد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

حسینی و حضرتی صومعه (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی مطالعه جامعه شناختی انتقال بین نسلی فرهنگ دینی از طریق خانواده در جامعه معاصر ایران (مورد مطالعه: دانش آموزان دبیرستانی شهر کرج سال تحصیلی ۹۵-۹۴) پرداخته‌اند. نتایج نشان داد انتقال فرهنگ دینی در میان نوجوانان جامعه معاصر ایران نسبتاً ضعیف است. از میان عوامل مؤثر در جامعه‌پذیری، خانواده و گروه‌های اجتماعی در انتقال فرهنگ دینی تأثیر بیشتری دارند. همچنین اگر چه دو بعد اخلاقی و عاطفی در میان نوجوانان جامعه معاصر ایران ضعیف‌تر از ابعاد اعتقادی و مناسکی است، اما خانواده و والدین در انتقال تمام ابعاد دینداری مؤثرند (حسینی و حضرتی صومعه، ۱۳۹۵).

آقا محمدی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش الگوی تربیتی والدین در تربیت دینی فرزندان» نشان می‌دهد که نگرش مذهبی والدین در تربیت دینی فرزندان تأثیر مستقیم و رعایت آداب دینی از سوی والدین با تربیت دینی فرزندان آنها رابطه معناداری دارد. نتایج پژوهش رابطه بین ساده زیست بودن والدین با تربیت دینی فرزندان را در سطح قابل قبولی نشان داد (آقا محمدی، ۱۳۹۲).

احمدی (۱۳۸۸) در یک پژوهش به بررسی وضعیت دینداری و نگرش به آینده دین در میان نسل‌ها پرداخته است. یافته‌های پژوهش وی نشان داد که تفاوت معنی داری بین دو نسل در ابعاد مناسکی و پیامدی دینداری و نگرش به آینده دین وجود دارد. البته تفاوت معنی داری میان دو نسل در متغیرهای بعد اعتقادی و تلقی از مذهبی بودن افراد در آینده وجود ندارد. در زمینه نگرش به آینده مذهب، تلقی نسل بزرگسال بهتر از نسل جوان بوده است که این نشان از تضعیف برخی آموزه‌ها و هنجارهای دینی در میان نسل جدید دارد (احمدی، ۱۳۸۸).

بحری پور (۱۳۸۷) در پژوهش «تأثیر پایگاه اقتصادی اجتماعی دانشجویان بر میزان دینداری آنان» به

نتایج زیر دست یافت؛ به طوری که میانگین میزان پایبندی دانشجویان به هر یک از ابعاد چهارگانه دینداری (اعتقادی، تجربی، پیامدی و مناسکی) بر اساس پایگاه اقتصادی اجتماعی شان متفاوت است. بین منزلت شغلی پدر، درآمد سرانه خانوار و تحصیلات والدین، جنس و سن با میزان دینداری دانشجویان رابطه معنی داری وجود دارد (بحری پور، ۱۳۸۷).

مهدوی (۱۳۷۹) در پژوهشی میزان دینداری جوانان و عوامل مؤثر بر آن مورد سنجش قرار داد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که وسایل ارتباط جمعی، تنها ماهواره و اینترنت اثر معنی داری بر دینداری داشته اند. خانواده بیشترین تأثیر را بر دینداری جوانان نشان داده و بعد از آن، مدرسه، عام گرای و روحانیت، مهمترین متغیرها در این رابطه محسوب شده اند (مهدوی، ۱۳۷۹).

مولینز^۱ (۲۰۱۶) در تحقیق «تأثیر مذهب بر ثبات خانواده»، به تأثیر مذهب بر دوام زندگی خانوادگی پرداخته است. نتایج بیانگر آن بود خانواده هایی که به طور مرتب و هفتگی در مراسم کلیسا شرکت می‌کردند، در انجمن‌های خیریه فعال بودند، پایبند انجام تشریفات اولیه مثل غسل و تعمید فرزندان و... بودند و در اجتماعات مذهبی شرکت داشتند، از سلامت روانی و اجتماعی بیشتری برخوردار بودند و فرزندان آنها نیز در بزرگسالی تمایلات مذهبی بالاتری را نسبت به دیگر افراد از خود نشان می‌دادند (Mullins, 2016).

کزدی^۲، مارتوس^۳، بولاند^۴ و هورواس^۵ (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای بر روی ۳۰ نفر دانش آموز ۱۵-۲۵ ساله مجارستانی دریافتند که آنها به سبب شک داشتن به مذهب و عدم انجام مراسم و تشریفات مذهبی میزان اضطراب و افسردگی بالاتری را نسبت به دانش آموزان دیگری که تشریفات مذهبی را رعایت می‌کردند نشان دادند (مارتوس، بولاند و هورواس، ۲۰۱۰).

مطالعات بری ولمن و همکاران (۲۰۱۰) در مورد اثرگذاری رسانه بر شکل گیری هویت دینی نشان داد که تأثیرات رسانه در رفتار و ایدئولوژی انعکاس داده می‌شود که این به نوبه خود هویت اجتماعی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین، در این پژوهش هویت به عنوان یک فرآیند پویا در نظر گرفته می‌شود که تحت تأثیر عوامل گوناگون، شکل‌های متفاوتی به خود می‌گیرد (بری ولمن و همکاران، ۲۰۱۰).

وینک^۶، سیسییالا^۷، دیلون^۸ و تراسی^۹ (۲۰۰۷) در پژوهشی مطرح کردند که در اواخر نوجوانی، مذهبی بودن رابطه مثبت با وظیفه شناسی و سازگاری دارد و جستجوی معنویت با باز بودن برای تجربه، رابطه مثبت داشت و مذهبی بودن در نوجوانی با خوشایندی در طول زندگی قابل پیش بینی است (وینک، سیسییالا، دیلون و تراسی، ۲۰۰۷).

با توجه به تنوع و گستردگی تحقیقات در حوزه‌های دینی و فرهنگ دینی به نظر می‌رسد که در تمامی تحقیقات بر ابعاد مشخصی تأکید گردیده است. تلاش و تأکید مضاعف بر وجهه روانی و روانشناختی دین

1. Mullins
2. Kézdy
3. Martos
4. Boland
5. Horváth
6. Wink
7. Ciciolla
8. Dillon
9. Tracy

و تسری دادن آن صرفاً به عوامل درونی و فردی موردی است. در پژوهش‌های داخلی با اهتمام بر اینکه دین یکی از مهمترین ارکان وجوه زندگی فردی و اجتماعی ایرانیان به شمار می‌آید و در تمامی ابعاد زندگی ایفای نقش می‌نماید، اغلب به شاخص‌های ساده و عینی اکتفا می‌شود و این مسئله بررسی دقیق دینداری و فرهنگ دینی را با دشواری مواجه می‌سازد. روش‌های انتخاب شده برای بررسی از نوع تحقیقات توصیفی و ابزار به کار رفته، پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد. ظرافت و توجه به موضوع از آنجایی بیشتر نمایان می‌شود که ابعاد مورد بررسی و سنجش ابعاد آن با توجه به انتزاعی، پیچیدگی، چند بعدی بودن و ایستارهای فرهنگی - اجتماعی خاص در حوزه دین که با تفاسیر متعدد و برداشت‌های گوناگون همراه و بررسی آن را با دشواری مواجه می‌نماید. بررسی دینداری و فرهنگ دینی، روش‌شناسی خاصی را می‌طلبد که بتوان با مفاهیم ساده، روان و منطبق با واقعیت‌های پیچیده اجتماعی و فرهنگی به سنجش این پدیده پرداخت.

چارچوب نظری پژوهش

در پژوهش حاضر دیدگاه‌های نظریه پردازان متعددی از حوزه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفت، اما دیدگاه برگزیده و لاکمن و الگوی دینداری گلاک و استارک، آنتونی گیدنز و اینگلهارت با این پژوهش همخوانی بیشتری دارند.

در الگوی گلاک و استارک به رغم آن که ادیان جهانی در جزئیات بسیار متفاوت اند، اما حوزه‌های کلی دارند که دینداران در آن حوزه‌ها و یا آن ابعاد جلوه گر می‌شوند (حضرتی صومعه، ۱۳۹۵). آنها برای دینداری چهار بعد اصلی «عمل»، «باور»، «تجربه»، «دانش یا معرفت» را با عنوان ابعاد عمومی الزام دینی مطرح کرده اند (گنجی، ۱۳۸۳: ۱۱۵). در بررسی ابعاد دینداری گلاک و استارک به موارد زیر اشاره شده است.

۱. بعد باور: آن چیزی است که انتظار می‌رود پیروان یک دین بدان اعتقاد داشته باشند. گلاک و استارک این باورها را در هر دین به سه نوع تقسیم کرده اند: «باورهای پایه ای مسلم» که ناظر بر شهادت به وجود خدا و معرفی ذات و صفات اوست. «باورهای غایت‌گرا» که هدف و خواست خدا از خلقت انسان و نقش او در راه نیل به این هدف است. باورهای «زمینه ساز» که روش‌های تأمین اهداف و خواست خداوند و اصول اخلاقی را که بشر برای تحقق آن اهداف باید به آنها توجه کند، دربرمی‌گیرد. این بعد باور یا عقیدتی است.
۲. بعد مناسکی (عمل): نظام اعتقادی در هر دینی وجود دارد، اما این اعتقادات به صورت مناسک نمود عینی می‌یابند. «تمام ادیان بنابر اقتضای نوع الهیات خود، نحوه خاصی از عمل و زیست را بر مؤمن الزام می‌کنند... که همان عمل دینی است. این عمل خواه ناخواه، در پرتو نظام فقهی و اخلاقی سامان می‌پذیرد» (طالبان، ۱۳۷۹: ۵۲۷). بعد عمل یا مناسک، اعمال دینی مشخصی نظیر عبادت‌های فردی، نماز، روزه، صدقه، زکات و ... را دربرمی‌گیرد. گلاک و استارک در تشریح بعد مناسکی بر این نکته تأکید کرده اند که در عملیاتی کردن این بعد، علاوه بر مشارکت در فعالیت‌های مناسکی، تفاوت‌های مربوط به ماهیت یک عمل و معنای آن عمل نزد فاعلان آن نیز بررسی می‌شود. از نظر امیل دورکیم، تمامی مناسک و اعمال دینی در ادیان «کارکرد اجتماعی دارند و هدف آنها زنده نگه داشتن حس تعلق به گروه و مواظبت از اعتقاد و ایمان است» (آرون، ۱۳۷۷: ۴۰۵).

۳. بعد تجربه: تجربه دینی با احساسات، تجربیات و درون فرد دیندار مرتبط است. احساسات و عواطف دینی،

وجه عالی تری از دینداری است که کاملاً قلبی و درونی می‌باشد و برخلاف مناسک و مراسم آیینی نمود بیرونی ندارد. دیندارانی که این بعد را کسب می‌کنند، «مخلص» نامیده می‌شوند. در واقع تجربه «واقعۀ ای است که شخص خواه به عنوان عامل و خواه به عنوان ناظر، آن را تجربه می‌کند و نسبت به آن آگاه و مطلع است. تجربه دینی را غیر از تجربه‌های متعارف می‌دانند؛ یعنی شاخص متعلق به این تجربه یا وجود حضوری مافوق طبیعی دارد یا آن را موجودی می‌انگارد که به نحوی با خدا مربوط است و یا آن را حقیقتی غایی می‌پندارند، حقیقتی که توصیف ناپذیر است (پترسون، ۱۳۸۳: ۶۳)

گلاک و استارک تجربه دینی را چندین نوع می‌دانند:

تأییدی^۱: حس مؤدت و تأیید به وجود خدا؛

ترغیبی^۲: گزینش آگاهانه خدا و اشتیاق به او؛

شیدایی^۳: حس صمیمیت و شور و وجد نسبت به خدا؛

و حیانی^۴: مورد اعتماد خدا واقع شدن و کارگزار و فرستاده خداوند بودن (مهدی زاده، ۱۳۷۹: ۲۵).

۱. بعد دانش: بعد معرفتی، عقلانی یا دانش با بعد عقیدتی بسیار نزدیک است. تفاوت این دو بعد، مربوط به آگاهی و شناخت در اعتقادات در بعد دانش است. معرفت دینی، آگاهی به متون دینی است که می‌تواند الگویی برای باور، عمل و تجربه دینی باشد. از نظر گلاک و استارک، بعد معرفتی پیرامون مطالبی است که مردم از طریق عالمان دینی درباره مذهب می‌آموزند.

۲. بعد پیامدی: این بعد، به دلیل بیشترین انتقادات، در میان ابعاد الگوی دینداری گلاک و استارک پس از مدتی حذف شد. از جمله این که بعد پیامدی فی نفسه پیامد دینداری است، نه بعدی از ابعاد آن. بعد پیامدی دینداری که با این انتقاد از الگوی دینداری کنار گذاشته شد، به اعمالی گفته می‌شود که از عقاید، احساسات و اعمال مذهبی ریشه می‌گیرد و از ثمرات و نتایج ایمان در زندگی و کنش‌های بشر است. این بعد، نقش چندانی در جهت‌گیری انسان ندارد، بلکه خود، تابع ساختارهای اجتماعی است. از نظر این دو محقق، «بعد پیامدی جدا از سایر ابعاد قابل بررسی نیست. رفتارهای دینی می‌توانند در معنای پیامدی سنجۀ ای از دینداری باشند که منجر به استواری ایمان مذهبی می‌شوند. آنجا که منجر شود تا از باور، اعمال، تجربه و دانش دینی پیروی شود (منبع پیشین: ۴۳)

الگوی دینداری گلاک و استارک، از نخستین الگوهایی است که بسیاری از الگوهای دینداری بعدی، ابعاد خود را از آن وام گرفته‌اند.

به نظر برگر و لاکمن موضوع جامعه‌شناسی شناخت، بررسی رابطه ساخت یا زمینه اجتماعی و اندیشه فرد یا به طور کلی تعیین اندیشه و شناخت انسان است. (حضرتی صومعه، ۱۳۹۵: ۱۳۳)

برگر و لاکمن معتقدند که یک نظام معنی مشترک واقعیات روزمره را به عنوان امری بدیهی و مسلم برای انسان‌ها متصور است. این نظام بدیهی در طول زمان به کندی تغییر می‌پذیرد. آنها اعتقاد دارند که افراد در تعامل اجتماعی و موقعیت‌های رو در رو الگوهای پیش ساخته ذهنشان را درک می‌کنند و ارگانیسم انسانی

1. confirming

2. Responsive

3. Ecstatic

4. Revelation

در تعامل با محیط، مراحل تکامل خویش را طی می‌کند. رابطه انسان با دنیای اجتماعی، رابطه‌ای دیالکتیکی است. این دیالکتیک با انتقال دنیای اجتماعی به نسل جدید به وجود می‌آید. در این مرحله است که دنیای نهادی نیازمند مشروعیت است، زیرا در جریان انتقال واقعیات، دنیای پرمایگی و انباشت به وقوع می‌پیوندد (حسین زاده و دیگران، ۱۳۸۸: ۶۲).

انحراف از هنجارها زمانی رخ می‌دهد که نهادها به واقعیت‌هایی تبدیل شده باشند که پیوندشان را با زمینه‌های ارتباطی خویش در فرآیندهای اجتماعی مشخصی که از آنها پدید آمده اند گسیخته باشند (برگر و لاکمن، ۱۳۷۵: ۱۷۴).

از نظر برگر، مفاهیم جهان مذهبی با فرآیندهای خاص، با عنوان «ساختار توجیه‌گری» اعتبار خود را حفظ و تحکیم می‌کنند. اگر این ساختار تضعیف شود و یا از بین برود، تسلط اعتقادات مذهبی هم بر اذهان انسان‌ها به آسانی از دست می‌رود. از آنجایی که مقررات، نقش‌ها، الزام‌ها و نهادهای اجتماعی بسیار شکننده اند، نیاز است که پیوسته یادآوری گردد که چه باید کرد و باید معانی متبلور در فرهنگ و نهادها همیشه به ما گوشزد گردد. این یادآوری را مناسب برای ما انجام می‌دهند. اجتماع مذهبی نقش مهمی در تداوم باور پذیری ایفا می‌کنند. برگر به نقش توجیه مذهبی تاکید می‌کند و این را یکی از مهمترین دژهای بشر در برابر بی‌هنجاری در سراسر تاریخ می‌داند (میرسندسی، ۱۳۸۳: ۱۴۹).

برگر و لاکمن اشاره دارند که ارگانیسم انسانی در تعامل با محیط، مراحل تکامل خویش را طی می‌کنند و رابطه انسان با محیط رابطه‌ای دیالکتیکی است. این دیالکتیک شامل تبادلات پدیده‌های اجتماعی با هم است. در جریان این دیالکتیک و تبادلات، معانی از طریق فرمول‌های توجیه‌کننده مختلفی تفسیر و تبیین می‌شوند. در زندگی گذشته دین این تبیین توجیه‌گری را به خوبی انجام می‌داد، اما در دنیای امروز، با پیدایش زیست جهان‌های متعدد نقش دین رو به کاهش رفته و در حوزه دین، دنیاهای فرعی متعدد و رقیب هم، شکل گرفته اند؛ از جمله رسانه‌ها، شغل، تحصیلات و... این دنیاهای فرعی متعدد به کاهش اعمال مناسبی دینی انجامیده است. بنابراین تجربه دینی متفاوت تاثیرهای متفاوتی در پی خواهد داشت.

توصیفات درباره دین و فرهنگ دینی اغلب الگوها و محتوای یکسان را با عبارات اندکی متفاوت شرح و شباهت‌های بسیار را با هم نشان می‌دهند. به همین دلیل، الگوهای سنجش دینی در بسیاری از ابعاد محتوای یکسانی دارند و غالباً در سه سطح سنجش دینی پرداخت می‌شوند: اولین سطح با زندگی افراد یا همان اعمال و شعائر است.

دومین سطح درونی تر به ایده‌ها و عقاید و سطح سوم تجربه دینی با توجه به تجربه درونی و بیرونی افراد در زندگی اجتماعی آنان است. بر این اساس، با توجه به الگوی گلاک و استارک به تفکیک سه وجهی از ابعاد فرهنگ دینی را در بین خانواده‌ها پرداخته شده است که به شرح زیر تقسیم بندی می‌شود:

۱. بعد اعتقادی یا باوری خانواده که شامل باور به خدا، توحید و سایر اصول است.
۲. بعد مناسبی یا اعمال دینی است که برخی شامل واجبات و برخی مستحبات است.
۳. بعد پیامدی انتقال فرهنگ دینی که در عصر حاضر را در بر می‌گیرد.

همان گونه که از نظریات برگر و لاکمن استنباط می‌شود، دینداری و فرهنگ دینی ابعاد و مظاهر عینی و ذهنی دارند که انجام و پای بندی به آنها از ضروریات اساسی هر جامعه‌ای است. باور به وحدانیت، انجام

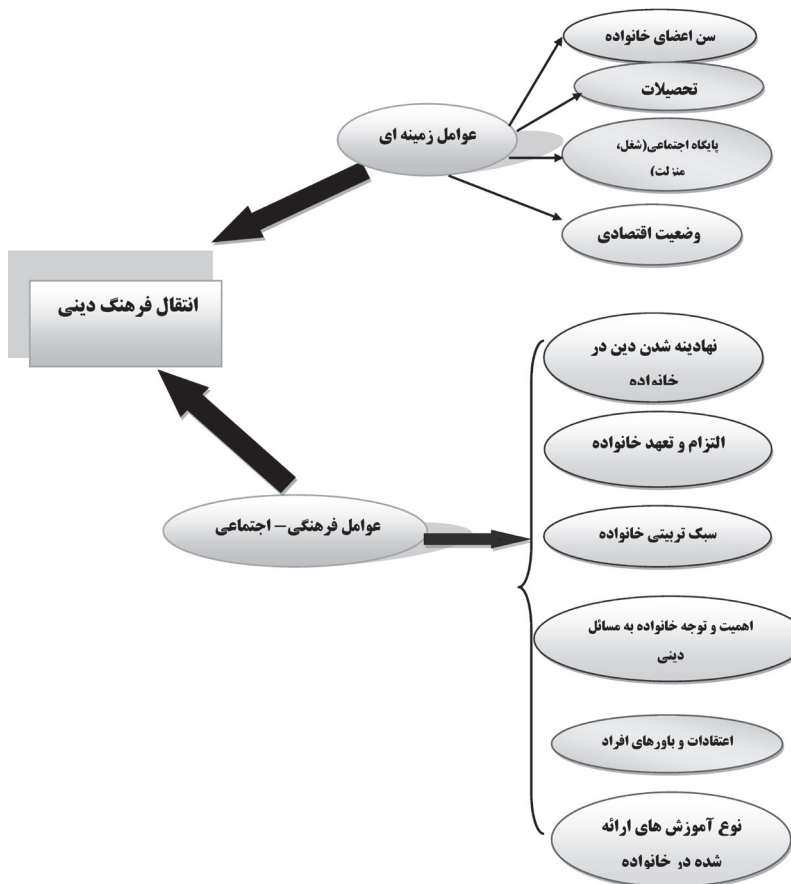
مناسک و پیامدهای ناشی از اعمال و تعهد دینی که در جامعه بروز آنها به شکل گیری رفتارها می انجامد و عملکردهای افراد جامعه را تنظیم و تعدیل می نمایند. در گذشته، دین حالت توجیه گری و حفاظت از آسیب ها را به خوبی بر عهده داشته و با توجه به زیست جهان های محدود می توانسته نقش اساسی را در فرآیند اجتماعی کردن افراد برعهده داشته باشد. در حال حاضر، از این نقش دین کاسته گردیده و دنیاهای فرعی و رقیب توانسته دنیای جدیدی را شکل بخشند. تجربیات دینی افراد تحت تاثیر این نظام های متفاوت و متضاد قرار گرفته و دین نیز قادر به جای دادن همه این نظام های معنی جدید نبوده است. فرهنگ دینی کسب شده در چهار دهه اخیر با دگرگونی های وسیعی رو به رو گشته است.

از دیدگاه گیدنز، خانواده و خویشاوندی و آنچه را که وی «کیهان شناسی مذهبی»^۱ می نامد، دو رکن اصلی زمینه ساز اعتماد در دنیای پیش مدرن هستند که امنیت وجودی را پدید می آورند. «خویشاوندی، شبکه پابرجایی از روابط دوستانه و پیوندهای اجتماعی اعتمادپذیر را موجب می شود که تضمین کننده انجام تعهدات از سوی اشخاص بدون نیاز به علاقمندی شخصی در بین آنهاست. دین نیز با ارائه تفسیرهای اخلاقی و عملی از زندگی اجتماعی، امنیت را ارائه می کند و به رویدادها و تجربه ها اعتماد تزریق می کند» (گیدنز، ۱۳۹۰: ۱۲۲). به نظر گیدنز، اختلاف بین نسل ها در واقع نوعی به حساب آوردن زمان در جامعه مدرن است. هر نسلی در واقع نوعی به حساب آوردن تیره ای از آدمیان است که زندگی فردی را در مقطعی از زندگی های گروهی جای می دهد. با این حال در عصر جدید، مفهوم نسل رفته رفته فقط در برابر پس زمینه ای از زمان استاندارد شده معنی پیدا می کند (گیدنز، ۱۳۷۹: ۲۰۷). گیدنز در اینجا علاوه بر عنصر زمان، به فرار بودن جامعه به عنوان ویژگی جوامع متجدد و نیز نوعی مرخص شدن از گذشته توجه دارد. نکته قابل تأمل در اندیشه گیدنز در این ایده نهفته است که نسل جدید به لحاظ اخلاقی نسبت به نسل قبلی دچار مشکل شده است. وی در پاسخ به این پرسش که آیا شاهد ظهور یک نسل «من» خواهیم بود که ارزش های مشترک و علائق عمومی را نابود می کنند و در آنها فردگرایی مفرط و شدید وجود خواهد داشت، بیان می کند که نسل «من» توصیف گمراه کننده ای از فردگرایی جدید است که نشانه ای از یک روند فساد اخلاقی به دست نمی دهد؛ در واقع برعکس، بررسی ها نشان می دهند که نسل های جوان امروز نسبت به نسل های پیشین به مسائل اخلاقی بسیار بیشتر حساس هستند. اما آنها این ارزش ها را به سنت ربط نمی دهند یا شکل های سنتی اقتدار را به مثابه عامل تعیین کننده هنجارهای شیوه زندگی نمی پذیرند. به عقیده وی به جای اینکه به دوره خودمان به عنوان «یک عصر انحطاط اخلاقی» بنگریم، منطقی است که آن را به عنوان «یک عصر انتقال اخلاقی» در نظر بگیریم (گیدنز، ۱۳۷۸: ۴۲-۴۳). بررسی دقیق نظریه گیدنز درباره نسل حاکی از آن است که وی شکاف و تعارض بین نسلی را کاملاً رد می کند و بیشتر توجه خود را به تفاوت بین نسل ها معطوف می کند و به تفاوت بین نسل ها به دید مثبت می نگرد. این بدان معناست که وی تفاوت میان نسل ها را یک امر طبیعی می داند که به دنبال تغییرات و دگرگونی های ساختاری به وجود آمده در جامعه نمود پیدا می کند. وی حتی از این نیز پا فراتر گذاشته و دگرگونی های بوجود آمده در هنجارها و نگرش های نسل های جدید را نشانه تحول و اعتلای فرهنگی جامعه می داند.

از دید اینکلهارت نیز با افول جهان بینی سنتی نیاز به مسئله هماهنگی شناختی به وجود می آید. افراد در پی آن هستند که جهان بینی شان را با تجربه روزانه شان همسان نمایند. از این رو در جوامع پیشرفته، مفهوم خدا به منزله

ساعت ساز بزرگی است که جامعه را خلق کرده، سپس آن را ترک نموده و به حال خویش وا گذاشته تا مستقل عمل کند. از این رو هر چه بار کنترل بشر به محیط افزوده گردید، نقشی که به خدا نسبت داده شد، تضعیف گردید (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۲۰۴). زوال ظاهری هنجارهای اجتماعی و مذهبی سنتی با تحول از ارزش‌های مادی به فرامادی، در ارتباط است. تحول به سدی فرامادیگری و افول اشکال سنتی مذهب، دو اتفاق همراه هستند، زیرا هر دو یک حالت مشترک دارند: سطح بی سابقه امنیت فردی در جامعه پیشرفته صنعتی معاصر (همان منبع: ۲۳۴)، در بین نسل جدید ایرانی نیز به اصول و موازین دینی برخورد می‌کنیم که آزادانه تر و سهل گیر نسبت به دینداری والدین شان است، تاکید گذشتگان بر اصول و فروع دین کمتر در بین جوانان دیده می‌شود؛ بسیاری از جوانان مقتضیات و مسائل مطرح شده در قرآن را پذیرفته اند اما مطمئن نیستند که این مقتضیات برای همگان الزام آور باشد یا نیازی به انجام آن داشته باشند، به بهشت و جهنم تا حدودی معتقدند، به جهان پس از مرگ فکر می‌کنند اما هنوز دچار شک و دو دلی هستند و دعا و نیایش را پذیرفته اند، اما آن را فردی و شخصی می‌دانند. این تغییرات را تا حدودی مربوط به جهان مدرن و آگاهی حاصل از آن می‌توان دانست.

مدل نظری پژوهش



فرضیه‌های پژوهش

۱. بین متغیرهای زمینه‌ای (سن، تحصیلات، پایگاه اجتماعی و وضعیت اقتصادی) خانواده و انتقال فرهنگ دینی رابطه معناداری وجود دارد.
۲. بین سبک تربیتی خانواده و انتقال فرهنگ دینی رابطه معناداری وجود دارد.
۳. بین التزام و تعهد خانواده و انتقال فرهنگ دینی رابطه معناداری وجود دارد.
۴. بین نوع آموزش‌های ارائه شده در خانواده‌ها و انتقال فرهنگ دینی رابطه معناداری وجود دارد.
۵. بین نهادینه شدن دین در خانواده و انتقال فرهنگ دینی رابطه معناداری وجود دارد.
۶. بین اعتقادات و باورهای افراد در خانواده و انتقال فرهنگ دینی رابطه معناداری وجود دارد.
۷. بین اهمیت و توجه به دین در خانواده و انتقال فرهنگ دینی رابطه معناداری وجود دارد.

۲۰۳

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع پیمایشی، از نظر هدف، یک بررسی کاربردی^۱، از نظر وسعت پهنانگر^۲ و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی^۳ است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه جوانان شهر تهران است که متولدان دهه ۵۰ تا ۸۰ را در بر دارد. تعداد نمونه بر اساس فرمول نمونه گیری کوکران تعداد ۳۹۰ نفر تعیین گردید. روش نمونه گیری این پژوهش، از نوع خوشه‌ای و تصادفی ساده بود. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته و ابزار مصاحبه و مشاهده است. اعتبار استفاده شده در این پژوهش، اعتبار صوری^۴ پرسش نامه تکمیل شده بود که با استفاده از راهنمایی‌های مشاوران و متخصصان علوم اجتماعی و دینی انجام پذیرفت. همچنین میزان پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برآورد گردید؛ بدین صورت که در پرسش نامه اولیه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و پرسش نامه اولیه ی تحقیق در بین نمونه‌ای شامل ۴۰ نفر از افراد واجد شرایط تحقیق قید شده شهر تهران کاملاً به طور تصادفی (پیش آزمون) انجام و سپس از طریق نرم افزار (SPSS ۲۲) برای هر کدام از ابعاد فرهنگ دینی گویه‌های آنها از طریق آلفای کرونباخ بررسی شد. ضریب آلفای شاخص‌های این پژوهش به ترتیب زیر می‌باشد:

جدول ۱: ضرایب آلفای کرونباخ (α) مربوط به قابلیت اعتماد مقیاس دینداری

نهادی شدن دین	توجه به دین	سبک تربیتی	آگاهی و شناخت	التزام به مناسک	عوامل زمینه‌ای	دینداری	گویه‌ها
۰/۹۲	۰/۷۰	۰/۸۵	۰/۷۸	۰/۸۰	۰/۸۳	۰/۸۹	ضریب آلفای کرونباخ

1. Applied
2. Extensive
3. Cross Sectional
4. Face Validity

تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها

فرهنگ دینی

تعریف نظری: تقید به مسائل دینی، مناسک و آداب و رسوم، عادات و روش‌های همه سازوکارهای بیانی، گفتاری، عاطفی و هیجانی و جز آنها. مجموعه باورها و نگرش‌ها، گرایش‌ها، ارزش‌ها و هنجارهایی است که به اشکال مختلف در رفتار اختیاری (فردی) و اجتماعی افراد متجلی می‌گردد (کافی، ۱۳۹۲).

تعریف عملیاتی: متغیر وابسته این پژوهش فرهنگ دینی است که در پنج بعد زیر مطرح می‌شود:

۱- بعد اعتقادی یا باورهای دینی، عبارت است از باورهایی که انتظار می‌رود پیروان آن دین بدان‌ها اعتقاد داشته باشند.

۲- بعد مناسکی یا اعمال دینی، شامل اعمال دینی مشخص همچون عبادت، نماز، شرکت در آیین‌های دینی خاص، روزه گرفتن و... است که انتظار می‌رود پیروان هر دین آنها را به جا آورند.

۳- بعد تجربی یا عواطف دینی، ناظر بر عواطف، تصورات و احساسات مربوط به داشتن رابطه با جوهری ربوبی همچون خدا یا واقعیتی غایی یا اقتداری متعالی است.

۴- بعد فکری یا دانش دینی، مشتمل بر اطلاعات و دانسته‌های مبنایی در مورد معتقدات هر دین است که پیروان هر دین باید آنها را بدانند.

۵- بعد پیامدی یا آثار دینی، ناظر بر اثرات باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی بر زندگی روزمره پیروان است.

پایگاه اجتماعی-اقتصادی

تعریف نظری: موقعیتی است که افراد در گروه‌های اجتماعی یا در مراتب یک گروه در مقایسه با گروه‌های دیگر احراز می‌کنند (حضرتی صومعه، ۱۳۹۵). افراد با پایگاه یکسان در بیشتر مواقع «الگوهای رفتاری و نگرشی» مشابهی نیز دارند (فرخی، ۱۳۸۹).

تعریف عملیاتی: در این پژوهش تحصیلات، وضعیت اقتصادی و رفاه خانواده مد نظر قرار گرفته اند.

الزام و تعهد فردی: که بر اساس اعتقادات و وجه عملی صورت می‌گیرد و شامل اوامر صریح و غیر صریح دینی می‌باشد.

تعلیم و تربیت دینی

تعریف نظری: به معنای تعلیم و تربیت متخذ از منابع دینی یا مجموعه آموزه‌های مربوط به تعلیم و تربیت که از منابع دینی اتخاذ شده است. در این معنا آنچه که محققان با استفاده از روش‌های معتبر از متون دینی در باره تعلیم و تربیت استنباط می‌کنند، تعلیم و تربیت دینی (اسلامی) نامیده می‌شود. بر این اساس، نظام تعلیم و تربیت که شامل مبنای، اهداف، اصول، روش‌ها، مراحل و موانع تعلیم و تربیت است، می‌تواند از منابع و متون دینی اسلام استنباط گردد. در هر صورت، آن نظامی، نظام تعلیم و تربیت دینی (برگرفته از دین) خواهد بود که به پرورش همه ابعاد مختلف وجود انسان همچون بعد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، عاطفی، اخلاقی، عقلانی و دینی نظر دارد و چگونگی پرورش این ابعاد را از نظر آن دین خاص معرفی می‌کند (آقا محمدی، ۱۳۹۲).

تعریف عملیاتی: در این پژوهش به منظور بررسی از آموزش صحیح راه و روش زندگی از طریق آموزه‌های دینی به فرزندان اطلاق می‌گردد که از طریق آموزش‌ها، اطلاع رسانی و دادن آگاهی‌های لازم در این زمینه

صورت می‌گیرد (۷ گویه) - تمامی افراد نیازمند به تعلیم و تربیت دینی هستند.

نهادینه شدن

تعریف نظری: منظور اجتماعی کردن دینی است؛ فرآیندی که طی آن ارزش‌ها و باورهای دینی یک نسل به نسل بعدی انتقال می‌یابد. در این پژوهش در ۳ بعد سنجیده گردیده است: نظارت دینی والدین، اهداف والدین و استراتژی‌های جامعه‌پذیری. در نظارت دینی خانوادگی، میزانی که والدین احساس می‌کنند که فرزندان باید از دستورات و راهنمایی‌های آنان در مورد اعتقادات و موضوعات دینی پیروی کنند (هوگ و همکاران، ۱۹۸۲). اهداف والدین، میزانی که والدین می‌خواهند فرزندان شان اعتقادات آنها را در مورد دین بپذیرند (آکاگاکي و همکاران، ۱۹۹۹) و استراتژی‌های جامعه‌پذیری شامل اعمال و روش‌هایی که والدین برای تعلیم و تربیت دینی فرزندان خود به کار می‌گیرند. ۵ گویه آن عبارت‌اند از: خانواده‌های امروزی مقیدتر به مسائل دینی فرزندان خود هستند، به نظر می‌رسد توجه خانواده‌ها به مسائل دینی بیشتر شده است، تربیت دینی خانواده‌ها در چهار دهه اخیر جامعه را به سوی زندگی اخلاقی سوق داده است، خانواده‌های امروزی کودکان را با آموزش‌های جدید، فرهنگ دینی را آشنا می‌سازند.

تعریف عملیاتی: نهادینه شدن در این پژوهش در ۳ بعد و توسط ۱۰ گویه سنجیده گردیده است: نظارت دینی والدین، اهداف والدین و استراتژی‌های جامعه‌پذیری. در نظارت دینی خانوادگی، میزانی که والدین احساس می‌کنند که فرزندان باید از دستورات و راهنمایی‌های آنان در مورد اعتقادات و موضوعات دینی پیروی کنند؛ اهداف والدین، میزانی که والدین می‌خواهند فرزندان شان اعتقادات آنها را در مورد دین بپذیرند و استراتژی‌های جامعه‌پذیری شامل اعمال و روش‌هایی که نسل بالغ برای تعلیم و تربیت دینی فرزندان و جوانان خود به کار می‌برند.

تربیت خانوادگی

تعریف نظری: آموزش‌های که خانواده‌ها در طول زمان کسب می‌کند و به نسل بعدی منتقل می‌سازد (آقا محمدی، ۱۳۹۲).

تعریف عملیاتی: اصول و روش‌های که در طی چهار نسل اخیر که در اینجا مفاهیم دینی است توسط خانواده‌ها به فرزندان آموزش داده است مثل اجرای دستورات و فرامین دینی، توجه به اصول دین اسلام و ... که در ۷ گویه سنجیده شده است.

آموزش و اطلاع‌رسانی

تعریف نظری: منظور آموزش‌ها و اطلاعاتی است که فرد در حوزه مسائل دینی در طی سال‌های عمر کسب می‌نماید (احمدی، ۱۳۸۸).

تعریف عملیاتی: برای سنجش این متغیر استفاده از آموزه‌های دینی به فرزندان که شامل تربیت دینی، اطلاعات دینی از طریق در اختیار گذاشتن کتاب‌های دینی، آموزش از طریق ارگان‌ها و مراکز دینی مثل مساجد و ... را در بر می‌گیرد که با ۷ گویه سنجیده می‌شود.

یافته‌های پژوهش سیمای پاسخگویان

جدول ۲: ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخگویان

گروه سنی			مقطع تحصیلی			اشتغال			میزان درآمد		
گروه سنی	فراوانی	درصد	تحصیلات	فراوانی	درصد	اشتغال	فراوانی	درصد	درآمد (به ریال)	فراوانی	درصد
۲۰-۲۵	۷۴	۱۹	زیر دیپلم	۷	۱/۸	کارمند دولتی	۱۳۰	۳۳/۳	بدون درآمد	۱۰۸	۲۷/۷
۲۶-۳۰	۱۰۵	۲۶/۹	دیپلم	۵۱	۱۳/۱	کارمند خصوصی	۷۵	۱۹/۲	زیر ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال	۱۰	۲/۶
۳۱-۳۵	۵۵	۱۴/۱	فوق دیپلم	۷۷	۱۹/۷	آزاد	۷۷	۱۹/۷	۱۱۰۰۰۰۰-۱۵۰۰۰۰۰	۳۹	۱۰
۳۶-۴۰	۹۶	۲۴/۶	لیسانس	۱۷۰	۴۳/۶	خانه دار	۴۸	۱۲/۳	۱۶۰۰۰۰۰-۲۰۰۰۰۰۰	۱۰۶	۲۷/۲
۴۱-۴۵	۴۲	۱۰/۸	فوق لیسانس	۷۴	۱۹	دانشجو	۲۹	۷/۴	۲۱۰۰۰۰۰-۲۵۰۰۰۰۰	۴۸	۱۲/۱
به بالا-۴۶	۱۸	۴/۶	بی جواب	۱۱	۲/۸	بیکار	۳۱	۷/۹	۲۶۰۰۰۰۰-۳۰۰۰۰۰۰	۴۳	۱۱/۱
									۳۱۰۰۰۰۰-۳۵۰۰۰۰۰	۲۱	۵/۳
									۳۶۰۰۰۰۰-۴۰۰۰۰۰۰	۱۳	۳/۳
									۴۱۰۰۰۰۰-۴۵۰۰۰۰۰	۲	۰/۵
جمع کل	۳۹۰	۱۰۰		۳۹۰	۱۰۰		۳۹۰	۱۰۰		۳۹۰	۱۰۰

یافته‌های توصیفی متغیرهای اصلی

یافته‌های توصیفی در خصوص متغیرهای مستقل تحقیق، حاکی از این است که انتقال فرهنگ دینی در چهار دهه اخیر به شکل زیر بوده است:

جدول ۳: آماره‌های توصیفی متغیرهای مستقل تحقیق به صورت کل

متغیر	میانگین	انحراف معیار
میزان شناخت و آگاهی از آموزه‌های دینی	۱۴/۴۵	۳/۶۳
سبک تربیتی خانواده	۳۴/۸۹	۶/۲۶
التزام و تعهد خانواده	۲۵/۰۶	۵/۴۶
نهادینه شدن دین در خانواده	۴۴/۲۷	۹/۷۱
اهمیت و توجه خانواده به مسائل دینی	۲۷/۸۶	۴/۱۲
اعتقادات و باورهای افراد	۳۸/۲۰	۸/۱۳
نوع آموزش‌های ارائه شده در خانواده	۱۴/۴۵	۳/۶۳

یافته‌های استنباطی

برآورد آزمون نرمال بودن متغیرها (KS)

جدول ۴: آزمون نرمال بودن توزیع متغیر کولموگراف سیمرنف

سطح معنی داری	آماره آزمون
۰/۳۱۸	۶/۴۵

همان گونه که در جدول بالا مشاهده می‌گردد آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای نمره فرهنگ دینی معنادار نیست ($p=0/318$) و بنابراین دارای توزیع نرمالی است و می‌توان از تحلیل‌های پارامتریک برای آن استفاده کرد.

بررسی همبستگی متغیرهای زمینه‌ای

فرضیه ۱: بین عوامل زمینه‌ای با انتقال فرهنگ دینی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۵: بررسی همبستگی سن پاسخگویان

تعداد آزمودنی	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
۳۹۰	۳۲/۷۳	۷/۴۹	-۰/۰۸۸	۰/۸۱

از جمله عوامل زمینه‌ای که به صورت مجزا مورد بررسی قرار گرفت، سن پاسخگویان بود که با توجه به نتایج به دست آمده رابطه معناداری بین سن و انتقال فرهنگ دینی وجود ندارد. سطح معنی داری بیشتر از $P > 0/05$ است.

جدول ۶: بررسی همبستگی اسپیرمن بر اساس جنس پاسخگویان

تعداد آزمودنی	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معناداری
۳۹۰	۱/۴۳	۰/۴۳	۱	۰/۰۰۰

جنس پاسخگویان با انتقال فرهنگ دینی رابطه مثبت و معناداری دارد. به عبارتی، زن یا مرد بودن بر نحوه انتقال فرهنگ دینی در خانواده تاثیر گذار می‌باشد.

جدول ۷: بررسی همبستگی اسپیرمن بر اساس وضعیت تاهل پاسخگویان

تعداد آزمودنی	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معناداری
۳۹۰	۱/۷۰	۰/۷۲۳	-۰/۱۸	۰/۳۶۳

وضعیت تاهل با انتقال فرهنگ دینی رابطه ندارد. در این پژوهش افراد مجرد، متاهل یا جدا شده ارتباط معناداری را با انتقال فرهنگ دینی نشان نداده‌اند. سطح معنی داری بیشتر از $P > 0/05$ است.

● بررسی جامعه شناختی انتقال فرهنگ دینی از طریق خانواده‌ها به جوانان در چهار دهه اخیر (مورد مطالعه: شهر تهران در سال ۱۳۹۷)

جدول ۸: بررسی همبستگی اسپیرمن بر اساس میزان تحصیلات

تعداد آزمودنی	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معناداری
۳۹۰	۳/۶۷	۰/۹۹۷	۰/۰۳۵	۰/۴۹۴

میزان تحصیلات نیز رابطه‌ای با انتقال فرهنگ دینی ندارد، چون سطح معنی داری بیشتر از $P > ۰/۰۵$ است. به عبارتی چنانچه تصور می‌شود هر خانواده‌ای که از تحصیلات بالاتری برخوردار است نسبت به مسائل دینی بی تفاوت تر یا احساس مسئولیت بیشتری می‌کند در این پژوهش دیده نشده است.

جدول ۹: بررسی همبستگی اسپیرمن بر اساس نوع شغل

تعداد آزمودنی	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معناداری
۳۹۰	۴/۸۳	۱/۷۵	۰/۳۶۸	۰/۰۰۰

نوع شغل و اشتغال پاسخگویان رابطه مثبت و معناداری با انتقال فرهنگ دینی در این پژوهش نشان داده است. به عبارتی، افرادی که شاغل بوده و دارای درآمد می‌باشند نسبت به انتقال فرهنگ دینی خود را متعهدتر دانسته‌اند- سطح معنی داری کمتر از $P > ۰/۰۱$ است.

آزمون ضریب همبستگی پیرسون

جدول ۱۰: آزمون ضریب همبستگی متغیرهای مستقل در انتقال فرهنگ دینی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	تعداد	مقدار ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
میزان شناخت و آگاهی از آموزه‌های دینی	فرهنگ دینی	۳۹۰	۰/۶۹۶	۰/۰۰۰
سبک تربیتی خانواده	فرهنگ دینی	۳۹۰	۰/۹۲۴	۰/۰۰۰
التزام و تعهد خانواده	فرهنگ دینی	۳۹۰	۰/۹۰۶	۰/۰۰۰
نهادینه شدن دین در خانواده	فرهنگ دینی	۳۹۰	۰/۹۵۰	۰/۰۰۰
اهمیت و توجه خانواده به مسائل دینی	فرهنگ دینی	۳۹۰	۰/۷۷۲	۰/۰۰۰
اعتقادات و باورهای افراد	فرهنگ دینی	۳۹۰	۰/۹۴۰	۰/۰۰۰
نوع آموزش‌های ارائه شده در خانواده	فرهنگ دینی	۳۹۰	۰/۶۹۶	۰/۰۰۰

با توجه به جدول ۱۰ در مورد فرضیات پژوهش:

فرضیه اول: بین شناخت و آگاهی خانواده از آموزه‌های دینی و انتقال فرهنگ دینی رابطه معناداری وجود دارد.

مقادیر ضریب همبستگی (۰/۶۹۶) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) به دست آمده نشان می‌دهد که بین شناخت

و آگاهی خانواده از دین و انتقال فرهنگ دینی رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد.
فرضیه دوم: بین سبک تربیتی خانواده و انتقال فرهنگ دینی رابطه معناداری وجود دارد.
 ضریب همبستگی (۰/۹۲۴) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) نشان می‌دهد که بین سبک تربیتی خانواده و انتقال فرهنگ دینی رابطه معنا دار و مثبتی وجود دارد.
فرضیه سوم: بین التزام و تعهد خانواده و انتقال آن رابطه معناداری وجود دارد.
 با ضریب همبستگی (۰/۹۰۶) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) بین دو متغیر رابطه معنا دار و مثبتی در سطح وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین نهادینه شدن دین در خانواده‌ها و انتقال فرهنگ دینی رابطه معناداری وجود دارد.
 با ضریب همبستگی (۰/۹۵۰) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) بین نهادینه شدن دین در خانواده‌ها و انتقال فرهنگ دینی رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد.

فرضیه پنجم: بین توجه خانواده به دین و انتقال فرهنگ دینی رابطه معناداری وجود دارد.
 با ضریب همبستگی (۰/۷۷۲) در سطح معناداری (۰/۰۰۰) بین دو متغیر توجه خانواده به دین و انتقال فرهنگ دینی رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد.

فرضیه ششم: بین اعتقادات و باورهای مطرح در خانواده و انتقال فرهنگ دینی رابطه معناداری وجود دارد.
 نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که با ضریب همبستگی (۰/۹۴۰) در سطح معناداری (۰/۰۰۰) بین دو متغیر رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد.

فرضیه هفتم: بین نوع آموزش‌های ارائه شده در خانواده و انتقال فرهنگ دینی رابطه معناداری وجود دارد.
 نتیجه به دست آمده نشان می‌دهد که بین آموزش‌های دینی در خانواده و انتقال فرهنگ دینی (۰/۶۹۶) در سطح معناداری (۰/۰۰۰) رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد.

تحلیل رگرسیونی تاثیر متغیرهای مستقل بر فرهنگ دینی

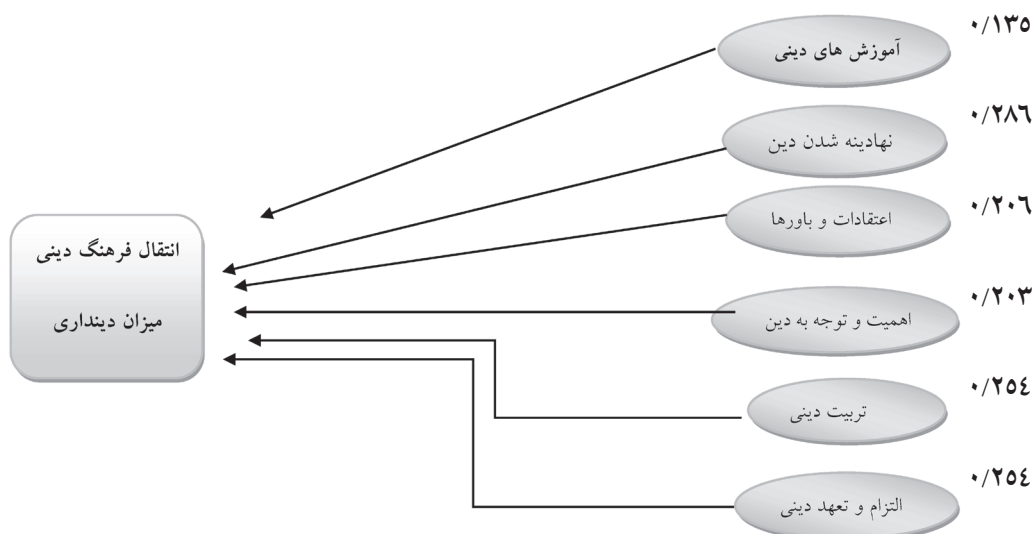
جدول ۱۱: تحلیل رگرسیونی تاثیر متغیرهای مستقل بر فرهنگ دینی

P	T	Beta	SE	B	متغیرهای تاثیر گذار بر انتقال فرهنگ دینی
۰/۰۰۰	-۶/۳۳	-	۱/۲۲	-۷/۰۹۷	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۱۴/۷۷	۰/۱۳۵	۰/۰۵۶	۰/۸۲۳	آموزش‌های دینی در خانواده
۰/۰۰۰۰	۱۱/۹۴	۰/۲۸۶	۰/۰۵۵	۰/۶۵۲	نهادینه شدن دین در خانواده
۰/۰۰۰	۸/۹۹	۰/۲۰۶	۰/۰۶۲	۰/۵۶۰	اعتقادات و باورهای دینی خانواده
۰/۰۰۰	-۱/۹۰	-۰/۰۲۳	۰/۰۶۳	-۰/۱۲۱	اهمیت و توجه به دین در خانواده
۰/۰۰۰	۱۲/۹۹	۰/۲۳۰	۰/۰۶۲	۰/۸۱۱	تربیت دینی در خانواده
۰/۰۰۰	۱۸/۴۵	۰/۲۵۴	۰/۰۵۶	۱/۰۲۹	التزام و تعهد خانواده به دین

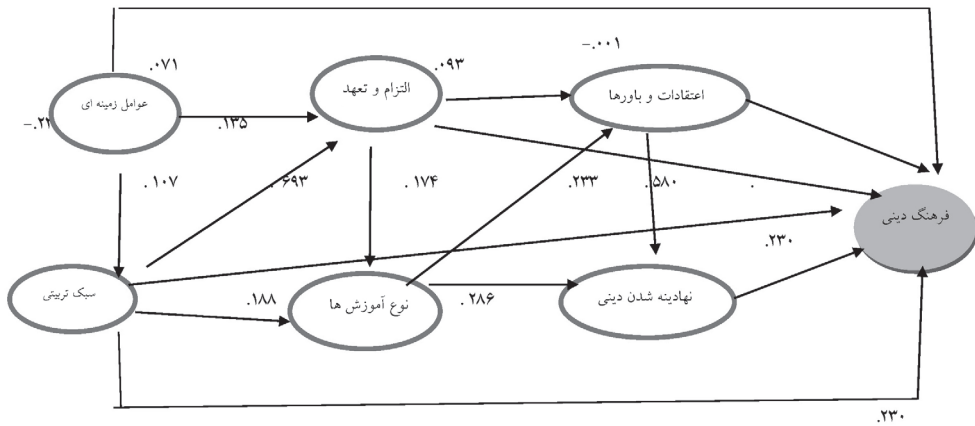
$$R=۰/۹۹۲ \quad R^2=۰/۹۸۴ \quad SE=۲/۷۸ \quad df=۶$$

برای ارزیابی قدرت تبیین متغیرهای مطرح شده از رگرسیون چندگانه استفاده شد. با توجه به جدول ۱۱ و معنی داری آزمون $F(4/19)$ که در سطح خطای کمتر از $(0/01)$ است، می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی مرکب از ۶ متغیر مستقل و یک متغیر وابسته، مدل برازش شده مدل مناسبی است. بنابراین وارد مدل رگرسیونی می‌شوند و مجموعه‌ی متغیرهای مستقل قادرند تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند؛ به این معنی که ۶ زیر مقیاس زیر با متغیرهای نهادینه شدن دین در خانواده با وزن بتای $(0/286)$ و سطح معناداری $(0/000)$ بیشترین تاثیر را در انتقال فرهنگ دینی دارد- یعنی با افزایش یک واحد انحراف استاندارد در نمره نهادینه شدن، نمره فرهنگ دینی $(11/94)$ افزایش خواهد یافت. همچنین با ضریب بتای $(0/254)$ و سطح معناداری $(0/000)$ و افزایش یک واحد بر التزام و تعهدات دینی در خانواده $(18/45)$ انتقال فرهنگ دینی افزایش خواهد یافت. متغیر سوم وارد شده تربیت دینی در خانواده با میزان بتای $(0/230)$ است؛ یعنی با افزایش یک واحد به انحراف معیار تربیت دینی، $(12/99)$ افزایش می‌یابد. متغیر بعدی وارد شده اعتقادات و باورهای دینی در خانواده با میزان بتای $(0/206)$ است؛ یعنی با افزایش یک واحد به انحراف معیار باورهای دینی $(8/99)$ واحد انحراف معیار انتقال فرهنگ افزایش می‌یابد. متغیر بعدی وارد شده آموزش‌های دینی در خانواده با ضریب بتای $(0/135)$ است؛ یعنی با افزایش یک واحد به انحراف معیار آموزش‌های دینی $(14/77)$ واحد انحراف معیار انتقال فرهنگ دینی افزایش می‌یابد. در پایان باید گفت که اهمیت و توجه به مسائل دینی با ضریب بتای $(-0/023)$ و سطح معناداری $(0/000)$ کمترین تاثیر را در انتقال فرهنگ دینی داشته است؛ یعنی با افزایش یک واحد به انحراف معیار $(-1/907)$ از انتقال فرهنگ دینی کاهش پیدا می‌کند. بر اساس مقادیر ستون Beta معادله رگرسیونی مدل رگرسیونی بدین ترتیب است:

۲۱۰



$$Y = -7.097 + .823 + .652 + .560 - .121 + .811 + 1.029$$

● تحلیل مسیر^۱

جدول ۱۲: محاسبه اثرات مستقیم و غیر مستقیم بر فرهنگ دینی

متغیر مستقل	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	مجموع اثرات مستقیم و غیر مستقیم
عوامل زمینه‌ای (شغل، تحصیلات، جنس و...)	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۱۳	-۰/۰۰۰۳
نوع آموزش‌های ارائه شده در خانواده	۰/۱۳۳	۰/۰۰۲۰	۰/۱۳۵
اعتقادات و باورهای افراد	۰/۱۳۵	۰/۸۶۶	۱
سبک تربیتی خانواده	۰/۲۳۰	۰/۰۴۸	۰/۲۷۸
التزام و تعهد در خانواده	-۰/۰۲۳	۰/۰۲۵۵	۰/۰۰۲۵
نهادینه شدن دین در خانواده	۰/۲۸۶	-	۰/۲۸۶

از مجموع نتایج به عمل آمده در تحلیل مسیر می‌توان در ۲ قالب گزارش داد.

۱. متغیرهای که صرفاً به صورت مستقیم بر متغیر وابسته انتقال فرهنگ دینی (دینداری) تاثیر گذاشته اند.
۲. متغیرهای که علاوه بر تاثیر مستقیم، به صورت غیر مستقیم نیز بر متغیر وابسته فرهنگ دینی تاثیر گذاشته اند.

پس می‌توان اشاره نمود که تحلیل مسیر علاوه بر اینکه تاثیرات مستقیم را مورد سنجش قرار می‌دهد، تاثیرات غیر مستقیم را نیز بررسی نموده است.

۱. متغیرهای که به صورت مستقیم بر متغیر فرهنگ دینی تاثیر گذار بوده اند
- متغیر نهادینه شدن دین در خانواده به صورت مستقیم با ۰/۲۸۶ بر فرهنگ دینی در خانواده تاثیر دارد.

همچنین تربیت دینی خانواده با ۰/۲۳۰ که نشان می‌دهد به ازای یک واحد (انحراف استاندارد) تغییر در متغیر نهاده شدن میزان انتقال فرهنگ دینی نیز افزایش می‌یابد.

۲. متغیرهای که به صورت غیر مستقیم و مستقیم بر فرهنگ دینی تأثیر گذاشته اند متغیرهای عوامل زمینه‌ای (تاهل، سن و جنس) با ضریب مسیر ۰/۰۰۳-، توجه و التزام به دین با ۰/۰۰۲۵، آموزش دینی با ۰/۱۳۵ و تربیت دینی با ۰/۲۷۸ و اعتقادات و باورهای دینی به ازای یک واحد (انحراف استاندارد) بر انتقال فرهنگ دینی خانواده‌ها تأثیر داشته است. همچنین به ازای هر واحد تغییر در هر یک از موارد به میزان انتقال فرهنگ دینی در خانواده‌ها افزوده خواهد شد.

بحث و نتیجه‌گیری

دین، تأثیر نیرومندی بر زندگی ابنای بشر دارد و همواره یکی از عناصر سازنده فرهنگ به شمار می‌آید. خانواده‌های ایرانی نیز از دیرباز با زمینه‌های مساعد محیطی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ارتباط عمیق و قلبی با فرهنگ و تمدن دینی داشته اند. خانواده یکی از اثرگذارترین متولیان آموزش دهنده فرهنگ، مسئولیت خطیری در انتقال مفاهیم و مقوله‌های دینی برای نسل‌های بعدی بر عهده دارد. آموزه‌ها و ارزش‌های کسب شده در خانه و خانواده باعث نهاده شدن دین می‌شود و آن را بر ساخته و پرورش خواهد داد. این فرآیند به طور مداوم در جریان است و به غنا و تعمیق دین کمک خواهد نمود. از این رو، بحث درباره خانواده به عنوان یکی از مهمترین نهادهای اجتماعی که کارکرد اجتماعی کردن فرزندان را بر عهده دارد. با قرار گرفتن در جریان و بطن جامعه نقش انتقال ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی از جمله دین را در یک پروسه زمانی طولانی بر عهده دارد. با نگاهی به سه نسل مختلف در چهار دهه اخیر متوجه تغییرات عمده‌ای در انتقال مفاهیم و ارزش‌های دینی به نسل‌های جدید می‌شویم که ناشی از تحولات گسترده‌ای که می‌باشد که در اثر تأثیر و تأثر متقابل عوامل گوناگون بر نحوه و نگرش اعتقادی و عملکرد مذهبی خانواده‌ها تأثیر گذاشته است. با این حال هنوز خانواده به عنوان اصلی ترین محیط پرورش و انعکاس اصول دین به شمار می‌آید.

آزمون تجربی فرضیه‌های پژوهش نشان داد که بین سن و انتقال فرهنگ دینی رابطه معناداری دینی وجود ندارد. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهشی از جمله بحری پور و سایرین همخوانی ندارد. در تبیین این مورد می‌توان گفت که سن به عنوان یک مورد بستگی به محیط پرورشی و اجتماعی که فرد در آن می‌زیسد، دارد. افرادی که در یک برهه زمانی خاص مثل دوران بحران‌های اجتماعی، انقلاب‌ها، جنگ‌ها و... بوده اند، نوع نگرش و سبک ذهنی و عملی از دین و دینداری دارند که با افرادی از نسل‌های که چنین تجربیاتی را ندارند، متفاوت در شیوه و سبک دینداری می‌باشند. با بررسی از تاریخ در دهه ۵۰ و ۶۰ متوجه تغییرات عمده‌ای از افراد این نسل می‌شویم. به طور مثال، حتی نام گذاری فرزندان در این دوران بر اساس نام‌های ائمه بوده است. همچنین جنس پاسخگویان با انتقال فرهنگ دینی رابطه مثبت و معناداری دارد. به عبارتی، زن یا مرد بودن بر نحوه انتقال فرهنگ دینی در خانواده تأثیر گذار می‌باشد و مادران نقش مهمتر و تأثیر گذاری در انتقال فرهنگ دینی به فرزندان خود دارند. همچنین نتایج حاصل از آزمون همبستگی وضعیت تاهل با انتقال فرهنگ دینی رابطه‌ای را نشان نداد. میزان تحصیلات نیز رابطه‌ای با انتقال فرهنگ دینی ندارد. به عبارتی چنانچه تصور می‌شود هر خانواده‌ای که از تحصیلات بالاتری برخوردار است نسبت به مسائل دینی

بی تفاوت تر یا احساس مسئولیت بیشتری می کند در این پژوهش دیده نشده است. در صورتی که بر اساس پژوهش های متعدد به عمل آمده عواملی مثل رفاه مادی و اقتصادی، تعداد اعضای خانواده، میزان تحصیلات، تاهل و حتی جنسیت در دینداری و پرورش دینی تاثیرگذار می باشند. بر اساس پژوهش جمشیدیها و همکاران (۱۳۹۳) با افزایش و تحولات مثبت در وجوه و شاخص های کلی کیفیت زندگی خانواده های دانشجویان، بر میزان دینداری افزوده می شود. نوع شغل و اشتغال پاسخگویان رابطه مثبت و معناداری با انتقال فرهنگ دینی در این پژوهش نشان داده اند. به عبارتی، افرادی که شاغل و دارای درآمد می باشند نسبت به انتقال فرهنگ دینی خود را متعهدتر دانسته اند.

در فرض دوم شناخت و آگاهی خانواده از مسائل دینی با میانگین عددی ۲/۸۹ از ۵ حاکی از آن است که افراد مورد مطالعه در این پژوهش نسبت به فرآیند فرهنگ دینی منتقل شده چندان مطلع نمی باشند و کمتر احساس تعهد نسبت به درک مقوله های دینی کسب شده دارند.

یکی دیگر از متغیرهای تأثیرگذار در انتقال فرهنگ دینی سبک تربیتی خانواده ها می باشد. یافته های پژوهش حاکی از آن است که خانواده نقش مهمی در پرورش و آموزش اعتقادات و باورهای دینی دارد (میانگین ۳/۹۹ از ۵). نتایج این فرضیه با نتایج آقا محمدی و مولینز همخوانی دارد. در خانواده های که فرزندان آنان به طور مرتب در مراسم و مناسبت های گوناگون به همراه خانواده حضور پیدا می کنند و سبک تربیتی خانواده مشارکتی است، به مراتب از نظر روانی و اجتماعی کمتر دچار آسیب می شوند. شیوه و نوع تربیتی والدین تأثیر بسزایی با سمت گیری و پایداری به اصول مذهبی در بین فرزندان که نسل بعدی به شمار می آیند ارتباط تنکاتنگی دارد.

الزام و تعهد خانواده به عنوان یکی دیگر از متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش است. تعهدات نظری و عملی خانواده نسبت به اصول دینی همانند نماز خواندن، روزه گرفتن، اعتقاد به ثواب و عقاب، نذری دادن و... از مواردی است که در خانواده های ایرانی به عنوان یک امر اجتناب ناپذیر تلقی می گردد. برگزاری مراسم سوگواری یا اعیاد خاص از گذشته های دور جزو زندگی و آداب و سنن می باشد و نسل اندر نسل خانواده ها معتقد و ملزم به آن می باشند.

شیوه آموزش خانواده در گسترش و تعمیق فرهنگ دینی مورد تایید است. بر اساس ضریب همبستگی پیرسون (۰/۶۹۶) نشان می دهد که رابطه معنی داری بین نوع آموزش و انتقال فرهنگ دینی وجود دارد. در مورد آموزه های دینی این نکته حائز اهمیت است که با رشد و گسترش علوم و تکنولوژی تلاش والدین برای آموزش یک سویه و یک طرفه امکان پذیر نمی باشد. وسایل ارتباط جمعی، رسانه ها، محافل دوستان، بحث و تبادل نظر پیرامون دین و... خانواده ها و فرزندان آنان را در شبکه های گسترده و مواجهی از مسائل گوناگون قرار داده است و آموزش را به شکل بازتابی به تعبیر گیدنز درآورده است که در بسیاری از موارد نسل های گذشته را ناچار به بازاندیشی در فرهنگ سنتی دریافت شده قرار می دهد.

نهادینه شدن دین در ایران با میانگین عددی (۳/۷۰ از ۵) نشانگر آن است که دین در چهار بعد مورد بررسی اعتقادی، مناسکی، تجربی و پیامدی این پژوهش همچنان در بین خانواده های مورد پژوهش ساری و جاری می باشد. یافته های این پژوهش با یافته های آزاد ارمکی و همکاران همخوانی کامل دارد. دین همچنان به عنوان مهمترین نهاد در جامعه به شمار می آید.

اعتقادات و باورهای دینی نیز با میانگین عددی (۳/۵۸ از ۵) نشان از آن دارد که خانواده‌های مورد پژوهش از اعتقادات به نسبت متوسطی در حوزه دین به ارث رسیده برخوردار می‌باشند. این اعتقادات در برخی از زمینه‌ها بسیار قوی خود را نشان می‌دهد و در عرصه‌های دیگر مثل نماز خواندن، روزه گرفتن، حجاب، رفتن به مسجد و... ضعیف تر می‌باشد. یافته‌های این پژوهش با تحقیقات انجام گرفته توسط میرسنده و سراج زاده همخوانی دارد.

آخرین فرضیه مورد بررسی اهمیت و توجه به دین در خانواده می‌باشد. خانواده مهمترین رکن جامعه که کارکرد جامعه پذیری اعضایش را برعهده دارد، نقش مهمی در شکل دهی به هویت فردی اعضا دارد. اریکسون معتقد بود که مذهب از طریق نهادهای دینی و خانواده می‌تواند به نوجوان در کسب هویت فردی و اجتماعی یاری رساند. به عقیده او زمانی که نوجوان قادر به یافتن ارزش‌های مثبت در خانواده و فرهنگ نباشد و ایدئولوژی منسجم و قابل قبولی ارائه نکرده، دچار از هم ریختگی عقیدتی و هویتی می‌گردد.

پیشنهادهای پژوهش

- با توجه به تغییرات جمعیتی، علمی و فنی، خانواده‌ها باید در ارائه و آموزش‌های دینی آگاهانه تر، منعطف تر و عقلانی تر عمل نمایند.
- لازم است که اصول و مسائل دینی با زبان و زمان حال به نسل‌های جدیدتر ارائه گردد.
- همبستگی و همفکری با نوجوانان و جوانان در مسائل گوناگون از جمله مسائل مذهبی عامل موثری در گسترش فرهنگ دینی به شمار می‌آید.
- فراهم کردن فضا و زمان مناسب جهت بحث و گفتگوی آزاد با کودکان و نوجوانان و پاسخگویی به سوالات آنان باعث می‌شود تا فرزندان نسبت به مسائل دینی آگاه تر گردند.
- هدایت و راهنمایی فرزندان با نظارت بر رفتار و عملکرد آنها همواره از شیوه‌هایی به شمار می‌آید که بر فرهنگ دینی تاثیرگذار می‌باشد.
- توجه والدین به رعایت اصول و موازین دینی در خانواده به آشنایی بیشتر فرزندان با دین کمک می‌کند.
- در دسترس قرار دادن منابع غنی فرهنگی - اجتماعی با توجه به نیازهای روز برای کودکان و نوجوانان، نقش مهمی دارد.
- حمایت‌های عاطفی - رفتاری از فرزندان تاثیر مثبتی بر نگرش‌ها و رفتارهای دینی دارد.
- اجرای برنامه‌های فرهنگی - آموزشی با رویکردهای روانشناختی، تربیتی و اجتماعی برای اعتلای فرهنگ دینی ضروری است.
- همکاری و هماهنگی آموزش و پرورش، دانشگاه و حوزه به منظور تبادل اطلاعات و گسترش اندیشه دینی لازم است.
- استفاده از تکنولوژی و فناوری‌های نوین برای پاسخگویی مناسب به نسل‌های جدید ضروری است.

منابع

- آرون، ریمون. (۱۳۷۷). *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*. باقر پرهام. تهران: علمی فرهنگی
- آزاد ارمکی، تقی، نائی، هوشنگ. (۱۳۸۵). «دانشگاه، مدرنیته و دینداری». پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی. شماره ۲۸.
- آقا محمدی، جواد. (۱۳۹۲). «نقش الگوی تربیتی والدین در تربیت دینی فرزندان». پژوهشنامه تربیت.
- احمدی، یعقوب. (۱۳۸۸). «وضعیت دینداری و نگرش به آینده دین در میان نسل ها (مطالعه موردی: شهر سنندج)». نشریه معرفت فرهنگی اجتماعی. سال اول، شماره ۱.
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۸۲). *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*. مریم وتر. تهران: انتشارات کویر
- برگر، پیتر و لاکمن، تامس. (۱۳۷۵). *ساخت اجتماعی واقعیت*. فریبرز محمدی. تهران: نشر علمی و فرهنگی
- بحری پور، مجتبی. (۱۳۷۸). «تأثیر پایگاه اقتصادی اجتماعی دانشجویان بر میزان دینداری آنان». پایان نامه کارشناسی ارشد، جامعه شناسی، دانشگاه اصفهان.
- پترسون، مایکل. (۱۳۸۳). *عقل و اعتقاد دینی: درآمدی بر فلسفه دین*. احمد نراقی و دیگران. تهران: طرح نو
- حبیب پور گتایی، کرم و صفری شالی، رضا. (۱۳۹۵). *راهنمای جامع کاربرد Spss در تحقیقات پیمایشی*. چاپ هفتم، تهران: انتشارات لویه
- حسنی، طیبه و حضرتی صومعه، زهرا. (۱۳۹۵). «مطالعه جامعه شناختی انتقال بینانسی فرهنگی دینی از طریق خانواده در جامعه معاصر ایران (مورد مطالعه: دانش آموزان دبیرستانی شهر کرج سال تحصیلی ۹۴-۹۵)». رساله دکتری، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- حضرتی صومعه، زهرا. (۱۳۹۵). «میزان دینداری زنان دانشجو و عوامل اجتماعی مؤثر در آن (مطالعه موردی: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران)». فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده. سال نوزدهم، شماره ۷۳.
- حسین زاده، علی حسین و دیگران. (۱۳۸۸). «بررسی میزان دینداری و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان». فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد شوشتر. سال سوم، پیش شماره ششم.
- رستگار خالد، امیر. (۱۳۹۲). «سرمایه اجتماعی خانواده و دینداری جوانان». فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران. دوره ششم، شماره ۳، صص ۸۶-۵۵.
- طالبان، محمدرضا. (۱۳۷۸). «خانواده، دانشگاه و جامعه پذیری مذهبی». نامه علوم اجتماعی. شماره ۱۳.
- گنجی، محمد. (۱۳۸۳). «تبیین وضعیت دینداری دانشجویان دانشگاه اصفهان». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). *راه سوم و بازسازی سوسیال دموکراسی*. منوچهر محسنی. تهران: نشر تیراژه
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۰). *پیامدهای مدرنیته*. محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز
- معیدفر، سعید. (۱۳۷۹). «شکاف نسلی یا گسست فرهنگی». نامه علوم اجتماعی. شماره ۲۴.
- مهدوی، محمدصادق. (۱۳۷۹). «سنجش دینداری جوانان و عوامل مؤثر بر آن». پایان نامه کارشناسی

ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

- هرویولژ، دانیل. (۱۳۸۰). انتقال و شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی دینی در مدرنیته. محمود نجاتی حسینی. فصلنامه پژوهش. سال پنجم، شماره ۲۰.
- همیلتون، ملکم. (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی دین. محسن ثلاثی. تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان
- Hunsberger, B. & Brown, L. B. (1984). **“Religious Sociolization, Apostasy and the Impact of Family background”**. Journal for the Scientific Study of Religion, v. 23, No. 3, p. 239-251.
- Hoge, D. R, et al. (1982). **Transmission of Religious and Social Values from Parents to Teenage**.
- Mullins, David, F. (2016). **“The effects of religion on enduring marriage”**. Journal of family Issue, 35 (2016): 1255-78.
- Okagaki, L., et al. (1999). **“Socialization of Religious Beliefs”**. Journal of applied Developmental Psychology, v. 20(2), p. 273-294.

تأثیر آموزش کیفی بر اشتغال و هویت فردی جوانان

پروین داداندیش^۱
حمید رهنورد^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۹/۲۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۱۶

جوانان، نیروی بالنده و موتور محرکه توسعه هر کشور و یکی از ابزارهای قدرت استراتژیک هر واحد ملی به حساب می‌آیند. اما داشتن این نیروی انسانی در وضعیتی بالقوه قرار دارد که تبدیل آن به نیروی فعال، نیازمند برنامه‌ریزی دقیق در کلیه بخش‌ها از سوی سیاستگذاران است. مسئله بیکاری در حوزه جوانان امروزه پدیده‌ای جهانی است، ولی کشورهای پیشرفته از طریق اتخاذ سیاست‌های گوناگون درصدد کاهش آن هستند که یکی از مهم‌ترین آن، توجه به مسئله آموزش کیفی است. آموزش باعث ارتقای استعداد، خلاقیت، توانمندی و کارآفرینی می‌شود. همچنین جوانان دارای تخصص، از آمادگی بهتری برای جذب در بازار کار داخلی و خارجی برخوردارند. از آنجا که سنگ بنای اصلی هویت فردی در مردان، داشتن اشتغال و در زنان، انجام ازدواج و تشکیل خانواده می‌باشد، آموزش کیفی می‌تواند منجر به اشتغال و اشتغال نیز منجر به ارتقای توانایی برای تشکیل خانواده در میان جوانان گردد. جوان دارای کار و خانواده از نگاه کارشناسان اجتماعی احتمال کمتری برای گرایش به سمت آسیب‌های اجتماعی خواهد داشت. با ایجاد این رابطه علاوه بر نیل به جامعه سالم و جوانان پویا در بازار کار، کشور از رشد اقتصادی و امنیت ملی بیشتری برخوردار خواهد بود. هدف این تحقیق از این مهم نشأت می‌گیرد که ترکیب کنونی جمعیت ۱۵ تا ۲۹ سال ایران، ۲۵/۱ درصد است. لذا این فرصتی تاریخی است که با احصای اولویت‌های سیاستگذاری در حوزه جوانان، علاوه بر توانمندسازی آنان در ساخت زندگی فردی، نقش به‌سزایی در توسعه و پیشرفت ایران اسلامی داشته باشند.

واژگان کلیدی: جوانان، آموزش کیفی، اشتغال، ازدواج، هویت فردی و سیاستگذاری

مقدمه

سیاستمداران کلیه کشورها در تمامی اعصار به دنبال افزایش سرمایه، اقتدار، قدرت و ثروت در سطح ملی بوده‌اند، اما برای دستیابی به این مهم رویکردهای متعددی را اتخاذ نموده‌اند. به طور کلی دو دیدگاه در مورد افزایش قدرت ملی مورد توجه بوده است. ابتدا، تا قبل از جنگ جهانی دوم بیشتر نظریه‌پردازان علوم استراتژیک و سیاستمداران بر این تصور بودند که قدرت نظامی و در اختیار داشتن سخت افزارهای جنگی، توان رقابت و قدرت یک کشور را نشان می‌دهد. بعد از پایان جنگ دوم جهانی و در گامی بلندتر بعد از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، این دیدگاه مورد انتقادات فراوان قرار گرفت و رویکرد دوم با تاکید بر مولفه‌های جدیدتری از قدرت ملی در کنار قدرت نظامی که می‌توان از آنها به عنوان مولفه‌های نرم قدرت نام برد، مورد تاکید بیشتری قرار گرفتند. این مولفه‌ها مواردی همچون اقتصاد، علم، نیروی انسانی تحصیل کرده، مدیریت بهینه و توجه ویژه به ابعاد مختلف فرهنگ بوده است. ابزار عملیاتی کردن این موارد سخت افزارهای پیچیده مکانیکی نیست، بلکه اتکا به نیروی انسانی یک جامعه می‌باشد. به عبارت دیگر، امروزه عوامل موثر در افزایش قدرت ملی کشورها در کنار ادوات نظامی، داشتن نیروی انسانی جوان، بالنده، بانگیزه، خلاق و خوش فکر و تحصیل کرده است که توانایی تحقق آرزوهای ملی یک کشور را دارد.

سوال این است آیا داشتن این نیروی جوان به خودی خود برای یک کشور می‌تواند منجر به قدرت ملی و یا افزایش آن گردد؟ آیا جوانان یک کشور به تنهایی و بدون سیاستگذاری و برنامه‌ریزی حمایت کامل دولت‌ها، توانایی افزایش قدرت اقتصادی، منافع ملی و امنیت ملی کشور را دارند؟ پاسخ به این دو سوال صریح و روشن است، یعنی لزوم برنامه‌ریزی مدون برای جوانان امری بدیهی است و به موجب آن می‌توان این نیروهای بالقوه و سازنده کشور را به نیروهایی بالفعل برای توسعه کشور تبدیل نمود.

ترکیب جمعیتی ۱۵ - ۲۹ سال کشور بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵، رقمی بالغ بر ۲۵/۱ درصد کل می‌باشد (مرکز آمار ایران، (الف) ۱۳۹۵)، سیاستگذاری‌های مناسبی از سوی مراجع زیربط صورت گرفته است، اما نارسایی‌هایی در این بخش وجود دارد که با توجه به تاکیدات فراوانی که از سوی رهبر معظم انقلاب نسبت به اهمیت و جایگاه بخش جوانان بیان شده است، نیازمند توجه بیشتری می‌باشد. بر اساس تعریف مصوب جلسه ۲۳ شورای عالی جوانان در اردیبهشت ماه ۱۳۸۴، جوانی محدوده زمانی بین ۱۵ تا ۲۹ سال می‌باشد (سایت وزارت ورزش و جوانان، ص ۷۰، ۱۳۹۱). بنابراین در صورت عدم برنامه‌ریزی دقیق راهبردی برای این ترکیب جمعیتی، جوانان به حکم جبر زمان وارد مرحله بعدی زندگی خود یعنی دوره بزرگسالی خواهند شد که در این صورت از ابزار و مهارت‌های کافی مناسب برای جذب در بازار کار و تشکیل خانواده موفق و رضایتمند و در نگاهی کلان‌تر مشارکت در ساخت جامعه و کشوری توسعه یافته برخوردار نخواهند بود. طی چندین سال فعالیت مستقیم دولتی نگارندگان در حوزه جوانان و همچنین برگزاری جلسات متعدد در احصای مشکلات این رده سنی با صاحب‌نظران امر (روش دلفی)، سه حوزه آموزش، اشتغال و هویت دارای اهمیت بسیار است. در این راستا، یکی از متغیرهای کلیدی که دارای هم‌افزایی و تعامل با دو متغیر مرتبط دیگر، اشتغال و هویت می‌باشد، آموزش کیفی است. آموزش باعث توانمندسازی و خودباوری جوانان با توجه به ابعاد پرورش و رشد همه جانبه شخصیت آنان با تأکید بر خوداتکایی و توسعه منابع انسانی و مهارت‌های فردی و اجتماعی جوانان می‌شود. توجه به این متغیر، زمانی بیشتر می‌تواند مورد تاکید قرار گیرد که بدانیم

اولویت‌گذاری در علم سیاستگذاری یک اصل طلایی است؛ یعنی با توجه به کلان بودن حوزه مورد بحث برای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی، شناسایی اولویت‌های مهم در هر بخش ضروری است. لذا در این مقاله با تأکید بر سه متغیر یاد شده، نقش آموزش کیفی بر موضوع اشتغال و هویت را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم.

در این راستا سوال اصلی این تحقیق آن است که چگونه آموزش کیفی می‌تواند بر اشتغال و هویت جوانان تأثیرگذار باشد؟

فرضیه‌ای تحقیق شامل این گزاره است: ساخت هویت فردی زن و مرد مرتبط با حوزه اشتغال و تشکیل خانواده است؛ آموزش کیفی می‌تواند منجر به ارتقای مهارت و کارآفرینی و اشتغال بهتر شود و فرد شاغل از توانایی بهتری برای تشکیل خانواده برخوردار است.

روش‌شناسی این تحقیق تلفیقی از روش دلفی و جمع‌آوری داده به شکل کتابخانه‌ای است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها هم از روش توصیفی و هم از روش تحلیلی بهره برده‌ایم.

سامان‌دهی این مقاله به گونه‌ای است که فارغ از بخش نظری صرف، تلاش می‌نماید رابطه آموزش کیفی با موضوع اشتغال و هویت فردی را مورد تبیین و تحلیل قرار دهد. لذا در بخش اول، ترکیب جمعیتی کشور ایران و جایگاه جوانان مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش دوم، وجود بیکاری در حوزه جوانان و تأثیرات منفی آن در بخش‌های اجتماعی و سیاسی تحلیل می‌گردد و در بخش سوم، اهمیت و تأثیر آموزش کیفی بر ایجاد اشتغال و استحکام بخشی هویت فردی در حوزه سیاستگذاری جوانان بررسی و تحلیل می‌شود.

بخش اول: ترکیب جمعیتی کشور ایران با نگاه بر جوانان

داشتن نیروی انسانی جوان، متخصص و فعال از مولفه‌های مهم ابزار کسب قدرت و تأمین امنیت ملی است. امروزه کشور ایران از چنین ویژگی ساختار جمعیتی برخوردار می‌باشد و نیاز به برنامه‌ریزی استراتژیک را بیش از پیش ضروری ساخته است - قبل از آنکه این ترکیب نیروی جمعیتی جوان دچار میانسال و پیری شود. براساس گزارش سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار در سال ۱۳۹۵، ایران با داشتن جمعیت ۷۹۹۲۶۲۷۰ نفر (۲)، هجدهمین کشور پرجمعیت دنیا، نهمین کشور قاره آسیا و سومین کشور در منطقه خاورمیانه است که باعث گردیده یک درصد جمعیت دنیا را در خود جای دهد (مرکز آمار (الف)، ۱۳۹۵). از این بین، ۵۰ درصد جمعیت کل کشور زیر ۳۰ سال سن دارند و میانگین سنی کشور به ۳۱/۱ و میانه سنی جمعیت از ۲۷ سال به ۳۰ رسیده است (مرکز آمار (ب)، ۱۳۹۶) که داشتن این موهبت، هیچ زمانی را همانند زمان حال برای تحقق اهداف توسعه کشور مناسب نمی‌سازد. (۳)

لازم به توجه است که این ترکیب جوان جمعیتی کشور متأثر از نرخ رشد جمعیت در اواخر دهه ۵۰ و دهه ۶۰ شمسی است که باعث گردید جمعیت جوان کشور در یک مطلوبیت مناسبی در حال حاضر قرار گیرد. اما سناریوی پیش رو ترکیب جمعیتی جوان کشور متأثر از کاهش نرخ زاد و ولد در دهه ۷۰ و ۸۰ شمسی است؛ به‌طوری که از اوایل دهه ۹۰ و اوایل سده ۱۴۰۰ شمسی جمعیت جوان کشور رو به کاهش خواهد گذارد. لذا کشور از زمان سرشماری ۱۳۸۵ با فرصت پنجره جمعیتی (۴) روبرو می‌باشد که ضرورت برنامه‌ریزی برای ساماندهی امور جوانان را دو چندان کرده است. جمعیت‌شناسان انفجار جمعیت را نوعی موهبت خدادادی

می‌دانند که احتمال تبدیل آن به پاداش جمعیتی را چنانچه فرصت به وجود آمده به درستی مدیریت شود، امکان‌پذیر می‌دانند. در غیر این صورت، داشتن این جمعیت جوان می‌تواند به مانع بزرگی بر سر راه توسعه تبدیل گردد.

در این راستا بر اساس پیش‌بینی‌های آمار جمعیتی صورت گرفته از ساختار سنی جمعیت کشور ایران، آینده جمعیت سه گروه سنی ۱۵-۱۹، ۲۰-۲۴ و ۲۵-۲۹ ساله تا سال ۱۴۰۰ مورد پیش‌بینی قرار گرفته است. بر اساس این تحقیقات طی سه دوره ۱۳۹۰، ۱۳۹۵ و ۱۴۰۰ رشد سالانه جمعیت جوان کشور با کاهش همراه خواهد بود که با گذشت زمان بر میزان آن اضافه می‌گردد. کاهش میزان مولید طی دهه دو دهه اخیر باعث این تحولات است؛ به‌طوری که در پنج ساله ۹۰-۱۳۸۵ جمعیت گروه سنی ۱۵-۱۹ ساله با کاهش بیشتر همراه بوده، در دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۵ این کاهش بیشتر به گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله اختصاص می‌یابد و در دوره ۱۳۹۵-۱۴۰۰ بیشترین کاهش متعلق به گروه سنی ۲۵-۲۹ ساله خواهد بود. در مجموع می‌توان گفت که تعداد جمعیت جوان کشور از ۲۴۹۵۱۷۳۷ نفر در سال ۱۳۸۵ به ۱۶۷۰۹۱۵۱ نفر در سال ۱۴۰۰ خواهد رسید (کاظمی پور، ۱۳۸۶). برای اطلاعات بیشتر به جدول ۱ رجوع نمایید.

جدول ۱: پیش‌بینی جمعیت جوان کشور تا سال ۱۴۰۰ به تفکیک جنس در گروه‌های پنج ساله

گروه‌های سنی	۱۳۹۰			۱۳۹۵			۱۴۰۰		
	کل	مرد	زن	کل	مرد	زن	کل	مرد	زن
۱۵-۱۹	۶۶۱۱۳۴۸	۳۳۸۸۰۳۴	۳۲۲۳۳۱۴	۵۳۳۳۲۳۴	۲۷۲۶۵۴۹	۲۶۰۶۶۸۵	۵۰۳۱۱۶۲	۲۶۰۲۹۴۷	۲۴۲۸۲۱۵
۲۰-۲۴	۸۵۵۶۸۳۹	۴۳۵۱۹۹۴	۴۲۰۴۸۴۵	۶۵۴۵۲۳۳	۳۳۵۴۱۵۳	۳۱۹۱۰۸۰	۵۲۶۳۶۶۱	۲۶۸۵۶۵۰	۲۵۷۸۰۱۱
۲۵-۲۹	۸۷۷۳۱۲۱	۴۳۷۴۵۲۲	۴۳۹۸۵۹۹	۸۳۸۵۷۰۲	۴۲۶۴۹۵۴	۴۱۲۰۷۴۸	۶۴۱۴۳۲۸	۳۲۸۷۰۶۹	۳۱۲۷۲۵۹
۱۵-۲۹	۲۳۹۴۱۳۰۸	۱۲۱۱۴۵۵۰	۱۱۸۲۶۷۵۸	۲۰۲۶۴۱۶۹	۱۰۳۴۵۶۵۶	۹۹۱۸۵۱۳	۱۶۷۰۹۱۵۱	۸۵۷۵۶۶۶	۸۱۳۳۴۸۵

در واقع به واسطه کاهش نرخ مولید و به تبع آن کاهش محسوس ترکیب جمعیتی جوان کشور است که مقامات ارشد کشور و به ویژه رهبر معظم انقلاب توجه جدی به برنامه‌ریزی مدون برای این مسئله مهم استراتژیک کشور را مورد تاکید قرار داده‌اند. اهمیت موضوع باعث گردید که «سیاست‌های کلی جمعیت» که شامل ۱۴ بند سیاستی است، در مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب و در تاریخ سی‌ام اردیبهشت سال ۱۳۹۳ از سوی رهبر معظم انقلاب ابلاغ گردد (مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۷). نخستین بند این سیاست‌ها ناظر بر آن است که جمعیت کشور همچنان جوان بماند و نرخ باروری از ۱/۷ درصد به ۲/۱ درصد افزایش یابد. (۵)

شایان ذکر است زمانی که در مورد ضرورت افزایش جمعیت جوان کشور صحبت می‌گردد، منظور آن است که در کنار توجه به کمیت جمعیت، توجه خاص به کیفیت و منابع توسعه انسانی با توجه به استانداردهای جهانی مطرح شده از سوی صندوق جمعیت سازمان ملل متحد و الگوهای ایرانی-اسلامی مورد توجه قرار

گیرد. در این صورت است که داشتن جمعیت جوان کشور می تواند به معنای افزایش قدرت ملی تفسیر و تلقی گردد.

در همین راستا در بخش بعدی اشاره خواهد شد که وجود جمعیت بالای جوان در یک کشور همان میزان که می تواند رشد و بالندگی را به همراه داشته باشد، در صورت نداشتن برنامه ریزی صحیح و نرخ بالای بیکاری جوانان، چه تأثیرات مخرب و تضعیف کننده ای از یک سو برای این رده سنی و از سوی دیگر بر ارکان اساسی کشور می تواند وارد آورد.

بخش دوم: بیکاری جوانان و تأثیرات منفی آن بر حوزه های اجتماعی و سیاسی

بیکاری جوانان را می توان به ائتلاف اقتصادی ترجمه کرد؛ به طوری که بر اساس آمار سازمان بین المللی کار، در صورتی که بیکاری جوانان در سال ۲۰۰۳ به نصف کاهش می یافت، ارزش تولید ناخالص ملی جهان در حدود ۱/۴ تریلیون دلار افزوده می شد - که معادل چهار درصد کل اقتصاد جهان بوده است. این در حالی است که نیمی از بیکاران جمعیت جهان را جوانان زیر ۲۴ سال تشکیل می دهند (World of Work Magazine, 2004). در مطالعاتی که در زمینه فقر به عنوان مهم ترین عامل توسعه نیافتگی انجام شده است، این اتفاق نظر وجود دارد که مهم ترین ابزار کارآمد در این زمینه، ایجاد فرصت های شغلی در فعالیتهای مولد است. در این راستا سازمان بین المللی کار، فعالیت های مولد را مشاغلی می داند که به ارتقای توان رقابت ملی و توسعه پایدار کمک می کند. بنابراین پیوند اشتغال با مهم ترین موانع توسعه، پیوند اشتغال با ثبات سیاسی - اجتماعی، پیوند اشتغال با جایگاه اقتصاد ملی در تقسیم کار جهانی، پیوند اشتغال با مهم ترین مسائل کلان اقتصادی وجوه دیگری از اهمیت بحث اشتغال را منعکس می سازد.

در راستای اهمیت اشتغال در مقیاس فردی و خانواده، صاحب نظران علوم اجتماعی معتقدند که رابطه معنی داری میان بیکاری با تضعیف فزاینده اعتماد به نفس، تضعیف فزاینده توانایی های شناختی، مهارت زدایی از افراد (این دو مورد اخیر به این معنی است که درست به همان مقدار که افراد در فرایند کار، دانش و مهارت کسب می کنند به همان ترتیب وقتی از فرایند کار کنار گذاشته می شوند این توانایی را چه در زمینه دانش و چه مهارت از دست می دهند)، افزایش تمایل به خودکشی، افزایش اختلال و تخریب روحیه، افزایش سرخوردگی و بیماری های بالینی و افزایش نرخ مرگ و میر، افزایش بی ارادگی و تسلیم سرنوشت شدن، تضعیف انسجام خانواده، افزایش بدبینی به امور زندگی و تعاملات اجتماعی و غیر منصفانه دانستن مسائل و در نهایت شکل گیری بحران هویت فردی نقش دارد (مومنی، ۱۳۸۶).

در این راستا اهمیت اشتغال در زندگی افراد و به ویژه جوانان را می توان به صورت زیر بیان نمود:

- داشتن شغل، یکی از نیازهای اساسی هر جوانی است که موجب استقلال فردی، اجتماعی و اعتماد به نفس می شود.
- داشتن شغل منجر به امنیت روانی و اجتماعی می شود و سازگاری اجتماعی جوان را افزایش می دهد.
- داشتن کار شایسته مستلزم آزادی، برابری، امنیت و حفظ کرامت انسانی می باشد و از حقوق اولیه هر انسانی محسوب می شود.
- اشتغال باعث توانمندسازی و شکوفایی استعداد جوانان از طریق ارتقای دانش و مهارت می شود و در نهایت

- منجر به افزایش بهره‌وری در اقتصاد خرد و کلان می‌گردد.
- اشتغال دارای کارکرد چندوجهی است؛ به‌طوری که هویت سلامت روان، استحکام نهاد خانواده و امید به آینده را در جوانان تقویت می‌کند (سازمان ملی جوانان، (ب) ۱۳۸۶، ص ۱۵).
- در واقع، تأثیرات نامطلوب بیکاری می‌تواند باعث پایین نگاه داشتن سطح سرمایه انسانی، دستمزدهای پایین و نیروی کار ضعیف شود که این امر کاهش مشارکت اجتماعی در آینده را در پی دارد. این در حالی است که اگر این تأثیرات ادامه یابد، سیاست‌هایی از قبیل افزایش حداقل دستمزد یا افزایش بیمه‌های بیکاری نمی‌تواند هزینه‌های پنهان این معضل را پوشش دهد. در واقع بیشتر تحقیقات نشان می‌دهد که اگر تمرکز سیاستگذاران بر تأثیرات بالقوه کوتاه‌مدت بیکاری بر سیاست بازار کار معطوف گردد، این نگاه فقط چشم‌انداز کوتاهی از این هزینه‌ها را می‌تواند مورد بررسی قرار دهد. لذا باید پذیرفت که مهم‌ترین چالش بیکاری، به حداقل رساندن مطلوبیت سرمایه‌گذاری در بخش استعدادهای انسانی است (Mroz, 2003, 2).
- بدیهی است که ساخت امنیت ملی متأثر از متغیرهای متعدد در حوزه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی و توجه به شیوه حکمرانی خوب و تأکید بر جامعه مدنی پویاست. دستیابی به امنیت ملی پرصلابت، نیازمند توجه همزمان به کلیه متغیرهای اشاره شده دارد. در این میان، اشتغال به عنوان یکی از متغیرهای کلیدی در پیشبرد واحد ملی به سوی توسعه، دارای اهمیت به‌سزایی است. برای اطلاع از تأثیر و نقش اشتغال بر متغیرهای تشکیل دهنده امنیت ملی به جدول ۲ رجوع نمود.

جدول ۲: نقش اشتغال بر متغیرهای تشکیل دهنده امنیت ملی

اقتصاد	فرهنگ	اجتماعی	نظامی	محیط زیست	مبایست
انبساط فعالیت‌های	همگرایی فرهنگی	کاهش شکاف‌های	افزایش سرمایه گذاری در واحدهای صنعتی- نظامی	تامین توسعه پایدار	افزایش مشروعیت
افزایش تولید	بهره‌مندی از کالای فرهنگی	شکل دهی به هویت			کاهش تنش‌های
توزیع کاهش تنش‌ها	تامین حقوق شهروندی	سلامت روانی			ثبات سیاسی
رشد اقتصادی	افزایش سرمایه اجتماعی	کاهش بزهکاری و فحشاء	افزایش مراکز تحقیقاتی و دستیابی به تکنولوژی‌های جدید		
		طلاق و طلاق عاطفی			
		فرار مغزها			

جوانان با پایان تحصیلات دوره‌های آموزشی چه در سطوح دیپلم و زیر دیپلم و چه در سطوح کاردانی و بالاتر، امیدوار هستند که با ورود به بازار کار به جایگاه و هویت اجتماعی خاصی دست یابند. به دست آوردن کار علاوه بر اهمیت اقتصادی به لحاظ فرهنگی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. بیکاری به شکل ناگهانی این جریان را قطع می‌کند و نه تنها موقعیت مادی زندگی جوانان را تحت تاثیر قرار می‌دهد، بلکه بدتر از آن چه در مورد بزرگسالان دیده می‌شود دنیای فرهنگی آنها را نیز متاثر می‌سازد. جوان بیکار نه تنها خود را از هرگونه درآمد محروم می‌بیند، بلکه از هرگونه جامعه پذیری شاغلان نیز برکنار می‌ماند (کریمی، ۱۳۸۹).

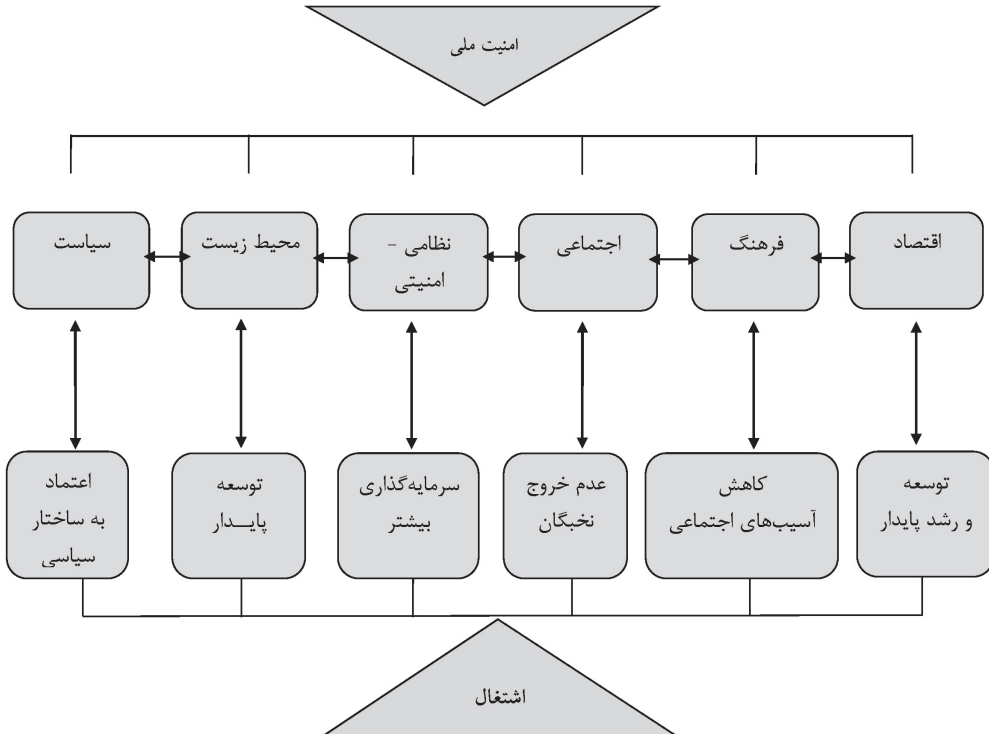
بنابراین، بیکاری به نوع جدیدی از حاشیه‌ای شدن جوانان منتهی می‌شود. بیکاری باعث و زمینه ساز حرکت به سوی اشکال دیگر جامعه پذیری است که به تعبیری غیرنهادینه و اغلب غیرقابل پیش بینی هستند. پدیده‌هایی چون: ولگردی، بزهکاری، فحشا، کارهای مخفی و خلاف، خوداشتغالی کاذب، مسافرت برای ماجراجویی و ... از اشکال جایگزین جامعه پذیری است که از تبعات فرهنگی و اجتماعی بیکاری محسوب می‌شود. همچنین توجه به بعد روانی این مسئله که می‌تواند با عنوان ناکامی یا شکست تجربه و تفسیر گردد، احساس جدایی از جامعه را در میان جوانان پدید می‌آورد. جوانانی که بر اثر بیکاری از نهادهای شناخته شده اجتماعی یا مراکز کار محروم می‌شوند، خود را مجبور می‌بینند که به محیط خانواده بازگردند و ارتباطات سنتی خود را با دوستان‌شان تقویت کنند. همچنین ارتباطات جدید دیگری با نهادها یا گروه‌های فرهنگی، مذهبی، ورزشی، سیاسی و غیره برقرار سازند. در چنین شرایطی، بعد فردی هویت فرهنگی غلبه می‌یابد که نتیجه آن بر هم خوردن تعادل بین فرد و اجتماع می‌گردد- وجود چنین تعادلی برای کارکرد طبیعی نظام‌های اجتماعی لازم و ضروری است. در بعضی شرایط حتی بعد فردی هویت فرهنگی تحت تاثیر قرار می‌گیرد و جوان از دست زدن به هر کار مثبتی برای مقابله با بیکاری ناتوان می‌ماند. از مهم‌ترین پیامدهای دیگر بیکاری فرار، ترک خانه و مهاجرت است. بنابراین مشارکت فعال در عرصه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نیازمند تامین حداقل‌های اشتغال و درآمد می‌باشد که در این فرآیند ضمن افزایش اعتماد در جامعه، شبکه‌ای از اعتماد و سرمایه اجتماعی را به وجود می‌آورد که زمینه را برای تامین عملی حقوق شهروندی فراهم می‌نماید (Francois and Zaboynik, 1-9, 2004). به این ترتیب نقش اشتغال بر درآمد ملی، به نوبه خود باعث ایجاد بهبود مشروعیت نظام سیاسی از طریق حقوق شهروندی و به تبع آن بهبود امنیت ملی می‌شود.

در راستای مطالب اشاره شده، در جدول ۳ مهم‌ترین تاثیرات بیکاری در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نشان داده می‌شود. لازم به ذکر است که وزن متغیر اشتغال در کلیه حوزه‌های ذیل به شکلی برابر توزیع نشده است، بلکه در پاره‌ای از حوزه‌ها وزن آن بیشتر و در پاره‌ای از حوزه‌های دیگر دارای وزن کمتری است. بی تردید، تبیین و ارتباط مفهومی متغیر اشتغال با سه حوزه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی باعث می‌گردد که در افقی گسترده‌تر با موضوع امنیت ملی در هم تنیده شود.

در این بخش اهمیت و رابطه اشتغال، از یک سو با زندگی فردی و از سوی دیگر، با کارکردهای کلان مورد تبیین قرار گرفت و اشتغال به عنوان یکی از نیازهای فوری و استراتژیک کشور و جوانان مطرح شد. اما باید توجه داشت که ایجاد اشتغال و رفع بیکاری نیازمند نگاه راهبردی همه جانبه، فرابخشی و توسعه محور است که هرگز ایجاد آن را نمی‌توان به یک یا چند متغیر، محدود کرد. لذا شناسایی علل ناکامی اقتصادی بحثی عمیق، پیچیده و چندمتغیری است. با علم به این موضوع، در بخش بعدی مورد تحلیل قرار می‌گیرد که یکی از

سیاست‌های شناخته شده در سطح جهانی برای علل ناکامی اقتصادی و کاهش بیکاری بویژه در میان جوانان توجه خاص به بحث آموزش کیفی است.

جدول ۳: ارتباط مفهومی و کارکردی متغیر اشتغال بر امنیت ملی



بخش سوم: آموزش کیفی، متغیری کلیدی در حوزه سیاستگذاری بخش جوانان

یکی از عوامل اساسی برای زدودن چهره بیکاری و ایجاد اشتغال در حوزه جوانان، در کنار توجه جدی به برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری در حوزه اقتصاد کشور، بخش خصوصی خلاق و داشتن نظام دیوان‌سالاری کارآمد، سیاستگذاری دقیق و مدون در حوزه آموزش کیفی است. تحقق این مهم علاوه بر توانمندی و خودباوری جوانان و جذب در بازار کار، از اهمیت به‌سزایی در بحث "استحکام بخشی هویت فردی جوانان" برخوردار خواهد بود که در طی این بخش به‌این مهم خواهیم پرداخت.

۱. آموزش کیفی و کاهش بیکاری

آموزش و پرورش، اساسی‌ترین نهاد اجتماعی در شکل‌دهی و هدایت افکار در جامعه بشری است و داشتن یک سیستم آموزشی توانمند، از ضرورت‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی است. لذا توجه به آموزش موضوع جدیدی نیست، اما پرداختن به‌این بحث از این لحاظ مفید است که در این برهه زمانی ارتباط بحث آموزش با مسئله توانمندسازی نیروی کار برای جذب در بازار کار و همچنین کارآفرینی مورد تأکید صاحب‌نظران بحث

توسعه قرار گرفته است. این تاکید نشان از داشتن ارتباط منطقی و حداکثری میان دو بخش آموزش و اشتغال و به تبع آن افزایش قدرت اقتصادی کشور دارد.

سازمان جهانی استاندارد، کیفیت را مجموعه ویژگی‌ها و خصوصیات یک فرآورده و یا خدمتی که بیانگر توانایی آن در برآوردن خواسته‌ها باشد، تعریف کرده است (تقوی‌نیا، ۱۳۹۴: ۵۶۱). آموزش کیفی را می‌توان به معنای توانمندسازی و بالفعل نمودن استعدادهای فردی افراد از طریق سیستم آموزشی کشور تعریف نمود؛ به طوری که علاوه بر مدنظر قرار دادن روش‌های آموزشی روز دنیا (با حفظ عرف و باورهای دینی و ملی) و نیازهای بازار طراحی و تدریس گردد.

ارتباط و اهمیت مسئله آموزش کیفی در ایران، طی چند سال گذشته تحت تاثیر یک عامل مهم قرار گرفته است؛ با توجه به جمعیت جوان کشور و همچنین مسئله مهاجرت تحصیلی برخی جوانان به دیگر کشورها که بعضاً منجر به تحصیل در دانشگاه‌های درجه دو و سه علمی بوده است، در افزایش پذیرش دانشجو از سوی وزارت علوم، عنصر کیفی آموزش همچون مسئله کمی مورد توجه نبوده است؛ به طوری که پذیرش دانشجو در دانشگاه‌های سراسری، آزاد اسلامی، پیام نور و همچنین واحدهای علمی و کاربردی در طی چند سال گذشته تشدید شده است. توجه خاص به بحث کمیت دانشجو و دانشگاه باعث گردیده جوهره اساسی بحث آموزش که همواره دغدغه مسئولین ارشد نظام هم بوده است، آنچنان که باید مورد توجه قرار نگیرد و بدین سان توانمندسازی دانشجویان برای اشتغال بعد از زمان فارغ تحصیلی، با مشکلات فراوان روبرو گردد. لذا از یک سو، فارغ تحصیلان دانشگاه اولین آسیب‌دیدگان این فرایند علم‌اندوزی هستند که هزینه زمانی و مالی خود را در این واحدهای علمی گذرانده‌اند. (۶) در بخش دوم کارفرمایانی که از جذب نیروی کارآمد تحصیل کرده برخوردار نیستند و در نهایت اقتصاد کلان کشور که از فرصت تولید ثروت و افزایش سرمایه و تولید ناخالص ملی تضعیف می‌گردد. به عبارت دیگر، آنچه اهمیت دارد تنها تعداد سال‌هایی که دانشجویان صرف علم‌اندوزی می‌نمایند، نیست، بلکه محتوای مطالبی است که در طی این سال‌ها خواهند آموخت. این امر به معنای افزایش یادگیری علم و فناوری و کاهش شکاف میان دنیای مدرک با دنیای کار است.

زمانی که کشورهای صنعتی و پیشرفته همچون آلمان با موضوع بیکاری جوانان روبرو بوده‌اند، همواره مسئله آموزش و مهارت جوانان برای برطرف کردن این نیاز اساسی آنها از سوی سیاستگذاران به عنوان مهم‌ترین ابزار مطرح بوده است. آنها واقف هستند که با سرمایه‌گذاری مناسب در بخش آموزش کیفی، علاوه بر تامین نیروی کار داخلی و ایجاد خلاقیت بالا برای ایجاد کارآفرینی و خوداشتغالی، در صورتی که اقتصاد کشورشان توانایی جذب کامل فارغ تحصیلان را در برخی برهه‌ها، بنا به کاهش رشد اقتصادی مانند آنچه در سال ۲۰۰۸ اتفاق افتاد را نداشته باشند، این نیروی کیفی تحصیل کرده، از توانایی راه‌اندازی واحدهای کوچک و خلاق کسب و کار، ایجاد کارآفرینی در داخل کشور و همچنین توان رقابت برای جذب فرصت‌های شغلی بین‌المللی در دیگر کشورها و همچنین شرکت‌های بزرگ چندملیتی برخوردار خواهد بود (Bozoyan, 2018, 8). در واقع، به دنبال روند جهانی شدن در کلیه ابعاد آن، فرصت‌های شغلی متعددی در سطح جهان از طریق شرکت‌های بزرگ چندملیتی شکل گرفته است که شرط لازم و کافی آن داشتن تخصص با معیارهای بین‌المللی است. این توانمندی در میان جوانان، علاوه بر کاهش ملموس بیکاری در کشور باعث ورود ارز ناشی از اشتغال این نیروهای فعال از دیگر کشورها نیز خواهد شد.

یکی از کشورهای پیشرو در نیروی کار حرفه‌ای و حفظ ارتباط محیط آموزشی با بازار کار و بخش صنعت، کشور آلمان است. این کشور در کنار سیستم آموزش دانشگاهی، سیستم آموزش فنی و حرفه‌ای^۱ کارآمدی دارد که با بهره‌گیری از سیستم دوگانه آموزشی^۲ که تلفیقی از دروس عملی و نظری است، ۵۲ درصد نیروی کار بخش صنعت کشور را تامین می‌کند، در حالی که صرفاً ۲۱ درصد نیروی کار بازار کار از بخش دانشگاهی تامین می‌شود. این افراد در مدت دو یا سه سال طی یک یا دو روز در هفته به مهارت آموزی در حوزه تخصصی خود می‌پردازند. افزایش مهارت و توانمندی فارغ التحصیلان آلمانی باعث گردیده صنایع آلمانی نیروی کار توانمند و آماده خود را از طریق این سیستم به راحتی تامین کنند. امروزه حدود ۱/۴ میلیون نیروی جوان آلمانی در این سیستم مشغول تحصیل هستند و باعث گردیده این کشور کمترین نرخ جوان بیکار در سطح جهانی را دارا باشد. رئوس این سیستم آموزشی منطبق با نیاز بازار کار و روندهای جهانی اقتصاد، دائماً به روز رسانی می‌گردد (Bozoyan, 2018: 8). این امر، نگاه صرف به داشتن مدرک دانشگاهی بالاتر و لزوم داشتن کار را کاملاً رد می‌کند و با سیاستگذاری مناسب عمر جوانان را در کسب مدرک صرف هدر نمی‌دهد. سرانه آموزش در کشور آمریکا در سال ۱۹۹۸، بالغ بر ۲۰۰ میلیارد بوده که این رقم در سال ۲۰۰۷ با رشدی چهار درصدی، به ۲۵۰ میلیارد دلار افزایش یافت. در حالی که بودجه آموزشی ایران در این سال حدود ۵ / ۲ میلیارد دلار بود که به این ترتیب سرانه آموزش عالی در کشور آمریکا در حدود ۱۰۰ برابر کشور ایران است که البته با احتساب چهار برابر بیشتر بودن جمعیت کشور آمریکا، این سرانه حدود ۲۵ برابر کشور ایران می‌باشد (روزنامه آفرینش، ۱۳۸۵). شایان ذکر است سرمایه‌گذاری و تخصیص بودجه در بخش آموزش در ایران طی سال‌های اخیر همواره سیر صعودی داشته است؛ به طوری که بودجه پیشنهادی آموزش عالی کشور در سال ۱۳۹۷ در مقایسه با سال ۱۳۹۶، ۱۳/۲۸ درصد رشد داشته است (ایرنا، ۱۳۹۶)، اما در مقایسه با بودجه آموزشی و درآمد سرانه آموزشی کشورهای پیشرفته هنوز فاصله زیادی دارد. (۷)

بر اساس گزارش سال ۲۰۱۳ سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۳، کشورهای عضو این سازمان بیشترین میزان سرمایه‌گذاری در بخش آموزش را در میان کشورهای دنیا را هزینه نموده‌اند. طبق این گزارش در سال ۲۰۱۳ میلادی این کشورها ۱۱ هزار دلار برای هر دانش آموز مقطع ابتدایی، ۱۲ هزار و ۵۰۰ دلار برای دانش‌آموزان دبیرستانی هزینه کرده‌اند که با در نظر گرفتن هزینه‌ای که دولت برای مقاطع دانشگاهی کرده است، برآیند هزینه سرانه هر دانش‌آموز در آمریکا در این سال برابر با ۱۵۱۷۱ دلار می‌باشد. لذا بر اساس این آمار کشور آمریکا، ۷/۳ درصد تولید ناخالص داخلی خود را در بخش آموزش هزینه کرده است. (۸) همچنین متوسط هزینه‌ای که اعضای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی برای بخش آموزش هزینه کرده‌اند، معادل ۶/۳ درصد تولید ناخالص داخلی آنها بوده است؛ به طوری که کشور دانمارک در سال ۲۰۱۳ میلادی هزینه‌ای برابر با ۸ درصد تولید ناخالص داخلی خود را صرف آموزش کرده است (اقتصاد نیوز، ۱۳۹۳). (۹)

تولید تکنولوژی، رشد اقتصادی، درآمد سرانه بالا و داشتن اقتصادی بالنده، امروزه بر پایه یک نظام آموزشی قوی و بنیادین استوار گردیده که باعث شده است کشورهای مذکور در راس قدرت اقتصادی دنیا قرار بگیرند. از سوی دیگر، وجود یک سیستم کارآمد آموزشی باعث گردیده این کشورها توانایی جذب استعدادهای جوان

1. Vocational Training

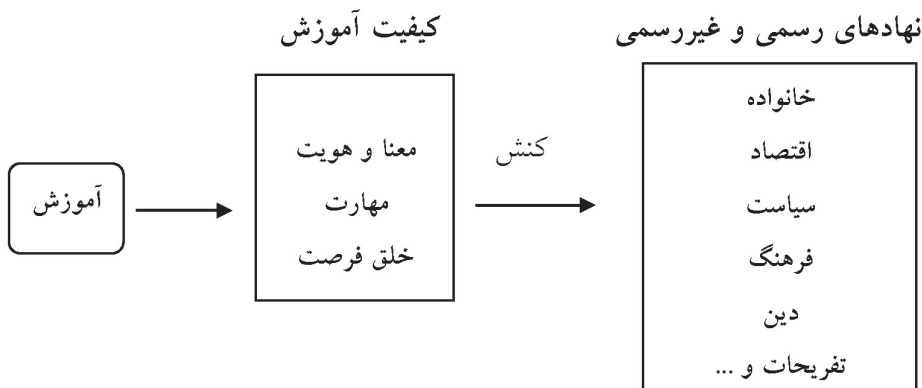
2. Dual Education

3. Organization for Economic Cooperation and Development

دیگر کشورها را نیز در برنامه سیاستگذاری های آموزشی خود دنبال نمایند که از این طریق سود راحت، بدون ریسک و سرشاری سالانه عاید این کشورها می گردد.

آموزش، عامل توسعه و توسعه عامل افزایش اشتغال است. مهم ترین رسالت آموزش عالی در زمینه اشتغال، توجه به مسئله ایجاد دانش، مهارت، توانمندی، خلاقیت و کارآفرینی در میان فارغ التحصیلان است. نمودار ۴ نشان می دهد که اهمیت به آموزش کیفی می تواند منجر به توانمندسازی جوانان در بخش معنا و هویت، مهارت و خلق فرصت ها گردد. بهره گیری از سه متغیر فوق باعث ایجاد کنش معنادار جوانان در ارتباط با نهادهای رسمی و غیررسمی مانند اقتصاد، سیاست، فرهنگ، دین و خانواده می شود.

نمودار ۴: رابطه آموزش و توانمندسازی جوانان



یکی از الزامات برای سیاستگذاری بخش آموزش، ایجاد سیستم آموزش کیفی و شناسایی روند کنونی و آینده بازار کار در داخل کشور و سطح بین الملل می باشد؛ به طوری که در کشورهای پیشرفته طی یک دهه گذشته، توجه ویژه ای به رشته های تحصیلی شده و توانمندی فارغ التحصیلان در بخش ارائه خدمات را در پی داشته است. لذا ارتقای جایگاه و گسترش مراکز فنی و حرفه ای، کاردانش و ایجاد رشته های میان رشته ای که توان پاسخگویی علمی با توجه به روند آینده آموزش، اشتغال و بازار کار در سطح جهان دارد، بیش از پیش ضروری می گردد.

باید توجه داشت که بر اساس پیش بینی های صورت گرفته، نرخ رشد جمعیت تا سال ۲۰۳۰ در اکثر کشورهای جهان کاهش خواهد یافت؛ به طوری که این نرخ در میان سال های ۲۰۱۰-۲۰۳۰ میلادی در کشورهای توسعه یافته از ۰/۴ درصد به ۰/۲ درصد و در کشورهای در حال توسعه از ۱/۶ درصد به ۱/۱ درصد تقلیل می یابد. نرخ ۶ برابری رشد جمعیت در کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه یافته موجب خواهد شد که در سال ۲۰۳۰ از جمعیت حدود ۸/۳ میلیارد نفری جهان، ۷ میلیارد نفر در کشورهای در حال توسعه و بقیه حدود ۱/۳ میلیارد نفر در کشورهای توسعه یافته زندگی نمایند (ایلنا، ۱۳۹۳). این روند باعث می گردد سیاست جذب استعداد های جوان کشورهای در حال توسعه که طی سالیان گذشته از سوی این کشورها طی سندهای استراتژیک تعقیب می شده است، تشدید گردد. لذا می توان این گونه تحلیل کرد که

یکی از حوزه‌های اصلی رقابت در آینده در میان کشورها، جنگ بر سر جذب استعدادهاست. پس یکی از اولویت‌های مهم سیاستگذاری در حوزه جوانان کشور باید توانمندسازی و ایجاد فضای کسب و کار برای جوانان و جلوگیری از مهاجرت دائم آنان باشد. به عبارت دیگر، حفظ سرمایه‌های انسانی و نخبه که تعدادشان با توجه به نرخ رشد نزولی جمعیت جهان رو به کاهش است، از اولویت‌های ضروری این حوزه است - البته اقدامات مناسبی طی سال‌های گذشته از سوی بنیاد ملی نخبگان کشور در این زمینه صورت پذیرفته است.

ارتباط بحث آموزش کیفی با موضوع اشتغال به گونه خلاصه به قرار زیر خواهد بود:

- جذب و اشتغال فارغ التحصیلان فنی و حرفه‌ای و دانشگاهی با توان و کیفیت مطلوب علمی در بازار کار؛
- جلوگیری از فرصت‌های از دست رفته اقتصادی که تحت تأثیر تأخیر ورود نیروهای فعال در بخش بازار کار ایجاد می‌گردد - می‌توان از آن به عنوان هزینه‌های پنهان اقتصاد یاد کرد؛
- هم‌افزایی و همسویی ارتباط و رابطه آموزش و اشتغال، اشتغال و اقتصاد و در نهایت اقتصاد و امنیت ملی؛
- افزایش تولید ناخالص ملی کشور به واسطه جذب نیروی تحصیل کرده در بازار کار؛
- توانایی نیروی آموزش دیده برای راه‌اندازی کسب و کارهای مولد در داخل کشور و رقابت برای احراز شغل در بازار کار کشورها و شرکت‌های بین‌المللی.

۲. مفهوم هویت و ساخت هویت فردی جوانان

کلمه هویت^۱ به معنی چه کسی بودن است و از ریشه لاتین idem به معنای همان بودن و تداوم گرفته شده و از نیاز طبیعی انسان به شناخته شدن و شناسانده شدن به چیزی یا جایی شکل می‌گیرد. برآورده شدن نیاز چه کسی بودن، سبب «خودآگاهی» فردی در انسان می‌شود و ارضای حس تعلق میان یک گروه انسانی، خودآگاهی جمعی و مشترک یا هویت بومی یا ملی آن گروه انسانی را تعیین می‌کند. هویت، مجموع ویژگی‌هایی است که تفاوت فرد از دیگران یا شباهت او به دیگران را موجب می‌گردد و برای ساختن آن، عناصر زیادی مورد استفاده قرار می‌گیرد. هر شخص، برای به وجود آمدن تصویر ذهنی از خود، بر تفسیری که از واکنش‌های دیگران درباره خود دارد تکیه می‌کند. بنابراین پاسخ به پرسش من کیستم؟ در حقیقت، همان هویت یا خود ماست. اگر بتوانیم جایگاه خویش را در جهان هستی مشخص کنیم و به این سوالات که از کجا آمده‌ایم و چه کاری باید بکنیم و سرانجام‌مان چیست؟ پاسخ صحیح دهیم، هویت ما می‌تواند به تدریج شکل گیرد و هرچه پاسخ ناقص تر باشد، هویت ما نیز به همان میزان، دچار نقص می‌شود.

هویت به سه سطح کلی زیر طبقه‌بندی می‌شود که البته هرکدام دارای زیرمجموعه‌هایی هستند (احمدی، ۱۳۸۸، ۶۹-۳۹):

- هویت فردی؛
- هویت اجتماعی؛
- هویت ملی.

کارشناسان بحث هویت، معتقدند شکل‌گیری و شالوده هویت اجتماعی و هویت ملی، بر حول محوریت هویت فردی بنیان می‌گردد. هویت فردی نیز خود از چند زیرمجموعه تشکیل می‌شود که شامل هویت جنسی؛ هویت شغلی؛ هویت عاطفی و ازدواج؛ هویت معنوی و هویت تحصیلی می‌باشد. هویت فردی باعث

تقویت و تداوم هویت ملی و نهادی است. اما خود هویت فردی چیست؟ چگونه شکل می‌گیرد؟ و کارکرد آن چگونه است؟

مفهوم هویت فردی

هویت فردی نخستین مرحله از شکل‌گیری هویت است که در آن فرد خود را متمایز از محیط و دیگران می‌داند. این شکل‌گیری هویت شخصی، از طریق فردی شدن صورت می‌گیرد. در جریان این فرایند، فرد غیرمتعارف تبدیل به یک وجود منحصر به فرد شده و یا مراحل را پشت سر می‌گذارد که از طریق آن جنبه‌های متفاوت زندگی شخص به یک کل غیرقابل تقسیم پذیر تبدیل می‌شود. معمولاً در بحث سطح هویت فردی، هویت‌های بنیادین و نخستین بشری یعنی رابطه فرد با محیط کوچک خانوادگی او مورد بررسی قرار می‌گیرد. انسان در نخستین گام هویت خود را بر اساس تعلق به خانواده و پدر و مادر و سپس دایره وسیع‌تر خویشاوندان نزدیک تعریف می‌نماید. معمولاً هویت فردی از نوع هویت‌های مستحکم و ثابت است و به ندرت دچار دگرگونی می‌شود (احمدی، ۱۳۸۸: ۷۰-۶۹).

آنتونی گیدنز معتقد است هویت هر شخص را نباید در رفتار او و در واکنش‌های دیگران جستجو کرد، بلکه باید آن را در توانایی و ظرفیت وی برای حفظ و ادامه روایت شخصی از زندگینامه‌اش یافت. زندگینامه شخصی که به حفظ روابط متقابل و منظم با دیگران علاقه‌مند است. شخصی که ثبات معتدلی در هویت شخصی خود احساس می‌کند، زندگی پیوسته و بدون بریدگی دارد. به همین دلیل می‌تواند با سایر افراد در آمیزد و کم و بیش با آن‌ها ارتباط برقرار کند. چنین شخصی از خلال نخستین روابط اعتمادآمیز خود، نوعی پیله محافظ برای خود ایجاد کرده است که در امور روزمره، بسیاری از خطرهایی را که جامعیت خود او را تهدید می‌کند را دفع می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۲: ۸۵-۱۶).

هویت فردی، پاسخ به سوال «من کیستم و دیگران چه کسانی هستند» است. رسیدن به جواب شاید به ظاهر ساده و آسان باشد، اما حقیقت این است که باید فرایند پیچیده‌ای طی شود تا فرد به پاسخ مناسب و صحیح دست یابد، زیرا سلامت شخصیت در گرو سازگاری آدمی با محیط اجتماعی پیرامون و رعایت مقررات اجتماعی و نیز تفسیر سازگار از خود و جامعه است و هنگامی که در این فرایند خللی و کاستی‌ای پدیدار شود، ناهنجاری و اضطراب روانی نمودار خواهد شد. از این رو، هویت سالم و آرام در جایی معنی می‌یابد که شخص از نگرش یک دست و سنجیده‌ای از خویش و جهان بهره‌مند باشد و عناصر سازنده شخصیت وی از هماهنگی و سازگاری برخوردار باشند و برای خود زندگی معنی داری ساخته باشد.

هویت فردی شامل تجارب، افکار، رویاها و آرزوهایی است که در مقایسه با دیگر تجارب و افکار، توسط فرد تفسیر شده و ادراک می‌شوند. بنابراین هویت شخصی را می‌توان به عنوان نظامی منحصر به فرد از روابط میان تجارب، افکار، رویاها، امیدها و آرزوها تعریف کرد. هویت فردی از طریق مراحل مختلف فردی شکل داده می‌شود و توسعه می‌یابد. از طریق هویت فردی است که یک فرد می‌تواند به تنهایی و دور از دیگران ظرفیت لازم برای زندگی را درون خود ایجاد کند. ظرفیتی که در نهایت منجر به شکل‌گیری شخصیت فرد می‌شود. لذا اولین کارکرد هویت، تثبیت شخصیت فرد است. منظور از شخصیت، همان ویژگی‌ها و مشخصه‌هایی است که فرد باور دارد و تنها منحصر به خودش است. در این حالت، هویت به عنوان ابزاری در

راستای تقویت و تثبیت مفاهیم فرد در مورد خودش عمل می‌کند. پس در نتیجه تثبیت هویت فردی است که یک فرد می‌تواند در مورد خودش صحبت کند و به دیگران بگوید که واقعاً چه کسی است (حسینی، ۱۳۸۹). هویت فردی، فهم جهانی فرد از خود است که از تعریف و ارزیابی فرد از خود که نسبتاً دائمی نیز می‌باشد، به وجود می‌آید. این ارزیابی‌های فردی شامل ویژگی‌های شخصیتی، داشتن دانش و مهارت‌های فردی، توانایی اشتغال و اوقات سرگرمی و همچنین آگاهی از ویژگی‌های فیزیکی می‌باشد. هویت فردی محدود به زمان حال نیست، بلکه شامل خود گذشته و خود آینده نیز می‌باشد. در واقع خود آینده یا خودهای ممکن نشان می‌دهد که ایده‌های فرد چه چیزی در آینده خواهد بود، چه چیزی را دوست دارد که گوش دهد و چه چیزی را خیر. این خودهای ممکن از کارکردی به نام انگیزه برای ایجاد رفتارهای حال و آینده برخوردار است و باعث می‌گردد که از ارزیابی و چارچوب تفسیری برای نگاه جاری از خود استفاده نماید (Dobson, 2014). لذا هویت فردی به معنای تعریف فرد از خود و از محیط پیرامون خود است. هر میزان این تعریف از خود دقیق‌تر و کامل‌تر باشد، منجر به ساخت باورهای فردی مستحکم‌تر می‌گردد. از آنجا که ارزش‌ها و باورهای فردی - هویتی اغلب در محیط اجتماعی شکل می‌گیرند، در روندی طبیعی متأثر از فرایند جامعه‌پذیری قرار می‌گیرند. هر میزان هویت فردی متأثر از ارزش‌های مثبت جامعه باشد، فرد رفتار اجتماعی‌تری را در تعامل و کنش با محیط پیرامونی خود بروز می‌دهد. سردرگمی، آشفتگی و ناهنجاری‌های رفتاری فردی به حداقل می‌رسد و استعدادها بالقوه می‌تواند بالفعل شده و فرد نقش مثبت و برجسته‌تری را در ساخت جامعه ایفا نماید.

کاربست عملی رابطه آموزش، اشتغال، ازدواج و هویت فردی

ساخت هویت فردی در راستای ارزیابی دائمی فرد از خود و پاسخ به این سوال که من کیستم، می‌باشد. ساخت این فرایند متأثر از این اصل است که اجزای تشکیل دهنده هویت فردی که شامل هویت جنسی؛ هویت شغلی؛ هویت عاطفی و ازدواج؛ هویت معنوی و هویت تحصیلی می‌باشد، در تعامل و کنشی همسو، چارچوب مفهومی مستحکمی را ایجاد و به یکدیگر معنا و باور می‌بخشند و باعث تعریف فرد از خود و آینده خود می‌شوند. در ساخت هویت فردی، یکی از این اجزای فوق از سنگینی و وزن بیشتری برخوردار است که به عنوان تکیه‌گاه و سنگ بنا مطرح می‌باشد - به طوری که دیگر اجزای هویت فردی به شدت از آن متأثر و معنا می‌یابند. بودن این سنگ تخته‌گاه، همبستگی و تقویت هویت فردی را شکل می‌دهد و به آن دوام می‌بخشد و نبودش از هم‌گسیختگی هویت فردی را باعث می‌گردد. نکته قابل توجه آن است که ساخت هویت بنیادین در زنان و مردان متفاوت می‌باشد؛ به طوری که این هویت بنیادین در مردان، هویت اشتغال و در زنان، هویت تشکیل خانواده می‌باشد - پیش فرض قرار دادن اشتغال و تشکیل خانواده به عنوان دو متغیر اصلی در ساخت هویت فردی مرد و زن، مبتنی بر روش دلفی، تجربیات کاری نویسندگان و استنتاج از متون و تحلیل‌های ارائه شده در این حوزه است. اگرچه مطلب فوق هرگز به مفهوم حضور زنان در خانه و نداشتن کار و فرصت شغلی و مالی و محروم شدن جامعه از نیمی از جمعیت فعال نبوده، بلکه صرفاً بر مفهوم ذاتی و تشکیل دهنده هویت فردی در میان زنان و مردان تمرکز دارد.

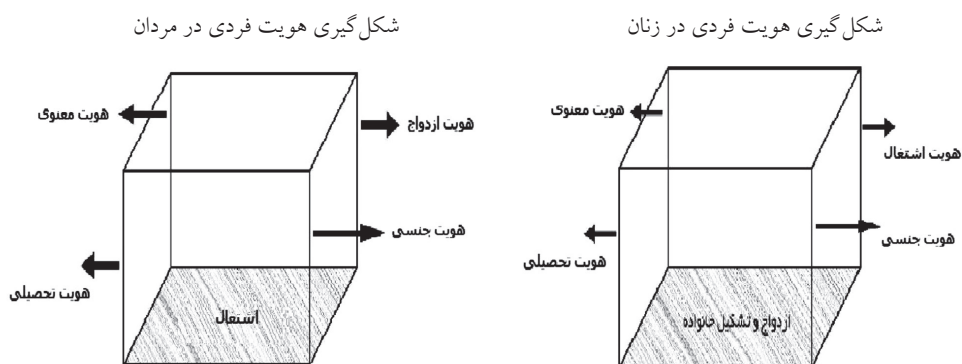
در واقع این تفاوت در شکل‌گیری هویت فردی زنان و مردان، از یک سو ریشه در کارکرد ویژه زن و مرد

در طبیعت و امری فطری و از سویی دیگر، در نقش اجتماعی و هنجاری جامعه از مفهوم زن و مرد دارد. جامعه فرزندآوری را به زن اختصاص می‌دهد و زن را تکامل دهنده استمرار حیات انسانی می‌شناسد و در تعریف زن از خود، هویت ازدواج و تشکیل خانواده بر تشکیل دیگر عناصر هویت فردی وی سنگینی بیشتری دارد. از سویی دیگر، جامعه وظیفه اصلی امرار معاش و تامین مالی اعضای خانواده را بر عهده مردان گذاشته است و ایشان را به عنوان تکیه‌گاه زندگی مشترک می‌شناسد. لذا نقش اشتغال و هویت شغلی، عامل اصلی در شکل‌گیری هویت فردی مرد می‌باشد.

در خلال تجربیات زندگی، مشاهده می‌شود که چگونه در مردان نداشتن اشتغال موجب تضعیف و نادیده گرفتن دیگر نعماتی که در اختیار دارد، می‌گردد. مرد جوان بیکار دچار نگرانی و سردرگمی است و امید به آینده در وی رو به کاهش می‌رود و باعث ناتوانی وی در امور دیگر زندگی می‌گردد. دلیل عمده آن این است که از اشتغال که همان سنگ بنای هویت فردی می‌باشد، برخوردار نیست. در مورد زنان جوان نیز که در سنین ازدواج توانایی تشکیل خانواده را نداشته‌اند، این نگرانی مشهود است. فرهنگ ایرانی-اسلامی و تاکید بر امر ازدواج و همچنین عرف غالب در جامعه نیز عوامل بیرونی به شمار می‌آیند که باعث بازتولید مفهوم اشتغال و ازدواج در جامعه می‌شوند.

یقیناً حفظ و تداوم زندگی مشترک موفق، نیازمند چیزی فراتر از شغل و خواست برای ازدواج است. در واقع صرف داشتن کار برای مردان و تشکیل خانواده برای زنان بدون توجه به داشتن مولفه‌های یک زندگی سالم و پویا باعث خوشبختی زن و مرد نخواهد بود. با توجه به افزایش آمار طلاق در جامعه، برخی گسست‌های فرهنگی نسل جدید با نسل گذشته، عدم آشنایی کافی با مهارت‌های زندگی در بین بعضی اقشار، طلاق عاطفی، کم‌رنگ شدن قبح طلاق، اعتیاد و غیره باعث گردیده تا تشکیل، تداوم و استمرار زندگی مشترک با برخی چالش‌های متعدد رو به رو گردد. تاکید بر موضوع آموزش به عنوان متغیر اصلی، اشتغال و ازدواج به عنوان متغیر وابسته و هویت به عنوان متغیر واسطه، بنا بر اهمیت وجودی و هم‌افزایی آنها در زندگی جوانان است و هرگز به معنای نادیده گرفتن متغیرهای متعدد دیگر نمی‌باشد.

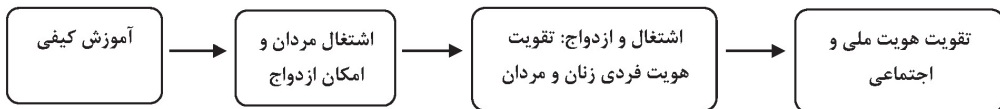
قاعده یا سطح زیرین تشکیل هویت فردی در زنان و مردان



با این توضیح، اکنون می‌توان رابطه آموزش کیفی با موضوع استحکام بخشی هویت جوانان را مطرح نمود. در فصل اول این بخش اشاره نمودیم که آموزش کیفی می‌تواند منجر به افزایش مهارت و ایجاد کارآفرینی، اشتغال و جذب حداکثری جوانان در بازار کار گردد. از این جهت مرد جوان دارای شغل، از هویت اشتغال برخوردار است که پیرو آن دیگر هویت‌های فردی از آن متأثر و بر آن استوار می‌گردد. مرد جوان دارای کار از علاقه و موقعیت بهتری برای ازدواج و تشکیل خانواده برخوردار است - رئیس سازمان بهزیستی کشور، بیکاری را مهم‌ترین مانع ازدواج برشمردند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۹۶). حال با توجه به آنکه تخته‌گاه اصلی هویت فردی در زنان مسئله تشکیل خانواده است، اشتغال مرد جوان و توانایی تشکیل خانواده، منجر به ایجاد و تقویت هویت فردی مردان و زنان جوان می‌گردد.

به صورت خلاصه می‌توان از ایجاد یک معادله خطی سخن گفت:

- آموزش کیفی منجر به نزدیکی بازار کار و محیط آموزش و در نتیجه، ایجاد اشتغال و کارآفرینی می‌گردد؛
- ایجاد اشتغال در مردان منجر به توانایی امکان ازدواج و تشکیل خانواده می‌شود؛
- ازدواج و تشکیل خانواده سنگ تخته‌گاه هویت فردی زنان را ایجاد و تقویت می‌نماید؛
- با تقویت هویت فردی، دو هویت کلان دیگر که شامل هویت اجتماعی و هویت ملی است نیز تقویت و تداوم می‌یابند.



نتیجه‌گیری

سیاست‌گذاری، علمی پیچیده است که علاوه بر دانش نظری، توجه خاص به مباحث فرائظری که همان مباحث معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی است را ضروری می‌سازد به ویژه زمانی که هدف سیاست‌گذاری حوزه علوم انسانی باشد. سیاست‌گذاری در حوزه جوانان، از درهم تنیدگی و پیچیدگی فراوان برخوردار است که علت آن را در نیازهای فراوان این گروه سنی باید جستجو کرد که پاسخگویی به آنها، نیازمند یک برنامه‌ریزی فرابخشی در میان دستگاه‌های ذیربط است.

جمعیت جوان کشور (۱۵ تا ۲۹ سال) ۲۵/۱ درصد و جمعیت زیر ۳۰ سال، ۵۰ درصد جمعیت کل کشور را تشکیل می‌دهد. این پدیده یک موهبت و استعدادی استراتژیک تعریف و تلقی می‌گردد. وجود یک برنامه‌ریزی دقیق برای این نیروهای جوان می‌تواند بالندگی، رشد و افزایش قدرت ملی کشور را به همراه داشته باشد. از آنجا که اصل طلایی سیاست‌گذاری توجه به مسئله اولویت‌بندی موضوعات است، در حوزه سیاست‌گذاری جوانان تمرکز بر روش سیستماتیک و کیفی آموزش کشور - در کنار یک سیستم دیوان‌سالاری چابک و نظام اقتصادی مبتنی بر بخش خصوصی، خلاق و کارآمد - می‌تواند به رفع و زدودن چندین و چند مسئله و مشکل عمده در حوزه جوانان کمک نماید.

اشاره گردید که آموزش کیفی می‌تواند منجر به بسترسازی و ایجاد اشتغال و کارآفرینی در میان جوانان

گردد. داشتن شغل برای مردان جوان، هویت فردی را ایجاد و تقویت می کند و توان تشکیل خانواده را برای آنها میسر می سازد. از این طرق امکان ازدواج و تشکیل خانواده برای دختران جوان ایجاد می گردد که ازدواج وجه اصلی هویت دهنده فردی این جنسیت می باشد. کارشناسان آسیب های اجتماعی معتقدند که داشتن شغل و تشکیل خانواده، آسیب های اجتماعی متعدد مانند افسردگی، اعتیاد، بزهکاری و فحشا را کاهش می دهد و سلامتی روان و هویت فردی را تقویت می نماید. این مهم در نهایت منجر به بازده حداکثری نیروی انسانی جامعه و افزایش قدرت ملی کشور می گردد.

پیشنهادهای زیر می تواند به عنوان راهبردی برای کیفی سازی سیستم آموزشی کشور و افزایش اشتغال جوانان مورد توجه قرار گیرند:

۱. شناسایی و کنکاش دقیق از نیاز بازار کار و طراحی رشته های مورد نیاز؛
۲. به روز کردن رشته های مورد نیاز دانشگاهی با تاکید بر تعریف استانداردهای یونسکو و منطبق با الگوی اسلامی-ایرانی؛
۳. عقد قراردادهای دوجانبه با کشورهای جویای نیروی کار و معرفی فارغ التحصیلان علاقمند به کار در خارج از کشور؛
۴. ایجاد ارتباط دائمی دانشجویان با محیط کار مرتبط با رشته خود در زمان تحصیل؛
۵. تاکید بر برنامه های تحصیلی کاربردی، هنرستان و کاردانش و جذب فارغ التحصیلان این مراکز در بازار کار بدون الزام ضروری بر داشتن مدرک دانشگاهی؛
۶. بهسازی فرهنگی و آموزشی در میان داوطلبان دانشگاه در انتخاب رشته مورد علاقه و منطبق با استعدادهای فردی.

امید است با توجه به جمعیت جوان کشور، وجود متغیرهای دخیل متعدد و پیچیدگی موضوع جوانان، این تحقیق درآمدی بر انجام مطالعات نظری و عملی بیشتر در احصا و شناسایی اولویت ها و نیازهای فوری این حوزه گردد. تحقیقات بیشتر می تواند با تکیه بر مطالعات میدانی و نظرسنجی، اتکای مناسب تری را برای برنامه ریزی دقیق در حوزه جوانان فراهم کند و رشد و شکوفایی بیشتری را برای ایران اسلامی به همراه آورد.

پی نوشت

۱. شایان ذکر است که رویکرد دوم هرگز به معنای نادیده گرفتن قدرت نظامی و تهدیدات بعد از فروپاشی شوروی نبوده است، بلکه تاکید بر اهمیت روزافزون اقتصاد، دانش، فرهنگ و آموزش در کنار قدرت نظامی می باشد.

۲. بر اساس آخرین آمار از درگاه مرکز آمار به تاریخ دهم اسفند ۱۳۹۷، جمعیت کشور ۸۲۲۰۱۲۷۰ نفر می باشد. (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۷)

۳. بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۰، کشور ایران در بین کشورهای منطقه خاورمیانه از لحاظ تعداد جمعیت بعد از ترکیه (بدون لحاظ کشور مصر و پاکستان) در رتبه دوم قرار داشت و در حدود ۱۱/۶ درصد از جمعیت منطقه را دارا بود. از لحاظ نسبت جمعیت جوان در رتبه نخست قرار داشت و نسبت جمعیت آن در مقایسه با میانگین کشورهای منطقه حدود ۶ درصد بیشتر بود. این نسبت برای پسران ۵/۵ درصد و برای دختران

۶/۴ درصد بوده است (سازمان ملی جوانان (الف)، ص ۲۰: ۱۳۸۱) - جمعیت کنونی ایران، کمی بیشتر از ترکیه است.

۴. پنجره جمعیتی، یکی از مهم‌ترین مراحل در ساخت سنی یک جمعیت است که مرتبط با زمانی است که درصد جمعیت جوان از کل جمعیت کشور، درصد بالایی را تشکیل دهد. با توجه به تبعات نسل جوان به ویژه از منظر اقتصادی، برخی از اقتصاددانان از آن به عنوان «موهبت جمعیتی» نام می‌برند. البته باید در نظر داشت که تهدیدآمیز بودن یا فرصت بودن پنجره جمعیتی کشور به عملکرد دولت‌ها بستگی دارد.

۵. ۱۲ بند دیگر «سیاست‌های کلی جمعیت» بر کیفیت جمعیت تأکید دارد و مواردی چون: حذف موانع ازدواج آسان، پایدار شدن خانواده‌ها، توسعه سبک زندگی ایرانی‌اسلامی، جاری شدن امید به زندگی، تکریم سالمندان، توانمندسازی جمعیت در حال کار، برقراری توازن جغرافیایی جمعیت، مدیریت مهاجرت، تقویت هویت ملی و تشویق خارج‌نشینان به بازگشت به کشور را شامل می‌شود.

۶. براساس تحقیقات صورت گرفته توسط صاحب‌نظران علوم اجتماعی در حوزه اشتغال جوانان، در منطقه خاورمیانه به واسطه کیفیت پایین آموزش، جمع و سویی از دانش آموختگان از تخصص لازم برای ورود به بازار کار برخوردار نمی‌باشند. این در حالی است که به واسطه برخی ارزش‌های اجتماعی نادرست، خانواده‌ها در این کشورها درصدد هستند که با هرگونه مشقتی هزینه تحصیلی فرزندان خود را برای ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها فراهم آورند (Middle East Youth Initiative, 2007). فارغ از این که سرانجام فرزندان‌شان در این مسیر به کجا منتهی می‌شود.

۷. کل اعتبارات عمومی آموزش و پرورش در لایحه ۱۳۹۳ به میزان ۲۰۳,۷۴۹,۱۷۹ میلیون ریال (بیش از ۲۰ هزار میلیارد تومان، حدود ۵ میلیارد یورو) بوده است که معادل ۹/۳ درصد از کل اعتبارات اعتبارات عمومی لایحه ۱۳۹۳ را شامل می‌شود. این بودجه تقریباً با بودجه آموزشی کشور سوئد برابری می‌کند، اما جمعیت دانش‌آموزی کشور ایران از کل جمعیت سوئد دو میلیون نفر بیشتر است.

۸. کشور ژاپن نیز در سال ۲۰۱۰، ۳/۸ درصد از تولید ناخالص خود را صرف آموزش کرد. تولید ناخالص داخلی این غول آسیایی در این سال معادل ۵/۸ هزار میلیارد دلار بوده است. لذا بودجه آموزشی این کشور در این سال حدود ۲۲۰ میلیارد دلار بوده است. (معیری نژاد، ۱۳۹۲)

۹. به گفته معاون وزیر آموزش و پرورش ایران، سالانه یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان برای آموزش هر دانش آموز در ایران هزینه می‌شود که در مقایسه با کشورهای صنعتی و توسعه یافته دنیا بودجه‌ای کافی نیست. ۱۰. از نظر برخی کارشناسان، هویت تمدنی امروزه می‌تواند یکی از تقسیم‌بندی‌های اصلی در بحث هویت باشد.

۱۱. در جامعه کنونی ایران، پدیده‌ای به نام زنان سرپرست خانوار بواسطه عدم ازدواج یا افزایش طلاق در جامعه شکل گرفته است؛ به طوری که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ از ۲۱ میلیون خانوار موجود در کشور، ۲ میلیون و پانصد خانوار را زنان سرپرست تشکیل داده‌اند که این نسبت به سال ۱۳۸۵ از ۹/۵ درصد به ۱۲/۵ درصد افزایش یافته است. (پایگاه خبری خانواده و زنان، ۱۳۹۳)

منابع

- احمدی، حمید. (۱۳۸۸). بنیادهای هویت ملی ایرانی. چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
- اقتصاد نیوز. (۱۳۹۳). «بالاترین سرانه آموزش دنیا در آمریکا».
- ایرنا (خبرگزاری جمهوری اسلامی). (۱۳۹۶). «افزایش بیش از ۱۳ درصدی از اعتبارات آموزش عالی در بودجه سال ۱۳۹۷».
- ایلنا. (۱۳۹۳). «تاثیر تحولات جمعیتی بر آینده اقتصاد و بازارهای جهانی».
- پایگاه خبری خانواده و زنان. (۱۳۹۳). «آخرین وضعیت زنان سرپرست خانوار از زبان رئیس پژوهشکده آمار».
- تقوی نیا، منصوره. (۱۳۹۴). «مفهوم کیفیت در سیستم آموزش: مطالعه کیفی». مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی. دوره دوازدهم، شماره سه.
- سازمان ملی جوانان (الف). (۱۳۸۱). بررسی وضعیت اشتغال جوانان. موسسه فرهنگی اهل قلم
- سازمان ملی جوانان (ب). (۱۳۸۶). گزارش جمعیت کل و جوانان در کشورهای مختلف جهان در سال ۲۰۰۷. معاونت مطالعات و تحقیقات
- حسینی، فائق. (۱۳۸۹). «سبک زندگی، هویت و ارزش». مرکز آموزش و پژوهش موسسه همشهری.
- روزنامه آفرینش. (۱۳۸۵). «سرانه آموزش عالی در آمریکا ۲۵ برابر ایران است».
- روزنامه اطلاعات. (۱۳۹۶). «بیکاری، مهمترین مانع ازدواج است».
- کاظمی پور، شهلا. (۱۳۸۶). «جمعیت جوانان کشور در سال ۱۳۸۵». مرکز مطالعات و پژوهش های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- کریمی، سعید. (۱۳۸۹). بیکاری. پژوهشکده باقرالعلوم.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۲). تجدد و تشخیص. ناصر موفقیان. چاپ دوم، تهران: انتشارات نی
- مرکز آمار ایران (الف). (۱۳۹۶). نتایج کلی سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۵.
- مرکز آمار ایران (ب). (۱۳۹۶). ۵۰ درصد جمعیت کشور زیر ۳۰ سال سن دارند.
- معیری نژاد، هادی. (۱۳۹۲). «بودجه آموزش و پرورش در کشورهای پیشرفته چقدر است؟». خبرآنلاین.
- مجمع تشخیص مصلحت نظام. (۱۳۹۷). سیاست های کلی جمعیت.
- مومنی، فرشاد. (۱۳۸۶). «اقتصاد سیاسی سیاستگذاری اشتغال در ایران». عدالت خواهی.
- وزارت ورزش و جوانان. (۱۳۹۱). مجموعه مصوبات شورای عالی جوانان.

- Bozoyan, Thomas. (2018). "Facts and Figures". Economic Overview Germany.
- Dobson, Andrew. (2014). "Who am I? Self Identity – Building Personal Character". Mindfit Hypnosis.
- Francois, Patrick and Zabochnik, Jan. (2004). "Trust, Social Capital and Economic Development".

- Middle East Youth Initiative. (2007). **“Missed by the Boom, Hurt by the Bust, Making Markets Work for Young People in the Middle East”**.
- Mroz, Thomas. (2003). **The Long–Term Effects of Youth Unemployment**. The University of North California.
- World of Work Magazine. (2004). **“Youth Unemployment At All Time High”**. No 52.

بررسی آرزوهای اجتماعی دانش‌آموزان دبیرستانی ۱۵ تا

۱۸ ساله در شهر یزد

علی روحانی^۱
عباس عسکری ندوشن^۲
سعید کشاورزی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۲۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱/۱۰

آرزوها، یکی از مفاهیم مهم اجتماعی هستند که پیامدهای اجتماعی متعددی در پی دارند، اما در بیشتر پژوهش‌های جامعه‌شناسی مغفول مانده‌اند و روان‌شناسان آن را علی‌رغم دلالت‌های اجتماعی فراوان به ویژگی‌های روانی تقلیل می‌دهند. در این مسیر، ضمن برشمردن دلایل اهمیت این مفهوم اجتماعی و نقش آن در شکل‌گیری جهت‌گیری‌های اجتماعی کلی جامعه، پژوهشی گسترده با هدف شناسایی و ارزیابی آرزوها طراحی شد. برای این منظور ابتدا پژوهشی اکتشافی و مصاحبه‌محور بر روی جوانان انجام گرفت و آرزوهای آنان در قالب ۱۸ دسته مشخص گردید. سپس با انجام پیمایشی با نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای بر روی ۲۷۱۲ نفر از جوانان یزدی، میزان اهمیت هر دسته از آرزوها و اثرات متغیرهای ساختاری - جمعیتی شامل جنسیت، سن و رشته تحصیلی مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج این مطالعه نشان داد که آرزوهای خانواده‌محور مهم‌ترین و آرزوهای سیاسی کم‌اهمیت‌ترین دسته از آرزوهای جوانان بوده‌اند. همچنین، اهمیت آرزوها برای دختران بیشتر از پسران بوده و عموماً با افزایش سن از میزان اهمیت آرزوها کاسته شده است. علاوه بر این، رشته‌های تحصیلی جوانان نیز با برخی از دسته‌های آرزو رابطه معناداری داشته است. در نهایت، ضمن بحث در مورد آرزوهای مهم شناسایی شده، زمینه‌های نیازمند به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری معرفی گردیده است.

واژگان کلیدی: آرزوهای جوانان، آینده پژوهی، ارزش‌های اجتماعی و سیاست‌گذاری اجتماعی

مقدمه

دوره جوانی، دوره‌ای تعیین‌کننده، حساس، سرنوشت‌ساز و آینده‌ساز در زندگی افراد است. در این دوره، رشد جسمانی کم و بیش کامل می‌شود و فرد جوان در حال تجربه گذار تدریجی از دوران کودکی به بزرگسالی است. پایه‌های بلوغ جسمانی، روانی، عاطفی، معنوی و اجتماعی فرد در این دوره شکل می‌گیرد و فرصتی برای کسب مهارت‌ها و آمادگی برای آینده، فرا روی جوان گشوده می‌شود. اما در عین حال، دوره شکل‌گیری تدریجی هویت مستقل فردی و آکنده از تعارض و نوسان بین وابستگی و استقلال‌یابی است. تکوین نظام ارزش‌های اجتماعی فرد و تنظیم معیارهایی که فرد بتواند رفتار خود و دیگران را بر اساس آن هدایت و ارزیابی کند، در این دوران رقم می‌خورد. علاوه بر اینها، تکوین احساس خودشکوفایی و دستیابی به یک درک روشن از موقعیت شخصی و اجتماعی خود و همچنین شکل‌گیری آمال و آرزوها و علائق جوانان در این دوران حاصل می‌گردد (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۷۲: ۴۸؛ سیمبر و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵۶۳؛ فریک و همکاران^۱، ۲۰۰۷: ۶۴۰-۶۳۹؛ بوید و همکاران، ۲۰۱۵: ۹).

اطلاع نسبت به بسیاری از این جنبه‌های اجتماعی - روانی از جمله در زمینه شناخت امیال و آرزوهای نسل جوان جامعه، می‌تواند در حوزه‌های سیاستگذاری اجتماعی آینده حائز اهمیت کلیدی باشد؛ به گونه‌ای که آمال و آرزوهای کنونی نسل آینده‌ساز جامعه می‌تواند جهت‌گیری تغییرات ارزشی و نگرشی آینده را بسترسازی کند. در سال‌های اخیر، پیمایش‌ها و مطالعات بسیاری در زمینه مفاهیم اجتماعی هم چون سرمایه اجتماعی صورت پذیرفته است. این تحقیقات، وضعیت کشور را از نظر سطح شاخص‌های مطرح اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهد. مقایسه پانلی این مطالعات نیز نمایانگر تغییرات رخ داده در سطح جامعه در بازه‌های زمانی بوده و از این جهت به عنوان منبع قابل استنادی برای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در سطح کشوری درآمده است (پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۹۳). با این حال، یکی از مفاهیم اجتماعی که در پژوهش‌های کاربردی جامعه‌شناختی مغفول مانده، آرزوهای اجتماعی جوانان است.

شناخت آرزوهای جوانان هم ما را با اهداف، نیازها، نگرش‌ها و خواسته‌های جامعه آشنا می‌کند و هم به درک بهتری از فضای اجتماعی موجود جامعه و آینده کشور یاری می‌رساند. از آن‌جاکه تعیین ساختاری آرزوها در مقایسه با تقاضاها و خواسته‌های جوانان کمتر است و ساختارها نقش کمتری در تعیین و محدودسازی آنها دارند (ارلیچمن و آیچنستاین^۲، ۱۹۹۲: ۴۰۰)، به صورت اهدافی اتوپیایی فارغ از تأثیرات محدودیت‌های جهان واقعی تعریف شده و به همین دلیل نمایانگر آن چیزهایی هستند که جوانان واقعا در پی دستیابی به آن‌اند. در سطح فردی نیز آرزوها نشان دهنده آن چیزی هستند که در ناخودآگاه اعضای یک جامعه می‌گذرد (کینگ و برویلز^۳، ۱۹۹۷: ۵۰) و در سطحی بالاتر، آرزوها را می‌توان نمایانگر ناخودآگاه جمعی جامعه قلمداد کرد. به عبارت دیگر، آرزوها به ما نشان می‌دهند که جوانان به چه چیز فکر می‌کنند و در ذهنشان برای خود چه آینده‌ی متصور هستند. از این‌رو، شناخت آرزوها به شناخت جامعه امروز و پیش‌بینی آینده کمک می‌نماید. اگرچه آرزوها به مثابه یک مفهوم اجتماعی با مفاهیم دیگری مانند نیازها، هدف‌ها، خواسته‌ها و نگرش‌ها همبستگی دارد، اما باید خاطر نشان ساخت آرزو واجد مشخصاتی است که آن را از مفاهیم دیگر متمایز

1. Freake et al
2. Ehrlichman & Eichenstein
3. King & Broyles

می‌سازد. به عنوان مثال، اگرچه «آرزو» ممکن است با «هدف» مشابهت‌هایی داشته باشد، اما آرزوها اساساً خصلت ایده‌آل‌گرایانه‌تری دارند؛ زیرا کمتر از اهداف و مقاصد در بند محدودیت‌های اجتماعی هستند و از این جهت است که محققان عموماً برای آرزو کیفیت ویژه‌ای قائل اند (کینگ و برویلز، ۱۹۹۷: ۵۰). آرزو با مفهوم «نیاز» نیز متفاوت است. در حالی که نیاز از وجود یک فقدان نشأت می‌گیرد و منجر به اشتیاق می‌شود، اما در مقابل، آرزو، یک راه خاص فردی برای برآوردن نیازهاست (اختر، ۱۹۹۹: ۱۸). در واقع آرزو به «صورت منحصر به فردی دارای یک تاریخ شخصی و یک شکل و محتوای مشخص است» (برنز، ۱۹۸۲: ۲۲). از طرف دیگر، یک آرزو نمی‌تواند با آرزوی دیگری جایگزین شود، در حالی که نیاز می‌تواند جای نیاز دیگر را بگیرد. در واقع، نیاز تنها زمانی آشکار می‌شود که برآورده نشده باشد، اما آرزو به صورت مستمری با خاطرات، فانتزی‌ها و اثرات مرتبط با خود بازنمایی می‌شود. این تفاوت‌ها حاکی از آن است که نمی‌توان آرزو را با دیگر موارد مشابه یکی دانست و تحقیقات نیز نتوانسته‌اند رابطه نظام‌مندی میان آرزوها، اهداف، ارزش‌ها و انگیزه‌ها نشان دهند (کینگ، ۱۹۹۵: ۹۸۵). در واقع، همین ویژگی خاص مفهوم آرزوست که ما را به انجام این مطالعه سوق داده است. به بیان دیگر، با اینکه مفهوم آرزو نه قابل تقلیل به هدف است و نه نیاز و نگرش و حتی یک خواسته ساده، در مطالعات علوم اجتماعی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

سنجش آرزوها به عنوان شاخصی از موارد مطلوب و تقاضاهای پایدار جوانان می‌تواند به عنوان یکی از راه‌های آینده پژوهی قلمداد شود. آرزوها تا اندازه زیادی از مقاصد ذهنی آینده جوانان خبر می‌دهند. به همین دلیل است که نظریه‌پردازان آرزوها را در صورت عدم تحقق به عنوان منبعی برای احساس سرکوب قلمداد می‌کنند (اختر، ۱۹۹۹: ۱۱۳). به عبارت دیگر، آرزوهای جوانان یک جامعه نمایانگر خواسته‌های پایدار جامعه هستند که هنوز از سوی واقعیت‌ها و یا ساختارهای اجتماعی مورد انقیاد قرار نگرفته‌اند و به همین دلیل شناخت آن‌ها، می‌تواند به فهم وضعیت جامعه کمک نماید. از سوی دیگر، آرزوها حتی اگر ناکام شده و یا سرکوب شوند، در ناخودآگاه افراد به حیات خود ادامه می‌دهند و می‌توانند از طریق فرآیندهای پیچیده‌ای بر رفتارهای بعدی افراد تأثیرگذار باشند (فروید، ۱۹۶۲: ۱۸۸).

همچنان‌که بیان شد، ویژگی ایده‌آل‌گرایی آرزوها بسیار برجسته است (کینگ و برویلز، ۱۹۹۷: ۵۱). اساساً منابع پدید آمدن نارضایتی در جامعه، گسترده و گوناگون است، اما اغلب آن‌ها حاصل وضعیتی است که در آن فرد خودش را با یک حالت ایده‌آل و یا چیزی که فکر می‌کند مستحق آن است، مقایسه می‌کند (فولجر، ۱۹۸۶: ۱۶۶). در نتیجه افراد اگر تصور کنند به آن چیزی که ایده‌آل و یا مستحق آن بوده‌اند، نرسیده‌اند، دچار نارضایتی می‌شوند. از این منظر، آرزوهای جوانان اگر مورد توجه قرار نگیرند، می‌توانند به عنوان منبع نارضایتی‌های بالقوه قلمداد شوند. از این جهت، یکی از راه‌های کاهش نارضایتی و یا مهم‌تر از آن جلوگیری از شکل‌گیری آن، شناخت آرزوها و برنامه‌ریزی جهت برآوردن اولویت‌های آن است. بر این اساس، پیمایش آرزوهای جوانان به محققان نشان می‌دهد که چه عواملی در آینده می‌تواند به احساس سرکوب و یا ایجاد نارضایتی و یاس یا انزوا در جامعه منجر شود.

1. Akhtar
2. Brenner
3. King
4. Freud
5. Folger

علاوه بر این، محتوای آرزو، ما را با وضعیت آرزو کننده نیز آشنا می‌نماید. در سطحی بالاتر، برآیند محتواها و ترجیحات آرزوهای جوانان یک کشور می‌تواند به درک بهتری از جوانان آن جامعه منجر شود. بنابراین، در کنار شناخت مفاهیم اجتماعی دیگر، شناخت آرزوها می‌تواند شاخصی مهم جهت ارزیابی وضعیت ذهنی جامعه به کار گرفته شود و به همین دلیل کینگ و برویلز (۱۹۹۷: ۵۰) بر این اعتقادند که آرزوها و آرزو کردن قسمتی از آداب توسعه و گذار است. به عبارت دیگر، آرزوهای جوانان حکایتگر فضای فکری آن روز جوانان و آینده جامعه و نشانگر توسعه و یا پس‌رفت آینده آن اجتماع است. بدین ترتیب، شناخت آرزوها به سیاست‌گذاران کلان کمک می‌کند برای آینده جامعه تصمیم‌گیری کند و اهدافی را در جهت پاسخ به آرزوهای جوانان در نظر گیرند.

همچنان‌که بیان شد، آرزوها می‌توانند فارغ از محدودیت‌های ساختاری بیان شوند و اتوپیای خاصی را ترسیم کنند. در دنیایی که شبکه‌ها و رسانه‌های مدرن پویایی‌های اجتماعی و فرهنگی و سرعت تغییرات اجتماعی را روزافزون کرده‌اند و فرهنگ جوامع پیچیده‌تر شده است، آرزوها از محدودیت‌های ساختاری سستی فراتر رفته و مرزهای جدیدی برای خود ایجاد کرده‌اند. مرزهایی که می‌توانند در تمامی ابعاد فرهنگ جهانی پیشروی کنند و جهانی که در ذهن تولید و تغییر می‌کند. اما آنچه که مهم‌تر از گذار آرزوها از مرزهای جهان مادی و ایدئولوژیک است، زمینه‌های دستیابی و دسترسی به آنهاست. ممکن است در بعضی اجتماعات فاصله کوتاهی بین آرزو و دستیابی به آن برقرار باشد و در بعضی اجتماعات شکاف بین آن دو سترگ و عمیق باشد. چنین وضعیتی به‌طور کلی در پژوهش‌های علمی مورد بررسی قرار نگرفته است. پژوهش حاضر در همین راستا قصد دارد تا این بخش مغفول در جامعه را مورد کندوکاو دهد. برای این مقصود، گروه بزرگی از جوانان شهر یزد (۲۷۱۲ نفر) انتخاب شدند تا آرزوهای‌شان در مرحله اول مطالعات طولی محققان مورد بررسی و کندوکاو قرار گیرد. در نتیجه پژوهش حاضر قصد داشته است به سوالات زیر پاسخ دهد. در این مسیر سوالات پژوهش برای دستیابی به اطلاعات بنیادی و اساسی از جامعه مورد مطالعه به‌صورت زیر طراحی شده است:

۱. مهم‌ترین دسته آرزوها برای جوانان کدام است؟
۲. مهم‌ترین آرزوهای جوانان یزدی چیست؟
۳. چه رابطه‌ای بین رشته تحصیلی و آرزوهای اجتماعی جوانان وجود دارد؟
۴. چه رابطه‌ای بین سن و آرزوهای اجتماعی جوانان وجود دارد؟
۵. چه رابطه‌ای بین جنسیت و آرزوهای اجتماعی جوانان وجود دارد؟

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های اندکی در زمینه آرزوها به‌ویژه در کشور ایران رخ داده است. در یکی از این تحقیقات نادر اخیر، فیضی و همکاران (۱۳۹۷) با انجام مطالعه‌ای نشان داده‌اند آرزوی پول و ثروت از مهم‌ترین آرزوهای جوانان تهرانی بوده است. همچنین این مطالعه نشان داد که آرزوهای آنومیک، موجب بروز احساس ناامیدی، محرومیت و نارضایتی از زندگی و همچنین کج روی می‌شود. در همین زمینه، یکی از محدود مطالعاتی که در زمینه آرزوها در ایران انجام شده، بوسيله اکبرزاده (۱۳۷۴) صورت گرفته است که نشان می‌دهد که آرزوی موفقیت تحصیلی، ثروت و همچنین کسب شهرت و مقام اجتماعی پس از جنگ تحمیلی افزایش یافته است.

این در حالی است که آرزوی خدمت به هم‌نوع و کسب رضایت خداوند در همین دوره زمانی کاهش یافته است. نتایج پژوهش گودرزی (۱۳۸۷) نیز نشان می‌دهد که رستگاری و سلامتی، از مهم‌ترین آرزوها و کسب پول از کم‌اهمیت‌ترین آرزوها بوده است.

مرور کلی ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که مطالعات اندکی به صورت اختصاصی در حوزه آرزوها انجام شده است (بویازجن و والکنبرگ^۱، ۲۰۰۰: ۴۶۰). به همین جهت، در ادامه، در راستای مرور ادبیات تحقیق، از مطالعاتی که روی مفاهیم مشابه آرزو انجام شده و برای این تحقیق مفید است نیز کمک خواهیم گرفت. برخی تحقیقات نشان می‌دهد که آرزوهای زنان و مردان تفاوت معناداری با هم ندارند (ارلیچمن و آیچنستاین^۲، ۱۹۹۲: ۴۰۰) اما این موضوع ممکن است به دلیل محدودیت‌های روش شناختی بوده باشد (کینگ و برویلز^۳، ۱۹۹۷: ۵۳). در مطالعه دیگری، کینگ (۱۹۹۵: ۹۸۵) آرزوها را به عنوان ابزاری انگیزشی مورد بررسی قرار داده و نتیجه گرفته است که مردان بیشتر تمایل به آرزوهای قدرت-محور دارند. همچنین بر اساس تحقیقات دیگری، جنسیت، سن و هم چنین سطح دسترسی افراد به شبکه‌های تبلیغات، پیش بینی‌کننده‌های معنی‌دار آرزوها بوده‌اند (بویازجن و والکنبرگ، ۲۰۰۰: ۴۶۵). از نظر محتوایی نیز ریچاردز^۴ (۱۹۹۶: ۱۲) مهمترین اهداف زندگی دانشجویان دانشگاه‌های آمریکا را در قالب سه بعد اصلی شناسایی کرده است: کاری، اجتماعی و شخصی. بر اساس نتایج این مطالعه، محبوب‌ترین اهداف زندگی شامل «خوشبختی»، «یافتن نظم و قرار در زندگی» و «یافتن هدف واقعی زندگی» می‌شود.

چارچوب نظری پژوهش

هر چند که مفهوم آرزو در ادبیات نظری و تجربی جامعه‌شناسی موضوعی مغفول مانده است، اما در اینجا به صورت خلاصه به نظریات مرتبط با آرزوها اشاره می‌شود. در ادامه، جهت ارائه نظریات مرتبط با آرزوها، از نظریات و تبیین‌های نظری در زمینه مفاهیم مشابه کمک گرفته شده است.

در سطح فردی، اصلی‌ترین نظریه‌ای که به موضوع آرزوها پرداخته، نظریه «تحقق آرزو» است که توسط زیگموند فروید ارائه شده است. طبق این نظریه، تحقق آرزو، به صورت «رویا» پدیدار می‌شود. به عبارت دیگر، آرزوهای انسان در ناخودآگاه او جای گرفته و در نهایت به صورت رویا بازنمایی می‌شود. آرزوها در روان‌شناسی به مثابه فقدان توانایی خواسته‌ها در «شدن» تعریف می‌شود (پیترز^۵، ۱۹۶۰: ۱۰). به عبارت دیگر، خواسته‌هایی که امکان تحقق نمی‌یابند به شکل آرزو درآمده و با توجه به نسبت آرزو با ناخودآگاه، در شکل رویا ظاهر می‌شوند. به معنایی دیگر، آرزوها، بیان‌های ذهنی هستند که یا به صورت آشکاری بیان می‌شوند و یا از سوی شرایط، امکان نمایش به شکل آرزومندی فانتزی را می‌یابند. از برخی جهات، آرزوها نمایان‌گر خوشبینی پنهانی درباره جهان هستند، چراکه آرزوی چیزی ممکن است واقعا آن یا دنباله مشابهی از آن را محقق سازد (کینگ و برویلز، ۱۹۹۷: ۵۳). نظریه دیگری که البته در سطح جامعه‌شناسی به موضوع آرزو پرداخته، نظریه چهار-آرزوی توماس است. توماس بر این باور بود که اساسا چهار آرزوی اصلی با عناوین

1. Buijzen & Valkenburg
2. Ehrlichman & Eichenstein
3. King & Broyles
4. Richards
5. Peters

آرزوی «تجربه جدید»، «امنیت»، «دریافت پاسخ» و «شناخته شدن» پس زمینه و چارچوب پیچیدگی انگیزه‌های انسانی را شکل می‌دهد. بر این اساس، زندگی انسانی نرمال، آن نوع از زندگی است که در آن، این چهار آرزو به صورت برابری محقق شوند (توماس^۱، ۱۹۲۳: ۴۰). طبق نظریه توماس، تمامی این آرزوها به صورت همزمان روی افراد عمل می‌کنند. در نتیجه، زندگی افراد با آرزوهای نامتوازن از سوی یک یا دو آرزو مورد تسلط و انقیاد قرار می‌گیرد. این نظریه بر رشد متوازن این چهار آرزو تاکید کرده است.

بر اساس نظریه محرومیت نسبی، آرزوها به مثابه خواست‌های پایدار و ایده‌آل‌گرایانه با پیدایش نارضایتی در جامعه مرتبط هستند. نارضایتی بر اساس نظریه محرومیت نسبی، حاصل احساس از دست رفتن خواست‌های ایده‌آل افراد است (فولجر^۲، ۱۹۸۶: ۱۴۷). بر این اساس، برآورده نشدن آرزوها خود را در افزایش نارضایتی در جامعه نمایان می‌سازد. نظریه انحراف اجتماعی مرتون^۳ (۱۹۳۸) نیز به شکل دیگری با آرزوها مرتبط است. چیو^۴ و نویوس^۵ (۱۹۹۰: ۱۳۴) معتقدند که آرزوها گرچه با اهداف یکی نیستند، اما می‌توانند به شکل اهداف بازنمایی شوند. بر اساس نظریه مرتون، اهداف منبعث از آرزوها با پنج حالت کلی روبرو خواهد شد:

انطباق: حالتی که اهداف مورد پذیرش با توسل به ابزارهای مشروع به دست می‌آید.
نوآوری: حالتی که در آن اهداف مشروع به وسیله ابزار مشروع بدست نمی‌آید. از این رو، نوآوران خودشان ابزاری برای تحقق آن اهداف می‌سازند.

مناسک‌گرایی: حالتی که ابزارها مورد پذیرشند، اما اهداف از دست رفته‌اند.

انزوا: حالتی که هم ابزار و هم اهداف رد شده است.

شورش: در این حالت همانند انزوا اهداف و ابزارها رد شده‌اند، اما شورشیان تلاش می‌کنند تا در سطح کلان اهداف یا ابزارهای جدیدی را به جای موارد قبلی جایگزین کنند (تپرن و همکاران^۶، ۲۰۰۹: ۱۱۷). بنابراین پذیرفته نشدن اهداف منبعث از آرزوها و یا محقق نشدن ابزارهای دستیابی به آن‌ها به شکل‌های مختلفی می‌تواند برای یک جامعه مشکل آفرین باشد. از سوی دیگر، آرزوها، بدون توجه به ریشه‌ها و مکان‌ها در ساختارهای قدرت موجود، رسوم و اولویت‌های نهادهای قابل فهم نیستند (هارت^۷، ۲۰۱۶: ۳۳۶). همان طور که ری^۸ اشاره می‌کند آرزوها محصول روابط اجتماعی هستند و در بستر اجتماعی پدید می‌آیند- در واقع آرزویی در خلاء وجود ندارند (۲۰۰۳: ۴۴). یکی از نظریه‌های سودمند در زمینه عوامل موثر بر آرزوهای جوانان، نظریه جامعه‌پذیری است (کلاوسن^۹، ۱۹۶۸؛ ویتبک^{۱۰}، ۱۹۹۹). هر نسلی از جامعه، تحت شرایط اجتماعی و اقتصادی تجربه شده خود، جامعه‌پذیر می‌شوند (ایتسترلین^{۱۱}، ۱۹۷۸). در واقع اگر هر نسل را مجموعه خاص تاریخی از شرایطی و دارای مجموعه‌ای از والدین، نهادها و هم‌سالان منحصر به فرد تصور کنیم، این تفاوت‌ها در

1. Thomas
2. Folger
3. Merton
4. Chiu
5. Nevius
6. Tepperman et al
7. Hart
8. Ray
9. Clausen
10. Whitbeck
11. Easterlin

جامعه‌پذیری نسلی منجر به مجموعه‌ای از اولویت‌های متفاوت می‌شود (لستیگ^۱ و سرکین^۲، ۱۹۸۸). می‌توان انتظار داشت تجارب و شرایط اقتصادی و اجتماعی و تغییرات آن در حین بلوغ، به مجموعه آرزوهای متفاوتی منجر شود (کرمینینی^۳؛ ایسترن و سایتو^۴، ۱۹۹۱).

بر همین اساس و بر مدار نظریه طرح شده می‌توان قضایا و فرضیات پژوهش را ارائه کرد. بر اساس نظریه جامعه‌پذیری، انتظار می‌رود متغیرهای ساختاری-جمعیتی مانند جنسیت، سن و رشته تحصیلی با میزان محتوای آرزوهای جوانان رابطه معناداری داشته باشد. درواقع، با توجه به ماهیت ایده‌آل‌گرایانه آرزوها به نظر می‌رسد با افزایش سن افراد و با قرار گرفتن جوانان در بستر واقعیت‌های اجتماعی از اهمیت آرزوها کاسته شود. به عبارت دیگر، آرزوها به مثابه خواست‌های نسبتاً ایده‌آلانه جوانان در برابر واقعیت‌های بیرونی قرار گرفته و بدین ترتیب از میزان اهمیت‌شان کاسته می‌شود.

در همین مسیر می‌توان قضیه زیر را استخراج کرد:

قضیه شماره یک: «با افزایش سن از اهمیت آرزوها کاسته خواهد شد».

علاوه بر این، دختران و پسران در فضاهای اجتماعی متفاوت و در مواجهه با محدودیت‌های متفاوتی رشد می‌کنند. اگر آرزوها را به مثابه خواست‌های ایده‌آل‌گرایانه جوانان تصور کنیم، آن‌گاه انتظار می‌رود که اهمیت آرزوها برای دختران بیشتر باشد. به این معنا، بیان آرزوها از زبان دختران، نمایانگر محدودیت‌های عینی بیشتر خواهد بود. بنابراین دختران باید غالباً برای آرزوهایشان اهمیت بیشتری قائل باشند. در نتیجه می‌توان قضیه زیر را این گونه استخراج کرد:

قضیه شماره دو: اهمیت و برجستگی آرزوها برای دختران بیش‌تر از پسران است.

رشته‌های تحصیلی را می‌توان به مثابه فضاهای جامعه‌پذیری جوانان در نظر گرفت که ارزش‌های خود را بر ذهن جوانان حاکم می‌نماید. در این مسیر، می‌توان گفت افراد با قرار گرفتن در فضای رشته‌های مختلف، به شکل‌های متفاوتی جامعه‌پذیر می‌شوند و در نهایت آرزوهای متفاوتی را تجربه می‌کنند. این امر را می‌توان اینگونه در قضیه زیر خلاصه نمود:

قضیه شماره سه: هر کدام از رشته‌های تحصیلی، پویایی‌های متفاوتی در تاثیرگذاری بر انواع آرزوها دارد.

بر اساس قضایای تحقیق می‌توان فرضیه‌های زیر استخراج کرد:

۱. بین رشته تحصیلی و آرزوهای اجتماعی جوانان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۲. بین سن و آرزوهای اجتماعی جوانان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۳. بین جنسیت و آرزوهای اجتماعی جوانان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پارادایم‌های تحقیق، مشخص‌کننده رویکرد معرفت‌شناختی و روش‌شناختی هر پژوهش هستند. بنا بر پارادایم اثباتی در علوم انسانی نیومن^۵ (۲۰۰۷: ۱۰)، پژوهش حاضر رویکرد معرفت‌شناختی و روش‌شناسی

1. Lesthaeghe
2. Surkyn
3. Crimmins
4. Saito
5. Neuman

اثباتی را برگزید. بر این اساس رویکرد کمی و روش پیمایشی را انتخاب کرد. در پیمایش اجتماعی محقق برای بررسی موضوع، اطلاعاتی از زمان حال جمع‌آوری می‌کند تا شناخت کاملی از وضعیت جامعه مورد مطالعه به‌دست آورد (ازکیا، ۱۳۸۲: ۲۹۴).

برای شناسایی انواع آرزوها، ابتدا پژوهشی اکتشافی با مشارکت ۳۵ نفر از جوانان شهر یزد صورت گرفت که در قالب آن، مهم‌ترین آرزوهای آنان پرسیده شد و سیصد آرزو گردآوری شد. در مرحله بعد، محققان (سه محقق در رشته‌های جامعه‌شناسی و جمعیت‌شناسی) با بررسی انواع آرزوها و دسته‌بندی آنها، آرزوهای مشابه را حذف و مهم‌ترین آرزوهای هر دسته را انتخاب کردند. سپس پیش‌آزمون صورت گرفت و ضرایب آلفای کرونباخ، تایید‌کننده نهایی گویه‌های پرسشنامه شدند. بعد از این مرحله پرسشنامه نهایی طراحی و فرایند نمونه‌گیری آغاز شد. جامعه آماری پژوهش کلیه جوانان ساکن یزد بودند. بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ جمعیت جوانان شهر یزد برابر با ۶۸۱۹۶ نفر بوده است. بر اساس نظرات کارشناسان آمار حجم نمونه گزینشی ۲۵۰۰ نفر برآورد شد. شایان ذکر است تعداد ۳۰۰۰ نمونه تکمیل و پس از پالایش کلی و بسیار دقیق پرسشنامه‌ها، ۲۷۱۲ نمونه برای بررسی نهایی انتخاب شدند. در مرحله پرسشگری در خانه‌هایی که جوان داشته‌اند، مصاحبه صورت گرفت. نوع نمونه‌گیری نیز بر اساس شیوه نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود.

اعتبار ابزار پژوهش بر اساس اعتبار صوری و با بررسی گسترده گروهی از همکاران متخصص در حوزه علوم اجتماعی در دانشگاه‌های مختلف برآورد شد. پایایی به معنای آن است که ابزار اندازه‌گیری تا چه حد قابلیت تکرار دارد و اگر با همان واحد تحلیل مکرر به کار رود، نتایج یکسانی به دست می‌آید یا خیر؟ (کارمینز و زلر، ۱۹۷۹: ۱۶). در این تحقیق برای اطمینان از پایایی پرسشنامه، از روش اندازه‌گیری آلفای کرونباخ استفاده گردید. مقدار آماری آلفای کرونباخ نهایی برای مقیاس‌ها نشان می‌دهد که گویه‌های مورد استفاده عموماً از پایایی قابل قبولی برخوردار بوده‌اند (جدول ۱). مطابق این جدول گویه‌های مربوط به آرزوهای سیاسی بالاترین و گویه‌های آرزوی شغلی پایین‌ترین پایایی را به نسبت طبقات دیگر آرزوها داشته‌اند (به ترتیب ۰/۹۱ و ۰/۶۳).

جدول ۱: پایایی گویه‌های مربوط به آرزوها

ردیف	عنوان آرزو	آلفا
۱	آرزوهای تحصیلی و علمی	۰/۷۷
۲	آرزوهای شغلی	۰/۶۳
۳	آرزوهای خانواده محور	۰/۷۱
۴	آرزوهای ایران محور (ایران دوستانه)	۰/۸۴
۵	آرزوهای معنوی	۰/۷۷

۰/۷۰	آرزوهای فراملی شدن	۶
۰/۸۱	آرزوهای دیجیتال و تکنولوژیک	۷
۰/۸۸	آرزوهای ثروتمند شدن	۸
۰/۷۴	آرزوهای شهرت شخصیت دینی، علمی و فرهنگی	۹
۰/۷۶	آرزوهای ورزشکار مشهور شدن	۱۰
۰/۹۱	آرزوهای سیاسی	۱۱
۰/۸۲	آرزوهای نوع دوستانه و صلح طلبانه	۱۲
۰/۸۸	آرزوهای بدنی ظاهری	۱۳
۰/۷۷	آرزوهای تفریحی سفری	۱۴
۰/۸۲	آرزوهای استقلال طلبانه	۱۵
۰/۸۱	آرزوهای سلامتی محور	۱۶
۰/۸۷	آرزوهای منزلت محور و پرستیژ محور	۱۷
۰/۸۴	آرزوهای غذا محور	۱۸

گویه‌های مربوط به آرزوها نیز در قالب طیف لیکرت سنجیده شدند و در هر دسته آرزو، چهار گویه برای سنجش آن گویه مطرح شده بود. اندازه‌گیری لیکرت بر اساس مقیاس ده درجه‌ای از کم‌ترین اهمیت یک آرزو تا بیشترین اهمیت یک آرزو متغیر بود؛ به گونه‌ای که اگر کسی شماره ده را علامت زده باشد، بالاترین اهمیت را به یک آرزو و اگر شماره یک را علامت بزند، کم‌ترین اهمیت را برای آن آرزو قائل شده است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار اسپس اس^۱ تحت ویندوز کمک گرفته و از اطلاعات توصیفی و آزمون‌های استنباطی استفاده گردید.

یافته‌های پژوهش

در این مطالعه، نمونه شامل ۲۷۱۲ جوان شده که این تعداد شامل ۴۵ درصد پسر (۱۲۲۰ نفر) و ۵۵ درصد دختر (۱۴۹۱ نفر) بوده است. هم چنین میانگین سن نمونه ۱۶/۱۵ بوده که شامل جوانان ۱۵ تا ۱۸ ساله می‌شده است (۲۶ درصد ۱۵ ساله، ۴۲ درصد ۱۶ ساله، ۲۴ درصد ۱۷ ساله و ۸ درصد ۱۸ ساله). یافته‌های این مرحله هم نشان داد که ۷۹ درصد از جوانان خود را جزء خانواده‌های کم‌درآمد و ۲۱ نیز خود را جزو خانواده‌های پردرآمد قلمداد کرده‌اند. همان‌طور که گفته شد در این مطالعه آرزوها بر اساس محتوا به هجده طبقه اصلی تقسیم شدند. جدول ۲، نتایج آزمون تفاوت میانگین اهمیت نمرات این هجده طبقه را بر اساس آزمون فریدمن نشان می‌دهد که این یافته‌ها در سطح ۰/۰۰۱ معنادار بوده است. بر اساس نتایج، مهم‌ترین آرزوی جوانان،

آرزوهای مربوط به حوزه خانواده بوده است. آرزوهای سلامتی محور، منزلت محور (پرستیژ محور)، بدنی - ظاهری و آرزوهای شغلی نیز در رتبه‌های بعدی از نظر میزان اهمیت قرار گرفته‌اند. از طرف دیگر، آرزوهای با موضوع سیاسی با اختلاف محسوسی کمترین اهمیت را در میان جوانان داشته است. همچنین آرزوهای با عناوین کسب «شهرت شخصیت علمی و فرهنگی»، «ورزشکار مشهور شدن» و «فراملی شدن» در رتبه‌های بعدی کم اهمیت‌ترین آرزوهای جوانان قرار گرفته‌اند.

جدول ۲: مقایسه طبقات آرزوها بر اساس میانگین (آزمون فریدمن)

ردیف	طبقه بندی آرزوها به ترتیب میانگین	میانگین	تعداد	انحراف استاندارد	خی دو	سطح معناداری
۱	آرزوهای خانواده محور	۹/۰۷	۲۶۷۳	۱/۷۶	۱۰۳۱۸/۰۸۶	۰/۰۰۰
۲	آرزوهای سلامتی محور	۸/۸۸	۲۶۵۹	۱/۷۵		
۳	آرزوهای منزلت محور و پرستیژ محور	۸/۷۹	۲۶۵۶	۱/۷۵		
۴	آرزوهای بدنی ظاهری	۸/۶۳	۲۶۶۸	۱/۹۰		
۵	آرزوهای شغلی	۸/۵۱	۲۶۷۵	۱/۹۵		
۶	آرزوهای تحصیلی و علمی	۸/۴۶	۲۶۸۵	۱/۸۹		
۷	آرزوهای نوع دوستانه و صلح طلبانه	۸/۴۰	۲۶۶۵	۱/۹۹		
۸	آرزوهای ثروتمند شدن	۸/۳۲	۲۶۷۱	۲/۱۲		
۹	آرزوهای تفریحی سفری	۸/۱۹	۲۶۶۶	۱/۹۸		
۱۰	آرزوهای ایران محور (ایران دوستانه)	۸/۱۰	۲۶۷۳	۲/۲۰		
۱۱	آرزوهای معنوی روحانی	۸/۰۴	۲۶۸۱	۲/۰۰		
۱۲	آرزوهای غذا محور	۸/۹۶	۲۶۵۳	۲/۱۹		
۱۳	آرزوهای استقلال طلبانه	۷/۹۰	۲۶۶۱	۲/۱۵		
۱۴	آرزوهای دیجیتال و تکنولوژیک	۷/۶۰	۲۶۷۳	۲/۳۳		
۱۵	آرزوهای فراملی شدن	۷/۳۱	۲۶۷۳	۲/۱۹		
۱۶	آرزوهای ورزشکار مشهور شدن	۶/۳۱	۲۶۷۴	۲/۷۱		
۱۷	آرزوهای شهرت شخصیت دینی، علمی و فرهنگی	۵/۸۶	۲۶۷۱	۲/۵۵		
۱۸	آرزوهای سیاسی	۴/۹۴	۲۶۶۵	۳/۲۱		

در این مطالعه، جهت ارائه فهم بهتری از آرزوها، علاوه بر مقایسه طبقه‌ای آرزوها، اهمیت آرزوها به صورت منفرد نیز مورد بررسی قرار گرفته است (هفتاد و دو گویه آرزو به صورت مجزا). جدول ۳ نتایج مربوط به

آزمون فریدمن را نشان می‌دهد که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار گزارش شده است. در این جدول، بیست آرزوی مهم جوانان به ترتیب فهرست شده است. بر اساس نتایج این آزمون، مهم‌ترین آرزوی جوانان یزد، «داشتن همسر با اخلاق، وفادار و مهربان» بوده است. هم‌چنین آرزوی «داشتن روح و جسمی سالم در پیری»، «برخورداري از سلامت روحی و روانی»، «داشتن اعتبار بالا در فامیل و خانواده» و «ظهور امام زمان (عج)» آرزوهای مهم بعدی جوانان بوده‌اند.

جدول ۳: مهم‌ترین آرزوهای دانش‌آموزان یزد (آزمون فریدمن)

ردیف	عنوان آرزو به ترتیب میانگین	میانگین	تعداد	انحراف استاندارد	خی‌دو	سطح معناداری
۱	داشتن همسر با اخلاق، وفادار و مهربان	۹/۲۶	۲۶۵۰	۱/۸۹	۲۱۰۶۸/۳۲	۰/۰۰۰
۲	داشتن روح و جسمی سالم در پیری	۹/۱۳	۲۶۱۹	۱/۹۰		
۳	برخورداري از سلامت روحی و روانی	۹/۰۹	۲۶۱۲	۱/۹۹		
۴	داشتن اعتبار بالا در فامیل و خانواده	۹/۰۵	۲۶۲۲	۱/۸۶		
۵	ظهور امام زمان	۸/۹۹	۲۶۵۳	۲/۱۸		
۶	داشتن شغل پردرآمد	۸/۹۸	۲۶۶۳	۱/۹۱		
۷	پذیرش در دانشگاه‌ها و رشته‌های مطرح کشور	۸/۹۱	۲۶۷۳	۲/۰۵		
۸	داشتن همسری زیبا و خوش‌رو	۸/۹۱	۲۶۲۵	۲/۰۸		
۹	رسیدن به عشق و آرامش	۸/۹۱	۲۶۴۲	۲/۱۳		
۱۰	داشتن پوششی شیک	۸/۸۶	۲۶۴۳	۲/۰۸		
۱۱	ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر	۸/۸۳	۲۶۴۹	۲/۰۸		
۱۲	کسب رتبه‌های برتر تحصیلی	۸/۸۱	۲۶۷۵	۲/۱۹		
۱۳	نداشتن هرگونه بیماری، معلولیت و ...	۸/۸۰	۲۶۴۰	۲/۴۸		
۱۴	داشتن بدنی خوش‌فرم و اندامی	۸/۷۹	۲۶۴۲	۲/۱۱		
۱۵	داشتن اعتبار و منزلت بالا در محله	۸/۷۸	۲۶۲۱	۲/۰۷		
۱۶	برخورداري از جایگاه و منزلت بالا در اجتماع	۸/۷۰	۲۶۰۹	۲/۰۹		
۱۷	داشتن اعتبار و پرستیژ نزد دوستان	۸/۶۸	۲۶۲۰	۲/۱۹		
۱۸	ثروتمند شدن	۸/۶۳	۲۶۳۸	۲/۲۲		
۱۹	داشتن بدنی قوی و ورزیده در جوانی	۸/۶۰	۲۶۲۴	۲/۲۷		
۲۰	سفر به تمام نقاط ایران	۸/۵۸	۲۶۳۹	۲/۳۶		

یکی دیگر از اهداف این مطالعه، پاسخ به این سؤال بود که آیا بین آرزوهای جوانان بر حسب جنسیت آنان تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، آیا دختران و پسران به صورت معناداری اهمیت متفاوتی برای آرزوهایشان قائل اند؟ جهت پاسخ به این سؤال، از آزمون تفاوت میانگین استفاده گردید که نتایج این مطالعه نشان داد که تفاوت معناداری میان اهمیت آرزوها بر حسب جنسیت جوانان برقرار است و به این ترتیب فرضیه تحقیق تأیید شد. این رابطه معنی‌دار در مورد طبقات بسیاری از آرزوها نیز صادق بوده است (جدول ۴). بر اساس نتایج، اهمیت اغلب آرزوها در میان دختران و پسران به صورت معناداری متفاوت بوده است؛ این آرزوها عبارت‌اند از: آرزوهای تحصیلی- علمی، آرزوهای شغلی، آرزوهای خانواده محور، آرزوهای ایران محور (ایران دوستانه)، آرزوهای معنوی- روحانی، آرزوهای نوع دوستانه- صلح طلبانه، آرزوهای بدنی ظاهری، آرزوهای تفریحی- سفری، آرزوهای استقلال طلبانه، آرزوهای سلامتی محور، آرزوهای منزلت محور- پرستیژ محور و آرزوهای غذا محور. همچنین نتایج نشان داد که در خصوص تمامی این آرزوها، میانگین اهمیتی که دختران برای آن طبقه آرزو قائل شده‌اند، بیشتر بوده است (طبقات آرزوهای غیر معنی‌دار حذف شده‌اند).

جدول ۴: آزمون تفاوت معناداری آرزوهای دانش‌آموزان بر حسب جنسیت

متغیر وابسته	بعد متغیر وابسته	جنسیت	میانگین	انحراف استاندارد	t	سطح معناداری
آرزوهای جوانان	کل آرزوها	مرد	۷/۶۹	۱/۴۲	-۳/۶۵	۰/۰۰۰
		زن	۷/۸۸	۱/۲۱		
	آرزوهای تحصیلی و علمی	مرد	۸/۲۱	۲/۱۱	-۶/۳۰	۰/۰۰۰
		زن	۸/۶۷	۱/۶۶		
	آرزوهای شغلی	مرد	۸/۴۱	۱/۹۸	-۲/۳۴	۰/۰۱۷
		زن	۸/۵۹	۱/۹۲		
	آرزوهای خانواده محور	مرد	۸/۸۹	۱/۹۵	-۴/۸۶	۰/۰۰۰
		زن	۹/۲۲	۱/۵۶		
	آرزوهای ایران محور (ایران دوستانه)	مرد	۷/۹۶	۲/۳۱	-۳/۰۸	۰/۰۰۰
		زن	۸/۲۲	۲/۱۰		
	آرزوهای معنوی روحانی	مرد	۷/۸۹	۲/۰۹	-۳/۴۶	۰/۰۰۱
		زن	۸/۱۶	۱/۹۲		
	آرزوهای نوع دوستانه و صلح طلبانه	مرد	۸/۲۰	۲/۱۶	-۴/۵۹	۰/۰۰۰
		زن	۸/۵۶	۱/۸۲		
	آرزوهای بدنی ظاهری	مرد	۸/۳۱	۲/۰۷	-۷/۸۰	۰/۰۰۰
		زن	۸/۸۸	۱/۷۰		

متغیر وابسته	بعد متغیر وابسته	جنسیت	میانگین	انحراف استاندارد	t	سطح معناداری
آرزوهای جوانان	آرزوهای تفریحی سفری	مرد	۷/۹۶	۲/۱۰	-۵/۴۲	۰/۰۰۰
		زن	۸/۳۸	۱/۸۶		
	آرزوهای استقلال طلبانه	مرد	۷/۵۳	۲/۳۶	-۸/۱۰	۰/۰۰۰
		زن	۸/۲۱	۱/۹۱		
	آرزوهای سلامتی محور	مرد	۸/۷۷	۱/۸۵	-۲/۷۸	۰/۰۰۰
		زن	۸/۹۶	۱/۶۵		
	آرزوهای منزلت محور و پرستیژ محور	مرد	۸/۶۰	۱/۸۹	-۵/۱۸	۰/۰۰۰
		زن	۸/۹۵	۱/۶۰		
	آرزوهای غذا محور	مرد	۷/۷۷	۲/۳۹	-۴/۰۱	۰/۰۰۰
		زن	۸/۱۲	۲/۰۱		

همچنین جهت پاسخ به این سؤال که آیا میان آرزوهای جوانان برحسب رشته تحصیلی تفاوت معناداری وجود دارد، از آزمون تفاوت میانگین استفاده شد که نتایج این آزمون در جدول ۵ نمایش داده شده است. بر اساس نتایج، به صورت کلی بین اهمیت آرزوها برحسب رشته تحصیلی رابطه معناداری برقرار نبوده، اما در بسیاری از طبقات آرزوها این رابطه معنادار بوده است. بر این اساس، میان میزان اهمیت آرزوهای تحصیلی - علمی، آرزوهای ایران محور (ایران دوستانه)، آرزوهای فراملی شدن، آرزوهای دیجیتال-تکنولوژیک، آرزوهای شهرت شخصیت علمی و فرهنگی، آرزوهای سیاسی، آرزوهای سلامتی محور، آرزوهای منزلت محور-پرستیژ محور برحسب رشته‌های تحصیلی جوانان تفاوت معناداری وجود داشته است- طبقات آرزوهای غیرمعنی دار حذف شده‌اند.

بر اساس نتایج این مطالعه، برای جوانان با رشته‌های علوم تجربی و ریاضی فیزیک بیش از دو رشته دیگر، آرزوهای تحصیلی - علمی اهمیت داشته است، درحالی که رشته علوم انسانی کمتر از دیگر رشته‌ها برای آرزوهای تحصیلی - علمی اهمیت قائل بوده‌اند. همچنین رشته‌های ریاضی فیزیک بیشتر و تجربی کمتر از دیگر رشته‌ها برای آرزوهای ایران محور (ایران دوستانه) اهمیت قائل بوده‌اند. از طرف دیگر، میزان اهمیت آرزوهای فراملی شدن برای رشته علوم تجربی بیش از رشته‌های دیگر بوده، درحالی که رشته‌های انسانی به نسبت دیگر رشته‌ها اهمیت کمتری برای آن قائل شده‌اند. به علاوه، از نظر میزان اهمیت آرزوهای دیجیتال-تکنولوژیک، هنرستانی‌ها بالاترین و علوم انسانی‌ها کمترین میانگین را به خود اختصاص داده‌اند. باین حال، در زمینه آرزوی شهرت شخصیت علمی - فرهنگی، علوم انسانی‌ها بیشترین و علوم تجربی‌ها کمترین میزان اهمیت را قائل بوده‌اند. آرزوهای سیاسی مجدداً برای علوم انسانی‌ها بیشترین میزان اهمیت را داشته، درحالی که هنرستانی‌ها کمتر از دیگر گروه‌ها به آن اهمیت داده‌اند. ریاضی فیزیکی‌ها، بیش از همه به آرزوهای سلامتی - محور اهمیت داده‌اند، درحالی که علوم انسانی‌ها کمتر از دیگر گروه‌ها به این آرزو اهمیت داده‌اند. همچنین با

اندکی اختلاف، ریاضی فیزیکی‌ها و علوم تجربی‌ها بیش از دیگر رشته‌ها به آرزوهای منزلت محور-پرستیژ محور اهمیت داده‌اند، درحالی‌که علوم انسانی کمتر از دیگر گروه‌ها برای این آرزو اهمیت قائل بوده‌اند.

جدول ۵: آزمون تفاوت معناداری آرزوهای دانش‌آموزان برحسب رشته تحصیلی

متغیر وابسته	بعد متغیر وابسته	نوع گروه	میانگین	انحراف استاندارد	F	سطح معناداری
آرزوهای جوانان	آرزوها	علوم انسانی	۷/۷۸	۱/۴۰	۰/۳۲۵	۰/۸۰۸
		علوم تجربی	۷/۸۲	۱/۳۰		
		ریاضی فیزیک	۷/۷۸	۱/۲۱		
		هنرستان	۷/۸۶	۱/۱۰		
	آرزوهای تحصیلی و علمی	علوم انسانی	۸/۱۶	۲/۰۱	۱۸/۴۷۵	۰/۰۰۰
		علوم تجربی	۸/۷۲	۱/۸۲		
		ریاضی فیزیک	۸/۷۵	۱/۶۴		
		هنرستان	۸/۴۷	۱/۷۶		
	آرزوهای ایران محور (ایران دوستانه)	علوم انسانی	۸/۱۲	۲/۱۶	۵/۳۳۶	۰/۰۰۱
		علوم تجربی	۷/۸۹	۲/۴۰		
		ریاضی فیزیک	۸/۴۰	۲/۰۱		
		هنرستان	۸/۱۳	۱/۹۹		
	آرزوهای فراملی شدن	علوم انسانی	۷/۰۸	۲/۲۵	۷/۳۷۸	۰/۰۰۰
		علوم تجربی	۷/۵۲	۲/۲۰		
		ریاضی فیزیک	۷/۴۲	۲/۰۶		
		هنرستان	۷/۴۶	۲/۱۲		
	آرزوهای دیجیتال و تکنولوژیک	علوم انسانی	۷/۳۹	۲/۴۳	۶/۵۱۱	۰/۰۰۰
		علوم تجربی	۷/۶۷	۲/۳۶		
		ریاضی فیزیک	۷/۸۲	۲/۱۹		
		هنرستان	۷/۹۶	۱/۱۹		

متغیر وابسته	بعد متغیر وابسته	نوع گروه	میانگین	انحراف استاندارد	F	سطح معناداری
آرزوهای جوانان	آرزوهای شهرت شخصیت علمی و فرهنگی	علوم انسانی	۶/۲۱	۲/۵۴	۱۵/۵۹۳	۰/۰۰۰
		علوم تجربی	۵/۷۲	۲/۶۴		
		ریاضی فیزیک	۵/۳۰	۲/۳۲		
		هنرستان	۵/۸۰	۲/۴۱		
	آرزوهای سیاسی	علوم انسانی	۵/۲۸	۳/۲۰	۸/۱۰۹	۰/۰۰۰
		علوم تجربی	۴/۷۹	۳/۲۵		
		ریاضی فیزیک	۴/۶۳	۳/۱۸		
		هنرستان	۴/۴۶	۲/۹۸		
	آرزوهای سلامتی محور	علوم انسانی	۸/۷۰	۱/۹۴	۸/۵۲۷	۰/۰۰۰
		علوم تجربی	۸/۹۷	۱/۶۸		
		ریاضی فیزیک	۹/۱۴	۱/۳۵		
		هنرستان	۸/۹۰	۱/۶۲		
	آرزوهای منزلت محور و پرستیژ محور	علوم انسانی	۸/۶۷	۱/۸۸	۳/۸۳۴	۰/۰۰۹
		علوم تجربی	۸/۹۱	۱/۶۹		
		ریاضی فیزیک	۸/۹۲	۱/۵۲		
		هنرستان	۸/۷۴	۱/۶۳		

جهت سنجش رابطه بین سن جوانان با میزان اهمیت آرزوها برای ایشان، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد (جدول ۶). بر اساس نتایج، این دو متغیر به صورت معکوسی با یکدیگر رابطه معناداری داشتند و بنابراین فرضیه تحقیق تایید شد. با این حال شدت این رابطه ضعیف گزارش شده است. به عبارت دیگر، با افزایش سن به صورت معناداری از میزان اهمیت آرزوها کاسته می شود.

جدول ۶: همبستگی میان سن و اهمیت دانش آموزان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	همبستگی پیرسون	سطح معناداری
سن	میزان اهمیت آرزوها	-۰/۰۷	۰/۰۰۱

بحث و نتیجه‌گیری

در این مطالعه تلاش شد تا ضمن تأکید بر وجوه مختلف اهمیت آرزوها، با انجام پیمایشی گسترده در سطح شهر یزد به عنوان یکی از قدیمی‌ترین شهرهای ایران که دارای مختصات فرهنگی مذهبی خاص خود است، به‌صورت اکتشافی اطلاعاتی درباره آرزوهای جوانان و همچنین متغیرهای ساختاری جمعیتی مؤثر بر آن به دست آوریم. در کنار آن، تلاش شد تا به‌صورت نظری و تجربی نیز مروری بر ادبیات تحقیق انجام شود و با ارائه طبقه‌بندی از آرزوها، بنیانی برای تحقیقات بعدی در این زمینه که مغفول مانده به دست آید.

نتایج این مطالعه نشان داد که مهم‌ترین آرزوهای جوانان یزد حول موضوعاتی هم چون: خانواده، سلامتی، منزلت، ظاهر و شغل شکل گرفته است. این موارد نشان‌دهنده مهم‌ترین مواردی است که جوانان در یزد آرزو دارند به آن‌ها برسند. اهمیت آرزوهای مربوط به خانواده، هم می‌تواند نشان‌دهنده ارزش‌های حاکم بر آرزوهای جوانان یزدی قلمداد شود و هم می‌تواند نشانی از دغدغه‌مندی این روزه‌های جوانان در این حوزه باشد. نکته قابل توجه این است که داشتن اندام و ظاهر زیبای از میان هجده طبقه آرزو، رتبه چهارم را کسب کرده که نشان می‌دهد در شهری همانند یزد با مشخصات فرهنگی خاص خود، داشتن بدنی زیبا یکی از دغدغه‌های جوانان است - موضوعی که در شهرهای با فرهنگ نامنسجم‌تر و مدرن‌تری مانند تهران، شیراز و ... نیز به چشم می‌خورد. اهمیت بالای آرزوهای شغلی و منزلتی نشان می‌دهد که نیاز است برای این موارد در آینده برنامه‌ریزی انجام شود، چراکه بر اساس میزان اهمیت آن‌ها و همچنین مشروعیت فرهنگی این آرزوها، نرسیدن به آن‌ها جامعه را با خطر افزایش انحرافات اجتماعی مواجه می‌سازد. بررسی آرزوها به‌صورت منفرد نیز با نتایج مشابهی همراه بود؛ به این معنا که داشتن همسر با اخلاق، وفادار و مهربان و روح و جسم سالم در صدر مهم‌ترین آرزوی جوانان یزدی قرار گرفته است. نکته دیگر آن که ظهور امام زمان (عج) نیز به عنوان پنجمین آرزوی جوانان یزدی گزارش شده که نشان می‌دهد مسائل دینی و مذهبی در ذهن جوانان یزدی نقش مهمی ایفا می‌نماید.

همچنین بر اساس نتایج این مطالعه، آرزوهای سیاسی با اختلاف محسوسی نسبت به دیگر موارد، کم‌اهمیت‌ترین طبقه آرزو گزارش شده است. به معنای دیگر، جوانان یزدی خیلی کمتر از دیگر آرزوها، آرزوی کسب مناصب سیاسی نظیر نماینده مجلس، رئیس‌جمهور و مدیر ارشد دولتی را در سر دارند. این موضوع می‌تواند به‌مثابه نوعی زنگ خطر قلمداد شود، چراکه اگر آرزوها را به عنوان اهداف پایدار ذهنی یک جامعه تلقی کنیم، بی‌اهمیت بودن آرزوهای سیاسی، به معنی عدم تمایل و یا قطع امید جوانان از امکان دستیابی به مناصب سیاسی خواهد بود. سپهر آینده سیاسی کشور در راستای پویایی و توسعه، نیازمند ایجاد میل و اشتیاق در جوانان جهت کسب مناصب سیاسی است. این موضوع می‌تواند در تحقیقات آینده با بررسی امکان‌های فضاهای سیاسی برای مشارکت جوانان مورد واکاوی قرار گیرد. اما بر اساس تحلیل مرتون، بی‌اهمیتی آرزوهای سیاسی می‌تواند در آینده خود را به شکل انزوای سیاسی نمودار سازد (۱۹۳۸).

همچنین در این مطالعه نقش متغیرهای جنسیت، رشته تحصیلی و سن جوانان نیز مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که برخلاف تحقیقات قبلی (ارلیچمن و آیچنستاین، ۱۹۹۲: ۴۰۰) آرزوهای جوانان برحسب جنسیتشان متفاوت بوده است. همان‌طور که گفته شد، آرزوها در خلأ شکل نمی‌گیرند، بلکه پدیده‌های تاریخ‌مند و حاصل روابط اجتماعی هستند (هارت، ۲۰۱۶: ۳۲۶). جنسیت به‌عنوان یکی از موارد مهم ساختاری،

نمایانگر قرار گرفتن فرد در نوع خاصی از روابط است که می‌تواند بر آرزوهای فرد مؤثر باشد. نکته قابل توجه این است که به صورت کلی اهمیت آرزوها برای دختران بیشتر بوده است. شاید بتوان گفت که محدودیت‌های ساختاری در زندگی واقعی زنان، اهمیت آرزوها را برای آنان بیش از مردان کرده است؛ چنان که این تفاوت‌ها در مواردی مانند آرزوهای شغلی و تحصیلی محسوس‌تر بوده است.

همچنین نتایج این مطالعه نشان داد، با افزایش سن جوانان از میزان اهمیت آرزوها کاسته می‌شود. جوانان با افزایش سن بیشتر با واقعیت‌های اجتماعی و محدودیت‌های زندگی واقعی روبرو شده و احتمالاً به همین دلیل اهمیت آرزوها به مثابه مفهومی که کمتر درگیر محدودیت‌هاست، کم‌رنگ‌تر می‌گردد. علاوه بر این، جوانان احتمالاً با افزایش سن، دیدگاه واقع‌گرایانه‌تری نسبت به آرزوها پیدا کرده (کینگ و برویلز، ۱۰۰۷: ۵۰) و یا آرزوها به شکل سرکوب‌شده‌ای در قسمت ناخودآگاه جای می‌گیرند (اختر، ۱۹۹۹: ۱۱۸). همچنین بر اساس نتایج، اگرچه به صورت کلی میزان اهمیت آرزوها، بر اساس رشته تحصیلی جوانان تفاوت معناداری نداشته است، اما در بسیاری از طبقات آرزوها این تفاوت معنادار بوده است. در این موارد، رابطه این دو متغیر می‌تواند دوسویه باشد. درواقع آرزوهای جوانان خود را در رشته تحصیلی بازنمایی می‌کند و یا رشته تحصیلی جوانان تعیین‌کننده آرزوی آن‌هاست. به عنوان مثال، جوانانی با رشته ریاضی فیزیک و علوم تجربی، بیشتر به آرزوهایی با محتوای تحصیلی و علمی و یا منزلت محور اهمیت می‌دهند، درحالی که دانش‌آموزان علوم انسانی بیشتر به آرزوهای سیاسی اهمیت می‌دهند. در واقع، آرزوهای جوانان خود را در شکل انتخاب رشته تحصیلی متبلور کرده و این جوانان برای تحقق آرزوهایشان این رشته‌های تحصیلی را انتخاب کرده‌اند. به عبارت دیگر، آرزوها و اهداف منطبق شده‌اند. این امر با نتایج مطالعات قبلی نیز هم‌خوانی دارد (چیو و نویوس، ۱۹۹۰: ۱۳۳). به عنوان نتیجه گیری می‌توان گفت:

۱. هرچند ارزش‌ها و هنجارهای جامعه و به تبع آن آرزوهای افراد تغییری شتابان به خود گرفته‌اند، اما ابزارها و روش‌های برنامه‌ریزی و مدیریت فرهنگی تقریباً یکسان مانده‌اند.
۲. هویت اجتماعی افراد از ارزش‌های اجتماعی آنها نشأت می‌گیرد و به دلیل پویایی ارزش‌های اجتماعی و تغییر شتابان و مداوم آنها هویت افراد جامعه به ویژه جوانان، هویتی سیال و چندپاره شده است. در این میان سیالیت آرزوهای جوانان بیشتر خواهد شد.
۳. بسیاری از آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و برنامه‌های فرهنگی اجتماعی، هویت چندپاره فرهنگی جوانان را نادیده می‌گیرند و تقریباً آن را هویتی یکسان و غیرقابل تغییر می‌دانند و برنامه‌ریزی‌ها بر این اساس شکل و ساختار می‌یابد. در واقع تنها نگاه قیاسی بر فرایند برنامه‌ریزی حکمفرماست و توجه به فرایند استقرایی برنامه‌ریزی و دیالکتیک بین آنها فراموش شده است.

با توجه به این نکات و بر اساس یافته‌های اصلی پژوهش می‌توان پیشنهادات زیر را ارائه داد:

۱. اولویت آرزوهای نوجوانان نشان می‌دهد که آنها آرزوهای خود را نه بر اساس تبلیغات رسانه‌های رسمی یا اولویت‌های مختلف نهادی بلکه بر اساس اولویت‌های شخصی‌شان برمی‌گزینند. اولویت‌های آرزوهای آنان نشان می‌دهد آنها به دنبال دنیایی متفاوت‌تر از دنیای سیاست‌گذاری رسمی می‌روند. به همین دلیل لازم است در برنامه‌های صورت گرفته آرزوهای جوانان دیده و شنیده شود.

۲. در تمامی ابعاد آرزوهای جوانان در پژوهش حاضر آرزوهای دختران پرننگ‌تر و با میانگین بالاتری بوده است. این وضعیت می‌تواند تبیین‌های متفاوتی را داشته باشد. از جمله آنها می‌توان عدم برآورده شدن بیشتر رویاهای دختران را در دنیای واقعی دانست. این مسئله می‌تواند به برنامه‌ریزان اجتماعی گوشزد کند که دسترسی دختران به سیاست‌های عادلانه و منصفانه را بیشتر کنند.

۳. دسته‌بندی آرزوها نشان می‌دهد دانش‌آموزانی که در رشته‌های انسانی تحصیل می‌کنند، گرایش بیشتری به آرزوهایی که به توسعه ملی و ایران‌دوستی مربوط می‌شوند دارند و در مقابل دانش‌آموزان دیگر رشته‌ها میانگین کمتری در این زمینه دارند. به همین دلیل پیشنهاد می‌شود که تبلیغات رسمی و عمومی برای تحصیل در این رشته بیشتر و بهتر شود و از تاکید صرف بر رشته‌های تجربی و ریاضی کاسته گردد.

منابع

- ابراهیمی، اختر؛ مجد تیموری، محمد؛ بیرشک، بهروز و کمالی، پرویز. (۱۳۷۲). «نقش گروه همسال جوانان در تصمیم گیری جوان در شهر تهران». نشریه پرستاری ایران. جلد ۷، شماره ۶، صص: ۵۳-۴۷.
- ازکیا، مصطفی. (۱۳۸۲). روش‌های کاربردی تحقیق. تهران: انتشارات کیهان
- اکبرزاده، نسرین. (۱۳۷۴). «بررسی تأثیر شرایط اجتماعی-اقتصادی ایران در دهه ۷۱-۱۳۶۱ بر آرزوهای نوجوانان سال چهارم دبیرستان تهران». علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س). شماره ۱۳ و ۱۴، صص ۲۹-۴۵.
- سیمبر، معصومه؛ علیزاده، شیوا؛ حاجی‌فقه، محبوبه و گل‌عذار، سمیرا. (۱۳۹۵) «مروری بر نیازهای آموزشی بهداشت باروری و جنسی جوانان ایرانی». مجله دانشکده پزشکی اصفهان. دوره ۳۴، شماره ۴۱۲، صص: ۱۵۷۲-۱۵۶۳.
- فیضی، ایرج؛ نایی، هوشنگ و معیدفر، سعید. (۱۳۹۷). «آرزوهای آنومیک جوانان و پیامدهای آن». نشریه مسائل اجتماعی ایران. سال نهم، شماره ۲، صص ۱۷۷-۲۰۷.
- گودرزی، محسن. (۱۳۸۷). «گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی ایرانیان». دفتر طرح‌های ملی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- Akhtar, S. (1999). "The distinction between needs and wishes: Implications for psychoanalytic theory and technique". Journal of the American Psychoanalytic Association, 47(1), 113-151.
- Boyd, J. P., Steiner, M. J., Skinner, A. C., Coyne-Beasley, T., & Perrin, E. M. (2015). "World peace, to be a millionaire, and hoop dreams adolescent wishes on health screening surveys". North Carolina medical journal, 76(1), 9-12.
- Brenner, C. (1982). **The mind in conflict**. New York: International Universities Press
- Buijzen, M., & Valkenburg, P. M. (2000). "The impact of television advertising on children's Christmas wishes". Journal of Broadcasting & Electronic Media, 44(3), 456-470.
- Crimmins, E. M., Easterlin, R. A., & Saito, Y. (1991). "Preference changes among American youth: Family, work, and goods aspirations, 1976-86". The Population and Development Review, 115-133.
- Carmines, E. G., & Zeller, R. A. (1979). **Reliability and validity assessment**. Sage publications
- Chiu, J. P. P., & Nevius, J. R. (1990). "Three wishes of gifted and nongifted adolescents". The Journal of genetic psychology, 151(2), 133-138.
- Clausen, J. A. (Ed.). (1968). **Socialization and society**. Little Brown
- Ehrlichman, H., & Eichenstein, R. (1992). "Private wishes: Gender similarities and differences". Sex Roles, 26(9-10), 399-422.
- Easterlin, R. A. (1978). "The economics and sociology of fertility: A synthesis". Historical studies of changing fertility, 57-133.

- Folger, R. (1986). **Rethinking equity theory**. In *Justice in social relations* (pp. 145-162). Springer, Boston, MA.
- Freud, S. (1962). **The aetiology of hysteria**. In *The Standard Edition of the Complete Psychological Works of Sigmund Freud, Volume III (1893-1899): Early Psycho-Analytic Publications* (pp. 187-221).
- Freake, H., Barley, V., & Kent, G. (2007). **“Adolescents’ views of helping professionals: A review of the literature”**. Journal of adolescence, 30(4), 639-653.
- Hart, C. S. (2016). **“How do aspirations matter?”**. Journal of Human Development and Capabilities, 17(3), 324-341.
- Lesthaeghe, R., & Surkyn, J. (1988). **“Cultural dynamics and economic theories of fertility change”**. Population and development review, 1-45.
- King, L. A. (1995). **“Wishes, motives, goals, and personal memories: Relations of measures of human motivation”**. Journal of personality, 63(4), 985-1007.
- King, L. A., & Broyles, S. J. (1997). **“Wishes, gender, personality, and well-being”**. Journal of personality, 65(1), 49-76.
- Merton, R. K. (1938). **“Social structure and anomie”**. American sociological review, 3(5), 672-682.
- Peters, R. S. (1960). **The concept of motivation (2nd ed.)**. New York: Humanities Press
- Ray, D. (2003). **Aspirations, Poverty and Economic Change**. New York: New York University and Instituto de Analisis Economico (CSIC).
- Richards Jr, J. M. (1966). **“Life goals of American college freshmen”**. Journal of Counseling Psychology, 13(1), 12.
- Tepperman, L., Albanese, P., & Curtis, J. E. (Eds.). (2009). **Principles of sociology: Canadian Perspectives**. Oxford University Press
- Thomas, W. I. (1923). **“The unadjusted girl: With cases and standpoint for behavior analysis”**. Criminal Science Monographs, 1-257.
- Whitbeck, L. B. (1999). **“Primary socialization theory: It all begins with the family”**. Substance use & misuse, 34(7), 1025-1032.

سنجش سلامت اجتماعی و برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز)

کریم رضادوست^۱
 علی حسین حسین زاده^۲
 ایوب رستمی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱/۱۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۲/۲۸

هدف این پژوهش، سنجش سلامت اجتماعی و برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر آن می باشد. چارچوب نظری این پژوهش بر اساس نظریه های کیز، بودریار، لایکوک، برکمن، رز و وو می باشد. روش انجام این پژوهش کمی و از نوع پیمایشی است. جامعه آماری آن شامل کلیه دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز می باشد. حجم نمونه مورد مطالعه بر اساس فرمول کوکران ۳۷۴ نفر به صورت نمونه گیری طبقه ای متناسب با حجم در نظر گرفته شده است. یافته های این پژوهش نشان داد که میانگین سلامت اجتماعی دانشجویان، (۱۰۰/۴۴) که این میزان نشان می دهد که میانگین سلامت آن ها در سطح متوسطی می باشد. همچنین یافته ها نشان می دهد که بین متغیرهای حمایت اجتماعی ادراک شده، رسانه های جمعی، رشته تحصیلی و جنس با سلامت اجتماعی ارتباط معناداری وجود دارد. همچنین، بین متغیر سن با سلامت اجتماعی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد، اما بین متغیرهای عضویت در شبکه های اجتماعی و قومیت با متغیر وابسته سلامت اجتماعی ارتباط معناداری مشاهده نشده است. نتایج حاصل از رگرسیون چند متغیره نشان داد که سه متغیر (حمایت های اجتماعی ادراک شده، رسانه های جمعی و سن) در مجموع ۱۰/۳ درصد از تغییرات مربوط به سلامت اجتماعی را تبیین می کنند.

واژگان کلیدی: سلامت اجتماعی، حمایت اجتماعی، شبکه های اجتماعی و دانشجویان

مقدمه

سلامت، یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار و بخش لاینفک شکوفایی و ارتقای کیفیت زندگی است. به عبارتی، حفظ و ارتقای سلامت، پیش‌نیاز حرکت در راستای برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی است (گنجی، ۱۳۸۳: ۳۷۵). رویکردهای انسان‌محور توسعه، برای سلامت ارزش فراوان قائل‌اند و اعتقاد دارند تا سلامت نباشد افراد، خانواده‌ها و جوامع و ملت‌ها نمی‌توانند امیدی برای دست یافتن به اهداف اجتماعی و اقتصادی داشته باشند. آشفته‌گی‌های اجتماعی بدون تردید برای بسیاری از افراد قابل مشاهده است، شرایط آن نیز قوی به نظر می‌رسد و لذا با توجه به شرایط به‌مجرد آن‌که همچنان قوی و رو به افزایش می‌باشد قابل پیش‌بینی است که در صورت عدم انجام اقدامات ریشه‌ای، روند آشفته‌گی‌های اجتماعی نیز، رو به افزایش خواهد بود و در صورتی که وضع بدتر از این گردد وضعیتی را که امروز از آن می‌نالیم در آینده آرزو خواهیم کرد (رفیع پور، ۱۳۸۷: ۲۵). برخورداری از سلامت اجتماعی^۱ یعنی تأمین و حفظ سلامت روانی، فردی و اجتماعی به‌طوری که فرد بتواند فعالیت‌های روزمره خود را به‌خوبی انجام دهد، با افراد خانواده و محیط خود ارتباط مناسب برقرار نماید و رفتار نامناسب از نظر فرهنگ و جامعه خود نداشته باشد (صالح، ۱۳۸۸: ۱۰).

سلامت اجتماعی، مفهومی انتزاعی است که ارزیابی نسبی از روابط انسان با خود، جامعه و ارزش‌ها می‌باشد و نمی‌توان آن را جدای از سایر پدیده‌های چندعاملی فهمید. سلامت اجتماعی، شیوه سازگاری آدمی با دنیاست. انسان‌هایی که مؤثر، شاد و راضی هستند و گرایش به شادی و نشاط را حفظ می‌کنند، از سلامت اجتماعی بالاتری برخوردارند. سلامت اجتماعی، ظرفیت رشد و نمو شخصی می‌باشد و موضوعی مربوط به پختگی اجتماعی است. سلامت اجتماعی موجب هماهنگی میان ارزش‌ها، علایق و نگرش‌ها در حوزه عمل افراد در جامعه و در نتیجه برنامه‌ریزی واقع‌بینانه برای زندگی و تحقق هدفمند مفاهیم زندگی است (شربتیان، ۱۳۹۴: ۱۴). بنابراین درواقع سلامت اجتماعی بخشی از سلامت فرد است که در عرصه اجتماع به ظهور می‌رسد. «زمانی شخص را واجد سلامت اجتماعی می‌شماریم که بتواند فعالیت‌ها و نقش‌های اجتماعی خود را در حد متعارف بروز و ظهور دهد و با جامعه و هنجارهای اجتماعی احساس پیوند و اتصال کند» (سام آرام، ۱۳۸۸: ۲۴).

سازمان جهانی بهداشت^۲ در تعریفی، سلامت را به‌عنوان حالتی از رفاه کامل جسمی، روانی و اجتماعی، نه صرفاً فقدان بیماری، تعریف می‌کند (سازمان جهانی بهداشت، ۱۹۷۹). با توجه به تعاریف فوق از سلامتی، می‌توان بیان کرد که سلامت اجتماعی، بخشی از سلامت فرد است که در عرصه اجتماع به ظهور می‌رسد. حتی می‌توان گفت از جهاتی بسیار مؤثرتر از سلامت فردی است، زیرا بسیاری از بیماری‌ها و عوارضی که سلامت فرد را به خطر می‌اندازند واگیردار نیستند و آثار محدودی دارند، ولی عوارضی که سلامت اجتماعی فرد را تهدید می‌کنند، دائماً بر روابط او با دیگران تأثیر می‌گذارند و همواره بیش از یک نفر را دچار اختلال می‌نمایند. سلامت اجتماعی گاهی بسی پنهان‌تر و مخفی‌تر است تا ظهور بیماری جسمانی، زیرا در گستره فراخ دامنه‌ای از روابط تحقق می‌پذیرد که به‌آسانی تحت نظر قرار نمی‌گیرد (محمد نبی، ۱۳۸۱: ۳۲).

در هر جامعه‌ای مجموعه‌ای از عوامل گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی درهم‌تنیده شده‌اند؛

1. Social health
2. World Health organization

به طوری که مجموعه این عوامل می تواند شرایط جامعه را بحرانی و نابسامان یا مطلوب و آرمانی کند. بنابراین زمانی که در جامعه مردم از سلامت اجتماعی برخوردار باشند، نشان دهنده درست عملکرد این عوامل می باشد. لذا موفقیت در این امر (عملکرد درست و صحیح عوامل اقتصادی، اجتماعی و ...) به عنوان دغدغه ای برای جامعه شناسان، برنامه ریزان، اقتصاددانان و حاکمان وقت در هر جامعه ای مطرح می باشد. این امر به خصوص در جامعه ما به عنوان یک جامعه در حال توسعه و گذار از اهمیت دوجندانی برخوردار است؛ به طوری که از یک طرف جامعه ما، یک جامعه دارای جمعیت جوان است و این جمعیت جوان به عنوان اصلی ترین سرمایه برای توسعه، نیازمند توجه به سلامتی و بخصوص سلامت اجتماعی و نحوه تعاملات در شبکه های اجتماعی است؛ از طرف دیگر، جوانی که سلامت روانی و اجتماعی کافی و مطلوب نداشته باشد، نمی تواند با چالش های ناشی از ایفای نقش های اجتماعی کنار آمده و خود را با هنجارهای اجتماعی تطبیق دهد (شیری، ۱۳۹۰: ۱۰). جوانان و نوجوانان به عنوان سرمایه های انسانی هر جامعه ای محسوب می شوند و در بین آن ها دانشجویان به لحاظ برخورداری از توان و انرژی فراوان، نقش تعیین کننده ای در آینده جامعه دارند.

لذا افزایش سلامت اجتماعی باعث کاهش آسیب های اجتماعی در میان این قشر می شود. همچنین دانشجویانی که از سلامت اجتماعی برخوردارند با موفقیت می توانند با چالش های ناشی از ایفای نقش کنار آیند و مشارکت بیشتری در فعالیت های اجتماعی داشته باشند. لذا با توجه به اهمیت موضوع (سلامت اجتماعی) در بین دانشجویان و با توجه به شرایط کنونی، که کشور از نابسامانی های اقتصادی و اجتماعی فراوانی رنج می برد و برای اینکه جامعه بتواند مسیر ترقی، پیشرفت و توسعه را طی کند، دولت و حاکمیت باید به سلامت اجتماعی آنان توجه نمایند. در واقع، باید بحث سلامت اجتماعی و ارتقای آن در اولویت برنامه های جامع دولت باشد تا جامعه بتواند به توسعه ای هر چه انسانی تر و آرمانی تر دست یابد. لذا با توجه به اهمیت این مسئله ما در این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که وضعیت سلامت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز چگونه است و چه عواملی بر میزان سلامت اجتماعی آنان تأثیر گذار است؟

پیشینه تجربی پژوهش

مولایی (۱۳۹۶) پژوهشی را با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر سلامت اجتماعی در استان ایلام» در دو شهرستان دهلران و آبدانان به روش پیمایشی انجام داده است. نتایج این پژوهش نشان داد که متغیرهای دین داری، شبکه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، حمایت اجتماعی و امنیت اجتماعی به ترتیب بیشترین رابطه و اثر را بر سلامت اجتماعی دارند.

ململی درهی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت اجتماعی (مطالعه موردی: شهروندان ۱۸ سال به بالا تر شهر اهواز)» به این نتایج رسید که بین متغیرهای سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، میزان دین داری، رضایت از زندگی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی (بعد عینی)، مصرف رسانه ای، سن و جنسیت با سلامت اجتماعی رابطه معناداری وجود داد، اما بین متغیرهای قومیت، وضعیت تأهل و پایگاه اقتصادی - اجتماعی (بعد ذهنی) با سلامت اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد.

کدخدایی و لطفی (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان «سنجش میزان سلامت اجتماعی دانش آموزان دختر مقطع دبیرستان های شهر شیراز و بررسی عوامل مؤثر بر آن» به این نتایج رسیدند که بین دختران دانش آموز از نظر

شاخص‌های مختلف سلامت اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد و متغیرهای میزان تحصیلات مادر، میزان تحصیلات پدر، شاخص کیفیت زندگی و پایگاه اجتماعی-اقتصادی بر میزان سلامت اجتماعی دختران دانش‌آموز تأثیر گذارند.

شیری (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «بررسی میزان سلامت اجتماعی افراد کم‌توان جسمی-حرکتی و عوامل مؤثر بر آن در شهر تهران» با روش پیمایش به بررسی افراد توان‌یاب مرکز آموزشی نیکوکاری رعد پرداخته است. نتایج تحقیق او نشان می‌دهد بین میزان مهارت‌های ارتباطی و میزان سلامت اجتماعی افراد، رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که بین میزان حمایت‌های اجتماعی دریافت شده و میزان سلامت اجتماعی افراد و بین میزان حمایت‌های عاطفی دریافت شده و میزان سلامت اجتماعی افراد، رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، بین متغیرهای پایگاه اجتماعی-اقتصادی و نحوه گذراندن اوقات فراغت و میزان سلامت اجتماعی افراد نیز رابطه معناداری برقرار می‌باشد.

لی و زانگ (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «انواع شبکه‌های اجتماعی و سلامت سالخوردگان: بررسی ارتباطات متقابل»، به بررسی ارتباط بین شبکه‌های اجتماعی (خانواده، دوستان، و ...) و تأثیر آن بر روی سلامتی (جسمی، روانی، اجتماعی و به‌طور کلی سلامتی) پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش آن‌ها نشان داد که رابطه قوی بین انواع شبکه‌های اجتماعی و سلامتی وجود دارد.

هان و همکاران^۱ (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «تجزیه و تحلیل چند سطحی از سرمایه اجتماعی و سلامتی خود گزارشی شده، در سؤال کره جنوبی» به این نتایج رسیده‌اند که سن به‌طور مستقیم با سرمایه اجتماعی و سلامت روان ارتباط دارد و رابطه جنسی با سلامت روان از طریق سرمایه اجتماعی به‌طور غیرمستقیم مرتبط است و همچنین سرمایه اجتماعی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با سلامت روان رابطه داشته است.

ورگالینی (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان «انسجام اجتماعی در اروپا: تا چه اندازه نابرابری، انسجام اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند»، به بررسی رابطه بین انسجام اجتماعی و نابرابری در اروپا پرداخته است. از نظر وی نابرابری در سطحی کلی بر انسجام اجتماعی تأثیر گذار است- به‌طور دقیق‌تر رابطه معنی‌داری بین نابرابری و انسجام اجتماعی وجود دارد. همچنین این رابطه تحت تأثیر جنبه‌های دیگری از نابرابری‌های اجتماعی از قبیل موقعیت افراد در نظام قشربندی و سطح آموزش و پرورش نیز قرار دارد.

استفن^۲ و دیگران (۲۰۱۱) پژوهشی با عنوان «تأثیر انواع شبکه‌های اجتماعی، حمایت اجتماعی ادراک شده و تنهایی بر روی سلامتی افراد سالخورده: با توجه به زمینه‌ی اجتماعی آن‌ها» که به روش پیمایش (از طریق پرسشنامه پستی) در بین نمونه‌ای ۴۰۰ نفره از جمعیت ۵۵-۷۰ ساله نیوزلندی انجام گرفت، داده‌ها را با استفاده از روش همبستگی و رگرسیون تحلیل کردند و به ارائه مدلی پرداختند که در آن شبکه اجتماعی، حمایت اجتماعی ادراک‌شده و تنهایی، سلامت جسمی و روانی را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

رافائل^۳ (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «عوامل اجتماعی تعیین‌کننده سلامتی» که بر روی کانادایی‌ها انجام داده، دریافت که عواملی چون: جنسیت، داشتن خانه، نژاد، درآمد، محرومیت اجتماعی، امنیت اجتماعی، امنیت شغلی، بومی بودن، معلولیت، آموزش، شرایط شغلی و کاری، عدم امنیت غذایی و خدمات سلامتی، ارتباط

1. Han & et al

2. Stephen

3. Raphael

معناداری با سلامت کاندایی‌ها داشته است. این تأثیرات به‌واقع، قوی‌تر از ارتباط و تأثیری است که رفتارهایی چون رژیم غذایی، فعالیت‌های فیزیکی، استفاده بیش‌ازحد الکل و دخانیات بر روی سلامتی خواهند داشت. بلانکو و دیاز^۱ (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با عنوان «نظم اجتماعی و سلامت روانی»، ارتباط بین ابعاد سلامت اجتماعی را به‌عنوان شاخص نظم اجتماعی با جنبه‌های دیگری از سلامت مانند میزان افسردگی، عزت‌نفس، سلامت ادراک‌شده، محرومیت، میزان آنومی و کنش‌های متقابل اجتماعی، احساسات مثبت و منفی و رضایت مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که بین ابعاد سلامت اجتماعی به‌عنوان شاخص نظم اجتماعی و محرومیت، میزان آنومی و احساسات مثبت و منفی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

در سال‌های اخیر و دهه‌های گذشته پژوهش‌هایی در حوزه سنجش سلامت اجتماعی و عوامل تأثیرگذار بر سلامت اجتماعی در ایران و خارج از ایران در قالب‌های علمی چون تحقیق، مقاله، پایان‌نامه و پیمایش‌های ملی ارائه شده است. موضوعی که در مرور تحقیقات (چه داخلی و خارجی) به‌صورت برجسته‌ای خودنمایی می‌کند، این است که قریب به‌اتفاق تحقیقاتی که پیرامون سلامت اجتماعی انجام شده است، بر روی نمونه شهروندان، مورد بررسی قرار گرفته است و کمتر تحقیقاتی در این حوزه به قشر دانشگاهی و بخصوص دانشجویان که پرچم‌دار علم و دانش و پیشرفت در هر کشوری هستند پرداخته شده است. لذا تحقق این مهم، بیشتر مورد انتظار است. همچنین این پژوهش مجموعه عواملی را در کنار هم مورد بررسی قرار داده است که در تحقیقات قبلی اثر آن‌ها بدین صورت در کنار هم بر سلامت اجتماعی سنجیده نشده است.

چارچوب نظری پژوهش

سلامت اجتماعی اساساً از نظریه‌های جامعه‌شناسی و مشخصاً از ادبیات دورکیمی در زمینه آنومی و از خودبیگانگی منشأ گرفته است، اما در پژوهش‌های جدید، بررسی سلامت اجتماعی تنها با تکیه بر این مفاهیم مطلوب نیست. به تعبیری دیگر، عدم احساس آنومی و از خودبیگانگی، شرط کافی برای وجود احساس سلامت اجتماعی نیست (کیزی، ۲۰۰۴: ۱۲۳).

کیزی، سلامت اجتماعی را به‌عنوان گزارش شخصی فرد از کیفیت روابطش با دیگران و جامعه تعریف می‌کند. از نظر کیزی، فرد سالم از نظر اجتماعی زمانی عملکرد خوبی دارد که اجتماع را به‌صورت یک مجموعه معنادار، قابل فهم و بالقوه برای رشد و شکوفایی بداند، احساس کند که متعلق به گروه‌های اجتماعی خود است و خود را در اجتماع و پیشرفت آن سهیم بداند. مدل چندوجهی کیزی از سلامت اجتماعی شامل ۵ جزء می‌شود که میزان کارایی و کارکرد بهینه افراد را در عملکرد اجتماعی‌شان معلوم می‌کند. این ابعاد عبارت‌اند از: ۱- شکوفایی اجتماعی: شکوفایی اجتماعی به معنای دانستن و اعتقاد داشتن به این است که جامعه به شکل مثبتی در حال رشد است. فکر کردن به اینکه جامعه پتانسیل رشد به شکل مثبت را دارد و می‌تواند این پتانسیل را به شکل بالفعل درآورد. به عبارت دیگر، باور به اینکه اجتماع سرنوشت خود را در دست دارد و به مدد توان بالقوه‌اش سیر تکاملی خود را کنترل می‌کند. فردی که از رشد شخصی برخوردار است، باور دارد که خود سازنده سرنوشت خویش است. خود را در حال تحول مستمر و دارای نیروهای بالقوه می‌داند که تلاش می‌کند تا این نیروها را شکوفا کند. شکوفایی یعنی باور به اینکه اجتماع سرنوشت خویش را در دست دارد و به مدد

توان بالقوه‌اش سیر تکاملی خود را کنترل می‌کند (همان: ۱۰).

۲- همبستگی (انطباق) اجتماعی: انطباق اجتماعی یعنی اعتقاد به اینکه اجتماع قابل فهم، منطقی و قابل پیش‌بینی است. همبستگی اجتماعی در مقابل بی‌معنایی در زندگی قابل مقایسه است و شامل ارزیابی فرد از اجتماع به صورت قابل فهم، قابل پیش‌بینی و مخصوص در حقیقت درکی که فرد نسبت به کیفیت سازمان‌دهی و اداره دنیای اجتماعی اطراف خود دارد.

۳- پذیرش اجتماعی: افرادی که دارای این بعد از سلامت اجتماعی هستند، اجتماع را به صورت مجموعه‌ای از افراد مختلف درک می‌کنند و به دیگران به عنوان افراد با ظرفیت و مهربان، اعتماد و اطمینان دارند. این افراد دیدگاه مطلوبی نسبت به ماهیت انسان دارند و با دیگران احساس راحتی می‌کنند. در پذیرش اجتماعی فرد، اجتماع و مردم آن را با همه نقش‌ها و جنبه‌های مثبت و منفی باور دارند و می‌پذیرند (عبدالله تباردرزی، ۱۳۸۶: ۱۷۵).

۴- مشارکت اجتماعی: مشارکت اجتماعی باوری است که طبق آن فرد خود را عضو مهمی از اجتماع می‌داند و تصور می‌کند چیزهای ارزشمندی برای عرضه به جامعه دارد. مشارکت اجتماعی یعنی چه میزان فرد احساس می‌کند که آنچه انجام می‌دهد در نظر اجتماع ارزشمند و در رفاه عمومی مؤثر است.

۵- انسجام اجتماعی: ارزیابی فرد از روابطش در جامعه و گروه‌های اجتماعی است. فرد سالم احساس می‌کند که بخشی از اجتماع است و خود را با دیگرانی که واقعیت اجتماعی را می‌سازند سهم می‌داند. به نظر کییز، از دیدگاه دورکیم سلامت و یگانگی اجتماعی، روابط افراد را با یکدیگر از طریق هنجارها منعکس می‌کند. انسجام اجتماعی احساس بخشی از جامعه بودن است، فکر کردن به این که فرد به جامعه تعلق دارد، احساس حمایت شدن از طریق جامعه و سهم داشتن در آن است. بنابراین انسجام آن درجه‌ای است که در آن مردم احساس کنند چیز مشترکی بین آن‌ها و کسانی که واقعیت اجتماعی آن‌ها را می‌سازند، وجود دارد (سام آرا، ۱۳۸۸: ۱۸).

رز و وو بر تأثیر حمایت اجتماعی بر سلامت اجتماعی تأکید دارند. طبق تعریف آنان حمایت اجتماعی که شامل ابعاد عاطفی، ابزاری و اطلاعاتی می‌باشد، موجب ارتقای سطح سلامت اجتماعی افراد می‌شود. تقریباً در آرای همه صاحب‌نظران در عرصه حمایت اجتماعی و اعتماد اجتماعی این دلالت ضمنی وجود دارد که وجود ارتباط میان افراد، لذت بردن در میان دوستان، داشتن اعتماد متقابل به یکدیگر و پشتیبانی شدن از سوی دیگران از طریق تسهیل کردن روابط اجتماعی باعث ایجاد حس امنیت، یکپارچگی اجتماعی، احترام به ارزش‌های انسانی، ایجاد حس اتحاد و همبستگی پایدار می‌شود و به طور کلی موجباتی را فراهم می‌سازد که افراد بهتر و ساده‌تر بتوانند منافع فردی و گروهی خود را دنبال کنند- در صورتی که وجود روابط سرد در جامعه و عدم اعتماد باعث تضعیف نظم اجتماعی و تعهدات جمعی و عمومی می‌شود (نیک‌ورز، ۱۳۸۹: ۶۲) که این مسئله به طور قطع به یقین سلامت اجتماعی تک‌تک افراد جامعه را با خطر مواجه می‌سازد و جامعه را به سوی پرتگاه هدایت می‌کند.

لایکوک، سلامت اجتماعی را به صورت شرایط و رفاه افراد در شبکه روابط اجتماعی شامل خانواده، اجتماع و ملت تعریف می‌کند. همچنین برکن معتقد است تأثیر شبکه اجتماعی بر سلامت فرد عبارت است از پرورش روحیه مشارکت در درگیری اجتماعی فرد در فرایندهای اجتماعی. مشارکت و درگیری اجتماعی از

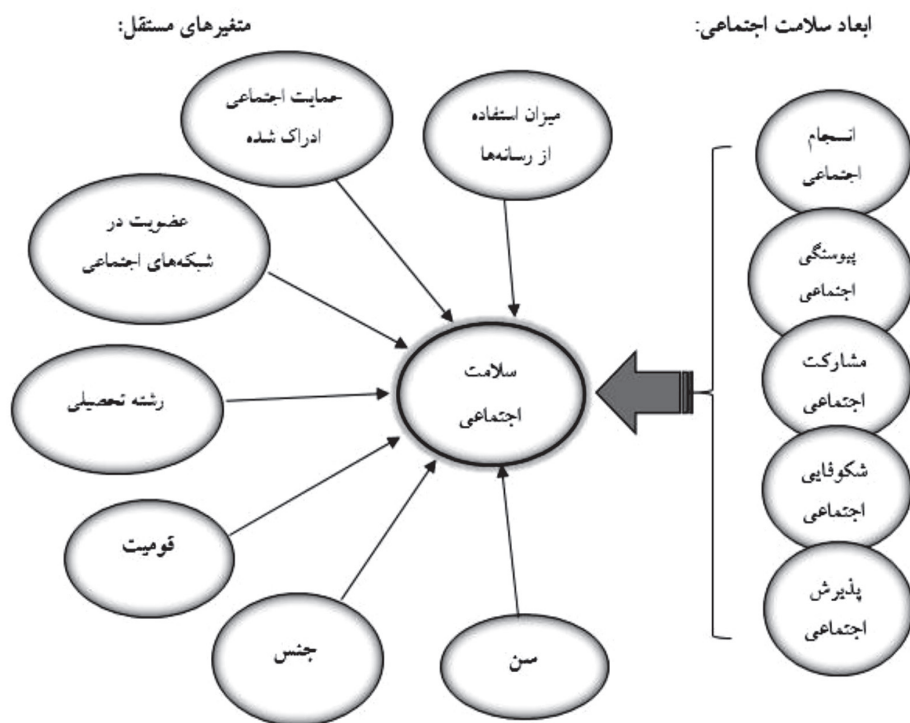
عملکرد پیوندهای بالقوه در فعالیتهای زندگی ناشی می شود. سپری کردن اوقات خود با دوستان، حضور در کارکردهای اجتماعی، مشارکت در نقش های اجتماعی و شغلی، گرایش به فعالیتهای مذهبی و تفریح کردن به همراه گروه از نمونه های بارز درگیری اجتماعی می باشند. بنابراین از طریق فرصتهایی که به واسطه عضویت در شبکه های اجتماعی برای فرد فراهم می شود تا در رویدادهای اجتماعی مشارکت کند، شبکه های اجتماعی، نقش های اجتماعی معنی داری از قبیل نقش های اجتماعی شغلی و خانوادگی را تعریف می کنند و از این طریق سلامت روانی فرد را نیز ارتقا می دهند. علاوه بر این، مشارکت در درون شبکه، فرصتهایی را برای رفاقت، مصاحبت و معاشرت فراهم می کند که این رفتارها و نگرش ها و پیوندها به زندگی فرد معنی می بخشد و این امر در سلامت روانی وی نیز تأثیر بسزایی می گذارد (خیرالله پور، ۱۳۸۳: ۴۳).

امروزه ظهور ارتباطات جمعی و توده های تأثیری عمیق بر روند تجربه ایجاد آگاهی و الگوهای تعاملاتی داشته است؛ به طوری که گروهی معتقدند شناختی که ما از رویدادهای به وقوع پیوسته در فراسوی محیط اجتماعی خود داریم و معرفتی که عمدتاً از دریافت صور نمادین انتقال یافته، از سوی این رسانه ها حاصل آمده است. طبق نظر بودریار رسانه می تواند نقش مهمی در سلامت اجتماعی فرد ایفا کند و با تعمیق ارزش ها امکان دستیابی به توافق جمعی را مهیا و هنجارها را پایه ریزی می کند. لذا با توجه به نظر بودریار پس از حصول توافق جمعی و ساخت هنجارها، همبستگی فرد با جامعه، افزایش می یابد و در پی این همبستگی، میزان مشارکت فرد با افراد و نهادها و مؤسسات مختلف در جامعه در زمینه های مختلف نیز افزایش پیدا می کند. بنابراین طبق این نظر می توان گفت میزان استفاده افراد از رسانه های جمعی می تواند به عنوان یک عامل مؤثر در سلامت اجتماعی فرد مورد بررسی قرار گیرد. همچنین طبق تعریف سازمان جهانی بهداشت، سلامت موضوعی چندبعدی است و در تعریف آن باید همه جنبه هایی که شخص به آن ها توجه دارد و همچنین طبق نتایج تحقیقات پیشین، ارتباط مستقیم سلامت اجتماعی با تحصیلات، سن، جنس، شرایط اقتصادی و اجتماعی فرد را در نظر گرفت.

تأکید اصلی در چارچوب نظری این پژوهش بر نظریه کییز راجع به سلامت اجتماعی و ابعاد آن استوار است تا از این طریق سطح سلامت اجتماعی دانشجویان و عواملی که می تواند بر شکل گیری و درک سلامت اجتماعی شان مؤثر باشد، سنجیده شود. از آنجا که انسان موجودی اجتماعی است، وجود ارتباط بین افراد و محیط می تواند بر معیارهای درونی و ذهنی افراد و به تبع رفتار او نسبت به محیط اجتماعی مؤثر باشد. بدین لحاظ در بررسی ابعاد سلامت اجتماعی و میزان آن در بین افراد جامعه، باید شرایطی که مختص همان جامعه است، مدنظر قرار گیرد. کییز مفهوم سلامت اجتماعی را به معنی ارزیابی عملکرد فرد در برابر اجتماع به عنوان یکی از ابعاد مهم سلامتی مطرح می کند. در زمینه رسانه ها از نظریه بودریار استفاده شده است. از نظر او رسانه با تعمیق ارزش ها امکان دستیابی به توافق جمعی را مهیا می سازد و هنجارها را پایه ریزی می کند. حال در پی رخداد این وضعیت در جامعه، همبستگی فرد با جامعه و مشارکت او نیز در جامعه (همبستگی و مشارکت به عنوان دو بعد از ۵ بعد سلامت اجتماعی) نیز افزایش می یابد که به طور مستقیم با سلامت اجتماعی افراد در ارتباط اند. در زمینه حمایت اجتماعی نیز نظریات رز و وو مبنا قرار گرفته است. از نظر آن ها حمایت اجتماعی باعث ایجاد حس اعتماد در جامعه می شود که به تبع آن و در پی افزایش اعتماد اجتماعی در جامعه، میزان مشارکت، همبستگی و ادغام و انطباق فرد با جامعه به سادگی و با درجه بالایی حصول می شود. در زمینه

شبکه‌های اجتماعی نیز از نظریه لایکوک و برکمن استفاده شده است، از نظر آن‌ها تنیدگی و درگیری فرد با انواع شبکه‌های اجتماعی باعث ایجاد حس دوستی و وابستگی فرد با این شبکه‌ها در جامعه می‌شود و لذا فرد بیشتر به سمت همکاری و مشارکت در جامعه سوق می‌یابد.

مدل مفهومی پژوهش



فرضیه‌های پژوهش

- میزان استفاده از رسانه‌ها بر سلامت اجتماعی دانشجویان اثرگذار است.
- میزان عضویت در شبکه‌های اجتماعی و سلامت اجتماعی دانشجویان اثرگذار است.
- حمایت اجتماعی ادراک شده بر سلامت اجتماعی دانشجویان اثرگذار است.
- متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، قومیت و رشته تحصیلی) بر سلامت اجتماعی دانشجویان اثرگذار است.

روش شناسی پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش، کمی و از نوع پیمایشی است. واحد تحلیل در این پژوهش، فرد و

جامعه آماری آن همه دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز می باشند. حجم نمونه با توجه به فرمول کوکران با خطای ۵ درصد و سطح اطمینان ۹۵ درصد و با توجه به حجم جمعیت آماری (۱۴۴۲۹ نفر) تعداد ۳۷۴ نفر به دست آمده است. همچنین از روش نمونه گیری طبقه ای متناسب با حجم که یکی از روش های نمونه گیری احتمالی است، به عنوان روش نمونه گیری برای تعیین واحدها (دانشجویان) استفاده شده است؛ به این ترتیب که با توجه به جمعیت دانشجویان هر دانشکده، مقطع تحصیلی و نسبت جنسیتی آن ها، حجم نمونه تعیین شد و دانشکده هایی که جمعیت بیشتری داشتند نمونه بیشتری از آن ها بر مبنای جنس و مقطع تحصیلی انتخاب شد. برای جمع آوری اطلاعات نیز از پرسشنامه استاندارد شده در حوزه متغیرهای مورد بررسی استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده های این پژوهش در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی صورت گرفته است. در بخش آمار توصیفی با استفاده از شاخص های آماری نظیر فراوانی، درصد و میانگین به توصیف داده ها پرداخته شد و در بخش استنباطی، متناسب با سطح سنجش متغیرها از آزمون های آماری تی، آزمون اف، همبستگی پیرسون، رگرسیون چند متغیره استفاده گردید. همچنین در این پژوهش، جهت سنجش اعتبار گویه ها از اعتبار صوری (مراجعه به اساتید جامعه شناسی)، استفاده شد و پس از تهیه و تدوین شاخص ها و طراحی اولیه پرسشنامه، مطالعه مقدماتی انجام گرفت. هدف از این مطالعه مقدماتی، تعیین میزان پایایی پرسشنامه پژوهش بوده است. این مطالعه مقدماتی بر روی یک نمونه ۳۰ نفری از دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز به اجرا درآمد. بعد از محاسبه جمع نمرات پاسخگویان، برای سنجش میزان پایایی و همسانی دورنی گویه ها، از آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج در جدول ۱ ارائه گردیده است.

جدول ۱: ضرایب آلفای کرونباخ

متغیرها	ضرایب آلفا
سلامت اجتماعی	۰/۸۴
رسانه های جمعی	۰/۷۳
عضویت در شبکه های اجتماعی	۰/۷۶
حمایت اجتماعی	۰/۹۱
آلفای کل پرسشنامه	۰/۷۸

بر اساس جدول فوق، از آنجا که مقدار آلفای کرونباخ مربوط به هر کدام از متغیرها از ۷۰ بیشتر است، می توان نتیجه گرفت که ابزار پژوهش، ابزاری پایا و قابل اعتماد می باشد. همچنین قبل از فرایند تحلیل استنباطی، وضعیت نرمال بودن متغیرهای اصلی تحقیق به وسیله آزمون کلموگروف - اسمیرنوف (k-S) بررسی شده است و پس از تأیید، در سطح فاصله ای سنجیده شده اند. نتایج این آزمون (k-S) برای متغیرهای سلامت اجتماعی، ۰/۲۶۴، حمایت اجتماعی ادراک شده ۰/۱۴۵، رسانه های جمعی ۰/۳۲۶ و عضویت در شبکه های اجتماعی ۰/۰۸۶، می باشد.

تعریف مفاهیم

متغیر وابسته

سلامت اجتماعی

سلامت اجتماعی عبارت است از: ارزیابی و شناخت فرد از چگونگی عملکردش در اجتماع و کیفیت روابطش با افراد دیگر، نزدیکان و گروه‌های اجتماعی که عضوی از آنهاست. طبق این تعریف، شاخص‌های سلامت اجتماعی عبارت‌اند از: مشارکت اجتماعی (باوری که طبق آن فرد خود را عنصر حیاتی جامعه می‌داند)، انسجام اجتماعی (کیفیت روابط در گروه اجتماعی‌ای که به آن تعلق دارد)، پذیرش اجتماعی (دیدگاه مطلوب نسبت به دیگران)، شکوفایی اجتماعی (اعتقاد به توانایی‌های بالقوه اجتماع) و انطباق اجتماعی (درک اجتماع به‌صورت هوشمند، قابل فهم و قابل پیش‌بینی) (کییز، ۱۹۹۸: ۱۲۲). در این پژوهش برای سنجش سلامت اجتماعی و مؤلفه‌های آن، از پرسشنامه سلامت اجتماعی کییز استفاده شده و درمجموع برای تمام مؤلفه‌ها ۳۳ سؤال در نظر گرفته شده است.

متغیرهای مستقل

حمایت اجتماعی

حمایت اجتماعی به وجود یا دسترس بودن مردمی اطلاق می‌شود که ما می‌توانیم به آن‌ها اعتماد و تکیه کنیم، مردمی که به ما اجازه می‌دهند که ما درک کنیم که آن‌ها به ما توجه دارند و ما را ارزشمند و دوست می‌دارند (باسول، ۲۰۰۸؛ به نقل از نیک‌ورز، ۱۳۸۹). برای سنجش این متغیر از پرسشنامه حمایت اجتماعی ادراک‌شده زیمت و همکاران ۱۹۹۸ (برگرفته از پرسشنامه نیک‌ورز، ۱۳۹۰) با گویه‌های زیر استفاده شده است: میزان حمایت عاطفی ادراک‌شده از سوی خانواده، میزان حمایت مالی دریافتی از سوی خانواده، توانایی بیان مشکلات با خانواده، کمک کردن خانواده در هنگام تصمیم‌گیری، کمک گرفتن از دوستان در هنگام مشکلات، یاری گرفتن از دوستان در امور مختلف، بودن فردی در زندگی که فرد می‌تواند مشکلاتش را با او در میان بگذارد و درمجموع برای این متغیر ۱۲ گویه در نظر گرفته شده است.

رسانه‌های جمعی

رسانه عبارت است از «مجموعه فنون، ابزار و وسایلی که از توانایی انتقال پیام برخوردارند. تلویزیون، رادیو، مطبوعات و از این نوع وسایل هستند که پیام را از سازنده پیام به مخاطب منتقل می‌کنند. برای عملیاتی کردن میزان استفاده دانشجویان از رسانه‌های ارتباط جمعی، از ۸ گویه به شیوه محقق ساخته استفاده شده است. این متغیر با گویه‌های میزان استفاده از خود را از هر کدام از وسایل ارتباطی زیر بیان کنید: رادیو، تلویزیون، ماهواره، روزنامه و مجلات و نشریات، کتاب، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی مجازی و تلفن همراه در طیف لیکرت با مقیاس فاصله‌ای ۵ درجه‌ای (از خیلی زیاد، زیاد، تا حدودی، کم تا خیلی کم) سنجیده شده است.

شبکه‌های اجتماعی

منظور از شبکه اجتماعی، مجموعه‌ای از پیوندها و روابط بین فردی و بین گروهی اشخاص است. این ارتباط‌ها نه تنها مستقیماً افرادی که یکدیگر را می‌شناسند به هم پیوند می‌دهد، بلکه به‌صورت غیرمستقیم فرد را به مجموعه بزرگ‌تری از افراد مرتبط می‌کند. به این ترتیب درجات مختلفی از پیوند وجود دارد. برای سنجش میزان عضویت دانشجویان در شبکه‌های اجتماعی سؤالاتی از آن‌ها در مورد میزان عضویتشان در تیم‌های

ورزشی دانشجویی، مهمانی های دوستانه دانشجویی، گروه های تفریحی، مسافرتی دانشجویی و شبکه های مجازی (اینترنتی) و عضویت در سایت های علمی پرسیده شده است. جهت سنجش این متغیر از پرسشنامه مردانی (۱۳۹۳) و از طیف لیکرت استفاده شده است.

یافته های پژوهش

جدول ۲: ویژگی های جمعیت شناختی (متغیرهای زمینه ای)

سن	بیشترین: ۳۴/۷۷ درصد در گروه سنی ۲۶-۳۰ سال	کمترین: ۰/۸۰ درصد در گروه سنی ۳۵ سال به بالا
جنس	زن: ۵۳/۷ درصد	مرد: ۴۶/۳ درصد
قومیت	بیشترین تعداد: ۳۹/۶ درصد دارای قومیت لر	کمترین: ۷/۰ درصد دارای قومیت کرد
رشته تحصیلی	کمترین: ۴۳/۳ درصد در رشته علوم انسانی	کمترین: ۱۰/۷ درصد در رشته کشاورزی

جدول ۳: خلاصه یافته های توصیفی متغیرهای مستقل و وابسته

متغیر	میانگین	تعداد گویه ها
انسجام اجتماعی	۲۱/۸	۷
پذیرش اجتماعی	۱۷/۱۸	۷
مشارکت اجتماعی	۲۰/۴	۶
انطباق اجتماعی	۱۶/۶۴	۶
شکوفایی اجتماعی	۱۸/۶۲	۷
سلامت اجتماعی (کل)	۱۰۰/۴۴	۳۳
حمایت اجتماعی ادراک شده	۴۸/۲۶	۱۲
رسانه های جمعی	۲۶/۷۶	۸
عضویت در شبکه های اجتماعی	۱۳/۶۲	۵

همچنین یافته های توصیفی مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته نشان می دهد که میانگین متغیر وابسته سلامت اجتماعی دانشجویان ۱۰۰/۴۴ می باشد. با توجه به وجود ۳۳ گویه برای سنجش سلامت اجتماعی دانشجویان، با احتساب طیف امتیاز به هر گویه، از ۱ تا ۵ (حداقل ۳۳ و حداکثر ۱۶۵)، امتیاز ۳ معادل ۹۹ برای متغیر سلامت اجتماعی نشانگر میزان متوسط آماری است. بنابراین امتیاز به دست آمده معادل ۱۰۰/۴۴ به

معنای برخوردارى دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز از سلامت اجتماعى متوسطى مى‌باشد. و همین‌طور میانگین تمامى متغیرهای مستقل میزان استفاده از رسانه‌های جمعى، $26/76$ (باتوجه به دامنه آن حداقل ۸ و حداکثر ۴۰، از میزان استفاده متوسط به بالایی برخوردارند) و حمایت اجتماعى ادراک‌شده، $48/26$ (باتوجه به دامنه آن حداقل ۱۲ و حداکثر ۶۰، از میزان حمایت اجتماعى ادراک‌شده نسبتاً بالایی برخوردارند) و عضویت در شبکه‌های اجتماعى $13/62$ (باتوجه به دامنه آن حداقل ۵ و حداکثر ۲۵، میزان عضویت آن‌ها در شبکه‌های اجتماعى تقریباً متوسط مى‌باشد) مى‌باشد.

نتایج مربوط به آزمون فرضیه‌ها

نتایج جدول ۴ نشان‌دهنده نتایج آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل پژوهش با متغیر وابسته (سلامت اجتماعى) مى‌باشد. همان‌گونه که داده‌های جدول نشان مى‌دهد که متغیرهای مستقل حمایت اجتماعى ادراک شده و رسانه‌های جمعى دارای رابطه مستقیم، مثبت و معنادارى با متغیر سلامت اجتماعى مى‌باشند و متغیر عضویت در شبکه‌های اجتماعى با متغیر وابسته رابطه‌ی معنادارى ندارد. همچنین متغیر مستقل سن نیز دارای رابطه معکوس و معنادار با متغیر وابسته مى‌باشد. تمامى متغیرهای تأیید شده در سطح ۹۹ درصد اطمینان تأیید شده‌اند. سطح معنادارى و ضرایب همبستگی هریک از متغیرها در جدول ۴ به تفکیک آمده است.

جدول ۴: نتایج آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل و سلامت اجتماعى

متغیر	همبستگی پیرسون (r)	سطح معنی‌دارى (sig)	نتیجه آزمون
حمایت اجتماعى ادراک‌شده و سلامت اجتماعى	۰/۲۰۱	۰/۰۰۰	تأیید
رسانه‌های جمعى و سلامت اجتماعى	۰/۱۴۰	۰/۰۰۷	تأیید
عضویت در شبکه‌های اجتماعى و سلامت اجتماعى	۰/۰۹۷	۰/۰۶۰	عدم تأیید
سن و سلامت اجتماعى	-۰/۱۸۶	۰/۰۰۰	تأیید

فرضیه اول: بین قومیت و سلامت اجتماعى رابطه معنادارى وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه استفاده شده است. با توجه به مقدار $F=2/236$ و $sig=0/050$ در جدول ۶، مى‌توان ادعا کرد که میانگین سلامت اجتماعى در بین گروه‌های قومیتی در جامعه آمارى مورد مطالعه، تفاوت معنادارى دارد. در جدول ۵ میانگین سلامت اجتماعى به تفکیک گروه‌های قومیتی مشخص شده است. براین اساس قومیت عرب با میانگین $103/224$ ، از بالاترین میزان سلامت اجتماعى در بین گروه‌های قومیتی مورد مطالعه و قومیت لر با میانگین $98/554$ از کمترین میزان سلامت اجتماعى در بین دیگر گروه‌ها برخوردارند.

جدول ۵: نتایج مقایسه میانگین سلامت اجتماعی بر حسب متغیر قومیت

قومیت	فراوانی	میانگین سلامت اجتماعی	انحراف معیار
لر	۱۴۸	۹۸/۵۵۴	۸/۹۷
فارس	۸۷	۱۰۰/۴۹۴	۱۲/۱۲
عرب	۴۹	۱۰۳/۲۲۴	۱۹/۱۲
کرد	۲۶	۱۰۱/۶۹۲	۹/۹۰
ترک	۲۰	۹۸/۰۰۰	۵/۹۱
سایر	۴۴	۱۰۱/۹۷۷	۱۳/۷۰
تعداد کل	۳۷۴	۱۰۰/۴۴۳	۱۲/۱۲

جدول ۶: نتایج آزمون تحلیل واریانس بین متغیرهای قومیت و سلامت اجتماعی

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مجموع مربعات	مقدار F	سطح معنی داری (sig)
بین گروهی	۱۶۱۶/۹۶۰	۵	۳۲۳/۳۹۲	۲/۲۳۶	۰/۰۵۰
درون گروهی	۵۳۲۲۹/۳۶۱	۳۶۸	۱۴۴/۶۴۵		
کل	۵۴۸۴۶/۳۲۱	۳۷۳	--		

فرضیه دوم: بین جنس (دختر و پسر) و سلامت اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد.

برای بررسی رابطه متغیر جنس و سلامت اجتماعی، متغیر جنس (به صورت اسمی با دو گروه پسران و دختران) و متغیر سلامت اجتماعی به صورت فاصله‌ای سنجیده شده است. مناسب ترین آزمون برای بررسی رابطه میان این دو متغیر آزمون تی مستقل (T) می باشد. با توجه به داده های جدول ۷ که ارتباط میان دو متغیر جنس و سلامت اجتماعی را نشان می دهد، مقدار تی مستقل برابر با $T=0/062$ و سطح معنی داری $(sig=0/000)$ که کمتر از $0/05$ می باشد. می توان بیان کرد که تفاوت معناداری بین متغیرهای جنس و سلامت اجتماعی وجود دارد. بنابراین فرض صفر رد و فرض یک به معنای وجود تفاوت معنادار بین دو متغیر تأیید می شود. بنابراین و با توجه به ارقام میانگین در جدول، تفاوت معناداری بین دو گروه دختران و پسران با سلامت اجتماعی مشاهده می شود و میانگین سلامت اجتماعی پسران بالاتر از دختران است.

جدول ۷: نتیجه آزمون تفاوت میانگین سلامت اجتماعی بر حسب متغیر جنس

جنس	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	T	درجه آزادی	سطح معناداری
پسر	۱۷۳	۱۰۲/۴۸۵	۹/۷۴۱	۱/۰۶۲	۳۷۲	۰/۰۰۰
دختر	۲۰۱	۱۰۰/۴۰۸	۱۳/۸۷۸			

فرضیه سوم: بین رشته تحصیلی و سلامت اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از آزمون آنالیز واریانس یک طرفه استفاده شده است. با توجه به مقدار $F=2/444$ و $\text{sig}=0/089$ محاسبه شده در جدول ۹، می توان ادعا کرد که میانگین سلامت اجتماعی در بین دانشجویان رشته های تحصیلی مختلف در جامعه آماری مورد مطالعه، تفاوت معناداری دارد. در جدول ۸ میانگین سلامت اجتماعی به تفکیک رشته های تحصیلی مشخص شده است. براین اساس رشته دامپزشکی با میانگین ۱۰۹/۹۲۸، از بالاترین میزان سلامت اجتماعی در بین رشته های تحصیلی مورد مطالعه و رشته فنی مهندسی با میانگین ۹۷/۶۰۵ از کمترین میزان سلامت اجتماعی در بین دیگر رشته ها برخوردارند. بنابراین فرضیه پژوهش تأیید می شود.

جدول ۸: نتایج مقایسه میانگین سلامت اجتماعی بر حسب رشته تحصیلی

رشته تحصیلی	فراوانی	میانگین سلامت اجتماعی	انحراف معیار
علوم انسانی	۱۶۲	۱۰۰/۱۸۵	۱۱/۴۷۶
فنی مهندسی	۷۱	۹۷/۶۰۵	۹/۶۹۶
دامپزشکی	۱۴	۱۰۹/۹۲۸	۱۵/۶۳۲
علوم پایه	۸۷	۱۰۱/۲۵۲	۱۳/۹۸۸
کشاورزی	۴۰	۱۰۱/۴۵۰	۱۱/۴۵۱
جمع کل	۳۷۴	۱۰۰/۴۴۳	۱۲/۱۲۶

جدول ۹: نتایج آزمون تحلیل واریانس بین متغیرهای رشته تحصیلی و سلامت اجتماعی

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مجموع مربعات	مقدار F	سطح معنی داری (sig)
بین گروهی	۱۹۳۹/۶۵۳	۴	۴۸۴/۹۱۳	۳/۳۸۲	۰/۰۱۰
درون گروهی	۵۲۹۰۶/۶۶۸	۳۶۹	۱۴۳/۳۷۹		
کل	۵۴۸۴۶/۳۲۱	۳۷۳	---		

یافته ها و تحلیل های رگرسیونی چند متغیره

در جدول ۱۰، نتایج مربوط به تحلیل واریانس و تحلیل رگرسیون سلامت اجتماعی با متغیرهای مستقل (به روش stepwise) ارائه شده است. اطلاعات ارائه شده نشان می دهد که میزان F محاسبه شده، معنی دار است ($p<0/01$). روش تحلیل رگرسیون گام به گام، روشی است که در آن قوی ترین متغیرها یک به یک وارد معادله می شوند و این کار تا زمانی ادامه می یابد که خطای آزمون معناداری به ۵ درصد برسد. همان طوری که از جدول ۱۱ برمی آید، تحلیل رگرسیون تا ۳ گام پیش رفته است. بر اساس نتایج به دست آمده، ۱۰/۳ درصد از تغییرات متغیر میزان سلامت اجتماعی، به وسیله سه متغیر حمایت اجتماعی، سن و میزان استفاده از رسانه های

جمعیتی تبیین می‌شود. میزان F نیز در جدول ۱۰ در سطح ۹۹ درصد ($\text{sig}=0/000$) معنی دار شده است که حاکی از معنی دار بودن رگرسیون و قابلیت اعتماد به نتایج پیش‌بینی آن در تبیین متغیر وابسته می‌باشد.

جدول ۱۰: تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیره متغیرهای مستقل و سلامت اجتماعی

مدل	درجه آزادی	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	کمیت F	سطح معنی داری	رگرسیون چند گانه	R2
رگرسیون	۶	۵۶۲۴/۸۴۴	۹۳۷/۴۷۴	۶/۹۹۰	۰/۰۰۰	۰/۳۲۰	۰/۱۰۳
باقی مانده	۳۶۷	۴۹۲۲۱/۴۷۶	۱۳۴/۱۱۸				
جمع کل	۳۷۳	۵۴۸۴۶/۳۲۱					

جدول ۱۱: نتایج حاصله از رگرسیون چند متغیره فرضیه‌های تحقیق

متغیرها	شاخص‌ها	B	خطای استاندارد	Beta	مقدار T	سطح معنی داری
مقدار ثابت		۹۷/۱۳۳	۵/۳۷۰		۱۸/۱۱۸	۰/۰۰۰
حمایت اجتماعی ادراک شده		۰/۳۰۸	۰/۰۸۲	۰/۱۹۷	۳/۹۸۷	۰/۰۰۰
سن		-۰/۶۶۳	۰/۱۶۵	-۰/۱۸۹	-۳/۸۱۴	۰/۰۰۰
میزان استفاده از رسانه		۱/۰۰۴	۰/۳۱۵	۰/۱۵۸	۳/۱۸۸	۰/۰۰۲

متغیرهای مستقلی که وارد معادله رگرسیون شده‌اند به قرار زیر می‌باشند:

$$Y = (\text{میزان استفاده از رسانه } 0/158) + (\text{سن } -0/189) + (\text{حمایت اجتماعی ادراک شده } 0/197)$$

ارقام مندرج در معادله بالا به این معناست که با افزایش یک واحد انحراف استاندارد در هر کدام از متغیرهای مستقل مطرح شده در جدول ۱۱، به اندازه بتای (Beta) آن متغیر بر متغیر وابسته یعنی سلامت اجتماعی، افزوده خواهد شد. در اینجا ملاحظه می‌شود که متغیر حمایت اجتماعی ادراک شده در مقایسه با سایر متغیرها، سهم بیشتری در تبیین سلامت اجتماعی دارد.

بحث و نتیجه گیری

آشنایی با معنا و مفهوم سلامت اجتماعی و چگونگی اندازه‌گیری، بهره‌مندی از شاخص‌ها و نیز یافتن راه‌های ارتقای آن، پیش‌نیاز هرگونه تلاش در زمینه دستیابی به سلامت اجتماعی و روانی که نیازی فردی و اجتماعی است، می‌باشد. سلامت، سنگ زیرین بنای توسعه اجتماعی است، ولی هرگاه سخنی از آن به میان آمده بیشتر بعد جسمانی آن مورد توجه بوده است - هرچند در دهه‌های اخیر به بعد روانی آن نیز توجه شده، اما به‌طور کلی جنبه اجتماعی آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است، این در حالی است که سلامت اجتماعی

بازتاب شرایط جامعه و محیط پیرامونی افراد است و از عوامل اجتماعی متعددی ریشه می‌گیرد که مداخله در این عوامل حضور جامعه‌شناسان را در این عرصه طلب می‌کند. بهره‌مندی از شاخص‌های سلامت در گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه از جمله دانشجویان به‌عنوان پرچم‌داران و پیشروان علم، دانش و توسعه، رویکردی است که موجب افزایش کیفیت، رفاه و رضایت از زندگی و تسریع در روند توسعه ملی می‌شود. با توجه به نقش بسیار حساس، راهبردی و سازنده دانشجویان در پیشبرد جامعه به اهداف متعالی و توسعه‌ای خود، سلامت این قشر از اهمیت دو چندانی برخوردار است. در این پژوهش بر آن شدیم که به سنجش سلامت اجتماعی و برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز بپردازیم. لذا به همین منظور رابطه بین متغیرهای اجتماعی از جمله: میزان استفاده از رسانه‌های جمعی، عضویت در شبکه‌های اجتماعی، حمایت اجتماعی ادراک شده، قومیت، رشته تحصیلی، سن و جنس با سلامت اجتماعی بررسی گردید. در این پژوهش، تمامی این متغیرها به‌صورت نظری تعریف و بررسی شد.

لارسون و کیز، با توجه به رویکرد سلامت‌محور، یک چارچوب مفهومی و نظری برای سلامت اجتماعی ارائه داده‌اند. از نظر لارسون (۱۹۹۶) سلامت اجتماعی، «ارزیابی فرد از کیفیت روابطش با خانواده، دیگران و گروه‌های اجتماعی است و درواقع شامل پاسخ‌های درونی فرد نسبت به محرک‌ها و احساسات، تفکرات و رفتارهایی می‌باشد که نشان‌گر رضایت یا عدم رضایت فرد از زندگی و محیط اجتماعی است» (لارسون، ۱۹۹۶: ۲۸۵). سلامت اجتماعی، ترکیبی از چند عامل است که درمجموع نشان می‌دهند چقدر یک شخص در زندگی اجتماعی‌اش مثلاً به‌عنوان همسایه، همکار و شهروند عملکرد خوبی دارد» (کیز و شاپیرو، ۲۰۰۴: ۵). چارچوب نظری این تحقیق به‌گونه‌ای ترکیبی انتخاب گردیده و سعی بر در نظر گرفتن نظریاتی شده است که بر سطوح و جنبه‌های مختلف هر یک از متغیرهای مستقل و تأثیر و رابطه آن‌ها با متغیر وابسته تأکید داشته‌اند. همچنین در این پژوهش جهت اندازه‌گیری متغیر سلامت اجتماعی و مؤلفه‌های آن، از مقیاس سلامت اجتماعی کیز که پنج مؤلفه آن شامل انسجام، پذیرش، شکوفایی، مشارکت و انطباق اجتماعی است، بهره برده‌ایم و طبق این پرسشنامه شاخص سلامت اجتماعی دانشجویان ساخته شد. تجزیه و تحلیل آماری که از این شاخص به دست آمد، نشان داد که میزان سلامت اجتماعی دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز، متوسط به بالاست و میانگین آن ۱۰۰/۴۴ می‌باشد (دامنه حداقل ۳۳ و حداکثر ۱۶۵). در این پژوهش بر اساس داده‌ها، نتایج زیر به دست آمد:

نتیجه نخست ارتباط بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و سلامت اجتماعی را نشان می‌دهد که با توجه به سطح معنی‌داری ($\text{sig} = 0/007$) و همچنین مقدار ضریب همبستگی پیرسون به‌دست‌آمده ($r = 0/140$)، این دو متغیر دارای رابطه مستقیم و مثبت با یکدیگر می‌باشند. بنابراین می‌توان گفت که هرچه به میزان استفاده از رسانه‌های جمعی از سوی دانشجویان افزوده شود، میزان سلامت اجتماعی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. رسانه‌ها یکی از مهمترین اجزای زندگی مدرن امروزی هستند. امروزه که در موج سوم اطلاعاتی به سر می‌بریم، وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌ها چنان جایگاهی در زندگی شهروندان یافته‌اند که ناگزیریم آن‌ها را در هر معادله‌ای لحاظ کنیم، زیرا جامعه اطلاعاتی‌ای که مانوئل کاستلز در دهه ۱۹۸۰ بدان اشاره کرد، شکل گرفته است. بنا بر تعریفی که بسیاری از اندیشمندان و فلاسفه ارائه داده‌اند، رسانه‌ها حتی به بازتعریف مفاهیم اساسی زندگی روزمره می‌پردازند و از این منظر می‌توانند خود به معیاری برای تعریف واقعیت تبدیل شوند. بنابراین بررسی

نقش هستی شناختی رسانه‌ها در زندگی امروزی، بسیار حائز اهمیت است - چنانچه بسیاری از فلاسفه معاصر به بررسی فلسفی جایگاه رسانه، به‌ویژه تلویزیون می‌پردازند. تلویزیون به‌مثابه رسانه دوران مدرن، می‌تواند برداشت‌های افراد را از جهان شکل ببخشد، زیرا امروزه واقعیت از شیشه تلویزیون به مردم نمایش داده می‌شود. از آن‌جاکه رویکرد غالب شبکه‌های خبری، رویکردی جهت‌دار است، وجوهی از واقعیت به نمایش درمی‌آیند و وجوهی از آن کنار گذاشته می‌شوند. بنابراین برداشت افراد از واقعیت، برداشتی است که تلویزیون ارائه می‌دهد (دهقانی، ۱۳۹۱). نتیجه این فرضیه با نتایج پژوهش‌های نیک‌ورز (۱۳۸۹) و ململی درهی (۱۳۹۴) همخوانی دارد.

نتیجه دوم این پژوهش نشان داد که بین عضویت در شبکه‌های اجتماعی و سلامت اجتماعی ارتباطی وجود ندارد. یافته‌های حاصل از تحلیل این فرضیه نشان می‌دهد که فعالیت و عضویت دانشجویان در شبکه‌های اجتماعی، ورزشی، علمی و فرهنگی این دانشگاه سلامت اجتماعی آنان را تأمین نمی‌کند و به‌طور کل تأثیری بر سلامت اجتماعی آن‌ها ندارد. نتایج این فرضیه متضاد با نظریه برکمن است. برکمن معتقد است که گستردگی شبکه‌های اجتماعی موجب افزایش تعاملات و بالا رفتن ارتباطات بین فردی می‌شود و از اثرات عضویت در همین شبکه‌های اجتماعی است که فرد می‌تواند در رویدادهای اجتماعی، مشارکت بیشتری داشته باشد و نقش‌های اجتماعی بیشتری را به عهده بگیرد (برکمن و همکاران، ۲۰۰۰)، اما در این پژوهش این قضیه مصداق پیدا نکرده است. نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های امینی نقهده (۱۳۸۹)، مردانی (۱۳۹۳)، مولایی (۱۳۹۶)، استغن و دیگران (۲۰۱۱) و لی و زانگ (۲۰۱۵) همخوانی ندارد.

نتیجه سوم این پژوهش به ارتباط بین حمایت اجتماعی ادراک شده و سلامت اجتماعی دلالت دارد؛ به‌گونه‌ای که نشان داد این دو متغیر دارای رابطه مستقیم و مثبت با یکدیگر می‌باشند. بنابراین با توجه به این نتیجه می‌توان گفت که هرچه بر میزان حمایت اجتماعی ادراک شده از سوی دانشجویان افزوده شود، میزان سلامت اجتماعی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. بنابراین نتایج نشان می‌دهد که دانشجویانی که از حمایت اجتماعی ادراک شده بالایی برخوردارند، میزان سلامت اجتماعی آن‌ها نیز در سطحی بالاتر قرار دارد. وجود حمایت‌های اجتماعی در جامعه موجب پذیرش، همبستگی، انسجام و درنهایت مشارکت اجتماعی می‌شود. افراد در صورت وجود این حمایت‌ها فکر می‌کنند که به جامعه تعلق دارند و به‌عنوان عضوی فعال در جامعه باید ایفای نقش کنند. لذا این نوع نگرش منجر به افزایش سلامت اجتماعی در جامعه می‌شود. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیقات صالح (۱۳۸۸)، نیک‌ورز (۱۳۸۹)، شیری (۱۳۹۰)، مولایی (۱۳۹۶) و استغن و همکاران (۲۰۱۱) همخوانی دارد.

در نتیجه آزمون بین متغیر قومیت و سلامت اجتماعی، ارتباط معناداری مشاهده نشد. برای آزمون این فرضیه از آنالیز واریانس یک‌طرفه استفاده شده است. با توجه به مقدار $F = 2/236$ و $\text{sig} = 0/05$ در جدول ۳، میانگین سلامت اجتماعی در بین گروه‌های قومیتی در جامعه آماری مورد مطالعه، تفاوت معناداری دارد. نتیجه این فرضیه با نتایج پژوهش ململی درهی (۱۳۹۴) همخوانی ندارد. همچنین در نتیجه بررسی ارتباط بین سن و سلامت اجتماعی، نتیجه حاصله دلالت بر ارتباط بین این دو متغیر دارد. بسیاری از تحقیقات نشان داده‌اند که میزان سلامت اجتماعی با افزایش سن در ارتباط است، یعنی هرچه به سن افراد افزوده می‌شود، سلامت اجتماعی آن‌ها نیز بیشتر می‌شود، اما در این پژوهش عکس این قضیه به تأیید رسیده است. در واقع در این پژوهش با افزایش سن از میزان سلامت اجتماعی کاسته می‌شود و دانشجویانی که در سن پایین‌تری

قرار دارند، از میزان سلامت اجتماعی بالاتری قرار دارند. به بیان دیگر، بین دو متغیر سن و سلامت اجتماعی رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد. برای تحلیل این رابطه می‌توان گفت که با افزایش سن افراد، بسیاری از دغدغه‌های فکری و اجتماعی آنان از قبیل اشتغال، تأمین مسکن، ازدواج و خلأهای عاطفی و غیره بروز می‌کند و افراد آرامش و امنیت خاطر خود را از دست می‌دهند. بر همین مبنا کسانی که در سنین پایین‌تری قرار دارند به لحاظ این که هنوز به‌طور کامل با این دغدغه‌ها روبه‌رو نشده‌اند از آرامش و سلامت اجتماعی بالاتری نسبت به افراد دیگر برخوردارند. نتیجه حاصل از این فرضیه با نتیجه تحقیق صالح (۱۳۸۸) همخوانی دارد و با نتایج تحقیقات مردانی (۱۳۹۳) و ململی درهی (۱۳۹۴) که در تحقیقات آن‌ها با افزایش سن سلامت اجتماعی افزایش یافته بود، همخوانی ندارد.

همچنین در این پژوهش، ارتباط معناداری بین جنس و سلامت اجتماعی مشاهده شده است. نتیجه حاصل از آزمون این فرضیه دلالت بر تأیید این فرضیه دارد؛ بدین صورت که می‌توان گفت سلامت اجتماعی برحسب جنس تفاوت معناداری دارد. نتایج نشان می‌دهد که میانگین سلامت اجتماعی پسران بالاتر از دختران است. داشتن حد متوسط و مقبولی از سلامت اجتماعی برای تک‌تک افراد در جامعه لازم و ضروری است، اما گاهی شرایط خود جامعه باعث ایجاد نارسایی در میزان سلامت اجتماعی در افراد و گروه‌های مختلف تشکیل‌دهنده جامعه می‌شود که از جمله می‌توان به تفاوت در میزان سلامت اجتماعی بین دختران و پسران اشاره کرد. علت این تفاوت ناشی از این است که در فرهنگ سنتی ما، پسران نسبت به دختران از آزادی‌های اجتماعی بیشتری برای حضور در جامعه، یافتن شغل و فعالیت در انجمن و تیم‌های مختلف ورزشی، فرهنگی، علمی، سیاسی و ... و پذیرش و مشارکت در جامعه برخوردارند. همچنین، نوع و میزان حمایت‌های مختلفی که از دختران و پسران در خانواده و جامعه اعمال می‌شود، خود باعث تفاوت در میزان درک این حمایت از سوی دختران و پسران می‌گردد و می‌تواند عاملی مهم برای کاهش و یا افزایش در میزان اعتمادبه‌نفس برای حضور و مشارکت در جامعه به شمار آید. بنابراین مجموع این عوامل باعث کاهش در میزان سلامت اجتماعی دختران نسبت به پسران شده است. نتیجه این فرضیه با نتایج پژوهش‌های ململی درهی (۱۳۹۴) و لاروچ (۱۹۹۸) همخوانی دارد. همچنین در نتیجه آزمون بین رشته تحصیلی و سلامت اجتماعی در این پژوهش، ارتباط بین این متغیرها تأیید شد. در این پژوهش برای آزمون این فرضیه از آنالیز واریانس یک‌طرفه استفاده شده است. با توجه به مقدار $F = 3/382$ و $sig = 0/010$ در جدول ۸، میانگین سلامت اجتماعی در بین رشته‌های تحصیلی در جامعه آماری مورد مطالعه، تفاوت معناداری دارد و معنی‌داری بین آن‌ها در سطح $0/05$ درصد اطمینان تأیید می‌شود. بنابراین این فرضیه تأیید می‌گردد.

در این پژوهش از میان سه متغیر مستقل موجود در مدل رگرسیونی، متغیرهای حمایت اجتماعی ادراک‌شده و سن به ترتیب با مقدار ضریب بتای $0/197$ و $-0/189$ به بهترین وجه متغیر وابسته سلامت اجتماعی را تبیین کردند؛ به طوری که می‌توان نتیجه گرفت که ازای افزایش یک انحراف استاندارد در این متغیرها، میزان سلامت اجتماعی به ترتیب به میزان $0/197$ و $-0/189$ انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت. بر اساس ضریب تعیین، $10/3$ درصد از تغییرات متغیر سلامت اجتماعی به وسیله سه متغیر مایت اجتماعی ادراک‌شده، سن و میزان استفاده از رسانه‌های جمعی تبیین می‌شود.

پیشنهاها

با توجه به نتایج پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. با توجه به متفاوت بودن میزان سلامت اجتماعی در بین دختران و پسران در جامعه آماری این پژوهش، ارائه خدمات مشاوره‌ای به دانشجویان در زمینه سلامت اجتماعی و ارتقای آن و همچنین جهت افزایش ارتباط موثر و سازنده آنها در جامعه، لازم و ضروری می‌باشد.
۲. با توجه به اثبات اثر گذاری رسانه‌ها بر سلامت اجتماعی دانشجویان، پیشنهاد می‌شود که از رسانه‌ها برای پرداختن به مسائل دانشجویان و جوانان و همچنین هدفمند و متنوع کردن برنامه‌های آنها برای جذب و هدایت آنها کمک گرفته شود.
۳. با توجه به اینکه جوانان و دانشجویان در محدوده سنی خاصی (جوانی) قرار دارند، نیازمند حمایت و توجه جدی از سوی خانواده‌ها و اطرافیان هستند. لذا لازم است که خانواده‌ها و در سطح کلان، مدیران به ویژه در سیاست‌گذاری‌های خود نگاه ویژه‌ای به این مسئله داشته باشند.
۴. با توجه به اینکه هر پژوهشی دارای محدودیت‌هایی می‌باشد، این پژوهش جهت سنجش انواع متغیرهای اثرگذار دیگر از این امر مستثنی نبوده است. لذا توصیه می‌شود که در پژوهش‌های آتی سایر متغیرهای اثرگذار همچون: سبک زندگی، سرمایه اجتماعی، رضایت از زندگی، امید به آینده و ... سنجیده شود.

منابع

- امینی نقده، منصور. (۱۳۹۰). «بررسی عوامل مؤثر بر سلامت اجتماعی: مطالعه موردی جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله شهر نقده». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- پارک، جی، ای و پارک، ک. (۱۳۸۳). درسنامه پزشکی پیشگیری و اجتماعی (کلیات خدمات بهداشتی). جلد دوم. حسین شجاعی تهرانی و حسین ملک افضل. چاپ سوم، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی گیلان
- خیراله‌پور، اکبر. (۱۳۸۳). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت روانی با تأکید بر سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- دهقانی، مریم. (۱۳۹۱). «نقش رسانه‌ها در سلامت روانی جامعه بررسی آسیب‌ها، ریشه‌یابی چالش‌ها و نقش ترمیمی رسانه در خانواده و جامعه». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، مرکز فیروزآباد.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۸۷). «آنومی یا آشفتگی اجتماعی (پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران)». تهران: انتشارات سروش
- سام آرام، عزت‌الله. (۱۳۸۸). «بررسی رابطه سلامت اجتماعی و امنیت اجتماعی با تأکید بر رهیافت پلیس محور». فصلنامه علمی پژوهشی انتظام اجتماعی. سال اول، شماره اول. ۲۹-۹.
- شیر، مرتضی. (۱۳۹۰). «بررسی میزان سلامت اجتماعی افراد کم‌توان جسمی- حرکتی و عوامل مؤثر بر آن در شهر تهران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مددکاری اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- صالح، صلاح‌الدین. (۱۳۸۸). «بررسی تأثیر حمایت‌های اجتماعی بر میزان سلامت اجتماعی همسران جانبازان اعصاب و روان در شهر تهران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مددکاری اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- کدخدایی، فاطمه و لطفی، سروش. (۱۳۹۲). «سنجش میزان سلامت اجتماعی دانش‌آموزان دختر مقطع دبیرستان‌های شهر شیراز و بررسی عوامل مؤثر بر آن». فصل‌نامه پژوهش اجتماعی. سال پنجم، شماره بیستم، صص ۱۸۳ تا ۲۰۷.
- گنجی، حمزه. (۱۳۸۳). بهداشت روانی. تهران: نشر ارسباران
- محمدنبی، مریم. (۱۳۸۱). «تأملی در سلامت اجتماعی». نشریه حدیث زندگی. شماره ۷.
- مردانی، عارفه. (۱۳۹۳). «بررسی عوامل مؤثر بر سلامت اجتماعی دانشجویان دانشگاه یزد». پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه علوم اجتماعی.
- ململی درهی، فروزان. (۱۳۹۴). «بررسی برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت اجتماعی (مورد مطالعه: شهروندان ۱۸ سال به بالاتر شهر اهواز)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- مولایی، جابر. (۱۳۹۶). «بررسی عوامل مؤثر بر سلامت اجتماعی در استان ایلام». طرح پژوهشی، دانشگاه پیام نور استان ایلام.
- نیک‌ورز، طحیه. (۱۳۸۹). «بررسی عوامل مؤثر بر سلامت اجتماعی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه شهید باهنر کرمان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات

- و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- واتیزمن، آلیس (۱۳۶۷). **رشد اجتماعی**. سیما نظری. چاپ دوم، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان اسلامی ایران
 - وحیدفاضل، فریده. (۱۳۹۱). «**سلامت اجتماعی جوانان و عوامل مؤثر بر آن در شهر تهران**». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه الزهرا (س).
 - وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی. (۱۳۸۵). **عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت**. معاونت سلامت، دبیرخانه عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت.
 - Berkman, Lisa, Glass, Thomas, Brissette, Ian, Seeman, Teresa. (2000). **“From social integration to health: Durkheim in the new millennium”**. Social science & Medicine, 51, 843-857.
 - Blanco, Amalio & Diaz, Dario. (2007). **“Social order and mental health: a social well-being approach”**. Autonoma university of Madrid, psychology in Spain, vol. 11.
 - Han, S., Kim, H. & Lee, H. (2012). **“A multilevel Analysis of Social Capital and Self-reported health: evidence from Seoul, Korea”**. International Journal Equity in Health 11 (3) 12- 1.
 - Keyes, C. L.M & Shapiro, Adam. (2004). **Social well-being in the United States: A Descriptive Epidemiology**.
 - Keyes, Corey Lee, M. (1998). **“Social well-being”**. Social psychology quarterly, vol. 61, N.2, pp121-190.
 - Keyes, Corey Lee.M. (2002). **“The Mental Health Continuum: From languishing to flourishing in life”**. Journal of Health and Social Research, 43. 207- 222.
 - Larson, James. (1996). **“The measurement of social well-being”**. Social Indicators Research 28, pp 285-296.
 - Larson, James. (1996). **“The measurement of social well-being”**. Social Indicators Research, 28, pp 285-296.
 - Li, T. and Zhang, Y. (2015). **“Social network types and the health of older adults: Exploring reciprocal associations”**. Social Science & Medicine, Vol 130: 59–68.
 - Raphael, D. (2009). **Social Determinants of Health: Canadian Perspectives**. 2nd edition. Toronto: Canadian Scholars' Press.
 - Stephens, C.; Alpass, F.; Towers, A. and Stevenson, B. (2011). **“The effects of types of social networks, perceived social support, and loneliness on the health of older people: accounting for the social context”**. Journal of Aging Health, 6:887 -911.
 - Vergolini, L. (2011). **“Social cohesion in Europe: how do the different dimensions of inequality affect social cohesion?”**. International Journal of comparative sociology, 3: 197-214.
 - World Health organization. (1979). **Health for all**. Sr. No5.

پژوهش کیفی پیامدهای رابطه خارج از ازدواج دختران جوان با جنس مخالف

منصور فتحی^۱
محمد تقی کرمی قهی^۲
مرضیه پور اسمعیلی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱/۱۱

با توجه به روند رو به رشد روابط خارج از ازدواج دختران با جنس مخالف در سال‌های اخیر، پژوهش حاضر با هدف فهم عمیق تجربه زیسته دختران از پیامدهای این نوع رابطه صورت گرفته است. روش پژوهش کیفی و از نوع پدیدارشناسی است. با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند و در نظر گرفتن ملاک اشباع نظری، با ۳۰ دختر ۱۸ تا ۳۱ سال ساکن شهر تهران مصاحبه به عمل آمد. جهت گردآوری اطلاعات از مصاحبه نیمه ساختارمند و تحلیل آن‌ها از تحلیل مضمونی یا تماتیک بهره گرفته شد. یافته‌های این پژوهش در ۴ طبقه اصلی شامل «چالش‌های درون رابطه»، «چالش‌های بیرون رابطه»، «رابطه به مثابه امکانی برای شکوفایی» و «تعلیق خود» طبقه بندی شدند. بر اساس نتایج حاصل از پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که رابطه با جنس مخالف افزون بر کسب تجربه و افزایش شناخت نسبت به جنس مخالف، بدبینی به جنس مخالف، ترس از برقراری رابطه و مشکلات جسمی و روحی را برای دختران به همراه داشته است.

واژگان کلیدی: دختران، روابط جنسی پیش از ازدواج، هنجارشکنی، رابطه با جنس مخالف و تجربه زیسته

۱. استادیار، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۲. دانشیار، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۳. کارشناس ارشد، مطالعات زنان، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

ارتباط با جنس مخالف که زمینه ساز ازدواج و تشکیل خانواده است، در زمره قدیمی ترین روابط بشری است. از جمله مسائل نوپدیدی که در سال های اخیر توجه محققان را به خود جلب کرده است، تغییر الگوهای ارزشی در زمینه برقراری رابطه با جنس مخالف و معاشرت های پیش از ازدواج است.

علی رغم تغییرات وسیع جامعه به ویژه در حوزه فرهنگ و افزایش روابط جنسی پیش از ازدواج در بین جوانان در چند سال اخیر، باید در نظر داشت که هنوز هم عدم ایجاد این نوع روابط با جنس مخالف از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و تغییرات به وجود آمده در بین جوانان نتوانسته است از اهمیت این مسئله در بین خانواده ها و نسل های پیشین بکاهد. با وجود این، نمی توان این مسئله را از نظر دور داشت که گسترش روابط پیش از ازدواج جوانان با جنس مخالف بی تاثیر بوده است، چرا که همه این تغییر و تحولات شرایطی را ایجاد کرده اند که دختران نیز مانند پسران دست به تجربه های جدید و پنهان در حوزه روابط شخصی خود با جنس مخالف زده و باز تعریفی جدید و متفاوت درباره این موضوع کماکان حائز اهمیت به دست داده اند (ذکایی، ۱۳۹۵: ۱۲۲).

به اعتقاد متخصصان و صاحب نظران در حوزه علوم اجتماعی، روابط جنسی پیش از ازدواج به سرعت در حال افزایش است و این خود زمینه ساز بروز بحرانی فراگیر شده است. شکل گیری این نوع از روابط به صورت پنهان و به دور از نظارت والدین سبب بروز و گسترش روابط جنسی در بین جوانان شده است که نه تنها بر روابط امروز آنها، بلکه بر روابط پیش رو در آینده نیز تأثیر گذار خواهد بود و مهم تر از آن عاملی در شکل گیری موج سوم ایدز در ایران است (بهروزیان و حسنوند، ۱۳۹۵: ۱۸۹). در گذشته کمتر شاهد هنجارشکنی در این حوزه بودیم، اما امروزه شاهد نوعی دوگانگی و تناقض نسبت به این مسئله هستیم. از جمله دلایل وقوع این امر می توان به تغییر ارزش ها در بین جوانان، تغییرات بین نسلی، تغییرات فرهنگی که خود به دلایل متعدد از جمله دسترسی بیشتر به رسانه ها و استفاده گسترده تر از فضای مجازی اتفاق می افتد، اشاره کرد. به علاوه، تعامل با جنس مخالف نیز افزایش پیدا کرده است و موجب پیدایش سبک های جدیدی از زندگی از جمله همباشی یا هم خانگی شده است که با فرهنگ دینی، سنتی و عرفی جامعه ما همخوانی ندارد. در این بین، پرداختن به مسائل مربوط به روابط بین دو جنس با توجه به تغییرات گسترده و چشمگیر در این حوزه در سال های اخیر از این جهت حائز اهمیت است که کشور ما نیز به عنوان یکی از جوامعی که در تعامل تنگاتنگ و مداوم با دنیای مدرن قرار دارد، از این رهگذر دستخوش تغییرات غیر قابل انکاری شده است (آزاد ارمکی و شریفی ساعی، ۱۳۹۰: ۴۳۹-۴۳۵). از آنجا که در کشور ما قوانین و ارزش های دینی و سنتی حکمفرما هستند و در آن ها چهارچوب تعریف شده ای برای رفتار متقابل بین دو جنس و نحوه عملکرد جنسی افراد به ویژه تأکید بر حیا و عفت جنسی زنان تعیین شده است و همچنین با توجه به اینکه نحوه برخورد با این مسئله از نگاه دینی شکل دهنده قوانین مربوط به آن در اداره جامعه و تعیین کننده رفتارهای افراد آن اجتماع می باشد، بنابراین فهم تجربه دختران دارای سابقه روابط جنسی پیش از ازدواج با جنس مخالف از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

در بین جوانانی که به دنبال ارضای نیازهای جنسی خود خارج از چهارچوب ازدواج هستند، تجربه دختران دارای این نوع از روابط در مقایسه با پسران کاملاً متفاوت و بسیار پیچیده تر است؛ به این معنا که دخترانی که

وارد این نوع از روابط می شوند به دلیل عدم پذیرش و ممنوعیت بیشتر آن از طرف جامعه و خانواده دچار احساسات منفی بیشتری می شوند و این مسئله تاثیر به سزایی در روح و روان این دختران بر جای می گذارد. پیامدهای این نوع روابط تنها به بعد عاطفی محدود نشده و ابعاد دیگری همچون پیامدهای روانی، اخلاقی، اجتماعی، خانوادگی و غیره را نیز در برمی گیرد. در کنار پیامدهای منفی، این نوع از روابط می تواند در جهت بلوغ فکری، روانی و اجتماعی افراد نیز موثر واقع شوند (خلج آبادی فراهانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹-۱۱). بنابراین از آنجا که افراد در موقعیت های مختلف رفتارهای متفاوتی را از خود بروز می دهند، این نحوه مواجهه بسته به تجربه و شخصیت فرد متفاوت خواهد بود؛ به این معنا که همین امر سبب به کارگیری استراتژی ها و راهکارهای گوناگونی در افراد شده و به نوعی با ایجاد خلاقیت موجب تشخیص دهی به افراد می شود.

گسترش این نوع از روابط به همراه خود مسائل و مشکلاتی را برای دختران در زندگی کنونی و آینده شان به وجود آورده است. از جمله می توان به دغدغه این دختران برای ترمیم پرده بکارت و هزینه ای که در اثر این مسئله گریبان گیر آن ها می شود، افزایش پنهان کاری و فریب در جامعه جهت اقدام به ازدواج، خوردن برچسب منحرف، افزایش سن ازدواج، ایجاد دلهره و نگرانی جهت تشکیل زندگی مشترک و مسائلی که پس از آن به وجود می آیند از جمله ترس از پی بردن همسر و یا خانواده همسر به روابط جنسی پیش از ازدواج و لکه دار شدن آبروی دختر و خانواده اش پس از اطلاع دیگران نسبت به این موضوع، از دست رفتن زندگی مشترک پس از آگاهی نسبت به این مسئله و در موارد شدید و در اثر عصبیت های قومی موجود در بعضی از خانواده های ایرانی اقدام به قتل وی برای پاک کردن لکه این ننگ اشاره کرد. بنابراین پرداختن به مسئله روابط جنسی پیش از ازدواج از این جهت که زندگی دختران جامعه ما را به شدت تحت تاثیر خود قرار داده، حائز اهمیت بسیار است.

مسئله برقراری رابطه با جنس مخالف، موضوعی است که صرفاً مسئله فردی و دغدغه دختران نیست، بلکه این موضوع برای پسران و خانواده هایشان در هنگام ازدواج همچنان از اهمیت ویژه ای برخوردار است و به همین جهت پرداختن به مسائل خاص دختران و درک و فهم تجارب زیسته آن ها بسیار دارای اهمیت است، به خصوص که این مسئله به تشکیل خانواده و استحکام بنیان آن ارتباط ویژه ای پیدا می کند. ضرورت انجام این گونه پژوهش ها از آنجا ناشی می شود که جوانانی که درگیر روابط جنسی پیش از ازدواج می شوند معمولاً از دریافت اطلاعات کافی و خدمات مناسب برای محافظت از خود در برابر خطراتی چون بارداری های ناخواسته و سقط جنین و همچنین بیماری های مقاربتی از جمله ایدز، هپاتیت و غیره در جامعه محروم می باشند. در نتیجه بیشتر احتمال دارد که این گونه جوانان در معرض پیامدهای جسمانی و عواقب روانی ناشی از روابط محافظت نشده پیش از ازدواج و خشونت های جنسی متعاقب آن قرار گیرند که اینها همگی خود به علت حساسیت های فرهنگی و مذهبی باور غالب در جامعه به وقوع می پیوندد. کمبود تحقیقات مرتبط در این زمینه سبب شده است که مسئولان ذی ربط تمامی اشکال روابط جنسی پیش از ازدواج در سال های اخیر را به یک دیده بنگرند و متعاقب آن از دادن راهکارهای مناسب و درک پیچیدگی های حاکم بر واقعیت های اجتماعی عاجز شوند و در نتیجه آن درک خاستگاه های برآمده از این گونه روابط را در نیابند. بنابراین عدم شناخت دقیق از این گونه مسائل و معضلات اجتماعی سبب می شود که راه های تشخیص و درمان آنها نیز با بن بست مواجه شود (آزاد ارملی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵).

پرداختن به پیامدهای روابط جنسی پیش از ازدواج از این جهت که زندگی دختران و نیز نهاد خانواده را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده، حائز اهمیت است. از آنجا که این مسئله در سال‌های اخیر شیوع بیشتری پیدا کرده، ولی پژوهش‌های اندکی در این زمینه صورت گرفته، ضرورت پرداختن به این موضوع، آسیب شناسی این نوع روابط و بررسی ابعاد گوناگون آن به ویژه تأکید بر بعد نامتعارف و تابو بودن آن که هنوز هم از اهمیت بسیار بالایی در جامعه ما برخوردار است، دو چندان می‌نماید. پژوهش حاضر با هدف فهم عمیق تجربه زیسته دختران از رابطه جنسی خارج از ازدواج و پیامدهای این نوع رابطه صورت گرفت. بنابراین، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال اصلی است که دختران جوان دارای سابقه رابطه با جنس مخالف چه تجربه‌ای در این زمینه دارند و با چه پیامدهایی مواجه هستند؟

پیشینه پژوهش

بر اساس نظر یکی از داوران محترم، پژوهش‌ها بر اساس جدیدترین به قدیم تر و همچنین تفکیک داخلی و خارجی ارایه شده است.

کوساسلان اوایک و همکاران در سال ۲۰۱۶ در ترکیه حقیقی با عنوان «تعیین دانش سلامت دانش آموزان مدارس، نگرش‌ها و رفتارهای مرتبط با سلامت جنسی در شرق ترکیه» انجام دادند. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که ۸ درصد از دختران و ۳۵/۱ درصد از پسران فعالیت‌های جنسی داشته‌اند. دانش سلامت جنسی دانش آموزان مدارس ناکافی بوده و رفتارها و نگرش‌های آن‌ها تحت تأثیر دیدگاه‌های سنتی و فهم تمایلات جنسی در بین دو جنس متفاوت بوده است.

نتایج مطالعه یپ^۱ و دیگران (۲۰۱۳) بر روی ۱۱۲۶ جوان ۱۷ تا ۲۷ ساله ازدواج نکرده هنگ کنگی نشان می‌دهد که اغلب آن‌ها (۶۳/۸ درصد) نگرش سهل گیرانه^۲ به روابط جنسی پیش از ازدواج داشتند. حدود ۶۰ درصد نگرش محافظه کارانه^۳ درباره علت روابط جنسی و پارتنرهای متعدد جنسی داشتند. مردان نگرش‌های سهل گیرانه بیشتری نسبت به زنان در مورد رفتارهای پرخطر جنسی داشتند. نتایج رگرسیون لجستیک نشان می‌دهد بالا رفتن سن، فرزند طلاق بودن، ادامه تحصیل ندادن و داشتن نگرش‌های سهل گیرانه و لیبرال احتمال درگیری در روابط جنسی پیش از ازدواج یا رفتارهای پرخطر جنسی را افزایش می‌دهد.

نتایج پژوهش صالح^۴ و دیگران (۲۰۱۲) که بر روی در نوجوانان مالزی انجام گرفت، نشان داد که داشتن نگرش‌های مجاز^۵ به روابط جنسی پیش از ازدواج و اعتقادات مذهبی ضعیف، خطر درگیری در روابط جنسی را افزایش می‌دهد.

نتایج مطالعه سانتیا و همکاران (۲۰۰۹) با عنوان «روابط جنسی پیش از ازدواج در بین جوانان هند» نشان می‌دهد که برخلاف تابوهای اجتماعی- فرهنگی، جوانان در هند به رفتارهای جنسی پیش از ازدواج روی آورده‌اند و اغلب جوانان درگیر در این نوع از روابط، اطلاعات بسیار کمی در زمینه مسائل جنسی داشته‌اند.

1. Yip
2. liberal attitudes
3. conservative attitudes
4. Salleh
5. permissive attitudes

نتایج مطالعه زاهدی اصل و دیگران (۱۳۹۷) با عنوان «تجارب و چالش‌های دختران دارای سابقه هم خانگی یا همبازی» که به روش پدیدارشناسی انجام گرفته نشان می‌دهد که افراد مشارکت کننده در کنار احساس برابری جنسیتی و استقلال و آزادی عمل بیشتر و تغییر نگرش به نقش‌های جنسیتی، با چالش‌های جدی از جمله: انگ و طرد اجتماعی، کاهش سرمایه اجتماعی، احساس ناامنی، رفتارهای پرخطر (مصرف مواد و سیگار و...) و خشونت مواجه بودند.

فرا تحلیل خلج آبادی فراهانی (۱۳۹۵) با عنوان «روابط با جنس مخالف قبل از ازدواج در بین جوانان در ۱۵ سال گذشته (۱۳۹۴-۱۳۸۰) در ایران» نشان می‌دهد که شیوع روابط جنسی پیش از ازدواج در تهران ۲۲/۵ درصد و در سایر استان‌ها ۱۴/۷ درصد برآورد شده است. بر اساس این مطالعه، حدود یک ششم جوانان در معرض ابتلای به خطرات سلامتی (بیماری‌ها) و اجتماعی (افزایش سن ازدواج) ناشی از این نوع از روابط هستند.

۲۸۳

ذکایی و شرعی نژاد (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان «روابط جنسی پیش از ازدواج در میان جوانان؛ الگوها، انگیزه‌ها، پاداش‌ها و هزینه‌ها» انجام دادند. این پژوهش به روش کیفی و تحلیل آن تماتیک انجام گرفته است. براساس نمونه گیری هدفمند با ۲۴ نفر از دختران و پسران طبقه متوسط ساکن شهر تهران مصاحبه به عمل آمد. براساس نتایج حاصله از پژوهش، آنچه دختران در رابطه به ترتیب اهمیت در پی کسب آن هستند شامل ازدواج، تامین نیازهای عاطفی، جنسی، فراغتی و مالی بوده و در ازای آن هزینه‌هایی همچون فرصت سوزی، تاریخ انقضا و سوء پیشینه را می‌پردازند. در مقابل، پسران نیز به دنبال تامین نیازهای جنسی و عاطفی و به تاخیر انداختن ازدواج هستند و در ازای آن متحمل هزینه کردن سرمایه اقتصادی و وقت و انرژی هستند. از آنجا که منافع و مضرات رابطه برای دختران بیشتر، پیچیده تر و به هم مرتبط هستند، از این رو، تصمیم جهت برقرار کردن رابطه و ورود به آن برای آن‌ها با ملاحظات و حساسیت‌های بیشتر ارزشی، هنجاری و اخلاقی همراه است.

بهروزیان و حسونند (۱۳۹۵) مطالعه‌ای با عنوان «بازسازی معنایی روابط جنسی پیش از ازدواج به روش نظریه زمینه‌ای» انجام دادند که هشت مقوله اصلی با عناوین وسایل جدید ارتباطی، فشار گروه‌های دوستان، رفتار فراغتی، هویت یابی جنسی، نیاز عاطفی (روابط عاشقانه)، روابط مبتنی بر عشق سیال، فرصت و امکان ارتباط و جابه‌جایی اهداف ارزشی به دست آمد. مقوله هسته‌ای در این پژوهش، «ارزش‌های رهایی بخش جنسی» است.

نتایج مطالعه کیفی ذوالفقاری و رضائی (۱۳۹۵) نشان می‌دهد که دختران در تعاملات جنسی بازاندیشی نموده‌اند. برخی از دختران مشارکت کننده برخلاف آموزه‌های اجتماعی، مذهبی و فرهنگی، روابط جنسی خارج از چارچوب زناشویی را خارج از اشکال دانسته و عده دیگری نیز این نوع روابط را در صورتی که در بستر روابط عاشقانه معطوف به ازدواج باشد، درست می‌دانند.

اگرچه در تحقیقات انجام شده در خارج از ایران در مورد روابط جنسی پیش از ازدواج، شاهد تفاوت و تنوع بیشتر در حوزه روش‌شناسی و تکنیک‌های استفاده شده و جمعیت مورد مطالعه هستیم، اما چنین موضوعاتی باید در بستر و زمینه فرهنگی - اجتماعی خاص خود مورد مطالعه قرار گیرند؛ چرا که این نوع از موضوعات از فرهنگی به فرهنگ دیگر کاملاً متفاوت و متغیر بوده و در بسیاری از جوامع غربی و صنعتی پیشرفته دیگر

دارای اهمیت پیشین نبوده و از ممنوعیتی بالا همچون کشورهای در حال توسعه و سنتی برخوردار نیستند. بررسی‌های انجام شده در مورد موضوع مورد مطالعه نشانگر این است که بیشتر تحقیقات صورت گرفته در این زمینه با توجه به حساسیت موضوع در فرهنگ و جامعه ایران از تعدد و تکرر بالایی برخوردار نیست. برای شناخت درست و فهم عمیق نسبت به این مسئله و درک جهان زیسته کنشگران و سوژه‌های فعال در این زمینه، به ویژه درک چگونگی عملکرد و دلایل دخیل برای دخترانی که دست به تجربه این نوع از روابط می‌زنند، با توجه به ممنوعیت، چند لایه بودن و پیچیدگی بیشتر این مسئله در رابطه با آن‌ها در جامعه ایران پژوهش‌های کیفی دارای ظرفیت و قابلیت فهم بهتری هستند. تجربه زیسته و جهان ذهنی کنشگران دختر کمتر مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است و این خود به اهمیت این مسئله با توجه به تغییرات فرهنگی و ارزشی صورت گرفته می‌افزاید.

چهارچوب مفهومی پژوهش

با توجه به اینکه در بررسی‌های کیفی از چهارچوب مفهومی صرفاً جهت افزایش حساسیت نظری محقق استفاده می‌شود و مانند بررسی‌های کمی از چهارچوب نظری استفاده نمی‌شود، بنابراین نظریاتی که در ذیل به آن‌ها اشاره خواهد شد، جهت فهم بهتر موضوع پژوهش و تبیین کارآمدتر آن به کار خواهند رفت. نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی کاهش کارایی نهادهای اجتماعی مانند خانواده و تضعیف تقیدهای خویشاوندی به عنوان نیروهای غیر رسمی کنترل اجتماعی، همچنین کاهش انسجام سنتی اجتماعی که پیامد رشد سریع صنعتی شدن، شهرنشینی و مهاجرت فزاینده به سوی حوزه‌های شهری است را باعث افزایش جرایمی همچون: قتل، سرقت، انحرافات جنسی و اعتیاد می‌داند (احمدی، ۱۳۹۶). «علت واقعی تمام پدیده‌های مربوط به بی‌سازمانی خانوادگی را باید در نفوذ ارزش‌های جدید خاص چون ارضای لذت جویانه خواهش‌های جنسی جستجو کرد. پدیده خاص بی‌سازمانی اجتماعی شامل اصلاح حتمی گرایش‌های پیشین تحت تأثیر ارزش‌های جدید است که به ظهور گرایش‌های نو یا کم و بیش متفاوت خواهند انجامید» (رابینگتن و واینبرگ، ۱۳۹۳: ۵۸). در حالی که در نظام گذشته افراد تحت تأثیر نگرش‌های جمع‌گرایانه به دنبال جامع عمل پوشاندن به تمایلات و آرزوهای خود بودند، در جامعه مدرن کنونی تنها نگرش‌های فردگرایانه اند که پاسخگوی نیازها و خواسته‌های انسان مدرن هستند. انسان مدرن جدا افتاده از جامعه تنها در قالب نگرش‌های فردگرایانه است که می‌تواند به ارزش‌های لذت جویانه، جنسی، اقتصادی و غیره خود پاسخ دهد. در نتیجه بی‌سازمانی خانواده به عنوان یک گروه اولیه، پیامد اجتناب ناپذیر تمدن جدید است.

«نظریه برچسب»، بر نقش برچسب‌هایی که بر فرد زده می‌شود تأکید می‌کند. از این رو شاید یکی از دلایلی که دختران دارای تجربه این نوع از روابط از بیان آن خودداری کرده و آن را از دید افراد پنهان نگاه می‌دارند این باشد که انگ و برچسب منحرف خورده می‌شوند و این مسئله خود سبب ادامه این چرخه خواهد شد و نه تنها جلوی صدمات وارده را نخواهد گرفت، بلکه در ارائه راه حل و راهکار نیز ناتوان خواهد ماند. بر طبق نظرات رادیکال فمینیست‌ها، زنان نیز حق دارند که بر نحوه استفاده از بدن خود و چگونگی برخورداری از سرمایه جنسی شان تسلط داشته باشند. از آنجا که جامعه ما نیز از گزند تغییرات اقتصادی-اجتماعی و به ویژه فرهنگی همچون سایر جوامع در امان نبوده است، بنابراین نحوه نگرش دختران جامعه ما در مورد

تعامل با جنس مخالف و میزان پیش روی در آن با تاکید بر برخورداری از سرمایه جنسی خود نیز دچار تغییر و تحولات عمیقی گشته است. از این رو، تغییر در ارزش ها و نگرش های دختران جامعه ما نسبت به مسئله باکرگی و تجربه روابط جنسی پیش از ازدواج بی تاثیر از نظریات فمینیستی و ویژه رادیکال فمینیست ها نبوده است. براساس نظر رونالد اینگلهارت^۱ توسعه اقتصادی منجر به ایجاد تحول در ارزش های فرهنگی می شود و این امر خود منجر به جایگزینی ارزش های فرامادی (آزادی، ابراز عقیده و ...) به جای ارزش های مادی (پول و ثروت) خواهد شد. اینگلهارت بیان می دارد که پس از ظهور الگوهای متفاوت اقتصادی و سیاسی، نشانه های تغییرات فرهنگی را می توان در زوال گرایش های مذهبی سنتی و هنجارهای اجتماعی و جنسی مشاهده کرد. بر این اساس می توان حرکت نظام فرهنگی از سنتی به مدرن و سپس فراتر از مدرن که از جمله عمومی ترین جهت گیری ها در تغییرات فرهنگی است، مشاهده کرد. از این رو، توجیه افزایش روابط جنسی پیش از ازدواج در بین جوانان و کم رنگ شدن باکرگی به عنوان هنجاری ارزشمند در بین دختران قابل فهم تر می شود (آزاد ارمکی و مسقطیان، ۱۳۸۰: ۲۱-۱۸).

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر، کیفی از نوع پدیدارشناسی است و برای تحلیل داده ها از تحلیل مضمون یا تماتیک بهره گرفته شد. با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند و گلوله برفی و در نظر گرفتن ملاک اشباع اطلاعات، ۳۰ دختر ۱۸ تا ۳۱ سال ساکن شهر تهران که ویژگی های ورود به مطالعه را داشتند (دارای حداقل یک بار رابطه جنسی پیش از ازدواج و شرکت آگاهانه و با رضایت در پژوهش) در این پژوهش شرکت نمودند. در نمونه گیری هدفمند، نمونه گیری تا جایی ادامه پیدا می کند که داده ها به حد اشباع برسند و این از طریق تکراری شدن اطلاعات دریافتی مشخص می شود (استراوس و کربین، ۱۳۹۰: ۲۹۲). ابزار جمع آوری اطلاعات، مصاحبه عمیق فردی و نیمه ساختار یافته بود که طی آن شرکت کنندگان تجربه خود از پیامدهای روابط نامتعارف جنسی پیش از ازدواج شان را به تفصیل بیان داشتند. مدت مصاحبه ها بین ۳۰ تا ۸۰ دقیقه بود. اطلاعات جمع آوری شده براساس سوالات و اهداف پژوهش و با استفاده از شیوه تحلیل مضمونی یا تماتیک مقوله بندی شده و در ارتباط با هم مورد تحلیل قرار گرفتند. برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد^۲، از سه تکنیک متعارف و مرسوم زیر استفاده گردید (کوال و برینکمن^۳، ۲۰۰۹):

مقایسه های تحلیلی: در این روش به داده های خام رجوع و مقوله ها و مفاهیم به دست آمده با داده های خام مقایسه و ارزیابی گردید.

استفاده از تکنیک ممیزی: در این زمینه سه متخصص در حوزه تحلیل تماتیک، بر مراحل مختلف مفهوم سازی و استخراج مقولات نظارت داشتند.

بازبینی توسط مشارکت کنندگان: مفاهیم و مقولات به دست آمده در اختیار برخی از دختران شرکت کننده قرار گرفت و آن ها تایید نمودند.

در ابتدای مصاحبه در مورد هدف پژوهش، حفظ گمنامی و محرمانه بودن اطلاعات، اختیاری بودن شرکت

1. Ronald Inglehart

2. Trustworthiness

3. Kvale & Brinkmann

در مطالعه و برخورداری از حق کناره گیری از پژوهش به مشارکت کنندگان توضیح داده شد. به منظور ضبط مصاحبه‌ها قبل از شروع مصاحبه، از مشارکت کنندگان اجازه گرفته شد و همچنین رضایت خود را از انتشار نتایج پژوهش اعلام نمودند. داده‌های خام مطالعه در جای امنی نگه داری شد و تنها برای تیم تحقیق قابل دسترسی بود.

یافته‌های پژوهش

از نظر سطح سواد، ۲۶ نفر دارای مدرک کارشناسی و ۴ نفر کارشناسی ارشد هستند. از این تعداد ۱۸ نفر شاغل و ۱۲ نفر غیر شاغل هستند. همچنین از این تعداد ۱۶ نفر با خانواده، ۸ نفر ساکن خوابگاه و ۶ نفر دارای خانه مستقل می‌باشند. در این پژوهش بعد از گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه به دسته بندی طبقات اصلی، طبقات فرعی و کدها پرداخته شد که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌گردد.

● رابطه به مثابه امکانی برای شکوفایی

ورود به هر ارتباطی دارای جنبه‌های مثبت و منفی بسیاری است که این مسئله خود می‌تواند سبب پیشرفت رابطه مورد نظر در کنار کنشگران موجود در رابطه شود و به مثابه امکانی جهت شکوفایی تلقی شود و یا موجب رکود رابطه و کنشگران حاضر در رابطه شود. شرکت کنندگان در پژوهش حاضر علاوه بر بیان پیامدهای منفی رابطه به بیان پیامدهای مثبتی نیز اشاره کرده اند.

جدول ۱: رابطه به مثابه امکانی برای شکوفایی

طبقه اصلی	طبقه فرعی	کدها
رابطه به مثابه امکانی برای شکوفایی	رشد فردگرایی	اهمیت دادن به بدن
		لذت فردی
		عدم پایبندی به باورهای سستی و مقابله با آن
	افزایش شناخت خود و جنس مخالف	کسب مهارت در برقراری ارتباط با جنس مخالف
		کسب تجربه و بلوغ فکری
		شناخت جنس مخالف

رشد فردگرایی

در دهه‌های اخیر شاهد تغییر نگرش زنان نسبت به مقوله بدن و لذت فردی بوده‌ایم؛ به طوری که امروز زنان نیز مانند مردان برای خود حقی نسبت به مالکیت بر بدن خود قائل هستند و در این زمینه عاملان به برخورد می‌کنند و نه تنها در مورد نوع و نحوه پوشش، آرایش کردن، عمل‌های زیبایی و غیره دست به هنجارشکنی زده اند، بلکه در زمینه‌هایی که پیش از این به عنوان مسائل ممنوعه و تابو در نظر گرفته می‌شدند نیز ساختارها و هنجارهای موجود را به چالش کشیده اند. در واقع از آنجا که برقراری رابطه جنسی در حوزه مسائل شخصی دسته بندی می‌شود، زنان نیز مانند مردان برای خود این حق را قائل شده اند و تصمیم گیری در این زمینه را

در حیطه اختیارات خود در نظر می گیرند.

«ببین چون که بدن اولین چیزیه که تو باهаш برخورد داری دیگه بنابراین تو باید نسبت بهش عاملانه برخورد کنی و نه به شکل منفعل، نباید بذاری که بقیه نسبت به بدن تو تصمیم بگیرن و به تو بگن که حالا تو در مورد بدن خودت چه کاری بکنی و چه کاری نکنی. رابطه جنسی داشتن من به بقیه هیچ ربطی نداره و این یک مساله شخصی است (شرکت کننده شماره ۴)».

افزایش شناخت خود و جنس مخالف

یکی از پیامدها و دستاوردهای مثبت حاصل از برقراری ارتباط با جنس مخالف می تواند رسیدن به شناخت نسبت به خود و دیگری و یا رشد و بلوغ فکری برای فرد باشد. افراد در حین تجربه رابطه با دیگری به ابعاد وجودی مثبت و منفی خود پی می برند و از این طریق می توانند جهت تقویت نقاط مثبت و یا رفع نواقص خود و حتی دیگری اقدام کنند. در پژوهش حاضر و براساس متن مصاحبه ها شرکت کنندگان در پژوهش به افزایش اعتماد به نفس جهت ارتباط با جنس مخالف، کسب تجربه، برخورد منطقی و معقول با رابطه، رشد فکری، اجتماعی و غیره به عنوان پیامدهای مثبت حاصل از رابطه اشاره کرده اند.

«به نظر من خیلی تأثیر مثبت داشته، چون آدم شناسی من رو قوی کرده. من اگه نداشتم الان مثل یه دختر ۱۸ ساله بودم، از لحاظ مغزی می گم ها حالا شاید سنم رفته باشه بالا، شاید از لحاظ اجتماعی حالا یه تجربه هایی، ولی واقعا از لحاظ جنس مخالف به هیچ دیدگاهی نمی رسیدم. الان نه، الان وقتی یه مرد باهام حرف می زنه تا تهش رو می تونم بخونم که اون داستانش چیه، چی می خواد ازم. چون رابطه جنسی رو تجربه کردم انقدر احساس می کنم شناخت پیدا کردم (شرکت کننده شماره ۱۵)».

● مشکلات و چالش های درون رابطه

برقراری هر نوع رابطه، مستلزم وجود عواملی است که این عوامل می توانند مربوط به خود افراد درگیر در رابطه باشند و یا عواملی که از بیرون و خارج از رابطه بر کیفیت آن و نحوه تعامل کنش گران تأثیر می گذارند. برای مثال، می توان به عوامل داخلی از جمله ویژگی های شخصیتی و رفتاری فرد اشاره کرد که خود متاثر از محیط تربیتی است که فرد در آن رشد پیدا کرده و شخصیتش شکل گرفته است و یا به عوامل خارجی که از بیرون وارد شده و بر کیفیت رابطه اثر می گذارند اشاره کرد، از جمله: خانواده، دوستان و غیره. باید در نظر داشت که هر رابطه ای به همراه خود چالش ها و مشکلاتی را به بار می آورد و هیچ رابطه ای بدون وجود مشکل نیست. برقراری رابطه با جنس مخالف در قالب روابط گذارا و ناپایدار دوست پسر و دوست دختری دارای چالش ها و مشکلات خاص خود است.

جدول ۲: چالش‌های درون رابطه

طبقه اصلی	طبقات فرعی	کدها
چالش‌های درون رابطه	عدم تفاهم	اختلاف فکری، فرهنگی و غیره
		عدم بلوغ فکری
		دعوا کردن
	زوال رابطه	پنهان کاری و دورغ
		خیانت
		تلاش نکردن برای حفظ رابطه
	مالکیت مردانه	غیرتی بودن (مردسالاری)
		دخالت بیش از حد
		احساس تملک
		رفتار کنترل گری

عدم تفاهم

از جمله چالش‌های درون یک رابطه می‌توان به عدم تفاهم و تطابق طرفین در زمینه‌های گوناگون اشاره کرد که باعث بروز مشکلاتی برای کنشگران درگیر در رابطه می‌شود. در صورتی که این مشکلات جزئی بوده و از اهمیت بالایی برخوردار نباشند، به بدنه رابطه ضربه محکمی وارد نخواهد شد و با تلاش طرفین جهت رفع آن، مسئله حل خواهد شد. اما اگر مشکل برآمده از تفاوت‌های عمیق و بنیادین در زمینه مسائل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و غیره باشد می‌تواند در کیفیت و حتی موجودیت رابطه ایجاد مشکل کند و رابطه را به سمت اضمحلال سوق دهد.

«رابطه قبلیم که خب این آدم با اینکه ۳۰ سالش بود، اصلاً بالغ نبود. به پسر بچه شیطون شکست خورده‌ای که سر هر چیزی ناراحت می‌شد. جای من و اون عوض شده بود، اینکه همش ناز می‌کرد و ناز بکشی یا اینکه کلاً مقصر می‌خواست جلوه بده، اشتباه‌هاش رو قبول نمی‌کرد، دعوای این طوری زیاد داشتیم (شرکت کننده شماره ۱۶)».

«سر حرف الکی یهو سوء تفاهم بشه چه من چه اون و در نهایت باز مقصر من می‌شدم یا اگه شعورش می‌رسید گاهی معذرت خواهی می‌کرد، سر اشتباهی که کرده، یه مقدار نابالغ بود حالا نمی‌دونم شاید همه شون این طورین. تا حالا من هر پسری شناختم این طوری بوده (شرکت کننده شماره ۲۰)».

زوال رابطه

یکی دیگر از چالش‌ها و مشکلات درون رابطه به عدم صداقت و پنهان کاری، خیانت و حتی تلاش نکردن یا کمتر تلاش کردن یکی از طرفین برای پیشبرد رابطه باز می‌گردد؛ در حالی که طرف دیگر درگیر در رابطه برای حفظ ثبات و کیفیت رابطه تلاش بیشتری می‌کند. از نظر تعدادی از مشارکت کنندگان، مردان درگیر در این گونه از روابط به پایبندی و تعهد در رابطه اعتقاد چندانی نداشته و جهت حفظ آن تلاشی نمی‌کنند و این خود برآمده از فرهنگ حاکم بر جامعه سنتی است که این نوع از روابط را صرفاً جهت گذران وقت و از سر

کنجکاوی و یا تامین نیازهای جنسی کوتاه مدت می‌دانند. این در حالی است که دختران درگیر در این نوع از روابط به آن‌ها به چشم پلی جهت رسیدن به روابط بلند مدت و پایدار نگاه می‌کنند و از همین روست که برای حفظ کیفیت و ثبات رابطه تلاش بیشتری می‌کنند.

«درچند ماه اول رابطه مون با دوست دختر قبلش یه جورایی ارتباط داشت. بعد خب من رفتم پیاما رو خوندم و بعد دعوا شد. از اون موقع هی سر هر مسئله‌ای بحث پیش میاد، من اینو میگم که تو بهم خیانت کردی و خب پسرا تو ایران اکثرا این طورین که خب دوست دخترمه زنم که نیست که حالا بخوام بهش اون قد وفادار باشم(شرکت کننده شماره ۲۶)».

مالکیت مردانه

با وجود مدرن بودن این نوع از روابط هنوز هم شاهد تاثیر فرهنگ غالب که همان فرهنگ مردسالار حاکم بر جامعه است، می‌باشیم و این خود به وضوح تقابل بین سنت و مدرنیته را به نمایش می‌گذارد؛ به این معنی که مردان درگیر در این نوع از روابط با وجود علم و آگاهی در مورد جایگاه خود به عنوان دوست پسر باز هم تحت تاثیر فرهنگ و شیوه تربیتی، حیطه اثرگذاری و نفوذ خود را به عنوان همسر ارتقا داده و در تمامی حوزه‌های شخصی و غیر شخصی طرف درگیر در رابطه که به عنوان دوست دختر تعریف شده است، دخالت می‌کنند. این مسئله خود نشان از این دارد که با وجود افزایش این نوع از روابط در سطوح مختلف جامعه هنوز هم تعریف مشخص و واضحی برای جایگاه افراد حاضر در این نوع از روابط وجود ندارد؛ به این معنا که اگرچه افراد شرکت کننده در این نوع از روابط کلیت این رابطه را به عنوانی بخشی از فرهنگ مدرنیته پذیرفته اند، اما با شرایط و قوانین حاکم بر آن کنار نیامده اند.

«به خاطر دوست داشتن طرف مجبور بودم جلوش کوتاه بیا. به مرور زمان متوجه شدم که انگار داره هویت من عوض میشه، مثلاً اینجوری بودم که باید برم جایی، گزارش بدم. یه جوری کنترل می‌شم، جلو پیشرفتم داره گرفته میشه. یعنی من خیلی جاها باید می‌رفتم مثلاً می‌خواستم کار کنم در زمینه کاری یا هر چیزی که بود و خب اجازه به من داده نمی‌شد و بعد کم کم دیگه به دعوا کشیده می‌شد (شرکت کننده شماره ۹)».

● چالش‌های بیرون رابطه

از جمله عوامل خارجی که از بیرون وارد شده و بر کیفیت رابطه اثر می‌گذارند می‌توان به دخالت و کنار نیامدن خانواده‌ها، عدم پذیرش فرد از طرف دوستان و یا خانواده، ایجاد مزاحمت و دخالت همسایه‌ها، دوستان و غیره و عدم حمایت مالی و عاطفی خانواده‌ها اشاره کرد.

جدول ۳: چالش‌های بیرون رابطه

طبقه اصلی	طبقه فرعی	کدها
چالش‌های بیرون رابطه	عدم پذیرش	کنار نیامدن خانواده
		طرد از طرف دوستان یا خانواده
		عدم حمایت مالی و عاطفی خانواده
	دخالت دیگران	دخالت خانواده
		ایجاد مزاحمت و دخالت همسایه‌ها، دوستان و غیره

عدم پذیرش

اگرچه در سال‌های اخیر این نوع از روابط در بین برخی از جوانان در حال حل شدن می‌باشد، اما در بین نسل‌های پیشین یعنی والدین این افراد هنوز مورد پذیرش قرار نگرفته است. عدم پذیرش این نوع از روابط توسط خانواده‌ها و جامعه خود موجب بروز و شکل‌گیری مشکلات و چالش‌هایی برای کنشگران درگیر در روابط می‌شود.

«توی رابطه خانواده‌ها خیلی مشکل ایجاد می‌کردن، نه خانواده من و نه خانواده اون هیچ کدوم این نوع رابطه را قبول نداشتند. مادرم می‌گفت که با دوست پسر خانۀ ما نیا همسایه‌ها حرف در می‌آورند (شرکت کننده شماره ۵)».

● تعلیق خود

به دلیل افزایش سن ازدواج و عدم تأمین نیازهای جنسی، افراد برای تأمین این نیازها در قالب رابطه‌ای غیر از رابطه تعریف شده از طرف جامعه هستند که این مسئله به دلیل تابو بودن رابطه جنسی و ضرورت حفظ بکارت برای دختران، مشکلاتی را به همراه خود به وجود می‌آورد. از جمله می‌توان به ترس از دست دادن بکارت، ابتلا به بیماری‌های جنسی و جسمی، ترس از برچسب خوردن، ترس از دست رفتن رابطه و غیره اشاره کرد.

جدول ۴: تعلیق خود

طبقه اصلی	طبقات فرعی	کدها
تعلیق خود	سیالیت و ابهام	ورود به رابطه جدید بدون وقفه زمانی
		درگیری در روابط زودگذر
		سرگردانی در روابط متعدد
		رابطه بدون وجود علاقه
		احساس سردرگمی بعد از چند رابطه
	ترس از آینده	احساس پشیمانی از رابطه
		ترس از برچسب خوردن
		ترس از مواجهه با مسئله پس از بکارت زدایی
		سرزنش خانواده و اطرافیان
		ایجاد مشکلات جسمی
	دغدغه‌های جسمانی و سلامتی	احتمال بیماری‌های مقاربتی
		نفرت از بدن
		بدبین شدن به جنس مخالف
	تزلزل اعتماد	ترس از ضربه خوردن بیشتر
		عدم احساس امنیت

سیالیت و ابهام

دنیای مدرن امروز، دنیای روابط ناپایدار و گسستنی است؛ روابطی که به راحتی شکل می‌گیرند و پس از گذشت زمان کوتاهی به سرعت فسخ می‌شوند. این ناپایداری و با دوام نبودن روابط باعث ایجاد ناامنی در کنشگران می‌شود، چرا که هیچ قطعیت و تضمینی وجود ندارد که موجب ایجاد امنیت و آرامش برای فرد شود. از طرفی برای کنشگرانی که در پی تن دادن به مسئولیت سنگین تعهد و رابطه طولانی مدت نیستند، راحتی خیال را به ارمغان می‌آورد. در واقع بسیاری از کنشگران امروز به دنبال روابطی هستند که در آن‌ها آزادی شان سلب نشود. در پژوهش حاضر نیز شرکت کنندگان به سیالیت روابط و احساس سردرگمی ناشی از آن‌ها اذعان داشته‌اند.

«همه شون خیلی بهم چسبیده بودن؛ یعنی مثلاً فک کن اولی تموم شد، یک ماه و خورده‌ای بعد دومی شروع شد. اون تموم شد، یعنی دقیقاً توی یه فاصله دو هفته‌ای، سومی شروع شد... (شرکت کننده شماره ۱)».

ترس از آینده

شیوع و افزایش روابط جنسی پیش از ازدواج خود مستلزم کم رنگ شدن مسئلهٔ باکرگی به عنوان هنجاری ارزشمند است که در وضعیت کنونی جامعهٔ ما این مسئله به وضوح قابل مشاهده است. افزایش این نوع از روابط و به حاشیه رانده شدن موضوع باکرگی خود سبب بروز مسائل و مشکلاتی برای دختران شده است. به عنوان مثال، می‌توان به پشیمانی فرد از برقراری رابطه جنسی اشاره کرد که باعث بروز مشکلاتی از جمله ازدواج فرد در آینده اشاره کرد. در پژوهش حاضر نیز شاهد پشیمانی بعضی از شرکت کنندگان هستیم که در پی آن باعث ایجاد مشکل برای فرد شده است.

«توی رابطه احساس پشیمونی می‌کردم با اینکه دوستش داشتم. با اینکه الان می‌گم یه تجربه ست، واقعا حس می‌کردم یه شکست بود برام. نباید مثلاً این کار رو می‌کردم، نباید سمتمش می‌رفتم تو تنهایم، گریه می‌کردم و ناراحت می‌شدم (شرکت کننده شماره ۱۱)».

دغدغه‌های جسمانی و سلامتی

از جمله معایب برقراری روابط جنسی نامتعارف می‌توان به بروز مشکلات و عوارض جسمانی و روانی برای فرد اشاره کرد که چرخهٔ طبیعی زندگی وی را دچار اختلال می‌کند. این عوارض می‌توانند به صورت گذرا و دوره‌ای همچون ایجاد افسردگی در فرد، از دست دادن اعتماد به نفس و غیره و یا به صورت دائمی و همراه با مشکلات جدی ظاهر شوند، به عنوان مثال، احتمال ابتلا به بیماری‌های مقاربتی، وقوع بارداری‌های ناخواسته، سقط جنین و غیره اشاره کرد که برای فرد مخاطرات بسیاری را به همراه می‌آورند. در واقع، وقوع مشکلات جسمانی و سلامتی برای دختران به مراتب از پسران حادث‌تر بوده و آن‌ها را به واسطهٔ نظارت و کنترل بیشتر از جانب خانواده و جامعه در شرایط سخت تری قرار می‌دهد.

«با دعوا از هم جدا شدیم، چون که یه بیماری جنسی رو به من انتقال داد. بعد زیر بار نمی‌رفت، در صورتی که دکتره گفت که او به شما انتقال داده. بعد اون به من تهمت زد تو با یکی دیگه هم رابطه داشتی به من چه. برای همین برام خیلی سنگین تموم شد و جدا شدم ازش (شرکت کننده شماره ۱۵)».

تزلزل اعتماد

یکی از دلایلی که دختران را به قبول رابطه جنسی با جنس مخالف متمایل می‌کند این است که ضمن رسیدن به شناخت از جنس مخالف و ارضای نیازهای عاطفی و جنسی شان بتوانند از این طریق محبت فرد را برای خود حفظ کنند و در رابطه‌ای با کیفیت بهتر و حتی بلند مدت تر که احتمال رسیدن به زندگی مشترک را برای طرفین افزایش می‌دهد، درگیر شوند. از این رو برای آن عده از دخترانی که از ابتدا هم با رغبت و تمایل قلبی وارد این شکل از رابطه نشده بودند و مسئولیت برقراری رابطه را آگاهانه و با خواست صد درصدی نپذیرفته بودند، احتمال ایجاد پشیمانی وجود دارد و همین امر خود باعث مشکلات عدیده‌ای برای آن‌ها از جمله بدبین شدن نسبت به جنس مخالف، ترس از ضربه خوردن بیشتر، عدم احساس امنیت و غیره می‌شود.

«احساس می‌کنم که رابطه داشتن با جنس مخالف یه ذره باعث شده که من بعد از اون ارتباطی که داشتم بدبین بشم به مردهایی که دور و برم هستن؛ یعنی بعد از اینکه من درواقع رابطه جنسی برقرار کردم دچار یک چنین حسی شدم. ولی خب با اینکه خیلی هاشون نمی‌دونن، ولی هر کسی که میاد سمت من این نگاه و این دیدگاه در من به وجود میاد که این با یه همچین دیدگاهی اومده».

۲۹۲

بحث و نتیجه گیری

براساس نظریه تغییرات فرهنگی، امروزه شاهد تغییراتی در نگرش‌ها و ارزش‌های افراد جامعه و متعاقب آن بروز بی‌هنجاری و آنومی در برخی حوزه‌ها هستیم که برقراری روابط جنسی پیش از ازدواج دختران در زمره این دسته از ناهنجاری‌ها قرار می‌گیرد. این نوع روابط کماکان به صورت پنهانی و در لایه‌های زیرین جامعه در حال وقوع است و همین امر نشان می‌دهد که حفظ بکارت هنوز هم به عنوان هنجاری ارزشمند در جامعه در نظر گرفته می‌شود و دختران به دلیل ترس از برچسب منحرف از طرف خانواده و جامعه به پنهان کاری در این زمینه روی می‌آورند. در این راستا نقش گروه دوستان و همسالان را نمی‌توان نادیده گرفت. در واقع، بودن در گروه دوستان با هنجارهای نامتعارف جامعه، در کنار داشتن خانواده با نگرشی سهل‌گیرانه سبب بروز انواع انحرافات از جمله انحرافات جنسی در جوانان می‌شود. بر اساس نتایج حاصل از پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که برخی از دختران در جامعه ما به عنوان کنشگرانی عامل دست به انتخاب می‌زنند و برقراری رابطه با جنس مخالف و متعاقب آن پذیرش مسئولیت این رابطه نیز از این قاعده مستثنی نیستند. با وجود تابو بودن مسئله و ممنوعیت بالای آن شاهد هنجارشکنی و به نوعی روند نوگرایی هستیم. به عبارت دیگر، دیگر مانند گذشته باکرگی به عنوان هنجاری ارزشمند حداقل برای قشر خاصی از دختران در نظر گرفته نمی‌شود و تحولات گسترده‌ای در این زمینه، اگرچه در لایه‌های زیرین جامعه و به صورت پنهانی در حال وقوع است. هر رابطه‌ای می‌تواند دارای پیامدهای مثبت و منفی باشد که روابط دوست‌پسر-دوست دختری نیز از این قاعده مستثنی نیستند. در این راستا طبقه اصلی «رابطه به مثابه امکانی برای شکوفایی» به عنوان پیامد مثبت برآمده از رابطه در نظر گرفته می‌شود که دارای دو طبقه فرعی «رشد فردگرایی» و «افزایش شناخت خود و دیگری» است. در دهه‌های اخیر شاهد تغییر نگرش زنان نسبت به مقوله بدن و لذت فردی بوده‌ایم؛ به طوری که امروزه زنان نیز مانند مردان برای خود حقی نسبت به مالکیت بر بدن خود قائل هستند و در این زمینه عاملانه برخورد می‌کنند.

برقراری رابطه با جنس مخالف نیز بسته به هدف و خواسته‌ای که طرفین از آن دارند، می‌تواند کنشگران را در رابطه درگیر کند و زمان و انرژی زیادی را از آن‌ها بگیرد و موجب رشد آن‌ها در کنار یکدیگر شود و به رابطه جهت‌ی متفاوت بدهد و یا به صورتی مخرب خساراتی را به افراد درگیر در رابطه وارد کند و تجربه‌ای تلخ را برای آن‌ها به جای بگذارد. همچنین اگر اثرات حاصل از رابطه به صورت مثبت باشند، افراد می‌توانند به شناخت نسبت به خود و یا دیگری نائل آیند. براساس اصل «توسعه و تداوم روابط در ارتباط میان فردی»، ارتباط تنها به منظور انتقال معانی انجام نمی‌گیرد، بلکه به تولید معانی و مبادله شناخت‌های دیگر نیز منجر می‌شود. به عنوان مثال، دختر و پسر که با هم صحبت می‌کنند، علاوه بر بیان انتظارات از یکدیگر، شکل برخورد با طرف مقابل، سطح دوستی شان را نیز تعیین می‌کنند و بر این اساس می‌آموزند که چگونه یکدیگر را راضی نگه دارند و اختلافات موجود را حل کنند. از این رو نمی‌توان ارتباطات انسانی را ایستا در نظر گرفت و سطح پیش روی در آن‌ها را تعیین کرد (جوکار، ۱۳۹۲). در پژوهش حاضر شرکت کنندگان بیان داشتند که برقراری این نوع از روابط برای آن‌ها دستاوردهایی نیز به همراه داشته است؛ از جمله: افزایش اعتماد به نفس جهت ارتباط با جنس مخالف، کسب تجربه، برخورد منطقی و معقول با رابطه، رشد فکری، اجتماعی و غیره. یکی از مضامین اصلی به دست آمده در پژوهش حاضر، «چالش‌های درون رابطه» است که دارای سه مضمون فرعی «عدم تفاهم»، «زوال رابطه» و «مالکیت مردانه» می‌باشد. این مضمون نشان می‌دهد که دختران جوان در برقراری دوستی و روابط جنسی پیش از ازدواج با پسران با چالش‌های بین فردی مواجه هستند. عدم تطابق فکری، فرهنگی، اجتماعی و غیره یکی از مواردی است که باعث ایجاد مشکل برای دختران درگیر در این نوع از روابط شده بود. از جمله رفتارهای تنش زای جنس مخالف که دختران به عنوان چالش‌های بین فردی بر آن‌ها تاکید داشتند، می‌توان به قهر کردن، کنترل کردن طرف رابطه، رفتارهای بچه گانه، حساسیت بیش از حد، زود رنج بودن، جا به جایی نقش‌ها، دعوا کردن و غیره اشاره کرد.

براساس مضمون فرعی «زوال رابطه»، یکی دیگر از مشکلات درونی مرتبط با رابطه، به عدم صداقت و پنهان کاری، خیانت و تلاش نکردن طرفین جهت پیشبرد رابطه مربوط می‌شود. در واقع زمانی که اهداف پسران و دختران جهت برقراری ارتباط و تشکیل رابطه از دو سنخ کاملاً متفاوت و گاه بی ربط به یکدیگر باشند، بروز این نوع مشکلات و چالش‌ها چندان دور از انتظار نخواهد بود. به عبارت دیگر، هدف اولیه برای برقراری ارتباط با جنس مخالف از دیدگاه پسران بیشتر تامین نیازهای جنسی و در درجه دوم، نیازهای عاطفی قرار دارد، در حالی که برای دختران تامین نیازهای عاطفی در درجه اول اهمیت و بعد از آن نیازهای مالی، جنسی و غیره قرار دارند. از طرف دیگر، همین تفاوت در اهداف و خواسته‌ها سبب بروز مشکلات دیگری نیز می‌شوند. به عنوان مثال، زمانی که پسران اولویت اول را به تامین نیازهای جنسی بدهند، همین امر سبب می‌شود که در راستای تامین این نیاز به پنهان کاری و دروغ و حتی خیانت نیز اقدام کنند، در حالی که در همین زمان دختران برای کیفیت و حل مشکلات تلاش می‌کنند تا وقت و انرژی که برای رابطه سرمایه گذاری کرده اند به نتیجه مطلوب تری برسد و این تضاد در اهداف و خواسته‌ها طرفین درگیر در رابطه را رو در روی هم قرار می‌دهد و مشکلات موجود را دو چندان می‌کند. گیدنز در رابطه ناب نیز به تغییر ارتباطات انسان‌ها اشاره می‌کند و معتقد است: «آنچه هم اکنون برای افراد مهم است، خود رابطه، تعهد و صمیمیت و اعتماد است، نه مزایای اقتصادی و اجتماعی و چون افراد در رابطه صمیمیت و اعتماد ندارند، روابط پایان می‌یابد» (گیدنز، ۱۳۹۳).

«مالکیت مردانه» مضمون فرعی دیگری است که درصدد بیان تقابل بین سنت و مدرنیته در روابط دوست پسر- دوست دختری است که خود بخشی از فرهنگ مدرنیته و فرآیند صنعتی شدن است. اگرچه کنشگران جوان جامعه ما نیز در راستای فرآیند صنعتی شدن این نوع از روابط را پذیرفته اند، اما به دلیل اینکه هنوز هم برای این نوع از روابط تعریف مشخصی وجود ندارد، این پذیرش به صورت کامل و درست صورت نگرفته است. به عبارت دیگر، از آنجا که فرهنگ حاکم بر جامعه ما، مردسالار می باشد، این امر سبب شده است تا در موقعیت هایی که برآمده از فرهنگ مدرنیته هستند این تضادها به وضوح خود را نمایان سازند. به عنوان مثال، می توان به روابط دوست پسر- دوست دختری اشاره کرد که اگرچه در سال های اخیر به صورت قابل ملاحظه ای در میان نسل جوان افزایش داشته است، اما اصول حاکم بر آن از سوی کنشگران مرد درگیر در رابطه پذیرفته نشده اند. به عبارت دیگر، مردان خواهان برقراری این نوع از روابط و تامین نیازهای جنسی، عاطفی و غیره خود هستند و واقف به محدودیت های این نوع از روابط از جمله کوتاه مدت، غیر رسمی بودن و غیره نیز می باشند، اما نقش خود را به عنوان دوست پسر و نه همسر نپذیرفته و گاهی شاهد اعمال نفوذ بیجا و بیش از حدشان در تمامی حوزه های دختران درگیر در روابط و انتظار ایفای نقش های همسرانه از سوی آنها هستیم. در پژوهش حاضر نیز شاهد پذیرش بیشتر این نوع از روابط و قواعد حاکم بر آن از سوی دختران هستیم، در حالی که همین امر از طرف پسران با دشواری ها و سختی های بیشتری رو به روست. در واقع از آنجا که شرایط ازدواج برای دختران به مراتب سخت تر از پسران است و دختران با علم به این مسائل وارد رابطه ای می شوند که می دانند ممکن است در آینده برای ازدواج شان و مسائلی از این دست دردسر ساز شود، اما آنها را پذیرفته و همین امر موجب می شود که از توانایی بیشتری نیز برای وفق دادن خود با قواعد و قوانین حاکم بر این نوع از روابط مدرن برخوردار شوند؛ در حالی که تطابق دادن خود با قوانین حاکم بر این نوع از روابط برای پسرانی که اغلب اوقات با چالش ها و محدودیت های بسیار کمتری در مقایسه با دختران و به دلیل بودن در جامعه ای مردسالار مواجه هستند به مراتب دشوارتر است و این مسئله موجب می شود که پسران کمتر خود را با شرایط موجود وفق دهند و بیشتر به فکر تغییر قوانین و قواعد حاکم بر رابطه باشند.

طبقه اصلی دیگری با عنوان «چالش های بیرون از رابطه» است که از جمله آنها می توان به دخالت و کنار نیامدن خانواده ها، عدم پذیرش فرد از طرف دوستان و یا خانواده، ایجاد مزاحمت و دخالت همسایه ها، دوستان و غیره، عدم حمایت مالی و عاطفی خانواده ها اشاره کرد. در پژوهش حاضر نیز اغلب مشارکت کنندگان به وجود مواردی از این دست که از بیرون رابطه بر کیفیت رابطه اعمال قدرت می کنند و سبب ایجاد مشکل و چالش در رابطه می شوند، اشاره کرده اند.

براساس طبقه فرعی «عدم پذیرش»، هم زمان با صنعتی شدن جوامع شاهد تغییرات چشمگیری در شکل و نوع روابط نیز هستیم. این مسئله قاعده ای جهان شمول است که شامل کشور ما نیز می شود. به عنوان مثال، روابط دوست پسر- دوست دختری که در سال های اخیر در کشور ما شیوع پیدا کرده اند از جمله لوازم مدرنیته هستند که دستاورد تعامل با کشورهای صنعتی شده غربی به شمار می آیند و هنوز در فرهنگ و جامعه در حال گذار ما تعریف مشخص و روشنی برای آن وجود ندارد. اگرچه این نوع از روابط در میان نسل جوان طرفداران خاص خود را دارد و نمی توان وجود این نوع از روابط و این دسته از کنشگران را انکار کرد، اما پذیرش این نوع از روابط غیر رسمی و غیر شرعی برای نسل های گذشته با مشکلاتی رو به روست و همین امر

و تضاد موجود سبب می شود که با دخالت و عدم پذیرش این نوع از روابط از طرف خانواده ها مواجه باشیم. در واقع به میزان عدم پذیرش این نوع از روابط از سوی خانواده ها، شکل چالش ها و مشکلات ایجاد شده در رابطه نیز متفاوت خواهد بود. شرکت کنندگان در پژوهش حاضر نیز به وجود این نوع عوامل خارجی اذعان داشته اند و بیشتر این مشکلات براساس گفته های آن ها برآمده از خانواده طرف درگیر در رابطه یعنی پسران بوده است و کمتر شاهد دخالت گروه دوستان، همسایه ها و غیره بوده ایم. به عبارت دیگر، هنوز هم پذیرش دوست دختر پسر به عنوان عروس برای خانواده های ایرانی همراه با سختی است و آن ها معتقدند که روابط دختر و پسر باید بر اساس مقررات و در چهارچوب ازدواج صورت گیرد و روابط خارج از این ازدواج را انحراف از ارزش ها و هنجارها قلمداد می کنند و آن ها را طرد می نمایند- در بخش یافته ها با کد طرد از سوی خانواده ارایه شده است. گافمن معتقد است وقتی فردی به عنوان کجرو برچسب می خورد، سرنوشت او تغییر می کند. بنابراین دیگران هستند که او را به سوی همنشینی با کجروان سوق می دهند. در نتیجه مجازاتی که قرار بود از انحراف جلوگیری کند، خود عامل انحراف بیشتر می شود (علیرضا نژاد و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵۹-۱۶۰). در واقع یکی از دلایلی که این دسته از دختران را مجبور به پنهان نمودن این نوع از روابط می کند، فرار از برچسب منحرف یا کجرو است که چالش های موجود در رابطه را دو چندان می کند.

طبقه اصلی «تعلیق خود» با داشتن چهار طبقه فرعی «سیالیت و ابهام»، «ترس از آینده»، «دغدغه های جسمانی و سلامتی» و «تزلزل اعتماد» بیان می دارد که اگرچه برقراری ارتباط با جنس مخالف دارای جنبه های مثبت است، اما جنبه های منفی نیز دارد که گاه روح و روان و حتی جسم فرد را نیز تحت تاثیر خود قرار می دهد. در جامعه سیال مدرن، افراد هیچ گونه پیوند ناگسستنی و همیشگی ندارند و خواهان پیوندهای سست و بی قید و بند هستند و رابطه را نوعی سرمایه گذاری می دانند و در این رابطه انتظار منفعت دارند (باومن، ۱۳۸۴). در این پژوهش نیز مطابق با نظریه عشق سیال باومن، افراد برای رهایی از تعهد پیوندهای سستی را ایجاد می کنند و به محض یافتن فردی بهتر رابطه قبلی را پایان می دهند. سیالیت روابط در ارتباط با جنس مخالف رایج می باشد. با توجه به بافت فرهنگی جامعه ما، برقراری رابطه با جنس مخالف برای دختران بیش از پسران همراه با هزینه ها و مشکلات است؛ چرا که با وجود کاهش میزان ازدواج و متعاقب آن افزایش آمارهای طلاق، نیازهای افراد نیز فرصت تامین شدن در قالب رابطه رسمی و شرعی را پیدا نمی کنند و همین امر سبب می شود که کنشگران رابطه های مدرن دوست پسر- دوست دختری خواهان تامین نیازهای بی پاسخ مانده و سرکوب شده خود در این نوع از روابط باشند و همین امر ریسک خطرهای برآمده از این نوع روابط را برای دختران جامعه مردسالار ما در مقایسه با پسران به شدت افزایش می دهد. خطرات حاصل از این نوع از روابط برای دختران عبارت اند از: ترس از دست دادن بکارت، ابتلا به بیماری های جنسی و جسمی، ترس از برچسب خوردن، ترس از دست رفتن رابطه، بارداری های ناخواسته و غیره.

نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد که برخی از مشارکت کنندگان از توانایی و خودکارآمدی لازم جهت مدیریت تعامل با جنس مخالف و نحوه برخورد صحیح بی بهره بودند و همچنین شرکت کنندگان به سیالیت، گذرا و کوتاه بودن روابط خود اذعان داشتند. باید توجه داشت که این سیالیت در روابط موجب ایجاد تنش، عدم امنیت و برخوردار نبودن از رابطه ای توأم با آرامش برای افراد درگیر در رابطه می شود و متعاقب با آن افراد جهت تسکین دهی به خود رابطه های کوتاه مدت متعدد و بدون کیفیت را تجربه خواهند کرد. همچنین

نتایج حاصل از پژوهش حاضر با نتایج برآمده از پژوهش رحمانی و همکاران (۱۳۹۳) همسوست. آشکار شدن برقراری رابطه جنسی دختران با جنس مخالف موجب برچسب منحرف خوردن آن‌ها از طرف خانواده و جامعه می‌شود و برای شان معضلات فراوانی را به بار می‌آورد. برخی از شرکت کنندگان پژوهش به دلیل از دست دادن بکارت، تجربه احساس عذاب وجدان، سردرگمی و پشیمانی داشتند و عده‌ای نیز به دلیل داشتن موقعیت ازدواج درصدد پیدا کردن راهکاری جهت رفع این مشکل برآمده بودند. مطابق با نظریه برچسب زنی، زمانی که فرد براساس هنجارها و ارزش‌های تعیین شده از طرف جامعه رفتار نمی‌کند، برچسب منحرف، مجرم و یا کجرو خورده و مستحق مجازات و جریمه می‌باشد (ستوده، ۱۳۹۶).

برقرار کردن روابط جنسی پیش از ازدواج در جامعه ما برای دختران به مراتب دارای مجازات‌ها و معضلات سنگین تری است و همین مسئله موجب شده است که دخترانی که در این زمینه دست به هنجارشکنی می‌زنند، به پنهان کاری روی آورند. در پژوهش حاضر نیز برخی از شرکت کنندگان اذعان داشتند که برقراری این نوع از روابط برای آن‌ها مشکلات جدی جسمانی و روانی ایجاد کرده است. به عنوان مثال، افسردگی، تشنج، عوارض پوستی، روی آوردن به سیگار، نفرت از بدن، ابتلا به بیماری‌های مقاربتی، بدبینی به جنس مخالف، احساس ناامنی و غیره از جمله مواردی بودند که شرکت کنندگان به آن‌ها اشاره نمودند.

در مجموع، پژوهش در زمینه مسائل مرتبط با روابط جنسی امری دشوار می‌باشد که این مسئله در کشور ما با توجه به بافت فرهنگی و تابویی بودن آن با سختی بیشتری همراه است. بنابراین جلب اعتماد و رضایت مشارکت کنندن برای انجام مصاحبه زمان بر بود.

در راستای کاهش چالش‌های دختران درگیر در روابط جنسی با جنس مخالف پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

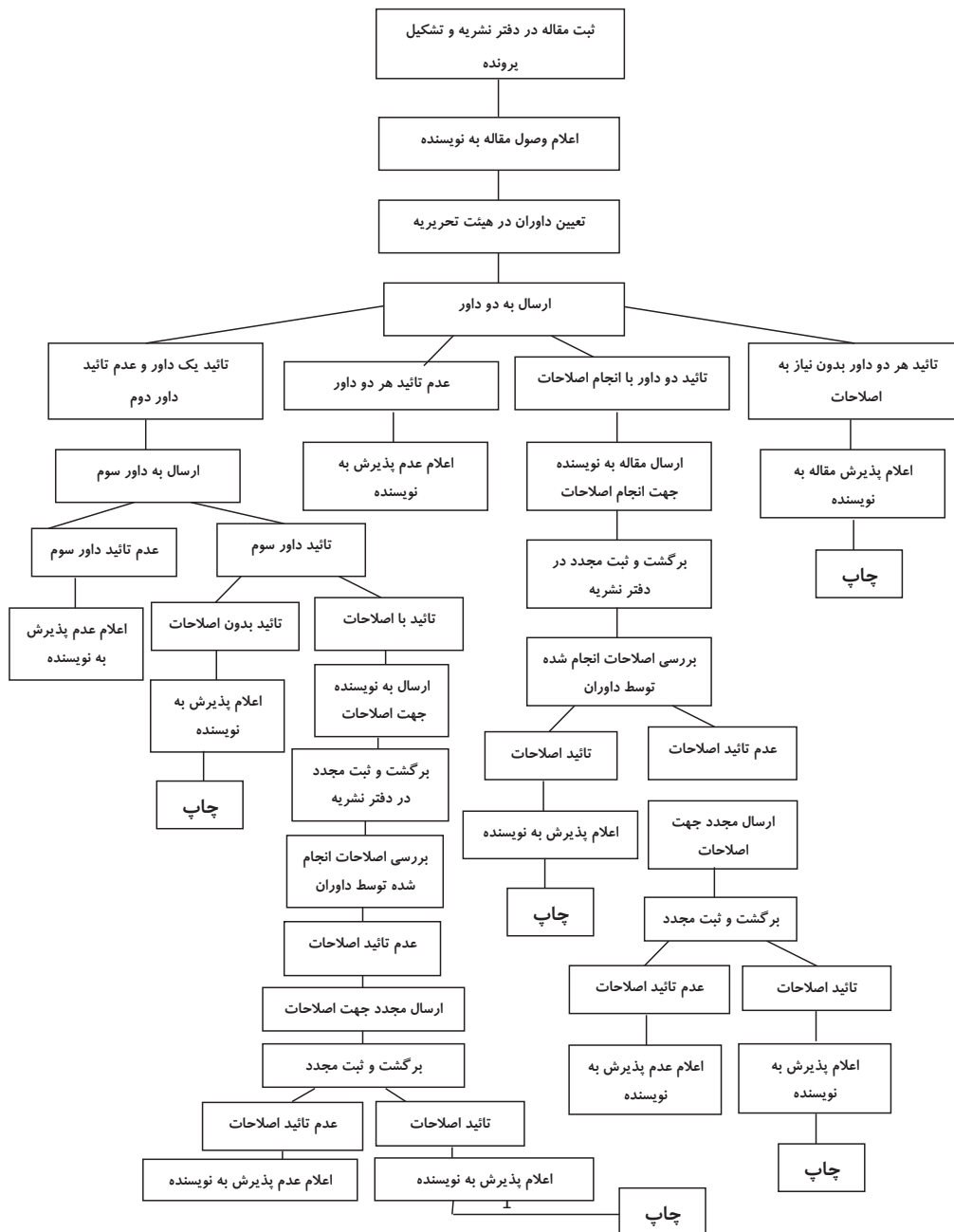
- فراهم کردن زمینه اوقات فراغت مناسب برای دختران؛
- ایجاد نگرش مثبت به ازدواج و تسهیل زمینه‌های آن از طریق راه اندازی مراکز همسان‌گزینی علمی و انجام مشاوره‌های رایگان قبل از ازدواج و کاهش هزینه‌های ازدواج؛
- آموزش نحوه تعامل مناسب والدین با فرزندان و پذیرش آن‌ها و ارایه حمایت‌های لازم؛
- برگزاری کلاس‌های آموزشی در زمینه شیوه تعامل صحیح با جنس مخالف، بیماری‌های مقاربتی و عفونی و سلامت جنسی.

منابع

- احمدی، حبیب. (۱۳۹۶). *جامعه شناسی انحرافات*. چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت
- آزاد ارمکی، تقی و شریفی ساعی، محمدحسین. (۱۳۹۰). «تبیین جامعه شناختی روابط جنسی آنومیک در ایران». *فصلنامه خانواده پژوهی*. سال هفتم، شماره ۲۸، ص ۴۳۵-۴۶۲.
- آزاد ارمکی، تقی و مسقطیان، بهمن. (۱۳۸۰). «تغییرات فرهنگی در استان مازندران (آزمون تجربی نظریه اینگلهارت)». *پژوهش نامه علوم انسانی و اجتماعی*. شماره ۳، ص ۴۰-۱۳.
- باومن، زیگمونت. (۱۳۸۷). *اشارات های پست مدرنیته*. حسن چاوشیان. تهران: ققنوس
- بهروزیان، بهروز و حسنوند، احسان. (۱۳۹۵). «بازسازی معنایی روابط جنسی پیش از ازدواج: ارائه یک نظریه زمینه‌ای». *مجله علوم اجتماعی (دانشگاه فردوسی مشهد)*. شماره ۲۸، ص ۱۸۷-۲۱۲.
- جوکار، محبوبه. (۱۳۹۲). «خانواده و پیشگیری از روابط ناسالم دختر و پسر». *پژوهش نامه مطالعات اسلامی زنان و خانواده*. سال اول، شماره ۱، ص ۸۱-۹۹.
- خلیج آبادی فراهانی، فریده. (۱۳۹۵). «فراتحلیل روابط با جنس مخالف قبل از ازدواج در بین جوانان در ۱۵ سال گذشته (۱۳۸۰-۱۳۹۴) در ایران». *فصلنامه خانواده پژوهی*. سال دوازدهم، شماره ۴۷، ص ۳۶۷-۳۳۹.
- خلیج آبادی فراهانی، فریده؛ کاظمی پور، شهلا و رحیمی، علی. (۱۳۹۲). «بررسی تاثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج و تمایل به ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران». *فصلنامه خانواده پژوهی*. سال نهم، شماره ۳۳، ص ۷-۲۸.
- ذکایی، محمد سعید و شرعی نژاد، زکیه. (۱۳۹۵). «روابط جنسی پیش از ازدواج در میان جوانان؛ الگوها، انگیزه‌ها، پاداش‌ها و هزینه‌ها». *مطالعات جنسیت و خانواده*. سال سوم، شماره ۱.
- ذوالفقاری، ابوالفضل و رمضانی، اکرم. (۱۳۹۵). «آسیب شناسی روابط خارج از عرف دختران». *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*. شماره ۴.
- رایینگتن، ارل و واینبرگ، مارتین. (۱۳۹۳). *رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی*. رحمت اله صدیق سروستانی. تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران
- رحمانی، اعظم و همکاران. (۱۳۹۳). «تبیین نقش خودکارآمدی دختران جوان بر مشارکت در رفتار مخاطره آمیز جنسی». *مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت*. سال چهارم، شماره ۱.
- زاهدی اصل، محمد؛ فتحی، منصور و محمد زاده، رقیه. (۱۳۹۷). «تجارب و چالش‌های دختران دارای سابقه هم خانگی یا همبازی». *چکیده مقالات سومین همایش آسیب‌های اجتماعی کشور*.
- ستوده، هدایت الله. (۱۳۹۶). *آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات)*. چاپ پنجم، تهران: انتشارات آوای نور
- علیرضا نژاد، سهیلا و همکاران. (۱۳۹۵). «برزخ تن، تناقض در هویت جنسی و جنسیتی: مطالعه‌ای در سازگاری اجتماعی ناراضیان جنسی». *فصلنامه علوم اجتماعی*. دوره ۲۳، شماره ۷۲، ص ۱۴۹-۱۹۱.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۳). *تجدد و تشخیص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)*. ناصر موفقیان. چاپ نهم، تهران: نشر نی

- Kusaslan Avcı, Dilek et al. (2016). **“The determination of health school student’s knowledge, attitudes and behaviors on the matter of sexual health in Eastern Turkey”**. Department of family medicine, Medical faculty of Yuzuncu Yil university, Eastern journal of medicine, Van, Turkey.131- 137.
- Kvale, Steinar. and Svend, Brinkmann. (2009). **Interviews: Learning the Craft of Qualitative Research Interviewing**. Second Editions, Sage Publications
- Obiageli Anene, Jane et al. (2017). **“Variables influencing premarital sex among secondary school adolescents in Anambra state, Nigeria”**. Ebonyi state university, Enugu state, Nigeria. Journal of community & public health nursing. Volume 3, Issue 4.
- Santhya, K.G et al. (2009). **Premarital sexual relations among youth in India: findings from youth in India: situations and needs.**
- Yip, Paul SF, Huiping Zhang, Tai-Hing Lam, Kwok Fai Lam, Antoinette Marie Lee, John Chan and Susan Fan .(2013). **Sex knowledge, attitudes, and high-risk sexual behaviors among unmarried youth in Hong Kong.** BMC Public Health, 13:691.
- Salleh Ali, Halim , Wan Abdul Manan, Wan Muda Azriani Abdul Rahman, Razlina Abdul Rahman, Shaiful Bahari Ismail, Mohd Ismail Ibrahim, Siti Hawa. (2012) .**Factors Associated With Attitude Toward Premarital Sexual Activities Among School-Going Adolescents in Kelantan, Malaysia.**

فرآیند چاپ مقاله در فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان



Qualitative Research on Results of Relationship between Young Girls and the Opposite Sex

Mansour Fathi

Ph.D., Assistant Professor, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'ii University, Tehran, Iran

Mohammad Taghi Karami Ghahi

Ph.D., Associate Professor, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'ii University, Tehran, Iran

Marzieh Pour Esmacili

Master Degree in Women Studies, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'ii University, Tehran, Iran

Received: 21 Jan. 2019

Accepted: 31 Mar. 2019

Considering the increasing trend of premarital sexual activity among girls in recent years, the current study is to understand in-depth girls' experiences of premarital sexual relationships with the opposite sex and related consequences. This study utilized qualitative and phenomenological research methodology. Due to the qualitative nature of the study, a targeted sampling method (snowball sampling) was used. This study took into account the theoretical saturation criterion and conducted interviews with 30 girls aged 18 – 31 years residing within the city of Tehran. Semi-structured interviews were conducted for data collection, and data were analyzed using either textual or thematic methods. The results were ultimately categorized into 4 primary levels: problems and challenges within the relationship, problems and challenges outside the relationship, relationship as an opportunity for growth, and self-restraint. Based on the results of current study we can concluded that relationship with opposite sex can both have positive consequences included increased awareness towards oneself and towards others, and negative consequences included pessimism towards the opposite sex, fear of establishing relationships, development of physical problems, among others.

Key Words: Girls, Premarital Sex, Norm Violation, Relationship with the Opposite Sex and Lived Experience

Measuring Social Health and Some Social Factors Affecting It

Karim Reza Doost

Ph.D., Associate Professor, Sociology Department, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Ali Hossein Hossein Zadeh

Ph.D., Full Professor, Sociology Department, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Ayub Rostami

Master Degree in Sociology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Received: 6 Apr. 2019

Accepted: 18 May 2019

21

The study is to measure social health and some social factors affecting it. The theoretical framework of this research is based on theories of Keys, Baudrillard, Lycec, Berkman, Rose and Wu. The method of this research is quantitative and survey type. The statistical population includes all students of Shahid Chamran University of Ahvaz. The sample size was 374 persons based on the Cochran formula. The stratified sampling was considered proportional to volume. The findings showed the mean of social health of students as 100/44 which indicates that their average health is moderate. The findings also showed that there is a significant relationship between perceived social support, mass media, field of study and sex with social health. There was also a reverse and significant relationship between age and social health, but there was not a significant relationship between membership variables in social networks and ethnicity with the dependent variable of social health. The results of multivariate regression showed that three variables (perceived social support, mass media and age) account for 10/3% of the changes in social health.

Key Words: Social Health, Social Support, Social Networks and University Students

A Study on 15-18 Aged High School Students' Social Wishes in the City of Yazd

Ali Ruhani

Ph.D., Assistant Professor in Sociology, Faculty of Social Sciences, Yazd Universit, Yazd, Iran

Abbass Askari Nadoushan

Ph.D., Associate Professor in Sociology, Faculty of Social Sciences, Yazd Universit, Yazd, Iran

Saeid Keshavarzi

Ph.D. in Sociology, Faculty of Economy, Management and Social Sciences, Shiraz Universit, Shiraz, Iran (Social Researcher)

20

Received:10 Feb. 2019

Accepted:30 Mar. 2019

Although wishes have been considered as one of the most indispensable concepts with many social consequences, but little attention has been given by sociologists to them. Furthermore, psychologists also have reduced this concept to the just some psychological features. In this study, with highlighting some special characteristics of wishes, we attempted to shed a light on their roles and influences on the social orientation of society. To do so, an extensive research has been done in order to identify and assess the Youth social wishes. In this vein, a first exploratory and interview-based study resulted in 18 identified categories of wishes. Then, we assessed the importance level of wishes and the impacts of structural-demographic variables (including gender, age and field of study) on them through a multi-stage cluster sampling survey among 2712 adolescents in Yazd city. According to the results, family-based and political wishes have been chosen as the most and the least important categories of wishes respectively. Furthermore, results showed that the importance of wishes for girls has been more than boys and in general, the importance of wishes decreased as they grew up. In addition, there has been significant relation between their field of study and some category of wishes. Finally, with discussing on the probable social consequent of wishes, the fields requiring planning and policy were introduced.

Key Words: Adolescents' Wishes, Futures Studies, Social Values and Social Policy

Influence of Qualitative Education Over Employment and Personal Identity of Youth

Parvin Dadandish

Ph.D., Assistant Professor, Political Sciences Department, East Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Hamid Rah Navard

Master Degree in Public Policy Making, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 17 Dec. 2018

Accepted: 5 Feb. 2019

19

Young people are the crucial elements of development in every country which existing them accounts for one of the tools of power in each nation – states. It must be mentioned having the social young people couldn't produce or create power deliberately without being made planning exactly by senior policymakers. The unemployment issue in the young field is a widespread phenomenon, but developed countries by means of allocating time and executing scientific methods could reach to some extent the tangible goals that one of them paying careful attention the education system. Education can give rise to promoting talent, creativity, and entrepreneurship. The well educated and skilled youth have got more potential to be attracted in foreign and domestic labor market. Whereas the main foundation of men identity is to possess a job and for women is to get marriage and family formation, qualitative education could result in employment and it can increase capability the young people to family formation. The youth who has a job and family has less probability to be engaged to social vulnerabilities. From creating the equation, in addition, having dynamic and energetic youth, and creative society, the country makes more profit from economic growth and national security.

Key Words: Youth, Qualitative Education, Employment, Marriage, Personal Identity and Policy Making

A Sociological Study on the Transition of Religious Culture through Families to Young People in the Last Four Decades (Case study: Tehran in 1397)

Soheila Mobarak

Ph.D Student in Cultural Sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Zahra Hazrati Someeh

Ph.D ., Assistant Professor, Sociology Department, Faculty of Social Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Bagher Saroo Khani

Ph.D ., Full Professor, Sociology Department, Faculty of Humanities and Social Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received:10 Oct. 2018

Accepted:12 Feb. 2019

The study is to study the sociological study on the Transition of religious culture through families to young people in the last four decades. Theoretical framework in present study benefited from the views of Berger and Lockman, Inglehart, Giddens, Glock, and Stark. The research method is descriptive-explanatory. The statistical population consisted of the youth of the last four decades in Tehran, the sample size was 390 people using Cochran formula and the samples were selected using cluster sampling and random sampling. To collect data, a questionnaire with interview and observation technique was used which has formal and reliable content validity with Cronbach's alpha of 0/83. Findings showed that religious culture significantly and directly correlates with the institutionalization of religion in the family. Among the studied age groups, there was a significant and negative difference in the religious culture of the last four decades. Also, the findings from the multiple regression model showed that the variables of religious education, beliefs, beliefs, education, commitment and commitment of the family towards religion were among the influential and significant factors in the transfer of religious culture in the last four decades.

Key Words: Religious Culture, Youth, Family, Religiosity and Generation

Young People, Family and Managing Marriage

Soheyla Sadeghi Fasae

Ph.D., Associate Professor in Sociology, University of Tehran, Tehran, Iran

Mohsen Banijamali

Head of of Management Studies Department, Strategic Studies and Researches Center, Ministry of Sports and Youth, Tehran, Iran (Ph.D. in Economic and Developmental Sociology, University of Tehran)

Received: 23 Feb. 2019

Accepted: 31 Mar. 2019

17

This qualitative study, by semi-structured interviews and based on young people's views, is to know how young people and their families, in interactions with each other, manage young people's marriages. Sample consists of 25 young peoples who are men and women, married and unmarried, and also from different ages and classes. Selection procedure is information-oriented and designed based on maximum variation and extreme cases. The research shows that the main burden of young people's marriages is on the shoulder of the family. It is enforced by traditional family roles in managing young people's marriages, as it is paralleled by, and accumulated with, new responsibilities, which are related to managing young people's educational aspirations and also their efforts for making an independent life. Since family does not have enough resources and simultaneously have to cope with different tasks, it inevitably would be faced with an unbearable and exhaustive situation, in addition to, probable pressure and intensified and increased inequality. The study also shows that relationships between young people and their families in managing marriages are based on reciprocal actions and also flexible interactions. Parents accept young people's right to make decisions and conduct their marriages, whereas young people, instead of rewarding family supports, embrace traditional procedures and acknowledge family interferences. This means that, whereas young people reflexively manage their marriages, families have beneficially remained efficient in supporting modern marriage processes. On these bases new order in managing young people's marriages is under construction.

Key Words: Young People, Family and Marriage

A Review of Ageing Effects on Skeletal Muscles

Mohammad Reza Fazli

Head of Strategic Studies and Researches Center, Ministry of Sports and Youth, Tehran, Iran

Received: 24 Feb. 2019

Accepted: 1 May 2019

16

In recent decades, along with industrialization, improvements in public health and subsequently higher life expectancy indices, population of elderly people has been increased.

The elderly ages are very important years of human life, because of progressive degeneration of human body tissues and its very deep impacts on physical performance.

One of the most impressive changes is muscular tissue decrement and atrophy of skeletal muscles, so called “sarcopenia”. The disease is so debilitating and causes severe dysfunction, quality of life, and life expectancy of patients.

In this article, most important aspects of ageing and muscle fiber changes and training effects on strength, endurance and composition of muscle fibers of elderly people are reviewed.

Key Words: Ageing, Skeletal Muscle, Strength Training and Combination Training

A Study on Effect of Organizational Intelligence on Productivity through Information Technology Mediation in Sports and Youth Departments

Hossein Azar Nia

Ph.D. Student in Sport Management, Department of physical Education and Sport Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Ali Mohammad Safa Nia

Ph.D., Full Professor, Department of Physical Education and Sport Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abbass Khoda Yari

Ph.D., Associate Professor in Sport Management, Faculty of Physical Education, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

Received:12 Nov. 2018

Accepted:2 Feb. 2019

The study is to investigating the effect of organizational intelligence on productivity through IT mediation in sports and youth departments. The present research is an applied research type and a correlation study. The statistical population includes all employees (1300) of sports and youth departments in 1397. In this research, using multi-stage cluster sampling method, 280 of them were randomly selected as samples. Data were collected by Albrecht's Organizational Intelligence Questionnaire, Hanafizadeh's Information Technology and Productivity (Achieve Model) Hersey and Blanchard and Goldsmith. To investigate and analyze these variables simultaneously, structural equation modeling using causal modeling in Amos software with $\alpha=0.01$ and at a significant level of 99% was used. The findings showed that, organizational intelligence and information technology have a positive and significant effect on productivity with the standardized coefficients of 0.27, 0.83, .Also the coefficient of influence of the organizational intelligence on the mediating variable (information technology) is 0.66 and the effect of the mediating variable on productivity is 0.83. The indirect effect of the organizational intelligence variable on productivity was 0.547, which means that organizational intelligence has meaningful and indirect effect on productivity through the intermediate variable of IT.

Key Words: Conceptual Model Test, Organizational Intelligence, Information Technology, Productivity, General Sports and Youth Departments

Relationship between Transformational Leadership Style, Creativity and Organizational Innovation in the Field of Physical Education in Education

Einollah Sadeghi Niaraki

Ph.D. Student in Sport Management, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran

Mehdy Naderi Nasab

Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran

Rahim Ramazani Nejad

Ph.D., Full Professor in Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Guilan, Guilan, Iran

Received: 30 Mar. 2019

Accepted: 13 Apr. 2019

Today, leadership style is a key word for the successful implementation of organizations with innovation and creativity and the transformational leadership style can play this role very well due to its prominent characteristics. Therefore, this study examines the relationship between transformational leadership style, creativity and organizational innovation in the field of physical education in education. The present study is a descriptive survey that describes, correlates, analyzes relationships and comparisons between the variables under study in two groups of managers and deputies (first group) as well as staff and experts in physical education (second group) of the country's educational institutions 1397 has been discussed. The sample studied in this study is equal to the statistical population and the total number. In this research, multivariable leadership questionnaires (MLQ-5x) in this research were multivariable leadership questionnaires (MLQ-5x) Bass and Avolio (2000) and organizational innovation and creativity Gumusluoglu Lale and Arzu Ilsev (2009) after determining the credibility and stability and reliability were used. The findings showed that there is a significant relationship between transformational leadership and creativity as well as employee and employee innovation, and the ability and motivation of employees are influenced by the transformational leadership style.

Key Words: Transformational Leadership Style, Creativity and Innovation

Evaluation of Management Information System in Ministry of Sports and Youth on the Basis of the Delon and McLean Model

Maziar Hatami

Ph.D. Student in Sport Management, Physical Education and Sport Sciences Department, Faculty of Humanities, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran

Seyyed Mostafa Tayyebi Sani

Ph.D., Assistant Professor, Physical Education and Sport Sciences Department, Faculty of Humanities, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran

Ali Fahimi Nejad

Ph.D., Assistant Professor, Physical Education and Sport Sciences Department, Faculty of Humanities, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran

Bagher Morsal

Ph.D., Assistant Professor, Physical Education and Sport Sciences Department, Faculty of Humanities, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran

Received: 26 Sep. 2017

Accepted: 12 Jan. 2018

The study is to evaluate the success rate of Management Information System in the Ministry of Sports and Youth based on the basis of Delon and McLean model. This research is descriptive-survey and it is applied in terms of purpose and is done in a field and questionnaire. Using the rule of thumb for the analysis of structural equations, the minimum sample size was 320. So, 350 questionnaires were distributed among employees and managers and finally 329 questionnaires were returned. A Delun and McLean (2003) questionnaire was used to collect data. To test reliability, the correlation coefficient of test-post test and Alpha-Cronbach's coefficient were obtained 0/82 and 0/90, respectively. To assess the validity of the questionnaire, formal and content method was used. For data analysis, Pearson correlation coefficient and confirmatory factor analysis were used to present and validate the model in Amos 20 and SPSS software. Correlation results showed that there is a significant correlation of 99/99% between the main correlation variables, which allows for further analysis. The results showed that the quality of the information system, the quality of information and the quality of the services of the Ministry of Sport were related to the user's use of the system and user satisfaction and the quality of the system is related to net benefits, and the quality of information and service quality with net benefits through user's use and satisfaction Users are affected by the system. Therefore, it can be concluded that the success of the management information system based on the Delon and McLean model can be effective in expediting and improving efficiency.

Key Words: Management Information System, Ministry of Sports and Youth and Delon and McLean Model

A Model for the Effects of Social and Psychological Functions of Sport Social Media on Attachment of Tehran Esteghlal Team Fans

Masoumeh Kalateh Seifari

Ph.D., Associate Professor in Sport Management, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran

Mohsen Esmacili

Ph.D., Assistant Professor, Sport Science Research Institute, Tehran, Iran

Masoud Fereydouni

Ph. D. in Sports Marketing and Media, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran

12

Received: 2 Sep. 2017

Accepted: 17 Nov. 2017

The study is to design a model for the effects of social and psychological functions of sport social media on attachment of Tehran Esteghlal team fans. The methodology was correlation that was done as a field survey. The statistical population was all fans of Tehran Esteghlal team that were a member at least on the club's official page in Instagram or official channels Esteghlal Tehran in the telegram. 389 corrected questionnaires of Esteghlal Club fans who participated in Derby's play at Azadi Stadium in Tehran as samples were collected. From library studies and recent researches in field of social media in sport, the research instrument was designed that was confirmed face and content validities by seven professors in sport management and media. The reliability of the research instrument in the pilot study was accounted ($\alpha=0/76$). The result of the Cronbach's alpha test for social and psychological functions ($\alpha=0/86$) and for attachment of fans ($\alpha=0/88$) indicated a desirable reliability of the research instrument. The results of exploratory factor analysis (EFA) also confirmed the study instrument. The results showed that psychological and social function of sports social media has a direct and positive effect on attachment of fans ($P<0.05$). Based on the results, the marketing managers of sports clubs is suggested that by social and psychological functions, social media can be used to attract new fans and promote loyalty of current fans and the club and their fans have benefits from supporting each other's.

Key words: Social Media, Social and Psychological Functions, Esteghlal Club and Attachment of Fans

Relationship between Perfectionism, Self-determination and Contrastive Methods between Sport Teams

Morteza Ghalibaf Toosi Nejad

Ph.D. Student in Strategic Management in Sport Organizations and Events, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Mona Rezaee

Ph.D., Assistant Professor, Physical Education and Sport Sciences Department, Faculty of Humanities, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran

Behrooz Montaghemi

Ph.D. in Strategic Management in Sport Organizations and Events, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received: 26 Aug. 2017

Accepted: 4 Sep. 2017

The research is to investigate the relationship between perfectionism, self-determination and contrastive methods between sport teams. Research sample was the same as population (232 persons) and were consisted of all of the athletic students. The data was collected by three questionnaires: perfectionism multidimensional (1990), ($\alpha=0/87$), Behavioral Regulation in Sport (2008), ($\alpha=0/8$) and Athletic Coping Skills Inventory (1995), ($\alpha=0/896$). The data was analyzed by mean, standard deviation, Kolmogorov–Smirnov, Pearson and regression by SPSS (20). There was a positive significant relationship between perfectionism ($P=0/00$, $r=0/38$) and Concern over mistakes ($P=0/00$, $r=0/26$), suspect about performance ($P=0/00$, $r=0/17$), parental expectations ($P=0/00$, $r=0/35$), parental criticism ($P=0/00$, $r=0/35$), personal standards ($P=0/00$, $r=0/17$), and organization ($P=0/00$, $r=0/06$) and contrastive methods. Also, parental expectations ($\beta=0/26$) and parental criticism ($\beta=0/15$) were significant predications for contrastive methods. There was a positive significant relationship between self-determination ($P=0/04$, $r=0/13$) and internal reasons ($P=0/01$, $r=0/15$), coordination's reasons ($P=0/00$, $r=0/17$), identification ($P=0/04$, $r=0/13$), adjustment avoidance reasons ($P=0/00$, $r=0/21$) external avoidance reasons ($P=0/00$, $r=0/24$). The external avoidance reasons ($\beta=0/20$) was the only significant predication for contrastive methods. According to the results, perfectionism and self-determination were the contrastive methods for athletes.

Key Words: Perfectionism, Self-determination, Contrastive methods and Students

Relationship between Entrepreneurial Marketing Dimensions and the Performance of Private Sports Clubs in Tehran

Shahram Nazari

Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Physical Education Department, Faculty of Humanities, Non- governmental University of Eyvanekey, Semnan, Iran

Nargess Solati

Master Degree in Sport Management, Physical Education Department, Faculty of Humanities, Non- governmental University of Eyvanekey, Semnan, Iran

Ahmad Gerami Ganjeh

Master Degree Student in Sport Marketing Management, Physical Education Department, Faculty of Humanities, Non- governmental University of Eyvanekey, Semnan, Iran

10

Received:31 Dec. 2018

Accepted:26 Jan. 2019

The study is to determine the relationship between the dimensions of entrepreneurial marketing and the performance of private sports clubs in Tehran. In terms of data collection, descriptive correlations were used. The research population was all private sports clubs in Tehran (459 clubs) among which 217 clubs selected according to the Morgan table. 250 questionnaires were distributed among the managers of the clubs and finally 203 questionnaires were analyzed. In order to collect data and measure the variables of the model, entrepreneurship marketing questionnaire Fiore et al. (2013) and Hosseini marketing questionnaire (2011) were used. Its reliability was based on Cronbach's alpha, which was more than 0/7 and its validity was confirmed using convergent validity. Descriptive statistics (tables and graphs of frequency distribution) and inferential statistics (Pearson correlation and Multiple Linear Regression) and structural equation modeling techniques were used to analyze the data. The results of the research showed that there is a positive correlation between entrepreneurial marketing and its dimensions (chance of awareness, innovation, value creation, risk management) and the marketing performance of private sports clubs in Tehran. Based on the results of the research model, the entrepreneurial marketing of the effect had a significant positive effect on the marketing performance of private sports clubs in Tehran. According to the research results, entrepreneurial marketing can be well suited to small and medium-sized businesses, such as sports clubs, due to its unique characteristics, leading to increased profitability and ultimately improved club performance.

Key Words: Create value, Entrepreneurial Marketing, Marketing Performance and Sport Club

Identifying Causal Conditions of Developing the Capabilities of Elite Managers in Selected Sport Organizations in Iran (A Grounded Theory Approach)

Fatemeh Fazeli Dinan

Ph.D. in Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Non- governmental Shomal University, Mazandaran, Iran

Ali Mohammad Safa Nia

Ph.D., Full Professor in Sport Management, Physical Education and Sport Sciences Department, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Seyyed Emad Hosseini

Ph.D., Assistant Professor, Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Received:14 Aug. 2017

Accepted:21 Aug. 2017

The study is to identify the causal conditions that affect the development of the capabilities of elite managers in selected sport organizations in Iran. The methodology in this research is qualitative (Grounded Theory) and data collection was done through interviewing and reviewing the literature. The statistical population of the research includes the scientific elites and sports elites in physical education and sport sciences- active in selected sports organizations in the country. The research sample was determined theoretically and after the 17 interviews, the framework of the theory was formed. Data analysis was performed using three open, axial and selective coding steps with using Atlas.Ti software version 5.2. Based on the results of the research, the conditions affecting on the establishment and development of the capabilities of elite managers in selected sport organizations of the country were extracted in seven indices. These factors include identification of organizational factors, resource management, performance management and communication within and outside the organization, comprehensive monitoring system, attention to motivational issues and a different look at the strategies identified in the organization. The results showed that in order to promote sports organizations and advance targets by human resources, it is necessary to identify some of the causal conditions for developing managers' capabilities. These conditions can be exploited by identifying and exploring the factors relevant to the organization and its affiliated groups in the community, and will lead to the development of managers' capabilities and other related developments.

Key Words: Causal Conditions, Capacity Development, Elite Managers and Grounded Theory

Strategies and Outcomes of Development of Iran Professional Sports

Ali Reghbati

Ph.D. Student in Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran

Farideh Hadavi

Ph.D., Associate Professor, Department of Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran

Najaf Aghaei

Ph.D., Associate Professor, Department of Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran

Ali Reza Elahi

Ph.D., Associate Professor, Department of Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran

Received: 15 Jan. 2019

Accepted: 16 Mar. 2019

The research is to determine the strategies and outcomes of the development of Iran professional sport. To achieve the goal, according to the specialty of the subject, qualitative study was used by interviewing the elite with this topic. Interviews were conducted on purposeful snowball method and finally, 18 people were interviewed. The data from the interviews were analyzed by data method through three stages of open, axial and selective coding. The findings of the strategies indicated nine main areas that cover the internal and external challenges of the development of professional sports in the country. These areas include: managerial, legal, human resources, hardware, facilities, entrepreneurship, and economics, structural and cultural-media. Also, the identified consequences of the strategies include: Entrepreneurship, economic development, national development, behavioral development and structural development, which were largely in line with the strategies. According to the research findings, the proposed strategies can be a contributor to the sports managers of the country in relation to the development of professional sport in the country.

Key Words: Development, Sport Industry, Strategies, Outcomes and Professional Sport

Young People, Family and Managing Marriage

Soheyla Sadeghi Fasae: Ph.D., Associate Professor in Sociology, University of Tehran, Tehran, Iran / **Mohsen Banijamali:** Head of of Management Studies Department, Strategic Studies and Researches Center, Ministry of Sports and Youth, Tehran, Iran (Ph.D. in Economic and Developmental Sociology, University of Tehran) **17**

A Sociological Study on the Transition of Religious Culture through Families to Young People in the Last Four Decades (Case study: Tehran in 1397)

Soheila Mobarak : Ph.D Student in Cultural Sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran / **Zahra Hazrati Someeh:** Ph.D ., Assistant Professor, Sociology Department, Faculty of Social Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran / **Bagher Saroo Khani:** Ph.D ., Full Professor, Sociology Department, Faculty of Humanities and Social Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran **18**

Influence of Qualitative Education Over Employment and Personal Identity of Youth

Parvin Dadandish: Ph.D., Assistant Professor, Political Sciences Department, East Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran / **Hamid Rah Navard:** Master Degree in Public Policy Making, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran **19**

A Study on 15-18 Aged High School Students' Social Wishes in the City of Yazd

Ali Ruhani: Ph.D., Assistant Professor in Sociology, Faculty of Social Sciences, Yazd Universit, Yazd, Iran / **Abbass Askari Nadoushan:** Ph.D., Associate Professor in Sociology, Faculty of Social Sciences, Yazd Universit, Yazd, Iran / **Saeid Keshavarzi:** Ph.D. in Sociology, Faculty of Economy, Management and Social Sciences, Shiraz Universit, Shiraz, Iran (Social Researcher) **20**

Measuring Social Health and Some Social Factors Affecting It

Karim Reza Doost: Ph.D., Associate Professor, Sociology Department, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran / **Ali Hossein Hossein Zadeh:** Ph.D., Full Professor, Sociology Department, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran / **Ayub Rostami:** Master Degree in Sociology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran **21**

Qualitative Research on Results of Relationship between Young Girls and the Opposite Sex

Mansour Fathi : Ph.D., Assistant Professor, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'ii University, Tehran, Iran / **Mohammad Taghi Karami Ghahi:** Ph.D., Associate Professor, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'ii University, Tehran, Iran / **Marzieh Pour Esmacili:** Master Degree in Women Studies, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'ii University, Tehran, Iran **22**

A Model for the Effects of Social and Psychological Functions of Sport Social Media on Attachment of Tehran Esteghlal Team Fans

Masoumeh Kalateh Seifari: Ph.D., Associate Professor in Sport Management, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran / **Mohsen Esmacili:** Ph.D., Assistant Professor, Sport Science Research Institute, Tehran, Iran / **Masoud Fereydouni:** Ph. D. in Sports Marketing and Media, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran **12**

Evaluation of Management Information System in Ministry of Sports and Youth on the Basis of the Delon and McLean Model

Maziar Hatami: Ph.D. Student in Sport Management, Physical Education and Sport Sciences Department, Faculty of Humanities, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahroud, Iran / **Seyyed Mostafa Tayyebi Sani:** Ph.D., Assistant Professor, Physical Education and Sport Sciences Department, Faculty of Humanities, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahroud, Iran / **Ali Fahimi Nejad:** Ph.D., Assistant Professor, Physical Education and Sport Sciences Department, Faculty of Humanities, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahroud, Iran / **Bagher Morsal:** Ph.D., Assistant Professor, Physical Education and Sport Sciences Department, Faculty of Humanities, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahroud, Iran **13**

Relationship between Transformational Leadership Style, Creativity and Organizational Innovation in the Field of Physical Education in Education

Einollah Sadeghi Niaraki: Ph.D. Student in Sport Management, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran / **Mehdy Naderi Nasab:** Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran / **Rahim Ramazani Nejad:** Ph.D., Full Professor in Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Guilan, Guilan, Iran **14**

A Study on Effect of Organizational Intelligence on Productivity through Information Technology Mediation in Sports and Youth Departments

Hossein Azar Nia: Ph.D. Student in Sport Management, Department of physical Education and Sport Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran / **Ali Mohammad Safa Nia :** Ph.D., Full Professor, Department of Physical Education and Sport Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran / **Abbass Khoda Yari :** Ph.D., Associate Professor in Sport Management, Faculty of Physical Education , Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran **15**

A Review of Ageing Effects on Skeletal Muscles

Mohammad Reza Fazli: Head of Strategic Studies and Researches Center, Ministry of Sports and Youth, Tehran, Iran **16**

CONTENTS

Strategies and Outcomes of Development of Iran Professional Sports

Ali Reighbati: Ph.D. Student in Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran / **Farideh Hadavi:** Ph.D., Associate Professor, Department of Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran / **Najaf Aghaei:** Ph.D., Associate Professor, Department of Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran / **Ali Reza Elahi:** Ph.D., Associate Professor, Department of Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran **8**

Identifying Causal Conditions of Developing the Capabilities of Elite Managers in Selected Sport Organizations in Iran (A Grounded Theory Approach)

Fatemeh Fazeli Dinan: Ph.D. in Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Non- governmental Shomal University, Mazandaran, Iran / **Ali Mohammad Safa Nia:** Ph.D., Full Professor in Sport Management, Physical Education and Sport Sciences Department, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran / **Seyyed Emad Hosseini:** Ph.D., Assistant Professor, Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran **9**

Relationship between Entrepreneurial Marketing Dimensions and the Performance of Private Sports Clubs in Tehran

Shahram Nazari: Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Physical Education Department, Faculty of Humanities, Non- governmental University of Eyvanekey, Semnan, Iran / **Nargess Solati:** Master Degree in Sport Management, Physical Education Department, Faculty of Humanities, Non- governmental University of Eyvanekey, Semnan, Iran / **Ahmad Gerami Ganjeh:** Master Degree Student in Sport Marketing Management, Physical Education Department, Faculty of Humanities, Non- governmental University of Eyvanekey, Semnan, Iran **10**

Relationship between Perfectionism, Self-determination and Contrastive Methods between Sport Teams

Morteza Ghalibaf Toosi Nejad: Ph.D. Student in Strategic Management in Sport Organizations and Events, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran / **Mona Rezaee:** Ph.D., Assistant Professor, Physical Education and Sport Sciences Department, Faculty of Humanities, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran / **Behrooz Montaghemi:** Ph.D. in Strategic Management in Sport Organizations and Events, Central Tehran Branch, Islamic Azad University,

Editorial Board:

Seyyed Abdol Hamid Ahmadi

Associate Professor in Physical Education (Sport Physiology) Academic Center for Education, Culture and Research (ACECR)

Mohammad Javadipour

Associate Professor in Educational Planning Curriculum Development & Instruction Methods Department Faculty of Psychology and Educational Sciences University of Tehran

Seyyed Nasrollah Sajjadi

Full Professor in Physical Education (Management and Planning) Sport Management Department Faculty of Physical Education and Sport Sciences University of Tehran

Gholam Reza Shabani Bahar

Full Professor in Physical Education (Management and Planning) Management and Planning in Physical Education Department Physical Education and Sport Sciences Department Allameh Tabatabai University

Rasoul Sadeghi

Associate Professor in Sociology Demography Department Faculty of Social Sciences University of Tehran

Farzad Ghafouri

Associate Professor in Physical Education (Management and Planning) Management and Planning in Physical Education Department Faculty of Physical Education and Sport Sciences Allameh Tabatabai University

Kourosh Fathi Vajargah

Full Professor in Educational Planning Higher Education Department Faculty of Education and Psychology Shahid Beheshti University

Reza Gharakhanlou

Full Professor in Physical Education (Sport Physiology) Physical Education Department Faculty of Humanities Tarbiat Modares University

Shahla Kazemipour

Associate Professor in Sociology Demography Department Faculty of Social Sciences University of Tehran

Abbass Ali Gaeini

Full Professor in Physical Education (Sport Physiology) Sport Physiology Department Faculty of Physical Education and Sport Sciences University of Tehran



QUARTERLY OF STRATEGIC STUDIES ON YOUTH AND SPORTS

● **No.44** ● **Summer 2019** ●

● **Concessionaire:** Ministry Of Sports and Youth ●

● **Director:** Mohammad Reza Fazli ●

● **Editor-in-Chief:** Seyyed Nasrollah Sadjadi ●

● **Office Manager:** Zahra Kamalian ●

● **Typist:** Jafar Khodady ●

● **Publication:** Iranian Student Book Agency ●

**MINISTRY OF SPORTS AND YOUTH
STRATEGIC STUDIES AND RESEARCHES CENTER**

● **Add:** No.4. Sayeh St. Afriqa Blvd. Tehran, Iran ●

● **Tel:**+98(21)22662369 ●

● **Fax:** +98(21)22662260 ●

● **<http://faslname.msy.gov.ir>** ●

*In The Name Of Allah
The Beneficent and the
Merciful*